

طريق السعادة والسداد
في إصلاح المجتمع بالوعظ والإرشاد

أليفه
فضيلة الشيخ

محمد بن يحيى سلطان العلماء

عقد بطبوعه ورامنه
فردم العام

عبدالله بن إبراهيم الأندلسي

طبع على نفقة

إدارة إحياء التراث الإسلامي

بمؤلة طرب

بخش کیم از کتاب موسوم به

طریق السَّعَادَةِ وَالسَّدَادِ

فِي إِصْلَاحِ الْمَجْتَمَعِ بِالْوَعظِ وَالْإِشْرَادِ

تأليف
فضيلة الشيخ

محمد عيسى سلطان العلماء

عنى بطبعه ومراحمته
خادم العالم

عبد الله بن إبراهيم الأنصاري

طبع على نفقة

إدارة إحياء التراث الإسلامي

بدولة قطر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمة

الحمد لله كتب السعادة لمن أحب من عباده ، وهداهم إلى طريق الخير والسداد وشرح صدورهم لاستقبال أوامر رب العباد ، حب إليهم الإيمان وزينه في قلوبهم ، وكره إليهم الكفر والفسوق والفساد ، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له رب العباد ، وأشهد أن سيدنا ونبينا محمداً عبده ورسوله أفصح ناطق بالضاد ، اللهم صل على سيدنا ونبينا محمد وعلى آله وأصحابه صلاة دائمة مستمرة إلى يوم التناد وسلم تسليماً كثيراً
وبعد

فعلم الله محيط بخلقه ، يعلم السر وأخفى ، لا تخفى عليه خافية ، ولا تشبته عليه أنواع اللغات ، فهو الذي يعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور ، من اهتدى فإنما يهتدي لنفسه ، ومن ضل فإنما يضل عليها ، وما ربك بظلام للعبيد ، ثم لما كان من أهم ما يبحث عنه القاصد للخير ، ومن أوجب ما يسأل عنه الساعي إلى خير المجتمع الإسلامي ، وكان من واجب ذلك الطامع ، أن ينظر إلى العوامل المؤثرة والأسباب والوسائل الناجحة ، وحيث أن هناك من لا يجيد اللغة العربية إجادة كافية ، ولكنه ماهر في لغات أخرى ، ومنها اللغة الفارسية ، ولقد اطلعنا على أسفار من الكتب النافعة ، والمواعظ القيمة ، والإرشادات الصالحة ، في اللغة الفارسية ، وكلها كانت قديمة ولها مكائنها في العلم والارشاد ، وإنما من حسن الطالع أن وقفنا بقدرة الله تعالى وإرادته على كتاب جليل ، وسفر نافع ،

يحمل بين صفحاته معاني عنوان الكتاب وهو (طريق السعادة والسداد في إصلاح المجتمع بالوعظ والارشاد) على حد قول الفائل :

وقل إن شاهدت عينك ذا لقب إلا ومعناه إن فكرت في لقبه وهذا الكتاب لمؤلفه العالم الفاضل الشيخ محمد علي سلطان العلماء وهو مشهور بعلمه وعمله ، وسعيه لصالح الإسلام والمسلمين ، ولا داعي لسرد تاريخه فهو عالم بن عالم ويكفي أن والده قد ملأ ساحل فارس من علمه وثمرات تعليمه ، فكثير من العلماء الموجودين هناك ، تخرجوا ودرسوا لديه ، ومنهم كان والدي رحمه الله الشيخ إبراهيم بن عبد الله الأنصاري ، كان ممن درس عليه ، وأخذ العلم منه ، وكان والده يعتبر من الصالحين المشهورين في نبله وأخلاقه وفضله وكرمه وسخائه ، بالاضافة إلى غزارة علمه ، لم لا وهو أول خريج من الأزهر من الخليج العربي وفارس ، وكان غرير العلم ، حاد الفهم ، سريع الذاكرة ، إذا تكلم ووعظ كأنما يغرف من بحر ، حتى انطبق عليه هذا اللقب الذي اشتهر به وبقي اللقب في أولاده (سلطان العلماء) ولنرجع إلى كتابنا الذي عزمنا بعون الله تعالى وبعد الاستشارة على طبعه فهو كتاب نفيس ، نرجو الله سبحانه وتعالى أن يحقق لنا الآمال وأن يجزل الأجر العظيم لمؤلفه ، ويبارك في حياته ، ويلهمنا وإياه العلم النافع ويحبب لنا وله صالح العمل ، وأن يغفر لنا وله ولوالدينا ولأساتذنا وللمسلمين الموحدين وكما نسأله سبحانه وتعالى أن يجزل الأجر والثواب لكل من سعى في مراجعته ونشره وطبعه ، ونفع الإسلام والمسلمين ، إنه سميع مجيب وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه ومن تبعه بإحسان إلى يوم الدين سبحانه ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين .

خادم العلم

غرة جمادى الأولى ١٤٠٨ هـ

١٩٨٧/١٢/٢١ م

عبدالله بن إبراهيم الأنصاري
مدير إدارة إحياء التراث الإسلامي

مقدمه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَقَلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی

در این پنج بخش که در مواعظ و ارشاد است کوشش شده است با تنهایی
اختصار که در خور فهم نوآموزان و مبتدیان باشد یاد شود.
آیات و احادیث مورد بحث به اختصار شرح شده است و سعی بر این شده
است که در این مواعظ که به عبارتی سه ده نوشته شده است مطالب متنوع باشد تا
جوانهای ماکه کمتر کتابهای دینی را در اختیار دارند و یا کمتر با آنها علاقه نشان میدهند
این کتاب مشوق آنها باشد. از اینراه در ضمن مواعظ و ارشاد احکام عبادات طرز رفتار
با پدر و مادر بر خورد و بامردم عیادت بیمار و احکام شیرخوارگی و آثار آن و احوال قیامت
و محبت کردن آن به طریق علمی و مقام علم و والائی علماء و تربیت فرزند و مسئولیت پدر
مادر و سیرت قسمتی از بزرگان و مطالب بسیار دیگر به رشته تخریر آورده شده است.
کتاب حاضر که دارای یکصد مواعظ است می تواند برای جوانان راهنمای اخلاقی باشد.
البته کتابی که برای افراد مبتدی و عموم مردم تخریر شود نمی تواند بدون قصور باشد و
نیچوگاه برای آدمی اوعای کمال مستم شده است چه برسد به مقالاتی که برای مبتدیان و
عموم مردم تخریر شده باشد. آما می توان از مباحث کتاب دانست که آیات قرآن
کلام الله مجید و احادیث سرور کائنات محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم و علی آله و صحبه اجمعین

وسیرت بزرگان اسلام که از همان دُؤصل قرآن و حدیث سرچشمه میگردد تا چه تا اندازه بر
 معنویت خود باقی است. و همیشه تازه است. همانند خورشید که ممکن است بودن ابر تیره
 تا اندازه ای خورشید را پنهان سازد. اما با گذر رفتن ابرهای تیره و تار از نور خورشید
 بهتر و درخشان تر خود را نشان میدهد. در دنیای ما اگر چه تیرگی مادیّت و فساد اخلاقی که
 مولود تقلید بیکانگان است جوانان ما را از نور قرآن و فروغ حدیث به دور داشته
 است. اما هر جوان موفقی که نخواهد بر خورشید اسلام و توف بیابد چون دُؤصل اسلام
 که قرآن و حدیث صحیح است همیشه باقی و برقرار است می تواند با اندک کوشش راه سعادت خود
 را از آن دو باز یابد. امیدواریم همین اندک مایه ای که داشته ایم و در این راه بکار برده
 ایم مورد قبول درگاه خدا سبحانه و تعالی قرار گیرد که تنها نقطه امید منوط به قبول در درگاه
 اوست. عز و صل.

از خدای توانا خواهانیم این کتاب را مورد استفاده قرار دهد و برای جوانان
 وسیله هدایتی فراهم فرماید تا بتوانند به روش اسلاف خود که جمع نیکی در دنیا و آخرت
 بود دست یابند. وَصَلَّى اللهُ وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا
 يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

از افراد خیر و نیکوکاری که در مصرف چاپ این کتاب ما را یاری کردند صمیمانه
 سپاس گذاریم و از کس نیکه در پاکستان نویس کتاب و ترتیب فهرس مطالب و اعلام
 کتاب ما را یاری دادند تشکر می نمایم. و از کس نیکه این کتاب را بخوانند و به آن عمل
 نمایند اظهار امتنان می نمایم خداوند همگلی شان را جزای خیر دهد آمین

۱- آغاز رمضان

الْحَمْدُ لِلَّهِ هُمَا يَنْبَغِي لَجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيمِ سُلْطَانِهِ
 وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ
 أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ صَلِّ
 وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ أَمَّا بَعْدُ
 يَا عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى وَأَطِيعُوا - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى :-
 ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ
 مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ
 وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ البقرة - ۱۸۵

خدای تعالی فرمود: ماه مبارک رمضان است که قرآن مجزه جاویدان اسلام در آن نازل شد. تارا بهمانی برای مردم باشد و از هدایت و رهبری مردم و از جدائی میان حق و باطل نشاء بلونی آشکار در برداشته باشد چنین ماهی که سر آغاز سعادت بشر در آن شروع شد. و نشاءه های روشن برای نیکبختی مردم در آن پی ریزی گشت تا روزه داری که نشاء تسلط بر اعصاب و عنوان ایمان داری و ترس از خداوند روز قیامت و وسیله یادآوری احوال فردماندگان و برخواستی به مددگاری شان است در همین ماه مقرر گردد. کسیکه در این ماه مبارک در شهر حاضر باشد روزه بگیرد و از روزه داری خود ایمان خود را نیرو بخشد و بدن خود را بهبود بخشد و روح و روان خود را بحال بسکالی و قرار گرفتن در صف فرشتگان عطا نماید کسیکه در شهر حاضر باشد و غدیری بر ترک روزه نداشته باشد روزه گرفتن او فرض است

و هیچ چیز جای آن نخواهد گرفت - اما کسیکه مسافر باشد و یا بیمار و تواند روزه بگیرد. در برابر هر روزی که بجز سفر و یا بیماری انظار می کند قضا برود. کسیکه روزه داری در حال سفر بروی دشوار نباشد روزه داریش بهتر است کسیکه روزه داریش در حال بیماری برایش دشوار و یا مضر نباشد روزه داریش بهتر است. زیرا روزه خود مایه شفا و بهبودی است و وسیله صبر و شکیبائی و باعث قدرت و نیرومندی است و چقدر فرق است میان کسیکه چند ساعتی را برای رضای خدا خود را گرسنه بدارد و ایمان خود را تقویت بخشد و میان کسیکه شکم را قبله نماید و ایمان را ضائع گرداند.

مورد و وجوب روزه

هر فرد بالغ عاقل مسلمانی است که توانائی روزه داشته باشد.

فرضهای روزه رمضان

نیت کردن بشب است و خود داری از مفطرات.

نیت کردن

تَوَكَّيْتُ فَرَضَ صَوْمِ غَدٍ لِلَّهِ تَعَالَى : نیت کردم که فردا بروزه باشم - روزه
فرض ماه مبارک رمضان امسالیه خدا را.

خود داری از مفطرات

به اینکه از خوراک و آب و جماع در تمام ساعات روزه داری خود داری نماید -
قی بعد روزه را باطل نمیساید - استفراغ که از روی غلبه باشد نه بعد
روزه را باطل نمیگرداند - بهتر است از شب اول رمضان نیت روزه گرفتن همه
ماه مبارک رمضان نمودن.

قَوَيْتُ فَرَضَ صَوْمِ هَذَا الشَّهِرِ كَلِّهِ اللَّهُ تَعَالَى .

(خدا یا قصد من روزه داری فرض همه این ماه است تو مرا بر آن موفق گردان)

نظر کردن برای دیدن هلال یعنی ماه یکشنبه هر ماه فرض کفایت است که در سر
همراه باید عده ای ماه را بنگزند و ماه یکشنبه را به همینند و در غیر این صورت همه عاصی گردند
و نظر کردن برای دیدن هلال رمضان برک است و می توانند هلال را ببینند فرض است
در موقع دیدن هلال گفتن .

هَلَالٌ رُشِدٌ وَخَيْرٌ أَمْنٌ بِالَّذِي خَلَقَكَ رَبِّي وَرَبَّكَ اللَّهُ
اللَّهُمَّ اهْدِنَا هَلَالَهُ عَلَيْنَا بِالْيَمِينِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِشَهْرِ..... وَجَاءَ بِشَهْرِ.....

ماه یکشنبه خوشی و سعادت است ایمان آوردم به خدای یکتائی که تو را آفرید پروردگار
من و تو خدای یکتا است . خدایا گشایش این ماه بر ما به برکت و ایمان و تندرستی و
اسلام قرار ده همه ستایش خدای یکتا را است که ماه شعبان را سپری ساخت و ماه
رمضان را آورد . ماه مبارک رمضان سنتها و آدابی دارد سحری خوردن و اگر چه
به کفی آب باشد . فرموده رسول است :

تَسْحَرُ وَأَفَاتَ فِي السَّحْرِ بَرَكَةٌ

(سحری بخورید زیرا در سحری خوردن برکتی است)

آشکارا آدمی را در روزه داری مدد می نماید و بدن را در ادامه روزه نیرو می بخشد
و در غذائی که بقصد طاعت خدا تعالی باشد ثواب است . برانندگی از غذا کتفا کردن از
آداب رمضان است تا روزه در چه در روز چه در شب احساس سبکی بدن و نشاط روح

در بقا اثر گرسنگی نماید - پر خورای هر گاه بیش اُحد سیری باشد غیر رمضان هم حرام است و مقصود از خوراک آن است که مایه نشاط و وسیله تندرستی و از اسباب عافیت و رسیدن بزود معرفت باشد. بقول سعدی: اندرون از طعام خالدار: تا در او نوز معرفت بینی: تو کجا نوز معرفت

توانی دید: که پری از طعام تاینی - در روزهای بیاد خدا و تلاوت قرآن و صلوات بر ارحام و کومک به مستمندان گذراندن که قصد از روزه داری احسان گرسنگی و رسیدن به گرسنگان و صفای روح و زیادت ایمان و عادت گرفتن بر خوبیا و خصلتهای پستزیده است - صرف روز در رمضان بخواب زیاد و یا وقت گذراندن در کارهای که نه نفعی برای دنیا و نه توشه ای برای آخرت باشد علامت نامقبولی روزه است وقت بسرعت میگذرد - اگر در راه خیر صرف نشد در شر بمصرف میرسد زبان اگر حفظ نشد تباهی عمل و نقصان ایمان و افتادن در این و آن بباری آورد در این یکماه زبان خود را حفظ کنی غیبت در هر ماه و در هر موقع حرام است -

غیبت در ماه رمضان هم حرام است و هم مبطل روزه - قال رسول الله صلی الله علیه و سلمه
 « خمس حضای یفطرن الصائم و ینقضن الیضوع: الکذب و الغیبة و النمیمة و النظرة بشهوة و الیمین الکاذبة » پنج خصلتند که روزه را باطل کنند و وضو را بشکنند - دروغگویی و پشت سردی گران غیبت کردن و خبر چینی و نظر ناپاک و قسم دروغ که هر یک از اینها باطل کننده روزه و نابود کننده وضو هستند در ماه رمضان گشاده دستی از سنتها و آداب رمضان است تا هر کس بحسب استطاعت خود در این ماه اسباب شادمانی بستگان و همسایگان و مستمندان خویش و ندان فراهم سازد - روزی در این ماه بر کسانیکه در راه خیر انفاق کنند گشایش بیشتری می یابد و طاعت خداتعالی در این ماه برای کسانیکه دلهای بیشتری بدست می آورند بیشتر فایده می گردد - بعد از تحقق غروب بسرعت افطار کردن یکی از سنتهای روزه و از آداب ماه مبارک رمضان است -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: لا يزال الناس بخير ما عجلوا الفطر وأخروا
 السحور. مسلمانان همیشه بخیرند مادامیکه افطار را تاخیر نیندازند و سحری را تاخیر نکنند. همینکه آفتاب
 کاملاً غروب نمود سنت است افطار کردن. بعد از تحقق غروب حتی یک دقیقه تاخیر کردن برخلاف
 سنت است در موقع افطار گفتن:

(اللَّهُمَّ لَكَ صُمتٌ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفطَرْتُ وَبِإِيتِمْ وَأَمْنَتُ وَعَلَيْكَ
 تَوَكَّلْتُ وَرَحْمَتِكَ رَيْحُوتٌ وَالْيَاكُ بُتُّ ذَهَبِ الظَّأُ وَأَبْتَلْتُ
 العُرُوقُ وَبَدَّتْ الأَجْرَانِ شَاءَ اللهُ تَعَالَى) مستحب است

خدا یا برای رضای تو روزه گرفتم و بر روزی تو افطار نمودم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل
 نمودم و رحمت را امیدوار شدم و بسوی تو آمدم. تشنگی رفع شد و در گما سیراب شد و ثواب
 روزه ثابت شد بخیر است خدا تعالی. بعد از افطار سنت روزه گرفتن روز بعد بهتر است. در
 افطار اکتفا بر اندک نمودن و برای نماز مغرب باجماعت حاضر شدن بهتر است. زیرا عبادت باید
 به عبادت بگشاند و عبادت روزه داری با عبادت نماز باجماعت باید همراه شود. کسیکه در شبهای
 رمضان نماز مغرب و عشاء و صبح باجماعت بخواند فضیله لیلته القدر برای او حاصل است. ماه رمضان
 ماه مغفرت و آمرزش است. خوشحال کسانیکه در این ماه از طاعت خدای متعال به آمرزش و
 رحمتش برسند. در این ماه دریای رحمت و آمرزش خدا بروی روزه داران گشوده و بیچاره کسیکه
 از رحمتهای بی پایان این ماه فی بهره ماند. روی عن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: من
 ادرك رمضان فلم يغفر له فمات فدخل النار فابدأ الله. (الحديث) کسیکه ماه رمضان را دریافت و
 کاری نکرد که از روزه داری و نکوکاری آمرزیده شود و درگذشت و به دوزخ رفت خدا تعالی او را از
 رحمت خود دور ساخت. در این ماه مبارک هر شب ندا میرسد که ای نکوکار بر نکوکاری خود بیفرای و

ای بد رفتار از بد رفتاری خود دست بردار. زیرا ماه رمضان ماه بعثت و ماه نزول کتب الهی آسمانی و ماه پیروزی اسلام بر شرک و ماه مغفرت و آمرزش است. اسباب تعرض رحمت و طاعت خدا رضای والدین خوشوقتی و ابستگی، فریادرسی ستمدیدگان، مددکاری ستمندان، آشتی کردن دشمنان، بدست آوردن رضای خویش و ندان، تقدیم همسایگان، معیونت فروماندگان، افطار دادن روزه داران، گشاده دستی در راه خیر و نیکوکاری است و از طریق اشاره سال قمری ۱۲ ماه است. سه ماه اول آن ربیع و بهار عمر باشد. سه ماه دیگر تابستان زندگی و دوران حرارت و نشاط و سه ماه دیگر پاییز زندگی که رمضان پاییز زندگی را بخاطر آورد و نهمین ماه سال است که پایان پاییز حیات باشد. آیا در پاییز نباید بفکر زمستان حیات نمود و برای سه ماه آخر حیات و هنگام حج و رجوع بدرگاه خدا مقدمه خیری پایه گزاری کرد. در ماه مبارک رمضان گسنگی و تشنگی مشعر بر بی آب و برگی پاییز عمر است که از طریق روزه داری و طاعتها باید توشه های برای زمستان عمر از پیش فرستاد و در وقت رجوع از حج و سفر به آخرت با سفید رونی و شاد کامی بیدار دوست تامل گردید. جهان همه اش درس عبرت است هر لحظه خطاری است. هر ساعت نذیری و آدمی که از روز تولد لحظه به لحظه عمرگ نزدیکتری شود چو در رمضان عمر را بدستی نگذارند.

آدمی یازده ماه سال با حرص و دلح برای رضای شکم و شهوت می دود. چرا باید یک ماه در سال بخود نیاید. برای سالهای بی کسی توشه ای نیند و زد از تلاوت قرآن روح خود را صیقل دهد از روزه داری عمر ساعت افطار در بهشت را بخاطر آورد از حساب گذشته و حال به صلاح و اصلاح خود پردازد آنانیکه عمرشان از چهل گذشته است چه می اندیشند و آنانیکه از هفتاد سالگی برب گوزند چرا برای نجات درهائی خود از عذاب خداوند تعالی نمی کوشند آنانیکه در مدارس به تحصیل اشتغال دارند سالهای امتحان را بخاطر آوردند چه کسی در امتحان موفق میشود

یقیناً کسیکه دروس خود را بدستی خواند و وظائف خود را بدستی انجام داد کسیکه در ثلث اول از عهده امتحان برآید در ثلث دوم توفیقش بیشتر است و کسیکه در ثلث اول و دوم در امتحانات موفق شد احتمال توفیقش در ثلث سوم بیشتر است و کسیکه در ثلث اول و دوم متوجه دروسش نشد جبران دروسش مشکل میشود و پایان کارش طرد است و حرمان در زندگی هم امتحانات زندگی بهین منوال است کسیکه در ثلث اول عمرش در طاعت خدای متعال بزرگ شد احتمال توفیق او در طاعتها در ثلث دوم عمرش بیشتر است و کسیکه در ثلث عمداً در طاعت گذشت احتمال گذشتن ثلث سوم عمرش در طاعت بیشتر است.

آن کسیکه ثلث اول عمرش در معاصی گذشت هرگاه بخود نیامد ادامه معاصی برای او در حکم عادت میشود و هرگاه تا آخر ثلث زندگیش بر معاصی ماند بدبختیش محقق است. و همانگونه که افرادی هستند اگر در ثلث اول و دوم عقب افتادند در ثلث سوم با کوششی خستگی ناپذیر عقب افتادگی خود را جبران می کنند و در امتحانات متفرقه موفق می شوند همانگونه هم افرادی که در اواخر عمر بخود آیند ممکن است گذشته را جبران کنند. اما در مدت اعتماد و اطمینانی نیست و کسیکه در اوائل و میانه زندگی بخود نیامد خود را برای عذاب دائم و طرد و حرمان آماده ساخته است. زندگی همایش لحظاتی است شمرده شده و تکرار شب و روز و تجدید ماه و سال همه برای درس عبرت و اندرز گرفتن است. **قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ**

خَلْفَةً ۖ لَيْلٌ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ۖ ۝ او است خدای که شب و روز را

جانشینی یکدیگر قرار داد تا کسیکه بخواد یا د آوری شود و کسیکه سپاس گذاری خواهد بسیار گذاری رسد کسیکه می بیند از اول عمر تا پایان زندگی همه روز و شبهای مکرر همانندی است که فقط برای مردم بیدار و پشیمار میتواند آموزنده باشد. مرد میگوید در شب از روز گذشته یاد کنند

و خطای می

(۱) سورة الفرقان آیه (۶۲)

خود را تدارک نماند و از اشتباهات خود اندر زگیرند تا برای روز بعد بالبصیرتی بیشتر و اطمینانی وسیعتر از وقت استفاده کنند - و در حدیث است:

﴿ إِنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مَسِيءُ النَّهَارِ وَيَبْسُطُ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ مَسِيءُ اللَّيْلِ

حَتَّى تَطَّلَعَ النَّصُّ مِنْ مَغْرِبِهَا ﴾ بخدای متعال دست رحمت را در شب می‌گشاید تا بدکاران روز

بشب انابت این رحمت خداوندی در قبول توبه او امر دارد تا در میدان آفتاب از مغرب.

و میدان آفتاب از مغرب کنایه از قیامت است و به تعبیری دیگر کنایه است

از مرگ اشخاص زیرا که یکم درگذشت آفتاب او از مغرب دمیده و قیامت او بپاگذشته

است و کسیکه نه روز و نه شب برای او درس عبرت شد و مرگ او بر عصیان پیش آمد

رحمت بیکان خداوندی را بر خود مسدود کرده است هر روزی که آفتاب می‌دمد - زبان

حالش این است که من روز تازه امی هستم - مراد ریاب زیرا نه روز گذشته در اختیار تو

است - و نه فردای یقین دمیدنش بر تو است - همین امروز را باید در طاعت مصرف نمود -

خداوند متعال پرده غفلت از دیده‌ها بردارد و دل‌ها را بنور یقین متورگردداند - تا در روز

مرگ مورد این توبیخ بگردد - ﴿ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ

الْيَوْمَ حَدِيدٌ ﴾ از حقیقت واقع دور بودی و شکم و شصت وزن و فرزند و مال و جاه پرده‌های

بر دل و دیده‌ات کشیده بود - اکنون که تو را از همه جدا ساخت بنگر چه بنیاستی - اما چه

بنیانی که نه سودی دارد و نه امیدی آرد -

خدا ای دل‌های ما را از محبت سرشار کن و دیده و دل ما به یاد و رحمت آباد کن

که مشتی خاکیم نه تاب طاعتت داریم نتوان عقوبتت سخت فرومانده ایم ما را بجز فضل

و رحمتت چاره‌ای دگر نیست - اگر بگذرشته خود بنگریم سر اسر جهل است و غرور و اگر بحال

خود بگرییم سر اسر غفلت است و فتور از فضل و کرمیت خواهم نیم که آینه مان را بترا از
گذشته مان فرمائی و ما را از پیروی نفس و هومی باز داری و شیطان را بر ما شد و
نگردانی -

خُدایا اگر ما شایسته رحمت تو ایم رحمت تو وسعت همه کائنات را دارد و ما را
به رحمت بگیران خود به رحمت و آمرزشت برسان .

خُدایا مردگان ما را به مغفرت شاد کن و زندگان ما را به توفیق طاعتت
آباد کن خرد سالان ما را در طاعتت بزرگ فرما و جوانان ما را موفق به عبادت فرمائی
بزرگ سالان ما را انابت ده و خرد و بزرگ ما را بر رحمت مومید گردان .

بگرد دکارا اولی الامر ما را توفیقی ده که بحری تعالیم عالییه اسلام شوند و بزرگان ما
را اخلاصی عنایت کن که راهنمایانی مخلص باشند .

ببارنا اسلام را در سر سیر گیتی پیروز فرما و دشمنان اسلام را از
بیخ و بن بر کن .

ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمن ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين
امتوا ربنا انك رؤوف رحيم ربنا لاترغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا
من لدنك رحمة انك انت الوهاب . ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة
حسنة وقنا عذاب النار و صل الله تعالى وسلم على سيدنا محمد وآله وصحبه
والصالحين . سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۲- روزه در تمام ادیان آسمانی بود است

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَنْبَغِي لِجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيمِ سُلْطَانِهِ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأُذِخُّ السَّاحِقِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ. أَمَا بَعْدُ فَيَا عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى وَأَطِيعُوهُ - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ﴾

ای مردم با ایمان فرض شد بر شما روزه داری آنچنانکه فرض شد بر مردی که پیش از شما بودند این روزه داری تان بخاطر پرپیزگاری برساند. روزهای انگشت شماری است که مکلف بر روزه داری آنها هستید تنها شما مسلمانان مأمور به روزه داری هستید بلکه همه ملت‌های پیش از شما به روزه داری مأمور بوده اند و هر دین که خدای عزوجل از عهد آدم تا خاتم برای بشر فرستاد عبادت را یک قسمت از آن قرار داد زیرا در عبادت بندگی کردن و فرمانبرداری است روزه داری اوز نوع عبادت است که شخص مسلمان از اذان صبح تا غروب آفتاب خود را از مفرطات باز میدارد و در این روزه داری عبادت خدا تعالی را منظور میدارد و در روزه از شتی ساختی اندرون از خوراک و آب جلا روی عقلی برای دل و روح بدست می آید که آماده تجلی حجت پروردگار میگردد.

هما شكونه كه در وضو گرفتن دل و ذهن و جامه و بدن و جای نماز همه پاکیزه کرده میشود تا در نماز
 شایسته راز و نیاز با پروردگار باشد. در وضو با شستن کف دست و آب گردانیدن بر دهان و بینی و شستن
 رو و دست و مسح سر و گوش و شستن پا ارشادی است عظیم در اینمانی بسوی پاکیزگی تا شخص مسلمان که
 چند بار دین و نبی میشود از خوردن حرام بپرهیزد و از گفتن ناسزا بپرهیزد و از بدبونی اجتناب کند از
 شنیدن ناسزا دوری جوید راه رفتنش در راه خیر باشد اگر کسی در موقع وضو دین را پاکیزه کند اما هنوز
 چند دقیقه ای نگذشته زبان را بفحش بیالاید چنان است که کسی دست خود را بآب و صابون بشوید
 اما بجای نگهداری پاکیزگی دست خود پس از شستن دست. دست خود را به سیاهی دیگ بیالاید
 چنین دستی چه موقع گفته می شود که شستن آن اثر داشته است. جامه ای که بآب و صابون شسته شود
 و اطو و نیر کرده شود. اما بلافاصله به پلیدی آلوده شود شستن بکار آن آمده است و نه اطو. پاکیزگی
 جامه برای پاک نگه داشتن آن است. شستن دین و گوش برای پاکیزه نگه داشتن آنها است. در نظافت
 سر و روی و در شستن دست و پا اثری انکارناپذیر است حتی که برای جلوگیری از بسیاری امراض قلبی
 سود مندی باشد. در وضو شستن فرض مقرر شده است.

۱. نیت ۲. شستن رو ۳. شستن دست

۴. مسح سر ۵. شستن پا ۶. ترتیب آنها

نیت برای این است که هر مسلمان مقصدش از وضو بدست آوردن رضای خدا باشد و
 گفتن وضوی فرض میگرم للہ تعالی و آنهم در آغاز وضو برای این است که هر وضو گیرنده بداند که
 رضای خدا تعالی در وضوئی است که نظافت و پاکیزگی بمرآه آورد و دل را بیا د خدا و دارد. سر و
 روی و چشم و گوش از محرمات باز دارد و کسیکه در وقت وضو میگوید: وضوی فرض میگرم للہ
 تعالی. اما در حال وضو نظرش بسوی حرام است و گوشش بشنیدن غیبت این و آن و دلش

از کینه مردمان مالا مال است. کجا میتواند چنین وضوئی را موجب رضای خدا بداند. در وضو شستن
 است. نام خدا بردن که بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ در آغاز وضو یاد کند تا بخوار آید و بداند وضوئی
 که آغاز آن نام خدا و قصد از آن رضای خدا است باید وضوئی باشد به تمام معنی پاک. در شستن دو کف
 و دیدن آب و وضو. و در آب بهمن و بینی بردن و فمیدن مزه و بوی آب وضو اشاره به این است
 که هر مسلمان حتی در عبادت هم باید دارای بصیرت باشد بداند چگونه آبی بخاری برد برای چه منظوری
 بخاری برد برای پاکي دل است که نیت مقرر شد برای پاکي دهن است که شستن دهن و بینی موجب
 گردید در آغاز وضو دل و ادا شده شد تا قصد رضای خدا نماید زبان و ادا شده شد تا نام
 خدا بر زبان براند و به شستن تطهیر شد چشم و گوش و نظیف گشت دستها شسته شد تمام مسح
 شد پاها تمظیف شد تا همه در سهامی برای نظافت کامل دل و تن باشد برای خیر
 اندیشی دل و زبان و روح و بدن باشد. نه اینکه بنا به گفته شاعر:

در دل همه شرک و بجز بر خاک چه شود
 با جسم پلید جامه پاک چه شود
 زهر است گناه و توبه تریاق وی است
 چون زهر به دل رسید تریاق چه شود

برای وضو شرطی است. یکم اینکه شخص قابل طهارت باشد. وضو گرفتن
 قاعدرو نیست وضو گرفتن مشرک روانیت. اعضای وضو دارای مانع نباشد. عضوی که
 به یاری مداد و یا زغال و یا غیره آلوده است و رنگ آب را تغییر میدهد شستن آن برای وضو
 کافی نیست مگر اینکه پاک کرده شود. دگر برای وضو شسته شود عضوی که بر آن صمغ یا چیزی چسبناک باشد
 مانع رسیدن آب به عضو وضو باشد شستن آن برای وضو کافی نیست. تا اینکه اول صمغ و

موانع برداشته شود - در گذشته نشود - تمیز که بدانند وضو برای چیست - وضوی طفل سه ساله روا
 نیست - وقتی که برای وضو جسم طاهر و عضو طاهر مقرر شد - آیا سیکه وضو میگیرد و در دل خیانت
 مسلمانی رومی پروانند - کجای تواند وضو داشته باشد - وضو مبطلاقی دارد - بی وضوی مبطل وضو
 است - قصد از بی وضوی خروج حدث از پیش و پس است - دست زدن به زن بیگانه است -
 در عرف شرعی زن یا محرم است و یا غیر محرم و بیگانه - محرم زنی است که با او نتوان ازدواج کرد - محرم
 مانند مادر، خواهر، دختر، عمه، خاله، جدّه و غیره - و غیر محرم زنی است که بتوان با او ازدواج کرد -
 زوجه وضو را می شکند چون حرم نیست - وقتی که وضوی زن قاعده روا نیست - چون شرعاً جسم او
 در حال طهارت نیست - وضوی مشرک روا نیست - چون شرعاً دل او بسبب شرک ناپاک است -
 آیا وضوی کسیکه بیخ اثری از وضو بردل او نمی نشیند و بیخ اثری از وضو بر دهان و زبان او نیست
 چشم و گوش او بر دیدن و شنیدن معای از وضو بی اثر است چنین وضوی چگونه وضوی است -
 وضو موقعی وضو است که طهارت قبل از آن حاصل شده باشد - و در حال وضو اثر وضو بر
 شخص آشکار باشد - طهارت اعضاء نهانی و وضو در جزو نوافل فریضه غسل - و طهارت اعضاء
 نهانی شرط است که شخص خود را از آمدن بول بعد از طهارت نگذارد - زیرا اگر بعد از وضو بول
 مایه آلودن جامه شود هم وضو شکسته و هم جامه پلید شده است -

در حقیقت اساس دینداری در طهارت و پاکیزگی است و پاکیزگی بدن بر پاکیزگی
 روح می کشاند - همانگونه که آلودگی بدن به آلودگی روح می کشاند چنانکه در حدیث صحیح است :

«مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَيْنِ فَقَالَ إِنَّهُمَا لَيَعَذَّبَانِ
 وَمَا يَعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ - ثُمَّ قَالَ بَيِّنِي إِنَّهُ لَكَبِيرٌ أَمَا أَحَدُهُمَا فَكَانَ
 لَا يَسْتَنْزِعُ مِنْ بَوْلِهِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالْتَّمِيمَةِ» الْحَدِيثُ
 أَوْ كَمَا قَالَ (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم گذارشان بر دو قبر افتاد فرمود صاحبان این دو
 قبر در عذابند سبب عذاب این دو نزد مردم چندین بزرگ نیست اما در حقیقت نزد خدا تعالی
 سبب عذاب نشان بسی بزرگ است. یکی از این دو از بول خود احتیاط نداشت. به طهارت
 خود بی اعتبار بود و دیگری خیر چینی میخورد. پس از آن رسول الله دستور فرمود چوب تری آوردند آنرا
 دو نیم کردند و هر قبری یک نیمی از آن چوب فرورد و فرمود امیدوارم تا این دو چوب تر هستند عذاب
 شان تخفیف شود. باید دید چگونه بی احتیاطی در طهارت مایه عذابی آنچنان مداوم شد. و بی طهارتی و
 خیر چینی بهمراه آمد. وضو مقدمه اش طهارت است که اول باید طهارت داشت و در وضو گرفت
 وضو دارای آغاز و فرجام است. سر آغاز آن نیت است و قصد رضای خدا و آغاز آن بسم الله
 گفتن است و یاد خدا و در اثنای وضو شما و من بهمت و یاد خدا و فرجام آن.

أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله - اللهم
 اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين واجعلني من
 عبادك الصالحين سبحانك اللهم وبحمدك أشهد أن لا إله إلا
 أنت أستغفرك وأتوب إليك اللهم اغفر لي ذنبي ووسع لي
 في دارك وبارك لي في رزقي

گواهی میدهم آنکه نیست مبودی بحق مگر خدای یکتا و گواهی میدهم به یقین که حضرت محمد پیغمبر
 بر حق خداست. خدایا مرا از توبه کاران گردان و مرا از پاکیزگان بساز. مرا از توبه کاران گردان که
 هیچ قصوری را بی توبه ننگند ام و مرا از پاکیزگان بر شمار که دل و تن و جان و بدن و چشم و گوش و
 دست و پا و زبان و هوش من همه در راه تو و بیاد تو و بفرمان تو باشد تا مرا از صاحبان عباد

قرار دهمی. تهنیزه تو میگویم و به ستایش تو مشغولم. اعتراف دارم که خدای یکتا تویی از تو آمرزش
خواهم و بسوی تو بازگردم خدایا گنهم را بیا مرز و خانه ام چنان آباد و پر بخواه قرار ده که آنچه خواهم در
خانه بیایم و برکتی در روزیم قرار ده که همیشه در زندگی با خوشدلی و آسایش روح و توفیق در خیر و
کامیابی همراه باشم. پس چنانکه می بینیم فرجام و ضور باز هم یاد خدا و شنای خدا و دعا و خواهش از
خداست. وقتی که وضو بدین طریق انجام گرفت. فضیلت و مزیت فراوان دارد.

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - إِذَا تَوَضَّأَ
الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ أَوْ الْمُؤْمِنُ فَغَسَلَ وَجْهَهُ خَرَجَ مِنْ وَجْهِهِ كُلُّ
حَظِيئَةٍ نَظَرَ إِلَيْهَا بَعَيْنُهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ
الْمَاءِ - فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَ مِنْ يَدَيْهِ كُلُّ حَظِيئَةٍ
بَطَشْتَهَا يَدَاهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ - فَإِذَا
غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَ مِنْ رِجْلَيْهِ كُلُّ حَظِيئَةٍ مَشَتْهَا
رِجْلَاهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ حَتَّى يَخْرُجَ
نَقِيًّا مِنَ الذَّنْبِ »
أَوْ كَمَا قَالَ (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ)

رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود: موقعیکه شخص مسلمان وضو بگیرد. هنگامیکه
رُوی خود را می شوید گناہانی که بدیدن چشم مرکب شده است از روی او تا آخرین قطره آب فرو
ریزند و گناہانی که بدست مرکب شده موقع شستن دست همراه ریختن آب از دست او فرو ریزند
موقع شستن پاگان پاها می او با آخرین قطره آب وضو فرو ریخته شوند. تا اینکه با فراغت
از وضو از گناہان پاک شود. شخص مسلمان چنانکه گفتیم وضو را برای تطهیر بر سر و روی و دست
و پا و دل و دھان انجام میدهد و با انجام وضو تمام اعضاء وضو را پاک و تطهیر می نماید و
وضو گرفتن او و پاک شدن گناہان به همراه همدند نه اینکه کسی تصور کند نظر مستعد بجرام و زدن بتاحق

بدگیران و رفتن در کبار بخشوده شود که هیچگاه در شریعت چنین صورتی امکان ندارد. هرگاه وضو ممکن
 نگردد به اینکه در سفر باشد و آب نیابد و یا اینکه بیمار باشد و از استعمال آب در اعضا وضو
 منع شده باشد و یا اینکه وقت تنگ باشد در این صورتها بجای وضو تیمم کرده می شود. تیمم
 عبارت است از دو بار دست بجاک گردان زدن و بجا دست خاکی به روی کشیدن و بار دیگر
 دست خاکی به دو دست با دو آرنج کشیدن. کندن انگشت و انگو موقع تیمم لازم است و نیت
 تیمم چنین است: به این تیمم نماز فرض رو امیدارم الل تعالی کجی از نشانه های تعبد در عبادات
 همین است که در عبادات جنته بندگی و فرمانبری مقصود است و اینکه هر عبادتی مقدور نشد بجای
 آن بدل آن معین شده است تا از تسامح و سهل انگاری جلوگیری شود. و چنانکه گفتیم وضو باید
 بقصد رضای خدا و همراه با یاد خدا و با فراغت از آن رو آوردن بدرگاه خدا به التماس و دعا
 باشد و در غیر این صورت وضو نیست «قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لِأَصْلُوَّةِ
 لَمْ يَلَا وَضُوءَ لَهُ وَلَا وَضُوءَ لَمْ يَذْكُرْ اسْمَ اللهِ عَلَيْهِ» او كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: نماز ندارد کسیکه وضو ندارد. وضو
 ندارد کسیکه نام خدا را در وضو یاد نکند. و چنانکه یاد شد هرگاه غسل به کسی لازم شود. ا کمل
 آن چنین است که ابتدا اعضا نهانی را بشوید سپس وضو بگیرید و دیگر آب بر سر ریزد و طرف
 راست بدن و طرف چپ بشوید.

در غسل دو چیز فرض است. یکم نیت. غسل فرض را بجای آوردن الل تعالی.
 دوم فرا گرفتن تمام بدن از مو و پوست به آب. در بدن شستن باز هم سر آغاز آن قصد رضای
 خدا و آغاز آن نام خدا و فرجام آن شهادتین و ثنا و دعا و خرامش از خدا است. و غسل
 پاکیزگی تمام بدن. پاکیزگی دهن و دامن. خوشبوئی و پاکیزگی و صفای نشاط روح مقصود است.

در روز جمعه قبل از رفتن به نماز جمعه غسل سنت است. در دو عید بدن شستن پیش از رفتن به نماز عید سنت است. پیش از نماز طلب باران پیش از نماز آیات بدن شستن سنت است. برای ورود به حرم و به شهر که معظمه و به مدینه منوره بدن شستن سنت است. برای احرام بستن برای طواف برای سعی برای منی و عرفات و مزدلفه برای هر یک از اینها غسل سنت است.

غسلهای فرض عبارتند از غسل جنابت که لازم مردان و زنان است. غسل بعد از قاعدگی و زایمان که فرض بر زنان است. غسل میت، خواه میت صغیر باشد یا کبیر، مرد باشد یا زن که شستن و کفن پوشاندن و نماز جنازه و دفن کردن حق هر میت مسلمان است. کودکانی که از شش ماه بیابا باشند. اگر مرده بدنیا آیند محرم شستن و کفن پوشاندن و نماز و دفن کردن شان لازم است. در نماز جنازه اگر قصور شود به این که میتی که مسلمان است نماز جنازه ناخوانده دفن شود. مایه عاصی شدن همه مردم محل میگردد. دانستن و حضور و تحم و غسل واجب هر مسلمان است دانستن روزه و انواع آن و دانستن نماز و انواع واجب بر هر مسلمان است خدای تعالی توفیقی عنایت فرماید که مسلمانان بهتر از این به دین خود و اماند آشنا گردند.

۳. روزی واجب تضمین شده است

در طلب روزی نکونی بکار برید

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَنْبَغِي لِجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيمِ سُلْطَانِهِ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - وَأَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ الْبَشِيرُ النَّذِيرُ - اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. أَمَا بَعْدُ فَيَا عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى وَأَطِيعُوهُ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةَ الْوَسْطَى وَقَوْمُوا اللَّهَ قَائِمِينَ﴾

خدای متعال فرمود:

محافظة و نگهداری کنید بر نماز و نماز میان و بایستید در نماز بحال خشوع و فروتنی تا ایستادن تان برای خدا باشد. معمولاً در برابر چپیندگی گرانها دستور محافظت و نگهداری میدهند میگویند خودت را نگهدار یا فرزندگان را نگهداری کن یا اموالت را حفظ کن. خدای متعال در حفظ ارواح مردم خود متکفل گردید و فرمود: وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ. محقق بدانید که بر شما نگهبانی هستند بزرگوار که رفتار و گفتار تان می نویسند. و تا روزی که لحظه از عمر تان باقی است شمارا راه نمی گزینند. موقعیکه عده ای از ایران پیغمبر در صد و محافظت پیغمبر برآمدند و سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه شبی در محافظت رسول الله صلی الله علیه و سلم به صبح آورد خدای متعال آیهً وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ نازل فرمود بدین معنی که: خدای تان را از مردم نلگه میدارد. و وقتی که از علی بن ابی طالب رضی الله عنه

خواسته شد تا نگهبانانی بر خود بگمارد و گفت: کفای بالاجل حادساً کفایت است در نگهداری آدمی
 مدت عمر او. رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم فرمود: لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ مِنْفُوسَةً
 حَتَّى تَسْتَوِي رِزْقَهَا وَاجْلَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ. هیچ ذی روحی نخواهد مرد
 مادامیکه لحظه ای از عمر و ذره ای از رزقش باقی شد پس بترسید از خدا تعالی که چنین تعمیری
 در حفظ جان و روزی تان فرمود و در هر جستجوی بکار برید خدای توانا که متکفل رزق بندگان
 و روح زندگان است مسلمانان را به محافظت و نگهداری نماز امر فرمود زیرا روح و روزی فوت
 شدنی نیست مقدار و مدت آن دو محدود و معلوم است و نگهدار و رساننده آن دو. خدای توانا
 است، اما شما بندگانید باید عبودیت و بندگی بنمایید و نمازیکه نشانه عبودیت و بندگی
 خدائی توانا است بجا آورید. در همین نماز پیمان دوستی میان بنده و خدا منعقد میگردد.
 در همین نماز شخص مومن سفره دل خود را برابر خدای خود میگذارد از آنچه در یافت داشته و
 مایه رضای خاطرش می باشد سپاس گذاری می نماید و از آنچه برای بهت آوردن آن راه
 چاره ای ندارد از خدای خود مدد میخواهد در نماز است که شخص مسلمان اعتراف میکند که وظیفه او
 توحید خدای یکتا است بره او عبادت خدای توانا است اقرار میکند که به توحید خدا تعالی
 مأمور شده است یقین میکند که زندگی و مرگش در دست خدا است اطمینان دارد که عبادت
 طلبش برای رضای خدا است. و همین موضوع در آغاز نماز قرار داده شده است تا شخص مسلمان
 از آغاز کلام خود با بصیرت باشد کلمه الله اکبر که در هر کوعتی شش بار تکرار می شود. میرساند که
 خدا بزرگتر است و نیازی به طاعت بندگان ندارد بلکه بندگانند که در نماز اظهار نیاز و حاجت
 خود می کنند و برای حصول مطالب خود از خدای خود که گوی می گیرند و نشمنان بندگان همه
 مستترند که آنچه دریافتند از فضل و معونت خدای تعالی بوده و از فکر ضعیف خودشان.

در وجهت که در آغاز نماز است حقائق چند مقرر گردیده است. و جهت وجهی للذی
 فطر السموات والارض: روی خود را متوجه درگاه خدای یکتائی قرار دادیم که آسمانها و زمین
 را آفرید اعتراف داریم که آنچه در آسمانها و زمین است آفریده شده خداست حنیفاً
 مسلماً و ما ائمان المشرکین. من انه هر دینی میل کرده ام و رو بدين اسلام آورده ام
 و من یستم از شرک آوران. اسلام بمن دستور میدهد که خدا را به یکتائی بستانم و به
 آفریدگارش اقرار نمایم. و امور مهمه او و اگذارم و یقینی نمایم که آنچه دارم برای خداست.
 اِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ هـ محققاً نماز من و عبادت من
 و زندگی و مرگم همه برای خداست نماز برای خدا میخواهم و دوستی او خواهم و عبادت من برای خدا
 و بندگی برای او مینمایم و زندگیم برای خداست در زندگی راه رضای او را میخواهم و مرگم برای
 خداست. بنگام مرگ خوشنودی او میخواهم و بسوی او باز میگردم و ثواب و پاداش
 خود را از فضل او می یابم.

«لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ» شریکی برای خدا نیست

و چنین توحید خالصی امر شد من از مسلمانانم. من مسلمانم و از شرک بنیزارم.
 أَخْرَجَ ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ رَجَمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُ قَالَ (أَوْصَانِي خَلِيئِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ لَا
 تَشْرَكَ بِاللَّهِ شَيْئاً وَإِنْ قُطِعَتْ أَوْ حُرِّقَتْ أَوْ حُرِّقَتْ وَلَا تَتْرُكْ صَلَاةً
 مَكْتُوبَةً مُتَعَمِّدًا فَمَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِثَتْ مِنْهُ الذِّمَّةَ وَلَا تَشْرَبُ
 الْخَمْرَ فَإِنَّهُ مَفْتَاخُ كُلِّ شَرٍّ)

ابو الدرداء از یاران پیغمبر گوید رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا سفارش فرمود:

که شرک برای خدا میاورد اگر چه پاره پاره شوی و اگر چه سوخته شوی که مانند بر توحید و یکتائی

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ ، هُمْ الَّذِينَ
 يُؤَخَّرُونَ الصَّلَاةَ عَنْ وَقْتِهَا وَاسِي جَالِ نَمَازِ كُذَّارَانِي كِه اَز نَمَازِ خُودِ بِغَفْلَتِ مِي اَفْتَدِ
 رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود آنانی که عذاب خداوندی در غفلت از نماز بر خود روا میدارند کسانی
 هستند که نماز را از وقت آن به تأخیر می اندازند و در روز شنبی عصفه رکعت نماز فرض وجود دارد که
 موقی که با جماعت خوانده شود صوم مجموع وقتی که در عصفه رکعت صرف میشود عصفه دقیقه است - در
 یکبار و چهار صد و هجده دقیقه که مجموع در قاین روز شب است - اگر کسی دقیقه صرف طاعت خدا
 تعالی بشود چه وقتی را به کم می آورد - چه در محرومیت است که در این آنهم وقت گرانها که
 تلف میشود روز کوشی سی دقیقه هم در طاعت صرف نشود - در حالیکه این سی دقیقه که صرف
 نماز با جماعت و نمازهای سنت شود نشاط خاطر و صفای روح و صیقل شدن قلب و برکت
 عمر و رزق و پایان و عاقبت بخیر است .

رَوَى الذَّهَبِيُّ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا صَلَّى الْعَبْدُ الصَّلَاةَ
 فِي أَوَّلِ الْوَقْتِ صَعِدَتْ إِلَى السَّمَاءِ وَلَهَا نُورٌ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى الْعَرْشِ فَتَسْتَعْفِفُ
 لِصَاحِبِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَتَقُولُ لَهُ حَفِظَكَ اللَّهُ كَمَا حَفِظْتَنِي وَإِذَا صَلَّى
 الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا صَعِدَتْ إِلَى السَّمَاءِ وَلَهَا ظِلْمَةٌ فَإِذَا انْتَهَتْ
 إِلَى السَّمَاءِ تَلْفُ كَمَا يَلْفُ الثُّوبُ الْخَلْقَ وَيَضْرِبُ بِهَا وَجْهَ صَاحِبِهَا .

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: وقتی که بنده نماز را در اول وقت خواند به آسمان
 برود در حالیکه روشنائی خاصی دارد تا اینکه به عرش برسد و آمرزش صاحب خود میخواهد و
 میگوید خدا تو را نگهدارد چنانکه مرا نگهداشتی و هر گاه بنده نماز را در غیر وقت آن خواند موقع بالقرن
 دارای تاریکی است و نرسیده به آسمان به هم بچاکنده و بروی صاحبش زده می شود - در حالیکه به او

میگوید خدا تو را ضائع گرداند چنانکه مرا ضائع گرداندی در حدیث وارد است:

من حافظ علی الصلاة اکرمه الله بخمس خصال یرفع الله عنه ضیق العیش و
عذاب القبر و یعطیه الله کتابه یمیز علی الصراط کالبرق و یدخل الجنة
بغیر حساب. کسیکه محافظت و نگهداری نماز نمود خدا تعالی او را به پنج خصلت گرامی وارد
تنگی زندگی از او بر دارد. و او را از عذاب قبر برهاند. و خدا نامه اعمال او را بردست راستش
نهد و بر صراط همانند برق گذرد و به بهشت رود بدون اینکه سخت گیری در حساب وی آید.
تنگی در زندگی نماز کاران نیست زیرا در هر تنگی رو به درگاه خدا در نماز آورند از خدای توانا مدد
گیرند و زندگی را با آسائش و اطمینان خاطر گذرانند نماز کاران از عذاب قبر اینمان مانند زیر اشرهای
تا از نماز خود روشنائی قبر خود اندوخته اند. خدای متعال نامه اعمال شان را در دست راست
شان نهد و آنان را به نیک سختی سزاوار گرداند زیرا در نماز پیمان دوستی با خدای خود بسته و
در زندگی همیشه در راه رضای او کوشیده اند عبور شان بر صراط همانند برق است زیرا در حیات خود
از صراط مستقیم و نینداری بهره ور بوده اند به بهشت رسند بدون سخت گیری زیرا هر سخت گیری در دنیا
بوده است بر خود روا داشته اند خود را از حقوق و اعراض مردم دور داشته اند حق خداوندی را
تا آنجا که توانسته اند ایفا کرده اند از تمام محرمات دور بوده اند کاینکه در این جهان بر خود سخت گرفتند در
آن جهان آسانی بنیند و خدای توانا سختی دنیا و آخرت با هم جمع نفرماید. (وقد ورد فی الأشر)
(مَنْ تَمَاوَنَ عَنِ الصَّلَاةِ عَاقِبَهُ اللَّهُ بِخَمْسٍ عَشْرَةَ عَقُوبَةً نِسْتَهُ
فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَثَلَاثَةَ عِنْدَ خُرُوجِهِ مِنَ الْقَبْرِ
فَأَمَّا اللّٰوَاتِي فِي الدُّنْيَا : فَالْأُولَى تَبْتَنِعُ الْبَرَكَةَ مِنْ عَمَلِهِ وَالثَّانِيَةَ
يَعْنِي سِيمَا الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ وَالثَّلَاثَةَ كُلَّ عَمَلٍ يَحْمَلُهُ
لَا يَأْجُرُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَالرَّابِعَةَ لَا يَرْفَعُ لَهُ دَعَاءُ إِلَى السَّمَاءِ

والخامسة ليس له حظ في دعاء الصالحين والسادسة يبغض الى الناس. واما التي
 تصيبه عند الموت: فالاولى ان الله يموت ذليلاً. والثانية يموت جائعاً: و
 الثالثة يموت عطشاناً ولوسق جوار الله نيام رومي واما التي تصيبه في قبره.
 فالاولى يصيب عليه القبر حتى تختلف اضلعه. والثانية يوقد عليه
 القبر ناداً يتقلب على الجحور ليلاً ونهاراً. والثالثة يسقط عليه في قبره
 ثعبان اسمه الشجاع الأقرع واما التي تصيبه عند خروجه من القبر في
 موقف القيامة. فتنة الحساب وسخط الزيت ودخول النار.

کسیکه سهل انگاری در نماز نماید خداوند متعال به پانزده خصلت او را عقوبت فرماید
 شش خصلت در دنیا او را دست و پاهای او خصلت هنگام مرگ. و سه خصلت در قبر و
 سه خصلت موقع آمدنش از قبر. شش خصلت که در دنیا نایب عقوبت سهل انگاری در نماز است
 گرفتن رکعت از عمر او، بیرون آوردن او که در روی صاحبان است از روی او، هر کاری که کند نزد
 خدا تعالی بی مزد بماند. هیچ دعائی از او به اجابت نرسد از دعای صاحبان بهره و نصیبی نیابد
 و نزد مردم منفور و مبغوض گردد. و سه خصلتی که هنگام مرگ او را دست و پاهای او است که بخواری
 بیرون. و به حال گرگی بیرون. و بطوری تشنه از دنیا برود که اگر دریای آب به وی بیاشامد
 سیراب نگردد. و سه خصلتی که در قبر دچار او شوند: گور او بطوری تنگ شود که پیلوایش بهم فرو
 رود. و گورش پر از آتش افروخته شود تا شب و روز بر انگه ای آتش پیلو به پیلو شود. و در گور
 دچار گزندگانی هولناک شود و سه خصلتی که موقع بیرون آمدنش از قبر دچار او شوند. سخت
 گیری بر او در حساب و خشم پروردگار و آتش جاویدان. وقتی که سهل انگاری در نماز و ارای اینگونه
 عقوبت است. هیچ عاقبتی که ذره ای ایمن به آخرت دارد در نماز خود سهل انگاری نخواهد نمود چه

بسیارند افرادی که برای حفظ صحت خود برابر گفته طبیبی اگر چه غیر مسلمان باشد از بسیاری لذتها
کناره میگیرند و به بسیاری زحمتهای پر رنج تن در میدهند تا صحت خود را نگهدارند یا عافیت
از دست رفته را بازیابند و چرب که با تحمل زحمتهای با هم به مطلوب نمی رسند و در همه آن رنجها
اعتماد بر گفته طبیبی را بر لذات مقدم می شمارند آیا وجهی دارد که کسیکه مدعی ایمان است فرموده
رسول اکرم را نادیده بگیرد و در چند روز زندگی زودگذر مایه سعادت جاویدان را از دست بدهد
و حقیقت مایه سعادت را ایمان صحیح و واقعی است. و هرگاه ایمان کسی ضعیف باشد. هیچ چیز
بجز ایمان ضعیف ایمان نمی نماید نماز چه سعادت و تها در بر دارد.

قال رسول الله صلى الله عليه واله وصحبه وسلم (ارأيتم لو انك
نهرًا باباب أحدكم يغتسل منه كل يوم خمس مرات هل يبقى
منه شيء) قالوا لا يا رسول الله قال فذلك مثل الصلوات الخمس يحو
التمهت المخطايا). او كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: مرا خبر دهید اگر بر درب منزل یکی از شما جوی آبی
پاک و روان باشد و روزی پنج بار از آن بدن بشوید آیا چیزی از چرک بدن او باقی میماند
گفتند نه یا رسول الله فرمود پس همین است مثال نمازهای پنجگانه که خدای متعال بوسیله آنها
گناهان را نابود سازد. در این ماه مبارک نمازهای خود را به وقت و با جماعت بخوانید و از عادت
بر موانعت بر نماز و نگهداری آن اعتبار محافظت بر نماز و تمام ایام سال بدست آورید و در
نماز خود را از و نیاز با پروردگار خود و خشوع و خضوع و حضور قلب را بدست آورید.

۴. مردم آزاری از گناهان کبیره است

مؤمنان را میآزاید

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَنْبَغِي لِجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيمِ سُلْطَانِهِ - وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْمُنْتَقِمُ الْجَبَّارُ - وَأَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ الْمُصْطَفَى الْخِتَارَ - اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ تَعَالَى وَطَاعَتِهِ وَأَعِزِّدْكُمْ عِقُوبَتَنَا يَا أَيْدَاءَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيًا ظَهْرًا أَلْفًا مَرَّةً يَوْمَ الْقِيَامِ﴾

خدای متعال فرمود: محققا مردمی که می آزارند مردان و زنان با ایمان را بدون آنکه

استحقاق آزرده شدن داشته باشند هر آینه تمحل بهتان و گناه آشکار شده اند درین همه

معصیتها مردم آزاری از بزرگترین معاصی است - اساس و شالوده ادیان آسمانی برای

وحدت قلوب و همدمتی است که هر مسلمان برادر مسلمانش را همانند خودش عزیز و محترم

بدارد و از مردم مؤمن تصور ایندارد و آزرده نماند زیرا مسلمان کسی است که مردم از دست

و زبان او آسوده اند و با ایمان کسی است که مردم او را بر مال و خون خود امین شمارند -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: (المسلم من سلم المسلمون من لسانه

وسيله والمهاجر من هجر ما نفى الله عنه) أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و

زبان او سلامت باشد و مهاجر کسی است که آنچه خدا منع فرموده ترک نماید۔ اگر کسی مسلمانان از دست و بازبان او سلامت نباشند یقیناً مسلمان نیست۔ زیر این عیب صلی اللہ علیہ وسلم کسی را مسلمان دانست کہ مسلمان از دست و زبان او سلامت باشند و چه بچاره اند مومی کہ با آزر دن مسلمانان بی دینی خود را آشکاری گردانند۔ در حدیث صحیح است: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى - مَنْ آذَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنَنِي بِالْحَرْبِ رسول اللہ فرمود کہ خدای عزوجل فرموده اند کسیکہ یکی از دوستان مرا بیازارد من اورا باخبر ساخته ام کہ با او جنگ دارم چه حلے میماند برای کسیکہ خدای عزوجل با او جنگ داشته باشد۔

خداوند متعال دوستان خود را در میان بندگانش پنهان داشت و عبرت و خاتمت دنیایان کا رقرار داد کسیکہ از خدای متعال تبرسد۔ هیچ مسلماننی را نمی آزارد و مبادا کہ از آزر دن مسلماننی خدای متعال را بخشم آورد۔ و زندگی خود را تیره و روزگار خود را سیاه گرداند۔ خدای عزوجل نوید داد کہ ہر مسلماننی را بپوشد خداوند متعال اورا در دنیا و آخرت بپوشاند۔ و کسیکہ کاشش و نبال گیری مسلمانان و رسوا کردنشان باشد خداوند اورا در دنیا و آخرت رسوا و بدبخت گرداند۔

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «مَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» کسیکہ ستر حال مسلماننی نماید و از آبرو و ریزی او جلو گیری نماید سست کوئی در راه مسلماننی میاورد و نگذارد حال او کشف شود۔ خدای متعال در دنیا و آخرت مددگار او گردد و اورا ستر نماید «مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ لِيَفْضَحَهُ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ حَتَّى يَفْضَحَهُ فِي قَعْرِ بَيْتِهِ» و کسیکہ پیروی عورت مسلمانان نماید تا اسباب رسوائی شان

فراہم کند۔ خدای تو نا طوری عورت ہی اور اہل رسوائی کشد کہ در دل خاتہ اش رسوا شود۔
 اما کسیکہ ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد۔ و بخوابد بہشت برود و از دوزخ دور گردد
 باید با مردم طرز رفتار کند کہ دوست میدارد و مردم آن طرز رفتار با او نمایند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُزَحَّجَ عَنِ النَّارِ
 وَيُدْخَلَ الْجَنَّةَ فَلَتَاتِهِ مَنِيَّتُهُ وَهُوَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِكَلِيَّاتٍ
 إِلَى النَّاسِ الَّذِي يَحِبُّ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْهِ» کسیکہ دوست میدارد از
 دوزخ دور داشته شود و بہشت رود باید مرگ او بجالتی باشد کہ ایمان بخدا و روز
 قیامت در دلش مستحکم بوده و رفتارش با مردم نیکواری بوده باشد کہ دوست میداشته
 است آنگونه با وی رفتار کنند۔ برای مسلمانی شخص و بولدش در ذمت خداوندی زمین را نشانه
 و انست کہ نماز صبح خوانده باشد۔

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: (مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الصُّبْحِ
 فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ فَلَا يَطْلُبُنَا اللَّهُ مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ فَإِنَّهُ مَنْ يَطْلُبُنَا
 مِنْ ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ يَدْرِكُهُ ثُمَّ يَكْبَهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ) کسیکہ نماز صبح
 او خواند او در ذمت و حفظ خدا است پیمان دوستی خود را با خدا تعالی حفظ کرده است۔
 مباد او را بیازارید کہ باعث شوید خدای تو انا در برابر ذمت و پیمان خود۔ شما را مطالبه
 کند زیرا محقق است کہ کسیکہ خدا در باره ذمت و پیمان خود او را مورد مطالبه و تعقیب
 قرار دهد۔ او را خواهد گرفت و سر ازیر دوزخ خواهد کرد۔ برای حفظ حقوق مسلمین و جلوگیری
 از آزردن مسلمانان حتی زشت گویی و بد زبانی را منع فرمود۔ تا هیچ مسلمان تلخ زبان نباشد
 هیچ عنوان بناحق مایه آزردن مسلمانان نشود۔ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَامٍ: (لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَانِ وَلَا اللَّعَانِ وَلَا الْفَاحِشِ وَلَا الْبَذِيءِ) -

أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

شخص با ایمان نه طعن در نسب مردم نیز نند نه لعنت به چیزی میکند و نه زشت گو است و نه بد زبان - اینمه تا کیدی که برای حفظ زبان شده است بخاطر این است که زبان مایه آزدن مسلمان نشود - بقول سعدی علیه الرحمة:

گاو ان و خزان بار بردار

به ز آدمیان مردم آزار

برای اینکه حیوان با همه کم شوی پیش هیچگاه مردم آزاری ندارد در شریعت مظهر اسلام افراد مردم آزار و سگهای آدم گیر و در یک حکمند - و فقها نوشته اند که هفت حیوان غیر محترم هستند سگ آدم گیر که شخص مردم آزار محترمه آن است و خوک و مار و کثروم و تارک القلوة و ثانی محض و گوشت بیا - و معلوم است مردم آزار در تیره کدام حیوان قرار داد - اولاً در اسلام مایه ناراحتی خلق شدن و انتشار در رونق و اکاذیب دادن و خوابان پرگدن و زشتیها در میان سلیمان شدن مورد لعنت خدا تعالی در دنیا و آخرت قرار گرفتن است -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ النور - ۱۹

محققاً مردمیکه دوست میدارند زشتیها در میان مردم با ایمان پراگنده شود - در

دنیا هم منفور مردم میگروند و سعادت زندگی را از دست میدهند و هماغونه که جزاء از جنس عمل است عاقبتی نه بخیر دارند تلخی و ناآرامی و ابتلاء به مصائب عظیمه همیشه دامن گیر آنها میگردد و آنچه تصور میکردند برای مردم باعث می شوند برای خود فراهم می کنند - دین مبین اسلام نصیحت و اخلاص بر اساس و شالوده دین قرار داد ما مسلمانان با در نظر گرفتن اخلاص

نسبت بیکدیگر در همین دنیا هم از صفا و خوشی در بهشت باشند. قال رسول الله صلی الله
 علیه وآله وصحبه وسلم (الدين النصيحة - قلنا لمن قال لله و لکتابه و
 لرسوله و لأئمة المسلمين و عما تمهم) رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم فرمود
 دین همه اش نصیحت است. گفتیم نصیحت برای چه کسانی فرمود نصیحت و اخلاص برای
 خدا تعالی در محبت او و طاعت او و فرمانبرداریش و نصیحت و اخلاص برای پیغمبر خدا به محبت او
 و فرمانبری و پیروی او در همه کار و نصیحت و اخلاص برای کتاب خدا قرآن به فرمانبری کتاب خدا
 قرآن و عمل به دستور آن و آن را هر چه خود در زندگی قرار دادن و نصیحت و اخلاص برای پیشوایان
 و رهبران به محبت ایشان و فرمانبری شان و تائید شان در حق و نصیحت و اخلاص برای عوام
 الناس به محبت شان و در نظر گرفتن مصالح شان و در اینهمه ای شان و نگهداری شان چنانکه
 آشکار است. شخص مسلمان و طایفه دارد نسبت به همه کس ناصح باشد نه تنها در برابر خدا و پیغمبر
 بلکه در برابر اولی الامر و عوام همه نصیحت و اخلاص داشته باشد و آنچه برای خود دوست
 دارد برای برادر مسلمان دوست دارد و آنچه برای خود دوست ندارد برای مسلمان دوست
 ندارد. قال رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم (لا یؤمن احدکم
 حتی یحب لآخیه ما یحب لنفسه) ایمان نمی آورد یکی از شما تا آنکه دوست بدارد
 برای برادران مسلمانش آنچه را که برای خودش دوست میدارد. هر کس خود را دوست میدارد
 به بدنامی خود راضی نیست. به زیانکاری خود راضی نیست. به ناراحتی خود راضی نیست. پس
 باید به بدنامی و بی آبرویی برادر خود راضی نشود. به زیانکاری برادر خود راضی نشود. به ناراحتی
 برادران مسلمان راضی نشود. اسلام در ایجاد اجتماعی آسوده و مرفه بزرگترین ثواب
 قرار داد و فساد اجتماع و انتشار ناراحتی را از بین برنده دین قلمداد کرد. قال رسول الله

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ (الْأَخْبَارُ كَمَا بِأَفْضَلٍ مِنَ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ
وَالصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ - فَإِنَّ فَيَا ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ) .
رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبہ وسلم فرمود - آیا شمارا خبر ندیم به بهتر از نماز و
روزه و صدقه آن اصلاح حال مردم است - و اجتماعی آسوده و مرقه بوجود آوردن
است - زیرا فاش شدن میانه مردم - و بوجود آمدن مجتمع فاسد و نا آرام تراشنده و
از بینی برزنده دین است نماز بعد از ارتباط میان خدا و بندہ بودن برای بوجود آوردن
اجتماع سالم و آسوده و مرقه است - روزه گذشته از بندگی کردن و فرمانبری خدا برای
ضبط نفس و کنترل اعصاب است برای بذل و ایثار است - برای از خود گرفتار شدن و به
برادر رسیدن است - برای بوجود آوردن اجتماعی سالم و آسوده و مرقه است صدقه
گذشته از اینکه راستی ایمان شخص به خدای متعال است کوشش کردن برای کوچک به
برادران است - سعی و تلاشی برای بهتر زیستن است کوشش مداوم برای بدست آوردن
اجتماع پر از راحت و اطمینان است - کیسه بایه ناراحتی برادران خود میشود بوئی از
ایمان نبرده است ، و اطمینان خودش در آتش ناراحتی که بوجود آورده است می سوزد -
اصولاً صدقه کسیکه از صدقه دادن ناتوان است - جلوه خود گرفتار شدن از رسانیدن شتر به
بندگان است - عن ابی ذرٍّ رضی اللہ عنہ قال لا قلت یا رسول اللہ ای
الاعمال افضل قال الایمان باللہ و الجهاد فی سبیلہ قلت ای الترقاب افضل قال
الفسہا عند اهلہا و اکثرہا ثمنا قلت فان لم افعل قال تعین صانعاً او
تصنع لاخرق قلت یا رسول اللہ ان ضعفت عن بعض العمل قال تکف شریک
عن الناس فانها صدقة منك علی نفسك .
(او کما قال (علیه الصلاة والسلام)

ابو ذر رضی اللہ عنہ گوید: گفتم یا رسول اللہ بهترین کارها کدام است؟ فرمود ایمان آوردن به خدای یکتا و کوشش کردن برای پیشرفت دین او گفتم کدام یک از برده با آزاد کردن بهتر است فرمود گرانها ترین آنها نزد صاحبان شان و پیر قیمت ترین آنها گفتم اگر آزاد کردن بندگان نتوانستم فرمود کومک به هنرمند نمودن و با کار و پیشه بیاد بیکاره ای دادن گفتم یا رسول اللہ اگر بعضی کردارها نتوان شد م فرمود شتر خود را جلو گیری کن که وقتی که نگذاشتی از شترت به دیگران برسد این خود برای تو صدقه ای است که نفس خود عطا مینمائی. مسلمان که این آیه را در قرآن می خواند

﴿ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴾

(کسیکه هموزن مورچه ای خوبی بکند ثواب آن خواهد دید و کسیکه هموزن مورچه ای بدی کند عقوبت

آن خواهد دید)

دینی که به پیروان خود دستور میدهد پایه حساب کارها بر مثقال ذره است چگونه کسیکه مدعی پیروی این دین مبین است زو امیدارد برای مردم ایجاد ناراختی نماید اگر بصیرت باشد رخصا که مثقال ذره خوبی و بدی پاداش و عقوبت دارد. و محال است که در این جهان حقی ضائع نشود مگر حقی که صاحبان آن بدست خود آن را ضائع کنند. در این ماه مبارک بجا است که هر فردی بخود آید و ندای فرشتگان را اجابت کند و جلو پدیده های خود بگیرد و بر خوبیهای خود بیفزاید. زیرا خوبی ضائع نمیشود خدا به آن آگاه است ثواب آن بخود نکو کار میگردد. قال اللہ تعالیٰ.

﴿ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴾

(آنچه بکنید از خوبیها خدا به آن دانا است)

زهر خوبی که بکنید برای خود می کنید - قال الله تعالی: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ (کیک کار خوبی کرد به نفس خود
 انجام داده است) کاش آنها یک همیشه در راه شرگام میزنند منافع نکوکاری میدارند تا بجای بدی خوبی
 میگردند. و لقبول سعری: کسانی که بد را پسندیده اند ندانم ز خوبی چه بد دیده اند
 آدمی وظیفه دارد که به شمار پیوندهای بدش کارهای خوب انجام دهد. قال
 رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم (إِنَّهُ خَلَقَ كُلَّ إِنْسَانٍ مِنْ بَنِي آدَمَ عَلَيَّ
 سِتِّينَ وَثَلَاثَمِائَةَ مَفْصَلٍ فَمَنْ كَبَّرَ اللَّهَ وَحَمَدَ اللَّهَ وَهَلَّلَ اللَّهَ وَسَبَّحَ اللَّهَ وَاسْتَنْفَذَ
 اللَّهُ وَعَمَلَ حَجًّا عَنِ طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ شَوْكَةً أَوْ عِظْمًا عَنِ طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ مِنْ بَعْدِهَا
 أَوْ نَهَى عَنِ مَنكَرٍ عَدَدِ السِّتِّينَ وَالثَّلَاثَمِائَةَ فَإِنَّهُ يَمِشِي يَوْمَئِذٍ وَقَدْ زَحْنَحَ نَفْسَهُ
 عَنِ النَّاسِ) رواه مسلم. رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم فرمود: هر آدمی آفریده شده
 است بر سیصد و شصت پیوند که شکرانه هر پیوندی مقتضی است که در برابر آن کار
 خوبی انجام دهد. کیکه الله اکبر گفت و حمد خدا بجا آورد و سبحان الله گفت و
 طلب مغفرت و آمرزش از خدا نمود و دور نمود سنگی یا خاری یا استخوانی از راه مردم یاد
 داشت دیگری را بخوبی یا جلو دیگری گرفت از بدی. و شماره سیصد و شصت پیوند سیصد
 و شصت کار خوب انجام داد پس در آن روز او راه میرود در حالی که خود از آتش
 دوزخ نگهداشته است. آدم مسلمان وظیفه دارد که سنگ و خار از راه مسلمانان دور کند،
 کجا مسلمان است کیکه میخواهد خودش سنگ راه مسلمانان باشد کجا مسلمان است کیکه میخواهد
 مانند خار به این و آن بچسبد و مایه آزردن مسلمانان فراهم سازد. خداوند تعالی بصیرت ما را به نور
 ایمانش روشن سازد تا در چند روز زندگی زودگذر دنیا یا رشا طرباشیم نه بار خاطر.

۵. نمازگذاری و یتیم‌نوازی و مساعرت متمندان

با هم همراهند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ
فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ فَوَيْلٌ
لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ
وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿۲﴾

آیا دیده‌ای کسی را که تکذیب مینماید به دین عقیده به دین نه دارد؟ او همان کسی است که بایتمیان درشتی میکند و بر خوراک دادن مسکینان تشویق نمی‌نماید کیسکه بایتمیان بدرفتار باشد کیسکه از مدو متمندان دست باز دارد کسی است که دین خود تکذیب نموده و راستی دین ندارد آنانیسکه بایتمیان بدرفتاری و با متمندان نامهربانی نمودند مردمی هستند که از نماز خود به غفلت افتاده اند زیرا نماز وسیله نزدیک شدن بخدا است. عبادت خدا بایه روشنی دل و نیرومندی ایمان است کیسکه از نماز به غفلت افتاد خواه نماز را بادی آشفته خواند و معنی نماز را درک نکرد و خواه از نماز خود به غفلت افتاد و آن را تاخیر کرد اینان دل‌شان از نور ایمان محروم مانده است و اثر ایمان که مهربانی بایتمیان و مددکاری متمندان است از آنان ظاهر نمیکردد و ای بحال مردمی که از نمازشان به غفلت افتند آن بدبختان از فکر خدا بیرون روند و در کارهایشان

ریا برده نمود به مردم آشکار است آنچه لازم شان نیست مصرف می کنند در راه باطل انفاق دارند اما از زکات سر می بچند. در تفسیر کلمه ماعون اقوال است. ماعون بمعنی زکات آمده است. **يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ**. زکات را نمیدهند. و ماعون بمعنی آنچه که همسایگان به یکدیگر به رعایت سپارند از ظروف و وسائل. **يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ** لوازم و اثاث را از رعایت دادن منع می کنند و ماعون بمعنی کمک خود را از مردم باز میدارند. نشانه تصدیق دین نهبانی با ایتام و مددکاری ضعیفان و مستمندان است و نشانه تکلیف به دین در شتی بایتمجان و دست کشیدن از فقرار و مسکینان است. اثر حضور قلب در نماز اداره حقوق و پرداخت زکاة به فقرار و اخلاص عمل برای خدای متعال است و اثر سهو و غفلت و سستی از نماز ریاکاری و امتناع از اداره حقوق فقرار و رسانیدن کمک به مستحقان است. سستی و غفلت در نماز مایه ریاکاری و منع حقوق است. و حضور قلب و نشاط در نماز پایه توفیق در نکوکاری و جلوگیری از زشتیها است.

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ العنکبوت - ۴۵

(محققا نماز واقعی جلوگیری از زشتیها و ناردوایشها می نماید)

نماز در دین مبین اسلام بمنزله جان از بدن است و کسیکه نماز ندارد و محال است که خیری داشته باشد. اما نماز وقتی نماز است که برابر دستور شرع و بنا به فرموده حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم همانند نماز ایشان باشد. رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: **صَلُّوا لِمَا رَأَيْتُمُونِي أَصْلِي**. آنچه را که من می بینم که دیدید مرا نماز خواندم نمازتان مانند نماز من باشد راحت قلبتان در نماز فراهم آید استمداد از خدا و ابراز بندگی و اخلاص در نماز داشته باشید. در نماز حل مضلات و آسان شدن مشکلات بخوابید.

چنانچه حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم میفرمود: ارحنا بها یا بلال ای بلال اقامه نماز بگو و ما را به نماز راحت کن نماز برای فائق آمدن بر مشکلات همیشه از عهد حضرت رسول به بعد همیشه شیوه علماء و دانشمندان و سروران و بزرگان بوده است کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اذا فرعه أمر بیدر الی الصلوة عادت رسول اللہ بود که هر کاریکه باعث ناراحتی خاطرش میگردد به نماز توسل می جست اگر وقتی که شخصی با گرفتار شدن هر کار بزرگ موقعی که دید راه بر او بسته شده است رو بخدا آورد و در پائی از سختی راز او بخواهد مشکلات همانند آب آسان شود اما بسیاری مسائل هست که از طریق تعبیر امکان ندارد اما شخص در موقع سختی میتواند اثر آن را بچشم بیند آنهاست که همیشه روی دلشان بسوی خداست و برای انجام هر کاری طرق معقول آن را در پیش میگیرند اگر وقتی دیدند کارشان به این حالت رسیده است از همین کیمیائی نماز و توسل بخدای توانا چاره می جوید ولیکن بسیارند افرادی که در خوشی نه یاد خدا دارند و نه عبادت او، در خوشی روی راز خدای خود بر میگرددانند در ناخوشی روی می آورند و معمولاً اینگونه افرادند که اجابت دعای خود را بزودی نمی بینند۔ در حدیث صحیح است «تَحَرَّفَ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفُكَ فِي الشَّدَّةِ» در خوشی خدا را بشناس تا در ناخوشی تو را بشناسد نماز وسیله آشنائی با خدا و شناختن خداست در نماز شناوده خدا شناسی نهاده میشود و اساس ایمان داری مقرر میگردد در صدر اسلام که به سرعت خارق العاده ای اسلام سراسر جهان را فراگرفت از همین کیمیائی نماز استفاده میشد نماز ساده ترین طریق همیشگی است و در نماز پایه طهارت قلب و پاکی تن گذاشته می شود۔ قال رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم: أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ لَيَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ

هل یبقی من درنہ شیئاً قالوا لا قال فذلک مثل الصلوات
 الخمس بحوالہ اللہ بہمت الخطایا آیا اگر جوئی آبی شیرین بردر خانہ کی از شما باشد و
 روزی پنج بار از آن بدن بشوید آیا از حرکت بدن او چیزی باقی میگذارد گفتند و فرمود
 پس آن مثال نمازهای پنجگانه است که خدا بوسیله آنها خطاها را محو فرماید نمازهای پنجگانه
 وسیله پاک شدن از گناہان و خطاهاست ہر گاہ نمازهای پنجگانه در حقیقت نماز باشد
 وقتی کہ شخص نماز میخواند و غبار بدینی و یا تیرگی کینہ و یا کدورت دشمنی و یا آلودگی بہ گناہ
 و یا قصد آسیب و آزردن مردم در وجود خود یافت باید نماز خود را اصلاح کند مردم زمانہ
 در امور معنوی رو بہ عقب میروند زمانی بود کہ دروغ و خیر چینی و شر جوئی و فتنہ انگیزی
 مرادف کفر دانستہ می شد تا کم کم دروغ و فتنہ با تکرار و عادت بہ آن از رنج خود
 افتاد تا بجای کہ پیران ہفتاد سالہ کہ پای شان لب گوار است از ذخالت در حدود نمی
 اندیشند و برای اندکی از مال دنیا دین خود را بدنیای دیگری می فروشند -

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود (ملعونٌ من منع حدًّا
 من حدود اللہ) مورد لعنت کسی است کہ نگذارد حدی از حدود خداوندی اجرا شود
 کسیکہ زنا کاران را ضامن شد کسیکہ خیانت کاران را کومک نمود از جملہ ہمین لعنت
 شدگان است و لعنت خداوندی وقتی کہ بہ کسی رسید دنیا قبل از آخرتش بر وی دوزخ شد
 خود زمانی بود کہ نماز حتی کودکان خردسال ہم در آن سستی نمیکردند تلاوت قرآن در ہر
 بامداد در خانہ ہا بلند بود کم کم تلاوت قرآن از دست افتاد تا بجای کہ نماز ہم از شمار
 نماز گذاران کم می شود و آنہا ایسکہ نماز میخوانند ہم قصد از نماز را فہم نمی کنند و ہم بستگی و
 مدد ہم دیگر را کنار میگذارند و تنہا ہدف و آرزو افزودن مالہای ناپاکی است کہ در آخر باید

مرف حرام و یادوا۔ شود — وَاخْرَجَ الطَّهْرَانِي وَابْنَا خَزَيْمَةَ وَحَبَّانَ
 فِي صَحِيحِهِمَا (أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: رَأَى رَجُلًا
 لَا يَتَمَرَّ رُكُوعَهُ وَيَنْقَرُ فِي سُجُودِهِ وَهُوَ يُصَلِّي فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوْ مَاتَ هَذَا عَلَى حَالِهِ — مَاتَ عَلَى غَيْرِ
 مِلَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ مِثْلَ الَّذِي لَا يَتَمَرُّ
 رُكُوعَهُ وَيَنْقَرُ فِي سُجُودِهِ مِثْلَ الْجَائِعِ يَأْكُلُ التَّمْرَ أَوِ التَّمْرَتَيْنِ

لَا يَغْنِيَانِ عَنْهُ) . أَوْ كَمَا قَالَ (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم مردی را دیدند کہ نماز میخواند و رکوع را تکمیل نمیکند و سجود
 او فقط پیشانی بر زمین زدن است فرمود اگر این شخص بر این حال بمیرد و مردنش نہ بر دین محمد
 است پس فرمود مثال کسیکه رکوعش کامل نباشد و سجودش مانند منقار بزین زدن
 باشد مثال گرسنه ای است کہ یک دانہ خرمایا دو دانہ خرمایا بخورد کہ نفعی به وی نمی رساند
 نماز باید وسیله راحۃ روح و آسایش قلب و غذای سیر برای روح و ضمیر باشد
 در نماز به خواسته های روح و اصلاح نفس و تطہیر اخلاق و اندیشہ آخرت برسد وقتی کہ
 در نماز نہ بفکر اصلاح خود شد نہ روح خود را از راه بران نیاز بدرگاہ خدا صیقل کرد نہ دل
 را بپاد خدا نشاند نہ خود را خیر اندیشی قصد نمود در حقیقت نمازی نخوانده است در نماز چشم و گوش
 و دل و ہوش ہمہ باید بجد اختصاص یابد تا روح بہ دوری از گناہ ہمیشہ شاد بماند و دل بیاد
 خدا ہمیشہ روشن و با صفا گردد و زبان بہ تسبیح و تحمید گویا گردد و تن ہمہ در عبادت ایستد
 نماز واقعی قرار گیرد در نماز روگردانیدن و یاسر را بسوی آسمان بالا بردن منع شدہ است۔
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: ما بال أقوام يرفعون أبصارهم
 إلى السماء في صلاتهم. فاشتد قوله في ذلك حتى قال ليتنهن عن ذلك أو لتخطف

ابصارهم؛ چه حالی دارند مردی که چشمها را در نماز بسوی آسمان بالا می برند. در این زمینه از نظرهای به این سود آن سود نظر بسوی بالا برون که خلاف ادب نماز است - بیان فرمودند تا آنجا که فرمودند باید خودداری کنند از نظر بسوی بالا کردن و یا این که چشمهایشان رپوده شود در نماز که آدمی برای اظهار عبودیت و در برابر خدای استبداد و فزونی با او همراه باشد از فکر بهیوده و نظر بر این سود آن سود غفلت و بیجالی به پرستش و مهم ترین چیزی که آدمی را در نماز به خشوع و امید آرزو از مرگ کردن است با اینکه در دنیا حتی یک نفر هم یافته نمی شود که بهمه امید و آرزوهای خود برسد و معمولاً بیشتر مردم آرزوهای خود با خود بگویند برند باز هم کمتر کسی است که عاقبت اندیش باشد از زوال مال دیگران و القراض ذریه و نواده دیگران اندر نمی گیرند خود را برای مقداری اندک به هر آتشی میزنند فرزندانهای ناخلف عاقبت زنجیر منفوری نزد عموم برای شان نمی تواند وسیله عبرت باشد و جز مرگ هیچ دوای دیگری ندارند و بجز آتش هیچ درمان دیگری نمی پذیرند و حقا که هر چه آتش در پی آن باشد اگر هزار سال همانندنا بود است و آنکه خشم خدا بهمراه دارد اگر همه اموال دنیا بدست آرد باز هم در زوال و بدبختی است - مرگ است که آدمی را از همه چیز قطع میکند - و فکر مرگ است که آدمی را هشدار می دهد -

روی الحافظ بن حجر عن الدیلمی عنه صلی الله علیه و آله وصحبه وسلم
 اذکوا الموت فی صلاتک فان الرجل اذا ذکس الموت فی صلاته لحرى ان یحسن
 صلاته وصل صلاة رجل لا یظن انه یصلی صلا غیرها. مرگ را در نماز بخاطر آرزویر شخص
 وقتی که در نماز خود مرگ را بخاطر آورد نشاسته است که نماز خود را نیکو گرداند و نماز بخواند همانند
 کسیکه گمان یافتنی نماز دیگری را ندارد. و به همین معنی است وصل صلاة مودع نماز بخوان

نماز کسیکه از دنیا خدا حافظی میکند و میرود - در حقیقت اساس و شالوده زشتکاریها همین امید دنیا به دار و آرزوهای بیشمار است که بیشتر آنها تحقق نمی یابد - تا غرور و عظمت بنا می آورد - در این ماه مبارک جای آن دارد که افرادی که در سال گذشته بوده و امسال نیستند بیاد آورده شوند آنها هم در رمضان گذشته باور داشتند که به این رمضان نمی رسند اما پایان عمر کسی را خبر نمیدهد و وقتی که مرگ رسید دیگر همه در با مسرد می گردند امر و زار و طاعت خدا غنیمت بشمارید این ماه مبارک را آغاز سعادت خود بگردانید بر کارهای نیکو تصمیم بگیرید از بدیها پرهیزید شکر العالی را بجا آورید نعمتهای خدا را در خلاف فرمان او بکار مبرید برای نیکبختی خود در بستگان تان گانهای موثری بردارید دل و زبان و دهن و دامن را از آلودگی حفظ کنید همیشه از خدای متعال بخواهید تا شمار از دوستانش قرار دهد و پیوسته شمار او را آنچه مایه خوشی دنیا و آخرت است - و بر آنچه شمار مورد خوشنودیش قرار می دهد توفیق دهد - و این سعادت برای کسانی است که نماز را بادی پر نور بخوانند

روی ابوداؤد - عن عبد الله بن الشخیر رضی الله عنه قال رایت رسول الله

صلی الله علیه وسلم یصلی فی صدره ازیزکاً زیزا المرء من البکاء -
 رسول الله را دیدم که نماز می خواند و در سینه او جوش و خروش بود از گریه و اظهار انابت - آنچه آنکه دیگر می جوشد - خدایا بما توفیق و هتاعبادت را بطوری انجام دهیم که در حقیقت پیروی سنت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم در برداشته باشد ما را از غفلت و آنچه که مایه غرور و سستی در طاعتت میگردد محفوظ فرما خدایا بدرگاه تو نتواند آمدن مگر کسیکه تو او را دعوت کنی ما را بسوی خود دعوت کن و ما را برای بدست آوردن رضا و خوشنودیت در همه حال موفق بدار در این ماه ما را از گناهان آزاد کن و از

غفلت و غرور نجات دهه و از آنچه ما را از تو دور می ساز و نگهداری فرما خدایا دستهای
 بیچارگی و افتقار بدرگاه تو فراداشته ایم ما را از رحمت تو امید نگریدان. پروردگارا اولی
 الامر ما موفق فرما تا احیاء کننده شریعت مطهره محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم
 باشند. آفریدگار ابره سروران و بزرگان ما توفیق طاعتت عنایت فرما. بار الهی
 مردگان ما را به مغفرت شادکن و ما را از بند معاصی و غم آزاد کن و به خرد و بزرگ ما قبولیت
 در درگاهت عطا کن بدان ما را به نیکان ما بنحشای و نیکان ما را به رحمت دلشاد ساز
 ای بی نیاز تو انا خواسته های ما را در طاعتت قرار ده و فرجام ما را به حسن خاتمت پایان ده
 تا سرفرازی بخشودگی همیشه همراه ما باشد و عنایت و معاونت در همه حال یاد و مددگار
 ما باشد.

اللَّهُمَّ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَتُبْ عَلَيْنَا
 إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا
 وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا
 إِنِّي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ
 النَّارِ وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ
 صَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ
 عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ
 لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۶- در حقوق مسلمانان نسبت به دیگر

الْحَمْدُ لِلَّهِ خَيْرٌ أَوْ فِي نِعْمَةٍ وَيُكَافِي مُزِيدَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - إِلَهَ الْحَقِّ وَرَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ آمَنَّا بَعْدَ فَيَا عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوهُ

قال الله تعالى

﴿وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ الحشر - ۷

(مژده بندگان مرابندگانی که می شنوند گفتار را پیروی میکنند از بهترین گفتار)

در حقیقت بندگانی شایسته مژدگانی و بشارت هستند که همیشه بهترین گفتار را
شنوند و پیروی کنند بهترین کلام کلام الله قرآن است بندگان خدا که شایسته بشارت
هستند هیچگاه از کلام خدا و پیروی آن عدول نمی کنند - قال الله تعالى :

﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ الزمر - ۱۷

(آنچه بغیر بشمار فرمود آنرا بگیرید و آنچه شمارا از آن بازداشت از آن خودداری کنید)

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم (حق المسلم على المسلم: إذا فقيته
فسلم عليه وإذا دعاك فأجبه. وإذا استنصحتك فالنصيحة وإذا عطس فحمد الله
فشمته وإذا مرض فعده وإذا مات فاتبعه) . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

حق هر مسلمان بر برادر مسلمانش شش چیز است. هرگاه او را دیدار کنی بروی

سلام نمائی و هرگاه تو را دعوت نمود اجابه اش نمودن لازم دانی و هرگاه از تو مشورتی خواست به
 نصیحت و اخلاص دخی اوقیام کنی و هرگاه عطسه که در گوی؛ خدا تو را مورد رحمتش قرار دهد و
 هرگاه بیمار شد به عیادتش شتابی و هرگاه وفات نمود به تشیع جنازه او حاضر شوی - در
 این حدیث صحیح مجامع آداب اجتماعی بیان شده است ملاقات و رعایت حق مسلمانی
 در دعوت و اجابت و ابراز داشتن اخلاص هنگام مشورت و مختتم شمردن وقت برای
 دعای خیر و ناراحت شدن از بیماری برادران و به عیادت شان شتافتن و در
 موقع مرگ از حاضر شدن برای تشیع و تجهیز مسلمان برای سفر آخرت فروگذار نماید در
 زندگی آداب دیدار است و آداب اجتماع و حفظ شخصیت و اظهار نصیحت و دعای خیر و
 عیادت و در مرگ تجهیز و تشیع و بدرقه و همدردی است کسبیکه همه این حقوق را بجا آورد
 ذمت خود را از مشغول شدن بحقوق مسلمین تبرا کند و در هر قسمت از این حقوق اهمال شود به
 همان اندازه ذمت به حقوق مسلمین مشغول گردد - در بیماری مسئولیت‌های بیشتری پیش می آید در
 بیماری باید بیشتر بفکر مرگ افتاد زیرا آدمی نه از همه بیماریها نجات می یابد در بیماری بیشتر
 باید بفکر عبادت بود و حتی لحظات زودگذر هم باید غنیمت شمرده شود در بیماری تصفیه حساب
 خود با مردم شیوه عقلا و خردمندان است - در بیماری چند و اندرز بستگان تا از تجارب
 شخص برای سعادت بستگان درس آموزنده ای باشد و طیفه هر فرد است بیاد خدا بودن
 در روز شمار بخاطر آوردن و از حقوق مسلمین بیرون آمدن و حلال بودی از اطرافیان خواستن
 نشانه ذوق سلیم و ایمان صحیح است آنانیکه می خواهند از بیماریهای خانمان بر انداز مضمون
 بمانند بفکر بیماران باشند جزا همیشه از جنس عمل است - هر قدر شخص بیشتر بفکر بیماران
 باشد و بیشتر برای شفا و بهبودی شان بکوشد بیماری خودش کمتر خواهد بود و زود تر

بهبود خواهد یافت -

عیادت بیماران این نکته را بیاد می آورد که تندرستی هم مانند هر چیز دیگری عاریت است و ملک نیست رعایت بهداشت و حفظ صحت در نگهداشتن سلامت اثری ظاهری دارند و بفرجه بیماران بودن و بیماران را غمگار گشتن در دوری از بیماریها اثری معنوی دارد. بچشم دیده می شود آنها یک در وقت شیوع بیماری دامن همت دارند و برای خدمت بمردم می ایستند کمتر هم و چاره بیماری می شوند در بیماری حساب گذشته نمودن و از خطاهای خود درس عبرت گرفتن و از اشتباهات خود پوزش طلبیدن نشانه اغنام فرصت است در بیماری قدر صحت شخص می شود. و در بیماری فاصله زندگی و مرگ در نظر آدمی محتمل میگردد و آدمی میتواند به بیند که آبادی و ویرانی جسم در دست کسی است که اجسام را بنیان نمود و همانند همه اجسام برای مدتی محدود پایه گذاری شد که بهها با همه عظمت دست آخر دچار ویرانی و فنا میشوند و آدمی هم با همه توانائی دست آخر طعمه بیماری و غلوفه مرگ خواهد بود اگر نا بخردان در بیماری اندکی بخود می آیند خردمندان در اوقات تندرستی پایه کار خود بر تحقیق می نهند خردمندان نه در تندرستی دستخوش غفلت می گردند و نه در بیماری هر سیده سختی مرگ را گو مردمی مسافر را به دودسته تقسیم کنیم دسته ای که در حال اقامت آنچه بایزده است بدست آورده اند و دسته ای که در حال اقامت زده وقت را بهر داده و نوشته ای برنگرفته اند آن دسته که در حال اقامت وظائف خود را انجام داده و آنچه بایسته مفر است بدست آورده اند موقع سفر هیچگونه دلبه و بهر اسی ندارند و دسته دوم همینکه هنگام سفرش حسرت های جانگاہ دامن گیرشان خواهد شد دنیا گشتن از آخرت است و مردم دنیا گشا و زانی هستند که پس از گذشت مدت زراعت به انتظار درو نشسته اند

آنها بیکه در تندرستی زراعت خود را بجا آورده اند در موقع بیماری و مرگ انتظار درو بدست آوردن حاصل و آمدن ایام فراغ خاطرشان را بر نوبید میگردانند و آنانیکه زراعت نموده و یا خار و خاشاک کاشته اند نقد عمرشان بهدر رفته تمهید است از محصول بالوابع حصرتها خواهد رفت عیادت بیمار بایه شکر گذاری خدا و دستگیری بیمار آن و نگهداری تندرستی و محافظت بر صحت خود و بستگان است و در عیادت بیمار بدست آوردن رضای بیمار و دلخوش کردن او و بدست آوردن رضای خدا است مهمترین وقتی که شخص حاجت به ملاقات دوستان و دل داری آنان دارد موقع بیماری و فروماندگی است. و هر اجتماعی که افراد آن در بیماری و ناتوانی همدیگر را فراموش نکنند اجتماع سعادت مندی است وقتی که مسلمانی بیمار شد عیادت او فرض کفایت است که اگر هیچکس او را عیادت نکند رهمه عاصی گردند یکی از اسباب غم خواری مردم نسبت به بیمار وضع اخلاقی بیمار است.

کسانی هستند که در تندرستی طور بی رفتاری می کنند که هیچکس در حال بیماری شان حاضر به عیادت شان نمی شود این گونه افراد گناه عیادتشان به گردن خودشان است یکی از آثار اظهار محبت مردم و خوش رفتاری بهمین تسخیر دلهاست و هر مسلمان باید در زندگی خود طوری رفتار نماید که از محبت عموم بهره مند باشد و بقول شاعر:

دلا معاش چنان که گری بفرز و پای فرشته ات به دود دست دعا نگهدارد.

خیرادر عیادت بیمار چیدن ثمرهای بهشت است.

و عن ثوبان رضی الله عنه عن النبي صلی الله علیه و سلم قال: « ان المسلم اذا عاد اخاه المسلم لم يزل في خرفة الجنة حتى يرجع »
 قيل وما خرفة الجنة؟ قال: « جناها »

(رواه مسلم) — رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: حقیقت این است که شخص مسلمان
 هنگام عیادت برادر بیمار مسلمانش در چیدن ثمرهای بهشت است تا موقی که از نزد دیوار
 برگردد و هنگامیکه شخص مسلمان درگذشت شستن و کفن پوشاندن و نماز خواندن و
 تشییع جنازه اش و دفن کردنش بر عموم فرض کفایت است که اگر کسی دارای مالی نباشد
 تمام تجویز آن لازم مسلمان است و اگر دارای مالی باشد تجویز او از مال خودش انجام
 داده می شود. تجویز زنی که شوهر دار است بر شوهر او است. و انجام دادن غسل و کفن و نماز
 خواندن و تشییع و دفن در حق هر مسلمانی لازم است خواه کوچک باشد خواه بزرگ خواه شریف
 باشد خواه حقیر خواه صالح باشد خواه نامحلیح.

در غسل میت لازم است غسل میت بطوریکه او را نظیف و پاکیزه سازد بکار
 بدون برگ کنار و صابون در آغاز شستن و قرار دادن کافور در او آخر شستن او از مستحبات
 است اگر میت در حال جنابت و یا حیض درگذشته باشد همان غسل میت برای او کافی
 است. در کفن یک سرتاسری واجب است اگر کسی بدیه کار باشد بیش از یک سرتاسری
 از مال خود حق ندارد اگر کسی بدیه کار نباشد سه سرتاسری مستحب است اگر بخوابند در
 مرد پیش از سه سرتاسری باشد جامه و عمامه افزوده می شود و مرد و کولنگ با طلا نه
 در زن افزوده می شود در کفن بهتر است از پارچه مستعمل و شسته باشد و مکروه است گرانی در
 کفن بکار بردن و حرام است کفن مردان از ابریشم نمودن.

در نماز میت: هرچنین که زنده بدنیا آمد غسل و کفن و نماز و تشییع و دفن او لازم است
 طفلی که مرده بدنیا آمد اگر شش ماه بیالاست بهتر است نماز بر او خواندن. نماز بر میت
 فرض کفایت است. اگر در شهری میتی را بدون نماز سجاک سپارند همه عاصی شوند و اگر

یک مرد مسلمان نماز بر میت بخواند گناه نخواندن نماز بر میت از گردن همه ساقط شود -
هر قدر شمار نماز گزاران بیشتر باشد میت به رحمت خدا نزدیکتر می گردد - نماز جتازه
لازم هر فرد مسلمان است که آن را بدستی براند - در جنازه ۴ رکن است :

اول : نیت : نماز جنازه می خوانم بر این میت بسم الله تعالی یا نماز فرض کفایت
بر این میت می خوانم بسم الله تعالی و اگر با امام بخواند : نماز فرض کفایت بر این میت می خوانم
بسم الله تعالی با امام -

دوم : خواندن سوره فاتحه بعد از الله اکبر اولی -

سوم : درود فرستادن بر پیغمبر بعد از الله اکبر دومی - " اللهم صل على

محمد وآل محمد كما صليت على إبراهيم وآل إبراهيم وبارك على محمد
وآل محمد كما باركت على إبراهيم وآل إبراهيم في العالمين إنك حميدٌ مجيدٌ
رانند بگوید اللهم صل على محمد کفایت است -

چهارم : دعای برای میت بعد از الله اکبر سومی : اللهم اغفر له وارحمه

وَ عَافِهِ وَ اعْفُ عَنْهُ وَ وَسَّعْ مَدْخَلَهُ وَ اجْعَلْ فِي عِلْيَيْنَ مَنزَلَهُ وَ بَاعِدْ
بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَطَايَاهُ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ نَقَّهِ مِنَ الْخَطَايَا
وَ الذَّنُوبِ كَمَا يَنْقَى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ وَ اغْسِلْهُ بِالْمَاءِ - إلى آخره
رانند بگوید اللهم اغفر له درود اللهم اغفر لها در زن کفایت است -

پنجم : اللهم لا تحرمنا اجره ولا تقمتنا بعده و اغفر لنا وله و للمسلمين -

بعد از الله اکبر چهارم و سلام دادن بعد از آن -
فصلنامه ارکان نماز میت شش است : نیت - چهار تکبیر - سوره فاتحه - صلوات^۳

بر پنجشنبه بعد تکبیر دوم دعای برای میت بعد تکبیر سوم - سلام نماز بعد تکبیر چهارم -

در حدیث صحیح است که در دعای برای میت اخلاص پورزی و دعا را از دل بنهید - میت بر اثر مرگ اعمالش قطع گردید - نماز میت برای دعا و شفاعت است - مسلمانان دست دعا بر میدارند و مغفرت میت را از خدای متعال می خواهند و میدانند که میت مسلمان همیشه مشمول دعای خیر مسلمان است - زندگان مسلمان برای خود و امواتشان دعا میکنند و نیکوکاری انجام میدهند در نماز میت اظهار این است که زندگان باید نفعشان بر مردگان برسد و از مردگان وقتی رسائیدن نفع مقصود است که در زندگی خود خدمتی به اجتماع کرده باشند - قال رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه و سلمه (اذا مات المرء المسلم انقطع عمله الا من ثلاث صدقة جاریة او علم ینتفع به او ولد صالح یدعوه) او كما قال (علیه الصلاة والسلام)

وقتی که شخص مسلمان درگذشت اعمالش قطع می شود مگر از سه راه از صدقه جاریه به اینکه مسجدی ساخته باشد یا پناه و آب انباری بنا کرده باشد یا مدرسه ای بنا نموده باشد یا بیمارستانی ساخته باشد یا لوکه کشی آب شهری انجام داده باشد یا امثال این کارهای اجتماعی نموده باشد -

دوم از طریق علم نافع مردمی را تعلیم نموده باشد و آن تعلیم شدن گان به تعلیم مردم قیام کنند و این کاره ان علم همیشه برقرار ماند و یا اینکه کتابهای علمی سودمندی نوشته باشند که در زندگی و بعد حیاتش مایه استفاده مردم قرار گیرد که دوام نفع به تعلیم و تهنیت همیشه برای میت برقرار بماند -

سه دیگر فرزند صالح و شایسته مسلمان است که جانشین والد نمود باشد و

آنچه از کارهای خیر انجام دهد نفش به والد او رسد و هر قدر تناسل کنند والدین شان در اجر کارهای خیر شان سهیم باشند.

صدقه جاریه و علم نافع و فرزند صالح بمنزله ادامه عمل شخص هستند که هر چه بیشتر باشند نفعتشان بیشتر است و خیر این سه بیشتر به میت میرسد میت را پس از وفات حاجت بکارهای انجمن فرستاده خود است - و حاجت به دعای مؤمنان و عرض از زیارت اموات همانا قرأت فاتحه و دعای خیر برای شان است در مقابر صالحان پس از قرأت فاتحه و دعا برای میت تبرک هستن به دعای خیر برای خود نمودن مطلوب است - نه حاجت خواستن از میت - در زیارت اموات اندر ذکر فتن است که چگونه مردم صالح هرگاه عمل شان به مرگ قطع شده خدای متعال دلمه را برای زیارت و دعای خیر شان و اداری سازد و چگونه مردم ناصالح پس از مرگ فراموش می شوند کسی به زیارت شان می رود نه دعای خیری نثار شان میگردند در دعای صاحبان سهمی دارند در ظلمتهای گوریکه در آن تملک و بیچاره می مانند و همانگونه که هر کار خیری در اوقات فاصله بهتر است مثلاً صدقه به فقر دادن در هر روز خوب است و در روز جمعه مؤکد تر و بهتر است - زیارت اموات هم در روزهای پنجشنبه و جمعه و شنبه و در روز عرفه و روزهای رمضان و در روزهای عید و امثال آن بهتر است زبان حال اموات اظهار حاجت است و نیاز و بقول شاعر:

ایکه بر ما بگذری دامن گشای

سخت محتاجیم الحمد لله بخوان

و شایسته برای هر شخص هم همین است که ببنندگان خود دستور دهد بعد از وفاتش او را فراموش نکنند به زیارت ایشان بند و صدقانی در راه خدا برای او بفرستند و فاتحه برای

اونجوانند و دعای خیر می نثارش نمایند. اما گرفتن گلی قبر حرام است نزدیک قبر بر مسخره
و خنده پرداختن و خوراک نخپتن و مصرف نمودن خوراک پہلوی قبر از ضعف ایمان است و از
نشانه های منافقان است.

در زیارت اموات همانند در حال زندگی نزدیک یاد و روز از اذقار میگیرند در
زیارت اموات اغتنام فرصت باید بنظر آید که مردگان هم روزی بر این جهان بودند. و نه
فقط لحظات بلکه ساعتها و روزها و هفته ها و ماه ها و سالها از عمرشان بجا بردفت هر
لحظه که در آن کاری سودمند انجام نگیرد. بیا در فتنه است در زندگی آدمی چه ساعتها ای گرانها
از عمر گرانهای آدمی بربادی رود. عمر آدمی تنها سرمایه آدمی است که برای آن ارزشی
قابل نیست. و در حقیقت واقع از هر چیزی دیگری ارزشش بیشتر است و آنچه آدمی در این
دنیا بدست می آورد از راه پرداخت نقد عمر بدست می آورد اگر آدمی بدستی بندیش دنیا بدول
آدمی سرد میگردد آدمی یک روز صبح تا مغرب جان میکند اگر در مغرب با خود میندیشد که گیر روز از
عمر او گذشته است و دیوانه وار در آن جان میکند است تازه محصول او در آن روز چه میرسد
ساعتی که همانند روزی که بدنیا آمده است تشنه و گرسنه و خسته و تشدید است از دنیا
میرود و تمام عمر گرانها را در راه غور نادانی از دست داده سختیهای فراق از همه محبوبات و
شداید طاقت فرسای لحظات مرگ او را همانند منگند فشارند همه لذت های گذشته همانند
خوابی سنگینی از نظرش میگذرند در آن ساعت افسوس عمر بجا در فتنه از هر آتش سوزنده تر میگردد
و خاصه موقعیکه میداند آنچه بدست آورده است در مقابل آنچه از عمر گرانها از دست داده
بچیزی نمی آرد. زیارت اموات بخاطر این است که آدمی برای روز بچارگی خود چاره ای
ببندیشد و پیش از رفتن بزیر خاک کاری کند که بدست آوردن رضای خدا و دعای خیر خلق

خدا بجایش در آسمانها و در جوار رحمت خدا باشد نه در مغاک . خداوند پرده غفلت را از دیده ما بردارد -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلّم (لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحَكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبِئْسَ كُفْرًا) (المحدث) اگر میدانستید آنچه را که من میدانم - هر آینه خیلی اندک می خندیدید و میگردید بسیار و رویدرگاه خدا بفریادی آمدید تا قدر وقت شناسی را بشما عطا فرماید . خدایا دستما را بدعا برافراشته ایم تا که در جمان ما را سعادتمند گردانی و آنچه بهما ارزانی داری خیریت حال ما در آن قرار دهی خدایا برکت در همه امور ما قرار ده و کامیابی و کامرانی روز افزون در کارهای خیر نصیب ما گردان . بار الهام و دگان ما را به مغفرت شادکن و زندگان ما را به عزت و سه بندی دلشاکن و به خرد و بزرگ ما مغفرت و رحمت ارزانی دار - پروردگارا اولی الامر ما را توفیق اجراء شریعت مطهره اسلام عنایت دار و بزرگان ما را به عنایتت مؤید دار -

اللهم ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار

اللهم اناك عفو قاعف عنا وعت والدینا وعت

المسلمین و صلی الله تعالی وسلم علی سیدنا

محمد وآله وصحبه و الصالحین

سبحان ربك رب العزة عما یصفون

وسلام علی المسلمین و

الحمد لله رب العالمین

۷. خوشنودی خدا در خوشنودی پدر مادراست

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُؤْتِي نِعْمَةً وَيَكْفِي مُزِيدَهُ سُبْحَانَكَ
 اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا خَصِي ثَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَنْثَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ
 فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ
 لَكَ وَنَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ
 عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ آمَّا بَعْدُ فَيَا عِبَادَ اللَّهِ
 اتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى وَأَطِيعُوهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَقَضَى رَبُّكَ أَتَّعَبُوا
 إِلَّا آيَاءُ وَيَالِ الْيَوْمِ إِحْسَانًا - إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا
 أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا
 كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا
 كَمَا رَبَّيْتَانِي صَغِيرًا - رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا
 صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا» «الإِسْرَاءُ ٢٣-٢٤-٢٥»

فرمان داد پروردگارت که بندگی نکنید مگر او را و فرمان داد به نیکوکاری و خوبی

در حق پدر و مادر -

خدای متعال فرمان توحید و یکتاپرستی خود با فرمان خوبی به پدر و مادر همراه ساخت
 تا دانسته شود سبب نیت به پدر و مادر خود و خوبی نکرد توحید خدای را بجای نیاورده است
 پدر و مادر مایه حیات فرزند هستند مادر نه ماه بار حمل و تا تو اینها می حاصله از آن را

بجان خریده است و پدر و مادر خود را وقف فرزند نموده است تا جگر گوشه شان که
 با خون دل او را پرورش داده اند دوزی دختی سرفراز گردد و بتواند در سایه مهر و محبت
 او ناراحتیهای کودکیش را فراموش کنند اینست که پروردگار فرمود: اگر پدر و مادر هر دو
 شان و یا یکی از آن دو نزد تو به پیری برسند و معلوم است که پیری نموده ای از کودکی
 است شاکسته چنان است که فرزند در پیری پدر و مادر کم حوصلگی و زودرنجی شان را به
 خوشروئی استقبال می کنند و در هر بخشی از کودک سر و صورتش را غرق بوسه می سازند و
 برای بدست آوردن رضای کودک شان به هر وسیله ای دست پائی زنند در حالیکه
 منتهای محبت فرزند در برابر بخش پدر اعتراف به تقصیر و درخواست پوشش است پدر و
 مادر آنچه دارند برای فرزند خود میخواهند و حاضرند در راه او انفاق کنند و به پرورشش
 قیام کنند و آرزو دارند آنچه را که جمع می کنند بهره فرزندشان و مایه خوشی شان باشد
 در حالیکه فرزندان به امید میراث نشسته اند پدر و مادر به مرگ راضی اند و به ناخوشی فرزندان
 راضی نیستند اما فرزند هیچ گاه به ناخوشی خود در برابر مرگ پدر و مادرم راضی نیستند پدر و مادر به
 برتری هیچ فردی بر خودشان خوشنود نمیشوند مگر به برتری فرزندشان که آرزوی هر پدر و مادری
 است که فرزندان شان از خودشان بهتر باشد اینست که پروردگار متعال فرمود اگر پدر و مادر
 هر دو و یا یکی از آنها و به پیری رسند نزد تو معلوم است که پیری همه اش غیب است مبادا که
 در برابر شان کلمه اف خسته شدم بر زبان رانی مبادا که در برابر پدر و مادر کشتی نمائید
 بلکه گوشش نمای که گفتارت بایشان بزرگوارانه و مودبانه باشد همیشه پر مهر و محبت در برابر
 شان بزیار آید خود را در برابر شان کوچک شمارد و بگوید یا پدرم و مادرم را رحمت کن رحمت خواستی
 من برای پدر و مادر بجای نمیرسد آن دورا طوری رحمت کن که جزای مهر و محبت شان بر من در

موقع کو دیکھو کہ کیم باشد جنتی بہ ایشان عطا کن کہ سزای پرورش مین در خرد و سلیم باشد خدا میداند کہ پیران کہ حوصلہ و زودرنج ہستند و خدا میداند کہ شما فرزندان از بر آمدن از عمد نکوکاری بہ پدر و مادر آنچه نماند شاستہ شان است عاجز و ناتوانید اگر در دل تان بیزاری از تحمل رنجہای پدر و مادر حضور کند همانا در حساب ناخلفی شما فرزندان است۔

﴿ رَبِّكُمْ اَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ ﴾

(پروردگار تان و انانرا است بہ آنچه در دلمای تان میندازد)

﴿ اِنْ تَكُونُوا صَاحِبِينَ فَاِنَّهُ كَانَ لِلْاَوَّابِينَ غَفُورًا ﴾ البقرہ - ۲۵

(اگر باشد شائستگان پس محقق بدانید کہ خدا نسبت بہ رجوع کنندگان بہ درگاہش آمرزگار است)

اگر دیدید از کم حوصلگی پدر و مادر ستودہ آمدہ اید بجای ابراز ناراحتی و بجای حضور بیزاری۔ دو بدرگاہ خدا آوری تا پدر و مادران را بر شما مهربان سازد و بدرگاہ خدا متبجی شود تا او شمار صبر و طاقت عنایت فرماید خدا نسبت بہ رجوع کنندگان بہ درگاہش آمرزگار است از آمرزشش سازش پدر و مادر و فرزند فراموش گرد و از آمرزش رضایت شان را از فرزند فراموش فرماید از آمرزشش فرزندان را توفیق دہد تا خوشنودی پدر و مادر بدست آورند۔ اگر باشد صاحبان۔ صاحبان ہمیشہ روی دل شان بسوی درگاہ خدا است و خدا نسبت بہ صاحبان آمرزگار است صاحب کسی است کہ حقوق خداوندی و حقوق عباد را ایفاء کند در بدست آوردن رضای پدر و مادر و صلاح فرزند است اگر فرزندی از این آمرزش محروم شد و نتوانست خوشنودی والدین را سربایہ نیک بختی دو جهان خود گرداند خدا میداند کہ پایہ ہای او بد بختی برای خود و فرزندانش پایہ گذاری نمودہ است زیرا ہر نافرمانی کہ نسبت بہ پدر و مادر معمول و

است فرزندانش بهمان نسبت و بیشتر در حق او نافرمان شوند و همین نافرمانی ادامه
یابد -

قال ابن عباس رضى الله عنه ثلاث آيات نزلت مقرونة بثلاث لا يقبل
الله واحدة منها بغير قرينتها. احداها قوله تعالى: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ)
فَمَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَلَمْ يُطِعِ الرَّسُولَ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ.

الثانية قوله تعالى ﴿أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ فَمَنْ صَلَّى
وَلَمْ يَزَكْ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ -

الثالثة قوله تعالى ﴿إِنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾ فَمَنْ شَكَرَ
اللَّهَ وَلَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ -

وَلِذَاقِ الرَّسُولِ اللَّهُ صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِرِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ
وَسَخَطِ اللَّهِ فِي سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ) او كما قال (عليه الصلاة والسلام)

عبداللہ بن عباس گوید: سہ آیت ہے کہ در آن سہ آیت در ہر کلام
حکم چیزی ہمراہ با حکم ہمراہ آن آمد و بیچیک از آن بدون ہمراہ آن پذیرفتہ نشود۔
خدا را فرمان بہرید و پیغمبر را فرمانبری کنید اگر کسی فرمان خدا بہرود و فرمان پیغمبر بہرود
از او پذیرفتہ نشود۔ و نماز را برپا داری و زکات را بدہید۔ اگر کسی نماز بخواند و زکاتی
کہ براو واجب است نہ نماز ہم از او پذیرفتہ نہ شود۔ و سپاس مرا بجا آرد و سپاس پدر
مادر نگذارد اگر سپاس والدین نگوید سپاس خدا از او پذیرفتہ نشود۔ روی این اصل
است کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود خوشنودی خدا در خوشنودی پدر
مادر است و خشم خدا در خشم پدر و مادر است و در حدیث صحیح است کہ فروی

بخدمت رسول الله آمد و اجازت خواست برای جهاد فتن - رسول الله فرمود آیا پدر و مادرت زنده هستند - آن مرد گفت بله رسول الله فرمود جهاد تو در خدمت پدر و مادرت میباشد و تفسیر آیه *وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا* - عبد الله این عباس رضی الله عنهما گفت : قصد پروردگار این است که فرزند نسبت به پدر و مادر مرم نخورد و مهربان باشد جواب پدر و مادر به درستی نگوید و خیره در روی پدر و مادر نشگرد و آوازش را بلند تر از آواز پدر و مادر قرار ندهد بلکه فرزند در جلو پدر و مادر همانند برده در برابر آغایش -

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (الْكِبَائِرُ : الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَعَقْوُقُ الْوَالِدَيْنِ وَقَتْلُ النَّفْسِ وَالْيَمِينِ الْغَمُوسِ) أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم فرمود: گناهان کبیره: شرک آوردن بخدا و نافرمانی پدر و مادر و کشتن بیاحت و تمس دروغ است که مال مسلمانی را یا مال کن جنین قسمی صاحب آزار به آتش فرورد و همانگونه که سپاس گذاری خدا یا سپاسگذاری پدر و مادر همراه است - شرک بخدا یا نافرمانی پدر و مادر همراه است - قال الله تعالی:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَانِيًا وَهْنًا وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِحْسَانًا﴾ "لقمان - ۱۴"

و آدمی را سفارش دادیم بخوبی کردن به پدر و مادر مادری که در بار داریش ضعف پس از ضعف است - و بار داری که خود باری سنگینی و ناراحتی بدادم است و شیر دادن دو سال و از شیر گرفتن که پس از دو سالگی است سفارش ما به خوبی در حق پدر و مادر از این راه است که سپاس برای من بجا آری و شکر احسان پدر و مادر نمائی اگر به سفارش ما عمل نمائی بازگشت بسوی من است از رضای پدر و مادر رضای مرا بدست آوری و از احسان به پدر و مادر احسان

مرا بدست آوری بازگشت به سه افزای باشد. و عاقبت بخیر مادر نه ماه بارداری انواع ناراحتی را بجان خرد و یک تنه بجای دوتن غذای جسمی تهیه نماید و از خون جگر و خلاصه جان خود غذائی به جنین رساند غذائی که همراه با جرم بارداری و دعای خیر پدر و مادر همراه است. اگر زحمت مادر در دو سال اول زندگی طفل بیشتر باشد زحمت پدر در سه ماهی بعد از شش ماهگی در تربیت و تعمیم طفل بیشتر است. این است که در قرآن والدین را همراه و همانند قرار داد. برای طفل هیچ غذائی مانده شیر مادر نیست زیرا شیر مادر غذائی است که خدای توانا بجا طریحات و سعادت فرزند آفریده است مادرانی که از شیر و ادن طفل خود خودداری کنند. در مهمترین مسوولیت خود تصور و رزیده اند بهمانگونه که پدرانی که شانه از تربیت و تعلیم طفل خود خالی می کنند بزرگترین خیانت بخود و فرزند خود کرده اند.

فرزندمی که اگر درست تربیت و تعلیم شود و حیات او متمدن حیات والدین و عمل کار شایسته و در دیوان حنات والدین است. در نکوکاری به پدر و مادر دین اسلام پافشاری فرموده. و رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: *ثلاثة لا یمنع معصق علی الشریک بالله و عقوق الوالدین و الفزار من الذحف*. سه کارند که با بودن آنها هیچ عملی سودی ندهد. شرک آوردن بخدا. و نافرانی پدر و مادر و فرار از میدان جهاد. که هر گاه فرزندمی نسبت به پدر و مادرش بد رفتار باشد هیچ عمل خوبی هم او را سودمند نباشد.

در حدیث است که علقمه از یاران پیغمبر مردی بسیار نماز کار و روزه دار و صدقه ده بود چون بیمار شد و بیماری بر او سخت شد زوجه اش کسی را بخدایت پیغمبر فرستاد و بخدایت پیغمبر عرض کرد که شوهرش در جان کندن است. رسول الله سه تن از یاران خود عمار و صهیب و بلال نزد او فرستاد تا کلمه شهادت را بروی تلقین کنند اما شگفت آور

این بود که زبان او را متابعت گفتن کَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نبود نامبر دگان کسی را بخدمت حضرت
 رسول گسیل داشتند که زبان علقمه به کَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ می‌گردد - رسول الله صلی الله علیه وآله و
 صحبه وسلم پرسید از پدر و مادر علقمه کسی زنده است گفتند مادری بزرگ سال و او رسول الله
 کسی نزد مادر علقمه فرستاد که اگر می‌توانی بخدمت پیغمبر آی و اگر نمیتوانی در منزل بمان تا پیغمبر نزد
 تو آید چون فرستاده نزد مادر علقمه آمد و پیغام بر او رسانید مادر علقمه گفت جان من فدای رسول
 الله باد من خود بخدمت پیغمبر آیم عهده از نان بخدمت پیغمبر آید و سلام کرد - پیغمبر جواب سلام
 او داد و فرمود پیرت چگونه کسی است بمن راست بگویی و گرنه وحی بر من نازل شود و مرا از حال
 او با خبر گرداند گفت یا رسول الله سپرم نماز کار در روزه دار و صدقه ده است آامن از او راضی نیستم
 که زوجه اش را بر من برتری میداد فرمود او را می‌موزانم ای بلال همین گهرد آورید تا او را ببوزانم مادر
 علقمه گفت دلم طاقت نیاورد که سپرم سوخته شود رسول الله فرمود پس آتش آخرت خیلی بدتر از آتش
 دنیا است اگر از او راضی نشوی در آنجا سوخته شده شود مادر علقمه رضایت نمود از پیشش علقمه اعلام
 کرد رسول الله فرمود چشم مادر علقمه زبان علقمه را از گفتن کَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ باز داشته بودم
 بخدائی که روح من در دست او است مادامیکه تو مرا خوشنمینی منی نه نمازش و نه روزه اش و
 نه صدقه اش هیچکدام او را سودی ند میدهد و بلال و بنکر آیا علقمه می‌تواند کَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوید
 یا نه شاید مادر علقمه از شرم من اظهار رضایت کرد و دلش راضی نبود بلال رفت و هر گامیکه به
 در خانه علقمه رسید شنید که علقمه از داخل خانه میگردد کَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بلال گفت ای جانان
 چشم ماور علقمه زبان او را از کلمه کَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ باز داشت و خوششودوی مادرش زبان او
 را گشود علقمه در آن روز درگذشت - رسول الله دستورشستن و کفن کردن او داد و نماز بر او
 خواند و بر سر قبر او فرمود: ای مهاجران و انصاریه کیامه همشش را بر مادرش برتری دهد لعنت

خدا و فرشتگان و همه مردمان بر او باده نه فرض و نه سنت از او پذیرفته نشود مگر آنکه توبه کند و مادر را بر سر مهر آورد. زیرا خوشنودی خدا در خوشنودی مادر است و چشم خدا چشم مادر. همانقدر که نافرمانی پدر و مادر عقوبت دارد. فرمانبری پدر و مادر فضیلت دارد.

روى الترمذى وابن حبان و الحاكم :

اِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ فَقَالَ اِنَّكَ اِذَا ذَنْبْتَ ذَنْبًا عَظِيمًا فَهَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ (فَقَالَ هَلْ لَكَ مِنْ اُمٍّ فَقَالَ لَا قَالَ فَمَنْ لَكَ مِنْ خَالَةٍ قَالَ نَعْدُ قَالَ فَتَبَّرَهَا) . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

مردی بخدمت رسول الله آمد و عرض کرد که گناهی کرده ام آیا توبه ای دارم فرمود آیا مادری داری که از خوبی کردن با او گناهت آمرزیده شود گفت ندارم. فرمود خاله ای داری گفت آری. فرمود نسبت به خاله ات خوبی کن تا از خوبی به خاله گناهت آمرزیده شود.

پدر و مادر مالک فرزندان و مائیکم اوستند. سبب وجود فرزندان هستند. چه قدر بی مری است دینی ایمانی که فرزندی نسبت به پدر و مادری مری کند. و یا از مصرف شان و گشاده دستی شان شکایت و گله آغاز کند.

پسری بخدمت رسول الله آمد و عرض کرد که یا رسول الله پدرم مال مرا تلف می کند. رسول الله فرمود تا پدرش را صدا زدند. پدر موقعیکه از شکایت پسرش واقف گشت در دم یعنی آفسرده شد و در دل خود ابیاتی درست کرد :

رَجَوْتُكَ مَوْلُودًا اَوْ صُنْتُكَ يَافِعًا . اَلِ اٰخِرِ . هُنْكَامِيكُمُ دَرَبْرَابِرِ بِعَمْرِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَارِ گَرَفْت . رسول الله او را از شکایت پسرش آگاه کرد. و معلوم است که پدر آن پیش از خود فرزندان غمخواری مال فرزندان دارند و هیچ پدر و مادری به اطلاق مال فرزندان

حتی بواسیله خود فرزند صم راضی خواهند شد.

رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم فرمود: ابیاتی که در دل خود ساخته ای برخوان او که میدانت هیچکس غیر از خدا تعالی از ابیات ساخته او واقف نیست گفت گواهی میدهم که رسول بر حق خدا هستی من ابیات را بر زبان نیاورده ام آنگاه ابیات را بر خواند به این معنی که از خرد سالی تو را امید و آمال خود قرار دادیم و در موقعیکه بجوانی رسیدی به انتظار برگرفتن از جگر گوشه خود نشینم اکنون که برف پیری بر سر روی ما نشست. این چنین بی مری بمیان آوردی و آرزوهای ما را بر باد دادی و درخت امید ما را خشکانیدی و ما را مایوس گردانیدی رسول الله به آن پسر فرمود: اِذْهَبْ أَنْتَ وَمَا لَكَ يَا بَيْتُكَ. برو تو و هر چه داری از آن پدرت میباشد. و در حدیث آمده است: دُعَاءُ الْوَالِدِ لِكَوْلِدِهِ كَدُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ دُعَايِ پدر در حق فرزند مانند دعای پیغمبر برای امتش می باشد. هنگامیکه فرزندی نسبت پدرو مادرش نکوکار شد صمه خوبیا را بدست آورده است.

أَتَى رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ إِنِّي أَتَيْتُهُمُ الْجِهَادَ وَلَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ قَالَ هَلْ بَقِيَ مِنْ وَالِدِكَ أَحَدٌ قَالَ أُمِّي قَالَ قَاتِلْ لِلَّهِ فِي بَرِّهَا فَإِذَا فَعَلْتَ فَأَنْتَ حَاجٌّ وَمُعْتَمِرٌ وَجَاهِدٌ

أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

مردی بخدمت رسول الله آمد و گفت طالب جهاد هستم اما توانایی بر آن ندارم. رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم فرمود از پدر و مادرت آیا کسی زنده هست گفت مادرم زنده است فرمود تو جاهد کن در نکوکاری به مادرت زیرا موقعیکه نسبت به مادرت نکوکار شدی صم حج و عمره و صم جهاد صم را انجام داده ای. و در حدیث است که نظر کردن به مرد و محبت به روزی پدرو مادر به اندازه حج قبول شده ثواب دارد. ارتباط بین والدین و فرزند

به مرگ پایان نمی پذیرد. و فرزندان وظیفه دارند که بعد از وفات والدین دعای خیر بخوانند و آنرا
کنند و از خدا آمرزششان بخواهند. و وصیت ایشان را عملی سازند و ارحامشان را
نگهدارند و دوستان پدر و مادر را گرمی شمارند.

مالک بن ربیع ساعدی از یاران پیغمبر گوید: در موقعیکه ما خدمت پیغمبر شسته
بودیم مردی از بنی سلمه آمد و گفت: یا رسول الله هل بقی من بترابوتی شیئاً ابرها به
بعد موتها فقال نعم، الصلاة علیهما (ای الدعاء لهما) والاستغفار
لهما و انفاذ عهدهما من بعدهما. وصلة الترحم التي لا توصل الا لهما
و اكرام صديقيها.

یا رسول الله آیا بعد از وفات پدر و مادر من از نکوکاری به آند و باقی است که
بعد وفاتشان انجام دهم رسول الله فرمود بیه دعای خیر در حقشان طلب آمرزش
برایشان عملی کردن و پیمان و سفارششان و نگهداری ارحامشان و بزرگداشت
دوستانشان.

علم نافع بہترین نعمتہا است

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا أَيُّوَابِي نِعْمَةً وَيُكَافِي مُزِيدَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ لَهُمْ
 يَا حُسَيْنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ - أَمَا بَعْدُ فَيَا عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى وَ
 أَطِيعُوهُ فَيَا فَوْزَ مَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَمْرَهُ وَنَهَيْهِ وَاتَّبَعَ رَسُولَ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّم بِيَرَّةٍ وَجَمْرَةٍ فَقَدْ حَازَ السَّبْقَ فِي
 هَذِهِ الْمِضَارِ عِبَادَةَ الْعَالِمُونَ وَرَقِيَ فِي دَرَجَاتِ الْقَضِيَّةِ فَهُمْ الْعَالِمُونَ
 الْمُخْلِصُونَ - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ
 يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو
 الْأَلْبَابِ﴾ الزمر - ۹

بگو آیا یکسان می شوند مردم دانا و مردم نادان - هیچگاه دانا و نادان با هم برابر نخواهند شد - چنانکه شاعر گفته است :

تن مرده و جان نادان یکی است

و بقول جامی : که نادان مرده و دانا است زنده

اما حقیقت این است که یاد آوری می شوند خردمندان میدانند علم مایه حیات ابدی است و علماء در صف پمیران می ایستند - قال اللہ تعالیٰ ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا

إِلَهَ الْآهْوِ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْدِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿البقرة - ۱۸﴾

خدای یکتا سوگند یاد فرمود که نیت معبودی بحق مگر او تعالی و فرشتگان و دانشمندان

همه این گواهی و سوگند را یاد کردند که معبود بحق خدای یکتا است که همیشه به عدالت قیام فرموده

است معبود بحق فقط خدای یکتا است که پر عزت و پر حکمت است. در این آیه پیمبران و

دانشمندان را همراه هم در جمله اولو العلم قرار داد و ترس و تقوی و پرهنرگاری را خاصه دانشمندان

قرار داد. قال الله تعالی ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ این است و غیر ازین نیست

که دانشمندانند که از خدای ترسند برای اینکه ترس از خدا نتیجه شناسائی خدا است.

هر چه خدا شناسی قوی تر باشد. ترس از او بیشتر است در فرموده سرور کائنات صلی اللہ

علیه وآله و صحبه وسلم (إِنِّي لَا أَعْلَمُكُمْ بِاللَّهِ وَأَخْشَاكُمْ لَهُ) من محققاً از شهادانانترستم بخدای

تعالی و از همه تان بیشتر از خدای تعالی می ترسم. سرآمد علم حکمت است و سرآمد حکمت ترس از

خدای متعال چنانکه در بیان معجز نشان نبوی صلی اللہ علیه وآله و صحبه وسلم آمده است:

رَأْسُ الْحِكْمَةِ خَافَةُ اللَّهِ. سرآمد حکمت ترس از خدای متعال است در اسلام هیچ چیز به

اندازه علم اهمیت و اعتبار ندارد. زیرا علم است که روشنائی است و بوسیله علم راه از چاه

نیست داده می شود و خوب از بد شناخته می شوند و خیر از شر تشخیص داده می شود اگر کسی از حلیه

علم بی بهره ماند حتی بدین او هم اعتباری نمیتوان گذاشت. بقول شیخ روح الدین در کتاب مبدوء سعاد

حقیقت علم اصل دین پرستی است که بی علمی ترصدده زستی است

و بقول شاعر
برود من علم گیر استوار که علمت رساند به دارالقرار

در اسلام علم و عقل را دو مرشد این قرار داده اند تا از راهنمایی علم و عقل سعادت دنیا و آخرت بدست آورده شود. علم برای دانستن و عمل کردن به آن است و بقول سعدی علیه الرحمه: با علم اگر عمل نکنی شاخ بی بری و بقول او:

علم هر چند بیشتر خوانی چون عمل در نوبت نادانی

علم برای ایمان بخدا و اعمال صالحات است. علمی که انسان را بخدای متعال رانزد یک نواز و مرادف جهل است. در اسلام تجلیل از علم بی پایه ای است که فرا گرفتن علم عبادت دانسته شده و در حدیث نبوی در تجلیل و بزرگداشت علم احادیث بسیار آمده است. يُؤْتَنُ مِدادَ الْعُلَمَاءِ بِمِدادِ الْمَاءِ الشُّهَدَاءِ رُوِيَ قِيَامَتِ مَدَدِ دَانِشْمَنْدَانِ وَ خُونِ شَهِيدَانِ - هم وزن و هم ارزش هستند و یا اینکه مَدَدِ دَانِشْمَنْدَانِ از خُونِ شَهِيدَانِ با ارزش تر است زیرا برای وزن مَدَدِ دَانِشْمَنْدَانِ از خُونِ شَهِيدَانِ سنگ وزن قرار داد. اِنَّ الْمُدَّةَ لَتَصْعُقُ اَجْنِحَتَهَا الطَّالِبُ الْعَلِيمُ رِضَاءً بِمَا يَصْنَعُ حَتَّى فَرَشَتِ الْكَانِ بِرِهَايِ خُودِ رَا زِيْرِ پَايِ دَانِشْمَنْدَانِ قَرَارِ مِي دِهَنْدِ بَرِ اَثَرِ خُوشْمَنْدِي از رفتارشان. درخواستی خوشنودی خدا در تحصیل علم. روزهایی که اسلام در اوج عزت بود تمام دنیا نیازمند دانشمندان اسلام بودند و روزهایی که اسلام دور از کاروان علم قرار گرفت مسلمانان نیازمند علوم مل دیگر شدند. اسلام علم را برای هر فرد مسلمان ضروری دانست. طَلِبِ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَي كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ - دانش جستن و داناشدن بر هر مرد و زن مسلمان فرض است. و در امور اجتماعی هر فرد باید صحیح و فاسد کار خود را تشخیص دهد. و در این راه حاکم و قاضی و معلم و عالم و عاقد و خریدار و فروشنده را در لزوم دانستن وظایف خود برابر قرار داد. و در فرموده نبوی: يٰ كَلِيْبِي مِنْكُمْ اُولُو الْاَحْلَامِ وَالشُّهَى ثُمَّ الَّذِيْنَ يَلُوْقُهُمْ - ثُمَّ الَّذِيْنَ يَلُوْقُهُمْ -

پشت سرمن قرار گیرند صاحبان علم و فضل از شما و پشت سر آنها کسانیکه بعد از ایشان باشند که تقدم و پشت سر پیغمبر قرار گفتمی به اهل علم و فضل اختصاص میداد. تا میراث بران نبوت که دانشمند اند پشت سر پیغمبر باشند و مبلغ فرمان و فرمایشات ایشان باشند. در روز اعدا ازین شهدار هر کدام دارای علم بیشتر بود در دفن مقدم میداشت.

عن جابر رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و آله و صحبه و سلمه کان یجمع بین الرجلین من قتلی أحدٍ یعنی فی القبر. ثم یقول (ایما اکثُرُ

أخذ القرآن فاذا أشیر له الی أحدهما قده فی اللحد) او کما قال (علیه الصلاة والسلام)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در روز اُحد هر دو شهید را در یک قبر می نهاد و حتی فرمود که ام یک بیشتر قرآن میدانند به هر کدام اشاره میشد او را مقدم لحد قرار می داد که آثار علم و بزرگی داشت آن حتی بعد از وفات هم در نظر گرفته شد.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم (لیس منا من لم یرحمه صغیرنا و یعرف شرف

کبیرنا) رواه ابو داؤد و الترمذی (از ما مسلمانان نیست کسیکه بر خود سالان ما رحمت نیاورد و شرف و احترام بزرگان ما نشناسد. احترام به پیران و بزرگ سالان هم از این جهت است که طی سنین عمر علمی بیشتر و تجاربی افزون تر و طاعتی زیاد تر اند و خسته اند.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم (ما اکرم شاباً شیخاً لیسته الا

قیض الله له من یکرمه عند سیه) او کما قال (علیه الصلاة والسلام) هر جوانی که پیری

را بنحاطه پیریش گرامی دارد خدای توانا او را به پیری رساند و در پیری و ادراکند جوانی که وی را گرامی دارد. منزلت در اسلام بیشتر رومی علم است.

عن عائشة رضی الله عنها قالت امرنا رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه

وسلم ان ننزل الناس منازلهم - أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم بما أمر فرمود تا هر کسی را در منزلتی که دارد بجا آوریم -

قال الله تعالى ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ خداوند رفعت منزلت میدهد به کسانی شما که ایمان آوردند و مردمی را که علم داده شدند به درجات بسیار رفعت منزلت عطا کرد و برتری بخشید و به جوانانی که در راه علم و عبادت بزرگ شدند ثواب هفتاد و دو صدیق عطا فرمود - روی الطبرانی عن ابی امامة رضی الله عنه عن رسول الله علیه وآله وصحبه وسلم ایمانش نشأ فی طلب العلم والعبادة حتی یکبار اعطاء الله يوم القيامة ثواب ثلثین و سبعین صدیقاً - هر جوانی که در طلب علم و عبادت یود تا بزرگ شد روز قیامت خدای تعالی ثواب هفتاد و دو صدیق به وی عطا فرماید :

در روی البخاری عن معاذیة رضی الله عنه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین - کسیکه خدا به او اراده خیر دارد و او را در دین دانا گرداند - در روی الطبرانی و البیهقی عن ابی هريرة رضی الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم مَا عِبَدَ اللَّهُ شَيْئاً اَفْضَلَ مِنْ الْفَقْهِ فِي الدِّينِ وَالْفَقِيْهِ وَاحِدٌ اَشَدَّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْفَاعِبِ وَلَكِنَّ شَيْئاً عِمَادٌ وَعِمَادُ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهُ - هیچ عبادتی نزد خدا به پای داناتی در دین نمی رسد - یک دانا در دین سخت تر است بر شیطان از هزار عابد و هر چیزی ستونی دارد و ستون این دین داناتی در دین است -

در روی ابن الجار عن محمد الباقر رضی الله عنه وعن ابائه ركعتان من

عالم افضل من سبعين ركعة من غير عالیه -

۲ ركعت نماز که دانشمندی بخواند بهتر است از هفتاد ركعت که

ناوانی بخواند - دروی الامام احمد عن معاذ رضی الله عنه لآن یجیدی اللہ بک رجلاً
خیدلک من الدنیا وما فیہا.

در حقیقت هدایت یافتن یک نفر بوسیله تو که خدا او را بوسیله تو براه راست
رساند بهتر است تو را از دنیا و آن چه در آن است - زیرا دنیا و آنچه در آن است هنگام
مرگ از تو جدا خواهد شد - اما راهنمایی و هدایتی که بوسیله آن شخص را از گمراهی نجات
داده ای - تعلیمی است که ثواب آن حتی بعد از وفات هم تو را بکار آید - علم همه انواع آن
فرض کفایت است و مسلمانان باید بر تمام علوم واقف باشند -

سید جمال الدین افغانی میگوید: دانستن قیمت علم فریضه آدمی است بجائی که پدر
نادان در موقع بیماری فرزندش میکوشد او را به نزد ماهرترین پزشکان برد تا بسود فرزندش
بدست آید او اگر چه اهل علم نیست اما میداند که یک چیز هست که سودمند است و آن علم و دانش
است - در صدر اسلام علماء از هر ملت و گروهی که بوده اند دارای احترام بوده اند و اسلام تعلیم
علم را از جهاد فی سبیل اللہ برتر دانسته است - دروی ابن الجار عن ابن عباس رضی اللہ عنہما الغدو
والتروح الی المساجد فی تعلیم العلم افضل عند اللہ من الجهاد فی سبیل اللہ -

رفتن با انداد و شامگان به مساجد و مدارس برای تعلیم علم برتر است نزد خدای
تعالی از جهاد راه خدا -

دروی الخطیب عن جابر رضی اللہ عنہ اکرمو العلماء فانهم دررۃ الانبیاء فمن اکرهم
فقد اکرم اللہ ورسوله و دانشمندان را گرامی دارید زیرا دانشمندانند که میراث بران پیغمبر اند
کسیکه دانشمندان را گرامی دارد خدا او پیغمبرش را گرامی داشته است - تعلیم علم نایب انتشار
ثواب است که هر قدر علم بیشتر انتشار یابد بیشتر دوام یابد و بیشتر ثواب آن ادا می یابد -

روى ابن ماجه عن معاذ بن انس رضى الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه

واله وصحبه وسلم (من علم علماً فله اجر من عمل به ولا ينقص من اجر العامل)

كسيك علمى را بدگرى آموخت براى او است ثواب هر كسيكه به آن علم عمل نمايد بدون اينكه

از ثواب عمل كسنده بعلم به كم آيد. وروى ابن عساکر عن ابى سعيد رضى الله عنه عن رسول

الله صلى الله عليه واله وصحبه وسلم (من علم آية من كتاب الله او باباً من علمه انى الله

اجره الى يوم القيامة) كسيكه بيا موز آيه اى از كتاب خدا قرآن يا بابى از علم خدا

ثواب آن را پيشرفت دهد تا روز قيامت. وروى الخطيب عن عثمان رضى الله عنه:

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم (اول من يثقف يوم القيامة الا نبياء ثم العلماء ثم

الشهداء) نخستين كسيكه روز قيامت به شفاعت ايتسد پيبر انددگر دانشمندان دگر شهيدان.

وروى الخطيب عن انس رضى الله عنه فضل العالم على غيره كفضل النبى على امة

برترى دانشمند بر غير دانشمند، مانند برترى پيغمبر است بر امتش.

علم دولتى است پاينده و ثروتى است زاينده كه هر چه بيشتر اتفاق شود افزون تر

شود و به فرموده على بن ابى طالب رضى الله عنه ففتر بعلمه تعش حيا به ابداء الناس

موتى و اهل العلم احياء دانشى بدست آرد تا بوسيله آن زندگى جاويد بيايى.

زيرا مردم مردگانند و اهل علم زندگانند. در علم بايد هميشه هدف و مقصودى مشخص باشد و

هر شخص علمى را كه سودمندتر و نافع تر است و در آن رغبت و استعداد بيشتر دارد بدست

آورد كه فراگرفتن به علوم اگر قصد شود عمر به آخر رسد و همه علوم فرا گرفته نشود. و بقول جامى

عليه الرحمه: وليكن پايدهش آرازين راه

كه علم آمد فراوان عمر کوتاه

در عمر کوتاه آدمی باید علمی سودمند بدست آورد که سعادت دنیا و آخرت خود را به آن تأییدی کند و مثمره علم عمل است و بقول جامی علیه الرحمة :

چو قصد علم کردی در عمل کوشش
 که علم بی عمل زهری است بزوش

و برای حفظ علم در غایت احترام آن تا گزیر از قناعت و گرفتن راهی که خدایند زندگی را تأمین کند - بقول جلال الدین دوانی :

مرا به تجربه معلوم گشت آخر حال
 که قدر مرد و معلم است قدر علم بیال

و خلاصه اخلاص در علم و حستن رضای خدا و بکار بستن فرمان او مقصود علم و عمل است که افاده و استفاده برای خدا قرار دهد -

خدا ایما علمی سودمند با ارزانی دارد که ما را از ظلمات جهل و فقر و مرض بر باند و عمل ارزانی دارد که برابر علم باشد و ما را از کسالت نجات دهد و اخلاصی ارزانی دارد که علم و عمل ما را به حلیه قبول در درگاهت آراسته دارد -

خدا ایما علمی را که ارزانی فرمودی وسیله ای برای نزدیک شدن بسوی تو قرار ده و عملی که عنایت نمودی واسطه ای برای بدست آوردن رضایت قرار ده و اخلاصی که مبذول داشتی مایه از خود گذشتگی در راهت قرار ده تا همه کار ما برای بدست آوردن خوشنودی تو باشد -

خدا ایما بتو پناه می بریم از علمی که ما سودمند باشد و از عملی که برخلاف امر تو باشد
 خدا ایما علم و عمل را وسیله روشنائی دلها می ما بگردان تا نور ایمان همانند چراغی

پرفروغ و دلمای ما را تا بنیاد روشن گرداند و دل و زبان ما بیاورد و در فرمان تو بچرخاند.

خدا یا بیدار ما در طاعتت بکار برو روح ما را به عبادتت شاد بدار.

بجز در دگارا ما را توفیق ده تا بستگان خود را بر علم و عمل و اخلاص مبار آوریم و نگلی

در راه رضای تو گام زنیم.

بِأَرْحَمِهِمُ اللَّهُ مَا رَأَى مِنْهُمُ إِلَّا خَيْرًا وَمَا يَخْتَصِمُ لَهُمْ تَوَكُّلُهُمْ عَلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

مصطفی موفقی بدار تا سننه مطهره را انتشار دهند و دین بسین را در اقطار جهان گسترش

دهند.

'افزیدگارا دانشمندان و بزرگان ما را عمل به علم و اخلاص در علم و عمل ارزانی

دار و خود سالان ما را در طاعتت بزرگ فرمای و بزرگ سالان ما را با عاقبت خیر بخوید

فرمای.

ای ایزد تو انا مردگان ما را به رحمت و آمرزشت شاد کن و زندگان ما را به عنایت و

معونتت کامیاب و آباد کن و دیار ما را از گزند حوادث مصون بدار و همه مان را به حلیه

سعادت در دوجان شاد کام گردان.

رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ - رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا

بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ

رَحِيمٌ - رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

عَذَابَ النَّارِ - وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ

وَالصَّالِحِينَ وَسَلَّمَ - سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا

يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۹- تعاون و یاری در کارهای خیر از

مهمترین دستورهای اسلام است

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا اِيَّوَانِي نِعْمَةً وَيُكَافِي مُزِيدَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ - أَمَا بَعْدُ
فَيَا عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى وَأَطِيعُوهُ - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:
﴿وَمَعَافٍ وَأَنْوَاعٍ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالتَّوَدُّعِ
وَالتَّقْوَى اللَّهُ إِنْ اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ المائدة - ٢

همدگر را در نیکو کاری و پرہیزگاری مددکاری کنید و یکدیگر را در گناه و تجاوز کومک

نکنید. و نیز سید از فدای که شہابہ او ایمان دارید. دنیای حاضر دنیای تعاون و ہمکاری است.
وقت بسرعت برق گذران است اگر از وقت در راه ہمکاری در خیر استفاده نشد وقت
در غیر خیر بہ مصرف میرسد اگر کسی حساب کار خود داشته باشد خواهد دید ہر جہاز ہمکاری
در نیکو کاری خود داری نموده است بہ کومک در گنہ کاری ملزم گردیدہ است و ہر جہاز کومک در
راہ خیر امتناع نموده است از ہمکاری در شر بہرہ برگرفته است.

خدای متعال مؤمنان را دستور دارد و تادرنیکو کاری و پرہیزگاری ہمدیگر مددکاری کنند

نیکو کاری باید با پرہیزگاری ہمراہ باشد کہ نیکو کاری بجا طر پرہیزگاری است و نیکو کاری بدون

پرهیزکاری نفعی در بر نخواهد داشت. اساس سعادت و در پرهیزکاری پی ریزی شده است. اگر پرهیزکاری نباشد و از گناه تجاوز خودداری نشود نگو کاری بجائی نرسد و نگو کاری در حال تجاوز بخاطر می آورد و کسی میماند که نخواهد با غضب کردن صدقه بدهد با صدقه ره یک از آن و یا برگرداندن نیمی از آن دل غضب دیده را بحال خود برگرداند اما اگر نگو کاری همراه با پرهیزکاری باشد نگو کاری در راه های می آید که مایه سعادت اجتماع میگردد، و عبار عم از چهره های زداید و نگرانی و اندوه را از دلها بر میدارد و مردم نابسانان را به زندگی و سرو سامان میرساند و اجتماعهای عقب افتاده را به پیشرفت وامیدارد.

اگر نگو کاری با پرهیزکاری همراه نباشد نگو کاری بستمگان برستم شان می افزاید نگو کاری به گنه کاران و تجاوزان برگنه کاری و تجاوز شان می افزاید. در حقیقت دینداری در نگو کاری و پرهیزکاری خلاصه می شود. شفقت و مهربانیت خدا در نگو کاری نهفته است. و تعظیم امر الله در پرهیزکاری قرار دارد. پرهیزکاری کسی است که از عقوبت و خشم خدا پرهیزد. چنین کسی هم بخود نگو کار است و خود را از آنچه مایه عقوبت در دنیا و آخرت است نگمیدارد و هم بدیگران نگو کار است از تجاوز بحقوق دیگران می پرهیزد.

چنین کسی خود را از زبان و دست مردم سلامت داشته و از مردم ایمنی دارد و مردم از دست و زبان او سلامتند و او را بر خون و مال خود این می شمارند. اما کسی که از نگو کاری و پرهیزکاری بی بهره ماندند طرق گنه کاری و تجاوز را بر خود گشودند از گناه و تجاوز شان مردم در مانند و خود هم از گناه و تجاوز مردم در حق شان ایمن نخواهند ماند عمر گر انهای آدمی برای سعادت و نیکبختی است اگر عمر در راه های سعادت بمصرف نرسید در راه های شقاوت و بدبختی صرف می گردد. نگو کاری مقوی ثابت و پابرجا می شود که تعاون و هم کاری بر آن مقدور باشد. برای اینکه اگر کسی قصد

نکوکاری کند و بیچ مددگاری بر نکوکاری نیابد از نکوکاری دست خواهد کشید. اگر در ثواب عقاب در بین دنیا تأمل شود حساب کارها روشن بنظر میرسد و محال است کسی از طریق گنه گاری و تجاوز بتواند صفای وقتی و دل خوشی بدست آورد.

آنانیکه بد رفتارند همیشه ترسهای متنوع زندگی شان را تیره و تار ساخته است
تو بخی و جودان و ضمیر مانند خره دل و جان شان را میگذارد و فرجام کارشان هم از بدبختی و
بیچارگی درس عبرتی برای بینندگان است و تبرسید از خدائی که به او ایمان دارید. اگر به
خدای خود ایمان دارید و به نیازهای بے شمار به او اعتراف دارید و به ثواب او اطمینان دارید مباد
راه نکوکاری و پزیزگاری لازم دست بدهید و مباد که در راه گنه گاری وعدوان گام بردارید
زیرا در این صورت ایمان خود را کنار گذاشته اید و خود بوستانگان تان را در معرض بدبختیهای
گوناگون قرار داده اید همه مردم میان دوستان و دشمنان خود فرق میگزارند هر دوستان و
بیزاری از دشمنان در نهاد هر موجود زنده ای است اگر ایز امید بدانید که خدا هم دوستان
خود از دشمنان خود جدا ساخته است دوستان را به نوبه ثواب و افتخار دفاع از آنان گرمی
داشته است و دشمنان را به بیم عذاب و رها کردن در شادند و بدبختیهای بیچاره گردانید
است. نکوکاری کار آسانی است و در فرموده نبوی البشیر شیء هیین وجه طلیق و لسان
لین. نکوکاری کار آسانی است گشاده روئی و شیرین زبانی است. اما گشاده روئی
و شیرین زبانی در باره نکوکاران است و ترش روئی در روی بزبهاران و قاسقان
فضیل بن عیاض گوید هر کس در روی فاسقی خودش بخندد از ایمان خود پاک دست شسته
باشد نکوکاری را میتوان از طریق راهنمایی در راه خیر امتش داد و در فرموده نبوی: *الذات
على الخیر له مثل احم فاعله یا من ذک علی خیر فله مثل اجر فاعله* کسیکه بر کار خیری

رہنمون باشد مانند کسندہ کار خیر ثواب دارد۔ کار خیر کی ودوتانیت حتی سنگ خاشاکی از راہ
 مردم دور سختم ہم از کارهای خیر است۔ معمولاً مردم در طریق مادہ راہهای جدی گرفته اند
 برای بدست آوردن مال۔ ہر تہ انائی و سلیقہ و فکر و تجارب خود بکار می برند اگر قوتی کسی از
 لحاظ مال بقدر کفایت عمر خود بدست آورد و یقینی بداند کہ کفایت عمر او خواهد بود باز ہم از
 پای نمی نشیند و برای تأمین زندگی فرزندان و نوادگان میکوشد در راہهای معنوی نیز زمین طریقیہ
 است کسانی ہستند کہ مقدار نکوکاری شان فقط تا اندازہ ای است کہ خودشان می توانند
 آثار نکوکاری خود را ببینند و در حیات خود نتایج نکوکاری خود بچینند۔ و کسانی دیگرند کہ نکوکاری
 را تہ تنہا برای سعادت زندگی خود بلکہ بعنوان سرمایہ ای برای فرزندان خود قرار می دهند و کسانی
 ہم ہستند کہ اثر کارهای خیر و نکوکاریهای شان تا قیامت برای نسل بہ نسل می ماند و فرزندان
 نوادگان و ذریئہ شان از آثار خیر شان متمتع می شوند آندستہ کہ در نکوکاری اقتصادی کنند
 تنہا خودشان اثر نکوکاری خود می بینند و اثر نکوکاری شاہ فرزندان شان نمیرسد ہینکہ مردند فراموش
 میشوند و نام شان ہمراہ شان ہمیرد و آندستہ کہ نکوکاری از آن مقدار بیا فرزند بعد از حیات
 شان نکوکاری شان بکار فرزندان شان می آید و نام شان ہم تا مدتی برقرار میماند در قرآن
 وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا مَوْعِيكَهٖ مَوْسَىٰ وَخَضِرَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِمَشْرِئِ رَسِيدِنَا وَاز مردم شہر
 خواستند تا آنان را ہمائی کنند و نہ پذیرفتند خضر از موسیٰ و یوشع خواست تا او را برابر است
 کردن دیواری کہ کج شدہ بود کو مک کنند موسیٰ علیہ السلام کہ از خستگی سفر بجان آند بود
 سبب چنین کاری بہ بیگاری از خضر رسید خضر گفت کہ دیوار برگنجی قرار دارد کہ آن گنج تعلق
 بہ دو کودک میتم دارد و نظر بہ اینکه پدر آند و کودک مردی صالح بودہ است این خدمت
 بفرزندان شان نمودیم کہ فرزندان از ثمرہ صلاح پدران نتیجہ بگیرند۔ و افرادی ہم حیات خود را

وقف نکوکاری کرده بوده اند و گاهی برخلاف فرمان خدا بر نداشتند و در نتیجه اثر نکوکاری شان تا روز قیامت می ماند و آثار و برکات شان تا قیامت به ذریه شان میرسد. در عالم مادی بنگرید آنانی که اموال خود را از راه ظلم و تعدی گرومی آورند هنوز سر نهناده مال از جنگ فرزندان شان برون می رود. و آنانی که در اموال خود راه صلاح و تقوی میگیرند از آنچه شبیه و یا مکروه است گذشته از حرام می پرهنزند اثر اموال حلال و پاک این است که تا چند نسل در اختیار فرزندان نوادگان شان قرار می گیرد. اگر دوستی با بندگان مفید و سودمند باشد دوستی با خدای متعال که از طریق نکوکاری و پرهنزنگاری بدست می آید معلوم است تا چه حد در دنیا و آخرت سودمند می باشد. بهترین وسیله ای که مردم را از راه به بیراهه می برد غفلت است و آرزوهای بی پایان. همین غفلت است که کار را از دست بدر می برد و همین آرزوهای بی پایان است که آدمی را از فکر آخرت و اصلاح خود بدور می برد در تعاون و همکاری بر نکوکاری و پرهنزنگاری از غفلت پرهنز می شود در تعاون و همستی اصلاح هم دگر جسته می شود هم دگر را یاد آوری می کنند آنچه که در همستی و همکاری ضرورت دارد روح گذشت است که افراد از خرد گیری بیچاره تر کنند و از خشم بیورد و کم حوصلگی اجتناب ورزند. افرادی که میتوانند از فراموشی سینه و پر حوصلگی دارای روح گذشت باشند میتوانند با مردم تشریک مساعی کنند و از سازش و همستی مردم با خود بهره ور میگردند. قال الله تعالی: **وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ** عَدُوِّ النَّاسِ می ستایم فرزندگانی خشم و گذشت کنان از مردم. اگر روح گذشت از دست داده شد کم کم حس بد بینی بمیان می آید و هر موقع حس بد بینی تقویت شد کینه و دشمنی پدید می آید: - قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: **«لَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَحْسَدُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا تَقَاطَعُوا وَكُونُوا عِبَادًا**

اللَّهُ إِخْوَانًا وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ مَضْفُوعَةً عَلَيْهِ

رسول الله صلی الله علیه و آله وصحبه وسلم فرمود بغض همه را که بدل راه بدید و حدم
دگر مور زید و پشت بیکدگر مکنید و از همه دگر مبرید و باشید بندگان خدا برادران یک دگر
و روانیت برای شخص مسلمان که برادر خود را بیش از سه روز ترک گوید. بغض همه را که بدل
راه بدید زیرا شما مسلمانان وظیفه دارید که برادران ایمان را همانند خود دوست بدارید و
آنچه برای خود نمی پسندید برای برادر خود نپسندید. قال رسول الله صلی الله علیه و سلم:
لَا يُؤْمَنُ أَحَدٌ كَمَا حَتَّى يَحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يَحِبُّ لِنَفْسِهِ ایمان نمی آورد یکی از شما مگر وقتی که دوست
بدارد برای برادر مسلمانش آنچه را که برای خود دوست میدارد مسلمان واقعی دلش پراز
مهر و محبت مسلمان می است همیشه نسبت ب مسلمانان خوشبین و خیر اندیش و خیر خواه است -
مسلمان واقعی دوست میدارد همه مسلمانان در نیک سختی و خوشی و سه افزای باشد نیک
گذشت بغض مسلمانان در دل او قرار گیرد. دل خود را از نور ایمان خالی و بی نور گردانیده
است. روشنائی دل مسلمان از دوست داشتن مسلمانان اگر مسلمانان را دوست نداشت
و بغض مسلمانان در دل جای داد. دل خود را از نور ایمان محروم گردانیده است وقتی بغض
مسلمانان در دل جای گرفت همین بغض به حسد میکشاند و وقتی که حسد مسلمانان در دل قرار گرفت
همه خواسته های آن دل بی ایمان ناراحتی مسلمانان می شود چنین کس بجای رو آوردن به محبت
مسلمانان از مسلمانان روگردان می شود و پشت به مسلمانان می کند و موقعیکه روگردانی و پشت
کردن به مسلمین صورت گرفت قطع محبت و از هم بریدن صورت می گیرد مسلمان نمی تواند خود را
از مسلمانان جدا سازد و روانیت که مسلمان بیش از سه روز از برادر مسلمانش قهر کند
کینه و دشمنی که بهره دهنای تاریک و بی نور است مایه دوری از رحمت و آمرزش خداست

کسیکه خود را از رحمت و آمرزش خدا دور سازد معلوم است تا چه اندازه بخود دشمنی کرده است - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «تَفْتَحُ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ فَيُغْفَرُ لِكُلِّ عَبْدٍ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا رَجُلًا كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحَاءٌ فَيَقَالُ أَنْظِرُوا هَٰذِينَ حَتَّىٰ يَصْطَلِحَا

أَوْ كَمَا قَالَ (عليه الصلاة والسلام)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و صحبہ وسلم فرمود: در ہای بہشت در ہر دو شنبہ و پنجشنبہ گشودہ می شوند و خدای تعال در این دو روز می آمرزد برای ہر بندہ ای کہ چیزی را شریک خدا قرار نمی دہد مگر کسیکہ میان او و برادر مسلمانش دل پری و کینہ باشد کہ آمرزیدہ نمی شوند و گفتہ می شود این دو را مہلت دہید تا آشتی کنند تا اگر صلح و آشتی کردند مورد آمرزش خداقتالی قرار گیرند و اگر با ہمدگر آشتی نہ کردند ہر دو با ہم دور از رحمت و آمرزش خدا قرار گیرند۔ بیچ دردی برای فساد اجتماعی بدتر از کینہ و دل پری نیست بیکدیگر نیست زیرا موقعیکہ کینہ بدہا راہ یافت بجای دوستی بسوی دشمنی کشیدہ می شود و بجای محبت بغض و نفرت قرار میگیرد و معمولاً عداوت و کینہ و رزی بہ توارث بردہ می شود و چہ بد بخت کسیکہ کینہ و عداوت بہ فرزندان و نوادگان خود بہ ارث داد برای دینداری بیچ کاری بہتر از آشتی دادن دشمنان با ہم نیست صلح و صفایمان دو برادر مسلمان قرار دادن از نماز و روزہ و صدقہ بیشتر ثواب دارد و قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و صحبہ وسلم:

(ألا أخبركم بأفضل من الصلوة والصيام والصدقة قالوا بلى يا رسول الله -

قال اصلاح ذات البين فان فساد ذات البين هي الحالقة -) أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و صحبہ وسلم فرمود آیا شمارا خبر ندیم بہتر از نماز و روزہ و صدقہ گفتند بلی یا رسول اللہ فرمود بصلاح آوردن میان مردم زیرا تیرہ شدن میان

مردم تراشونده دین است دین را از بین می برد برای اینکه دین برای سعادت اجتماع است تا مردم در محیطی از صفا و محبت و همدستی زندگی کنند هرگاه صفا و محبت رخت بر لبست و جای خود را بکینند و دشمنی های بیجا داد دین از میان رفته است. برای حفظ دین و نگهداری سعادت اجتماع لازم بزرگتران است که هر جا که اثر کینه و دشمنی دیدند برای رفع آن بکوشند.

دین مبین اسلام برای اصلاح ذات البین آمده است فوق العاده قابل است در روزهای جمعه عید و عرفه و هر موقع بزرگ واری آشتی دادن دشمنان با هم از سنتهای آن قرار داده شده است. و عجیب این است در هر اجتماع که بیشتر نسبت بهم مهر و محبت بورزند. آن اجتماع سعادت مندتر و افراد آن خوش بخت تر و سرفرازتر میگردند و هر اجتماعی که نسبت بهم بدگرمی بیشتر دیده تنگی کنند بیشتر فقر و بدبختی در افراد آن منتشر می شود.

خدا ای متعال پرده های غفلت از دلها بردارد و دیده های بینائی عاقبت بینی روشن گرداند و به مسلمانان توفیق دهد که نسبت بهم گدازان و مخلص گردند.

خدا ایان دستما بدعا فراداشته ایم و دلما بسوی درگاهت متوجه ساخته ایم به قصور خود در طاعت مخترفیم و به عظیم فضل و احسان تو معتقدیم. دستمای ما را به گشاده دستی در راه خیر موفق بدار و دلما ای ما را بنور ایمانت از مهر و محبت همگرمالامال کن. و دیده های ما را عاقبت بینی عطا فرما و به ما توفیقی عنایت دار که فرمان تو را بسمع قبول اصغار کنیم و به ما معنوی مبدل دار که شادی جان و دل ما در طاعت تو باشد.

خدا ایان زبان ما را بیاد مشغول بدار و دل ما را بنور یقینی منور فرما و فکر و اندیشه ما در کار خیر و در راه خیر قرار ده تا همیشه شایسته تجلی رحمت تو باشیم.

بِكَرَّ دُكُلًا اُولَى الْاِمْرَامَ اَرْتُو فِئِقْ دَه تَا تَقَابِمْ قَرَّانَ رَا اَنْتَشَار دِهَنْد و سَنْت مَهْطَفَه رَا
 اَحْيَا كَنْتَنْد و سِرورَان و بزرگان مارا اخلاصی عنایت کن که را انمایانی پر سزگار باشند -
 اَفْرَیْدِ گارا مردگان مارا به مغفرت شاد کن و زندگان مارا بمعونت و عنایتت نوید
 فرما - و خرد و بزرگ مارا در عبادتت کامیاب گردان و همه مارا از مقبولان درگاهت برشمار -

رَبَّنَا لَا تَزْعِقْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ

الْوَهَّابُ - رَبَّنَا تَقْبَلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ تَبِّ عَلَيْنَا اِنَّكَ

اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ - رَبَّنَا اِنَّا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ فِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةٌ

وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ صَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ

اٰلِهِ وَصَحْبِهِ وَ الصَّالِحِينَ - سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا

يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلٰى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ

۱۰- بنده با ایمان در سجود خود را به خدا نزدیک می سازد

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُؤْتِي نِعْمَةً وَيُكَافِي مُزِيدَةً وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ -
 اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ -
 آمَّا بَعْدُ فَيَا عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى وَأَطِيعُوهُ - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:
 ﴿وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾ سجود کن و بخوان نزدیک شو) قال رسول الله صلى الله عليه وآله

و سجود مسلم (أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ هُوَ سَاجِدًا).

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: نزدیک ترین حالت بنده به پروردگارش
 نوعی است که در سجود باشد. در سجود منتهای تسلیم در برابر عزت خداست این است که فرمود
 فَقَمِيْنٌ أَنْ يُسْجَدَ لَكُمْ وَرُجُوعُ خُودِ عَاكِفِيْنَ زِيْرَا شَائِسْتِهْ اسْتِ دَعَايْ كِهْ دَرِ سَجُودِ
 می گساید به اجابت رسد. سجود حاصل می شود به ندادن پیشانی و بینی و دو کف دست
 و دو زانو و شکم انگشتان پا بر زمین - سجود بر دو قسم است:

سجودیکه دوبار تکرار می شود مانند سجود نماز که در هر رکعت دوبار تکرار می شود و سجود
 سهو که قبل از سلام نماز و بعد از تحیات دوبار خوانده می شود.

و سجودیکه فقط یک سجده است مانند سجده شکر و سجده تلاوت سجودیکه در
 نماز خوانده می شود تابع نماز است و سجودی که خارج از نماز خوانده شود همانند نماز شرطی دارد
 که باید با وضو و یا لباس و بدن پاک و بر جای پاک صورت گیرد و با نیت و تکبیر همراه باشد
 سجود شکر سنت است بیرون از نماز هر موقع که نعمتی تازه بدست آمد و بلائی دفع شد

وقتی انسان فرزندان خود را به حال مسرت و شادمانی و سلامت دید مقتضی سجود شکر است وقتی که رزق و روزی خود را فراخ یافت مقتضی سجود شکر است. موقعیکه وابستگان را دستکار و بفرمان یافت مقتضی سجود شکر است موقعیکه از بیماری سختی رهایی یافت مقتضی سجود شکر است هنگامیکه دشمنی سرسخت نابود شد مقتضی سجود شکر است. موقعیکه بلائی دفع شد مقتضی سجود شکر است.

برای سجود شکر وضو بگیرد و میگوید: سجود شکر را بجا می‌آورم للهِ تعالی اللّٰهُ اکبر
 آنگاه بر سجود رفته و در سجود شکر مانند سجود نماز سُجَّان رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ سه بار می‌گوید:
 چنانچه یازده بار سُجَّان رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ بگوید بهتر است و هرگاه پس از یازده بار سُجَّان
 رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ گفتن بگوید: اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ أَمَنْتُ وَلَكَ أَسَلْتُ سَجْدًا
 وَجَهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ فَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَّرَهُ بِجَوْلِهِ وَقَوَّيْتَهُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ
 أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ -

خدایا برای تو سر بسجود نهادم و بتو ایمان آوردم و برای تو خودم را تسلیم نمودم بسجود
 آمد روی من برای خدا که آن را آفرید و صورت بنده فرمود و دارای بینائی و شنوائی فرمود
 به توانائی و قدرتش پر شد برکت و خیر خدائی که بهترین آفرینندگان است. خدایا در برابر
 نعمت‌های تو را سپاس می‌گویم و در دفع بلاها تو را سپاس گذارم یقین می‌دانم رو آوردن
 نعمت‌ها از فضل تو است و دفع شدن بلاها از عنایت تو است. از سجود که بالا آمد مانند سلام
 نماز. سلام می‌گوید در قرآن در سوره صَادِ سَجْدِ شکر است که داود علیه السلام بشکرانه قبول
 توبه خود سجود شکر نمود و رسول اللّٰهُ فرمود ما بشکرانه قبول توبه داود سجود شکر کنیم. اما سجود
 تلاوة که در قرآن در چهارده جا معین شده است یک سجده است که اگر در نماز آیه ای خوانده

شد که سجود تلاوت دارد موقعیکه به محل سجده رسید به سجود میرود مثلاً کسیکه سوره اِقرَأْ بِاسْمِ
 رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ نخواند در آخر سوره وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ میباشد به سجود میآید و موقعیکه
 از سجود فارغ شد راست می ایستد و سوره ای می خواند و به رکوع میرود. اگر آیه تلاوت
 در غیر نماز خوانده شد موقعیکه به سجده رسید به سجود میرود به این ترتیب که با داشتن وضو و پاکی
 لباس و بدن و جای نماز میگوید: سجود تلاوت را بجای آورم بسم الله تعالی الله اکبر گفته به سجود میآید
 در سجود بَارِسْجَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ میگوید چنانچه یازده بار سَجَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ
 بگوید بهتر است و هرگاه زیاده بر آن بگوید: اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ
 سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ فَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَّرَهُ بِجَوْلِهِ وَتَوَاتَتْهُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ
 أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ. بهتر است آنگاه از سجود تلاوت بالا آمده و مانند سلام نماز می گوید:
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ سَجُدُ تِلَاوَاتٍ وَشُكْرًا لِإِسْتِثْنَاءِ
 تَكْبِيرِهَا بِنِجْمٍ وَبِجَوْلِهِ وَبِجَوْلِهِ وَبِجَوْلِهِ وَبِجَوْلِهِ وَبِجَوْلِهِ وَبِجَوْلِهِ وَبِجَوْلِهِ وَبِجَوْلِهِ
 جبران خلی است که در نماز واقع شده است خلی که در نماز واقع می شود یا به انجام دادن
 فعل یا قول زائد است و یا به ترک کردن فعل و یا قول فرض و یا سنون است.

اگر در نماز فعل زائدی انجام داد اگر به عمد باشد حکمی دیگر ^{دارد} مثلاً یک رکعت در نماز
 زیاد کرد که اگر به عمد باشد مبطل نماز است و اگر به سهو باشد مقتضی سجود سهواست، اگر
 رکوعی به سهو از نماز کم کرد مثلاً دو رکعت اولی بدون اینکه به رکوع برود به سجود رفت که اگر
 در سجود و یا بعد از آن بیادش آمد باید به رکوع برود و از رکوع به اعتدال برود و اگر به
 سجود برود و در آخر نماز سجود سهو بخواند اگر رکوع رکعتی ترک گفت و موقعی بیادش آمد
 که در رکوع رکعت بعدی بود در این صورت این دو رکعت بمنزله یک رکعت است

زیرا آنچه قبل از رکوع انجام داده لغو است و به حساب نمی آید. و فاتحه در رکعت قبلی و رکوع در رکعت بعدی با هم جمع و بمنزله یک رکعت محسوب می شود. بقیه نماز را که خواند در آخر نماز سجود سهومی خواند و سلام نماز می گوید که سجود سهو همیشه بعد از خواندن تحیات و قبل از سلام است. چنانچه سجودی را از رکعتی فراموش کند اگر موقعی که در رکعت بعدی ایستاده بود بیادش آمد برگردد و بنشیند و به سجود برود و به نماز خود ادامه دهد و در آخر نماز سجود سهو کند.

فراموش کردن رکوع و یا سجود و از دست دادن آن دو به دو طریق حاصل میشود.

یکم اینکه رکوع و سجودی را بکلی فراموش کند.

دوم اینکه رکوع و سجودی را بخواند اما در آن آرام نگیرد که هر سجود و رکوعی که در آن بقدر گفتن سبحان الله آرام گرفته نشد به حساب نمی آید خلاصه هر سجود و یا رکوعی که بقدر گفتن سبحان الله در آن آرام کامل گرفته نشد به حساب نمی آید و هر سجود و رکوعی که ترک شد و یا به حساب نیاید باید بجزر و زیاد آمدنش جبران شود و اگر جبران نشد هر سجودی که ترک شد به سجود رکعت بعد جبران می شود و دو رکعت بحساب یک رکعت می گردد و هر رکوعی که ترک شد به رکوع رکعت بعد جبران می شود و دو رکعت بحساب یک رکعت می گردد.

این حکم درباره نماز کسی است که به سهنائی نماز بخواند و یا امام باشد. اما کسیکه مأموم است اگر سجودی را به ترک آرام گرفتن در آن از دست داد. بعد از سلام امام یک رکعت باید بخواند. اگر کسی فاتحه را فراموش کرد و موقعیکه در رکوع بود بیادش آمد که فاتحه نخوانده است باید برگردد بقیام و فاتحه بخواند و به رکوع برود. اگر در رکعت دوم یقینی کرد موقعیکه به فاتحه ایستاده بود که فاتحه در رکعت قبل نخوانده است این دو رکعت حکم یک

رکعت دارد که باید نماز را بحساب یک رکعت خوانده تکمیل کند - چنانچه مأموم در موقعیکه امام
 میخواند بر رکوع برود بیادش آمد که فاتحه بخوانده است فاتحه بخواند و اگر بر رکوع برود اگر در رکوع
 به امام نرسید اشکالی ندارد اگر مأموم اول رکعت حاضر نبوده و در آخر یا وسط رکعت اقتدار
 با امام نمود - چنانچه اگر وجهت و اعوذ بالله بخواند فاتحه اش تکمیل نمی شود - وجهت و اعوذ بالله
 بخواند و فقط فاتحه بخواند - و در این حال هر مقداری از فاتحه را خواند و امام به رکوع رفت
 با امام به رکوع برود و همانقدر از فاتحه که خوانده است او را کفایت است -

اگر مأموم به امام رسید موقعیکه امام در حال رکوع است مأموم هم به رکوع برود
 و همین رکوع برای مأموم یک رکعت حساب می شود هر گاه قبل از بالا آمدن امام از رکوع
 در آن رکوع آرام گرفت - و چنانچه امام در حال رکوع بود که مأموم اقتدار به امام نمود
 اما قبل از اینکه مأموم در آن رکوع آرام بگیرد امام سر را از رکوع بالا آورد آن رکوع برای
 مأموم حساب نخواهد شد - چنانچه مأموم در رکوع رکعتی که از اول آن رکعت با امام بوده
 بیادش آمد که فاتحه بخوانده بر رکوع آمده است بعد از سلام امام یک رکعت بخواند -

اگر کسی تحیات را به سهو در موقع فاتحه خواند و دانست که موقع فاتحه است
 تحیات را ترک نموده فاتحه بخواند و در آخر نماز بسبب اینکه تحیات در قیام فاتحه خوانده است
 سجود سهو بخواند -

اگر کسی فاتحه را به سهو در موقع تحیات بخواند همینکه بیادش آمد فاتحه را قطع
 نموده و تحیات بخواند و در آخر نماز سجود سهو بخواند - و هر گاه فاتحه یا تحیات به سهو
 در رکوع و یا سجود یا اعتدال و جلوس میان دو سجده خواند - در آخر نماز سجود سهو
 بخواند - اگر امام تحیات اولی را ترک نمود و راست ایستاده برنگردد - و در آخر نماز سجود

سهو بخواند. اما اگر تحیات اولی را که به سهو ترک نموده بود هنوز راست نه ایستاده بیادش آمد برگردد و تحیات اولی بخواند و بعد برای رکعت بعد بلند نشود.

کسیکه از تحیات اولی به سهو بلند شد و قبل از راست ایستادن برگشت اگر از حد رکوع پایین تر بوده و برگشت سجود سهومی خواهد. اما اگر از حد رکوع بالاتر آمده بود و برای تحیات اولی برگشت در آخر نماز سجود سهو بخواند.

موقعیکه امام تحیات اولی را به سهو ترک کرد سنت است که مأموم بگوید سبحان الله و امام اگر راست نه ایستاده است می تواند به تحیات اولی برگردد. اما اگر راست ایستاده است حق برگشت به تحیات اولی را ندارد. اگر راست ایستاد و باز هم برگشت بسوی تحیات اولی نمازش باطل می شود.

اگر قنوت **اللَّهُمَّ اهْدِنِي رَادِرَ الْعُقَدَالِ** آخر نماز نماز صبح فراموش کرد تا موقعیکه پیشانی بر زمین نهاده است حق برگشتن به اعتدال برای خواندن قنوت را دارد. امام اگر قبل از پایین آمدن از حد رکوع بیادش آمد و برای قنوت برگشت. سجود سهومی خواهد و اگر بعد از پایین آمدن از حد رکوع برگشت برای قنوت سجود سهومی خواهد. اما اگر پیشانی را برای سجود زمین نهاد حق برگشتن برای قنوت ندارد. اگر بعد از نهادن پیشانی بر زمین برای سجود باز هم بسوی قنوت برگشت نمازش باطل می شود. اگر مأموم دید که امام قنوت نخوانده و به سجود رفت مأموم می تواند نسبت مفارقت نموده و قنوت بخواند و به سجود برود. اما بهترین آن است که متابعت امام نموده و همراه امام به سجود برود. و آخر نماز همراه امام سجود سهو بخواند. اگر مأموم دید که امام تحیات نه نشست و بلند شد و به قیام رسید و راست ایستاد و مأموم هم راست ایستاد در این حال اگر امام برگردد مأموم متابعت او نکند که بعد از راست ایستادن باز گشتن به تحیات

اولی مهطل نماز است - اگر امام تحیات اولی را نخواند و راست ایستاد مأموم می تواند نیت مفارقت نموده و تحیات اولی خواند به امام ببرد - اما نیت مفارقت نکردن و متابعت امام نمودن بهتر است .

هرگاه سجود سهو بر امام بود و امام سجود نکرده سلام گفت - سنت است که مأمومین بعد از سلام امام و قبل از سلام خودشان - سجود سهو بخوانند و اگر سلام نماز بگویند - اگر امام و مأمومین قبل از سلام نماز سجود سهو بخوانند و خواستند بعد از سلام نماز سجود سهو بکنند چنانچه فاصله طول نکشیده است می توانند سجود سهو بخوانند و سلام نماز بگویند -

در نماز یازده رکن است - نیت و ایستادن برای نیت و فاتحه و قرأت دیگر و رکوع و اعتدال و سجود و نشستن میان دو سجده و آرام گرفتن در رکوع و اعتدال و دو سجود و نشستن میان دو سجده در هر رکعت و نشستن آخر نماز و تحیات و صلوات بر پیغمبر و سلام اولی نماز - اینها ارکان نماز هستند که باید به انجام برسند و چیزی جای آنها را نمی گیرد و سجود سهو برای تقدیم و تاخیر آنها به سهواست و تحیات اولی و نشستن آن و صلوات در آن و قنوت و ایستادن در آن و صلوات بعد آن -

اینها بعضی نماز هستند که اگر ترک شدند به سجود سهو جبران میشوند و بقیه بیهمتای نماز هستند که اگر ترک شدند جبران ندارند - مانند سبحان ربی الاعلی در سجود که اگر گفته نشد جبران ندارد - و مخصوص سجود شکر - روی الامام احمد و ابوداؤد و الترمذی و ابن ماجه عن ابی بکر رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم کان اذا جاءه خیر یتره خیر ساجداً لله _____ عادت رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم بود که هر موقع خیر خوشی بر او میرسید سجود شکر برای خدای متعال بجا می آورد و درباره سجود

تلاوت : روی ابوداؤد عن ابن عمر رضی اللہ عنہ قال کان النبی صلی اللہ علیہ وسلم یقرأ
علینا القرآن فاذا قرأ بالتجدد کبر وسجد وسجد نامعہ

عبداللہ بن عمر رضی اللہ عنہ گوید: رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم قرآن را بر ما میخواند
ہر گاہ میرسید بہ سجده۔ اللہ اکبر میفرمود و بہ سجود میرفت و ما ہم بہ سجود میرسیم با او۔ و قال
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم "اذا شک أحدکم فی صلاتہ فلیتحر الصواب فلیتم
علیہ ثم لیسجد سجدتین؟" (متفق علیہ) ہر گاہ یکی از شما در نماز خود بہ شک افتاد
بکوشد تا بہ رستی نماز را تکمیل کند و در آخر نماز دو سجود سہو بخواند۔ و روی مسلم
فی صحیحہ ان التبتی صلی اللہ علیہ وسلم "سجد سجدتی التہ و بعد التسلام و الکلام؟"
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم دو سجود سہو را بعد از نماز و بعد از سخن انجام
داد۔ یعنی واللہ اعلم۔

موقعیکہ بعد از سلام نماز بہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم گفتہ شد سہو در نماز واقع
شدہ است خود و جماعت نماز گذاران بہ سجود رفتند کہ بعد از سلام ہم اگر فاصلہ
طول نکشد وقت سجود سہو باقی است۔

خدا یا آنچه را کہ بفراموشی بہ سہو در طاعت از دست دہیم و ہر نعمتی کہ حاصل
شود از شکر و سپاس آن غفلت و در زیم از تومی خواهیم کہ قصور ما را مورد عفو قرار
دہی و بہا تو فیقی ارزانی داری کہ در طاعت آنچه نماند شایستہ صالحان است از عہدہ
برائیم۔ و در نعمت آن چنانکہ طریقہ سپاس گذاران است ما را بر شکر نعمت ہایت
مدد فرمائی۔

پرو و رد گارا سہو و خطا و غفلت و ناسپاسی شیوہ بنندگان است۔ بہ بندگی خود

معتزیم و به یکتائی و پروردگاریت اقرار داریم از فضل و کرمت ما را به توفیق طاعتت متوید
 فرما و به قبول در ورگاہت ما را معززیدار۔ نہ بجز تو پناہ گاہ دگری است کہ بہ آن رو آوریم
 و نہ غیر از تو بخشایش گری است کہ از او عفو و گذشت خواهیم۔ روی دل ما ہمیشہ متوجہ درگاہ تو
 است و امید ما ہمیشہ متوجہ الطاف تو است و شاید کہ ما را از کرمت شادگردانی و بہ نیک بختی
 دو جهان برسانی۔

اَفْرِیدِ گادا اولی الامر ما را به توفیق و معونت متوید فرما و سروران ما را به اخلاص عمل موفق
 گردان و خرد و بزرگ ما را از مقبولان درگاہت بر شمار۔ مُردگان ما را بہ مغفرت و رحمتت شاد کن
 و زندگان ما را بہ توفیق طاعتت آباد کن۔ خردسالان ما را بر طاعتت بزرگ گردان و بزرگان ما را
 بعافیت خیر برسان۔

پروردگارا باران رحمتی عطا کن کہ بندگان و شمر ما آباد گردند و دلہا شاد شوند و چہرہ ہاشگفتہ
 و شاداب شوند۔

بَارِ النَّاعِمَاتِی مَبْذُولِ دَارِکَ غِبَارِ غَمِّ اَز دِلہا بزرگداید و اندیشہ ہار اہمپاکی و دوستی باز
 گرداند و کارم را مقبول درگاہت سازو۔

ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين امنوا
 ربنا انك رؤوف رحيم۔ ربنا هب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب۔ ربنا تقبل
 منا انك انت السميع العليم و تب علينا انك انت التواب الرحيم۔ ربنا اتنا في
 الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار و صلى الله عليه وسلم على سيدنا
 محمد واله وصحبه و الصالحين سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و
 الحمد لله رب العالمين هـ

۱۱- استقامت پایه سعادت مندی است

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُوَافِي نِعْمَهُ وَيُكَافِي مُزِيدَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ - آمَنَّا بِعَدُوِّ قَانِي أَوْ صِينِكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ
وَطَاعَتِهِ فَيَأْسَعَادَةٌ مَنِ اتَّقَى اللَّهَ تَعَالَى وَطَاعَتَهُ - وَالتَّقْوَى

هِيَ الْإِسْتِقَامَةُ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ الجن - ۱۶
مردم بر راه راست مستقیم می شدند آب فراوان و روزی گشاده و آسودگی و نیک نیتی دو
جهان نصیب شان می ساختیم که روزی گشاده و اسباب سعادت هم نشانه آزمائشی است که
مومنان را از منافقان تمیز دهد. وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ
أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ، مَخْرُجُ
أَوْلِيَاءُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُ
أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ﴾ ﴿۳۰-۳۱-۳۲﴾
تحققاً مردمی که گفتند:

پروردگار ما خدای یکتا است، پس از این گفتار راستی را پیشه کردند و بر راه راست مستقیم
شدند. چنین مردمی هستند که فرشتگان بر ایشان فرود آیند در حالیکه به آمان گویند و ترسیدند

انده گین شوید و مژده بگیرید به رفتن به بهشتی که نوید آن داده می شوید. مادوستان و یاری دهندگان شما هستیم در دنیا و آخرت و برای شماست در بهشت آنچه دلمای تان می خواهد و برای شماست در بهشت آنچه خواهان آن باشید این یعنی ترس و اندوه و این یاری فرشتگان و این مژده به بهشت و آنچه دلمای تان در آن نخواهد این با همه میهانی است که از پروردگار بسیار مهربان برای شما مقرر شده است.

در گرفتن راه راست و استقامت چه نعمت های مقرر شده است فرود آمدن فرشتگان بر دل راستان اینی از ترس و نگرانی و مژده گرفتن به بهشت و داشتن همه خوشیها در آن و بودن در همانی پروردگار مهربان. بشردر نعم لذتها فرق بسیار دارند موقعیکه بزرگی دیگران را بسوی همانی خود دعوت کند افرادی به خوراکهای گوناگون می اندیشند و از خوراکهای الوان لذت می برند و افرادی از اینکه به همانی دعوت شده اند و نسبت آمان هر شده است خوش و قند افرادی از قرب و منزلتی که نزد آن بزرگ یافته اند سروری گردند و افرادی از مقام و شانی که نزد آن بزرگ دارند لذت می برند. در همانی پروردگار رحیم اینها جمع است. در همانی دنیا لحظات همانی زودگذر است و به سرعت پایان می یابد. این است که خوشی دنیا هر قدر چشمگیر باشد باز هم پایان می یابد و چه بسیار که خوشیها بر اثر ناخوشی های پیرا آنها ناچیز و فراموش شوند. اما خوبی های اخروی این است که دوام دارد و ناراحتی در عقب ندارد. در دنیا هر قدر کسی از زندگی راضی باشد اما ترس مرگ، ترس رنجش، ترس فقر، ترس ناخوشی و رتبه دل جای دارد ترس پیری و افتادگی ترس از دست دادن مقام و منزلت ترس حوادث و پیش آمد ترس مصائب این، همه نمی گذارند که یک لذت واقعی در زندگی آدمی بوجود آید انده ها و نگرانیهای ناشی از این ترسها هم مانند

آن ترسها طاقت فرسا و جان کاهند اگر کسی خود عمر دراز یافت باید در عمر دراز خود شاهد مصائب در دوستان و بستگان باشد و اگر عمر خود کوتاه کرد - خودش موجد مصائبی برای نزدیکان خواهد شد و بیخ عاقلی در زندگی دنیوی نمی تواند بی دغدغه و ناراحتی بگذاند اما خوشیهایی اخروی که همه ترسها از آن برداشته شده و اندوه های ناشی از ترسها از میان رفته است نه ترس فقر و دل و جان آدمی را معذب می دارد - نه سر رسیدن موعدا و انبیا و پیغمبرها و دغدغه و ناراحتی مداوم ایجاد می کند نه از بیماری دنا خوشی خبری هست و نه از پیری و مرگ اثری هر کسی که در عالم اخروی به خوشی رسید خوشی او مانند زندگی او جاویدان است - آن وقت هیچ میان مدت عمل و مقدار جزا نیست - مدت عمل همین عمر زود گذر است که دوران شیر خوارگی و طفولیت بدون اینکه آدمی احساس آن نماید به سرعت برقی میگذرند و دوران کودکی که تربیتها و تعلیمها شروع می شود و تکالیف تحصیل برای کودکان که هنوز فهم نتیجه نمی کنند بارهای سنگین است که بر نشانه خود احساس می کنند -

موقعیکه جوانی رسید و آدمی از امتحانات آن با موفقیت گذشت باز هم دوران مسئولیتها شروع می شود - بوجد آوردن زندگی و اداره آن و بستن عقد زناشویی و بیخانه آوردن آن و رو آوردن فرزندان و ناراحتی های شان آدمی را در لذات این جهان بی میل میگرداند - و وقتی آدمی بخود می آید که غبار عنما در چهره سلوک آدمی چین و چروکها ایجاد نموده و برف پیری از میان خشک و طاقت فرسای مرگ و ریه پاری آخرت ، دلیل انکارناپذیر است مرگ با همه هول و هراس آن باز هم به نسبت مابعد خود آسانتر است - زیرا آدمی مرگ مردم را که می بیند مرگ خود را بر آن قیاس می گیرد و مرگ هم مانند همه حوادث دنیا در لحظاتی تلخ و شیرین سپری شود اما پس از مرگ چگونه است ؟ نه عقلی

بشری به آن میرسد نه قیاسی بر آن متصور است نه فنا و پایان دارد. اخبار غیبی که لوسیکه راتان نامح و راهنما که پیمبران خدا و عنخواران بشریت بوده اند همه از هول و هیبت آن صحبت دارند. چند سالی زندگی با آنهمه رنج و مسکولیتها در برابر خود جانی دیگر دارد. با پیش آمدن ای هولناک و گذرگاه های همیب و پر خطری که همه حیات دنیا در برابر لحظه ای از آن ناچیز است و تنهاراستی در این دنیا می تواند رستگاری آن دنیا را به ارمان آورد رستی و دورستی که باز هم پایش نامعلوم است و تکیه بر آن نامعقول. تعجب می کنم که می گویند دنیا دوروز است. نمی دانم کدام دوروزی؟ روزی که گذشته است نه خوشی آن محسوس است و نه ناخوشی آن. و روزی که نیامده است محقق نیست و چه یارند که فردائی ندارد.

در حقیقت دنیا همین یکروز است و آن یک روز همین امروز است که در آنیم امروز هم با آن تفصیلی که یاد شد بر دل عاقلان سر و و همیقدار است. مگر مقداری که امروز در پدید آوردن جهانی خرم و دلکشا و جاوید در آخرت باشد به بیشتر مردم بیگردد عموماً هدف شان صرف وقت است و اکثر در صرف وقت هرفی ندارند و عمر بیشتر مردم بر بیچ میگذرد. ساعات کار شود مند اگر در زندگی آدمی اندیشیده شود. به نسبت یک درصد عمر آدمی هم کمتر است و ندارند افرادی که خدای متعال دیده دل شان را از کودکی روشن نموده و ساعات عمر را گرامی شمارند و اگر در اثر است: **النَّاسُ كُلُّهُمْ فِي خَطَايَا إِلَّا الْعَالَمُونَ وَالْعَالَمُونَ فِي خَطَايَا إِلَّا**
الْعَالَمُونَ وَالْعَالَمُونَ فِي خَطَايَا إِلَّا الْمُخْلِصُونَ عَلَى خَطَايَاهُمْ.

مردم همه در مخاطره هستند مگر دانشمندان که قیمت عمر را میدانند و دانشمندان همه در مخاطره هستند مگر عمل کنندگان آنان بعلم شان و عمل کنندگان به علم از دانشمندان در مخاطره هستند مگر مخلصان شان و مخلصان هم بر خطری بزرگ هستند. مخاطره مردم امری است مشابه و

محسوس زیرانهم زندگی نمی کنند و در خوراک و آب و خشم و شهوت همانند بهائمند نه میدانند چه اخلق شده اند و نه میدانند از خلقت آنان چیست و نه میدانند برای چه بوجود آورده شدند و رسالت شان در این جهان چیست مگر اینکه دانش مندان در این زمینه با مردم جدا هستند. فهم خلقت می کنند میدانند بشیر برای چه کاری فرستاده شد رسالت کدام است. اما بجز فهم اینکه مقصود از وجودشان چیست در وی برای شان دو او نمی کنند تا نه اینکه به علم خود عمل کنند و آن دانش مندانی که به علم خود عمل می کنند هم مخاطره های فراوان دارند زیرا عملی را وقتی میتوان سودمند دانست که از روی اخلاص باشد موقعی که دانش مندان به علم خود عمل کردند و در عمل خود اخلاص ورزیدند. باز هم خطری عظیم در پیش دارند زیرا خطرند استن عاقبت و فرجام کار از هر خطر دیگری هولناک تر است.

آنانیکه عملی نداشته اند و فهمی ناکرده اگر عمر خود را برباد داشته باشند و بید فرجامی را نتیجه بگیرند خود بدستی به زیانکاری خود رسیده اند اما کسیکه فهم نموده و عمل کرده و اخلاص ورزیده است اگر بید فرجامی عاقبتش بشد سختی این عاقبت از حد طاقت بیرون است. آن کسیکه درس ناخوانده و رنجی نکشیده است اگر در امتحان مردود شود زیاد بفریاد نمی آید اما کسیکه درس خوانده و رنج کشیده و باز هم در امتحان موفق نشده است رنجها و افسوسهای درونی او طاقت فرسا است محصلی که امتحان در پیش دارد تا از نتیجه امتحان خود آگاه نشود یعنی آراند در حقیقت لحظات مرگ همان ساعاتهای امتحانند. و چه عجیب است که مردم غافل از پایان کار نادان بفرسجام کار و بی اطلاعی از نتیجه عمر و کار آرام و فارغ نشسته اند این جا است که اثر معروف صدق می کنند که النَّاسُ نِيَامُ فَإِذَا امَاتُوا انْتَبَهُوا مردم همه خفته گانند و چون بیدار میشوند.

زیرا پس از مرگ است که آدمی بیقین در کار خود واقف می شود. نتیجه عمر خود را بحسبتم می
 بیند دوست و دشمن را تمیز می دهد و دشمنان بسیاری که آدمی آنان را از دوستان عزیز خود می
 شمرده است می شناسد اما چه حیف که در آن موقع علم و نبی علمی یکسان است زیرا نتیجه اعلام شده
 و تغیری نمی پذیرد در آن موقع هر لحظه از عمر و آدمی از همه جهان عزیزتر می نماید. زیرا لحظه ای که در
 آن توبه و انابت مقدور بود و از دست رفت از همه دنیا و مافیها عزیزتر می نماید. هماغونه که در
 موقع دانستن نتایج امتحان را از هر غفلتی که دست داده حسرت بسیار می آید حتی دوستی که لحظاتی
 صحبت شیرین نموده نظر به اینکه آن سخنان مانع از کوشش در دروس بود تلخ ترین لحظات
 زندگی بحساب می آید چه باید کرد زندگی اگر به معنی واقعی فهم شود. نفس هم مغتتم شمرده می شود از
 خواب و آسایش زائد دوری بسته می شود و زندگی همه اش به جد و کار و کوشش خستگی ناپذیر
 مبدل می گردد. و بجای آسایش و استراحت رنج و تلاش و سعی جای گزین می شود به خدمت گزاران
 بشر بنگرید مجبورند همیشه غرق در کار و اندیشه و آزمایش خود باشند و در این جهان همیشه آسایش طلبان
 راحت خود را در زحمت خدمت گزاران می یابند.

شمار افرادی که محصول رنج و کارشان قدرت و علوم بشری را به پیش می برد از شمار
 انگشتان در هر موقع بیش نیست و چه بسا که خود از رنجها و تلاشهای خود بهره ناکرفته می روند.
 اگر اینگونه افراد در جهان دیگر خوشی و آسایش نداشته باشند حقا که بیچاره ترین افراد اند.
 زیرا عمری پر رنج پشت سر گزارده و نتیجه ای که بکار آید هم نبرده اند و این جا است که اثر ایمان ظاهر
 میگردد و کیمیای ایمان داری جلوه گرمی گردد.

۱۲- غیبت و پشت سرگونی از کثابان کبر است

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا
 مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَائِهِمْ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا
 أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بئسَ الْأَسْمَاءُ
 الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ
 وَلَا يَجْتَسِسُوا وَلَا يَلْتَمِسْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا. أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ
 أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
 تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿

(سورة حجرات - ۱۱ - ۱۲)

خدای متعال در این چند آیه از کلام مجیدش لازمه احترامی که باید میان مؤمنان وجود داشته باشد بر شمرده و فرمود:

"ای مردی که ایمان آورده اید نباید گروهی از شما گروهی دیگر را بباد مسخره گیرند. از کجای دانند که بهتر از مسخره شدگانند. و نباید زمانی از زمان دیگر مسخره کنند شاید مسخره شدگان بهتر از آنان باشند و هم دیگر را عیب جوئی نکنید و لقبها را باعث ناراحتی یکدیگر قرار ندهید. چه بدنامی است. فاسق شدن و از حدود شریعت بیرون شدن بعد از ایماننداری و کسیکه

توبه نکرد. آنانیکه توبه نکردند ایشان هستند که شمگرازند. ای مردمی که ایمان آورده اید دوری بجوئید از بسیاری گناهان زیرا در حقیقت قسمتی از گناهان گناه کاری است و بر حال یکدیگر تجسس نکنید و غیبت و پشت سر گوئی ننمائید. نباید بعضی از شما مؤمنان غیبت بعضی دیگر کنند آیا دوست میدارد یکی از شما آنکه بخورد گوشت برادرش در حال مردگی؛ شما دوست نمی دارید خوردن گوشت مرده را و از خدا تبرسید محققاً خدای یکتا بسیار قبول فرمایند توبه و بسیار مهربان است مسخره و قتی تجویز میدهد که کسی بداند بهتر از دیگری است اما در حالیکه پایان خانم هر کس پوشیده و نامعلوم است راهی برای مسخره وجود ندارد چه بسیار که مسخره شدگان از مسخره کنندگان بهتر باشند مگر نه این است که کفار هنگام دیدن یاران پیغمبر آنان را بباد مسخره میکردند اما سرانجام همه کفار زیر دست یاران پیغمبر قرار گرفتند و برتری یاران پیغمبر آشکار شد چه بسیار ملتها که افراد مغرورشان که دیگران را بباد مسخره میکردند با چرخ خوردن ورق در تاراج برتری مسخره شدگان به ثبوت رسید و زوال مسخره کنندگان - غرور همچو نگاه خوب نیست و برای هیچ مردی شایسته نیست بخصوص برای مردم با ایمان ایمان باید جلوسخرگی و غرور هر دو بگیرند و تنها مردان بلکه زنان هم نباید زنان دیگر را بباد مسخره بگیرند چه بسیار که مسخره شدگان بهتر از مسخره کنندگان بیرون آیند. آیا دانسته اید که در سخرگی در شیخند از دیگران عیوب خود را بر می شمارند برای اینکه موقعیکه شمار عیوب دیگران انگشت ننماید و بر شمرد دید دیگران هم عیوبی در شمار بیابند و بباد مسخره و استنزه گیرند لکن باید برای معرفی اشخاص باشد نه از برای ایجاد ناراحتی اگر فسوق و عصیان و غرور و گناه کاری همیشه زشت است.

پس باید دانست که در حقیقت فسوق و عصیانی که بعد از ایمان آوری باشد بدنام تر و بدتر از مسخره و عیب جوئی از غرور و ایجاد ناراحتی پرهیزید و این نواقص اخلاقی و لواطت گناه کاری توبه

کنید و بدانید که اینک از مسخره و عیب جوئی و غرور و ایجاد ناراحتی توبه نکردند آنانند که ستمگران
 بخود هستند سیر حوادث را نمی بینند و تقلبات زمانه را نسجیده اند و خبری از نشیب و فراز
 روزگار ندارند و روزگار است گوی غزت دهد که خوار دارد و زود است که از ستم خود آگاه شوند و از
 نتیجه آن بیدار گردند این غرور و عیب جوئی و مسخره و ناراحتی ریشه ای از بدگمانی دارد شما ای
 مردم یکدایمان آورده اید از بسیاری از گمانها پسر سینه یید و یقینی بدانید که قسمتی از گمانها
 گنه کاری است هر گمانی که مایه گناه شود گنه کاری است که گمانهای بد را از خود دور کنید و
 هیچگاه بر تحسین و کنجکامی برای و قوف بر عیوب دیگران راضی نشوید - زیرا گمان بدیه تحسین
 و امید آرد و تحسین بر غیبت و پشت سر گوئی می کشاند و شائسته نیست که شما مؤمنان که
 باید خوش بین بآمدگر و خیر اندیش بیکدگر باشید عکس آن رفتار کنید پس نباید بر غیبت
 یکدگر افتید غیبت و پشت سر گوئی مایه مردن شخص است از اینراه که شخصیت او را پائیل میکند
 و در انظار او را خفیف و کم ارزش جلوه می دهد و روح احترام و تکیه بر جماعت را از میان
 می برد -

مرده آن نیست که مرگ به او رسیده باشد بلکه مرده کسی است که شرائط حیات از دست
 داده باشد غیبت و پشت سر گوئی بمنزله خوردن گوشت برادران در حال مردگی است - شما
 که دوست نمیدارید گوشت مرده را بخورید از خدا بترسید - محققاً خدای متعال قبول فرماید
 توبه بندگان وهربان به مؤمنان است از دوری جستن از این نواقص اخلاقی کاری کنید که
 توبه تان پذیرفته شود و از مر خدای تعالی بهره مند شوید -

اسلام آزدون مسلین را تحریم فرموده است - آنچه خاطری را بناحق بیازارد آنچه
 نسبتی نارواد برگیرد و آنچه باعث نخش مؤمنی باشد آنچه غبار غمی را بر چهره ای بناحق بنشاند

اینها همه حرام و گناه کاری است - قَالَ اللهُ تَعَالَى ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيًا وَ مَا
اَكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ (الأحزاب - ۵۸)

و مردمی که بیازارند مردان و زنان با ایمان را بدون آنکه سبب آزرده را باعث شده
باشند - مردمی که بناحق بر مردان و زنان با ایمان را بیازارند در حقیقت تخم گناهی بس بزرگ
کرده اند و دروغ را به بتان کشیده اند و بتان هر چه بناحق بدیگری نسبت دادن باشد -

اخرج البيهقي والطبرانی وابن حبان عن جابر بن سعيده رضي الله عنهما قالا - قال رسول الله

صلى الله عليه واله وصحبه وسلم: إِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزِّنَا - أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

غیبت و پشت سرگویی در حقیقت بدتر از زنا است پشت سرگویی مایه بدنامی افرادی
بے گناه می گردد در حالیکه زنا از افرادی است که بگناه و ارفقه اند آنگاه زنا کار - یا توبه کردن
جلو خود را میگیرد و امکان دارد خدا توبه او را بپذیرد -

اما غیبت کنندة موقعیکه زبانش به غیبت عادت کرده تا دم مرگ این عادت نکوبد
همراه او است - آنگاه توبه او باید با حلال کردن غیبت شده باشد - و از چند نفر حلال بود
می خواهد و غیبت اثر زبان بی بند و بار است که ممکن است شمار غیبت شدگان را از شمار بیرون
بردنی جهت مردمی را بیازارند و ناراحتی افرادی ایجاد کند نسبتهای نارواید و در آخر خود
را غرق گناه افتادن در پوستین خلق نماید -

«يُرْوَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّ دُرُونَ أَرَفَى الرَّبَاعَةَ عِنْدَ اللَّهِ؟ قَالُوا
اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ - فَإِنَّ أَرَفَى الرَّبَاعَةَ عِنْدَ اللَّهِ اسْتِحْلَالٌ بَعْضُ أَمْرِ حُرْمَتِ
تَمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
بِغْيٍ مَا اَكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا، الأَحْزَابِ -

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: آیا میدانید ربا ترین رباها کدام است گفتند خدا

و پیغمبرش دانا ترند۔ فرمود ربا ترین ربا با نزد خدا تعالیٰ رواداشتن شرف شخص مسلمان است آنگاه
 این آیه را وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْرَجُوا مِنْ رِوَادِ شَرَفِ شَخْصِ مُسْلِمَانٍ یعنی
 صحبت پشت سر او سخن در آنچه به شرافت او بر بخورد ربا هم نوعش حرام است و زشت۔ و ربا
 هر گاه از طریق سخن در شرافت اشخاص و پشت سر گوئی و غیبت مردمان باشد حرام تر و زشت تر
 است۔ در آیه: فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا۔ بمعنی تحمل کردن و احتمال و تحمل بیک
 معنی است۔ یعنی حمل و بہتان و گناه آشکار نمودن بہتان و گناه را احتمال و وقوع دارند۔
 احتمال کہ در باره خودشان ہم وقوع آن موجود است۔

در وی مسلم و ابوداؤد (إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اتَّذَرُونَ مَا الْغَيْبَةُ؟
 قَالُوا اللَّهُ ورسوله اعلم۔ قال ذكرك أخاك بما يكره قيل أفرأيت إن كان في أخى ما أقول۔ قال إن
 كان فيه ما تقول فقد اغتبته وإن لم يكن فيه فقد بهته)۔ او کہا قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود آیا میدانید غیبت بہ چه معنی است؟ گفتند خدا و
 پیغمبرش دانا ترند فرمود غیبت یاد کردن تو برادرت را بہ چیزی است کہ دوست ندارد آنچه کہ
 برادرت دوست ندارد کہ بہ آن یاد شود یاد کردن او بہ آن غیبت است و پشت سر گوئی گفته
 شد اگر برادرم باشد آنچه می گویم فرمود آنچه در برادرت باشد و دوست ندارد بہ آن یاد شود یاد
 کردن او بہ آن غیبت است اما اگر در برادرت نباشد آنچه کہ او را بہ آن یاد می کنی اورا بہتان
 گفته ای۔ در وی ابن حبان عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم (من أكل لحم أخيه في الدنيا

قرب اليه يوم القيامة فيقال له كذا ميتا كما أكلته حيا فيا كذا و يكلج و يضيح)۔
 رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحیہ وسلم فرمود کسی کہ بہ غیبت گوشت برادرش را
 در دنیا خورد در روز قیامت گوشت مرده برادرش را نزدیک وی آوردند و گفته شود بخور گوشت

اورا به مردگی آنچنان در زندگیش گوشت او میخوردی با خوردن گوشت مرده رویش تاریک می شود و از زشتی این کردار به فغان می آید -

«رَوَى ابْنُ أَبِي الدُّنْيَا: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ اغْتَيْبَ عَنَّا أَخُوهُ الْمُسْلِمَ فَلَمْ يَنْصُرْهُ وَكَيْسَتْطِيعُ نَصْرِهِ أَذَلَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»
 (او کما قال (عليه الصلاة والسلام)

کسیکه برادرش نزد او غیبت کرده شد و برادر خود را یاری نکرد که غیبت را منع کند و جلوه غیبت کننده بگیرد در حالیکه می تواند یاری کردن برادرش و اینکه جلوه غیبت از او بگیرد خدا او را خوار سازد در دنیا و آخرت. کسیکه برادر خود را یاری نکرد و می توانست و جلوه غیبت نه گرفت در دنیا و آخرت خدا او را خوار سازد در دنیا خوار شود و غیبت کننده چیره شود و از او نیز غیبت کند و در آخرت خوار شود و خدا دست از یاری او بکشد -

«وَرَوَى الْإِمَامُ أَحْمَدُ عَنْ جَابِرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ كَتَمْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَارْتَفَعَتْ رِيحٌ مَنَّانَةٌ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَدْرُونَ مَا هَذِهِ الرِّيحُ ؟ هَذِهِ رِيحُ الَّذِينَ يَخْتَابُونَ الْمُؤْمِنِينَ»
 المؤمنین - جابر رضی اللہ عنہ گوید همراه پیغمبر بودیم بوی بدی برخواست فرمود میدانید این چه بویی است ؟ بوی غیبت کنندگان مؤمنان است .

امام حسن بصری گوید «والله للخبیة أسرع فسادا فی دین المؤمنین من الاكلة فی الجسد» قسم بخدا غیبت و پست سرگونی از خوره شتابتر دین مؤمنان را تباه می سازد خوره اگر در جسدی افتد به سرعتی که غیبت دین مؤمنان را تباه می سازد و جسد را تباه نمی سازد -

ابن عباس گفت : اذا اردت ان تذكر عيوب غيرك فاذكر عيوبك - هرگاه خواستی که عیب های مردم را یاد کنی عیب های خودت را بیاور -

عبداللہ بن عباس رضی اللہ عنہ گفت : بجای یاد کردن عیوب مردم بیاور عیبهای خود

باش تا از یاد کردن عیوب خود و بگذراند اصلاح خود مفتی گفته شده است روز قیامت نامه عمل کسی بومی دهند چون بنگر و هیچ حسنه ای در نامه عمل خود نه بیند میگوید کجا نماز من و کجا روزه و طاعت من؟ در این موقع به او گفته می شود غیبت و پشت سر گویت همه حسنت را بباد داده - وَرَوَى الْإِمَامُ أَحْمَدُ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (قَالَ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِنَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَظَرْتُ فِي النَّارِ فَإِذَا قَوْمٌ يَأْكُلُونَ الْجِيفَ - قَالَ مَنْ هَؤُلَاءِ يَا أَخِي يَا جَبْرِيلُ؟ قَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لِحُومَ النَّاسِ) .

در شب معراج رسول الله نظری به دوزخیان فرمود ناگاه دید مردمی را که لاش مردگان را میخوردند فرمودی جبرئیل اینها چه کسانی هستند جبرئیل گفت اینان مردمی هستند که گشت مردم را در دنیا میخوردند یعنی غیبت می خوردند. اگر بصیرت باشد حقیقت غیبت همان لاش خوری است.

غیبت رو به مردم ناپاکی است که دیگران را در ناپاکی بر خود قیاس کنند و با دروغ و افترا و صحبت در اعراض مردمان عمر و زندگی و طاعت و ایمان خود تباها کنند هیچ اجتماعی موقعیکه غیبت در آن انتشار بیابد پاندر نمی ماند و هیچ مردمی موقعیکه غیبت کنندگان در میان شان آزادی یافتند روی راحت نخواهند دید در این ماه مبارک مبادا که به غیبت روزه خود را باطل کنید دروغ و غیبت و خبر چینی و نظر به شهوت و قسم دروغ روزه را باطل کنند و وضو را بشکنند زبان خود را بیاد خدا مشغول دارید تلاوت قرآن را عادت کنید تا زبان تان مجال پهلو شده گویی نیاید چشم و گوش خود را از دیدن و شنیدن باطل نگمارید در این ماه روزه روزه را از غیبت و مردم آزاری نگمارید از دروغ و خبر چینی روزه بگیرید تا افطار تان بر یاد خدا و پایان تان بر دیدار خدا باشد که ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِحَةٌ إِلَىٰ سِقِّهَا نَاطِرَةٌ﴾ روم ای در روز قیامت شادان

باشد که به نظر بسوی پروردگار کامیاب گردد شادانی در آن روز از خوشنودی خدا در امر و زیادت
می آید.

خُذْ اَيُّهَا تُو دوست دارنده عفو و گذشتی ما را به عفو و عنایت خود شاد کن.

بگذرد گارا در هفت شب از این ماه مبارک آزاد شادگانی داری ما را از آزاد شدگان از عذابت

قرارداده.

'افزید گارا آنچه از طاعت فراهم آید محض لطف تو است. هر عطی که به لطف و کرم تو فراهم شد به
حلیه قبلیش آراسته دار هر یک از ما برای خیر دنیا و آخرت خود خواهشمانی دارد. خواهشهای که خیر دنیا و
آخرت ما در آن است بر آورده ساز.

بیا داینها مردگان ما را به رحمت شاد کن و زندگان ما را از بند عزم آزاد کن ای مهربان ترین
مهربانان از مهر و رحمت ما را توفیق ده تا در هر گامی که بر میاریم و در هر راهی که در پیش می گیریم خوشنودی
تو باعث ما باشد.

خُذْ اَيُّهَا اُولَى الْاَمْرِ ما را به تائیدت مدد فرما و سروران و بزرگان ما را به عنایتت مدد کن
و خرد و بزرگ ما را به آموزش و رحمتت دلشاد گردان و حسن عاقبت بهره همه ما باز.

رَبَّنَا اِنْتَا فِي السَّمٰوٰتِ اَحْسَنُ وَفِي الْاٰخِرَةِ اَحْسَنُ وَفِي الْاَوَّلَةِ اَحْسَنُ وَفِي الْاَوَّلَةِ اَحْسَنُ وَفِي الْاَوَّلَةِ اَحْسَنُ
مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَصَحْبِهِ وَصَلَّى عَلَيْهِمْ وَصَلَّى عَلَيْهِمْ وَصَلَّى عَلَيْهِمْ وَصَلَّى عَلَيْهِمْ وَصَلَّى عَلَيْهِمْ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ه

۱۳- مداومت بر یاد خدا عادت مردم با ایمان است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

﴿وَ اذْكُرُوا اللّٰهَ قِیَامًا وَقَعُودًا وَعَلٰی جُنُوبِكُمْ﴾

خدا را یاد کنید - ایستاده یا نشسته و یا به پهلو افتاده

آدمی در زندگی خود یا ایستاده و یا نشسته و یا به پهلو افتاده است - در موقعیکه مشغول کاری است باز هم از این احوال بیرون نیست - زیرا راه رفتن و یا سفر نمودن و کسب کار همه حالاتی است که آدمی در آن حالت می تواند از یاد خدا غافل نماند.

آنها یک مشغول تلاوت قرآن هستند بیا و خدا هستند - زیرا کلام او را تلاوت می کنند - افرادی که صلوات بر پیغمبری فرستند، اشخاصیکه به علوم اشغال دارند خلاصه هر کاری که در آن یاد خدا میشود همه از یاد خدا است در شریعت وقتی که برای حالتی ذکر مخصوص قرار می گیرد همان بهتر است و موقعیکه ذکر مخصوص نباشد تلاوت قرآن بهترین قربات است. در این ماه مبارک از تلاوت قرآن غفلت موزید - اگر در همه ایام سال امکان تلاوت نباشد در روزهای جمعه ساعتی پیش بسجده بروید و به تلاوت قرآن اشغال و رزید اگر همه اوقات برای تان امکان تلاوت قرآن نیست با مداد ان بعد از نماز صبح چند آیه ای از قرآن بخوانید مگر نه این است که خواب و بیداری باید از هم جدا باشند.

هر حالتی که در آن از نام خدا غفلت شود خواب است نه بیداری هر موقعی که از عمر بگذرد و طاعتی در آن فراهم نیاید از زندگی بحساب نمی آید مگر هم خوابی طولانی است که در آن جز

حضرت عمر و افسوس بر زندگی چیز دیگر نیست و اگر کسی مورد عذاب و عقوبت باشد که معلوم است چند روز عمر همه اش بحساب نمی آید.

تلاوت قرآن هر گاه با فهم و بصیرت باشد راه حلال و حرام مشخص می سازد و طرق نیک بختی و سعادت را روشن میگرداند و هیچ دوره ای مانند این دوره مردم نیازمند بتعالیم قرآن نبودند برای اینکه در قدیم قرأت قرآن در هر بامداد در همه خانه ها بود و فهم قرآن و عمل به آن نزد همه مسلمان بود اما امروزه قرآن میگذرد و قرآن گشوده نمی شود و بیشتر مسلمانان به این کتاب آشنائی ندارند و میدانند که همین قرآن که اسلام در پر توآن عالمگیر شد و همین قرآن است که باید در هر جهانیان باشد قرآن تلاوت آن هم عبادت است. همه وقت برای تلاوت آن موقع تلاوت است. اگر همه وقت امکان ندارد، در روز و شب چند دقیقه ای به تلاوت قرآن اختصاص دهید.

رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود: «إِقْرَأُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ» قرآن را بخوانید زیرا قرآن است که محققاً شفاعت خواهد همراهمان است. و فرمود: مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَتَبَتْ لَهُ حَسَنَةً مَضَاعِفَةٌ وَمَنْ تَلَا آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. رواه الامام احمد کسیکه گوش کرد به خواندن آیه ای از قرآن حس او بارها مضاعف گردد. و کسیکه آیه ای از کتاب خدا خواند برای او روشنائی روز قیامت است.

کلام الله را در فضل و بزرگی نمیتوان اندازه ای قائل شد. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ الرَّهْمَنِ عَلَى سَائِرِ خَلْقِهِ. از جمله البقیه. فضل قرآن بر دیگر سخنها مانند فضل و برتری پروردگار همسران بر دیگر

کائنات است. وقتی هیچ قیاسی میان خالق و مخلوق نیست و هیچگاه بندگان را نمیتوان به خدای عزوجل قیاس کرد. هیچگاه نمیتوان برتری قرآن بر دیگر سخنها را اندازه ای در نظر گرفت. قرآن هر حرفی از آن خواندن حسنت دارد.

مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا لَا تَمْلِكُ الْأَنْفُوسُ الْجَاهِلَةُ وَ
 لَكِنَّ الْإِنْفُ حَرْفٌ وَلَا مِثْلَ حَرْفٍ وَمِثْلُ حَرْفٍ. (رواه الحاکم)

کسیکه حرفی از قرآن بخواند در برابر هر حرفی حسنه ای وارد و هر حسنه به ده برابر آن است نمیگویم الم یک حرف است بلکه الف یک حرف و لام یک حرف و میم یک حرف است. قرات قرآن عبادت است خواه بفهم باشد و خواه بدون فهم هیچ کاری مانند تلاوت قرآن محبوب درگاه خدا نیست. مَا تَقَرَّبَ أَحَدٌ إِلَى اللَّهِ بِأَفْضَلٍ مِمَّا خَرَجَ عَنْهُ بِسُجُودٍ كَسَىٰ خُودًا نَجِدًا نَزْدِيكَ نَكَرًا وَبِجِزْيٍ كَمُحِبِّبٍ تَرَاذِقُ الْقُرْآنَ بَاشَدَ كَمَا أَزْدَاتِ عِظْمَتِش صَادِرُش وَبِسُجُودٍ كَمَا هِيَ نَيْتُ كَمَا بَرَابَرُ قُصُورِ فَرَامُوشِ كَرْدَنِ الْقُرْآنِ مَائِهِ شَرَسَارِي بَاشَد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَرَضْتُ عَلَيَّ أَجْوَرُ أُمَّتِي حَتَّى الْقَدَاةَ يَخْرُجُهَا الرَّجُلُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَعَرَضْتُ عَلَيَّ ذُنُوبَ أُمَّتِي فَلَمْ أَرْ ذَنْبًا أَكْبَرَ مِنْ سُورَةِ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ آيَةٍ أَوْ تَيْمَمَةٍ رَجُلٌ سَمَّ نَسِيهَا» أَخْرَجَهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ أَوْ كَمَا قَالَ (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود ثواب آتم بر من عرضه شد حتی خاشاکی که از مسجد برون برده شود گناهان آتم بر من عرضه شد و هیچ گناهی ندیدم که همانند این باشد که سوره ای از قرآن یا آیه ای از قرآن بر شخص برسد و آنگاه آنرا فراموش کند اگر آدمی نیکو شد که گفتن بزرگان را بیاد داشته پس چگونه و چه روی تواند کلام خدا را فراموش کند کسیکه در کلام الله این قدر غفلت ورزید که از ذهنش بیرون رود چه حدی می توان برای تصور او معرفی کرد آنها نیکه در زندگی موفق بوده اند به مردمی بوده اند که قرآن

کلام الله همیشه انیس و مونس و دلیل و رهبرشان بوده است در اسلام قرآن بعنوان پرچم اسلام یاد شده است. و در فرموده سرور کائنات **لِحَامِلِ الْقُرْآنِ حَامِلٌ دَايَةٌ الْإِسْلَامِ**

وَمَنْ أَكْرَمَهُ فَقَدْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ وَمَنْ آهَانَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ (رواه الدلبی)

حامل قرآن یعنی کسیکه قرآن را میدانند و بر دستور آن راه میرود نگهدار پرچم اسلام است و کسیکه نگهدارندگان قرآن را گرامی داشت خدا او را گرامی داشته است و کسیکه نگهدارندگان قرآن را خواری داد لعنت خدا بر او است.

کسیکه قرآن را پیشوای خود قرار داد هیچگاه بگره می نیفتد و کسیکه مداومت بر تلاوت قرآن نمود خود را از فراموشی کردن قرآن در امان قرار داده است. فراموشی کردن قرآن در این دنیا مایه شرمساری است و در آن جهان هم مایه گرفتاری.

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: (مَا مِنْ امْرِئٍ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ إِلَّا لَقِيَ اللَّهَ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْزَمًا) رواه ابوداؤد - عن سعد بن عبادة - أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

هر کسیکه قرآن را یاد گرفت و پس از آن که یاد گرفت آن را فراموش کرد. روز قیامت خدا را دیدار میکند در حالیکه مرض خوره دارد. قرآن مایه برکت عمر و آسایش زندگی است نگو کاری بر اثر تعلیم قرآن است و نیک سختی نتیجه دستورهای قرآن است و شادابی از علامت فیوضات قرآن است کسیکه قرآن را فراموش کرد همه برکتها از دست داده است. تلاوت قرآن سرآمد ذکرها است کس نیک حافظ قرآنند همیشه زبان شان به تلاوت قرآن شاداب است. یاد خدا در همه حال انیس مؤمنان است و در مواردی که اذکار بخصوصی وارد است همین اذکار خود نیز مشخص این است که شخص مسلمان بخود را زیر رحمت خدا میداند **قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ ضَامِنٌ عَلَيَّ اللَّهُ رَجُلٌ خَرَجَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ**

اللَّهُ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ كَحَتَّى يَتَوَفَّاهُ فَيُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ أَوْ يُرَدُّهُ بِمَا نَالَ مِنْ آخِرِ أَفْعَانِيَّةٍ وَرَجُلٌ رَاحَ إِلَى
الْمَسْجِدِ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ وَرَجُلٌ دَخَلَ بَيْتَهُ بِسَلَامٍ فَهُوَ ضَامِنٌ عَلَى اللَّهِ بِحِجَابِ (أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ)

سه گسند که خدا نگهدارشان است. کسیکه برای جهاد در راه خدا از خانه بیرون شد. در زیر
نگهداری خداست تا اینکه وفات بیاورد و دخل به بهشت شود و یا آنکه او را برگرداند با آنچه بدست آورده
است از ثواب و غنیمت. و کسیکه به مسجد رفت او در زیر نگهداری خدا است.

و کسیکه دخل شرفش بخانه همراه با سلام و احترام است. این یاو خدا و رعایت ادب و
احترام حتی نسبت به و بستگان و زیر دستان از آداب اسلامی است. یاد خدا که در هر موقع تکرار
میشود در هر جا با عبارتی دیگر و با بیانی مناسب تر و یا دعائی بهتر یاد می شود. کان رسول الله صلی الله
علیه وسلم اذ اخرج من بیتی قال بسم الله التکلان علی الله لا حول ولا قوة الا بالله (رواه ابن اسی و حکم)

رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگامیکه از خانه بیرون می رفت می فرمود بنام خدا و گذاری کارها بخدا است
نه توانائی به دوری از شر و رؤوفات است و نه نیروی برای یافتن خیر و خوشیها مگر بگویم که خدای بکلیت.
کان رسول الله صلی الله علیه وسلم و اذا دخل المسجد صلی علی محمد
وسلم و قال رب اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک و اذا اخرج صلی
علی محمد و سلم و قال رب اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب فضلك .
رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم موقعیکه دخل به مسجدی شد درود و سلام بر محمد صلی الله علیه و آله
و میفرمود ای پروردگارم بیامرزگنایانم و بکشای بر من درهای رحمت و موقعیکه بیرون می آمد می
فرمود: اللهم صلِّ و سلم علی محمد ای پروردگارم بیامرزگنایانم و بکشای بر من درهای فضل و روزیت.

کان رسول صلی الله علیه و آله و سلم و اذا آوی الی فراشه کل لیلۃ
جمع کفیه ثم نثت فیها قمراً قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس ثم مسح بهما علی رأسه و وجهه و ما
اقبل من جسده یفعل ذلك ثلاث مراتب (رواه البخاری و مسلم)

رسول اللہ ہر شب موقع آمدن بہ بستر خواب دو کف دست خود را با ہم جمع میکرد و نفس در آن میدیید و میخواند سوره های قل هو اللہ احد، و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و سپس بہ آن دو کف دست خود بہ ہر جا از بدن کہ دست میرسد دست میکشید و اہتدای میکرد بہ دست کشیدن سرور و دجلو بدن۔ نوافل کی از یاران پیغمبر گفت بہن فرمود:

اِحْرَافُكُمُ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثُمَّ نَمَّ عَلَى حَاقِمَتِهَا فَأَقْبَّهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشِّرْكِ۔

قبل از خواب سوره قل یا ایہا الکافرون بخوان و بر پایان این سوره بخواب کہ پایان این سوره رسانندہ بری بودن از شرک است در آخر سوره قل یا ایہا الکافرون است لَکُم دِیْنُکُمْ وَ لِي دِیْنٌ بِرَأْسِ الشَّمَاكِرَانِ دین خودتان و برای من است دین من کہ شخص مسلمان و طیفہ دارد از دین ہای غیر اسلامی بیزاری جمید۔

قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم (إِذَا تَبَتُّمْ مَضْجِعَكُمْ فَتَوَضَّأُوا وَضُوءَكُمْ لِلصَّلَاةِ

ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنِّي أَدْخَلْتُ لِنَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجْهَتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَالْجَنَّاتُ ظَهَرِي إِلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ إِلَّا إِلَيْكَ لَا مَنجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ آمَنْتُ بِمَا بَكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَبَيَّيْتُكَ الَّذِي أُرْسَلْتُ اللَّهُ تَعَالَى عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ فَإِنْ مَتَّ عَلَى الْفِطْرَةِ وَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَقُولُ) (بخاری و سلم) أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود: ہر گاہ بہ بستر خواب آمدی وضوء بگیر مانند وضوئی نماز پس از آن بر پہلوی راست بخواب و بگو خدایا محققاً من تسلیم نمودم خود را بہ تو و متوجہ خستہم ذات خود را بسوی تو و واگذاشتم کار ہایم بہ تو و پناہ میدہم کرم را بہ تو از ترس تو و بہ امید رحمت تو نہ گریز گاہی ہست و نہ پناہ گاہی از تو مگر بسوی تو ایمان آوردم بہ کتابی کہ نازل فرمودی بہ پیغمبری کہ فرستادہ اش فرمودی خدایا مرا نگہدار از عذابت روزیکہ رستاخیز منبذ گانت

فرمانی. این را که گفتی اگر بمیری بر دین اسلام رفته ای.

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْتَبِهُ مِنْ نَوْمِهِ فَيَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْمَ وَالْيَقَظَةَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي سَالِمًا سَوِيًّا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَحْيَى الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » رواه ابن بسني
أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

هر کس که از خواب بیدار شود و بگوید: همه ستایشها برای خدای یکتا است که خواب بیداری آفرید. همه ستایشها برای خدای یکتا است که مرا سالم و تندرست بیدار فرمود. گواهی میدهم بر اینکه نیست مبودی بحق مگر خدای یکتا و گواهی میدهم که خدا بر همه چیز توانا است. چه بسیار افراد که شب سالم بر بستر میروند و صبح ناقص بر می خیزند سگته های که در خواب دست میدهد همه میدانند. این خدا است که آدمی را از ناخوشیها از پیش آمد های ناگوار نغمه میدارد. و این یا خدا است که شفا بخش دلما و آسایش بخش روانما است موقع وضو می فرمود: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي خدایا گناهانم بیا مرتاز در روز دیدار تو شرمسار بنباشم خانه ام را بر من فراخ بگردان که آنچه بخواهم در خانه ام بیایم. در روزیم برکت قرار ده تا خواسته هایم بر آورده شود و روزیم روزی حلال و خوشی و نیک فرجامی باشد.

مردی بخد مت رسول الله آمد و عرض کرد لَانِ شَرَّاعِ الْاِسْلَامِ قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ قَبَابٌ

مِنَ الْخَيْرِ جَمِيعٌ اَتَمَمْتُكَ بِهِ قَالَ لَا يَزَالُ لِسَانَكَ رَطْبًا مِمَّنْ ذَكَرَ اللَّهَ (او كما قال (عليه الصلاة والسلام))

احکام اسلام بر من بسیار آمده اند یک باب جامع که انواع خیر همه در ضمن آن حاصل شود مرا به آن راهنمایی فرمایا رسول الله تا به آن متمسک شوم فرمود: همیشه زبانت بیا و خدا تر باشد. اگر همیشه زبانت بیا و خدا مشغول باشد همه انواع خیر برایت جمع شده است مشغول داشتن زبان بیا و خدا خود مایه نیک بختی دنیا و آخرت است زبانی که بیا و خدا راسته شد

دل بهمه آن بخیر اندیشی آراسته شود اندیشه براه خیر رود هم کیشان بخاطر آیند و همستی و نهدستی
فراهم آید.

خُدا یا اتنا امید ما رحمت بیکران تو است رجای ما مغفرت و آمرزش تو از کوچکی بر
ایمان تو بزرگ شده ایم آغاز نمونه فرجام قران داده ای.

خُدا یا عاقبت مرا بخیر گردان دنیا بجز مشغلت و نگرانی ساری دیگر ندارد و زندگی بغیر
از تلاشها و کوششها وظیفه ای دیگر ندارد اگر در دنیا کسانی هستند که یاد تو را از دست داده و به
دنیا می زود گذر غرق باشند ما را بس یاد خود شاد بدار و به ایمان بخود معتزب از دجس عاقبت
نوشش خود گردان و بخیر و خوشی دنیا و آخرت برسان.

بجز درد گارا اولی الامر ما را به عنایتت مدد کن تا راهنمایان خیر و سعادت گردند و دران
بزرگان ما را هدایت فرما تا راه رضای تو جویند و به خرد و بزرگ ما توفیق طاعتت عنایت کن تا
همه راه تو گیرند.

بارِ الهامردگان ما را به مغفرتت شاد گردان و زندگان ما را به نگرانی و تاسدیت
از شر دور و دوران حفظ گردان و همیشه نگرانی شامل حال ما بساز.

رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ مَا يَلْبِغُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۱۴- مسلمانان همه با هم برادرند- باید مثل

جان شیرین همدیگر را دوست بدازند-

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ الحجرات- ۱۰

(مسلمانان برادران همدیگرند)

برادری حقوق و واجباتی دارو- مددگاری فروماندگان، راهنمایی گم گشتگان- سعی برای کاریابی بیکاران، تلاش برای هم بستگی از هم گسختگان، عیادت بیماران- یاری ستم دیدگان، تربیت و بستگان، رعایت زیردستان، احترام بزرگتران، فرمانبری پدر و مادران — اینها و غیر اینها حقوق و واجباتی است که خدای متعال برای ثبوت برادری و اخوت در میان مسلمانان قرار داد-

وَعَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ قَالَ أَمْرًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَلِهِ وَسَلَّمَ: (بِعِيَادَةِ الْمَرِيضِ وَاتِّبَاعِ الْجَنَازَةِ وَتَشْمِيتِ الْعَاطِسِ وَابْتِرَارِ
الْقِسْمِ وَنَصْرِ الْمَظْلُومِ وَاجَابَةِ الدَّاعِي وَإِفْشَاءِ السَّلَامِ) أَوْ بِمَا قَالَ (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم فرمود: تا به عیادت بیماران برویم، بیمار
مسلمان بعیادتش رفتن لازم هر مسلمان است در اینجا در خصوص بیمار نفرمود که بعیادت

بیمارانی بروید که از خویشان تان باشند بکمه امر فرمود به عیادت بیمار مسلمان خواه خویش باشد یا نباشد آشنا باشد یا نباشد.

در زندگی حالاتی پیش می آید که شخصی تشنه تفقّد و ابراز محبت میگردد. بیماری حالتی است که بیمار را ضعیف و ناتوان می سازد و درین حالت احتیاج بیمار بدیدار مسلمانان و به کومک و عنون آنان و به همدردی و محبت شان می افزاید. بیمار موقعیکه ملزم به اقامت در یک محل و دوری از اهل و بستگان و جدائی از کار و پیشه خود میگردد در وجود خود بیشتر احتیاج به محبت برادران مسلمان احساس می کند.

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبه وسلم دستور داد تا مسلمان از عیادت بیمار شکر و سپاس تندرستی خود بجا آورند و از همدردی بیمار محبت بیمار و دعای خیر او را غنیمت شمارند. عیادت بیمار برای همدردی است و برای مددگاری است. دل دادن به بیمار بدست آوردن میوه یا چیزی که مایه شفا و بهبودی بیمار باشد کومک مالی او اینها همه وظائف اجتماعی مسلمانان نسبت به برادر مسلمان است.

اسلام دعای بیمار را مانند دعای ملائیکه قرار داد تا مردم از عیادت بیمار روح او را تقویت بخشند و از او طلب دعای خیر کنند امیدوار را بخدای متعال قوی تر سازند.

بیماری هم در بسیاری اوقات مایه بهبود بیماری از امراض دیگر است و مایه بهبود احوال شخص در آینده است. اگر چه هیچ مناسبت ندارد که موقع شرح فرمایشات تنبیه اکرم گفته دیگری به مورد استشهاد آورده شود بخصوص اگر گوینده آن غیر مسلمان باشد اما موقعیکه کلمه ای از روی حکمت باشد حکمت گشوده هر مسلمان است و از زبان هر کسی که بشنود

خوب است.

قسمتی از دانشمندان مغرب معتقدند که بسیار سیاق و نقص عضوی که برای اشخاص پیش میآید اکثر برای ازدیاد بیداری آنها و افزایش روزی آنهاست چه بسیار افراد که اگر بیدار میشوند حال خود را قبل از نقص عضوی و بعد از آن در نظر بگیرند بهر دو وضع خود پی می برند دیدنی بیمار حکمتی دیگر هم دارد و آن شکر نعمت تندرستی بدول است و پرنیز از آدمی را بسیار می سازد و دانستن اینکه تندرستی هم عاریت است و موفقی این عاریت تندرستی باقی میماند که از آن قدر دانی شود.

اتباع جنازه و شرکت در هم‌راهی جنازه از ساعت بیرون آوردن آن و نماز خواندن بر آن که اصل مقصود از تشیع جنازه همان شرکت در نماز بر او است و دعای خیر برای میت و شرکت در هم‌راهی جنازه تا دفن برای درس عبرتی است که زندگان همیشه خاطرۀ مرگ را فراموش نکنند که تنها مرگ وسیله قطع آنها از نادرستیها باشد مرگ در حقیقت بزرگ‌ترین درسی است که در دنیا در اختیار بشر قرار دارد و فرموده رسول الله:

« مَا رَأَيْتُ مَنْظَرًا إِلَّا وَالْمَوْتُ أَقْضَعُ مِنْهُ » أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

ندیدم منظره‌ای را هر قدر هم تلخ و ناگوار باشد باز هم منظرۀ مرگ از آن هولناک‌تر است دیدن صحنه‌های کارزار حضور نژاد و افراد مختصر لحظاتی که افراد در جان‌کندن ناتوانی و بیچارگی خود را ابراز می‌کنند همه دلیل بر این است که سختیهای آن طاقت فرسا است و بخصوص اگر بعد از مرگ بدتر از مرگ باشد.

تشییع جنازه ساده‌ترین نوع هم بستگی بین اقوام و ملتهاست که هرگاه در تشییع جنازه تفاوتی میان غنی و فقیر گذارده نشود دلیل بر قوت هم بستگی است و هرگاه تفاوت گذاشته شود

نشانه ای بارز بر ضعف هم بستگی است.

اسلام نماز جماعت را نمونه اجتماع سالم قرار داد که همه با هم بسوی خدای متعال روی آورند و خیر و خوشی همدگر را از خدا بخواهند و در موقع ناخوشی برادران فراموش نکنند و از عیادت بیمار و تشیع جنازه علاقه و ارتباط خود را حفظ کنند.

هنگامیکه یکی از مسلمان عطسه کرد و حمد خدا بجا آورد دعای خیر او وظیفه افرادی دانست که نزد او هستند عطسه گاه است که نشانه بیماری است و زکام و سرما خوردگی را می‌رساند و گاه است که مشخص بیماری دیگری است و گاه است که وسیله ای برای سلامت مغز بشمار میرود.

مسلمان به برادر خود که عطسه کرد میگوید *يَزْحَمَكَ اللهُ* خدا تو را مورد مهر و رحمتش قرار دهد مسلمان که در برابر عطسه ای که احتمالاً اثر بیماری را نشان میدهد وظیفه دارد ، دعای خیر کند و از خدای توانا رحمتش را برای برادر مسلمان خود بخواهد.

چنین دینی کجا ممکن است رضایت دهد که مسلمانی تجاوز به مسلمان دیگر کند یا از همراهی و مدد او دست بکشد مدتی است که اثر دین در دلها ضعیف شده و رابطه هم بستگی ناتوان گردیده است اگر دین اسلام بدرستی فهم می شد هیچ مسلمانی در زندگی روی نازحتی را نمیدید. دین اسلام به مسلمانان دستور میدهد که همیشه طالب سعادت یکدیگر باشند. اگر یکی از ایشان بر کاری مشروع قسم خورد قسم او شکانده نشود و در برابر قسم و حفظ قسم برادر مسلمان دو امر شاهد است یکم تعظیم خدا عزوجل که قسم بنام او بزرگداشت شود. دوم گرامی داشتن مسلمان و حفظ شخصیت او از اینکه قسم او شکسته شود دینی که دستور میدهد اگر یکی از افرادش عطسه نمود دعای خیر بد قره اش شود اگر قسم یاد کرد قسم او شکانده نشود

دریاری کردن بمظلوم منتهای تکرار و تاکید فرمود زیرا وجود افراد مظلوم نشانه تجاوز علی است و تجاوز علی نشانه حوادث نامطلوب است پیسیر ابرار قسم افشار اسلام قرار داد که هر مسلمان نسبت به مسلمان دیگر پیش سلام باشد سلام را انتشار دهند شعارشان سلام و ایمنی باشد اینکه پایان نماز سلام است و اینکه خوشامد مسلمانان به سلام است همه رزمین است که این دین مبین برای مسلمان جز سلامت و ایمنی در دنیا و آخرت چیز دیگری نخواهد امام سلام نماز میگوید یا موم سلام نماز میگوید وارد سلام می گوید و صادر هم سلام میگوید مسلمان وظیفه اش نسبت به مسلمان در جستن سلامت او است - خواهش سعادت او است - امید ایمنی و کومک به رفاه و خوشی او است در حدیث یا لا اشاء سلام پایان حقوق قرار داد همانگونه که نتیجه در هر کار در پایان کار است بکسیکه سلامت مسلمان را نخواهد کسیکه نسبت به مسلمان ظلم روا دارد کسیکه بر شتم برادر مسلمانش احترام نگذارد - کسیکه بیمار مسلمان را دعای نکند و عیادت ننهد کسیکه مسلمان ستم دیده را یاری نکنند اینها و مانندشان کافی هستند که اسلام را نشناخته اند دین اسلام دستور نکو کاری و نیک بختی است خوبی را هر قدر هم آسان باشد بزرگ می شمارد -

وعن ابی ذر رضی الله عنه قال قال رسول الله صل الله علیه وسلم (لا تحقرن من المعروف

شیئا ولو ان تلقى اذاک بوجه طلیق) او كما قال . هیچیک از خوبیهارا خوار مشمارد اگر دیدار کردنت برادرت را یا روی گشاده باشد همین گشاده رویی در برابر مسلمان ساده ترین دستورهای دین مبین اسلام است -

وقتی که گشاده رویی حاصل شد باید گشاده دستی با آن تا حد مقدور همراه باشد زیرا هیچ همانند - بخل منافات با دین ندارد خدائی متعال هر نوع احسان به استمدان را احسان بخود شمرد -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: (إن الله عز وجل يقول يوم القيامة يا ابن آدم مرضت فلم يقصدني قال يا رب كيف أعودك وأنت رب العالمين قال أما علمت أن عبدی فلانا مرض فلم يقصد أما علمت أنك لو عدت له لوجدتني عنده يا ابن آدم استطعمتك فلم تطعمني قال يا رب كيف أطعمك وأنت رب العالمين قال أما علمت أن عبدی فلانا استطعمك فلم تطعمه أما علمت أنك لو أطعمته لوجدت ذلك عندي يا ابن آدم استسقيتك فلم تسقني قال يا رب كيف أسقيك وأنت رب العالمين - قال استسقاك عبدی فلان فلم تسقه أما علمت أنك لو سقيته لوجدت ذلك عندي) أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود:

خدای عزوجل روز قیامت میفرماید ای آدمیزاده بیمار شد مرا عیادت نمودی گوید ای پروردگارم چگونه تو را عیادت کنم و تو پروردگار جهانیانی پروردگار فرماید مگر ندانستی که بنده ام فلان بیمار شد و او را عیادت نکردی آیا ندانستی که اگر او را عیادت میکردی مرا نزد اومی یافتی ای آدمیزاده خوراک از تو خواستم و خود داری نمودی گوید چگونه تو را خوراک دهم تو پروردگار جهانیانی پروردگار فرماید آیا ندانستی بنده من فلان از تو خوراک خواست و خوراک به وی نرساندی آیا ندانستی که اگر او را طعام نمودی مرا نزد اومی یافتی ای آدمیزاده از تو آب خواستم و خود داری نمودی گوید پروردگار من چگونه آب بتو دهم در حالیکه تو پروردگار جهانیانی فرماید که بنده من فلان از تو آب خواست و آب به او نداری آیا ندانستی که اگر آب به او میدادی مرا نزد اومی یافتی؟

در این حدیث صحیح پروردگار متعال هر نوع احسان به مستحقین را احسان به خود دانست - خدای متعال بی نیاز از همه کس و همه چیز است آنچه از طرق خیریه بادستور

داد برای سعادت و نیک بختی ما است خوشنودی خدا در خوشنودی بندگان او است.
 آنانیکه رضای خدای می جویند رضای خدا را در رضای بندگان او بجویند بزرگ و کوچک و
 توانا و ناتوان و توانگر و بینوا همه برای نظام امور بندگان است تا وقتی که زیر دستان راست
 میدهد به مهر و احسان زیر دستمان جبران گردد. و غرور زیر دستمان به نیازشان به زیر دستان
 رفع گردد نیاز برای بشر مانند سایه ملازم او است و نیاز برای بشری مایه پیشرفت بشر
 است. اما سعادت منت کسی است که در همه کار روی دلش بسوی خدا باشد و در
 نیازها و تشیبهها و فزایها چیز خدا را بنحاطر نگیرد و همیشه بندگان خدا را مددگار باشد تا مدد و
 معونت خدا تعالی را سزاوار باشد.

سپاس تندرستی در عیادت بیماران و فراهم ساختن بهبود آنان و کمک
 برای شفای کسانی که در سرپرستی شان عده از اطفال و بستگان و سعادت اجتماع در
 خوشی و سرفرازی افراد آنان است.

فرموده سرور کائنات: عودوا للمریض و اطعموا الجائع و فکوا العانی (رواه البخاری)
 بیماران را عیادت کنید گرسنگان را اطعام کنید بندگان را بدهکاران را آزاد سازید.
 و پایان این وعظ: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم:

(من قال لا اله الا الله والله أكبر صدقة ربه فقال لا اله الا أنا وانا أكبر
 و إذا قال لا اله الا الله وحده لا شریک له قال یقول لا اله الا أنا وحدى لا شریک لی
 ط إذا قال لا اله الا الله له الملك وله الحمد قال لا اله الا انالی الحمد لی
 الملك و إذا قال لا اله الا الله ولا حول ولا قوة الا بالله قال لا اله الا أنا ولا حول ولا
 قوة الا لی وکان یقول: من قالها فی مرضه ثم مات لم تطعمه النار) (أبو حمزة قال
 (علیه الصلاة والسلام))

قال حدیث من) کسیکه در بیماریش گوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ پروردگار فرماید
 راست گفت نیست معبودی بحق مگر من و من بزرگترم از آنچه بنحاطر بندگاتم آید. و موقعیکه
 گفت لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - پروردگار فرماید نیست معبودی بحق مگر من که تنها
 هستم و شرکی برای من نیست -

و موقعیکه گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ؛ پروردگار فرماید:
 نیست معبودی بحق مگر من ستایشها همیشه برای من است و استیها همه ملک من -
 و موقعیکه گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ پروردگار فرماید:
 نیست معبودی بحق مگر من و نیست چاره ای برای دوری از گناه مگر به کواکب من و نسبت
 توانائی بر پایداری بر طاعت مگر به کواکب من -

کسیکه این کلمات را در بیماریش گفت و در گذشت آتش به وی نرسد - اکنون که
 ماه مبارک رمضان است و ماه کارهای خیر و برکت است هر لحظه از آن غنیمت شمارید عیادت
 بیماران اطعام گرسنگان افطار دادن به روزه داران صلوات بر رسیدن به همسایگان
 از خاطر مبرید - و در وقت توانائی خود ناتوانان را دریا بید - تندرستی و توانائی و ایمنی و فراغت
 نعمتهائی هستند که شکر فرادان بر آنها لازم است از شکر و سپاس خدا غفلت موزید -

خُذْ كُنَا فِي رَيْنِ شَبَّهَائِي بِرَبْرَكْتِ تَوْفِيقِ طَاعَتِ بَمَارِزَانِي دَارِ رَاسْتِي وَ دَرِ تَكَارِي بِ
 مَاهِرَاهِ سَازِ زَبَانِي سَپَا سَگْزَارِ وَ دَلِي بِي دَارِ وَ دَسْتِي بِخَشَائِشِ شُكْرِ وَ عَمَلِي مَقْبُولِ عَنَانِيْتِ فَرْمَا - بِمَا وَ
 بِسْتِگَانِ مَانِ مَعُونَتِي فَرْمَا كِهْ هَمَّ بَاهِمِ سَعَادَتْمَنْدِ وَ كَامِيَابِ بَاشِيمِ دُو چيزِ شَائِسْتِهْ اَيْمَانِ آوَرَانِ بِ
 تَوْبِيْتِ - مَا رَا زِ بَخْلِ وَ تَرَسُوْنِي وَ دَرِ دَارِ وَ نُوْرِ اَيْمَانِ بِطُوْرِي وَ لَمَائِي مَا پَرِ تَوَا فَلَغْنِي گِرْدَانِ كِهْ اَحْقَاقِ حَقِّ
 وَ اِرْجَاعِ مَجْدِ گَزِشْتِهْ رَا تَوَانَا گِرْدِيمِ -

بِرُودِ كَارِ عَفْوٍ وَرَحْمَتٍ شَامِلٍ حَالِ مَا كَرَدَانِ وَ اَوَّلِي الْأَمْرِ وَ سِرِّدَرَانِ مَا رَا تَوْفِيقِ أَحْيَاءِ
سُنَّتِ مَصْطَفَى عَطَا فَرَمَا -

بِمَارِ الدَّانِمُرْدِ كَانِ مَا رَا آمُرْ شِئِ عَطَا كُنْ كَرُغْنِ هَانِ شَانِ رَا عَجُو كَرْدَانِ دَوْبِهْ زَنْدِ كَانِ مَا دَوِي
فَرَمَا كِهْ مَرُورِ رَحْمَتِ رَا شَائِسْتِهْ كَرْدَنْدُوبِهْ خَرْدُ وَ بَرْكِ مَا بَخْشَائِشِشِ وَ كَرْمَايَتِ اِرْزَانِي دَارِهْ -
اِيْحَى تَوَانَايِ بِي نِيَا ز نِيَا ز هِي مَا رَا بَرِ آوْرُوهْ سَا ز زَنْدِ كِي مَا رَا بِهْ سَعَادَتِ هَمْرَاهِ سَا زُ
بِهِنْ عَاقِبَتِ هَمْرَاهِ كَرْدَانِ وَ لَفْزَتِ وَيَا رِيْتِ هَمِيْشِهْ بَا هَمْرَاهِ دَارِهْ -

رَبَّنَا اِنْتَا فِي السُّنَنِ نَبَا حَسَنَةً وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةٌ وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ صَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ الصَّالِحِيْنَ - سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلٰى الْمُرْسَلِيْنَ
وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ه

۱۵- نماز با جماعت نشان ایمانداری است

نماز روح دینداری است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

﴿ اَلَمْ - ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِیْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِیْنَ
الَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیْمُونَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ
یُنْفِقُونَ . وَالَّذِیْنَ یُؤْمِنُونَ بِمَا اُنزِلَ اِلَیْكَ وَمَا اُنزِلَ
مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ - اُولٰٓئِكَ عَلٰی
هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾ البقرة - ۱-۵

بنام خدای یکتای بخشایشگر بسیار مهربان - خدا دانا است به مقاصدی که برای پیشرفت و نیک نختی دو جهان جهانیان در این کتاب آسمانی نهفته است - در این کتاب نشانه های ایمان علامت نفاق علامات کفر همه روشن شده است - در این چهار آیه صفات مومنان را برشمرد . و در این چهار آیه از اول سوره البقرة خصوصت‌های که در وجود مومنان نهفته است یاد فرمود و در سه آیه بعد آن علامت کفار را مشخص نمود و از آیه هشتم به بعد در آیه های بسیاری علامات نفاق و صفات منافقین را

یاد کرد تا هر فردی برای سعادت خود بکوشد و عقیده قلبی و اعمال خود را در مرتبه ای قرار دهد که او را در شمار مؤمنان پرهیزگار محسوب گرداند و آنچه مایه کفر یا پایه نفاق باشد ترک گوید فرمود:

آن است کتاب اگر کتابی است همین است که قرآن نام دارد کتاب آسمانی همانا قرآن است هیچگونه مشکلی در آسمانی بودن آن نیست.

و یک هزار و چهارصد سال از نزول آن میگذرد. هنوز کسی نتوانسته است که بر آن اعتراض بیابد. خورشید با همه روشنایش غروبی دارد. اما قرآن کتابی است که روشنائیش قطع نمی گردد. در هر مکان و در هر زمان شایسته رهبری است. پیروان خود را در دو جهان رستگار میگرداند قرآن کتاب راهنمایی و هدایت است برای پرهیزگاران پرهیزگاران کسانی هستند که به امور عیبی ایمان آورند و نماز را برپا دارند و از آنچه که خدا روزی شان فرموده است انفاق کنند و به قرآن که بر تو یا رسول الله نازل شد و به کتاب های آسمانی پیش از تو ایمان آورند. و به آخرت یقین کنند آنانند که بر راه راستند و آنانند که رستگارند ایمان به غیب اقامه و برپاداشتن نماز انفاق از آنچه روزی شده است ایمان به قرآن و کتاب های آسمانی پیش از آن یقینی داشتن به آخرت -

پنج صفت باز پرهیزگاران است که بر راه راستند و در خور رستگاری.

- ۱- ایمان به غیب عقیده به آنچه که خدا از آن خبر داد.
- ۲- عقیده به تقدیر و سر نوشت زیرا آدمی را از تقدیر و سر نوشت خود

اطلاعی نیست -

۳ ایمان به حالتی که پس از مرگ بوجود آیند.

۴ - ایمان به روز شمار -

۵ - یقین به عالم این ماهمه امور غیبی هستند که جز از طریق کتبه‌های آسمانی و قوف بر آن‌ها مقدور نیست .

در بین صفات پنجگانه‌ای که برای مؤمنان پرهیزگار یاد شد - دو صفت همیشه لازم هم‌گیرند - اقامه و برپاداشتن نماز و انفاق و مصرف در راه خیر و اگر بررسی شود، همیشه شرکت در کارهای خیر نصیب مردمی است که از برپاداشتن نماز بهره‌مند برپاداشتن نماز در خواندن آن با جماعت است .

نمازی که به تنه خوانده می‌شود کمتر روی می‌دهد که در نماز فرض به تنهائی آن دل حاضر وجود داشته باشد و هر فردی می‌تواند تفاوت نماز با جماعت و نماز به تنهائی را بیابد در نماز به تنهائی برای بیشتر افراد تشویش و وسوس دست می‌دهد - تا بجائی که حتی در شمار رکعت‌های خوانده شده به شک و تردید می‌افتد این است که هر مسلمان علاقمند به نماز از نماز با جماعت روی نیگرداند تفاوت فضیلتی که در میان نماز با جماعت و نماز با تنهائی است بسیار است -

حضور قلب

ایمنی از تشویش

استفاده از دعای صاحبان بوقت نماز خواندن .

دوری از وسوس

کامل کردن نماز و دوری از زیاد و کم آن از جمله مطالبی است که نایب امتیاز نماز

با جماعت است -

« قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلّم: صلوة الجماعة تفضل صلاة
 الفرد بسبع وعشرين درجة » رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلّم فرمود:
 نماز جماعت برتر است از نماز به تنهایی و بهت درجه .

« وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ « وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ هَمَمْتُ
 أَنْ أَمُرَّ بِحَطْبٍ فَيَحْطِبَ - ثُمَّ أَمُرَّ رَجُلًا فَيُؤَدِّنَ لَهَا - ثُمَّ أَمُرَّ رَجُلًا
 فَيُؤَمَّ النَّاسَ ثُمَّ أَخَالَفَ إِلَى رَجَالٍ (وفي رواية) لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ
 فَاحْرَقْ عَلَيْهِمُ بَيْوتَهُمْ » - أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله فرمود: قسم به آن خدائی که روح من در دست او است قصد
 نموده ام دستور دهم تا اینرم جمع کرده شود و بفرمایم مردی را که اذان بگوید و دستور دهم مردی
 را که امام شود بر مردم و خود بر مردم بسوی مردمیکه نماز یا جماعت حاضر نمی شوند و خانه های
 شان برایشان آتش زخم شخصی که پی به مهر و رافت رسول الله برده باشد میداند که
 موضوع نماز جماعت چه قدر اهمیت دارد که ایشان با آنمه مهر حاضر شده اند تا رک نماز
 با جماعت را با خانه اش بسوزانند - برای نماز با جماعت حتی کورانی که عصا کشش
 داشتند هم معذور در ترک آن ندانست .

وعن عبد الله بن أم مكتوم أنه قال يا رسول الله إن المدينة كثيرة
 الهوام والسباع وأنا ضير البصر فهل تجدني من رخصة قال هل
 تسمع حتى على الصلاة حتى على الفلاح؟ قال نعم قال فحيتعلا
 أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

عبد الله بن أم مكتوم عرض کرد یا رسول الله من مردی نابینا هستم و مدینه شهری است
 پر از دزدگان و خزندگان - همیشه عصا کشم با من نیست - آیا برای من رخصتی هست که
 بر نماز جماعت نیایم فرمود آیا اذان را میشنوی گفت آری فرمود پس رخصتی برای تو نمی

یا بجم باید بسوی نماز جماعت بشتابی -

و قتیکه شخص نابینا باند اشتن عصا کش و با وجود درندگان و خرنندگان عذری برای نیامدن به نماز جماعت ندارد افراد سالم و بینا و آنهم در شهری که نه درنده هست و نه خرنده از نیامدن به نماز جماعت چه عذری دارند در عهد رسول اللہ حتی بپاران از آمدن به نماز با جماعت خود واری نداشتند -

قال عبد اللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ: «لقد رأیتنا وما يتخلف عن الصلاة

إلا منافق قد علم نفاقه أو مريض ان كان المريض ليمشي بين رجلين حتى يأتي الصلاة (وقال) ان رسول الله صلى الله عليه وسلم علمنا سنن الهدى الصلاة في المسجد الذي يؤذن فيه وفي رواية من سره ان يلقي الله غدا مسلما فليحافظ على هذه الصلوة الخمس حيث ينادى بهن فان الله شرع لنبیکم سنن الهدى وانهم من سنن الهدى ولوا نكم صلیتکم فی بیوتکم كما یصلی هذا المتخلف لتركتم سنة نبیکم ولو ترکتم سنة نبیکم لضللتکم وما من رجل يتطهر فيحسن الطهور ثم یعمد إلى مسجد من هذه المساجد إلا کتب الله له بكل خطوة یخطوها حسنة ورفعه به ادرجة وخط عنه بها سیئة ولقد رأیتنا وما يتخلف عنها الا منافق معلوم النفاق ولقد کان الرجل یؤتی به یهادی بین الرجلین حتی یقام فی الصف» (أو كما قال) (علیه الصلاة والسلام)

عبد اللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ گفت بخاطر دارم وحی بنیم که ما اصحاب محمد پیچیک از ما نماز با جماعت تخلف نمی کرد مسلمانان همه برای نماز جماعت حاضر می شدند نماز جماعت پشت بنید او مگر منافقی که نفاق او آشکار بود یا بیماری که بیماری شدید داشت در حقیقت بیماری که میان دو کس راه میرفت به مسجد می آمد کسیکه دوست بدارد که فردا خدا را دیدار کند در حالیکه در مسلمانان خود کامل است بر این نمازهای فرض بچگان

مواظبت نماید در جائیکه اذان برای آن گفته می شود زیر پیغمبر است که خدا راه راست را
 برای او مشروع ساخت و نمازهای فرض پنجگانه در مساجد خواندن از همان راه راستی است که
 خدا قرار داد و اگر شما مانند این متخلف نمازها را در خانه های تان بخوانید سنت پیغمبر تان را ترک
 کرده اید و اگر شما سنت پیغمبر تان را ترک کنید به گمراهی خواهید افتاد و هر مردی و ضوور
 خانه بگیرد و وضوی خود را نیکو سازد و قصد یکی از مساجد نماید و هیچ چیز را که خدا می تعالی در برابر
 هر گامی که بر میدارد حسنه ای برای او نویسد و در جهای برای او بالا برد و گناهی از وی بیندازد
 در روزگار ما از نماز جماعت باز می ماند مگر منافقی که منافق بودنش بر همه آشکار بود.
 بیمار اینکه دو نفر بغل آنها گرفت بودند پاکشان میان دو مرد به سجده آمدند آرزو
 بیمار آن در حالیکه دو نفر بغل شان می گرفتند پاکشان مسجد می آمدند امر و زجر انانی که تندرست و
 نیرومندند چه عذری در تخلف از نماز جماعت دارند جز اینکه راه گمراهی را بر خود باز کنند سنتی
 که تا امروز برقرار مانده است. همین نماز جماعت در مساجد است و این تنها سنتی است که
 بحال خود در اصل خود باقی مانده است در نماز احساس نظم و ترتیب و وقت شناسی و پایه
 مساوات و برابری و برادری و ریشه هم بستگی و همدستی و اساس دعای خیر برای یکدیگر و
 شالوده فرمانبری پیشوا پی ریزی شده است تا در نماز غنی و فقیر و شریف و حقیر بدون هیچگونه
 احساس ناراحتی پهلوی همدگر ایستند و عظمت دینی که تمام فوارق بنی اساس را از زمین برده
 است مشاهده کنند راستی صف نماز گزاران از سنن موکده است.

عن النعمان بن بشیر رضی الله عنه (قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم یسوی صفوفنا

کأنما یسوی بهما الصداح حتی رأی أن اقد عقلنا عنه ثم خرج یمافقاه حتی کاد أن ینکب فرأی رجلاً بادیاً

صد من الصف فقال عباد الله لتسوی صفوفکم أو لیخالفن الله بین وجهکم) أو كما قال
 (علیه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم صفهای ما را چنان راست می کرد که گویی
 چوبهای تیر را راست میکرد تا اینکه دید ما فهم کرده ایم دستور ایشان را و صفهای خود را راست
 می نمایم روزی تشریف آورد و در جای خود برای نماز ایستاد و نزدیک بود تکبیر نماز بستان
 بگوید دیدم روی را که سینه اش از صف بیرون است فرمود ای بندگان خدا صفهای خود را راست
 می کنید یا اینکه می خواهید از ناراستی صفهای نماز اختلاف روی شما بوجود آید در نماز با
 جماعت پیروی امام ضرورت دارد.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم (أما يخشى الّذي يرفع رأسه قبل
 الامام أن يحول الله رأسه رأس حمار) . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

آیاتر کسیکه سر را پیش از امام بالا می آورد از اینکه خدا تعالی سر او را به سر
 الاغ بگرداند. کسیکه پیش از امام سر خود را در رکوع و سجود بالا آورد در عدم تأدب و نغمی
 خود را همانند الاغ گردانیده است. در نماز باید رعایت پیروی امام منظور گردد انتقالات
 ماموم بعد از انتقالات امام باشد.

عن البراء بن عازب رضي الله عنه قال كتناضلي خلف النبي صلى الله عليه و
 اله وصحبه وسلم فاذا قال سمع الله لمن حمده لم يحن منا أحد ظهرو حتى يضع النبي صلى
 الله عليه وسلم جبهته على الأرض . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

برابر بن عازب رضي الله عنه گوید نماز می خواندیم پشت سر پیغمبر صلی الله علیه وسلم موعیکه
 از اعتدال گفتن سمع الله لمن حمده ربنالک الحمد فارغ می شد و به سجود میرفت هیچکس
 از ما مامومان مگر خود را برای بزیر آمدن بسوی سجده خم نمی نمود تا اینکه پیغمبر پیشانی اش را بر زمین
 نهاد ماموم باید موقتی بطرف رکوع رود که امام کاملاً به رکوع رسیده باشد و موقتی از رکوع بالا آید

امام کاٹا بہ اعتدال رسیدہ باشد وقتی بسوی سجود رود کہ امام کاٹا بسجود رسیدہ باشد امام باید ہر دعای کہ در نماز می کند برای خودش و جماعت باشد۔

قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم لا یؤمن رجلٌ قومًا فیخص نفسه

بالدعاء فان فعل ذلك فقد خانهم (او کیا قال (علیہ الصلاۃ والسلام)

وروی الامام مالک والوداؤد والنسائی لحنوہ۔ نباید کسی امام شود بر مردمی و آنگاہ دعا برای خودش بخصوص نماید۔ اگر چنین کند بہ آن مردمی کہ اورا امام کردہ اند خیانت کردہ است در این ماہ مبارک کوشش کنید کہ در نمازہای فرض خود بوقت و با جماعت بخوانید۔ و از نماز با جماعت ایمان خود را تقویت کنید و از مواظبت و مداومت بر نمازہای با جماعت حسن خاتمہ و رضا و خوشنودی خدا را بدست آورید کہ بفرمودہ رسول اللہ من دأب علیہن عاش بحیر و مات بخیر کسیکہ بر نمازہای با جماعت مواظبت کند زندگی بخوشی نماید و مرگ را بخوشی بگذراند و فرجام نیک بیاید۔

خُذْ اِيَّا بَاتِلْفِيقِي عَطَا كُنْ كَرَاهِيَّةِ جَانٍ و آرام دل مان در نماز بیابیم۔

بگردد کارا دلہای مارا متوجہ در گاہت گردان تا و ساوس شیطان را راہی

بر دلہای ما نباشد۔

افزید کارا روی دلہای مارا معطوف مناجات و راز و نیاز با خودت قرار دہ

تا نماز ما نازشایستہ قبول و گردد۔

بَارِ الْبِئْسَا از ما جز اظهار عجز و انابہ چہ کاری میتسر گردد و بجز استمداد از عنایت

چہ راہی وجود دار و توانائی و کامیابی ما منوط بہ یاری و ہمراہی تو است ما را بہ یاریت مددگاری کن و بہ قبول در در گاہت سرفراز گردان۔

اِحی ایزد تو انا اولی الامر مارا انابتی عطا فرما کہ روی دل شان بسوی درگاہ تو باشد و
بہ آمان عنایتی مبذول دار کہ دین مبین اسلام را احیاء کنند و بہ سروران و بزرگان مادی
مبذول دار تا مشق خیر اندیشی و نیکو کاری و ایمان داری باشند۔

خُدایا در این ماہ مبارک عزت اسلام را محقق گردان و دشمنان اسلام را مقهور
منکوب ساز مروگان مارا بہ مغفرت شاد کن و زندگان مارا بہ توفیق طاعتت مؤید فرما و خرد و
بزرگ مارا بہ حسن خاتمہ و سعادت دو جهان موفق گردان۔

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَعَلَى اللَّهِ تَعَالَىٰ وَسَلَّمَ عَلَىٰ سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ۔ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ هـ

۱۶- مؤمنان بر حسن پوشی عادت دارند

طلا و ابریشم بزنان و امیگذازند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَحَلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَحْمَةً شَرَابًا طَهُورًا﴾ (الانسان - ۲۱)

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَلِبَاسَهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾ (الحج - ۲۳)

بهشتیان را در بهشت زیورهای است از نقره و آشامیدنیهای گوارا و پاک و پوشاک ابریشمی نام نقره و ابریشم برای نهم ما است و گرنه هیچ قیاسی نیست میان زیور و لباس بهشتیان تا ما. زیورها و لباسهای ابریشمین افرادی را می‌سزود که از نبرد های زندگی آسوده باشند. نه مرگی در پی داشته باشند نه آسفتگی نه مشاغل جانگناه آنان را مشغول داشته باشند نه اندکار پریشان.

اما در دنیا که مردان برای نبرد های زندگی هستند و وظیفه آسوده ساختن بهشتیان وزیر دستان را دارند و دین به آنان دستور میدهد که بجای تجملات بجای فکر اسباب عزت و سعادت خود باشند زیور پوشی و لباس ابریشمی با شهادت مردان مخالف دارد. هم اکنون بچشم میتوان دید که مظهرهای خوشگذران. هر قدر هم از حیث علم و وسائل پیشرفته

باشند باز هم در برابر مردانی که نه خشونت زندگی گرفته اند تا توان میمانند.

وقتی که مردمی تنها بفرهنگ تجملات شدند - خوی اعتزاز به جماعت از میان می‌رود - زیرا همه مردم توانایی فراهم کردن تجملات را ندارند و زیور لم و لباسهای که به زنان شایسته‌تر است آدمی را از فکر اجتماع به دور می‌برد - و امیدارد که تنها فکرش تهیه تجملات و وسائل برای خود باشد و همیشه فاصله طبقاتی بپذیرد - و اجتماعها را برای تحولات بس هبب آماده کند - اجتماعهای که افراد آن همه از خوشپوشی و خوشخوراکی و راحت خود را ضعیف و ناتوان کرده باشند - هنگام شدائد و سختی‌ها از پای در می‌آیند - وقوة مقاومت شان سلب میگردد - و عزت و سرفرازی که سرآمد لذت‌ها و افتخارات است از دست میدهند -

خدای عزوجل هر چه چیزی را حرام فرموده اند - در برابر آن چیزهای بسیاری که می‌تواند بهتر از آن باشد حلال فرموده اند - اگر غیر حرام شده است در مقابل آن انواع شرتهای حلال و گوارا وجود دارد اگر لباس ابریشمی حرام شده است بر مردان در برابر آن انواع لباسهای بهتر از آن حلال گردیده است اگر حلیه‌های زروسیم بر مردان حرام شده است در برابر آن نگینهای گرانها که خیلی بهتر از آن است رو گردیده است - اگر زنا حرام شده است از طریق نکاح بهترین طرق لذت‌ها حلال گردیده است -

حرام شدن هر چیزی هم حکمتها دارد و هم تعبد - لباس ابریشمی و حلیه طلا مردان را هاند زنان آرایش و نرم می‌سازد - شرتهای که می‌تواند مایه کار بیگاران شود - به چیزهای بی‌نفعی که مایه خرافات و اوهام است می‌کشند آن وقت تعبد که بندگی کردن و فرمانبری خداست از آدمی میستاند - جوانانی که خود را هاند زنان بیاریند و وقت بسیاری در انیراه تلف کنند نیروی بزرگی را که می‌توانست منبع عزت و قدرتی برای ملت و همین خود باشد از دست می‌دهند این

است که دین مبین اسلام میجوهد - مردانش مردکار و زندگی باشند - اهل خیر و مردکار یکدیگر باشند.

أَخْرَجَ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ رَحِمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَائِلًا رَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَ حَرِيرًا جَعَلَهُ فِي يَمِينِهِ وَذَهَبًا فِي يَسَارِهِ - ثُمَّ قَالَ (إِنَّ هَذَيْنِ حَرَامٌ عَلَيَّ ذِكُورِ أُمَّتِي).
أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

علی رضی اللہ عنہ فرمود دیدم رسول اللہ را که گرفت ابریشم و آن را در دست راست قرار داد و طلا را گرفت و آن را در دست چپ قرار داد و فرمود این دو حرام اند بر مردان متمدن.

وَرَوَى الْإِمَامُ أَحْمَدُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (مَنْ كَانَ يَوْمًا مِنَ يَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَلْبَسُ حَرِيرًا وَلَا ذَهَبًا) *
أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

کسیکه ایمان به خدا و روز قیامت دارد نباید پوشد ابریشم و نه طلا را.

در وی البخاری و مسلم عن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم انه قال:

(لا تلبسوا الحرير فانّه من لبسه في الدنيا لم يلبسه في الآخرة) أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود می پوشید ابریشم را - زیرا کسیکه پوشد ابریشم را در دنیا آن نخواهد پوشید در آخرت.

عبد اللہ بن الزبیر رضی اللہ عنہما گفت کسیکه ابریشم را پوشید به بهشت نخواهد رفت زیرا خدای متعال فرمود: وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ لِبَاسِ بَشْتِيَانِ اِبْرِيْشِمِ اسْت -

در وی الامام احمد و البخاری و مسلم و ابوداؤد و النسائی وابن ماجه عن عمر رضی

الله عنه اتمایس الحریر فی الدنیا من لا خلاق له فی الآخرة - حقیقت این است که ابریشم را در دنیا کسی می پوشد که بهره و نصیبی در خوشی آخرت نداشته باشد.

وروی التّسائی: إن رجلاً قدم من بخران الى رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه

وسلم وقال (أناك جئتني وفي يدك جَمْرَةٌ مِنْ نَارِ) . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

مردی از بخران بمن بخدمت رسول الله آمد. آن مرد انگشتر طلا پوشیده بود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم از او روگردانید و فرمود نزد من آمده ای در حالیکه انگشتری از آتش در دست تو است .

وروی مسلم أنه صلى الله عليه وسلم رأى خاتماً من ذهب في يد رجل فترعه

وطرحه وقال (يعد أحدكم إلى حجة من نار فيجعلها في يده) . فقيل للرجل بعد ما ذهب

رسول الله صلى الله عليه وسلم خذ خاتمك انتفع به . فقال والله لا أخذه وقد

طرحه رسول الله عليه وسلم . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم انگشتر طلا را در دست مردی دید آن را از دست

او کند و بیرون انداخت و فرمود یکی از شما بعید انگشتری از آتش را بدست خود می کند موقعی که

رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتند بصاحب انگشتر گفته شد انگشترت را بردار و از آن استفاده

کن گفت قسم بخدا که انگشتری را که پیغمبر آن را دور انداخت نخواهم گرفت .

وروی ابوداؤد و نسائی لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الرجل يلبس

لبسة المرأة والمراة تلبس لبسة الرجل .

رسول الله صلی الله علیه وسلم لعنت فرمود مردی را که لباس زنانه بپوشد و زنی

که لباس مردانه بپوشد .

وروی البخاری لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم المختشين من الرجال

والمترجلات من النساء .

رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم به افرادی که خود را همانند زنان نرم میگیرند لعنت فرمود و به زنانی که خود را همانند مردان خشن و درشت خونی گنندند - مردانی که زن شکل باشند مورد لعنت اند و زنانی که همیّت دشکل مردان بخود گیرند مورد لعنت اند - تغیر هر فردی از همیّتی که خدا تعالی او را بر آن قرار داد پیروی از ابلیس رحیم است -

قال الله تعالی: ﴿وَلَا تَهْتَدُوا لِمَنْ يَلْفِئُكُمْ خَلْقَ اللَّهِ﴾ ۱۱۹ - النساء

ابلیس در عداوت خود به آدمیان تابحدی در دشمنی خود فرو رفته است که میگوید بشر را و امیدارم تا خلقت خداوندی را تغییر دهند. اگر مرد باشد بصورت زنان در آیند و اگر زن باشد خود را هم شکل مردان قرار دهد - هر نعمتی وقتی دانسته می شود که از دست برود - عفت و پاکدامنی از بهترین نعمت الهی است که فدای توانا به بندگان کرامت فرمود - آنانی که زنان را بی شرمی و امیدارند روزی بخود می آیند که جز بسر خود زدن نتیجه دیگری نیگیرند - در اسلام علم و دانش برای مردان و زنان است اما علمی که همراه حیا و پاکدامنی باشد اگر عفت و حیا از دست برود جهل بهتر از آن است -

در این دوران فرخنده که سواد و دانش در اختیار عموم قرار گرفته است جادارد که دانش و دین توأم باشد - علم و عفت همراه باشد و همه افراد پای بند شرافت و سرافرازی خود باشند - همه فحاشی که روی میدهد همه مولود ناپاکدامنی است که از هم شکلی مردان و زنان سر چشتمه میگیرید در روزگاری که علم اساس پیشرفت است - و دانش میزان شخصیتها است - جادارد که جوانانی که سلسله ای از طلابه گردن آویخته اند و سر بار پدران بیچاره خود هستند بخود آیند و بجای سلسله که نمونه ای از زنجیر اسارت شهوات است بجای آن سرافرازی و بینداری و درستکاری قرار دهند آنانی که همانند زنان انگشتر طلا بدست می کنند بخود آیند و بجای انگشتر طلا که حرام است ،

افتخاری از علم سودمند و خدمت با اجتماع بدست آورند. چرا که طلاق حرام است باید پوشیده شود. در پوشیدن آن کدام نفع است؟

حلیه و زیوریه و ابریشم برای زنان از این جهت است که مهر و محبت زناشویی در وجودشان مستحکم شود. و باین حال باز هم هدف و مقصود دیگری است و آن ایجاد وسیله ای است که محرک برای ازدیاد نسل باشد. در مردان کدام یک از این اسباب است؟ هنگامیکه مردان در نزدی همانند زناشوند دفاع از حوزه به عمد چسبی گذاشته شود؟ هنگام گذاشتن مردان، زیور پوشیدن مردان، نرم پوشی برای مردان برخلاف شہامت و شجاعتی است که باید در وجود مردان باشد. حنا بر مردان حرام است وقتی که بدون عذر باشد نظرف بهر نوع که باشد از زروسیم حرام است. در نظرف پاک و نظافت ضرورت دارد. بلور و صینی و لعابی هم پاک تر و هم ارزان تر است. میل که سرمه با آن به چشم می شود اگر از نقره باشد حرام است. لباسی که رنگ زعفران و یا خسک به آن داده شود رو انیست لباسی که از پاپائینی تر باشد حرام است زیرا با کشیدن لباس به زمین وسیله برای جمع کثافت میگردد. از بین زیوریه یک انگشتر نقره برای مرد روا است و حقیقت این هم برای همان عادت قرار دادن مهر بر آن است. اکنون که ماه مبارک رمضان است بجا است که پایه ای برای تقوی و خداشناسی پی ریزی شود از عادات نکو میره و اخلاق نکو میره دوری و حبسته شود ماه مبارک رمضان برای روزه داران ماه خوشوقتی است. غروب آفتاب برای روزه داران بمنزله عیدی مسرت بخش خوشوقتی آور است و روزه داران اینکے توانسته است بر شہوت خوراک و آب و غیره چیره شود. خوشوقت و مسرور است روزه داران اینکے از راه روزه داری در تمام روز به نیروی تندرستی خود کوهک کرده و دستگاہ

گواش را تقویت نموده است خوشنود و خوشدل است روزه دار از اینکه در اثنای روز از نادانی یا خصومت به دور بوده روزه خود را از بطلان نگهداشته است شادمان و پرنشاط است و یقین می‌داند که ثواب معجل که در این دنیا به عنوان خوشوقتی بهنگام افطار دارد - نمونه‌ای از خوشوقتیهای جاودانی است که در آخرت بهنگام دیدار پروردگار نصیب روزه‌دار میگردد.

لَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (إِنْ رَبِّكُمْ يَقُولُ كُلَّ حَسَنَةٍ بَعَثْتُمْ بِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ وَالصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْزَى بِهِ وَالصَّوْمُ جُتَّةٌ مِنَ النَّارِ وَلِخُلُوفٍ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمَسْكِ وَإِنْ جَهِلَ عَلَى أَحَدِكُمْ جَاهِلٌ وَهُوَ صَائِمٌ فَلْيَقُلْ إِنِّي صَائِمٌ وَلِلصَّائِمِ فَرَحَتَانِ فَرِحَةٌ حِينَ يَفْطَرُهَا وَفَرِحَةٌ حِينَ يَلْقَى رَبَّهُ)

أَوْ كَمَا قَالَ (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ)

محقق این است که پروردگارتان فرماید هر خوبی به ده برابر تا هفتصد برابر ثواب داده شود و روزه برای من است و من بر آن پاداش دهم - و روزه داری سپر است که روزه دار را از آتش دوزخ نگهدارد و بلوی ذهن روزه‌دار خوشبوتر است نزد خدای متعال از بلوی مسک - و اگر نادانی بر یکی از شما در حال روزه داری تان نادانی بکار آورد و تا سزا گوید روزه‌دار باید بگوید من روزه دارم و شائسته نیست که روزه‌دار بیدار را به بیدی مقابله کند - روزه‌دار دو خوشوقتی دارد -

یکم خوش و قشیش موقع افطار

دوم خوش وقتی روزه‌دار بهنگام دیدار پروردگار - در موقع افطار گذشته از خوش وقتی به افطار خوش وقتی به اجابت دعا و جود دارد -

فَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ (لِكُلِّ صَائِمٍ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ

عِنْدَ إِنْطَارِهِ اعْطِيهَا فِي الدُّنْيَا أَوْ ادْخُلْهَا فِي الْآخِرَةِ) أَوْ كَمَا قَالَ (عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: برای هر روزه داری موقع افطارش دعای مستجاب است که آن اجابت دعا برای دنیای او است یا ذخیره می شود برای آخرت او - هر بان خدای یکتائی که بی نیاز از همه بندگان است و برای هر طاعتی که نفعش باز هم برای بندگان است - چه ثوابها و پاداشها که مقرر داشت برای روزه دار خویش را بمنزله عبادت ، خاموشی او بمنزله تسبیح گوئی و کار خیرش به چند برابر و دعایش همراه با اجابت و گنا هاش آمرزیده ساخت .

عن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم (رقوم الصائم عبادة وصمتة تسبیح وعمله مضاعف ودعاؤه مستجاب وذنبه مغفور) أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)
 خواب روزه دار عبادت است خاموشی او تسبیح گوئی است کردارش چند برابر ثواب دارد - دعایش مستجاب است و گنا هاش آمرزیده -

بیچاره کسیکه چنین پروردگار پر مهربی را خوشنودنه ساخت و سعادتمند کسیکه به چند ساعت ترک خوراک و آب و مفطرات خوشنودی خدا را بدست آورد و صحت خود را تأمین کرد و نیروئی تندرستی را تقویت بخشیده و صمیم و اراده خود را قوت بخشید و برای عاقبت خیر خود پایه ای رنجیت و خوش وقتی بهنگام انظار و سرفرازی موقع دیدار پروردگار بدست آورد -
 خدا اینا زرق و برق دنیای زودگذر و دلبار را بخود مشغول ساخت روانهارا تیره کرد و عملها را بخود اختصاص داد و دیولیعین و نفس بدخواه غفلت را همانند پوششهای بردگان مردم قرار داد -

خُذْكَ أَيَا از تو میخواهم که قیمت واقعی اشیا را با بفهمانی و آنچه مایه عزت و دُجمن است برای ما آسان فرمای و از آنچه ما را از دیادت تو دواز فرمان توبه غفلت می اندازد نگهداری -

بجزوردگارا از برحمتی بخود پستوده آمده ایم و از گناهان خود شرمسار گشته ایم -
 ای چاره ساز بی نیاز ما را بخود مهربان ساز و از گناهان محفوظ دار تا در همه چیز و همه کار
 اول رضای تو را بجوئیم و در رحمت تو را مشاهده کنیم و سه دیگر به آموزش و عنایتت شاد گردیم -
 افریدگارا اولی الامر ما را توفیق طاعتت عنایت کن تا از استقامت شان
 خلق به استقامت آیند - و زما یاران ما را برگزیدگان ما گردان تا عباد و بباد همه از نور
 طاعتت به سرفرازی دو جهان نائل آیند -

بیار الهنا در این ماه ما را از آزاد شدگان قرار ده و مردگان ما را به مغفرت
 آسوده گردان و زندگان ما را به عاقبت خیر و نیکفرجامی معزز مدار و به خرد و بزرگ مادی
 عطا کن که همه در راه طاعتت گام برداریم و از بکار بستن علم و پیشرفت در علوم مجد و عظمت
 گذشته را باز یابیم و بما قدرت و توانائی عنایت دار که دین را موید شویم و سنت مطهره محمد
 مصطفی را احیا کنیم و قرآن را رهبر و پیشوای خود گردانیم و نیک سختی دو جهان و خوشیهای
 آن دو را بدست آوریم -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَصَلِّحِينَ - سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۱۷- نخل بدترین درواجمعی است نخل ایمان با هم جمع نمی شوند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قَالَ تَعَالَى ﴿وَمَنْ يُّوقْ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ الحشر - ۹

خدای تعالی فرمود: و کسیکه نگهداشته شود از نخل و گرفته دستیش پس آنانند که دستگارانند. و رایبجارستگاری را در نگهداری خود از نخل دانست. نخل و گرفته دستی از اسباب بدبختی افراد و مطعها است. اگر به تاریخ مراجعه شود همیشه شکستمانصب افرادی بوده است که نتوانسته اند مال را فدای عزت و سرلمندی خود قرار دهند در دنیای امروز هر طقی که گشاد دستیش بیشتر است عزت و سرافزایش در دنیا بیشتر است. نخل در حقیقت به زیان خود راضی شدن است.

قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى ﴿وَمَنْ يُّبَخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلْ عَن نَّفْسِهِ﴾ محمد - ۳۸

و کسیکه نخل بوزد در حقیقت از خودش باز گرفته است زیرا اتفاق کردن در راه خیر نسبت به خود ضرور زیدن است ثواب و حسنات برای خود تهیه دیدن است. پشتوانه ای از نخل کاری. - منفع فرزندان و بستگان است. نخل موقع که پیش رفته شد باعث می شود که شخص نخل حتی غیر از خودش را هم به نخل و ا دارد.

قَالَ تَعَالَى ﴿وَالَّذِينَ يَبِخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبَخْلِ﴾ النساء - ۳۷

و مردی که خود بخل می ورزند و مردم را به بخل وادار می کنند اینان پست ترین و بدترین مردمانند و اداشتن بخل در بسیاری موارد ظاهر می شود. چه بسیار موقع که شخصی میخواهد کاری از کارهای خیر انجام دهد بخیل میگوید این کار لازم نیست و یا کسیکه می خواهد احسانی به مستمندان کند بخیل گوید حال شان خوب است مستحق نیستند و یا عباراتی که احسان کننده را بازمی دارد. هم اکنون ماه مبارک رمضان است و چه بسیارند افرادی که اگر برای خرید خانه و زمین باشند. ده هزار و بیست و سی هزار تومان مصرف می کنند. آیا از اینان یکی هست که در این ماه مبارک یک هزار تومان را برای انفاق بر ایتام اختصاص داده باشد آنانیکه برای زیاد کردن مال آن همه حرص دارند و با اینکه یقین می دانند که هیچ کس چیزی را با خود نمی برد چرا برای مصرف در راه خیر. نسبت بخود بخل می ورزند. چه ظلمی بدتر از بخل است ناراحتیهایی که در هر جا و هر زمینه به چشم می خورد همه مولود همین بخلها است.

بخل یکی از بدترین دردمای اجتماعی است. در هر محیطی که بخل مستحکم شد شرکتی بوجود نمی آید. همگتی از دست میرود ایتام و ضعفا رضایع می شوند. و دست آخر بخیلان خودشان قربانی اعمال خود می گردند.

زمانی بود که انفاق اهل خیر به حوائج و حاجات اجتماع میرسید. در آن دوره مردم در ثروت های شان آزادی داشتند راههای خیر اجتماعی بوفور یافته می شد اما زمانی که بخل ملازم مردم در نتیجه مالیاتها شروع شد و در بعضی کشورها در این مورد به بشاد در صدر رسید و هشا و مجتهدا قطع شد رشوه ها انتشار یافت و بی مهری شروع شد در صورت ادامه ممکن است کار بجای بکشد که حتی مرید و فرزند می هم مانند حکمت و دادرسی آنها بر پول و مادیات گردد. در حدیث

میجیح که همه جا علت و معلول اشیا را بطریقی جالب و واقعی شنیدنی بیان میفرماید - فرمود:

«السَّخَاءُ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا مَتَدَلِّيَاتٌ فِي الدُّنْيَا هُنَّ يَأْخُذُ
بِغَصْنِ مَنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغَصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ - وَالْبُخْلُ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ
النَّارِ أَغْصَانُهَا مَتَدَلِّيَاتٌ إِلَى الدُّنْيَا فَمَنْ يَأْخُذُ بِغَصْنِ مَنْهَا قَادَهُ ذَلِكَ
الْغَصْنُ إِلَى النَّارِ»
او كما قال (عليه الصلاة والسلام)

کرم و بخشندگی درختی از درختان بهشتی است که شاخه های آن در دنیا آویخته اند. کسیکه
یکی از آن شاخه ها را بگیرد همان شاخه او را به بهشت رساند و بخل و گرفته دستی. درختی از درختان
دوزخی است که شاخه های آن در دنیا فرو آمده اند. کسیکه یکی از آن شاخه ها را بگیرد - همان شاخه
او را به دوزخ رساند. بچشم می توان دید به گوش میتوان شنید و به عقل میتوان فهمید که افرادی که بخشندگی
را پیش گرفتند در راههای خیر پیش قدم شدند ای تمام و ضعفا را دریا فتند ارحام خود را شاد
کردند کار به دست بیکاران دادند در پرورش زیردستان همت گماشتند خود به سر بلندی
رسیدند خویشتان را به عزت زلیستند محبت عمومی یافتند و از مهر عموم برای فرزندان
و بستگان پشتوانه ای قرار دادند و اجتماع خود را در سرفرازی و عزت نگداشتند آیا نه
این است که خود در بهشت بودند و در همین دنیا برای بستگان بهشتی ساختند و به عاقبت خیر
از دنیا رفتند و به وطن غالب در اینجا هم به بهشت رسیدند و افرادی که گلومی گرفتند مانند کبلی
که حق بیخ استفاده ای ندارد یا مانند ماری برگنج خودش نشند و متعدد شدند که تا مار بخل وجود
شان نبرد مال شان به نیماز و خود به بدبختی زلیستند. خویشتان شان خوار شدند. اجتماع
شان منقطع و بدبخت شد. و در عاقبتی نه بخیر رفتند در اینجا در دوزخ بودند و برای اجتماع خود دوزخی
آفریدند وطن غالب اینک در آن دنیا هم به دوزخ رسیدند. و در فرموده سردر کائنات صلی
الله علیه و آله و صحبه وسلم:

(التَّخَى قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّارِ وَالْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ) او كما قال (عليه الصلاة والسلام)

بخشنده که ایتام را در نظر میگیرد و ضعیفان را مددگاری است خویشان را می پویند و برای اجتماع خدمت میکند. نزدیک است به خدا نزدیک است به مردم نزدیک است به بهشت و دور است از دوزخ. و بخیل که خود را بچاره خویشان را در زحمت و ایتام و ضعیفان نمی بیند و اجتماع را بدبختی می برد دور است از خدا دور است از مردم دور است از بهشت و نزدیک است به دوزخ. وظایف امر دوزخیان این است که ایمانی ندارند و بدون ایمان می روند.

« أَخْرَجَ ابْنُ عَدَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَجْتَمِعُ الْإِيْمَانُ وَالْبَخْلُ فِي قَلْبِ رَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَبَدًا » او كما قال (عليه الصلاة والسلام)

در این فرمایش نبوی ایمان و بخل هیچگاه در دل یک شخص جمع نشوند. اگر در دلی ایمان باشد بخل در آن نیست و اگر در دلی بخل جای گرفت ایمان از آن بیرون رود.

« وروی الخطيب باسناده عن رسول الله صلى الله عليه وسلم. يقولون أو يقول قائلكم الشحيح أعذر من الظالم وأتى ظلمه أظلم عند الله من الشح يحلف الله تعالى بقرته وعظمته وجلاله أن لا يدخل الجنة شحيح ولا بخيل » او كما قال (عليه الصلاة والسلام)

میگویند یا یکی از شما میگوید که بخیل معذور تر است از ظالم و شکر در حالیکه که نام ظالم است که نزد خدا تعالی بدتر دستم گرفتار از بخیل باشد؟

خدای تعالی به بقرت و عظمت و جلال خود قسم یا میکند که به بهشت نیرودند بخیل و نه شحيح در تفاوت میان شحيح و بخیل کسی است که خود بخیل و زود و شحيح کسیکه مردم را به بخیل و

دارد و در لغت شیخ و نجیل بیک معنی هم آمده است و چه شیخ و چه نجیل هر دو در شدگان از رحمت خدا هستند. و در حدیث است:

(الویل کل الویل لمن ترک عیالہ بخیر و قد مر علی ربه بشرح) او کما قال (علیه الصلاة والسلام)

بدبختی همه بدبختی برای کسی است که بستگان را در خوشی و خود بدرگاه خدا آمد همراه شرو بدبختی مال را گرد آید دشمنانش خوشی کنند و حقوق آن را بپرداخت تا موقع فتن حسرت نخورد حسرت از دست دادن ترس ضائع شدن ترس عقوبت آن دوری از رحمت خدا همه این بدبختی ها برای او جمع باشد گرفته دستی و نخل مانع از رسیدن به کارهای خیر است و همیشه برای صاحبان آن محنت و بلائی است. اما مقصود از دوش و کوه کاری و احسان رسیدن به مستحقین است و آسان افرادی هستند که کاری هستند و کار نمی یابند یا اینکه مزدشان کفاف شان نمی کند یا اینکه با همه تلاش سعی نمیتواند زندگی را برابراه کنند اینهاست که مستحقین واقعی هستند.

رسیدن به ایتم که بتوانند با تأمین مصرف شان با سواد شوند و مرد فردای خود باشند رسیدن به بیماری که برای مصرف علاج خود در مانده اند و پیران افتادگی که از کار افتاده و بودجه ای ندارند به افراد معیوب که از کار با زمانه اند اینانند که وظیفه افراد توانا است که آنان را یاری کنند اما گدایانی که گدائی را پیشه خود ساخته اند و با توانائی کارسجائی و دلگری را در پیش گرفته اند،

کوک مالی به آنان روانیست افرادی که منفعت خورند و می خواهند از فکر خرافاتیان از طریقی جن و فال و طلسم نان زحمت مردم بخورند و سر بار اجتماع باشند کوک آنان روانیست. کسانی که اهل خیر باشند میتوانند مستحقین واقعی را بیابند. آنانی که خود توانائی کوک مستحقین را ندانند میتوانند واسطه ای میان اهل خیر و مستحقان باشند. کسانی که نخل پیشه کنند و دست از معونت

مستندان بکشند و حقیقت بخود تم میکنند - قال الله تعالى:

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لِمُمْ
بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ آل عمران - ۱۸۰

خدای متعال فرمود: گمان بر مردمیکه بخل میورزند - به آنچه خدا از فضل خود به ایشان
عطا فرمود گمان مبر که بخل شان برای شان بتر باشد بلکه بخل شان بدتر است برای خودشان
زیرا همین چیزیکه به آن بخل میورزند در روز قیامت همانند طوق لعنتی در گردن شان باشد و
آتشی شود که سر و گردن شان را بچوشتاند در واقع بخل در همین دنیا - هم مانند طوقی در گردن بخیمان است
و همان اند گردن بندی که در گردن حیوان می شود تا در استفاده محدود باشد - بخل هم همانند گردن
بندی است که استفاده بخیمان را محدود می سازد از خوردن محروم می شوند از کار خیر باز داشته میشوند
از عزت و سرفرازی محروم میگردند و بمنزله حیوانی بی شعور قرار میگیرند که محبت مال و حرص بر
آن آنان را بر جای خود نیکوب ساخته باشد.

اکنون که ماه مبارک رمضان است و ماه آموزش و سوختن گناهان است - عادت گام
برداشتن در راههای خیر عادت خود گردانید خواهش مستحقان را بر آورده سازید تا خواهش های
شما به اجابت رسد یا خدا را و در زبان خود سازید تا یاد خدا بنحاطر آوردن احسانهای نعمتهای
او شمارا به احسان و نیکوکاری وادارد -

روی محمد بن منصور السمعانی عن أنس رضی الله عنه - إنما سُمِّيَ رمضان لأنه

يرمض الذنوب - رمضان نامیده شد زیرا معنی آن 'سوزاندن گناهان است -

وروى الطبرانی والبيهقي عن عمر رضی الله عنه: «ذاكر الله في رمضان مغفور له

وسأل الله فيه لا يجيب»

یادکننده خدا در ماه رمضان آمرزیده شده است و خواهش کننده از خداست کیت
در این ماه نومیکنید -

در روی عن ابی مسعود الانصاری انه قال «ما من عبد صام رمضان فی ایضا
وسکوت و ذکر الله و اهل حلاله و حرّم حرامه - ولم یرتکب فاحشة الا انسلخ من رمضان یوم
ینسلخ وقد عفرت له ذنوبه کلهما»

هر بنده ای که ماه رمضان را روزه گیرد و خاموشی از گفتار زائد پیشه کند و خدا را یاد
نماید و از حلال استفاده کند و از حرام دوری جوید و صبح کارزشتی را نکند روزی که رمضان
بپایان میرسد گناهان او همه اش آمرزیده شده است -

در این ماه زبان و چشم و گوش همه از حرام بازدارید از سخنان بیسوده و گفتار آزار
دهنده و نظر به حرام و شنیدن دروغ و غیبت احتراز جوید تا روزیکه ماه مبارک بپایان می
رسد گناهان تان آمرزیده شده باشد -

خدا کاینها هنگامیکه صاحبان بندگانت در آخر ماه به قبول روزه خود سرور میگردند
ما را همراه ایشان قرار ده - و موقعیکه دعای شبستانگان به اجابت میرسد دعای ما را به
برکت آنان مستجاب گردان -

بمورد گارا وقتیکه در این ماه آزاد شدگان از عذابت مقرر داری ما را با آنان
همراز ساز -

یا اَللهُ در آیمی که رغبت کنندگان در طاعتت رویه تقلیل اند ما را در طاعتت
رغبت ده و در عبادتت موفق گردان -

افسیدگارا روزیکه نیک بختان به عنایتت میرسند ما را از نیک بختان بشمار -

بِإِذْنِهَا بِمَا تَوْفِيقِي دَهْ كَه رُؤْي دِلْمَاي مَابِسُوي دِر گَاه تُو بَاشَد وَ بِه مَاعُونَتِي ارزَانِي دَار
كِه بِاشُوق فِرَاوَان بَسُوي فِرَا نَبْرِيَت رُو آوَرِيْم -

بِيَارِ الْهِنَا عَاقِبَت مَابَخِيْر كِرْدَان وَ آخِرِمْ هَمَه كَار مَارِضَاي خُود قَرَار دِه وَ فِر جَا م مَانْتَت
و بِه آمَرِش وَ قَبُولِ دِر دِر گَاه ت كِرَامَت فِرَا -

اَي كِرُو دَد گَارِ تَوَانَا بَادِ سَتَانِي فِرَا دَاشْتَه وَ دِلْمَايِ اَمِيْد وَ اَرِسُوي دِر گَاه تُو رُو آوَرِه
اَيْم خُو اِهْش هَامِي مَارَا بَر آوَرِه سَاز دِلْمَايِ مَارَا بِطُورِي اَز نُورِ اِيْمَان رُوشَن سَاز كِه كَار هَامِي كِه مُورِد
مُحَبَّت مِي بَاشَد دِر پِش كِرِيْم وَ كِ اَنِي كِه مُورِد مَهْر وَ رَحْمَت وَ مَحَبَّت تُو اَنْد بَدُوسْتِي بِر كِرِيْم -
اَي اَفْرِيْد گَارِ تَوَانَا اُولِي اَلَامَر مَارَا عِنَايَتَت بِنْدُول دِر تَارِ هِرَانِي مُورِد رِضَا وَ تَايِيْد تُو
بَاشَنْد وَ سُرُورَان وَ بَر گَان مَارَا مَاعُونَتِي ارزَانِي دَار تَا سَرِشَق نِكُو كَارِي وَ اَصْلَاح شُونْد وَ بَخِرِد وَ بَر گ
مَارِضَا وَ مَحْشُونِدِيَت عَطَا كُن -

خُدَا اِيْمَارِد گَان مَارَا بِه آمَرِشَت شَاد كِرْدَان وَ زَنْد گَان مَارَا بِه حَسَن عَاقِبَت اَبَا ذ
كِرْدَان -

رَبَّنَا اِيْتَانَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ صَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ الصَّالِحِيْنَ . سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلٰى الْمُرْسَلِيْنَ
وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ه

۱۸. از خشم و غضب نار و ابیریزید که خشم همین سلاح شیطان برای گرفتاری آدمیان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال تعالى ﴿وَالْكَافِرِينَ الْغَائِقِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ (آل عمران - ۱۳۴)

و فرود خورندگان خشم خود و گذشت کنندگان از مردم، و گذشت کنندگان از مردم
اینانند که نکوکارانند خشم و غضب هرگاه بيموقع و بیجا باشد بزرگترین بلائی است که
افراد بشر دچار آن میگردد خشم و غضب تندرستی را بنحاطه اندازند شیرینی زندگی را از میان
می برند کسیکه غضبانی و زود خشم باشد در حقیقت بزرگترین دشمن خود می باشد در امراض گوناگون
برای خود بوجود می آورد خود را منفقور مردم می سازد و هنگامیکه خشم و غضب به عادت شد بر سر
جزئی ترین مسأله آتش خشم برافروخته می گردد و محبوب ترین افراد به تلخ ترین گفتار یاد می گردند
در موقع خشم و غضب کنترل اعصاب از دست میرود و حرکات بچه گانه پدید می آید زبان
از اختیار میرود و صحبت های بر زبان رانده می شوند که خود شخص هم پس از فرو نشستن خشم از یاد
آن به شرم می آید. خدای متعال خشم را آفرید تا در موقع لزوم و بهنگام دفاع بجار آید
از ذلت و خواری برماند و وسیله ای برای اقدام باشد نه اینکه بلای جان و مایه رنجش
دوستان گردد. افرادی که خدای متعال به آنان بیچگاه برای مقاصد خود بخشیم نمی آید اند
و قوی خشم میگرفته اند که حق از حقوق خدادندی در شرف ضائع شدن باشد.

﴿كان صل الله عليه ذال و صحبه و سلم لا يغضب الا لله رسول الله صلى الله عليه وآله و صحبه و سلم﴾

خشم نمی گرفتند مگر موقه که حرمی از حرمت‌های خداوندی متکبر و احترامی از احترام‌های خداوندی نقض میشد و در غیر این صورت همیشه از خشم بر خد می داشتند برای اینکه وقتی کسی بر سر جزئی ترین مسأله خشم بگیرد و در حال خشم اختیار گفتار و کردار از دستش برد و اعتماد از او سلب می گردد و دوستیها به دشمنیها مبدل می گردد - خدای متعال در باره پنجمش فرماید :

﴿فَمَا رَحِمَتِي مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَكُنْ لَّيَاسِينٌ لَّأَتَقَطَّبُ عَلَيْهِ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنِّي حَوْلِي﴾ (آل عمران - ۱۵۹)

از فضل خدا است که با مردم هر بان خوش خوئی و چنانچه در شیخ و سنگدل بودی مردم از اطرافت پراکنده می شدند -

اگر تصور شود که خدای متعال با چه مردمانی توانست از افرادی در شیخ و سنگدل افرادی بیرون بیاورد که در مورد رحمت ضرب المثل باشند و در هر زمان و مکان مردمی پیش میروند که مردوانت لازم آنها باشد -

انجرب الیهقی وابن عساکر رحمهما الله تعالی عن رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم :

إِنَّهُ قَالَ «إِيَّاكَ وَالغَضَبَ فَإِنَّ الغَضَبَ يَفْسُدُ الْإِيْمَانَ كَمَا يَفْسُدُ الصَّبْرُ الْعَسَلَ» أَوْ كَمَا قَالُوا

رسول الله صلی الله علیه وسلم به معاویه فرمود : تو را پر میزدیم هم از خشمم زیرا خشم ایمان را تباه می سازد و بهمانگونه که صبر عسل را تلخ و ناگوار می گرداند - عسل با همه شیرینی و گوارانی و با همه خصائصی که از پایداری در طول زمان و از امانت داری در نگه داری آنچه در آن گذارده شود بسببوی خاصی که برای بدن دارد با همه این خصائص با رختن اندکی از صبر در آن تلخ و بد مزه و ناگوار می گردد ایمان هم که همش خیر و برکت است هرگاه شخص با ایمان از خشمم بموقع مصون نماند ایمانش از دست میرود و از رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم روایت است که خدای عز و جل فرمود : در حدیث قدسی

ابن آدم اذكرني حين تعضب اذكرك حين اغضب ولا احمقك فيمن احمق
أو كما قال عليه السلام

ای آدمیزاده موقیقه خشمگین میشوی مرا یاد کن تا بدانی خشم تو در برابر خشم من بجائی نمیرسد
تا از خشم بجای دست برداری که یاد کردن من در حال خشم و دست کشیدن از خشم بخاطر من مایه
این می شود که من در موقع خشم تو را یاد کنم و تو را نابود نکنم در جمله کسانی که نابودشان می گردانم -
در حقیقت خشم آتشی است که در دل روشن می شود و خود خشمگین را می سوزاند - اینست
که در حدیث آمده است -

ان الغضب میسم من نارهتم یضعه الله علی نیاط احدکم الا تزی اناه اذا

غضب احموت عینه واربد وجهه وانفخت او واجه او كما قال (عليه الصلاة والسلام)

خشم در حقیقت داغی است از آتش دوزخ که خدای متعال بردلی یکی از شما نهد
در موقع خشم او - آیا نمی بینی که موقیقه خشم می گیرد و چشمهاش سرخ می شود و رویش دگرگون
می شود و رگهای گردنش باد می گیرد؟

در اینجا خشم را از آتش دوزخ یاد کرد و بحقیقت افراد زود خشم در این دنیا هم در
دوزخ هستند همیشه اوقات شان تلخ اطرافیان شان از آنان در بر آسند، دوستی برای خود
باقی نمی گذارند بلکه خودشان از وجود خودشان در عذابند - بجای آوردن خشم و پیروی از
افکاری که در حال خشم و غضب آدمی را دست میدهد در واقع خود را بدستی انداختن در
دوزخ است -

وعن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: (لن نار باب لا یید خله الا من شفی

غیظه بخط الله) او كما قال (عليه الصلاة والسلام)

برای دوزخ درمی است که اختصاص به کسی دارد که خشم خود را به انجام رسانید

با اینکه همراه خشم خدا بود -

حتی راهی که مایه خشم خداست هم مایه فرو خوردن خشم او شد مایه تاسف این است که بیشتر خشمها کاسه اش بر سر افراد ضعیف خرد می شود بیشتر خشم اشخاص به زن و فرزند است در حالیکه شریعت مطهره اسلام منتهای تاکید در رعایت و احترام زن و فرزند قرار داد می گویند که از ابلیس پرسیده شد کدام یک از اخلاق بنی آدم بیشتر تورا کومک می کند در بدبختی شان؟ ابلیس گفت تندی و خشم که هر سیکه تند و زود خشم باشد همانند توپ بازی او را بازیچه قرار دهد هم برای جلوگیری از خشم طرق تنوعی یاد شده است خواندن سیرت افراد صبور و شکیباترین بر تخیل و بردباری و رفتن از اماکنی که شخص در آنجا تحریک به خشم می شود اندیشیدن اینکه خشم همیشه مضر است و هیچگاه از آن نفعی بدست نمی آید و در حدیث صحیح است:

(إن الغضب من الشيطان والشيطان خلق من النار وإنما يطفأ بالماء النار فإذا غضب أحدكم فليتوضأ) .

خشم از شیطان است و شیطان از آتش آفریده شده است و آتش را به آب خاموش کنند.

پس هرگاه یکی از شما خشمگین شد وضو بگیرد - وضو گرفتن مایه مشغولیتی است که آدمی را بخود مشغول می دارد و از ادامه خشم جلوگیری می کنند - و در حدیث است:

لو يقول احدكم اذا غضب - أعوذ بالله من الشيطان الرجيم ذهب عنه غيظه .

موقعیکه شخص خشمگین میشود اگر بگوید پناه می برم بخدای کیتا از شر شیطان نفرین شد خشمش فرومی نشیند فکر کردن اینکه شیطان است که آدمی را به خشم و امیدارد و پناه بردن بخدا از شر شیطان و بخود آمدن و بردباری نمودن از اسباب جلوگیری از خشمهای بموقع است - خشم همیشه

مایه مصائب است دشمنیها از خشم سر چشمه می گیرد که درتها از خشم پدید می آید - جداییهای میان زن و شوهر پراگندگی میان فرزند و پدر و بهم تختن دوستیها همه نتیجه خشم زودگذری است که تنها نتیجه آن پیشانی وحسرت است همانقدر که خشم را عمل کردن زیانمند و گناه کاری و مایه پیشانی است همانقدر هم فرو خوردن خشم نمودن و مورد ثواب و مایه سر بلندی است -

أخرج أبو داود وابن أبي الدنيا - عن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم من

كلمة غيظاً وهو يقدر على انفاذه ملاً الله قلبه آمناً وإيماناً - أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

کسیکه خشم خود را فرو خود و در حالیکه می توانست آنرا عملی سازد و خدا پر کند دل او را از ایمنی و ایمان - خشمیکه عملی شد دشمنی به دنبال دارد ناراحتی در بردارد سستی ایمان را باعث می شود اما خشمی که فرو خورده شده نه ترس دشمنی در پی دارد نه اشفتگی روانی بهمراه دارد نه در شرف مردم صحبتی شده که ایمان راست کند اینست که فرو خوردن خشم و تحمل لحنطائی - مایه پر شدن دل از ایمنی و ایمان می گردد بر دباری مایه ثبوت محبت خداوندی است -

روی ابن عساکر رحمه الله تعالى عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وادبیت

محبته الله على من أعضب فحلمه - أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

محبت خداوندی ثابت شد برای کسیکه خشم آورده شد و بر دباری نمود - در اسلام میزان برتری بر پایه علم و دانش است اما با همه مزیتیمای که علم دارد زیبایی علم و بر دباری است - فعن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ما اذنیف شئاً الی شیء افضل من حلم الی علم - رواه ابن السنی چیزی اضافه بر چیزی دیگر نشد که بهانند افزون حلم بر علم مایه سر بلندی و برتری باشد حلم و بر دباری همیشه مایه عزت و سرفرازی است و هیچکس از بر دباری به ذلت نیفتاد -

«عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا أَعَزَّ اللَّهُ بِجَهْلٍ قَطُّ

وَمَا أَذَلَّ اللَّهُ بِحُلْمٍ قَطُّ» - أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

خدا هیچ کس را از طریق جهالت به عزت نرسانید که جهالت و نادانی همیشه مایه خواری است
افراد جاهل در هر اجتماعی خوارند ملت‌های فاقد علم همیشه بی عزتند. و خدا هیچ کس را از طریق علم بذلت
نرسانید که بردبار و متحمل همیشه عزیز است.

۱۶ و روی الترمذی عن رسول الله صلى الله عليه وسلم - الا اخذكم عن محرم عليه النار؟

قلنا بلى يا رسول الله قال لعمره على كل قريب هيتن ليعن سهل أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)
رسول الله به یاران فرمود آیا شمارا خیر ندیم به کسیکه آتش دوزخ بروی حرام است - یاران
گفتند بلیه یا رسول الله - فرمود آتش دوزخ حرام است بر هر کسیکه نزدیک به مردم و مهربان
و دوست و باگذشت باشد - در صف مردم مهربان و خوشخوی که به برابری متصف اند بطوری
مبالغه شده است که بردباران را در تحمل و حفظ شخصیت خود از بازو بچشم شدن نزدیک
به پیغمبری دانسته اند.

و روی الخطیب ایساده عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الحليم سيد في الدنيا

وسيد في الآخرة كاد الحليم ان يكون نبياً أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

شخص با علم و بردبار در دنیا و در آخرت آفاست نزدیک است که شخص حلیم و بردبار
در صفت علم در صفات پیغمبران باشد.

اکنون که ماه مبارک رمضان است و در این ماه به روزه دار دستور داده شده
است که روزه دار در نظر بگیرد و بداند که روزه داری برای پرورش صفات پسندیده است
روزه برای شکیبائی و بردباری است به مسلمان گفته شده است اگر کسی به نادانی باوی
سخن گوید روزه دار بگوید من روزه دارم و شایسته روزه دار نیست که نادانی را به نادانی
مقابله کند عجیب این است که بسیاری افراد ناخود هستند که تصور می کنند در ماه رمضان

حاصله آدمی کم می شود و نگاه بعضی فکر میکنند که نزدیک دو دویه مغز آنها است که آنها را بی حوصله می کند و بعضی بخلط می اندیشند که گرسنگی و تشنگی مایه بی حوصلگی است نمیدانستند که روزه درس عملی حوصله داری است درس صبر و شکیبائی است - و روزه سپری است که آدمی را شکیبا و امیدارد و آدمی را از آتش دوزخ ننگه میدارد -

أَخْرَجَ الْبَيْهَقِيُّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
يُنَايِرُ وَيَهْدِي عَنِ رَيْبِهِ عَزَّ وَجَلَّ -

قال الله تعالى (الْبَيْتَاءُ مَجْتَهَةٌ يُسْجِنُ فِيهَا الْعَبْدُ مِنَ النَّارِ وَهُوَ لِي وَآنَا أَجْرِي بِهِ) -
خدای عزوجل فرمود روزه داری سپری است که روزه دار بوسیله آن خود را از آتش دوزخ ننگه میدارد و روزه برای من است و من بر آن پاداش دهم - تعجب در این است که روزه ای که مایه گیریم همان روزه ای است که یاران پیغمبری گرفتند اما روزه برای ایشان مایه صبر و بردباری و پایه عزت و سرفرازی و وسیله ای برای صفای باطن و فداکاری در راه دین بود - اما برای ما هیچیک از آن نتایج در بر ندارد - تفاوت روزه ما با روزه یاران پیغمبر در دو چیز است - اخلاص برای خدا و فهم مقصود از آن در حالیکه ما روزه را بعنوان عادت در پیش گرفته ایم -

خُذْ أَيْ مُتَعَالٍ اخلاصی عنایت فرماید که ما از عبادات اسلامی فهم مقصود از آنها نمانیم و بر ما و ثمرای که پیشینیان ما برگرفتند بدست آوریم و از روزه داری صبر و حوصله و خوشخونی و اخلاص برای خدا بدست آوریم و از حفظ زبان از بیهوده دنگه داری خود از خشم و سخت گیری بر زیر دستمان بهره ور گردیم -

خُذْ أَيْ زَبَانِي سَپاس گذار و دلی روشن از ایمان و روحی آرام و شاد و عملی

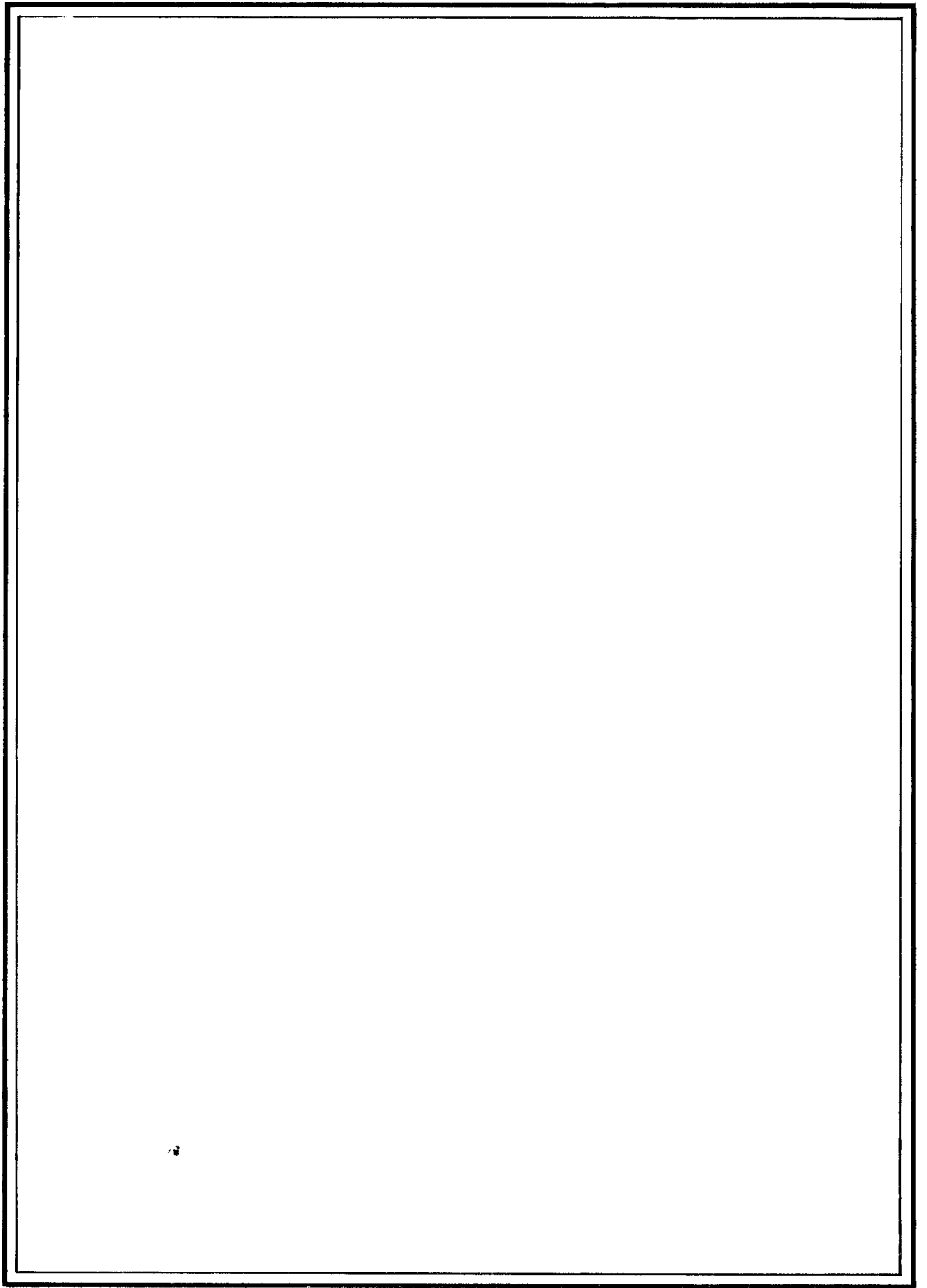
مقبول با ارزانی دار - تا در همه کار و در همه حال از دل و زبان و عمل به ارکان سعادت دو جهان
بیاییم -

پسر و در دگارا آنچه از گفتار و کردار نصیب ما فرمائی گفتار خیر و کردار قرار ده و آنچه از
مال و فرزند و بستگان روزی ما فرمائی صلاح و تقوی همراه شان قرار ده و برکت در آنها بسا
عنایت دار تا روزی ما سرفرازی و شادکامی ما باشد و اقوال و اعمال ما مایه رفعت درجات
ما گردد -

پسر و در دگارا آنچه عطا فرمائی تمتع و خوشی از آن بهره ما فرما در هر طاعتی که بر آن توفیق
دهی به حلیه قبول آراسته اش گردان -

بیا ایلها اولی الامر ما بر طاعت توفیق ده تا پیشوایانی صالح باشند و
سروان و بزرگان ما را برگزیدگان ما قرار ده تا سر مشق خیر اندیشی و نیکوکاری باشند -
خدا اینا در این ماه ما را از آزاد شدگان از عذابت مقرر در مردگان ما را به رحمت
آمرزیده ساز و زندگان ما را به عنایتت موفق بدار و خورد و بزرگ ما را به مهر و محبتت
سرفراز کن -

رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ صَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ - سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ



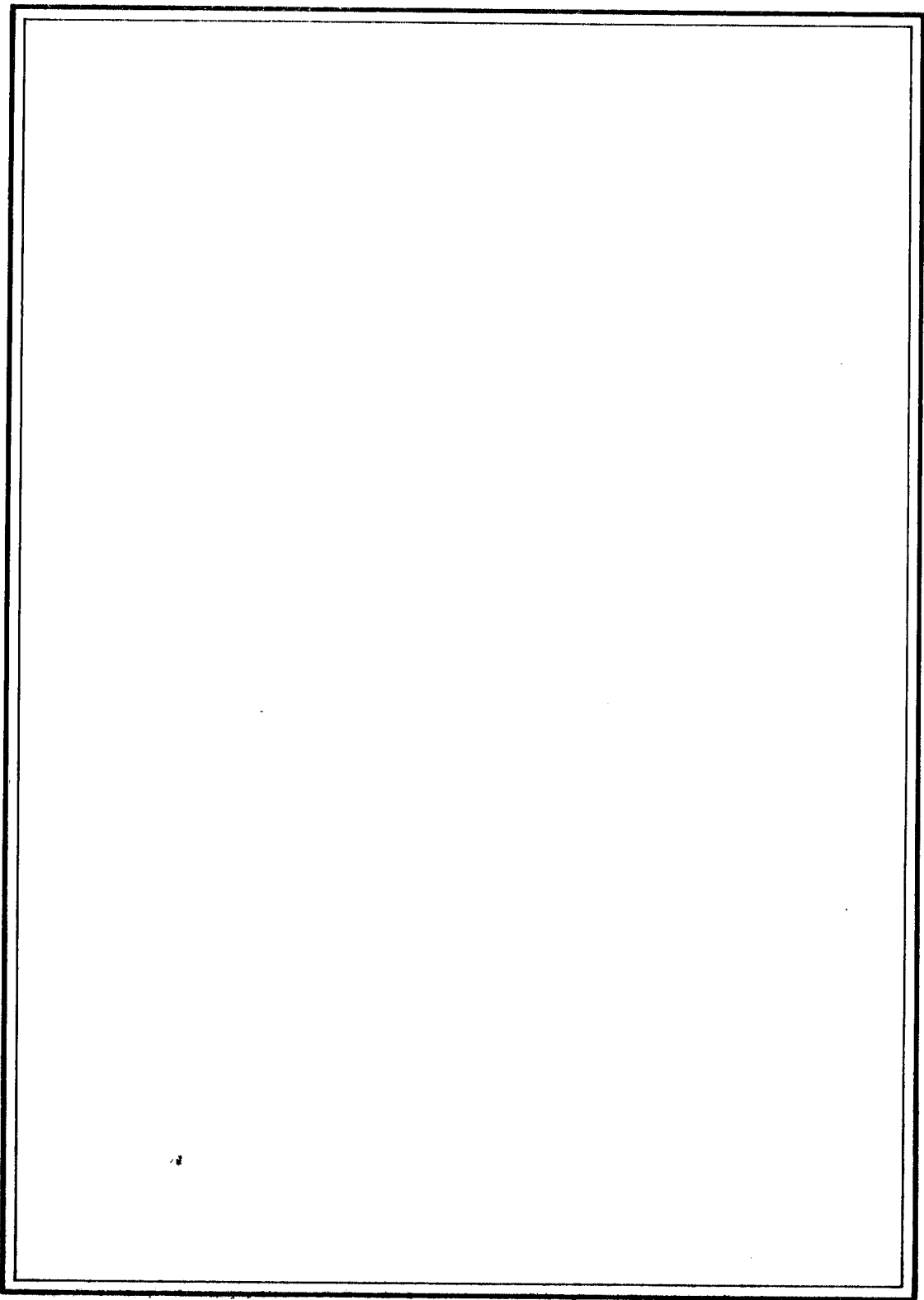
القسم الثاني
من كتاب

طريق السعادة والسداد

في اصلاح المجتمع بالوعظ والارشاد

مؤلفه

محمد علي سلطان العلماء



۱۹- از خوردن مال یتیم بپرهیزید که مال

یتیم به نار و خوردن آتش است -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا
إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾ النساء - ۱۰

محقق این است:

مردمیکه مال یتیمان را بناحق خورند در مواقع پر شکم خود از آتش خورند و زود است
که برسند به آتش بر افروخته آخرت مال یتیم در هر شکمی بیرون آتشی است که به آن شکم میرسد
مال یتیم در هر مالی که مخلوط به آن شد آتشی است که آن مال را با خود می سوزاند مال یتیم در
هر خانه که داخل شود آتشی است که آن خانه را بسوزاند و ویران کند در این جا و در هر شهری
میتوانید داستان واقعی افرادی را بشنوید که از دست بردن مال یتیم ثروت هنگفت خود را
از دست دادند یتیم موقعیکه سایه پدر را از دست داد و در سرپرستی و نگهداری نیازمند به
دیگران شد وظیفه اجتماع است که سنگینی بار یتیمی را از دوشش بردارند و به موت و بدکاری
باعث آسایش خاطر او گردند و اگر به آنها کمک نشد و بجای کمک مورد خیانت قرار گرفتند
معلوم است که عقوبتی سخت بر خود روا داشته اند.

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود:

(اللهم انى ارحم حق الضعيفين اليتيم والمرأة) أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

(خدا یا حق دو کسی نا بخشودنی و پرخطر میگرددانم حق یتیم و زن)

(اتقوا السبع الموبقات قالوا یا رسول الله وما هن؟ قال الشرك بالله والسحر و قتل

النفس التي حرم الله الا بالحق و أكل الربوا و أكل مال الیتیم و التولی يوم الزحف و ذف

المحصنات الغافلات المؤمنات) أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

بهر بهرید از هفت گناه هلاک کننده. گفتند یا رسول الله و آن هفت گناه

هلاک کننده کدامند؟ فرمود:

۱- شرک آوردن بخدای یکتا

۲- جادوگری

۳- کشتن کسیکه خدا حرام فرمود کشتنش را مگر از راه حق که در قصاص باشد.

۴- ربا خواری

۵- خوردن مال یتیم

۶- پشت دادن از میدان جهاد.

۷- دشنام و ناسزاگویی به زنان پاک دامن که از همه جا بے خبرند و بخدای خود ایمان دارند.

شُرک را سرسلسله گناهان قرار داد زیرا هر گناهی پیش آید از نوعی شرک یا ضعف ایمان

به یکتائی خدا پیش آید. شعبه طلسم سازی 'فال گیری' پیشگویی 'اینها همه انواع سحر و پسر شرکند و آنچه روی یک پایه علمی صحیح نباشد و فقط از آن خوردن مال مردم باشد سحر و جادو است.

قتل و کشتن از گناهان حبهبران ناپذیری است که همه ادیان و فرق در حرام بودن آن اتفاق دارند و بامایه از دست رفتن کارهای خیر و خوردن اموال ضعفا و دست آخرد شکست رباخوار و سبختی رباگیران و خوردن مال یتیم که نابخشودنی و مایه زوال و نابودی است پشت دادن از میدان جهاد مایه متلاشی شدن مجاهدین و ناسزا به زنان و دشنام ناروا به ایشان مایه بهم نخفتن خانواده و فَلَکَت اجتماعی است - سرپرستی یتیم و نگهداری مال او فرض کفایتی است که هر گاه ولی خاص نباشد لازمه فرد مسلمان است نگهداری حتی مال غیر یتیم هم در اسلام بر آن تاکید شده است -

روی الحاكم عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم ثلاثهٌ يَدْعُونَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ فلا يَسْتَجَابُ لَهُمْ: رجلٌ كانَتْ تحتَهُ امرأةٌ سَيِّئَةٌ فلمْ يَطْلُقْهَا - ورجلٌ كانَ لَهُ على رجلٍ أَرْمالٌ فلمْ يَشْهَدْ عَلَيْهِ ورجلٌ آتَى سَفِيهًا مَالَهُ. أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

سه کسند که دعای کنند و از خدای عزوجل می خواهند و لیکن دعای شان با اجابت نمیرسد -

- ۱- مردی که در خانه او زنی ناپاکدامن باشد و او را طلاق نکوید -
 - ۲- مردی که نزد مرد دیگری مال داشته باشد و بر آن گواه نگرفته باشد - و
 - ۳- مردی که به شخص سفیه مالی سپارد که نگهداری مال و نسیرون آن به افراد سفیه -
- از دستورهای مکتوبه برای حفظ اقتصاد عمومی است - وقتی که در نگهداری اموال افراد بالغ و رشید این تاکید است - محقق است که در نگهداری مال ایتم منتسب است - تاکید است -

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «أربع حق على الله ان لا يذخلم في الجنة ولا يذيقم نعيمها - مد من خمر واكل التبا واكل مال اليتيم بغير حق و العاق لوالديه» - أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: چهار کسند که ثابت است بر خدای متعال که آنان را بهشت نبرد و از خوشیهای بهشت به آنان نچشاند.

۱. کسیکه بر خمر و مشروب مداومت کند.

۲. کسیکه ربا خوار شد.

۳. خورنده مال یتیم بناحق. و

۴. کسیکه نافرمانی پدر و مادرش نماید.

وفي تفسير القرطبي عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه ان رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم قال «رأيت ليلة أسري بي قومًا لهم مشافر كمشافر الابل و قد وكل بهم من يأخذ مشافرهم - ثم يجعل في أفواههم صخرًا يخرج من أسافلهم فقلت يا جبريل من هم هؤلاء؟ قال الذين يأكلون أموال اليتامى ظلماً» - أو كما قال

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: در شب معراج مردی را دیدم که دهن و لبهای بنهند شتر دارند و افرادی بر آنان گمارده اند تا سنگهای بزرگ آتشی را به دهنهای آنها فرو کنند تا از پایین شان فرود آید گفتم ای جبریل اینان چه کسانیند؟

جبریل گفت اینان همان مردی هستند که مال یتیمان را بناحق خورند که خوردن مال یتیم بناحق همه اش آتش است و سنگهای آتشی و همراهش مایه زوال و نابودی است همان گونا که در خوردن مال یتیمان بلا و مصائب دنیوی و آتشیهای اخروی است.

أخرج البخاري أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال "أنا وكافل اليتيم في

الجنة هكذا" (أو كما قال) (عليه الصلاة والسلام)

من وکسیکه سرپرستی و نگهداری یتیم نماید همانند این دو انگشت شهادت و میانه همراه هم در بهشت میباشد. در سرپرستی و نگهداری یتیم همراهی پنجم در بهشت است.

وردی ابن ماجه عن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم (المن عال ثلاثة من ايتام كان كمن قام ليله وصام فجاره وغداً أذواح شاهراً سيفه في سبيل الله وكنت انا وهو في الجنة إخواناً كما أن هاتين اختان والصدق اصبعيه السابعة والوسطى)). (أو كما قال) (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود کسیکه سرپرستی و نگهداری سه ایتام نماید در ثواب همانند کسی است که همه شبها به عبادت ایستد و همه روزها را روزه گیرد و هر با داد و پسین یا شمشیر برهنه به جهاد در راه خدا رود و من و او در بهشت برادر و همراه هستیم چنانکه این دو انگشت شهادت و میانه همراهند.

وردی الترمذی عن رسول الله صلى الله عليه وسلم انه قال "من قبض

یتیمان بین مسلمین الی طعامه وشرابه حتی یتغنی عنه وحبیت له الجنة» (أو كما قال) ﷺ

کسیکه یتیمی را که از پدر و مادر مسلمان است نزد خود آورد و از خوراک و آب و نفقه ای که مقدورش بود تا سن بلوغ و رشد رسیدن او دستغنی شدنش به وی داد بهشت برای او ثابت است.

وردی ابن ماجه عنه صلى الله عليه وسلم "خير بيت في المسلمين بيت فيه

یتیم یحیی الیه وشربت فی المسلمین بیت فی یتیم یسأ الیه» (أو كما قال) (عليه الصلاة والسلام)

بهترین خانه در مسلمانان خانه ای است که در آن یتیمی باشد که نسبت به وی خوبی شود.
و بدترین خانه در مسلمانان خانه ای است که در آن یتیمی باشد که نسبت به وی بدی شود. خوبی به
یک یتیم در خانه مایه این است که بهترین خانه مسلمانان در خوبی و نیکوکاری باشد.

وعنه صلوات الله علیه وسلم! «أَنْ فِي الْجَنَّةِ دَارٌ يُقَالُ لَهَا دَارُ الْفَرَحِ لَا يَدْخُلُهَا
الْأَمِنُ فَزَحَّ بِتَامِي الْمُؤْمِنِينَ» - أَوْ كَمَا قَالَ (عليه الصلاة والسلام)

در بهشت خانه ای است که خانه شادمانی نام دارد به آن خانه شادمانی کسی رود
که ایام سلیمان را خوشوقت کرده باشد.

وروی الامام أحمد عنه صلوات الله عليه وآله وصحبه وسلم! «من مسح على رأس

یتیم لم یمسحه الله كائنت له في كل شجرة مرت يد عليها حنات» - أَوْ كَمَا قَالَ
کسیکه برای خدا دست بسز یتیمی بکشد بشمار موی که دست او بر آنها عبور کرده است
حنات دارد.

وروی الطبرانی عنه صلوات الله عليه وآله وصحبه وسلم! «والَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ كَأَنَّ

يُعَذِّبُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ رَحْمَةِ الْيَتِيمِ وَالْآنَ لَهُ فِي الْكَلَامِ دَرْحَمٌ يَتَمُّ وَضَعْفُهُ» - أَوْ كَمَا قَالَ

قسم به آن خدائی که مرا بحق به پیغمبری برگزید خدای متعال عذاب ندهد در روز قیامت
کسیکه هر آرد بر یتیم و با او سخنان پر محبت گفت و بر یتیمی و ناتوانیش رحم آورد.

وروی ابو یعلی عنه صلوات الله عليه وآله وصحبه وسلم! «أَنَا أُولُ مِنْ يَفْتَحُ

لَهُ بَابُ الْجَنَّةِ إِلَّا نِي أَدَى امْرَأَةٌ تَبَادَرْنِي فَأَقُولُ مَا لَكَ مِنْ أَنْتِ؟ فَتَقُولُ أَنَا امْرَأَةٌ

قَعَدْتُ عَلَى أَيْتَامِي» - أَوْ كَمَا قَالَ (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلوات الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: من نخستین کسی هستم که در بهشت

برایش گشوده شود مگر اینکه می بینیم که زنی میخواید بر من سبقت جوید میگویم چه کسی هستی و چه حالی داری میگوید زنی هستم که پائی ایتم خود ششم زنانی که همانند شیر مردان به تربیت و نگهداری فرزندان یتیم خود همت میورزند تا ایتم خود را به بلوغ و رشد برسانند زنانی هستند که با پهای پهنی بر بهشت میروند آنانیکه بر فرزندان خردسال خود می ترسند و گنیکه نمیخواهند خردسالان شان بعد از خودشان ضایع شوند پرهنیزگاری و خداپرستی پیشه کنند و نسبت به ایتم نکوکاری کنند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَلْيَحْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ذُرِّيَّتَهُ ضِعْفًا فَأَكْأَفُوا عَلَيْهَا هُمْ قَلِيلٌ تَقْوَالِ اللَّهِ﴾ النساء - ۹

و ترسند مردمی که اگر بعد از خود خردسالانی ناتوان بجا گذارند می ترسند برایشان از ضایع شدن - باید از خدا ترسند -

تقوی و پرهنیزگاری مهم ترین وسیله ایمنی برای فرزندان و نوادگان است - در حدیث است :

«مَنْ خَافَ عَلَى عَقْبِهِ وَعَقِبَ عَقْبَهُ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ» هر کس که می ترسد بر فرزندان و نوادگانش باید از خدا ترسند و پرهنیزگاری پیشه کنند احسان و نکوکاری در باره ایتم بهترین ضامن سلامت و سعادت فرزندان است -

در این ماه مبارک ایتم را شادمان سازید کوی که به ایتم می کنید در دنیا مهر و محبت و دعای خیر ایتم بدست می آورید و در آخرت رضا و خوشنودی خدا و شفاعت ایتم یکی از پیشینیان میگوید در آغاز کار گنه کار بودم روزی یتیمی را دیدم بروی مهر آوردم و او را همانند فرزند و یار گرامی تر داشتم شب خواب دیدم که فرشتگان عذاب بطرز هولناکی مرا گرفته بد زنج

می برند در این اثنار همین تیمم ظاهر شد و گفت او را را که کنسید تا در باره او به پروردگار خودم رحیم
کنم فرشتگان نیزینند - ناگاه ندائی رسید که او را را که کنسید که او را به تیمم بخشیدیم از آرزو در باره
ایتام محبتتم افزون گشت و ایمان من به ثواب اخروی قوی تر شد و دست از گناهان برکشیدم -

اکنون که ماه مبارک رمضان است بر طاعات خود بیفزایید از آغاز رمضان هر شبی احتمال
لیلة القدر دارد و در نیمه دوم احتمال شب قدر بیشتر است - و در دهه سوم از بیم به بعد حصول
لیلة القدر موکد تر است -

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبہ وسلم درده اول رمضان به اعتکاف نشستند و پسینده
دوم به اعتکاف نشستند - اصحاب هم در دهه اول و دوم به اعتکاف نشستند - رسول اللہ
فرمود من درده اول معتکف شدم و در دهه دوم اکنون دانستم که در دهه سوم احتمالش بیشتر
التسویها فی العشر الاواخر درده روزه آخر رمضان شب قدر را بجوئید در این ماه هر شبی شب قدر
است و در حقیقت شب قدر هر کسی شبی است که در آن شب بتواند رضای خدا را بدست آورد
ایتام را خوشدل نماید ضعیفان را در یابد از قصور خود به انابت آید از هر رفتاری که مایه خشم
خدا باشد دست بردارد مهمترین عاملی که وسیله همه گناهان است امیدهای دنیا له و راست
که هر فردی تصور می کند که سالهای متدادی دیگری میماند همین فکر باعث است که افراد همیشه
بغفلت روزگار را بگذرانند و وقتی بخود آیند که دست شان از همه جا قطع شده باشد -

حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: بَرَدَةُ أَخِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ بَرَدَ عَمَلَهُ فِي رَجُلٍ مِنْكُمْ فَهُوَ فِي رَجُلٍ مِنْكُمْ
که پایش رستگاری بحسن عاقبت باشد -

حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: بَرَدَةُ أَخِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ بَرَدَ عَمَلَهُ فِي رَجُلٍ مِنْكُمْ فَهُوَ فِي رَجُلٍ مِنْكُمْ
زبانهای ما را بر یاد و ادراک کن تا همیشه یاد تو باشد و به خیر و داد -

بجود و کارگزار دستهای بدعا برافراشته ایم و دل‌های به امیدت واداشته ایم. دعای
ما را اجابت فرما و امید ما را محقق گردان مسلمانان را در سراسر گیتی عزت ده و کافران را به نقيمت
دچار گردان.

ای افریدگارِ حیوانات! بیداری و هوشیاری عنایت کن که عاقبت بینی را برساند و طاعت و
انابتی مبذول دار که ما را به عزت و کامیابی رساند آنچه از طاعتت فراهم فرمودی به حلیه قبولش
آراسته دارد آنچه نادانی ما باعث گناه گاری به آن شد از عفو و کرمت آن را محو گردان.

ای مهربانترین مهربانان خواهشهای ما را برآورده گردان و اولی الامر ما را توفیق عطا فرما که
مجری احکام اسلام گردند و عزت اسلام را ببار آورند.

خدایا در این شیوه‌های پر برکت مردگان ما را پیام‌رز و زندگان ما را به نیک نختی دو جهان
برسان و خردسالان ما را نگهدار و مدد کار باش درمی از رحمتت بر روی ما بگشای که همه ما را
در شمار دوستان توید شده است قرار ده.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَعَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۲- ایمان و صلح با هم همراهند پیج علی بدن ایمان در آخر از نش ندارد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۵

قال الله تعالى «إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَنْصُدْكُمْ

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ» آل عمران - ۱۶۰

اگر خدای توانا شمارا یاری کند نیست چیره شونده ای بر شما و اگر خدا دست از یاری تان بکشد پس چه کسی است غیر خدا که شمارا یاری دهد. خدای متعال مردی را یاری دهد که بادوستی با خدای متعال پردازند.

قال الله تعالى: «وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» خدا به دوستی میگیرد صالحان را

ایمان بخدای یکتا موقعی که ایمان واقعی باشد مایه یاری خدا است.

قال الله تعالى «إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» خدای متعال دفاع فرماید از

مؤمنان اما ایمان تنها این نیست که به زبان گفته شود در قرآن هر جا کلمه ایمان ذکر شده است با اعمال صالحات یاد شده است تا برساند که ایمان موقعی ثابت است که مایه کارهای شائسته باشد ایمان و عمل صالح همیشه لازم هم میگردند که ایمان بدون اعمال صالحات نتیجه ندهد و کارهای شائسته بدون ایمان اثری ندارد خدای متعال است که در

برابر نگو کاری جزائی موافق خواهش نگو کار میدهد آنها سیکه از ایمان واقعی به آخرت یقین دارند در برابر نگو کاری خود خوشی دنیا و آخرت را خواهان شوند و افرادی که ایمان با آخرت ندارند در همه کارشان همین دنیا را در نظر میگیرند و بسیاری اوقات افرادی هستند که سوال می کنند که چرا باید کافرانی که کارهای خیر می کنند در آخرت بسوزند و به عذاب جاوید گرفتار گردند؟

اینان نمی اندیشند که آن کافران به عالم اخروی عقیده ندارند و از نگو کاری خود تندرستی و شهرت و بلند نامی خواهانند میخواهند نامشان در مجلات و جرائد و در روزنامه ها و هفته نامه ها و سالنامه از کار آنان تقدیر شود یا جوایز نوبل یا جوایز دیگر بیایند. خدای متعال همین خواسته خودشان را بر آورده می سازد عجیب است که آنها خود طالب جزای اخروی نیستند و به آخرت یقینی ندارند یقین است که از آخرت بهره خمیری ندارند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ وَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ أَخْرَجَهُمْ مِنَ ظُلُمَاتٍ إِلَى نُورٍ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَدْ يُنْكِرُونَ ﴾ الفرقان - ۲۳

و آمدیم بسوی آنچه کرده اند از کارهای که تنها قصدشان شهرت در این دنیا بود و در دنیا بهره خود یافتند اما در آخرت کردارهای شان را مانند ذرات پراکنده در هوا نابود گردانید. خداوند در آخرت افرادی را یاری کند که ایمان به آخرت داشته باشد و در این دنیا افرادی را یاری کند که همگرا از صمیم قلب دوست بدارند. در میان صفت های اجتماعی هیچ صفتی نیست که مانند قهر از یک دگر و بغض و کینه و رزای بهمدگر بدین تر باشد. افرادی می توانند به اخلاق اسلامی متصف باشند که روح گذشت در میان آنها باشد. تیرگی در میان شان دوام نیابد و بجای اینکه

در محظات مرگ دست از تیرگی بکشند در زندگی بخود آیند و دشمنی را کنار بگذارند و بقول شیخ
سعدی رحمه اللہ علیہ:

درخت دوستی نشان که کام دل بیار آرد
درخت دشمنی بر کن که رنج بے شمار آرد

آنانہی کہ ایمان واقعی داشتند نگذاشتند دوستان شان بہ دشمنان تبدیل
شوند۔ قضا را تحلیل و تجزیہ کردند و ہر جا کہ دیدند حق با آنہا نیست دست از دشمنی کشیدند
در مقابل حق خود تا آنجا کہ شرع اجازہ دادہ است بر حق خود پایدار ماندند و بیچگاہ بادوستان
خود سر جنگ دستہ نداشتند در مواردیکہ حق خصوصی است روح گذشت از نشانہ ایمان
داری است و در این زمینہ:

شنیدم کہ مردان راہ خدا
دل دشمنان را نکر دندنگ

ترا کے میسر شود این مقام
کہ بادوستان خلاف است جنگ

وقتی دشمنی شاکستہ است کہ حقی اجتماعی از دست برود و حقوق صنعفا را پایمال گردد۔

وكان صلى الله عليه وسلم! لا ينتقم لنفسه الا ان تنتك حرمة من حرمت الله...
عادت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم نہ بود کہ برای شخص خود انتقام بگیرد اما اگر حق از حقوق
اجتماعی ضایع میشد بخشتم می آمدند و حقوق اجتماعی را احقاق میفرمودند در میان مردمی کہ رشد
فکری نباشد عکس این موضوع است برای شخص خود بہ زمین و زمان بد میگوبند و خشم میگیرند
ولی برای حقوق اجتماعی عدم توجه و بی شعوری بکار می برند در اجتماعهای کہ فکر بہ فقط در خصوص

شخص خود میچرخد و به انحطاط رفتن یک امر مسلم و واقعی است و عزت مند اقوامی هستند که همیشه
 بفکر اجتماع خود هستند. آنانیکه فکرشان محصور بخودشان است مناسبی برای کسینه
 توزی و دشمنی بیکدیگر میباشد. موقعیکه کسینه ورزی بمیان آمد دستور ایمان که خوش بینی
 به برادران دینی باشد از میان می رود و چه اوقات گرانها که صرف عداوت فردی می شود و تنها
 نتیجه اش ضعف و بیچارگی و عقب افتادگی است. رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبه وسلم که
 برای سعادت امت از آنچه مایه ضعف و ناراحتی شان می شود پرہیز داده اند در شوم قمر کردن
 از یک دگر و بریدن از ہمدگر فرمودند.

(در لایحی لمسلم ان یمھرملاً فوق ثلاث لیلای - فانھما ناکبان عن الحق ما دام اعلی
 صرامھما و اذلھما فیئنا یكون سبقه بالفء کفارة له - وان سلم فلم یقبل و رد علیہ
 سلامہ - ردت علیہ الملائکة و رد علی الایمز الشیطان - فان ماتا علی صرامھما لم
 یدخلا الجنة جمیعاً أبداً) - او کما قال (علیہ الصلاة والسلام)

روایت برای پیچ مسلمانی که ترک گوید برادر مسلمانش را بیش از سه شبانه روز
 دو شخصیکه از ہم قهر کرده اند مادامیکه بر ترک یکدیگر باشند هر دو از راه حق منحرف شده اند و
 ہر یک از آن دو پیشتر رجوع کند بسوی صلح و آشتی سبقت گرفتن او بہ آشتی کردن کفاره قمر
 کردن او است اگر سلام کرد و دگری سلام او نپذیرفت و جواب سلامش نگفت فرشتگان
 جواب سلام کنندہ را یدہند و بر آن دیگر شیطان اگر دو کسیکہ با ہم قمر ہستند بر ترک
 یک دگر مردند ہر دو با ہم ہیچگاہ بہ بہشت نروند آن یکی کہ بر حق است بہ بہشت میرود و
 آن دیگر گمانہ و اگر ہر دو پافشاری بر لجابت و سر سختی کرده باشند ہر دو از بہشت محروم
 خواهند ماند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلّم: ﴿لا يحل لمسلمٍ يهجر مسلماً فوق ثلاث

فمن هجر فوق ثلاثٍ فمات دخل النار﴾ . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

روانیت برای هیچ مسلمانی آنکه ترک گوید مسلمانی را بیش از سه روز پس کسیکه بیش از سه روز با برادر مسلمانی خود قهر کرد و موبه دوزخ داخل شده است .

هرگاه قهر کردن میان دو مسلمان پیش آید - بهترین آن دو کسی است که پیش سلام شود -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلّم: ﴿لا يحل لمسلمٍ ان يهجر أخاه فوق ثلاثٍ

ليالٍ يلتقيان فيعرض هذا ويعرض هذا وخيرهما الذي يبدأ بالسلام﴾ . أو كما قال ﷺ

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلّم فرمود: روانیت که شخص مسلمان بیش از سه شبانه روز با برادر خود قهر کند بجای که موقع ملاقات هر کدام رویش را بر طرفی بگرداند و بهترین آن دو کسی است که پیش سلام شود و با سلام کردن آشتی کردن خود را اعلام کند قهر و دوری گرفتن از یک دگر مایه نافرمانی است .

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلّم: ﴿تعرض الأعمال في كلِّ اثنين و

خميس فيغفر الله عز وجل في ذلك اليوم لامرئٍ لا يشرك بالله شيئاً إلا امرأً كان بينه

وبين أخيه شخناء يقول اتركوا هذين حتى يصطالحا﴾ . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلّم فرمود: کردارهای بندگان در هر دو شبانه و

پنجشنبه بر پروردگار عرضه شوند خدای عزوجل در روزهای عرضه شدن اعمال بیامزد برای بنده ای که هیچ شریکی برای خدا نیارده باشد مگر کسیکه میان او و برادرش دل پری باشد که میفرماید این دور از آمرزیدن باز آید تا موقعیکه با هم آشتی کنند دل پری و قهر کردن بیشتر مولود تو قعات بجا و تکبر است و کبر و خود پسندی اساس و مایه هر بدبختی است . کبر آدمی را از سعادت

و نیک نختی باز دارد و از آخرت محروم می گرداند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿إِنَّكَ اللَّهُ الْآخِرَةُ تَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ

لِفَسَادٍ أَوَّلِ الْعَاقِبَةِ لِلتَّقِيْنَ﴾ القصص - ۸۲

آن است سرای جاویدان اخروی که آن را میگردانیم برای مردمیکه قصد ندارند بالا گرفتن خود را بر مردم در زمین و قصد ندارند فساد و تباہی را و عاقبت خیر و فرجام نیک برای خدا ترسان پر میزگار است که از تکبر و فساد پر میزگنند. در این جا سرای جاوید اخروی را برای مردمی دانست که حتی قصد تکبر و فساد را هم ندارند تا چه رسد با عملی کردن کبر و فساد. کسیکه قصد تکبر نمود به اینکه در دل نخود گفت که بالا ترا از مردم قرار دارم خود را از استحقاق عالم اخروی بدر برده است. دوست داشتن اینکه مردم برایش بیخیزند خود نشانه کبر و خود پسندی است.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من أحب أن يتمثل له الناس قيامًا

فليتبوأ مقعدًا من النار» أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

کسیکه دوست میدارد که مردم در برابر او بیخیزند جای خود را در دوزخ آماده بداند. کسیکه نخواهد خودش نشسته باشد و اطرافیانش با احترامش بایستند، همین تکبر را می پروازند. تکبر حتی یک ذره هم مانع نیک نختی است.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا يدخل الجنة أحد في قلبه مثقال

حبة من نخود من كبر.» أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

به بهشت نخواهد رفت کسیکه در دل او هموزن دانه نخود دلی از کبر باشد. و تکبر بطوریکه سرور کائنات تفسیر فرمود:

«الکبریٰ بطر الحق و غلط الناس» (رواه مسلم)

تکبر در نپذیرفتن حق و تحقیر مردم است کسیکه از قبول حق سرزنجی می کند متکبر است
کسیکه مردم را حقیر می شمارد متکبر است - کسیکه خود را برتر از مردم می پندارد متکبر است -
کسیکه قصد فساد دارد و میخواهد آراش مردم را بهم زند متکبر است - همین کبر است که ابلیس را
برای همیشه رانده شده از درگاه خدا ساخت -

در این ماه مبارک که ماه نیکوکاری و اصلاح است افرادی که طالب سعادت و آسایش
خاطر خود هستند که از کدورت بپر هینزند و آنانی که میخواهند از مقبولان درگاه خدا گردند کبریا
و فساد را ترک گویند در این ماه که دو سوم آن گذشته است بکوشید روزه خود را بخوبی پایان
برسانید که روزه این ماه هر روزی از آن اگر ترک شود روزه داری همه عمر آن را جبران نکند -

قال علی و عبد الله بن مسعود رضی الله عنهما من أفطر يوماً من رمضان لایقضیه صوم

التهم -

کسیکه یک روزه از این ماه مبارک روزه داری را ترک گوید همه عمر روزه داری جای
آن یک روز را نمیگیرد -

آنانی که در روزهای گذشته این ماه از تلاوت قرآن غفلت کرده اند یا از انجام
کارهای خیر باز مانده است در روزهای باقیمانده این ماه موقع را غنیمت شمارند در روزه
آخرین ماه احتمال شب قدر بیشتر است - شبها لحظاتی باشد به عبادت بپردازید و
در دوران پس از مرگ وقت طولانی دارد اکنون که فرصتی هست خدا را یاد کنید پر دستکاری
خیر اندیشی تقصیر بگیرید خویش و ندان را خوشنود سازید به مستندان برسید پیش از آن که
همه از دست بدبید و حسرتهای بی شمار ملازم خود سازید اندکی را برای عاقبت

خود اتفاق کنید. بقول سعدی شیرازی:

برگ سبزی به گور خویش فرست

کس نیار و ز پس تو پیش فرست

به فرزندان مردم بنگرید که کدام یک بفکر پدران و اجداد در گذشته خود هستند.

فرزندان شاهم همانند آنان خواهد شد. بقول سعدی:

"دکس مردند و حسرت بردند آنکه داشت نخورد و آنکه کار خیر توانست و نکرد." به گور

مردگان خود بنگرید. ببینید جز تاریکی مطلق و ناتوانی بجد چه دارند پیش از آنکه به روز آنها برسید خیری جاری و یا کاری که ثواب آن پیوسته بشمار برسد. انجام دهید. امروز رضای خدای متعال به اندکی فراهم می شود اما در ساعت مرگ همه دنیا بکار نیاید. اما در حقیقت توفیق عزیز است به هر کس ندهند.

خُدای متعال بر همه چیز توانائی و بردلمای همه آگاهی. آنانیکه دلمای شان از خیر اندیشی مالا مال است توانائی کار خیر به آنان عطا فرما. و آنانیکه از طریق غفلت به زبان خود گام برمی دارند. دلمای شان را از جهان گرفته است دلی عطا فرما که عاقبت بینی باشد و دیده ای عنایت کن که حقائق بین باشد و عملی عطا کن که به عاقبت خیر بیا بخاند.

خُدایا آنچه عطا فرمائی ما را در آن برکت مبدول دار و تمتع از آن عطا کن و آن را وسیله ای برای نزدیک شدن ما به رگاهت قرار ده و آنچه از ما باز دشتی ما را از آن بی نیاز فرما تا همیشه آسایش خاطر و خوشنودی از عطایت همراه و ملازم ما باشد.

پروردگارا اولی الامر ما را به تائید و معاونتت مؤید بدار و سروران و بزرگان ما را موفق فرما و بخرد و بزرگ ما سعادت دو جهان کرامت فرما مردگان ما را به آمرزشت

سرفراز کن و زندگان ما را به لطف و کرمت دلشاد کن .
اَیُّ مَیْیَانِ تَرَبِّیْ مَیْیَانَاتِ تُو دُو سَتِ دَارِ نَدَهٗ عَفُو وَا گِزِشْتِی اَز گِشْتِ اِهْکِن مَآ
دِر گِزِر -

رَبَّنَا اِتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلٰی سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِيْنَ . سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلٰی الْمُرْسَلِيْنَ
وَالحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ه

۲۱- سعادت خلق در عدالت امانت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَعْدُوا بِالْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا. وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ. -

إِنَّ اللَّهَ نِعْمَ الْعَظِيمُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿ - ۵۸ - النساء

محقق این است که خدای متعال بشما امری فرماید که امانت را به صاحبان آنها برسانید و هرگاه داوری نمودید میان مردم به عدل و داد - داوری کنید و دنباله این آیه است که خداوند چقدر خوب بشما اندرزی دهد - خدای متعال پر حکمت و دانش است میداند که در نصائح او چه آسایشها و خوشیها برای شما است - خدا شنوا و بینا است می بیند اگر برخلاف فرموده اش رفتار شد و می شنود اگر برخلاف فرموده اش اظهار شد.

در این آیه آنچه که مایه آسودگی خلق و آسایش اجتماع است بیان گردیده

است -

خداوند بشما دستور میدهد تا امانت را به صاحبان آنها برگردانید - اگر در مسأله ای دو کس بحث داشته باشند هر یک از آن دو که کمتر میداند و وظیفه او است که به داناتری دیگری اعتراف کند و امانت را بصاحب آن برگرداند وقتی که مایه داوری

شده امانت را در نظر بگیرد و آنچه که مقتضای عدالت است اتمام کند.

حفظ امانت و ارجاع آن به صاحبش در هر موضوعی می آید و اگذاری کار به کسیکه شایستگی آن را ندارد و برخلاف فرمان خدا رفتار کردن است کسیکه کاری را که از عهده اش نمی آید تحویل گرفت برخلاف فرمان خدا رفتار کرده و امانت را به صاحب آن نرسانیده است.

کسانیکه کارهای بزرگ به افراد کوچک می سپارند برخلاف فرمان خدا رفتار کرده اند. مردمی که نمایندگی خود را به افرادی می دهند که شایستگی آن را ندارند برخلاف فرمان خدا رفتار کرده اند. بیشتر ناراحتیهای اجتماعی همه مولود همین مخالفت فرمان خداست، این است که اگر به همین آیه رفتار می شد و امانت را به صاحب آن رسانده می شد کارها را به افراد شایسته آن کار داده می شد همه عباد و بلاد راحت می شدند و از اینجاست که خدای عزوجل فرمود محققاً خدا چقدر خوب بشما اندر می دهد و نتیجه این اندرز را می بیند و می شنود اگر به اندرز خداوندی رفتار نکند باید منتظر آسایش و راحت باشید امانت بمعنی سپرده مقتضی است به صاحب آن برگردد مالی که به قرض گرفته می شود امانتی است که باید بر موقع خود به طلب گار مرجوع گردد جنسی که خرید می شود بدی آن امانتی است که باید به صاحبش رسانده شود بیان کردن عیب در جنس معیوب. امانتی است که باید انجام داده شود. و خلاصه امانت داری و عدالت و دادگری دو امر مورد لزوم همگی است و رعایت آن دو نایب آسایش هر اجتماع است از میان انواع مختلف از امانت داری. بدادانی کسیکه توانائی پرداخت بدیهکاری خود دارد از همه ناپسندتر است در سابق قرصهای بدون رنج در همه جا معمول بود و افراد کوفته دست از طریق قرص زندگی خود را روبراه میکردند اما از موقعیکه

بدادانی شروع شد قرض الحسنه یعنی قرضهای بدون ربح مسدود شد و دست کشیدن از افراد مستحق بوجود آورد و در حالیکه آنها نیکه می خواهند از طریق قرض - اموال مردم را اتلاف کنند خود تلف می شوند -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «من أخذ أموال الناس يريد أداءها أدى الله عنه ومن أخذها يريد اتلافها اتلفه الله»
أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)
 رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: کسیکه مال مردم گرفت به قصد پرداخت آن خدای عزوجل میسر و آسان فرماید برای او پرداخت بدینش را و کسیکه اموال مردم گرفت به قصد خوردن و تلف کردن مال مردم خدای متعال او را تلف گرداند اعتبارش برود و به زحمت افتد و به بلاکت رسد -

وعن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «صاحب الدين مغلول في قبره لا يفكته إلا قضاء دينه»
أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)
 بدبکار که بر بدبکاری مرد - در قبر خود غسل بسته است او را باز نمی کند مگر پرداخت بدیش بدبکار بعد از وفات خود منذب است و بدبکار را از عذاب اخروی نرماند مگر پرداخت بدبکاریش -

وعن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «ومن استدان ديناً هو يئوي أن لا يؤديه فمات قال الله عز وجل يوم القيامة أظننت أني لا آخذ لعبدي بحقه فيؤخذ من حسناته فجعل في حسنات الآخرفإن لم تكن له حسنات أخذ من سيئات الآخرفجعل عليه»
أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

کسیکه چیزی را به قرض گرفت و قصد داشت که آن را نپردازد و در حال بدبکاری

مرد خدای عزوجل در روز قیامت به وی فرماید: آیا گمان نمودی که من حق بندگانهم را نمی گیرم آنگاه در برابر بدبکاریش از حسنات و کارهای خوب او گرفته بر حسنات طلبکار او افزوده می شود اگر بدبکاری کسی باشد که حسناتی نداشته باشد از بدیهای طلبکار گرفته بر او گذاشته می گردد تا وقتیکه غرق سنیات شد به دوزخ روانه ساخته می شود. در آخرت همه حساب روی حسنات و سنیات است و بیچاره کسیکه پانداختن حسنات حامل سنیات و بدیهای دیگری گردد بداد اعمالی در بدبکاری و بداندیشی در حقوق مردم چه نزدیک و چه دور باشد تفاوتی ندارد.

فمن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه الصالحين! أيتما رجل تزوج امرأة فنوى أن لا يعطيها من صدقاتها شيئاً مات يوم يموت وهو زان - وأيتما رجل اشتري من رجل بيعاً فنوى أن لا يعطيها من ثمنه شيئاً مات يوم يموت وهو خائن

والمخائن في النار (أو كما قال) (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر مردی که زنی را به زنا شونی گرفت و قصد او این بود که از مهریه آن زن چیزی به آن زن ندهد هرگاه با بدبکاری مرزن درگذشت روز مردنش در حال زناکاری خواهد مرد و با عاقبتی نه بخیر خواهد رفت و هر کسیکه از دیگری چیزی خرید و قصدش این بود که از قیمت آن چیزی نپردازد چنانچه بحال بدبکاری قیمت آن خرید شده درگذشت. روزیکه میمیرد بحال خیانت می میرد و خیانت کار در دوزخ است.

بدبکاری در اسلام همیشه باید با احتیاط باشد کسیکه بدیهی میگیرد هرگاه راهی برای دفای آن دارد بدبکاریش روا است اما کسیکه راهی برای دفای بدیهی خود ندارد و

قرض و بدبکاری بروی حرام است و در موقعیکه کسی بحال اضطرار باشد بدبکاری به حساب قوت ضروری فقط جائز است و آن هم باز مشروط بر امید توانائی و فای آن است قرض هیچگاه خیر نیست.

سعدی گوید: "قرض نستانم اگر وعده قیامت باشد."

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اگر میتی را برای نمازی آوردند میفرمود بدی دارد؟ اگر گفته می شد که بدی دارد می فرموده نماز بخوانید بر او من نماز بر بدبکار نمی خوانم. آنگاه اگر کسی ضمانت می کرد که بدی او را پردازد بروی نمازی خواند در آخر عمر رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قدرت مالی وجود داشت اگر کسی بحال بدبکاری می مرد رسول اللہ بدبکاری او را می پرداخت و نماز بر او می خواند می فرمود: «مَنْ تَرَكَ مَا لَاقِلَوْ دَرَسَتْهُ وَمَنْ تَرَكَ كَلًّا فَإِنَّهُ» -

کسیکه مالی باقی گذاشت برای میراث بران او است و کسیکه بدی یا سر باری باقی گذاشت بر من است که بدشش پردازم و افراد ناتوان بعد او را نگهداری کنم. در حقیقت از بدبکاری و مردن در حال بدبکاری حتی شهادت در راه خدا هم برای رهایی از بدبکاری سودمند نیست.

روی البخاری و الترمذی و النسائی و ابن ماجه عن أبي قتادة رضي الله عنه قال - قال رجل يا رسول الله أ رأيت إن قتلت في سبيل الله صابراً محتسباً مقبلاً غير مدبر يكفر الله عني خطايي فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم! نعم فلما ادبرناه فقال نعم إلا الدين كذلك قال جبريل

مردی بخد مت رسول اللہ آمد عرض کرد یا رسول اللہ مرا خبر ده اگر در راه خدا

کشته شوم در حالیکه سختی آن شکیبا باشم و قصدم رضای خدا باشد در حال رو آوردن به جہاد
 کشته شوم نہ در حال پشت دادن آیا خدا گناہم را می آمرزد رسول اللہ فرمود بلہ۔ موقعیکہ
 آن مرد پشت داد کہ برود اور اصدازد و فرمود گناہت را می آمرزد مگر بدہکاری را جبریل
 این چنین بھن گفت :

کسیکہ روح خود را با ہمہ اخلاص در راہ جہاد فدا کردہ باشد باز ہم گناہ بدہکاری
 و خوردن مال مردم در گردن او است۔ ہمانگونہ کہ بدہکاری ہر گاہ بر مردن در حال بدہکاری
 بینجامد مایہ بدبختی بدہکار و استحقاق عقوبت است۔ ہمانگونہ در ہر روزی بہ بنویایان و
 ہملت دادن بہ آنان ثواب است۔

أخرج الإمام أحمد عن ابن عباس رضي الله عنهما عن رسول الله صلى الله عليه وسلم:
 "من أنظر معسراً أو وضع له، وقاه الله عز وجل من فسيح جهنم۔" (أو كما قال (عليه الصلاة والسلام))

کسیکہ ہملت داد بنویائی را و در طلب کاری خود براو سخت نگرفت یا اینکہ
 انداخت۔ بدہی اور او یا انداخت قسمتی از بدہی اور اخدای غر و جل اور از آتش جہنم نگیرد۔

وروی الامام أحمد ومسلم عن رسول الله صلى الله عليه وسلم: "من أنظر معسراً
 أو وضع عنه أظله الله في ظلّه يوم لا ظلّ الا ظله۔" (أو كما قال (عليه الصلاة والسلام))

کسیکہ بدہکار بنویائی را ہملت داد یا از او انداخت بدبیش را خدا اور در سایہ
 خود آورد روزی کہ بجز سایہ او سایہ دیگری نباشد۔

وروی الامام أحمد وابن ماجه عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم: "من
 أنظر معسراً فله بكلّ يوم مثله صدقة قبل أن يحلّ الدين فإذا حلّ الدين فأنظره فله
 بكلّ يوم مثله صدقة۔" (أو كما قال (عليه الصلاة والسلام))

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود کسیکه مملت داد بنیوانی را و بر او سخت گیری نمود در بدکارش تا موقع که مدت بسر نرسیده است هر روز برای طلب کار بقدر طلبی که دارد ثواب صدقه نویسد و توقعیکه مدت سر رسید هر روزی دو برابر طلب خود ثواب صدقه دارد.

در روی البخاری و مسلم عن حفص بن غنیم قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول إن رجلاً ممن كان قبلكم أتاه الملك ليقبض روحه فقال هل عملت من خير؟ قال ما أعلم قيل انظر قال ما أعلم شيئاً غير أني كنت أبايع الناس في الدنيا فانظر الموسر واتجاوز عن المعسر. فادخله الله الجنة أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود به مردی از مردمیکه پیش از شما بودند فرشته آمد تا جان او را بستاند. فرشته بوی گفت در زندگیت کار خیری کرده ای؟ گفت نه ای دانم به او گفته شد بنگر گفت نه ای دانم چیزی را جز اینکه با مردم داد و ستد داشتم و در داد و ستد معامله تو انگر را مملت میدادم و از بنیوان گذشت می نمودم خدای متعال از بركت همین کار او او را به بهشت برد. نگو کاری در همه کار خوب است. بخصوص درباره بنیوانی که دانسته می شود قصد اتلاف مال مردم ندارند قرض هر گاه برای صرف در راههای خیر باشد و امید و فاد پرداخت آن باشد. از جمله کارهای است که خدای متعال بر آن وعده ثواب عظیم فرمود: **«مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً»** البقرة - ۲۴۵

چپ کسی است که بخدای تو انا قرض دهد قرض الحسنه که باعث چند برابر شدن ثواب او گردد و برای او باشد ثواب بزرگوارانه این قرض دادن بخدا همانا صرف در راههای خیر

است که افرادی استفاده کنند و عین مال قرض برگردانده شود و بارها همای که دارای نفع عام باشد که صرف در راههای نفع عمومی همانا قرض دادن بجای یکتا است آنکسانیکه قرض کنند و مایه تلف کردن مال مردم شوند قرض کردن شان حرام است و قرض دادن شان نادر است و کسانیکه در حال بدبکاری بمیرند مایه عذاب روح خود فراهم کرده اند و کسانیکه بدبکاران ناتوان را تشخیص دهند و از گذشته و یا انداختن قسمتی از بدبسی کوکم آنان در پرداخت بدبسی شان و وسیله ای برای نجات شان از عقوبت گردند ثوابی عظیم دارند مورد خدا قرار گیرند و در حقیقت دنیا محل جزا از جنس عمل است آنانیکه مال مردم ضایع کردند مال خودشان ضایع شد و نابود شدند و آنانیکه ذمت خود را حفظ کردند و به مردم مددگار شدند در اموال شان برکت آمد و در زندگی آسوده قرار گرفتند.

خُذْ اَيُّهَا وَلِهَآءِ اِيَّا رَا پُرْدَه اِي از غفلت فرا گرفته است پرده غفلت را از دلها برداشته فرما و دلها را بصیرتی ده که عاقبت را بسنگ دور و محبتی عطا کن که هر فرد بقصد خیر و صفای نیت رفتار کنند.

بِآيَاتِهَا تَوَكَّرَ اِن رَا بَخْشَائِشِي عَطَا كُن و بنیویان را بزرگواری کرامت دار تا همه از آنچه شایسته شخص مسلمان نیست به دور باشند و بهیگی بر آنچه مایه رضای تو است موفق گردند.

خُذْ اَيُّهَا عَلِي عَطَا كُن که سودمند و روزگاری کرامت دار که حلال و فراوان باشد و از هر بیماری شفا و بهبودی عنایت دار و کرداری بهره گردان که مقبول درگاه تو باشد.

اَفْرِيدْ كَارَا بَارَانِ حَمِيْتِي نَازِلِ فَرْمَا كِه بَنَدِ كَانِ و شهر با آباد گردند بارشی که گوارا و نیک فرجام باشد و دلها را شاد سازد و روزی را فراخ گرداند.

بجود و گارا اولی الامر مارا توفیقی مبذول دار که دین مبین اسلام را می شوند
و بزرگان مارا اخلاصی عطا کن که در راه خیر مردم گام بردارند و به خرد و بزرگ ما
فصل و معونت لطف فرما.

خدا ایام مردگان مارا به رحمت و آمرزشت شاد کن و زندگان مارا گشایشی
در کاره مبذول دار که در زندگی کامیاب گردند. و در پایان این ماه عاقبت خیر و
فرجام نیک بهمگی عنایت کن.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۲۲ - نگذارید دشمنی در میان شما رخ کند

میان تخم‌صین صلاح کنید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» الحج - ۷۷

خدای تعالی فرمود: کارهای خیر انجام دهید تا رستگار شوید

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «مَنْ كَسَفَتْ شَفَاعَةٌ حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا»

کسیکه شفاعت و میانجیگری نماید میانجیگری خوبی و در کار خیر برای

او است بهره‌ از این شفاعت -

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ

أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ مَصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ» النساء - ۱۱۴

خیری نیست در بسیاری از گفتگوهای مردم مگر صحبت کسیکه وادار دین صدقه دادن یا

کار خیری انجام دادن یا صلح دادن دشمنان بهم و آشتی نمودن میان مردم -

بخارج دستکاری در کارهای خیر نرفته است آنانیکه طالب رستگاری هستند -

تا آنجا که می‌توانند کارهای خیر را انجام دهند که طالب خیر هستند - طرق انجام دادن خیر

بسیار است. میانجیگر در بدست آوردن کار برای همکاران - میانجیگری در انجام حجاج مردم -

میانجیگری در واداشتن به صدقه و واداشتن بر کار خیر تلاش و سعی برای اصلاح میان مردم حل مشکلی از مشکلات مردم دفع ناراحتی از مسلمانی - کوکب بموقع فروماندگان و غیر اینها کار خیر و مایه رستگاری است چه بسیار افراد که می توانند در میانجیگری در راه خیر ثواب فرادان بدست آورند اما همت آن را ندارند و چه بسیار افرادی که می توانند بار سنگینی از بارهای معیشت را از دوش مسلمانی سبک کنند نمی کنند بفرمان مسلمانان بودن به کوکب مسلمانان بر خاستن اینها نزدیک ترین طرق رستگاری است. در بین کارهای خیر انجام جوان مسلمان از بهترین کارها است -

قال رسول الله صلى الله عليه واله وصحبه وسلم (المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يظلمه من كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته ومن فرج عن مسلم كربة فرج الله عنه بها كربة من كرب يوم القيامة ومن ستر مسلماً ستره الله يوم القيامة) - أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: مسلمان برادر مسلمان است به برادر خود قسم نمیکند و برادر خود را تسلیم ناراحتی نمی نماید کسیکه در حاجت برادرش گام بردارد خدای تعالی در انجام حاجت او است. کسیکه بفرمان انجام دادن حاجت برادرش باشد خدای تعالی حاجتها می او را بر آورده فرماید کسیکه بر مسلمانی گشایش نمود تا او را از سختی برهاند خدای تعالی در برابر هر گشایشی که برای برادر مسلمانش می آورد گشایشی از سختیها در قیامت بر او فرستد و کسیکه نگذاشت حال مسلمانی کشف شود و از مساعدت و معاونت خود ستر حال او نمود خدای تعالی از رحمت خود او را ستر نماید و نگذارد که حال او کشف شود -

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَفَسَ عَنْ مُسْلِمٍ

كوبه من كرب الدنيا نفس الله عنه كربة من كرب يوم القيامة ومن يسر على معسر يسر الله عليه في الدنيا والآخرة ومن ستر مسلماً ستره الله في الدنيا والآخرة والله في عون العبد ما كان العبد في عون أخيه ومن سلك طريقاً يلتمس فيه علماً سهل الله له به طريقاً إلى الجنة وما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله تعالى يتلون كتاب الله ولا يتدارسونه بينهم إلا نزلت عليهم السكينة وغشيتهم الرحمة وحققهم الملائكة وذكروهم الله فيمن عنده ومن بطأ به عمله لم يسرع به نسبه.

أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود: کسیکے برداشتے ساخت از مسلمانان سختی از سختیہای دنیا خدا برداشتے سازد از سختی از سختیہای روز قیامت و کسیکے آسان گرفت بر بنیوائی و در برابر طلب خود رازیر فشار قرارند او خدا آسان گیرد بر او در دنیا و آخرت و کسیکے ستر حال مسلمانان نماید خدا او را ستر نماید در دنیا و آخرت و خدا در کوکب بندہ است۔ تا موقعیکے بندہ در کوکب برادرش می باشد ہر قدر کسی بیشتر در کوکب برادرانش باشد خدا او را بیشتر کوکب فرماید۔ و کسیکے گرفت را ہی را کہ در آن را بہ علم و دانشی برسد خدا از برکت گرفتن راہ علم را بہشت بروی آسان سازد و ہر مردمی کہ در مسجدی از مساجد گرد آید تا کتاب خدا قرآن را بخوانند و بہ دلسرستی بہ نوبہ خواندن و فہم کردن آن مشغول شوند آرامشی برایشان فرود آید و رحمت خدا ایشان را در برگیرد و فرشتگان ایشان را در میان گیرند و خدا آنان را در کائنات نزدیک نزد او است یا دکنند و کسیکے عملش او را بہ کنندی و عقب افتادگی کشانید بیش بہوی نمی شتابد و او را بجلو نمی اندازد۔

در این حدیث پیدا است کہ رفتار خدا بہ ہر بندہ ای برابر رفتار بندہ یا برادران خود

راست کاینکه می خواهند در زندگی دچار سختی نشوند موقعیکه سختی به برادری رسید سختی را از او بردارند. آنا نیکه می خواهند خدا برایشان آسان گیرد بر برادران خود آسان گیرند. افرادی که می خواهند در این دنیا راسوا نشوند ستر حال مسلمانان نمایند و نگذارند که سختی های باعث پد سختی برادری گردد. ستر حال مسلمانی در دنیا مایه ستر حال در دنیا و آخرت میگردد و همیشه خدا بکوک بند ه ای است که در کوک بندگان خدا باشد گرفتن راهی که مایه بدست آوردن علم و دانش باشد مایه آسان شدن راهی برای رسیدن به بهشت است.

گرد آمدن افراد در خانه ای از خانه های خدا بقصد خواندن قرآن و ندرسه آن - مایه آرامش خاطر و نزول رحمت و احاطه فرشتگان و مورد مهر خدا قرار گرفتن است این دین دین عمل است همانگونه که علم پدر نفعی برای فرزند می که فایده علم پدر است ندارد بزرگی پدر و عظمت نسب او اثری بر فرزند می که فایده عمل پدر است ندارد - مدارسه قرآن معنائش فهم کردن قرآن است آنچه معروف و متعارف میان مردم است اگر نامه های به کسی سپرده شود که بخواند و از او پرسیده شود نامه را خواندی اگر بگوید نامه را خواندم اما موقعیکه از او پرسیده شود در نامه چه نوشته بود بگوید نمی دانم کسی می گوید که او نامه را خوانده است؛ اگر کسی روز نامه ای را چند بار مطالعه کند اما موقعیکه از او پرسیده شود در روز نامه چه خبری نوشته بود اگر بگوید نمیدانم - کسی باور نمیکند که روز نامه را خوانده باشد زیرا قصد از خواندن دانستن است -

از مدتی است که قرآن اصولاً برای فهم خوانده نمیشود و در حقیقت بعض افراد بطوری به سرعت می خوانند که احتمالاً حتی قرارت هم بدستی انجام نمیدهند و موقعی که از آنان پرسیده میشود که این چه نوع خواندن است - می گویند که می خواهند این قدر ختم کنند قرآن را

برای فهم نمی خواهند برای فهم می خوانند چه نتیجه ای از این خواندن بدست می آید جز بی اعتنائی به قرآن و دوری از آن چه بسیارند افرادی که قرآن را می خوانند اما چقدر اند آنها نیکه قرآن را می دانند و اندک تر از آنند که قرآن می دانند و به آن عمل می کنند و خواندن قرآن برای فهم عمل بر آن میدانند خدای متعال در این قرآن سیرت گذشتگان نجات راه یافتگان هلاک گم گشتگان آدمی به چه منظور خلقت شد برای چه مقصدی فرستاده شد رسالتش چیست از چه راه میتوان به نیکختی دو جهان رسید مسأله ای که بزرگترین مغز متفکر در باره آن دامانده است در این کتاب آسمانی خیلی ساده تعبیر در روشن شده است

اگر آدمی برای این بود که بخورد و بکار برود و برگردد و غذا بخورد و بکار برود و برگردد و خوراک بخورد و بخوابد و هر روز این اعمال را تکرار کند هیچ تفاق میان آدمی و حیوان نبود آدمی برای جاوید ماندن است در این دنیا که گشتزار آخرت است فرستاده شد تا آماده سرای جاوید شود و هر روزش بهتر از روز پیش باشد و دست آخر از صفارنیت و درستی عمل و طاعت خالق و خدمت بخلق و در مصارف فرشتگان و در فرموده سرور کائنات صلوة اللہ و سلام علیہ: «کل یوم لہ اذد فیه قراباً فلا بورک لانی شمس ذلک الین» . او کما قال

هر روزی که در آن روز از روز پیش بخدا نزدیک تر نشوم برکت میفکند. برای من در آفتاب آن روز - — در حقیقت هر روزی که آفتاب طلوع می نماید آدمی را در آن روز و اجباتی است -

قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و صحبہ وسلم (کُلَّ سَلَامٍ مِنْ النَّاسِ عَلَیْهَا صَدَقَةٌ كُلَّ یَوْمٍ تَطَّلِعُ فِیهِ الشَّمْسُ تَعْدِلُ بَیْنَ الْاِثْنِیْنِ صَدَقَةٌ وَ تَعِیْنُ الرَّجُلَ فِی دَابَّتِهِ فَتَحْمَلُهُ عَلَیْهَا اَوْ تَرْفَعُ لَهْ عَلَیْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ وَ الْکَلِمَةُ الطَّیْبَةُ

صدقة وبكل خطوة تمسيها الى الصلوة صدقة وتميط الاذى عن الطريق صدقة

(متفق عليه) . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

هر روزی که آفتاب طلوع می کند هر پیوندی از پیوندهای مردم را صدقه ای لازم است . در دوری میان هر دو کس که از روی عدالت انجام دهی صدقه است . در کمک شخص که بر سوارش سوار شود یا بار خود را بر آن نهد صدقه ای است گفتار خوب و حرف خیر صدقه ای است . هر گامی که برای رفتن به نماز بر میداری صدقه ای است . هر فری از که از راه مردم دور میداری صدقه ای است . گفته اند جمله پیوندهای بدن . هر فری از آدمیان سیصد و شصت پیوند است . موقعیکه بر هر پیوندی از پیوندهای بدن صدقه ای است . هر روز سیصد و شصت کار که هر کدام حکم صدقه داشته باشد باید انجام دهد آسان ترین آنها همین گام برداشتن برای نماز در مساجد است که در پنج وقت مقدار بسیاری گام برداشتن است . در گفتار خیر که برای آشتی دادن در متخاصم باشد حتی گفتاری که برای نزدیک کردن آند و است و اگر چه دروغ باشد تجویز شده است .

يقول رسول الله صلى الله عليه وسلم ليس الكذاب الذي يصلح بين الناس

فینمی خیراً أو يقول خیراً (متفق علیه) . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

در دروغگو نیست کسیکه آشتی داد و کس را و برای این منظور خبر خوبی را آورد یا گفتار خیر گفت . شخص مسلمان باید گفتارش خیر باشد و کردارش خیر باشد مسلمان نباید سوگند بزرگ کردن کار خیر یاد کند .

سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم ، صوت خصوم بالباب عابثية اصواتها

وإذا أحدهما يستوضع الآخر وليستر فقهه في شئ وهو يقول والله لا أنعل فخرج عليها

رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال أين المتأذى على الله لا يفعل المعروف. فقال

أنا يا رسول الله فله أخذ لك أحب ^{٤٤} (متفق عليه) . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم آواز دو کس را بر در خانه شنید که با هم خصومت داشتند آواز را خیلی بلند کرده بودند یکی از این دو آواز دیگری میخواست تا چیزی از بد هر کاری او کم کند و او را به مهر و رحمت در باره خود دعوت میکرد و آن دیگری می گفت نه قسم بخدا چیزی کم نمی نمایم -

رسول الله صلى الله عليه وسلم بسوی آند و بیرون آمد و فرمود: کجا است آنکه قسم بنام خدا یا می کند که کار خیر نکند آن مرگفت من بودم یا رسول الله برای اوست آنچه محبوب تر است بسوی او چه صبر کردن بخوابد و چه انداختن از بدی او رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم از قسم خوردن بر نکردن خوبی منع فرمود و یاران خود را تشویق میفرمود تا همیشه در حاجات مردم شفاعت کنند -

عن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه قال كان النبي صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم إذا أقال طالب حاجة أقبل على جلسائه فقال اشفعوا تؤجروا ويقضى

الله على لسان نبيه ما أحب ^{٤٥} (متفق عليه) . أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

ابو موسی اشعری رضی اللہ تعالیٰ عنہ می گوید هر گاه صاحب کاری بخد مت رسول می آمد رسول اللہ و در پیشی های خود می نمود و میفرمود: میا بجگری کنید تا اجرا یابد و خدا بر زبان پیغمبرش جاری می فرماید آنچه را که دوست میدارد -

اکنون که ماه مبارک رمضان است - در انجام حوائج ضعفاء بکوشید در فعل خیرات کوشش کنید -

عن ابن عباس رضی اللہ عنہ کہ کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اجود الناس
 وكان اجود ما يكون في رمضان حين يلقاه جبريل وكان يلقاه جبريل في كل ليلة من
 رمضان فيدارسه القرآن فلرسول الله صلى الله عليه وسلم حين يلقاه جبريل اجود
 بالخير من الريح المرسلة ﴿﴾ (متفق عليه)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم بخشندہ ترین مردم بود در کرم و کثادہ دستی
 در راه خیر نظیر نداشت و بخشندہ ترین موقع در ماہ رمضان ہنگام ملاقات با جبریل بود.
 جبریل ہر شب از ماہ رمضان رسول اللہ را دیدار میکرد و رسول اللہ محققاً موقع ملاقات
 با جبریل از بادہای وزندہ ہم در راه خیر بخشندہ تر بود۔

اگر آن بخشندگی مقدور نیست اقلکاری کنید کہ روزہای روزہ داری با غیر آن متفاوت
 باشد اثر روزہ و زکوٰۃ کاری و کار خیر ظاہر گردد در روزہ داری انسان خود را از خوراک و آب
 میگیرد و تائبہ مستحقین برساند نہ اینکہ تلانی روز را شب نماید و موقع افطار کاری کند کہ حتی از موقع
 بی روزگی بیش خورد در روزہ صفای دل و شادی روح و اخلاص عمل بدست آید در روز
 رسیدن بہ فقر خوشنود کردن ارحام شادمان ساختن ایتم و نجوش کردن بیمار ان دعای
 خیر ہمہسایگان بدست آورد خدائے متعال ہنگی مان را موفق فرماید کہ توفیق از اوست۔

خدا یا ما را توفیق دہ تا در ہر علمی فہم آن را وجہ ہمت خود قرار دہیم و موقعیکہ فہم بدست
 آمد عمل را بہ اخلاص آراستہ داریم و ہنگامیکہ اخلاص نصیب شد رضای تو بدست آوریم۔
 خدا یا دلی عطا کن کہ انابتش بسوی تو باشد و روحی ارزانی دار کہ شادمانتیش
 در طاعت تو باشد و زبانی کہ یاد تو مشغول شاغل آن باشد و علمی کہ نیک بختی دو جہان
 را بار آورد۔

خُدايَا با همسران و فرزندان ما را مایهٔ روشنائی چشم ما قرار ده تا پاکدامنی ملازم ما باشد
و سپاس تو در دل و زبان ما باشد -

پیر و زدهٔ گاو و روزی ما از حلال و فراوان بگردان تا از نیاز لبوی غیر تو بی نیاز شویم -

افزیدگارا از تو خواهم پرهنرگاری در راه راست و پاک دامنی و توانگری -

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْرُ الْأَبْرَارِ تَأْسِدُ دِينَ مَبِينٍ تَوْفِيقُ دَهْ وَسُورَانِ وَبِزُرْكَانِ مَا رَأَى
نیکیان ما بگردان و خرد و بزرگ ما را بر ایمان صحیح و اعمال صالحات مواظبت ده -

خُدايَا مردگان ما را به کرمت بیامرز و زندگان ما را به حمایت از آنچه در دنیا
و با آخرت مایهٔ بیچارگی شود حفظ فرما و ما مسلمانان را در سراسر جهان نصرت ده و به عاقبت
خیرت و گردان -

رَبَّنَا إِنِّي فِي الدُّنْيَا حَنَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَنَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَكَفَى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمٌ عَلَيَّ سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَصَلَاتِهِ وَالصَّالِحِينَ . سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۲۳- احوال قیامت از نظر دوزندارید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تعالى ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَن خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ
ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا
لِأَجَلٍ مُّعَدُّودٍ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ سُقِيَ
وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَعَنِ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ﴾ (هود- ۱۰۶)

در حقیقت در آنچه می‌آید از عواقب تلخ گذشته‌گانی که برخلاف فرمان خدای راه رفتن نشانه این است برای کسیکه از عذاب خدا در آخرت بترسید. آن روزی است که مردم همه در آن گرد آیند و آن روزی است حاضر شده و دیدنی آن روز را به تاخیر انداختیم برای مدت اندکی روزی که می‌آید کسی نمی‌تواند سخن بگوید مگر به اذن خدا در آن روز مردم بر دو قسمند بد بخت و نیک بخت. اما آنانی که بد بختند رسیدن به دوزخ نصیبشان شد. برای شان است در دوزخ. نفس فرو کشیدن دوزخ و نفس بیرون دادن آن. خدای عزوجل ترس از خود را نشانه ایمان قرار داد. تا ترس از خدا تعالی اساس ایمان و وسیله نجات و مایه نیک بختی گردد عقوبتی که خدای متعال مقرر داشت.

با هیچ عقوبتی در دنیا قابل مقایسه نیست در دنیا چون مرگ فقط کیبار است و عقوبت وقتی شدت یافت منتهی مرگ میشود و عقوبت پایان می‌آید. اما در آخرت چون

مرگ و جو ندارد. هر فردی آرزوی مرگ می کند و نتیجه نمیدهد. اگر در دنیا با اینکه استنش سوزی از همه انواع تعذیب سخت تر است. اگر در دنیا آدمی طاقت یک ساعت سختن داشت. شاید بجا بود اگر مرتکب معاصی می شد اما در حالیکه انسان حتی لحظه ای سختن هم تاب نمی آورد و درون کاری که به آتش بکشاند از عقل به دور است تصور اینکه روز قیامت چگونه روزی است. در آغاز آیه نامبرده: ذلک یومٌ مجموعٌ له الناسُ — آن روزی است که همه مردم از آغاز خلقت تا پایان دنیا همه در یکجا گرد آیند بیان شد در همین دنیای امروز دانشمندان سرمایه و هراسانند که هفت صد سال دیگر اگر جمعیت دنیا این چنین پیش برود جای ایستادن بر روی این زمین برای کسی نمی ماند.

پس موقعیکه همه افراد بشر و غیر بشر گرد آیند و آنهم افرادی که آغاز خلقت تا روز قیامت آمده و رفته اند. تصور اینکه مردگان تازه زنده شده سعی دست از همه چیز برسانند از همه چیز. از لحاظ جا. در ازدحام و از لحاظ محل ایستادن در زحمت ترسهای متنوع که همین نداشتن فرجام کار خود از بزرگترین ترسها را تشکیل می دهد مخصوص که کسی رایازی صحبت و سخن نیست زبانها بند آمده و چشمها بیرون آمده و دلهای دیوانه وارد ریب و تاپ اندیشه با پریشان و مناظر همه هولناک طول و قوت باختگی جان نگاه و برهنگی و ناتوانی با گرمی آن ازدحام همه را عرق ساخته است.

تصور چنین موقعی چقدر دهشت آور است تصور میدانهای پهناور جنگ آتشی توپ و بمب و تانک و غرش بمب افکنها با اینکه در حد اقصایش بر گ می کشند مرگی که در لحظاتی پایان می پذیرد تصورش چقدر و خراش است و شنیدن نعره های تکبیت زدگانی که قربانی جنگ های بی اساس می شوند. دل با آب می سازد. چه رسد به روزی که حساب کار

از حساب روز و ماه بیرون است.

می گویند زمین ما جابجایی دارد که فاقد آب و گیاه است. اگر بشری در آنجا زندان شود تا از برهنگی و خشکی و گرسنگی و تشنگی ببرد در حالیکه نه از دحام باشد و نه ترسی دیگر چه صورتی در ذهن آدمی ایجاد می کند. چه رسد به صورت اجتماعی که همه ناشناس و هر یک در بهراس از مال و متاع دنیا خبری نه از زور و قدرت زورمندان اثری نه همه همانند هم بیچاره و گرفتار و در بهراسند اگر کسی تصور آن روز بنماید تصورش هم هولناک است. اگر چنان منظره ای نبود هیچگاه تصویری رفت که تمام پیغمبران و همه خردمندان بر آن اتفاق کند آنگاه چه قدر تفاوت است. تصور چیزی در ذهن. تا دیدن واقع آن تصویر میدانهای جنگ های هولناک. هیچ گاه قابل مقایسه نیست با دیدن و واقع شدن در آن و از آتشیهای آنها بهره مند شدن.

تصور بیماری هیچگاه پنج و تاب بیماری را نمی رساند. تصور گرسنگی که به مرگ منتهی می شود تا لحظاتی که شخص گرسنه به آن حد را دست می دهد که از حول جان گوشت جان خود می برد و می خورد خیلی متفاوت است.

چنان روزی در پیش است. خبر دهنده از آن کسی نیست که گفتارش شک و تردید آید چرا اگر نباید از طریق احتیاط که شده باشد از عواقب هولناک آن پرهیز شود. اگر پیش گونی هوشناسان خبر دهد که سرمایه مهلک در پیش است که تنها کسی بسلا می ماند که همه وسائل نگهداری خود از سر داده داشته باشد. اگر چنین خبری برسد هر قدر هم بر آن یقینی نباشد مردم برای تهیه اسباب جلوگیری از سرمای شتابند. خدا ی عزوجل برای نجات از چنان روزی همه خبرهای راست و واقعی به بشر

رسانده است. با آنکه مقدمه آنها قابل انکار نیست.

چرا نباید برای پرهنیز آن احتیاط های لازم را معمول داشت. مقدمه سفر آخرت مرگ است آیا چه کسی میتواند در مرگ شک و تردید بسیار و با بعد مرگ هم همانند مرگ محقق و واقعی است. مگر برای نجات از خطرهای آن روز. چه کار سنگینی به گردن آدمی گذاشته است. اینک و اجباتی که مایه سعادت تان است و شیرینی زندگی خودتان در آن منظور است. میتواند آنرا سنگینی دانست اگر از زندگی از یک حرام در برابر صد برابر آن حلال پرهنیز داده شده چه سنگینی دارد در حقیقت با این همه مهر و عطوفت پروردگار هر سیکه نعمت های او را نادیده بگیرد و از موارد ششم او ترسد به دست خود را به هلاکت کشانده است.

دنیای همه اش جای ترس است. زندگی که مرگ در پی دارد و صحتی که بیماری در عقب دارد. فردائی که ناپسند است سر نوشتی که در اختیار بشر نیست و فرجائی که نامعلوم است نفس های که شمرده است. و روزهای که همه تقسیم بندی عمر است و عملهای که در حساب است و گفته های که همه مورد بازپرسی است.

یکی از اسباب بیماری همین بحساب نیاموردن زبان و گفته های آن است در حالیکه همین کلمات پایه و مایه کارها است بیک کلمه شخص مسلمان می شود و به یک کلمه به کفر می رسد به یک کلمه زن بر شوهر حلال می شود و به یک کلمه بر شوهر حرام می شود و به یک کلمه نماز بسته شود و به یک کلمه نماز پایان می یابد به یک کلمه داد و دستها بسته می شود و یا فتح میگیرد و به یک کلمه آدمی به سعادت میرود و به یک کلمه شخص به روزیخ میرسد همه اینها روی یک کلمه می چرخند کلماتی که آدمی بر آن هیچ حسابی نمی بیند همه کارها بر آن است. سر نوشت آدمی را آغاز عمر تا لحظه مرگ همه اش چهار کلمه است.

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ: وَهُوَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ أَنَّ أَحَدَكُمْ يَجْمَعُ خَلْقَهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَظْفَةً ثُمَّ يَكُونُ عِلْقَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ مَضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يُرْسَلُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ فَيَنْفِخُ فِيهِ الرُّوحَ وَيُؤَمِّرُ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ يَكْتُبُ رِزْقَهُ وَاجَلَهُ وَعَمَلَهُ وَشَقِيٌّ أَوْ سَعِيدٌ فَوَالَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِنْ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيُفِيدُ خَلْطَهَا وَإِنْ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيُفِيدُ خَلْطَهَا ^(مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ)

عبداللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ گوید رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم با خبر داد و ایشان راستگو و تصدیق شده از طرف فرما، مستند فرمود جمع کرده شود خلقت ہر یک از شما در شکم مادرش در حالیکہ چہل روز آب نطفہ است و چہل روز پارچہ خوئی است، ہمانند کر می زالو مانند چہل روز پارچہ گوشتی است۔ بقدری کہ میتوان آن را مضغ کرد و زیر دندان جوید پس از یکصد بسیت روز کہ دوران نطفگی و خون و گوشت و استخوان و صورت بندی و تقسیم اعضا فر گرفت و آمادہ حیات گردانیدہ شد فرشتہ ای بسو او فرستادہ شود تا روح را در وی بدد و فرشتہ ای کہ روح و جنین می دد ما مور می شود چہار کلمہ در بارہ جنین بنویسد کہ این چہار کلمہ ہمہ سرنوشت ادر اتار و زمرگ میرساند این سرنوشت و تعیین آن در موقعی است کہ ہمہ نبی آدم در آن حالت در جہل مطلق ہستند چہ کسی است کہ موقع بودن در شکم مادر بیاد داشتہ باشد۔
 چہ کسی است کہ آغاز خلقت خود را دانا بودہ باشد۔

چہ کسی است کہ روز پایان خلقت خود را قبلادانستہ باشد۔

وجود ہر کس بہ وجود نطفہ ای بی شعور بستگی دارد۔ وجود نطفہ بوجوہ دُخون و نطفہ در پدر و مادر بہ وجود دُخون جد و نیا بستگی دارد چہ کسی این مواقع را تدبیر کرد وہ فرمودہ
پروردگار ﴿ اَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ اَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ ﴾ الطور - ۳۵

آیا آفرید شدند بدون چیزی کہ خلقت شان را تدبیر کند و یا اینکہ خود شان با آنہمہ جہالت بحال خود خالق خود شدند۔ آن خدای یکتا است کہ در آن احوال دین شرائط خلقت آدمی و مقدرات اورا تدبیر فرمود۔
نوشتن چہار کلمہ از سر نوشت بشر و آنہم در کم مادر بر دست فرشتہ انجام گرفت۔
ہنوز کہ ہنوز است اطبا نمیدانند چہ عالمی پیش می آید کہ قلب برای اولین بار در جسم کودک بہ ضربان و طپش می آید۔ اما در حدیث این عامل را روشن ساخت فرشتہ فرستادہ
چہار کلمہ؛

روزی تنگ و یا فراخ۔

مدت عمر کہ کوتاہ و یا دراز است۔

و عمل کہ نیکی یا بدی است۔

و پایان کار کہ نیک بختی و یا بد بختی است۔ می نویسند تا نہ نکو کار بدون دانستن

فرجام کار از اعمال نیک خود بہ غرور افتد و نہ بدکار بدین دانستن پایان خود از اعمال بد خود
مایوس گردد۔ ہمیشہ در اجابت بروی ہر دو باز باشد سعادت مند پیوستہ خواہان حسن عاقبت
باشد و شقاوت مند ہمیشہ توفیق بریدن از بدی و پیوستن بہ نیکی نخواہد آنگاہ فرمود:

قسم بخدا اینکہ بہیچ معبودی بحق بجز او نیست کہ ممکن است یکی از شمار رفتار

بهشتیان را در پیش گیر دانا دست آخر موقعیکه میان او و بهشت فقط یک گز فاصله باشد به عاقبت نه بخیر راه دوزخیان را بگیرد و پایان خود بر بدبختی نماید و اینجاست که سر نوشت نوشته شده خود را به ثبوت رساند و یاکمی از شمار قنار دوزخیان را در پیش گیرد موقعیکه میان او و دوزخ فقط یک گز فاصله باشد دست آخر عاقبت بخیر او ظاهر شود و راه بهشتیان را در پیش گیرد و پایان خود بر نیک بختی نماید آدمی که خلقت او در دست خداست زندگی و مرگ او با خداست، رزق و روزی او از خداست و کار و فرجام کارش همه در ید قدرت خدا شائسته است که همیشه بیم و ترس از خدا ملازم حال او باشد و همیشه روی دلش بسوی خدا باشد تا آزیاری خدا بر همه بیمها و ترسها فائق شود و از فرجام نیک و عاقبت خیر نیک بخت دو جهان گردد.

در عبادت های اجتماعی و دعای صاحبان بهترین منبع سعادت آدمی است کیکه نمازی خواند دعای همه نماز گزاران در همه جای دنیا شامل حال او است. ترس از خدا عز و جل سر آمد حکمت است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم «رأس الحكمة مخافة الله»
 سر آمد حکمتها ترس از خداست.

وعن النعمان بن بشير رضى الله عنهما قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم يقول: «إن أهل النار عذاباً يوم القيامة لرجل يوضع في أخص قدميه جمرتان يغلي منهما دماغه ما يرى أن أحداً أشد منه عذاباً وإنه لأهوهن عذاباً.» (متفق عليه)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود. کمترین مردم در عذاب روز قیامت کسی است که در زیر پای او دو آخگر از آتش باشد از آن دو آخگر مغز او بجوشد و تصویر

نماید که ازا و معذب تر و سخت تر در عذاب نباشد در حالیکه کمترین عذاب دارد و عجیب این است که هر آتشش در دنیا و ارضی روشنائی است و آتشهای آخرت فاقد روشنائی است .
 قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: أوقد على النار ألف سنة حتى احمرت ثم أوقد عليها ألف سنة حتى ابيضت ثم أوقد عليها ألف سنة حتى اسودت فهي سوداء مظلمة ۴۴ ————— في كتاب الترمذی و كما قال عليه
 افرخته شد آتش دوزخ هزار سال تا سرخ شود و هزار سال دیگر افرخته شد تا سفید گشت و هزار سال دیگر افرخته شد تا اینکه سیاه شد پس آن سیاه تاریک است .

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: والله لو تعلمون ما اعلم لضحكتم قليلا ولبكيتم كثيرا و ماتلذذتم بالنساء على الفرش و لمخرجتم إلى الصعدا تجأرون إلى الله تعالى ۴۵ ————— دوا الا الترمذی أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود قسم بخدا اگر میدانستید آنچه را که من میدانم بر آینه نمی خندید و یا اندکی میخندیدید و میگریستید بسیار و از زن و فرارش لذتی نمی بردید و بیرون میرفتید در راهها و معابر و بفریاد و استغاثه می پرداختید . سیکه ایمنی در آن روز بخوابد و راحت امر و زهر و دوزخ ترس از خدای متعال است .

قال الله تعالى ﴿وَلَيْنَ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ (الرحمن - ۴۶)

و برای سیکه از خدا ترسید و دوزخ است .
 بهشتی در دنیا که خدا ترس را از بلاها و شر نگه میدارد و بهشتی در آخرت که خدا ترس را از آتش و احوال آخرت نگه میدارد .

خدا ایما درمی از ترس خود بردلماهای ما بکشای که ما را از نافرمانیت نگمدارد و به طاعت

و ا دارد -

بجزورد گادا زبان ما را بایادت موفق بدار و به گفتار خیرش و ادارتا همیشه در طاعت تو

بچرخد و بیاد تو تر باشد -

افزاید گادا عملی عطا کن که مقبول در گاهت باشد و به نیک فرجامی بکشاند -

بَارِ الْهَادِيَةِ اى عطا کن که عاقبت بین باشد و شنوائی ما را در شنیدن فرمانت
بکار برد و فکر و اندیشه ما را در سپاس و ستایشت بکار برد دلماهای ما را از محبت مالا مال کن و
زبان ما به حمد و ثنایت و ادراکن و عاقبت ما را بنحیر گردان -

خدا ایما هر نعمتی که به از زانی داری توفیق شکر بر آن را با عطا کن و برکت در آن را
به از زانی دارد و تمتع از آن را بهره ما گردان

بَارِ الْهَادِيَةِ اولى الامر ما را در طاعتت مؤید بدار و سروران ما را به اجراء فرمانت موفق
بدار و خرد و بزرگ ما را به خوشی دو جهان کامیاب گردان -

بجزورد گادا باران رحمتی نازل فرما و بارش پر برکتی بفرست که بندگان و شهر بار را
شاد و آباد گرداند -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ . سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۲۴ - تو انگر باید در راه خدا انفاق کند جزاء از جنس عمل است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ
رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾
الطلاق - ۷

باید مصرف کنند آنانیکه صاحب فراخی روزی هستند از فراخی روزی شان -
و کسیکه روزیش بروی تنگ باشد مصرف کند از آنچه خدا به او داد خدا تکلیف نفرماید
کسی را مگر به آنچه بومی داد. این آیه در خصوص مصرف بر دو بستگان است پروردگار متعال
به کسانی که روزی فراخ دارند دستور داد تا بر بستگان خود از فراخی روزی خود انفاق کنند و
بدانند کسانی که فراخی روزی نصیب شان شده است و اجب شان در باره همسر و
فرزندان و بستگان شان گشاده دستی است اما آنانیکه به تنگی روزی دچارند بحساب
توانائی خود انفاق کنند که خدای متعال و اداری فرماید مگر انفاق بحسب توانائی خدای متعال
هر کس به حساب آنچه خدا به او داده است مکلف می دارد آنانیکه توانائی دارند و دو بستگان
خود را در تنگی میگذارند خلاف فرمان خدا نموده اند و به اسراری که خدای متعال در
انفاق بر دو بستگان قرار داده است جاهلند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: دينار أنفقته في سبيل الله ودينار أنفقته في ربة ودينار تصدقت به على مسكين ودينار أنفقته على أهلك أعظمها أجراً الذي أنفقته على أهلك ۴۴

(رداه مسلم) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود دیناری که مصرف نمودی در راه خدا و دیناری که مصرف نمودی در آزاد کردن گردنی و دیناری که صدقه نمودی بر مسکینی و دیناری که مصرف نمودی بر اهل و و ابستگانت از همه بزرگتر و ثواب همان دیناری که مصرف بر اهل و و ابستگانت نمودی. برای اینکه انفاق در راه خدا یا در آزادی گردنی یا صدقه بر مسکین اگر شخص اینها را انفاق نکرد دیگری آن توفیق را می یابد اما ابستگان شخص اگر بر آنها انفاق نکند ضائع می شوند.

وعن سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه ان رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم قال له: وأنت لمن تنفق نفقة تبتغي بها وجه الله إلا أجرت بها حتى ما تجعل في امرأتك ۴۵ (متفق عليه)

أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم (ضمن یک حدیث طولانی) به سعد فرمود و محققاً تو بهر نفقه ای که مقصودت از آن رضای خدا باشد بر آن ثواب داده شوی حتی بر غذائی که در دهن همسرت نمی.

وعن أبي مسعود البدری رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم قال إذا أنفق الرجل على أهله نفقة يحسبها فهي له صدقة ۴۶

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود موقعی که شخص بر بستگان خود انفاق می کند به قصد اینکه از آن انفاق که مایه خوش دلی بستگان است رضای خدا بدست آورد همین انفاق

بر بستگان هم برای او صدقه است.

وعن أبي هريرة رضي الله عنه ان النبي صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم قال:
(ما من يوم يصبح العبد فيه الا ملكان ينزلان فيقول احدهما اللهم اعط منفقاً
خلفاً ويقول الاخر اللهم اعط ممسكاً تلفاً). (متفق عليه) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود ہر روزی کہ بندگان بہ پامداد داخل
شوند در ہر پامداد دو فرشتہ فرود آیند کی گوید خدا یا برای انفاق کنندہ جای انفاقش
را پر کن و دیگری گوید خدا یا برای بازدارندہ مال از راہ خیر و انفاق بر بستگان تلف دہ تا نابود شود،
وعنه رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم قال (اليد
العليا خير من اليد السفلى وابدأ بمن تعول وخير الصدقة ما كان عن ظهر غنى ومن
يستعفف يعفاه الله ومن يستغن يغنيه الله -) أو كما قال . (رواه البخاري)

دست دہندہ بہتر از دست گیرندہ است و در ہش و عطار ابتدا بہ کسانی کہ در
نفقہ تو بہتند آغاز کن و بہترین صدقہ صدقہ کسی است کہ از روی تو انگری صدقہ کند و
بعد از صدقہ دادن خودش بینوا نگردد و کسیکہ پاک دہنی پیشہ کند و کسیکہ از خواہندگی
خود داری کند خدا او را عفت دہد و از خواہندگی دور دارد و کسیکہ خود را بی نیاز از گرفتن
صدقہ سازد خدا او را بی نیاز سازد

در ہمہ صدقہ ہا دستور شریعت این است کہ ہر شخص ابتدا بہ وابستگان خود نماید و
موقعی کہ صدقہ نماید کہ از حاجت و وابستگانیش زیادہ داشتہ باشد در بین مسولیتہای کہ
اویان در گردن افراد نمادہ اند بیج مسولیتی پر خطر تر از ضائع کردن اہل وابستگان نیست .
عن عبد الله بن عمر رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه

وسلم كفى بالمرء إثماً أن يفتع من يقوت إلا رواه ابوداؤد وغيره، وروی مسلم فی صحیحہ عن
النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم قال كفى بالمرء إثماً أن یحبس عن یملك

قوتہ ﴿﴾ أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود کفایت است در گنہ گاری شخص آنکه
و ابستگان خود را که در زیر نفقه او هستند ضائع گرداند کفایت در گنہ گاری شخص آنکه
باز دارد از بستگان و زیر دستان خوراک شان را ضائع کردن و ابستگان دست
کشیدن از مصرف زن و فرزند بزرگترین گناہان است آنیکہ توانائی دارند و نفقه را
از بستگان خود باز دارند یا نفقه ای که شایسته آنهاست ندهند خود را در گنہ گاری ترین افراد
قرار داده است عجیب این است کہ افرادی هستند کہ با داشتن توانائی مالی و ابستگان خود
را در تنگی معیشت قرار میدهند۔

معمولاً آدمی آنچه را کہ گردمی کند و بجای می گذارد برای فرزند ان و میراث برنش می
گذارد و سیکہ در حیات خود با توانائی بر میراث برنش در نفقه تنگی و سخت گیری نماید اولین نتیجہ ای
کہ میگیرد دشمنی آنها و نفرین شان برای زود رفتن او است۔ بہاگونہ کہ رعایت و ابستگان
در نفقه و نگہداری ضرورت دارد و ادایشن زن و فرزند بر نماز و طاعت خدا واجب اولیہ ہر
فرد است۔

قال الله تعالى ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ طہ - ۱۳۶

خدای متعال فرمواہل و بستگان خود را بہ نماز و ادا کن۔ و بر نماز و عبادت

خدا تربیت بستگان بر آن شکیبا است۔

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم أمر و أولادكم بالصلاة

وهم أبناء سبع واضربوهم عليها وهم أبناء عشر وفرقوا بينهم في المضاجع (در راه ابرو داود بان حسن)
 فرزندان تان را در سن هفت سالگی به نماز وادارید و موقعیکه به ده سالگی رسیدند
 آنان را بزنید اگر بخوابند نماز بخوانند و در خواب گاه میان شان جدائی قرار دهید. این واداشتن
 فرزندان را به نماز برای دنیا و آخرت خودتان و فرزندان تان سودمند است. در مصرف
 زن و فرزند بکوشید از دست رنج خودتان باشد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «مأكل أحد طعاماً قط

خيراً من أن يأكل من عمل يده» وان سبى الله داود كان يأكل من عمل يده (در راه البخاری)
 رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: هیچ کس نخورد و خوراکى را که بهتر باشد
 از خوردن از دست رنج خود و نبی الله داود از دست رنج خود مى خورد.

شاید همیشه پیغمبران از دست رنج خود میخوردند. و خوردن از دست رنج خود
 حتی اگر از گرد کردن همینرم و فروش آن باشد بهتر از آن است که کسی سر بار اجتماع
 باشد و نان مفت بخورد.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لأن يحتطب أحدكم حزمة على ظهره

خير له من أن يسأل أحدًا فيعطيه أو يمنعه» (متفق عليه)

هر آینه کى از شما بارهیزى را بر پشت خود نهاده بفروش رساند و از آن ارتزاق
 کند. بهتر است برای او از اینکه از کسی چیزی خواهد که به او بدهد یا ندهد برای اینکه بدست
 آوردن مال وداشتن آن هر گاه همراه با توفیق انفاق در راه خیر باشد از اسباب بهترین
 زندگی است.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «لا حسد إلا في اثنتين رجل آتاه الله مالاً

فسلطه على هلكته في الحق ورجل اتاه الله حكمة فهو يقضي بها ويعلمها» (متفق عليه)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: رشک بردن شایسته نیست
مگر رشک دُوس بردن کسیکه خدا مال را به وی ارزانی داشت و او را موفق نمود بر انفاق
آنی در راههای خیر و کسیکه خدای تعالی حکمت به وی آموخت و او را توفیق داد تا داوری
به آن نماید و مردم را از آن بیاموزد در رشک و هم چشمتی نگاه کسی در کار خیر کردن و کوشیدن
برای همانند شدن بدون اینکه مایه اذیت یا ناراحتی مورد رشک باشد آنانیکه از انفاق
مالی در راه خیر بازمانده اند میتوانند از پرہیزگاری و حسن خلق جبران مافات کنند۔

سئل رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم عن أكثر ما يدخل
الناس الجنة قال تقوى الله وحسن الخلق وسئل عن أكثر ما يدخل الناس النار

قال الفم والفرج «أو كما قال» رواه الترمذی وقال حدیث حسن صحیح

از رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم پرسیده شد کدام چیز بیشترین چیز
در داخل کردن مردم به بهشت است فرمود خدا ترسی و خوشخوئی که تقوی و حسن خلق بیشترین
سبب رسیدن به بهشت است و پرسیده شد از بیشترین چیزیکه مردم را به دوزخ میکشاند
فرمود دهن و دامن که دهن به حرام خواری و دامن در نا پاک دامنی بیشترین سبب رفتن
مردم به دوزخ است و شاید هم دهن و دامن بهم مربوط باشند که هر کس دهن را نگهدارد و از
حرام پرہیز و پاک دامنی هم بیشتر نصیب او گردد۔ حسن خلق و خوشخوئی بهترین خصلتهاست۔
يقول رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «إن المؤمن ليدرك

بحسن خلقه درجة الصائم القائم» (رواه البوداؤد)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود شخص مومن به حسن خلق و خوشخویش

به درجه ای میرسد که گویا همیشه روزها را به روزه داری و شبها را به ایستادن در عبادت خدا
بسر آورده است حسن خلق نشانه ایمان کامل است.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً

وخیارکم خیادکم لنسائهم ۴۴ او کما قال ۴۵ رواه الترمذی و قال حدیث حسن صحیح

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود کامل ترین مؤمنان در ایمان داری
خوشخوترین مؤمنان است و بهترین شما بهترین تان در باره همسران شان هستند حسن خلق و
خوشخونی صفتی است که در راه گشاده رویی و زبان را به راست گوئی و ادا در و عمل درست بار
آورد. اما بجز خوش رویی که نه بار استگونی همراه باشد و نه با درستکاری از نشانه های منافقین
است که خوش رویی را وسیله سورا استفاده قرار دهند.

خدای متعال در باره منافقان به پیغمبرش فرمود در سوره منافقین :

﴿ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمِعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ

خَشَبٌ مُسْتَدَقٌ يَخْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ

قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَنْيُؤُفِكُونَهُ ۙ

هرگاه منافقان را ببینی پسند آید جسمهای شان و اگر سخن بگویند بطوری شیرین
سخنی و چرب زبانی پیش آورند که گوش فرادهمی به گفتارشان هر آوازی را بر خلاق تصور
کنند آنانند دشمنان از ایشان هر سبزی خدا لعنت شان فرمود چگونه از راه راست منصور
می شوند منافقان بار روی گشاده و زبانی چرب به حضور پیغمبری آمدند سیست شان و زبان
شان مورد پسند بود اما در پشت این زبان چربی دشمنی خود را پنهان کرده بودند که هرگاه عقیده
و عمل درست نباشد گشاده رویی و چرب زبانی نشانه منافقی است. اما حسن خلقی که سیرت

انبیاء است در راست گویی و درست کاری و خیر اندیشی و بردباری و کشاده روی و کشاده دستی است کسیکه حسن خلق نصیب او شد محافظت بر آن و مداومت بر آن می خواهد -

« كان صلى الله عليه وسلم أحب الدين إليه ما دأبوا وصاحبه عليه » (مشفق عليه)

محبوب ترین امور دینی نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم اعمالی بود که صاحب آنها بر آنها مداومت داشته باشد -

اکنون که ماه مبارک رمضان است و ماه کشاده دستی و احسان است بر بندگان خود کشاده دستی کنید از مضایقه در امور معیشت بپرهیزید و کاری نکنید که جز در افرادی باشید که تنها زسانیدن شر برای شان صدقه باشد -

قال رسول الله عليه وآله وصحبه وسلم « على كل مسلم صدقة قال

أرأيت أن لم يجد قال يعمل بيده فينفع نفسه ويتصدق قال أرأيت إن لم يستطع قال يعين ذ الحاجة الملهوف قال أرأيت إن لم يستطع قال

يأمر بالمعروف أو المخير قال أرأيت إن لم يفعل قال يسك عن الشرفاة صدقة ^م (مشفق عليه)

رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم فرمود بر هر مسلمان است صدقه دادن شخصی گفت مرا خبر ده دیار رسول الله اگر نیابد چیزی را که صدقه نماید فرمود بدستهای خود کار کند تا نفعی بخود برساند و صدقه بدهد - گفت اگر نتوانست فرمود کوبک نماید به کسیکه محتاج و در زحمت است - گفت اگر نتوانست - فرمود او را رکنه خوبی و باعث شود که چیزی به خیر و صدقه و او دارد - گفت اگر چنین نگرود - فرمود از شر و بدی دست باز دارد که برای چنین کسی شر زسانیدن صدقه است -

خدا یا در این ماه ما را از مقبولین در گاهت بر شمار و از سعادتمن و نفعین محسوب دار

۲۵ شیخواری رایدا دشت کنیز به افراد خانواده

بگوئید تا نکاح محرم پیش نیاید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ

مِنَ الرَّضَاعَةِ» (آلایه ۱ - ۲۳ - النساء)

و حرامند بر شما مادران شیریه که شیر به شما داده اند و حرمت بر شما خواهران شیریه.

قال رسول الله صلى الله عليه واله وصحبه وسلم. الرضاعة تحرم ما تحرم

الولادة ^۳ — اخبره البخاری و مسلم أو كما قال عليه الصلاة والسلام

شیر خواری حرام می سازد آنچه را که زایمان حرام می سازد. همانگونه که پدر و مادر محرم هستند پدر و مادر شیریه محرم هستند برادر و خواهر محرم هستند برادر و خواهر شیریه محرم هستند. برادرزاده و خواهرزاده و عم و خالو و خاله و جد و جد محرم هستند. برادرزاده شیریه خواهرزاده شیریه عم شیریه خالو شیریه خاله شیریه جد شیریه اینها همه محرم هستند.

و قتیکه زنی شیریه به کودک داد زن شیریه مادر شیریه آن کودک است. شوهر آن زن که کودک از شیر فرزند او خورده است پدر شیریه کودک است. فرزندان آن زن شیریه

دارد خواه از شوهران قبل و خواه از شوهران بعد همه برادران و خواهران شیر می‌کودک هستند و فرزندان شوهران زن شیرده خواه فرزندان آن زن یا از زنان دیگرش باشد زنی که شیر به کودکی داد خود زن مادر کودک است و شوهرش که از زن شیرده فرزند دارد - هر کودکی که از شیر آن فرزندش بنوشد با آن شوهر محرم می‌شوند - اما اگر زنی دارای شوهری باشد و از آن شوهر فرزند نداشته باشد بلکه فرزندان آن زن از شوهران دیگراد بوده است در این صورت فقط شوهر خودش با کودک آن شیر خوار از همسرش محرم شود -

خلاصه و قتیکه زنی فرزندی دارد و از شیر این فرزند به کودکی شیر خوار شیر داد زن شیرده مادر شیر می‌دهد و شوهر او که پدر آن فرزند است پدر شیر - و فرزندان این زن و شوهر همه برادر و خواهر کودک شیر خوارند - و فرزندان آن زن از شوهران دیگرش و فرزندان آن پدر شیر می‌دهد از زنان دیگرش همه فرزندان آن زن و شوهر برادران و خواهران کودک شیر خوارند و به این ترتیب دانسته شد که اثر شیر خوارگی تا چه حد منتشر می‌شود -

آنگاه حکم شیر خوارگی هر کودکی که سن او بیش از دو سال نباشد از زنی که نه سال باشد شیر بخورد این شیر خوارگی ایجا و محرمیت می‌کند -

تعداد شیخ خوارگی: نزد امام اعظم و امام مالک یک بار شیر خوارگی محرمیت می‌آورد حتی اگر نقطه ای از شیر زن در لیوانی آب ریخته به کودک داده شود و نزد امام شافعی و امام احمدینج بار شیر خوارگی لازم است تا ایجا و محرمیت کند و هر بار عبارت از شیر خوردنی است که کودک خودش پستان را ترک گوید یعنی اگر از این پستان به آن رفت یا به بازی پستان را دل کرد و دوباره گرفت اگر نیم ساعت طول بکشد یکبار محاسب می‌شود اما اگر دو دقیقه شیر خورد و پستان را دل کرد همین دو دقیقه یا کمتر یکبار محسوب می‌شود -

زنی که شوهر دارد بدون اجازه شوهرش حرام است که شیر به فرزند دیگری دهد.
 مادری که فرزندی دارد نمی تواند بدون اجازه پدر فرزند شیر زن دیگری به فرزندش دهد هر
 زنی که پیش از حاجت فرزندش شیر ندارد حرام است بر او که شیر به فرزند دیگری بدهد و فرزند
 خودش را اگر سینه بگذارد.

مادری که شیر به فرزندی تمیم میدهد حرام است شیر فرزند تمیم خود را به فرزند دیگری
 دادن - رضاعه و شیر خواری در دین نبین اسلام اهمیت بسیار دارد زیرا در ایجاد محراب
 پیسر نسب قرار دارد چه بسیار اوقات که بر اثر لاقیدی در این امر بسیار فتنم - مرد و زنی عقد
 نکاح می بندد و پس از اینکه لباسها بریده شد و مبالغی مصرف شد مادر آن زن و یا
 زن دیگری از وجود شیر خواری میان آن زن و مرد خبر می دهد نکاح بهم می ریزد و ناراحتی
 ایجاد می کند خسارت بسیار می آورد و موافقی پیش می آید که زن و شوهری چند سال با هم زندگی
 می کنند و دارای فرزندان متعدد میشوند آنگاه زنی از وجود شیر خواری میان آن دو خبر می دهد
 نکاح شان بهم می ریزد - جدائی میان شان می افتد - زندگی شان آشفته می گردد و فرزندان
 شان گرفتاری شوند و یا ممکن است زن و شوهری از بی ایمانی بزکاح محارم مداومت
 کنند که در آن صورت بدنامی و رسوائی دنیا و آخرت و عقوبت های هولناک نصیب
 شان می شود - همه این بدبختیها مولود لاقیدی و اهمال امر شیر خواری است -

لازم است که هر خانواده ای که شیر زنی به فرزندان شان دادند و فترت را ترتیب
 دهند و نام فرزندان و پدر و مادر و برادران و خواهران فرزندان و فرزندزادگان خود
 همه در آن دفتر قید کنند و هم چنین نام زنی که شیر به فرزندشان داده است و نام شوهر او
 و نام فرزندان آن زن و شوهر و فرزندان و محارم آن زن همه را در دفتر کنند و به اطرافیان

خود خبر دهند تا از پیش آندهای ناگوار جلوگیری کند.

آننانیکه در امر شیرخوارگی بی اعتنائی میکند خود و فرزندان و بستگان شان را آماده گناهای عظیم می‌سازند و چه بسیار مواردی که درازد و اینها می‌بیند و یا زناشویانی که محبت میان زوجهین دیده نمیشود پس از بررسی و تحقیق اثر شیرخوارگی که مکتوم مانده دیده میشود. آن وقت نه هر زنی شایسته شیر دادن است.

زنانیکه امراض سری دو بگیر دارند از شیر دادن حتی بفرزندان خود ممنوعند. شیر هر زنی خصوصیات اخلاقی او را به شیرخوار میدهد گمان می‌کنم هنوز هم درباره کودکانی و پیامدانی که خیلی زود خشم و یا بهره‌گوستند گفته می‌شود شیر حیوان معروف خورده اند.

آننانیکه فرزندان خود را همیشه زیر توجه داشته اند. نمیگذاشته اند فرزندان شیر زنی بخورد که از رضای شوهر او اطلاعی نیست و یا از حلالی خوراک او یقینی نیست یا از تندرستی او اطمینان نیست فرزندان در حقیقت زائیده غذای خود هستند هر قدر غذای شان بیشتر مورد توجه باشد و در غذای شان دقت بیشتری شود سودمندی و بلندنامی آن فرزندان بیشتر است.

امام اکرمین یکی از دانشمندان بلند نام اسلام در جهان که امثال امام غزالی از شاگردان او هستند می‌نویسد

«در موقع خوردن سالی و شیرخوارگی روزی مادرم دست بکار منزل بوده و میگریته ام زن همسایه صدای گریه ام شنود و می‌آید و پستانش در دهن من میگذازد و پدرم می‌آید و می‌بیند که زن همسایه به من شیر میدهد خیلی ناراحت می‌شود و مرا بر میدارد و به آن زن میگوید چرا بدون اجازه

شوهرت شیر به پسر م دادی و انگشتش را به گلویم فرو میکند تا آنچه از شیر
 آن زن خورده ام استفراغ کنم مادر م می آید و می گوید فرزندم را کشتی
 پدم میگوید بمیرد بهتر از آن است که از شیر خواری شیر حرام به گلوی
 او برود!

پدرانی که بصیر و غمخوار فرزندان خود بودند هم شیر زنان دیگر را برای فرزندان منع
 کردند تا نه شیر مختلف مایه آشفتگی طبیعت شان شود و نه محرمیت رضاعی باعث مزاحمت‌های
 بیجا گردد و روی این اصل درین شان هیچگاه ازدواجی پیش نیامد که ازدواج میان محارم
 باشد. فرزندان خود را روی اصل همین احتیاط از آشفتگی در محرمیت حفظ کردند و برای
 اجتماع خود فرزندان بی اجتماع سپردند که روز قیامت هر جانام شان برده شود امید نزول
 رحمت خداست و همیشه نام شان با رحمت و دعای خیر همراه است.

هرگاه شیر دهنده جدّه باشد که دختر زاده یا پسر زاده خود را شیر دهد باعث
 می شود که شیر خواری از وصلت و ازدواج با تمام افراد آن خانواده محروم ماند.
 بی احتیاطی در اموریکه در شرائع حائز کمال اهمیت است نه نهادن شیر خواری
 بلکه در بسیاری مسائل دیده می شود مثلاً طلاق از مسأله‌ای است که در دین مبین اسلام
 منتهای احتیاط در آن لازم است دین مبین اسلام طلاق را تجویز کرده تا هرگاه هیچگونه
 علاجی برای سازش میان زن و شوهر بدست نیاید به آن توسل جست شود همانند داغ
 به آتش که طبیب موقع آن را تجویز می کند که هیچگونه علاجی نپذیرد. اسلام هنگامیکه طلاق
 را روا دانست آن را مبعوض ترین و منفورترین حلالها شمرد.

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبه وسلم فرمود: ابغض الحلال لله الله الطلاق

مبغوض ترین حلالها بسوی خدا تعالی طلاق است. در اسلام نظام طلاق را بر قاعده‌ای مصلحت آمیز و بر حکمت قرار داد. خدای تعالی فرمود:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا

إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا﴾ سورة النساء - ۳۵ -

اگر از اختلاف زن و شوهر ترسیدید که شاید اختلاف شان به جدائی بکشد. حکم و واسطه بفرستید حکمی که از خویشان شوهر باشد و حکمی از خویشان زن باشد اگر این دو حکم قصد اصلاح داشته باشند خدا میان زن و شوهر سازش برقرار سازد. اگر دو داور نتوانستند زن و شوهر را آشتی دهند. قاضی را میوظف ساخت تا افرادی را برگمارند تا نهانی تحقیق کنند تعدی از کدام یک است تا اگر تعدی مشخص داده شد تعدی بجای خود نشانده شود و دست آخر موقعی تجویز طلاق شود که هیچ راهی برای اصلاح و سازش باقی نمانده باشد.

اما عجیب این است که باهمه این دستورات و موقعیکه قاضی و داور از سازش عاجز ماندند تنها یک طلاق انداخته شود و لکن امروز اگر جنسی خواست بفروشد اگر اختلاف در قیمت آن شد قسم بر طلاق زن یاد می شود که راست می گوید اگر قهر بر کسی گرفته شد برای زرفتن بخانه او قسم بر طلاق زن بمیان آورده می شود.

مسأله زناشویی نسب در میان دارد و محرمیت بمیان است. میراث از لوازم آن است خویشاوندی بهمراه دارد وقتی که زنی بطلاق حرام شد فرزندان بعد طلاق بی پدر شناخته می شوند فرزندی پدر راجز و فرزندان خود شمرده بایه لعنت خدا و فرشتگان و مردم همه است. قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: من ادعی الی غیر ائیه أو انتی الی غیر

موالیه. فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين. ^{۴۴} او کما قال (متفق علیه)

کسیکه غیر پدر خود را به پدری گرفت یا برده ای که غیر مالکین خود را مالک خود دانست
اینانند که لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر ایشان است.

زنی که حامله از زنا باشد هرگاه با کسی ازدواج کند واجب آن شوهر است که موقع
تولد آن فرزندش را بشناسد بی پدر برای او بگیرد اگر برای آن بچه بی پدری بشناسد بعنوان فرزند
خود گرفت اینجا است که لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر خود او میدارد و وزیر کسیکه شرعاً
با او نسبی ندارد و نسبش را به خود چسبانده است.

کسیکه میراث او نمی برد به او میراث داده است بچه ای که با هیچک از خویشاوندان
او خویشی ندارد برای او از راه ظلم بر همه خویشان خود خویشی قائل شده است با کسانی که محرم
نیست محرم شناخته است و به این ترتیب مفساد و مظالم و مخالفاتی پیش می آید که همیشه آن
شخص اقدام کننده به چسپاندن نسب فرزند بی پدر بخود مورد لعنت خدا و فرشتگان و
جهانیان است در این زمینه اگر کسی زنا با زنی نماید و پس اینکه حمل از زنا ظاهر شد هرگاه با
آن ازدواج کند حتی اگر یقین بداند که فرزند حرام از خود او است باز هم گرفتن شناخته
بعنوان فرزند خود برای فرزند حرام که شرعاً بی پدر است و نسبی ندارد مایه لعنت خدا و فرشتگان
و جهانیان است بر او زیرا نسبی که نیست ثابت نمی کند محرمیت که ثابت نیست میکند میراثی
که ندارد می برد و برای همیشه آن بچه بی پدر مانند طوق لعنتی در میان آن خانواده پهن و گسترش
می یابد.

آنانیکه وجدان و شرفی دارند افراد بی پدر را بخود نچسبانند. در امور دینی بی
احتیاطی نکنند و افرادی که معتقد به آخرت هستند برای بدست آوردن اعمال صالحات

بکشند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم «بادروا بالأعمال الصالحة فتستكون
فتن كقطع الليل المظلم يصبح الرجل مؤمناً ويمسى كافراً ويمسى مؤمناً ويصبح كافراً يبيع

دينه بعرض من الدنيا» (رواه مسلم) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: بشتابید و سبقت بگیرید بسوی کارهای
خیر زیاد در گذرگاه حوادث بشری ایامی است که شخص با داد ایمان دارد و شامگاه کفر میآورد
و شامگاه ایمان دارد و با داد کفر میآورد. زیرا دین خود را به کالائی از دنیا می فروشد.

قال الله تعالى ﴿ وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ
وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ - ۱۳۳ - آل عمران

بشتابید برای رسیدن به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنادری همه
آسمانها و زمینها را دارد و آماده شده برای پرهیزگاران

خدا یا بصیرتی عطا کن که در گرامی یادداشت عمر حتی لحظه ای را بیهوده نگذاریم
و ایمانی عطا فرما که تار و زمرگ وسیله سعادت ما باشد و دلی ارزانی دار که واقع و حقیقت
اشیا را در یابد و همیشه رضای تو بجوید و بیاید و زبانی عنایت کن که سخنش بر فرمان تو باشد
و ما را بنخرد و اداری دوستی کرامت فرما که گشاده دستی در خیر کار آن باشد و جسدی لطف فرما که
تندرستی در دستگاری ما را بر ما برساند و عملی مبذول فرما که هر قبول در درگاهت آراسته
باشد و فرزندی ارزانی که چشم روشنی ما و نیک بخت دو جهان باشند و بستگان که
مددکاران در راه خیر باشند و مالی که از راه حلال و همراه با آسایش دل و راحت جان باشد
و عملی که روز بروز ما را به توفیق و کسر گم داند و عاقبتی عنایت کن که رضای تو از ما خوشنودی ما از

تو بهمراه آورد.

مُخَدَّائِيَا اولى الامر مارا به توفيق طاعتت موفق گردان و بزرگان مارا در احیاء
دین مؤید فرما و خورد و بزرگ مارا به خوشی و جهان و نگهداری از عذابت برهان.

ببار الهما مردگان مارا به آمرزشت دلشاد کن و زندگان مارا از قید مهوم آزاد کن.
پیکر و ردگارا در این شب های پر برکت مارا از آزاد شدگان این ماه قرار ده
از سعادتمقبولان در گاهت بر شمار.

رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَكَلَّمَ اللهُ نُوْحًا وَسَلَّمَ عَلٰى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِيْنَ . سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلٰى الْمُرْسَلِيْنَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ه

۲۶ - اسلام تربیت و سرپرستی زن فرزند

به عهده شوهر قرار داده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» - ۳۴ - النساء

خدای متعال فرمود مردانند که ایستادگی کنند مانند به قیام و سرپرستی زنان اینک مردان را حق اداره کردن و سرپرستی زنان داده شد به سبب برتری است که خداوند مردان را بر زنان داد و بسبب آنچه که مردان از مهر و نفقه زن و فرزند می پردازند پس زنان شایسته همیشه بفرمان شوهرانند و در نهانی و غیبت شوهر سبب نگذارند مصونیتی که خدا به آنان داد خود را تکمیل دارند -

نظام اجتماع و سنت وجود از عهد آدم تا خاتم بر این بوده است که سرپرستی و قیام به حقوق زن و فرزند به عهده شوهران باشد بچشم میتوان دید که زنان هرگاه سرپرستی مردان نباشد و بدون ولی و ناجی به رای و هوای خود رام شوند تسلیم هوای و هوس می

شوند و نگهداری خود را از دست می دهند و زنهایی که حتی دختران خود را در اختیار شوهران بی ایمان خود گذاشته از نظر داور هستند و شمارشان کم نیست و آنانیکه از همین طریق بر خود فرو افتاده اند بر کسی پوشیده نیست. بقول سعدی:

سعادت برافتد از آن خاندان

که بانگ خردس آید از ماکیان

سعادت زنان در فرمانبری شوهران و سعادت شوهران و اولیا بر زنان در

نگهداری زنان -

قال رسول الله ﷺ عليه وآله وصحبه وسلم (إلا ان لكم على نساءكم

حقاً ولنساءكم عليكم حقاً فحکم علیهن ان لا یوطئن فرشکم من تکرهون ولا

یاذن فی بیوتکم لمن تکرهون الا وحقهن علیکم ان تحسنوا الیهن کسوتهن و طعامهن ۴۰

او كما قال ﷺ. آگاه باشید شمار برابر زنان تان حقیقی است و زنان تان را بر شما حقیقی حق شمار زنان

تان است که بر فراش تان کسی نیاورند و در خانه های تان به سبب دوست نمیدارید اجازه

ندهند بجان تان آیند و حق آنها نکوکاری شما با آنان و بخونی پرداختن خوراک و پوشاک

و خواجه نشان -

همین نکوکاری در زندگی زناشویی جامع همه حقوق و واجباتی است که بر یکدیگر

دارند و بجان نیارودن کسی را که شوهر اجازه نداده است جامع اصول نگهداری خود را

اسباب کدورت و جدائی است و تفادیت ندارد آوردن کسی که شوهر اجازه نداده است یا

رفتن بجان کسی که شوهر اجازه نداده است -

دین مبین اسلام برای حفظ خانواده با نگهداری سعادت و خوش بختی آنها زنان

نکوکار که فرمانبر شوهر و نگهدار خودند بهشتی دانست و مردان نکوکار که حقوق و احترام همسر را رعایت می کنند بهترین مردان دانست و مردانی که همسران و زیر دستان بدخونی کنند پست ترین افراد دانست .

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «أيما امرأة ماتت و زوجها عنها راض دخلت الجنة؟» رواه الترمذی. وقال حديث حسن. أو كما قال: رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: هر زنی که مرد در حالیکه شوهرش از او راضی است به بهشت رفته .

وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «خياركم خياركم لنساءهم»
بهترین شما بهترین تان برای همسران شانند .

وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «ولقد أظان بآل بيت محمد نساءً كثير يشكون ازواجهنَّ لیسن ادلك بخياركم؟» رواه ابو داؤد با سند صحیح رسول الله فرمود: نزد آل بیت پیغمبر زنان بسیاری آمده اند که از شوهران شان شکایت دارند مردانی که زنان شان از دست شان شکایت داشته باشند مردانی نیستند که از افراد خوب و برگزیدگان شما باشند . و در این راه برای حفظ آبرو و با نگهداری احترام خانواده با از داخل شدن بر زنانیکه با آنان محترمی ندارند منع فرمود .

قال رسول الله «أياكم والدخول على الناس فقال رجل من الانصار
افرأيت الحموقال المحموموت؟» (متفق عليه) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: شما پر میزید هم از داخل شدن بر زنانی که با آنان محترمی ندارید مردی از انصار گفت مرا خبر ده که داخل شدن خویش

شوهر چگونه است. خویش شوهر مانند برادر و پسر برادر و پسر عم و غیره فرمود خویش شوهر مرگ است یعنی خویش شوهر هر گاه از او احتیاط نشود مرگ آن خاندان را بار آورد خویش شوهر ممکن است از توانائی شوهر بخت کند وزن را بر خواشهای بیشتری و او را دریا از یاد کردن خوبیهای زن و اینکه شوهر قدر او را نمیداند زمینه ای برای فساد و بهم ریختن خانواده آماده سازد. برای حفظ خانواده با اجازه خواستن کسیکه بخوابد بخانه داخل شود. از آداب اسلامی است که در قرآن از آن یاد شده است.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى

تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا﴾ النور - ۲۷ -

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا﴾

خداى متعال فرمود: ای مومنان داخل مشوید در خانه های که خانه غیر خودتان است تا اینکه اول اجازه بخواهید برای داخل شدن و سلام کنید بر صاحبان خانه و هرگاه اطفال از خودتان به بلوغ رسیدند باید برای داخل شدن بخانه اجازه بخواهند بدون اجازه به خانه دیگری داخل شدن در اسلام منع شده است و اگر چه فرزند جدا از پدر و مادر باشد که بخانه بخانه پدر و مادر برود و وقتی که تا این حد برای داخل شدن دیگری را اجازه گرفتن تاکید شده است. معلوم است که موضوع تا چه حد اهمیت دارد.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا اسْتِئْذَانَ ثَلَاثَ فَيَأْذِنُ لَكَ وَالْأُ

فَارِجِ (مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ) أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود اجازه خواستن برای داخل شدن بخانه سه بار

است. اگر بعد از سه بار اجازه خواستن اجازه یافتی داخل شود گرنه باز گردد.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: إنما جعل الاستيذان من

أجل البصر (متفق عليه) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

اجازه خواستن بخاطر این است که آدمی بر حالتی که دوست نمیدارد روزی نظر کسی
قرار نگیرد.

روزی اقم سلمه و میمونه دو همسر رسول الله در خانه نزد پیغمبر بودند عبد الله بن مکتوم که
نابینا و مؤذن مسجد پیغمبر بود اجازه خواست و داخل شد. رسول الله صلی الله علیه و سلم به دو
همسر خود گفت رو بگیرد و پنهان شوید گفتند این مردی نابینا است نه ما را ببیند و نه ما را می شناسد.
فرمود:

«أفعميا وان أنتم ألسما تبصرونه» رواه الترمذی و قال حدیث حسن صحیح.

ایاشما دو تا هم نابینا هستید مگر نه این است که شما او را می بینید. این حفظ خانه
از داخل شدن هر کس و ناکس اساس سعادت خانواده با است. و خانواده های که خانه را
همانند کاروان سر میدانند که هر کس بخوابد داخل شود هیچگاه نمیتوانند در خانه خود زندگی سعاد
مندانه ای داشته باشند خانه محلی است که افراد آن در آن آزادی داشته باشند به خودشان
اختصاص داشته باشند بتوانند با سبک کردن لباس و با شرکت در کارهای خانه و همکاری
مددکاری یگدگر خانه ای پر آسایش بوجود آورند اما خانه های بی دروازه کجای می توانند روی
آسایش را ببینند خانواده ای که مشغول غذا هستند هر ساعت کسی بر آنان وارد شود غذای
شان زهر می شود.

زنی که به لباس کار و خانه مشغول باشد افرادی ناشناس و قیافه های غریب بر او وارد
شوند یا اینکه به همان هیئت در معرض دید آنان قرار گیرد در صورت ادامه آن باعث بهم ریختن

احترام خانوادگی شود یا برای از نظر بیرون رفتن خود را به در و دیوار زند.

اسلام هر دستوری که داده است برای سعادت و نیک بختی است. دستور اجازه خواستن برای پرورش حیار در عایت راحت خانواده ها است. حیار و شرم در اسلام همه اش ایمان داری و خدا شناسی است.

قال رسول الله صلى الله عليه واله وصحبه وسلم: «الحياء لا يأتي الا بالخير» (متفق عليه)
دینی روایة المسلم: «الحياء خير كله» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

حیار و شرم همیشه مایه خیر و خوشی است، حیار همه اش خیر است. حیا شعبه ای از ایمان و خدا شناسی است.

قال رسول الله صلى الله عليه واله وصحبه وسلم: «الحياء شعبة من الإيمان» (متفق عليه)
أو كما قال عليه الصلاة والسلام

حیار خلق خوبی است که آدمی را از زشتی باز دارد و از کوتاه کاری در حقوق جلوگیری نماید. همین حیا است که در جلوگیری از تقصیر مایه عملی کردن فرمان خدا است. در احوال بنی آدم همیشه سخن در آغاز هر کار قرار داده و عمل پیر و کلام است فرمانهای پروردگار فرمایشات رسول الله نصاب مصلحتی آن همه سخن های است که نفع آنها موقتی حاصل می شود که بکار بسته شود اگر قرآن کلام الله که نازل می شد و رسول الله آن را تبلیغ می فرمود اگر مسلمانان آن را عملی نمی ساختند هیچگاه دین مبین اسلام بوجود نمی آمد.

در ادضاع و احوال بشری همیشه وضع بر این منوال است که سخن وقتی سودمند است که باعث عمل باشد تصور کنید بیماری به طبیب مراجعه کند طبیب داردی لازم را به وی گوشزد کند و نسخه دهد اگر بیمار آن دارو را بکار بندد شفا بدست می آید و اما اگر سخن طبیب بشنود و بکار

نبنده هیچگاه نباید امیدوار شفا باشد اینک امروز مسلمانان جز ولتهای عقب افتاده هستند
عامل اساسی آن اینست که نصیحت ناصحان فقط سخنهای است که شنیده می شود اما
بکار بسته نمی شود ولتهای پیشرفته شب را به روز پوسته اند.

بهر نظریه ای که دانشمندان شان می دهند مدت ها برای تحقق آن مشبار و بر آن کار
می کنند اطلاعات عمیقی که در علوم پیش آمده است اختراعات شگرفی که در جهان چشمگیر است
همه از طریق عملی کردن سخنها و کار بستن نظریه ها است.

میگویند که برای هر چیزی چهار دوره است. مشاهده و دیدن، توری و فرضیه، تجربه
و آزمایش. بدست آمدن حقیقت آن. اگر در علوم به فرضیه با اکتفا می شود و مورد تجربه یعنی
عملی کردن و نتیجه گرفتن قرار نمی گرفت هیچگاه پیشرفتی حاصل نمیشد معمولاً در این دنیا جسم در روح
همراه همدیگر عملی کردن فرمایشات دینی بمنزلت و میدان روح در آنهاست و شنیدن و بکار بستن
بمنزلت داشتن جسم بی روح است.

در این دنیا معنی و ماده باید بیک طرز عملی شوند عادت مردم است. اگر کسی و چهار
بیماری را بگیرد یا مرضی مسری در جای پیدا شد گفتند فلان جا و بار است اطلب آید
دست بکار می شوند بیماران از تندرستان جدا کرده می شوند. بیماران از تندرستان
جدا کرده می شوند. بیماران مورد تلقیح و آکسن های ضد مرضی قرار می گیرند هر دم برای حفظ
صحت و نگهداری بهداشت خود به اطباء مراجعه می کنند و آنچه اطباء می گویند بکار می بندند
حتی برادران بیمار از بیمار دور نگذاشته می شوند مبادا بیماری به آنها سرایت کند و شاید
بیماران را قرنطین کنند تا بیماری شان به تندرستان سرایت نکند. همین شیوه پسنیده که
در تندرستی جسم که یک امر مادی است بکار برده می شود اگر همین شیوه در امور معنوی

بکار بسته می شد سعادت جهان و جهانیان تهمی بود.

وقتیکه افرادی لمحد و بیدین مردمی فاسد و بد عمل پیدامی شدند اجتماع آنان راز مردم دور میداشت تا عقائد فاسده شان به مردم سلیم العقیده انتقال نیابد و خود مردم لمحد زیر پند و اندرز و رهنمایی قرار می گرفتند برادران شخص بد عقیده و نادورست از او دور می گرفتند.

علما ربه وظیفه خود در ارشاد آنان و پر میزدادن مردم از اختلاط با آنان رفتاری کردند و مردم سخن دانشمندان بکاری بستند و خود را از تماس و اختلاط با بیدینان نگاه می داشتند و به علما مراجعه میکردند تا راه نگهداری خود از عقائد فاسده و اعمال نادورست می یافتند همه به خیر و خوشی می رسیدند.

اما برای سلامت جسم تمام دستگاه ها بکاری افتد اطباء و همدستان و مردم هم همکاری می کنند اما برای سلامت روح و نگهداری امور معنوی هر کس از انجام وظیفه شان را از زیر آن خالی می کند در حالیکه بیماری جسم تنها خوشی مادی جسمی را در این دنیا از دست می دهد در حالیکه بیماری روحی و آلودگی به عقاید فاسده و اعمال نادورست هم دنیا را آشفته میگرداند و هم آخرت را تباه میکند روی این اصل اگر کسی برادرش را بد عقیده و بر خلاف فرمان خدا ببیند لازم او است جلو کردن فرمان خدا و دوری جستن از برادر می که بر خلاف فرمان خدا است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «كل أمتي يدخلون الجنة إلا من أبى قالوا ومن أبى يا رسول الله؟ قال من أطاعني فله الجنة ومن عصاني فقد

آبی)) او کما قال علیه الصلاة والسلام . واه البخاری عن ابی هریره

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود همه امت من به بهشت میروند مگر کسیکه خود

نخواهد به بهشت برود گفتند یا رسول الله چه کسی است که نخواهد به بهشت برود فرمود کسیکه
 فرموده مرا بکار بست به بهشت میرود و کسیکه از فرموده من سرپیچی نمود از رفتن به بهشت
 خودداری نموده است اگر کسی از رفتن به بهشت خودداری کرد و تقسیم بر رفتن دوزخ
 گرفت نه عاقل است کسیکه نخواهد با دوزخ برود. بلکه عاقل کسی است که هر کسی را که
 دید بسوی آتش میرود از او دوری گزیند.

خُدایا در این شبهای پر برکت رو بدرگاه تو آورده ایم دستهای التماس از
 فضل و کرمت فراداشته دلها را بر تقسیم به طاعتت واداشته ایم اما تقسیم گرفتن ما منوط
 بتوفیق توست.

خُدایا ما را بر طاعتت موفق گردان و ما را از نافرمانیت دور بدار -
 بگذرد کار ما را از آزاد شدگان این ماه قرار ده و از سعادت مقبولان در گاهت
 بر شمار و معنوی با ما همراه دار که پیروزی همراه ما و کامیابی بهره ما و نیک بختی فرجام ما باشد -
 بگذرد کار ما اولی الامر ما را بر اجراء بشریعت مطهره اسلام موفق بدار و سروران و
 بزرگان ما در انجام طاعتت مؤید بدار و همه ما را در فرمانبریت به سعادت و دجهان برسان -
 افرید کار ما را مردگان ما را به رحمت شاد کن و زندگان ما را به توفیق و معنویت در جمله
 دوستانت بر شمار و خرد و بزرگ ما را به آمرزشت برسان -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَهَلَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۲۷- شب قدر را احیاء کنید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا »

وَمَا أَرْبَكَ بِظُلْمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿ سورة فصلت - ۴۱ -

خدای متعال فرمود: کسیکه کار شایسته ای نمود برای خود و بتفع خود او است -
و کسیکه کار بدی نمود به زیان خود و بد شمنی با خود بر خاسته است - و بیچگاه پروردگارت
ستم به بندگان ننماید - کارهای سودمند و رفتار شایسته است که بِنفع آدمی انجام میگردد -
و آنچه از بدی پیش آید آنانیکه بد کرده اند در حقیقت بخود ستم کرده اند - در این ماه مبارک
موقع آن است که در کارهای خیر نتهای کوشش شود -

كان النبي صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم يجتهد في العشر الاخير ما لا

يجتهد في غيره (رواه مسلم)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم در ده روز آخر ماه مبارک رمضان کوششی
می فرمود که در غیر این ده روز آن کوشش را نمی فرمود - ده روز آخر ماه مبارک رمضان که
پایان ماه را میرساند جا دارد که برای خوبی پایان و نیکفرجامی عاقبت آنچه از خوبی تقدیر
است انجام داده شود -

وعن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: « إن الله وهب لامتى ليلة القدر

ولم يعطها من كان قبلهم .» - (رواه الدیلمی عن انس) .

محقق این است که خدای شب قدر را به امت من بخشود و به هیچک از ملت‌های پیش را چنین شمی عطا نه فرمود. در باره این شب خدای عزوجل فرمود:

﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ

مِنَ أَلْفِ شَهْرٍ ﴾ (سورة القدر)

ما قرآن را در شب قدر نازل فرمودیم. کتابی که نامه سعادت و نیک نختی بشر است و نامه پروردگار به آدمیان است. در شب قدر نازل شد شب قدر از کجا میدانی چگونه شمی است شمی که برکت نزول قرآن در آن آن را سر آمدشها ساخت شمی است که برابر است با هزار ماه اگر به غیر غالب بشر نظری افکنده شود. از شصت و سه تا هشتاد و سه نمی‌گذرد.

و قتی که یک شب برابر با هشتاد و سه سال باشد شایسته است که در بزرگداشت آن شب فرو گذاری نشود.

کیکه ماه مبارک رمضان را روز بایه روزه داری و شها به عبادت پروردگار پرداخت و در این ماه خود را از معاصی دور داشت خود را در معرض یافتن فضیلت این شب قرار داده است.

کیکه در همه ماه رمضان از روزه داری و نماز با جماعت برخوردار شد در معرض یافتن فضیلت شب قدر قرار داده است.

کیکه از روزه داری و نماز جماعت و صدقه و کارهای خیر بهره مند گردیدی یافتن شب قدر برای او محقق تر است. کارهای خیر و دعای مستمندان از بهترین اسباب یافتن شب قدر

است زیرا رضای خدا در رضای بندگان میتوان بدست آورد و رحمت خدا در مهر آوردن به بندگان است. بهر کسی میتواند عاقبت و آینده خود را در رفتار خود مشاهده کند سعادت و نیک بختی فرزندان در رویه خود بیند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم! اللهم من ولي من أمر أمتي شيئاً فشق عليهم فاشقق عليه ومن ولي من أمر أمتي شيئاً فرفق بهم فرفق به (رواه مسلم)

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: خدا یا کسیکه از کارهای اتمم کاری بدست گرفت و در آن کار بر اتمم سخت گرفت بر او سخت گیر و کسیکه کاری از کارهای اتمم بدست گرفت و در آن کار بر اتمم آسان گرفت و مهر و رزید بر او آسان بگیرد بر او رحمت کن بهر کسی در کاریکه بدست گرفته است بر مسلمانان سخت گیر و ناراحتی مردم فراهم کند خود را در معرض نفرین پیغمبر قرار داده است در روزهای ماه رمضان بجا است که همه افراد مهر و رزی و غم خواری مسلمانان تصمیم بگیرند مبادا در شبهای قدر بجای دستهای دعای خیر دلهای به نفرین شان اشتغال و رزند شب قدر در شبهای آخر ماه در شبهای تاک این ده روز اخیر است.

عن عبادة بن الصامت رضى الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وآله و صحبه وسلم! «القسوه في العشر الاواخر فانها ترفى احدى وعشرين أو ثلاثاً و عشرين أو خمس وعشرين أو سبع وعشرين أو تسع وعشرين أو اربعين فمنا ما يؤمننا و احتساباً يغفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر» . (رواه الطبرانی) أو كما قال ﷺ

رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم فرمود: شب قدر را در شبهای آخر رمضان بگویند شب قدر در شبهای تاک از آن شبها است. در شب بیست و یکم یا در شب

بیست و سوم - یاد شب بیست و پنجم یاد شب بیست و هفتم یاد شب بیست و نهم - یاد ر
آخرین شب رمضان -

کسیکه شب قدر را به عبادت گذراند از روی ایمان به شب قدر و از روی اخلاص
برای خدا آمرزیده شود گناه قبل و بعد او -

در روی النسائی عن عائشة رضی الله عنهما قالت قلت یا رسول الله أدیت إن علت
أی لیلۃ القدر ما أقول فیها - قال تویی - اللهم انک عفوی تحت العفو فاعف عنی)
همسر رسول اللہ می گوید گفتم یا رسول اللہ اگر دانستم شب قدر چه شبی است در آن
شب چه بگویم فرمود بگو خدایا تو بحقیقت بسیار دوست دارنده عفو و گذشت هستی از گناهان
من در گذر -

و عن رسول الله صلے الله علیه وسلم: «من قام لیلتی العید محسباً لم یمت قلبه
یوم تموت القلوب» أخرجه ابن ماجه عن ابی امامة - أو كما قال علیه الصلاة والسلام
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: کسیکه شبهای عید فطر و عید قربان به عبادت
بگذراند روزی که میرد دل او نمیرد حیات و زندگی و لها در طاعت خدا است - مهر و
رحمت و نیکوکاری و شفقت همه در لها می است که از طاعت خدا زنده باشند و واقی که در
عرف شرعی با اجر فردان یاد میشوند همانند روزهای امتحانی است که در آن روزها افرادی
موفق می شوند که در روزهای تحصیلی سال غفلت نکرده باشند به گونه هم در شبها و مواسم
واعیاء و افرادی موفق بطاعت می شوند که در دیگر ایام سال بطاعت اشتغال داشته
باشند -

و عن رسول الله صلے الله علیه واله وصحبه وسلم: من أحيأ اللیالی الأربع

وجبت له الجنة ليلة التروية و ليلة عرفه و ليلة النحر و ليلة الفطر.

رواها ابن عساکر عن معاذ . أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه شبهای چهارگانه را به عبادت احیار کرد بهشت برای او ثابت است . شب تروییه یعنی شب هشتم ذی حجه و شب عرفات و شب عید قربان و شب عید فطر اینک شبهای برای طاعت تعیین میشود برای این است که روزها مایه اشتغال و اوقات کارهای زندگی است اما شب موقع فرصت و فراغت است . دل در آن حاضر تر است خاطر در آن آسوده تر است فکر آدمی بهتر می اندیشد تاریکی و خاموشی شب بیشتر یاد آوری آدمی برای روزهای تاریکی و خاموشی بعد مرگ می نماید .
تنها در نماز نیست .

کسیکه در شبهای رمضان بیمار را عیادت می کند این خود طاعتی است که انجام می دهد .

کسیکه در شبهای رمضان ستمندان را تفقد می کند این خود طاعتی است که انجام می دهد .

کسیکه در شبهای رمضان برای ستر حال خانواده های مستحق در دل شب بطوری ناشناس احسان و خوبی به آنها می نماید به تائین مصرف شان می پردازد این خود طاعتی است که انجام می دهد محصلی که در سهامی خود را بقصد خدمت به اجتماع فرامی گیرد تکرار میکند و بخاطر می سپارد این خود طاعتی است که انجام می دهد .

زنیکه در شبهای رمضان کارهای خانه را بد رستی انجام میدهد و باعث راحت شوهر و فرزند میگردد و این خود طاعتی است که انجام می دهد .

کسیکه در انجام حاجت مسلمانی می رود و تا سعی خیر کند و مشکل را حل کند یا فرجی را بر طرف سازد این خود طاعتی است که انجام می دهد -
و انشمندی که به تحقیق و تتبع می پردازد این خود طاعتی است که انجام می دهد -

اگر دلها متوجه بسوی خدا باشد نادراست که آدمی لحظه ای از یاد خدا غافل بماند
زیبائی در چیز نایب کوشش و کوشش است. دیده های کوتاه بین زیبایی را در اشیائی زودگذر می بیند
آنحی داند که منتهای زیبایی نزد کسی است که خالق زیبایی است -

اگر جلال و جمال پروردگار مورد تامل قرار می گرفت تصور نمی رفت که کسی یافته می شد
که به هر زیبایی در جمتهای بیکران و یکتائی خدای یکتا تردید کند. روزه داری برای خالی
داشتن درون و بدست آوردن صفای قلب و رسیدن به اندیشه های که مایه سعادت
و نیک بختی است -

در این ماه دهمی مقرر شد که زکوة فطر نام دارد تا اگر از دهمشهای روزانه محرم
مانده باشد همین حداقل که یک صاع از هر مسلمان است به ستمندان بپردازد و با همین
عطای اندک خود را در شمار محسنان و نیکوکاران قرار دهد -

روی الداد قطنی و البهقی. عن ابن عمر رضی الله عنهما عن رسول الله صلی الله
علیه و آله و صحبه و سلم: «زكاة الفطر فرض على كل مسلم حر و عبد و ذكر و أنثی
من المسلمین صاع من تمرٍ أو صاع من شعیر» - أو كما قال علیه الصلاة والسلام

زکات فطر فرض است بر هر مسلمان آزاد و برده و ذکور و اناث از مسلمانان
بر هر یک از مسلمین یک صاع که سه کیلو باشد از قوت غالب یعنی خوراک بیشتر مردم در
بیشتر ایام سال خواه از خرما باشد یا از جو -

و عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال «كنا نعطيهما في زمن النبي صلى الله عليه وسلم صاعاً من طعامٍ أو صاعاً من تمرٍ أو صاعاً من زبيبٍ» (مشفق عليه) أبو سعيد خدري رضي الله عنه گوید مادر زمان پیغمبر زکات فطر میدادیم یک صاع از گندم یا از خرما یا از جو یا از مویز یا از کشک. مقصود این است که هر مرد می قوت غالب را میدهند در جائیکه قوت غالب نان گندم باشد زکات فطر را باید از گندم خالص دادند.

و عن جرير عن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «إن شهر رمضان معلق بين السماء والأرض لا يرفع إلا بزكاة الفطر» . أو كما قال عليه الصلاة والسلام
 روزه ماه رمضان معلق بر زکات فطر است به قبولی نرسد تا اینکه زکاة فطر داده شود. وقت زکاة فطر از اول ماه رمضان است. و خوب است یکی دو روز پیش از عید زکات فطر دادند و حرام است تا خیر آن از روز عید.

و عن ابن عباس رضي الله عنه قال: «فرض رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: زكاة الفطر طهرة للصائم من اللغو والرفث وطعمة للمساكين فمن أداها قبل الصلاة فهي زكاة مقبولة ومن أداها بعد الصلاة فهي صدقة من الصدقات»
 «أو كما قال عليه الصلاة والسلام» (رواه أبو داود وابن ماجه وصححه الحاكم)

عبدالله بن عباس رضي الله عنهما گوید رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم زکوة فطر را فرض فرمود تا وسیله برای پاک شدن روزه دار از سخنان بیهوده گردد و خوراکی برای مسکینان باشد کیکه زکات فطر را پیش از نماز بیرون کرد زکات فطری است قبول شده و کیکه آن را از نماز عید به دنبال انداخت زکات فطر نیست بلکه

صدقه ای است از صدقه های زکات فطر لازم کسی است که زیاده از خوراک خود و بستگان در شب و روز عید داشته باشد و قبل از غروب آفتاب شب عید وجود داشته باشد کسیکه قبل از غروب آفتاب شب عید بمیرد و زکات فطر لازم او نیست کسیکه بعد از غروب آفتاب شب عید بدنیا آمد زکات فطر لازم او نیست چنین که در شکم مادر است زکات فطر لازم ندارد و هر شخصی لازم او است زکات فطر خودش و اگر زکات فطر همشس دیگر زکات فطر فرزندان خردساش و اگر زکات فطر پدران و مادران بینواش و اگر زکات فطر فرزندان بالغ که بینوا و در نفقه او هستند اما زکات فطر گماشتگان دک نیکو در فرمان و خدمت شخص هستند و این جا بابه آنان نوکر گرفته می شود هر گاه دارای مزونباشند زکات فطر آنان لازم کار فرمایان شان است و کارگر آنیکه به مزد کاری کنند زکات فطر آنان لازم خودشان است.

زکات فطر باید از جنس خوراکی باشد که زکات آن ده یک آن لازم است مانند گندم یا جو یا میوز یا خرما و غیره که هر کدام قوت غالب باشد زکات فطر باید از آن جنس باشد.

زکات فطر را از زوجه نقد پرداختن درست نیست مگر نزد امام عظیم - آنچه شایان کمال توجه است اینکه هر جا عبادتی بعنوان فرض مقرر شده است در اطراف آن انواعی از مسنون قرار دارد که مکمل فرض هستند مثلاً نمازهای شبانه روزی را بنگرید که قبل و بعد از هر یک سنتی است زکات فطر هم باید قبل و بعد آن به صدقه های سنت آن را آر است.

آنانیکه خدای متعال از فضل خود به آنان بخشاش فرمود و توانگرشان نمود بر

زکات فطر اکتفا نکنند بر ایتم لباس برای روز عیدشان تهیه کنند که ناشایسته است در یک اجتماع بعضی دارای همه چیز و بعضی فاقد همه چیز باشند برای مستمندان و مخصوصاً افرادی که عیال بار و سنگین مصرف هستند کوئی شایسته کنند که روز عید را به خوشوقتی استقبال کنند و در روی زن و فرزند خود سرشار نگردند ارحام خود را خوشدل گردانند تا عید شما بابرکت و زندگی تان همراه با سعادت باشد بیماران را در یابید باشد که کوماک شما با بیماری را از دوش شان سبک سازد.

در شب و روز عید از یاد خدا غفلت نکنید تا روز عید را به شادمانی و طاعت خدا بگذرانید روز عید برای شادمانی است و چه نادانند مردمی که روز عید را به روز عزامبدل می سازند سنت پیغمبر را مخالفت می کنند حکمت تشریح عید را فهم نمی کنند در مقابل شریعت اسلام شرعی دیگر برای خود بازی کنند.

وعن رسول الله صلى الله عليه واله وصحبه وسلم: أيام العيد أيام أكمل و

شرب و بعال» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

روزهای عید روزهای خوردن و آشامیدن و خوشوقتی در رسیدن به همسران است. کسانی که روز عید را به روز عزامبدل کنند. با بیکار شرعی تازه خود را به طرف کفر می برند. و در حقیقت رفتن نزد کسانی که در عید عزامیگیرند حرام است و شرکت در گناه است. خداوند به همگی مان توفیق دهد که خود را جزا بر فرمان پیغمبر و تابع و پیر و فرایشات ایشان باشیم.

قال رسول الله صلى الله عليه واله وصحبه وسلم: من أحدث في أمرنا هذا

ما ليس منه فهو رد» . أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه در دین ما راه نوی باز کرد که فرمان ما بر آن راه نیست راه او بخودش پس داده

می شود. اما مستحقین زکات فطر همان مستحقین زکات هستند. فقرا و مسکینان بدیهکاران راه
گذاران و می توان به فقیری بیشتر بدگیری کمتر داد.

خدا ایندرا این ماه ما را از آزادشدگان این ماه قرار ده.

پروورد گارا ما را از سوار مقبولان درگاهت قرار ده.

باید الهی با توفیقی مبذول دار که هواد هوس خود را تابع شریعت مطهره پیغمبر اکرم
قرار دهیم و از آنچه مایه خشم تومی گردد ما را دور بدار.

افزید گارا اولی الامر ما را در احیاء سنت مصطفی صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم
موفق بدار و سروران و بزرگان ما را به پیروی شریعت توفیق ده و بخر دو بزرگ ما
توانائی طاعتت ارزانی دار.

اچی ایزد تو انا در این شبهای پر برکت مردگان ما را به رحمتت شاد کن و
زندگان ما را به معونت و مغفرت آباد کن و در این دنیای آشفته از ناراحتیها و غموم
آزاد کن و همگی ما مسلمانان را در سراسر گیتی نصرت ده و به عاقبت خیر همراه گردان تا در
همه حال تو از ما راضی و ما از تو خوشنود باشیم.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۲۸ - از اسراف و تبذیر بپرهیزید،

سخاح که از طاعت است بر پایه معاصی بنانه نهید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ
وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ الإسراء - ۲۷ -

خدای تعالی فرمود: محقق است که پایمال کنندگان مال برادران شیطانها هستند و

شیطان همیشه نسبت به پروردگارش کفر آورنده و مخالف است.

هر مالی که در بر پایه مصرف شود تبذیر است و پایمال کردن و آنچه در راههای خیر صرف
شود هر قدر باشد بمش بجا و مایه از زیاد. اگر دنیاری در راه حرام صرف شود تبذیر است و اگر
هزارها در راه خیر مصرف گردد طاعت است و برکت در دنیا خیر و شر پایمالی هم پیش میروند
هر قدر که از شر کاسته شود. در خیر افزوده میگردد. و هر قدر که در شر افزوده شود از خیر کم
میگردد. مصارفی که در بر پایه می شود مانع از مصرف در راههای خیری نگردد.

اسلام در هر زمینه ای دستورهای داد که بهترین آن در نوع خود است در جاهلیت
اعیاد و موسم اختصاص به لوم و لوب داشت. اسلام اعیاد را در آغاز بر عبادت خدای
متعال و در گردید و باز دیدی که مایه از زیاد مهر و محبت و وسیله رسیدن به ارحام و ایام

مستحقین قرار داد تا هم مواسمی برای شادمانی باشد و هم در عین شادمانی طاعتِ خدا و خدمتِ بخلق انجام گردد.

در عروسی و خصوصاً زن و شوهر هر دو همیز مقرر داشت تا از تجزیه و سیلهٔ زندگی زناشویی مرد و زنی که می‌خواهند با هم زندگی نوی را آغاز کنند فراهم شود و هر را بعنوان صدق و رغبت مرد در زناشویی مقرر شده است. برای شادمانی بروصلتی که مایهٔ بقا و نسل آدمی است و لیمه و شیرینی دادن را دستور داد تا آشنایان و مردم خدا شناس گردیم آیند و دعای خیر گویند و در شادمانی برادر دینی خود شرکت جویند.

برای زنان که بیشتر به شادمانی علاقه دارند و دایره را مجاز کرد این طریقه که شریعت مقرر داشت سالم‌ترین راه شادمانی است که نه در آن اسراف می‌آید و نه تبذیر. اما آنانی که از شادمانی در عروسی بدبختی خود را طالب بند راه اسراف و تبذیر را در پیش میگیرند معمولاً وقتی که اسراف و تبذیر بمیان آمد. همانگونه که اسراف و تبذیر معصیت است و خلاف فرمان خدا. همانگونه هم همه آن اسراف و تبذیر. در لهو و لعب و وقت‌گذرانی بی‌بوده تلف می‌شوند و چشم دیده می‌شود کار نکاح که خود طاعتی است بزرگ است و حفظ نسل آدمی. و ضمانت بقا و بشر و پاکدامنی و فرزندان با ایمان و نسب و میراث و سعادت خانوادگی همه در آن جمع است.

افراد نادان؛ شادمانی نکاح را همه در جمع کردن غاصیان و گرد آوردن مفت خوران و گذرانیدن روز و شب به معصیت و نافرمانی خدا مقدمه نکاح خود را به بدبختی و شوم معاصی و نحوست اسراف و تبذیر شروع می‌کنند.

دین مسین اسلام دستور داد تا این عبادت از آغاز آن به طاعت خدا شروع شود

به دعای خیر شرکت کنندگان در جشن و سرور آن تأیید شود. مردان را دستور داد تا برای مادری فرزندان خود زنی دیندار در نظر بگیرند که دل از پاک و امنی شان مطمئن باشد و روح از تندرستی شان شاد گردد و فرزندان از تربیتش به سعادت برسند و شوهر از ناتوانی به توانگری برسد و زندگی را لحظه اول در طاعت خدا آغاز کنند و در همه دوران زناشویی از سعادت و آسایش خاطر و شادی روح و آرام دل برخوردار باشند.

قال رسول الله صلى الله عليه واله وصحبه وسلم: «تسلك المرأة لما لها وجمالها

وحسبها ودينها فاظفربذات الدين توبت يداك»

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: زنان در نظر مردم بخاطر یکی از چهار چیز و رازدواج در نظر می گیرند زن را بخاطر مال و ثروتش و بخاطر زیبارویی و یا بخاطر حسب و خانواده بودنش و یا بخاطر دینداریش بکوش تا زنی دیندار بدست آوری که دست رابه توانگری رساند. خاطر را آسوده گرداند و دینداری و ترس از خدا او را به فرمانبرداری دادارد. و مردان را خواه توانگر یا بینوا به نکاح امر فرمود:

«من ترك النكاح مخافة العيلة فليس متا»

کسیکه زناشویی را از ترس فقر ترک گفت از مسلمانان نیست و زنان شایسته را بهترین خوشی دنیا دانست.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «الدنيا كلها متاع وخير متاعها

المرأة الصالحة» رواه الامام احمد وسلم.

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: دنیا همه اش خوشی زودگذر است و بهترین

خوشی آن همسر شایسته است.

و مردان و زنان را در خداشناسی همتای یک و گز قرارداد و مردان پاک و امن را از
 زناشویی با زن ناپاکدامن منع فرمود و زن پاکدامن را از ازدواج با مرد ناپاکدامن نهی کرد.
 قال الله تعالى «الزانی لا ینکح الا زانیة او مشرکة و الزانیة لا ینکحها
 الا ذان او مشرکة و حره ذلک علی المؤمنین» ۲ نور - ۳ -

مرد زناکار نمی تواند ازدواج کند مگر با زنی که همانند او زناکار یا مشرک باشد و
 زن زناکار نمی تواند ازدواج کند مگر با مردی همانند خودش زناکار یا کافر و حرام گردید
 بر مؤمنان با زناکاران و کافران ازدواج کنند.

مردی که در آغاز عفت خود را از دست می دهد و در روزهای عروس می زمین را برای
 اعمال ناشایسته تهیه می بیند و مصارف سنگین در راه معاصی بکار می برد از آغاز نکاح
 شالوده آن را بر بدبختی خود بنا می نهد چه بسیار خانواده های که در روزهای عروسی تا آنجا
 که توانستند اسراف و تبذیر کردند و اموال خود را در راههای مصرف نمودند که جز بدبختی دنیا و
 عقوبت آخرت چیز دیگری برای شان ببار نیارد. در زندگی زناشویی ناراحتیهای پیاپی برای
 شان بر سرشان داد و بحق که چوب عقوبت کردار خود را در همین دنیا هم خواهند.

وین بین اسلام به هر یک از مرد و زن دستور داد که تنها چیزی که می توانند در موقع
 ازدواج بر آن تکیه کنند همان خداشناسی و ایمان باشد که مرد و زن خدا ترس هیچگاه به بدبختی
 یک دگر راضی نشوند عادات و رسوم مسلمان خود بهترین رسوم است -

هرگاه برون شرعیت باشد هیچگاه گفته نمی شود در دنیا و ادم علم و عادات در علم باید همیشه
 نظر به پیشرفته ترین مردم کرد اما در عادات و رسوم باید عادات و رسوم سودمند خود را نگهداشت
 که سر بقاء هر ملتی در آداب و رسوم شان نهفته است آنچه پدیده های علمی است همه میتواند مورد

استفاده باشد امروز متیقن است که سفر با شین و هواپیما از مسافرت بر حیوان بهتر است استعمال و سائل راحتی که بر اثر علم پیش آمده است و مفاسد اخلاقی بهمراه ندارد و همه اش خوب است. اما لازم نیست در بی حیائی و لباسهای زننده عادت پسندیده خود را در شرم و حیا ترک گویند و تابع فرنگیان شوند. رسوم و عادات نکاح هم روی همین اصل باید بر رسوم و عادات اسلامی محافظت کرد که ترک آن جز بدختی ثمره دگری ندارد.

دین مین و شوم را در زنان دانست اما نه مین و شومی که عوام بر آن می اندیشند بلکه مین زن را در اندکی مهر و مصرف او در سرعت بارداری او. در حسن خلق و فرمانبری او. و شوم زن را در سنگینی مهر و مصرف او. در بدخوی و نافرمانی او دانست. جشن و سرور باید با شرکت دادن مستمندان باشد. بچشم خود بنگرید کسانی که در مصرف عروسی در برابره تیزیر و اسراف دارند به بنیند اینها مرد می هستند که همسایه دیوار به دیوار را فراموش می کنند. خویش ناتوان و بیچاره را دیده میگیرند برای تمام و فروماندگان ترجیحی ندارند. آنچه که می توانست برای شان شالوده نیک سختی باشد و دلهای بسیاری را در محبت شان قرار دهد و دستهای بدعای خیر شان و ادارد بر عکس شد.

آنانیکه می خواهند در زندگی شاد باشند. آنانیکه میخواهند فرزندان شایسته بیاوند. آنانیکه میخواهند عاقبت خیر بیاوند. آغاز نکاح را برابر فرمان خدا قرار دهند. و از معاصی و تیزیر و اسراف بپرهیزند. اسلام تکلف و تحمل بیش از توانائی را منع فرمود.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ) ص - ۸۶

بگو یا رسول الله. من در انجام رسالت مزدی از شما نخواهم و من از تکلف کنندهگان نیستم آنچه نمی توانم بر خود تحمیل نمی نمایم.

وعن ابن عمر رضي الله عنه قال صلى الله عليه وسلم **فصينا عن التكلف** «
 «أو كما قال ابن عمر گوید: رسول الله صلى الله عليه وسلم ما را از تکلف منع فرمود. تکلف بمعنی خودداری
 از بیان حق و تحمیل کردن بخود آنچه را که نمی تواند.»

کسیکه چیزی نمی داند و فتیحه ادعای آن نمود راه تکلف را گرفته است. کسیکه
 مصرفی نمود که نمی تواند راه تکلف را در پیش گرفته است.

آنانیکه از طریق طلسم و یا بعنوان مشکل کشا و یا احضار جن و خرافاتی همانند اینها بخواهند
 نان بخورند راه تکلف را در پیش گرفته اند و خود را در شمار بت پرستان محسوب
 داشته اند.

يقول رسول الله، صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «العيافة والطيرة والطرق

من الجبت» — رواه ابو داود باسناد حسن. أو كما قال عليه الصلاة والسلام

خط کشیهای طلسم نویسان و بدین گرفتن آنچه را که بدین نیست و تفاعل به چیزی که
 راهی در تفاعل ندارد همه از بت پرستی است.

خلاصه طلسم نویسی، و نخس بشردن کسیکه گناهی ندارد و ادعای شناختن دزد از
 طریق پیشگوئی خدا نا شناسان و پیشگوئی آینده کسی مدعی شدن احضار جن اینها همه بت پرستی
 و جادوگری است. کلمه رجبت بمعنی بت و بمعنی سحر و جادو و پیشگوئی آینده کسی است
 که اینها همه انواعی از بت پرستی است.

اکنون که ماه مبارک رمضان است تصمیم بگیرید که در همه ایام سال در راه طاعت
 خدا گام بردارید از فراهم کردن فطور برای روزه داران غفلت نکنید.

عن زيد بن خالد الجهني عن النبي صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم قال:

« من فطر صائماً كان له مثل أجره غير أنه لا ينقص من أجر الصائم شيء »

(رواه الترمذی و قال حدیث حسن صحیح)

کسیکه فطور روزه داری بدهد ثواب او برابر با ثواب روزه دار است. مگر اینست که ثواب او از ثواب روزه دار چیزی کم نکند. در حال روزه اگر کسی بفراموشی چیزی بخورد و یا بیاشامد روزه اش باطل نمی شود.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: « إذا نسي أحدكم فاكل أو شرب فليتم صومه فإنما أطعمه الله وسقاه » (متفق عليه)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود کسیکه فراموش کرد در حال روزه دار بفراموشی چیزی را خورد و یا آشامید روزه خود را به آخر برساند زیرا در حقیقت خدا او را خوراک داده و آشامیدنی داده است در حال روزه باید از گفتن زور و کردار زور پرهیز شود زیرا روزه برای پرهیزگاری از معاصی گناهان است.

قال النبي صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: « من لم يدع قول الزور والعمل به فليس لله حاجة في أن يدع طعامه وشرابه » (رواه البخاری)

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود کسیکه در حال روزه داری گفتن زور و کردار زور را ترک نگفت خدا را حاجتی نیست بسوی اینکه خوراک و آشامیدنی خود را ترک گوید.

وعن أبي أيوب الأنصاري رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: « قال من صام رمضان ثم أتبعه ستاً من شوال كان كصيام الدهر » (رواه مسلم)

کسیکه ماه مبارک رمضان و پیر آن شش روز از ماه شوال را روزه گرفت در ثواب به مانند روزه داری همه سال است.

اکنون که ماه مبارک رمضان در شرف پایان است و همراه قمری اعتبار آن بر رؤیت هلال است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «صوموا لرؤيته وافطروا لرؤيته فإن غمَّ عليكم فصوموا ثلاثين يوماً» (رواه مسلم)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود روزی بگیرید بدین ماه یکشنبه رمضان و افطار کنید بدین ماه یکشنبه شوال. اگر هوا بر شما برین شد و ماه یکشنبه را ندیدید سی روز روزه بگیرید. و کسیکه ماه یکشنبه شوال را دید و خبر نداد بکتمان شهادت نموده است و مقبره است در ثبوت ماه شوال گواهی دوم معتبر که شرعاً گواهی شان قبول باشد و یا کامل کردن روزه سی روز سنت است موقع دیدن ماه یکشنبه شوال گفتن:

«اللهم أهله علينا بالأمن والإيمان والسلامة والإسلام ربّي وربك
الله هلال رشدي وخير»
رواه الترمذی و قال حدیث حسن صحیح.

خدا یا ما را به گناهان نامحزانان مواخذه مفرما.

پروردگارا بگذا ببعنایتت که سخت فرو مانده ایم ما را بمعونتت مدد فرما. از ریودید و فریب
نفس اماره و گول هوس و غرور غفلت محفوظان فرمای. گناهکاران ما را به نیکان ما بخشای و
نیکان ما را بعفو و رحمتت مدد فرمای

بإدائها أولى الامر ما راتوفیق ده تا ز بهرانی شایسته باشند. و در اجراء دین بین
اسلام بکوشند. و به سروران و بزرگان. تأییدی همراه دار تا محرمی حق و عدالت گردند.
ا فرسید گارا در شرب های پر برکت این ماه دلهای ما را از نور ایمان روشن سازد
زبان های ما را بیاد و داد ساز و اعمال ما را به توفیقت مقبول در گاهت گردان.

خُذْ أَيَا دَرَايِن دَنِيَايِ پَرِ اَشْوَبِ مِيْمِ عَاقِبَتِ مَارَا بِه لِرِزِه دَرِ اَوْرِدِه اَسْت. قَسَبَتِ
مَارَا نَجِيْرَ گِرْدَانِ - دَشْمَنَانِ دِهْمَنَانِ رَا بِرَا شَادِمَا سَازِ -

بَارِ اَلِهَا رِضَا وَخُشْنُودِيْتِ هِمْرَاهِ مَآ گِرْدَانِ وَنِيَكِ نَامِي وَنِيَكِ فِرْجَامِي
پَايَانِ كَارِ صَهْمَكِي مَانِ گِرْدَانِ -

رَبَّنَا اِيْتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِيْنَ - سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلٰى الْمُرْسَلِيْنَ
وَالحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ه

۲۹- سعادتِ دو جهان در بسیاری یاد خدا است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ كَفَرُوا﴾ الأَنْخَاب - ۳۵ -

و مردانی که یاد خدا کنند بسیار و زنا نیکه بسیار یاد خدا کنند برای این نیکوکاران -
 خدا توانی بزرگ آماده ساخت درین عبادت تاملی که در اسلام مقرر گردیده است. بیخ عبادتی
 به آسانی و پرنفعی یاد خدا نیست. آدمی در حال راه رفتن. در حال نشستن. در حالیکه به پیشو
 افتاده است و خلاصه در همه حال میتوان زبان را به یاد خدا آراسته دارد و زبان تاملی که به یاد
 خدا آراسته شد از دروغ و هرزه درانی ننگداشته می شود. از بر حریفی و بهیوده گوئی حفظ
 میگردد و از افتادن در پوختن خلق جلو میگیرد و زبان تاملی که یاد خدا عادتش گردید اعضا بدن را با
 خود به استقامت می برد. دلم را به درستی و امیدارد. از بداندیشی باز میدارد -
 یاد خدا در خوشی مایه سپاس گذاری است و یاد خدا در ناخوشی وسیله آسایش روح
 است. یاد خدا در حال خشم آدمی را به یاد خشم خدای اندازد و از عملی کردن خشم خود
 باز میدارد و خلاصه یاد خدا در همه حال مایه سعادت و نیک بختی است. خدای عز و جل مؤمنان
 را به صفتی یاد کرد که هر فرد میتواند آن را در وجود خود بیازماید -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ

عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا ﴿ ۲۱﴾ الأَنْفَال - ۲ -

مؤمنان کانی هستند که هرگاه خدا یاد شود دل‌های شان به ترس افتد. و موقعیکه آیات قرآن برایشان خوانده شود. بر ایمان شان بیفزاید اگر بر یاد خدا مواظبت شود همین اثر را بار آورده. و موقع یاد او دل به ترس افتد. قصور خود را در عبادت بخاطر آورد و کفران نعمت‌های پروردگار بیاورد. و از غفلت خود پشیمان گردد.

امروز که در موقع یاد خدا آن ترس احساس نمیشود آدمی را بر ضعف ایمان خود واقف می‌سازد. نشانه ایمان ترس از خدا است هنگام یاد او و این نشانه میتواند بعنوان میزانی که قوت و ضعف ایمان آدمی را مشخص می‌سازد بکار برده شود و هر فرد با ایمان از همین راه میتواند ایمان خود را تقویت نمشد خواندن آیهای قرآن هرگاه از روی تأمل و فهم باشد ایمان را بیفزاید و عظمت قرآن دفعه به دفعه ظاهر تر می‌گردد. یاد خدا مایهٔ همراهی و معونت پروردگار است. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَنَا مَعَ عَبْدِي مَا ذَكَرَنِي وَتَحَرَّكَتْ بِي شَفَاتَاةٌ؟ أَخْرَجَهُ ابْنُ مَاجَةَ وَصَحَّحَهُ ابْنُ حِبَانَ وَذَكَرَ الْبُخَارِيُّ تَعْلِيْقًا.

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود که خدای تعالی فرمود: من باینده ام هستم تا موقعیکه او مرا یاد کند و لبهایش به یاد من بجنبند. موقعیکه آدمی مشغول یاد خدا است به معونت و باری خدا تعالی اطمینان دارد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «ما عمل ابن آدم عملاً أبغى له من عذاب الله من ذكر الله». أَخْرَجَهُ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَالطَّبْرَانِيُّ بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ.

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: آدمی عملی نکرد که او را نجات دهند مگر

باشد از عذاب خدا از یاد خدا که یاد خدا نجات دهنده ترین اعمال آدمی زاده است -
 یاد خدا وقتی که عادت شد بسیار گشت آدمی را همانند فرشتگان مورد رحمت خدا قرار
 می دهد -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «ما جلس قومٌ مجلساً يذكرون
 الله فيه - إلا أحقتهم الملائكة وغشيتهم الرحمة وذكرهم الله فيمن عنده» (بخاری و مسلم)
 رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: هر مردی که در مجلسی نشستن برای یاد
 خدا در آن فرشتگان آنان را احاطه کنند و رحمت خدا آنان را در بگیرد و خدا آنان در کسایت
 نزد او یعنی مقرب درگاه او هستند یاد کند اوقاتی که یاد خدا میگذرد و مایه همین هم نشینی فرشتگان
 و فر گرفتن مهر خدا و یاد شدن در جبهه مقربان درگاه خدا است. بهمانگونه که اوقاتی که از یاد خدا
 در آن غفلت می شود - باعث حسرت و افسوس میگردد.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «ما تعد قومٌ مقعداً الميذاكروا
 الله فيه ولم يصلوا على النبي صلى الله عليه وسلم؛ إلا كان عليهم حسرة يوم القيامة»
 اخرجہ الترمذی قال حدیث حسن .

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: مردی که در مجلسی بنشیند و در آن نشستن نه یاد خدا
 کند و نه درود بر پیغمبر فرستد آن نشستن برای شان حسرت و افسوسی است در روز قیامت
 حسرت است زیرا فرصتی را که می توانست مایه رضای خدا گردد از دست داد افسوس است
 زیرا عمر گرانی را بیهوده تلف کرده و در آن طاعتی که مایه آراستگی آن شود نه نموده است از بهترین
 یاد خدا گفتن کَلِمَةَ إِلَّا اللَّهُ است -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «أفضل الذكر كَلِمَةَ إِلَّا اللَّهُ»

بهترین یاد خدا گفتن لا اله الا الله است

كَلِمَةُ الْاِلهِ الْاَلَا اللهُ — نیست معبودی بجز مگر خدای یکتا علم توحید است کلمه ای است که رسول الله در سیزده سال اقامت خود در مکه معظمه بعد از بعثت تنها تکرار و پافشاری خود بر این کلمه قرار داد و شعار خود کلمه قولوا لا اله الا الله تفلحوا. بگوئید لا اله الا الله تا رستگار شوید قرار داد کفار به جنگ دستیز برداختند نبرد و پیکار پرداختند و این کلمه را نگفتند - زیرا امید استند اساس بت پرستی را و از گون میکند عقاید فاسده را نابود می سازد آدمی را و امیدارد که در همه کار روی دشمن بسوی خدا باشد و استند که مقصود از آن تنها بر زبان راندن آن نیست و رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم بهترین کلمه پافشاری فرمود زیرا یقین می دانست هر گاه مردم به توحید خدای یکتا معتقد شوند در بای همه خیرها بر روی خود گشوده اند و کسیکه لا اله الا الله را گفت و آن را فهم کرد و به آن عمل نمود. در حقیقت به رستگاری رسیده است و از اینجا است که فرمود:

« أفضل ما قلتُهُ أنا والنَّبِيُّونَ من قَبلي لا اله الا الله وحده لا شريك له »

بهترین کلمه ای که من و پیغمبران پیش از من گفته ایم کلمه: لا اله الا الله و حده لا شريك له می باشد.

زیرا این کلمه آدمی را واقف نمود که خالق واقعی او خدای یکتا است و هر چه هست در ید قدرت خدای یکتا است.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: « من قال لا اله الا الله وحده

لا شريك له. له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير عشر مرات كان من اعترق

أربعة أنفس من ولد اسمعيل » (متفق عليه)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: کسی که ده بار لا اله الا الله و حد لا شریک له لله الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير بگوید چنان است که چهار تار فرزند اسمعیل را آزاد کرده باشد.

وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «من قال سبحان الله وبحمده مائة مرة حطت عنه خطاياها وان كانت مثل زبد البحر.» (مشفق عليه) کسی که سبحان الله و بحمده را یکصد بار گفت انداخته از او خطاهاش اگر چه همانند کف دریا باشد و در اثر است.

سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم واستغفر الله تسبیح جمله کائنات است
وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «الباقيات الصالحات - لا اله الا الله - سبحان الله والله أكبر والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم.» (اخرجه مسلم)

باقیات صالحات لا اله الا الله - سبحان الله والله أكبر - الحمد لله - ولا حول ولا قوة الا بالله می باشد سبحان الله یعنی تسبیح خدا می گویم و او را از هر عیب و نقیصی مبرا میدانیم آنچه را آفرید خوب آفرید و برای خوبی آفرید. الله اکبر بمعنی خدا بزرگترین است. این کلمه که در زیر و بالا شدن نماز و بستن نماز گفته میشود برای این است که اگر در نماز مسائلی از زندگی بخاطر نماز گذار آمد بگو خدا بزرگترین است و در برابر او شایسته نیست از او غافل شدن و بیاد او شایسته حقیر افتادن اگر بخاطر آدمی آمد. فلان کار مهم در پیش دارم باز هم بگوید الله اکبر خدا بزرگترین است و هر کار بزرگی در برابر و بزرگی خود را از دست می دهد اگر به ذهن آدمی خطور کرد که فلان شخص بزرگ قصد ملاقاتش را دارم. باز هم بخاطر آورد که الله اکبر خدا بزرگترین است.

و در برابرش شایسته نیست بفکر دیگری بودن و به این ترتیب هر چه بخواهد و خواست آدمی را
از نماز خود بخلقت بیندازد.

نماز گذار بگوید اللہ اکبر را در دل خود و دل را در عبادتش حاضر سازد که روح
نماز و عبادت خشوع و آرامش است. لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ در و روی از گناه و
پایداری بر طاعت تنها بر مدد خدای توانا میتوان اعتماد کرد در حصول خوشی و رفع ناخوشی تنها
مدد خداست که آدمی را به خوشیها میرساند در پیش آمد های ناگوار رفع آن و آمدن پیش
آمد های گوارا و مطلوب تنها از توانائی خدا میتوان چاره جست و روی این اصل در همه کار و همه
راه استمداد آدمی از خدا باشد نه غرور او راست و هدیه نومیاید. کسیکه برای رفع شر و
بدست آوردن خیر استمدادش را بخواهد گنجی از گنجینه های بهشت را بدست آورده است.

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبہ وسلم بآبی موسیٰ اشعری فرمود:

« اَلَا اَدُلُّكَ عَلٰی كَنْزٍ مِّنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ »
« متفق علیه، لا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ. گفتن و فهم آن دست یافتن بر گنجی از گنجهای بهشت
است. یاد خدا برای اظهار بندگی است و عا که خواهش و التماس از خدای متعال است،
از بهترین یاد خدا است. »

قال النبي صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: « إِنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ »

رواه الاربعه. و صححه الترمذی. و عا همانا عبادت است.

وقال صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: « الدُّعَاءُ مَخَّ الْعِبَادَةِ » (رواه الترمذی)

و عا مغز عبادت است.

وقال صلوات الله وسلامه عليه: « ليس شيء أكرم على الله من الدُّعَاءِ »

(رواه الترمذی وصحیح ابن حبان والحاکم)

نیست چیزی که نزد خدای تعالی گرامی تر از دعا باشد. دعا خواہش و التماس است که اباس اظهار بندگی در برابر پروردگار آن است مواقع اجابت دعا میان اذان و اقامه میان نشستن خطیب بر منبر تا فراغت از نماز جمعہ. در سجود. دعا و فقرار موقعی که بہ احسان خوشوقت می شوند. دعا پدر و مادر موقعیکہ از فرزند خوشنود میگردند. وغیره.

قال رسول الله صلّے الله علیه وآله وصحبه وسلّم: «الدُّعَاءُ بَيْنَ الْاَذَانِ وَالْاِقَامَةِ كَالْيُزْدِ» اخرجہ النسائی وغیره وصحیحہ ابن حبان
و از یاد کردن خدا است طلب درود و سلام بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم.

وعن ابن مسعود رضی الله عنه قال: قال رسول الله انّ اولی الناس بی یوم القیامة اکثرهم علیّ صلاةً اخرجہ الترمذی وصحیحہ ابن حبان.

فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلّم: نزدیکترین مردم بہن در روز قیامت بیشترین شان در درود فرستادن بہن است.

قال الله تعالی: اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِیْمًا ۱۲ الاخراب - ۵۶ -

ای مؤمنان کسیکه خدا و فرشتگان بر او درود فرستادند. درود بر او فرستید و تسلیم فرمان او شوید.

روی الثیبی عن زین العابدین رضی الله عنه قال: عَلَامَةُ اَهْلِ السَّنَةِ كَثْرَةُ الصَّلَاةِ عَلَی رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَاَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ.

زین العابدین رضی الله عنه گفت: علامت اهل سنت بسیار روی درود

فرستادن بر رسول اللہ می باشد در کمترین مقدار درود فرستادن بر رسول اللہ .
 امام ابو الحسن بکری گفته است که شخص مسلمان نباید روز و شبی کمتر از پانصد بار درود بر
 رسول اللہ فرستد . روایت شده است :

« ثَلَاثَةٌ تَحْتَ ظِلِّ الرَّحْمَنِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ . قِيلَ مَنْ هُم يَا رَسُولَ اللَّهِ .

قال من فرج عن مكروب من أمتي ومن أمتي سنتي ومن أكثر الصلاة علي .
 او كما قال علیه السلام : « کند که در سایه پروردگار عزوجل هستند روزی که بجز سایه او سایه دیگری
 نباشد گفته شد آن کس چه کسانی هستند ؟ فرمود : کسیکه از شخص بزرگوار افتاده
 که از امت من است گشایشی نماید و او را از زحمت و محنت برساند . و کسیکه سنت مرا احیا
 کند و کسیکه بسیار درود بر من فرستد .

قال أبو بكر الصديق رضي الله عنه الصلاة على رسول الله . أحق للخطايا من
 الماء للتار والسلام على النبي صلى الله عليه وسلم أفضل من معج الأنفس أو من
 ضرب السيف في سبيل الله » (رواه النيربغی وابن الجوزی)

ابو بکر صدیق گفت سلام فرستادن بر پیغمبر از آزاد کردن بردگان بهتر است .
 و درود بر پیغمبر گناهان را نابود کننده تراست . از آب برای آتش و محبت رسول اللہ از
 جان شیرین بهتر است . و از شمشیر زدن در راه خدا برتر است و معلوم است که محبت
 رسول اللہ در اتباع و پیروی فرمان او است .

وقال صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم : « صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ كِفَارَةٌ

لكم وزكاة فمن صلى علي صلاة صلى الله عليه عشراً » اخبرنا ابنتي

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود درود بر من فرستید زیرا درود فرستادن

تان بر من کفاره و تطهیر شماست و سیکه یکبار بر من درود فرستد خدایه بار بروی درود فرستد
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 مَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ جَمِيدٌ جَبِيدٌ.

خدا اینا در این ماه مبارک بهر شبی آزاد شدگانی داری که از دریای رحمت سیراب می
 شوند و از آتش جاوید آزاد میگردند ما را به عنایتت از آزاد شدگان امشب قرار ده - و عفو و رحمت
 شامل حال ما گردان -

بجز درود گادا دلهای ما را به نور ایمان روشن دار و دلهائی ما را به مهرت درخشان ساز و
 اعمال ما را بجلای قبول آراسته دار و گفتار ما را بیادت قرار ده و عاقبت ما را در همه حال و
 در همه کار بخیر گردان -

افزاید گارا پدران و مادران ما را به مغفرتت شاد گردان و مردگان ما را بر رحمتت
 دلشاد کن -

يَا دَرِّ الْهَيْئَةِ اُولَى الْاَمْرِ مَا رَدَّ اِحْيَا سُنَّتِ مَطْمَرَه مُحَمَّدٍ مَصْطَفَى مَوْفِقِ بَدَارِ و سَمْرَدَانِ و بَزْرگانِ
 ما را در نشر تعلیم اسلام نموید بدار و دانشمندان ما را در اجراء احکام شرع مظهر اسلام مدد فرما -
 خدا اینا بارش فرست که عباد و بلاد را شاد گرداند -

رَبَّنَا اِنْتَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ . سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۳۰ - عاقبت خیر و فرجام نیک برای

پرهیزگاران است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ الأعراف - ۱۲۸ -

خدای تعالی فرمود: فرجام نیک و عاقبت پسندیده برای پرهیزگاران است.

اکنون که پایان ماه رمضان است و آغاز ماه شوال - آنانی که در این ماه روزه گرفتند چند ساعتی را بدون خوراک و آب گذرانند - اما شامگاهان با خوشوقتی زائد الصغی بر سفره افطار می‌نهند دست‌پاس بسر رومی خود میکشیدند که توفیق این طاعت برای شان فراهم شد دست‌بدعا فرمیداشتند و از خدای خود قبول روزه و سعادت دو جهان را خواستگار میشدند. میدانستند که آنچه را که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده اند راست است و درست ایشان فرمودند که روزه داران دو خوشوقتی دارند - خوشوقتی در وقت افطار و خوشوقتی در روز دیدار پروردگار با خوشوقتی افطار امیدشان به دیدار پروردگار تقویت میشد و روز به روز ایمان شان می‌افزود اکنون آنها نیکه روزه بودند و یک ماه بروزه داری شکیبائی نمودند فردا که عید شد خوشوقتی اجازه یافتن بر افطار مسرت و شادمانی عیدشان را چند برابر میگرداند اما بدبختانی که از روزه داری محروم ماندند

و بیچارگانی که قبله مقصودشان شکم شان بود. امشب و فردا در برابر وجدان خود شرمگین اند. در برابر مؤمنان شرمسارند از عیاد احساس لذتی نمی کنند زیرا برای آنها روز عید و غیر عید تفاوتی نکرده است در برابر خدای خود بانا فرمانی خود مورد خشم و غضب خدا هستند در برابر فرشتگان و مؤمنان مورد لعن و نفرین اند ماه رمضان بر هر دو گروه گذشته هم بر گروه مؤمنان و هم گروه فاسقان.

اما بهره مؤمنان ر و سفیدی طاعت و امید اجابت و قدرت اراده و تصمیم تقویت تندستی و ثواب فراوان و پاداشی پایان ناپذیر است و خوشیهای بیشمار است.

و اما بهره فاسقان سیه روی معصیت محرومیت از اجابت ضعف اراده ابناشتن زوائد در معده و عقوبتی بسیار و کیفری پایان ناپذیر و شکنجه های بی شمار است.

اگر بر فرض محال آخرتی نباشد ماه بر هر دو گروه گذشته و از گذشته نه لذتی باقی و نه زحمتی برجاست اما اگر بیقین آخرتی باشد آنجا است که تفاوت روز و داران و بی روزگاران آشکار میگردد به فاسقان بنگرید همیشه ذلت معاصی لازم دلهای آنهاست به صالحان بنگرید همیشه عزت طاعت همراه شان است و همیشه هم عاقبت پسندیده برای پرستیزگاران است روزی که در آن هستی یا شبی که در آن می باشید به بینید اگر آغاز آن روز ناراحتیها بوده اما پایان آن خوشی و مسرت بخشها بوده است. در پایان همه آغاز را فراموش می سازند. عاقبت برای پرستیزگاران هم بدینگونه است. پایان را می بینند و خاصه اگر پایان را در خوشی جاوید به بینند پاداش روز و داران بهشت است بهشت نام آن لذت بخش است بهشتیان چه عزت و سرفرازیهای دارند.

قال الله تعالى: ﴿ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا
 وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ وَقَالُوا
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوَدَّتْنا الْأَرْضَ نَنْبَوُا مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَنِعْمَ
 أَجْرُ الْعَامِلِينَ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِيَةً مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ
 قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿ الزمر - ۷۲-۷۴-۷۵

خدای متعال فرمود:

برده شدند و میکه پرهنرگاری و درس از خدا داشتند بسوی بهشت گروه گروه
 تا اینکه به بهشت رسیدند و دومی آسودند در برابر احترام شان گشوده شد و بهشت
 بانان با احترامی وصف ناپذیر استقبال شان نموده و میگویند سلام خدا بر شما و
 خوشی باد شما را به بهشت رسید برای جاوید ماندن بهشتیان گفتند همه ستایشها خدای یکتا را
 منراست که راست نمود برای ما وعده اش را زمین بهشت را برای ما داد تا هر جا از بهشت
 که خواهم وطن گیریم. مؤمنان دیدند بر در بهشت این همه گرامی داشت است بهشت بانان به
 استقبال آمده اند سلام میگویند خوشی ما را یاد آور می شوند و از آغاز ورود اطمینان جاوید
 ماندن می یابند بخاطر آوردند که در دنیا چند روزی شمرده فرمانبری خدا برای شان همه
 لذت بخش بود سختی های دنیا بسبب عت برق گذشت. دیروز در دنیا هیچ لذت دیر پا نبود
 همیشه هر اس مرگ ملازم بود ترس بیماری آدمی را می آزد ترس فقیر بودنی ترس عاقبت
 سر آمد ترسها بود پیش آمدنها تکرار می شد. مرگ عزیزان زندگی را بر آدمی تلخ می کرد
 جوانی همراهِ با جنون بود و دوران کودکی و جوانی پی در پی سپری میشد و ایام پیری همانند
 روزهای سرد زمستان نه بلکه همانند ششهای سرد زمستان خشک طولانی و خشکی آور بود

بر هیچ آسایشی اعتماد نبود از آغاز و رودیه دنیا ابتدا ترک شدن دنیا شروع میشد. اما در بهشت همه خوشی است نه ترس پیری در میان است نه آشفتگی نا آرامیها در پله است. نه مرگی در کار است ترس وجود ندارد و هر چه هست خوشی است آن هم خوشی جاویدان آرزو هیچ مقایسه ای برای آنمه پاداش در برابر چند روز زودگذر دنیا دیده نمی شود بهشتیان دهن را بشکر و سپاس می گشایند و از خوبی پاداش خود سخن میگویند و از آسایش همگی و حصول همه آرزوها شادمانند. مؤمنان و فرشتگان هم صدرا میگویند.

﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْزَنَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴾

مؤمنان فرشتگان را می بینند که عرش را احاطه کرده اند و اوریا را می نگرند که از روی حق انجام پذیرفت از این پس طلبنگاری نیست تکلیفاتی وجود ندارد. آزادی کامل در خوشی با سرفرازی تمام در زندگیا است. هر لحظه خوشی تازه ای است و از لو گفته می شود و آواز گفتار شکر و سپاس از فرشتگان و مؤمنان بلند میگردد و قیل الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. و گفته می شود ستایشها همه برای پروردگار جهانیان است. در آرزو بیچارگان حسرت زده که کم کم آماده دوزخ می شوند بهشتیان را صدای زدن با آوازی در نهایت خواری میگویند:

﴿ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ ﴾ الأعراف - ۵۰

ای بهشتیان از آنچه از خودتان زیاد است از آب و آنچه خدا روزی تان فرموده ببارسانید و جواب بهشتیان را می شنوند.

﴿ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مَعَالَى الْكَافِرِينَ ﴾ الأعراف - ۵۰

خدا آب و خوشی بهشت را بر کافران حرام فرموده -

پس از دیدن خوشی های بهشتیان حصاری میان دوزخیان و بهشتیان به وجود می آید تا حسرت از دادن بهشت سر باز آتش سوزی دوزخیان باشد و دیدن وضع دلخراش دوزخیان بهشتیان را نیاورد -

﴿ فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ يُنَادُوا لَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَنَعَّمْنَا بِاللَّهِ الْغُرُورِ ﴾ الحسب - ۱۴

حصاری میان بهشتیان و دوزخیان که در می داشت به وجود آمد و دخل آن رحمت و آمرزش بود بسوی بهشتیان بود و بیرون آن شکنجه و عذاب بود که نصیب دوزخیان آن نگون بختان بهشتیان را صد از دند که در دنیا آیا با شما نبودیم جواب بهشتیان شنیدند که چرا و لکن همیشه شک تر دید و اشتیرو آرزوهای بی مایه و دنیا له دار شمار از فریفت و شیطان شمار از فریب داد تا این که فرمان خدا آمد دوست تان از همه جا خالی ماند -

از آیه ۱۲ تا ۱۵ سوره حدید در خصوص آغاز کار دوزخیان و بهشتیان است -
در خصوص بهشت در قرآن آیه های خیلی زیادی است که هر جا از آن یاد می شود به عبارتی دیگر و با معنای دلپذیر تر تعبیری گردد و از همه طرف مژده دادن و تبریک گفتن بهشتیان را در بر بگیرد و روشنائی مومنان همانند خورشید می درخشد -

﴿ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرًا كَمَا الْيَوْمَ جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾ الحسب - ۱۲

روزیکه می بینی مردان و زنان با ایمان را که می درخت دروشتائی شان از جلو و راست شان از هر طرف به آنان گفته می شود مرده باد شمار ابهشتهای کوجویهای آب روان در زیر آن و جاوید ماندن همراه آن است این رسیدن به بهشت و مرده گرفتن از هر سو و درخشش و روشنائی رو و جاوید ماندن در آن بهره مندی بسیار بزرگ و پرازش است. در آن روز منافقان و کافران آرزو کنند که التفاتی از مومنان بسوی آنان باشد.

﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا﴾ "الحديد - ۱۳"

در آن روز مرد و زن منافق به مومنان میگویند نظری به سوی ما معطوف دارید تا از روشنائی شما از این ظلمات و تاریکیهای بیایم به آنان گفته شود برگزید و طلب نور کنید روشنائی وقتی نصیب تان میشد که در دنیا فکرش را میکردید. اما بهشتیان از هر جهت مورد اکرامند. روزهای بے نظیر همسران پاک. باغمهای بی مانند و جاویدانی.

قال الله تعالى ﴿وَكَثِيرٌ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُمْتَسِبِينَ وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ "البقرة - ۲۵"

خدای متعال به پیغمبرش فرمود:

مرده بده مردمی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته نمودند به این که محقق است برای شان بهشتهای که جویهای آب در زیر آنها روان است. جویهای آبی که نه گاهی تغییر پذیرد نه کمی شود نه زیبایی به بار آورد و جوی آبی که درختان بهشت را سیراب سازد

دربهای بوجود آورده که در شکل همانند اما در مزه و طعم متفاوت باشد و از یک نوع شمرا انواع طعم و مزه بوجود آید.

معمولاً در دنیا خیار اگر طعمش تغییر نمود به تلخی می گراید اما فضل و قدرت پروردگار که میوه ای که بشکل خیار باشد مزه باو طعمهای متنوعی داشته باشد که هیچکدام رطبی به دیگری نه داشته باشد برای بهشتیان هر لحظه سستی تازه کند و برای شان همسرانی پاک است هیچ نا آرامی از آنان بوجود نیاید از معایب و نواقص پاک باشند و مکمل خوشوقتی شان همانجا و دید بودن شان در آن است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم قال الله تعالى أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ وَأَفْرَعُوا إِنْ شِئْتُمْ وَرَفَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ ۖ

أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله فرمود که خدای متعال اعلام نمود که آماده ساخته ایم برای بندگان صالح و شایسته ام آنچه را که چشم بشر در دنیا ندیده است و نه گوش آدمی در صف آن راشنیده است و نه بر دل کسی خطور نموده است و بخوانید اگر بخوابید مصداق آن در قرآن در آیه

﴿ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ ۖ السَّجْدَةُ - ۱۷ ﴾

هیچکس نمی تواند بداند چه خوشیهایی نگهداری شده است برای بهشتیان. در این زمینه آیات و احادیث از شما بیرون است. مؤمنان به آن یقینی دارند و موقعیکه اگر شخص مورد اطمینان وعده ای بدهد که توانائی آن را دارد مردم به وعده اش مطمئن می شوند و وعده ای که خدای متعال بفرمانبراش داده است هیچگاه خلاف نمی شود و اهل ایمان در حقیقت و صدق وعده خدای متعال ایمان کامل دارند.

اکنون که عید در مشرف و قوع است در این شب از تکبیر مسنون غفلت
نکنید -

الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر

اللهُ أَكْبَرُ لِلَّهِ الْحَمْدُ -

در شب بیداری و احیاء آن به عبادت خدا غفلت موزید بامدادان بدن
شستنی سنت را بجا آورید گرفتن موی و چیدن ناخن و پاکیزگی ساختن بدن و بهترین
لباس که دارید و بوی خوشی که مقدورتان است از سنن موکده هستند گشاده دستی بر
اهل و بستگان تفقد ارحام و ایتام و نقرار و همسایگان مایه سعادت شما در روز عید
است دوستی و آشتی با دشمنان ترک کینه و دشمنی تقسیم بر راستگویی و پرهیز از دروغ
و خبر چینی و غیبت از آداب عید است -

آمدن از راهی و برگشتن از راه دیگر و اخراج زکات فطر قبل از نماز عید و پیاده
به نماز عید رفتن از سنت الهی عید است - دید و بازدیدها و زیارت اموات بعد از
نماز عید فراموش نکنید -

خُدَايَ مُتَعَالَى هَمَّتْ مَان وَ جَمِيعِ مَسْلِيْن رَادِر طَالَتْش مَوْفِقِ فَرْمَاو عِيدِ مَسْلِيْن دَر
پيروي بردشمنان قرار دهد تا در عید آینده مسجد الاقصی در اختیار مسلمانان و
پراز نماز گزاران باشد -

خُدَايَا مَسْلَمَان رَادِر سِرْگِيْتِي عَزْت دِه وَ اُولِي الْاَمْر مَارَا تَوْفِيْقِي عِنَايْت
دَار تَا حَامِي دِيْن وَ حُجِّي شَرْعِيْت وَ مَوْيِدِ سِنْتِ بَاشَنْد -

پروردگارا دشمنان اسلام را مقهور و شکوب گردان و با همه مسلمانان عاقبت خیر و

فرجام نیک کرامت فرما.

بجزوردگارا در این شب مردگان ما را بیا مرز زندگان ما را بیداری و هشیاری و
پیشرفت و عزت عنایت دار و خرد و بزرگ ما را در آنچه مایه احیاء کتاب و سنت و
پایه افزایش سر بلندی و عزت مسلمین میگردد معونت فرما.

خدا ایما به ما باران رحمتی عطا کن که مردم را شادمان و زمینها را
خرم گرداند.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ هـ

۳- ستایش رسول اله - ملح او همان است

که پروردگار در باره اش فرمود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَ
قُلِّ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَّلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى « وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ » الانبياء - ۷-۱

(یا رسول الله خدا تو را رحمتی برای جهانیان فرستاد)

دنیائی را تاریکی شرک فرا گرفته بود. هیچ راهی برای نجات وجودنداشت. سنگدلی بنشهاد درجه شدت رسیده بود. ضعیفاء در زیر شکنجه های گوناگون جان می سپردند. فریادرسی وجودنداشت. دلها از تاریکی کفر از لطف حق تعالی محروم مانده بود که خورشید رسالت محمدی درخشیدن گرفت. جهانی از نور روشن شد و جهانیان حیاتی تازه یافتند. مردم همانند دندانه های شانه در برابری و برادری به سادات و مؤانسات رسیدند و بانگ شهادان لا اله الا الله وان محمداً رسول الله - برای نیک نختی جهانیان در

سر اسرتی طنین انداز شد و خیام چه راست گفت :

ده عقل ز نه رواق از بهشت بهشت

هفت اخترم از شمس جبت این نامه نوشت

کز پنج حواس چهار ارکان و سر روح

خالق به دو عالم چو تو یک کس نه سرشت

آری واللہ خالق به دو عالم چو تو یک کس نه سرشت

بقول سعدي عليه الرحمة :

خدایت شناگفت و تجلیل کرد

زمین بوس قدر تو جبریل کرد

بلند آسمان پیش قدرت تجل

تو مخلوق آدم هنوز آب و گل

تو اصل وجود آدمی از سخت

دگر هر چه موجودش فرع تو است

ندانم کد این سخن گویمت

که بالاتری ز آنچه من گویمت

تو را عز لولاک نمکین بس است

شای تو طله و لیس بس است

چه وصف کند سعدي تا تمام

عَلَيْكَ الصَّلَاةُ أَيُّ نَبِيٍّ وَالسَّلَامُ

قال الله تعالى: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾ الأنفال - ۳۳
 بود عادات خدای تعالی که گروه تو را به عذاب کشد مادامیکه وجود مبارک تو
 در میان آنهاست -

قال الله تعالى: وَاتَّكَلْنَا عَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ ه تویا رسول الله محققا دارای اخلاقی
 بس بزرگ هستی -

و موقعیکه از همسر او عائشه رضی الله عنها در خصوص اخلاق رسول صلی الله علیه و آله
 و سلم پرسیده شد گفت: كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ اخلاق پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آنچنان
 است که در قرآن یاد شده است در قرآن از موارد تعظیم پیغمبر و اخلاق حسنه بی نظیرشان
 آیاتی بسیار است که بر اهل بنش پوشیده نیست -

قال الله تعالى: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ
 مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ التوبة - ۱۲۸
 و حقیقت بسوی شما پیغمبری آمد که گرانباترین شماست و شوار است بر او آنچه شما را
 به مشقت و سختی اندازد بسیار شوق مند است که همگی تان به سعادت و نیک نختی رسید و
 نسبت به مؤمنان بسیار رؤف و مهربان است - در هر خوشی اصحاب خود را مقدم میداشت
 در راه رفتن پشت سر یاران خود می رفت و می فرمود - خَلَّوْا ظَهْرِي لِلْمَلَائِكَةِ الرَّوْحَانِيَّةِ -
 پشت سر من باشد فرشتگان باشند - در منزل او هیچگاه چیزی ذخیره نمیشد - وجه بسیار
 روزهای که خود و همسرانش به گرسنگی می گذرانند -

عمر بن الخطاب رضی الله عنه گوید: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَظِلُّ الْيَوْمَ يَلْتَوِي مَا يَجِدُ دَقْلًا يَمْلَأُ بِهِ بَطْنَهُ»
 (رواه مسلم)

دیدم رسول الله را که همه روز از گرسنگی بخودی پیچید و حتی خرمای پست را هم نمی‌پشت
که شکم را به آن سیر کند.

عائشه رضی الله عنها گفت: «تَوَقَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَا فِي بَيْتِي شَيْءٌ يَأْكُلُهُ

ذَوِ كَبِدٍ إِلَّا شَطْرَ شَعِيرٍ فِي رَدْفِي فَأَكَلْتُ مِنْهُ حَتَّى طَالَ عَلَيَّ فُكْلَتُهُ فُكَيْتُهُ (متفق عليه) او كما قال ﷺ

روزیکه رسول الله رحلت فرمود در خانه من چیزی که ذمی روحی بخورد نبود. مگر آنکه بی‌جو
که بر ردف تهاوه بود و بوم و از آن می‌خورد دم چون طول کشید و تمام شد.

عمر بن کحارث برادر جویریہ رضی الله عنها بمس رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
گفت: «مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ مَوْتِهِ دَرَاهِمًا وَكَلْدَانًا رَاوِلًا وَلَا
عَبْدًا وَلَا أُمَّةً إِلَّا بَقِلَّتْهُ الْبَيْضَاءُ الَّتِي كَانَ يَرْكَبُهَا وَسِلَاحَهُ وَأَرْضًا جَعَلَهَا

لِابْنِ السَّبِيلِ صَدَقَةٌ» (رواه البخاری)

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بعد از خوردن درهم باقی گذاردند دینار نه زرنه سیم
و نه برده و نه کنیز و نه چیزی دیگر. بجز استری که بر آن سوار می‌شد و سلاح و زمین که وقف
برای راهگذران فرموده بود.

عائشه رضی الله عنها گفت: «مَا شَبِعَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ خَبْزِ

شَعِيرٍ يَوْمَئِذٍ مِمَّنْ تَتَابَعِينَ حَتَّى قَبِضَ» (متفق عليه)

حضرت رسول الله و بستگانش دو روز پی در پی از نان جوین سیر نگشتند تا
روزیکه رحلت فرمود.

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه گفت: «لَوْ لَقَدْ كَتَبْنَا فِرْعَوْنَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا لَنَا طَعَامٌ إِلَّا أَوْرَقُ الْحَبِيلَةِ وَهَذَا النَّعْمَرُ» (متفق عليه)

چو بسیار بارها همراه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به جهاد می رفتیم و برای ما خوراک
نمود مگر برگ درختان صحرا مثل برگ سمر.

جابر بن عبد الله انصاری رضی الله عنه گوید: «أنا كنت يوم الخندق مخفرفرضت كدية
شديدة فجاء إلى النبي صلى الله عليه وآله وسلم فقالوا هذه كدية عرضت في الخندق
فقال أنا نازل ثم قام ويطنه معصوب بجر ولبثنا ثلاثة أيام لا نذوق ذوقاً - فأخذ
النبي صلى الله عليه وآله وسلم المعول فضرب فعاد كتيباً أهيل أو أهيم. فقلت يا
رسول الله ائذن لي إلى البيت. فقلت لامراتي رأيت بالنبي صلى الله عليه وآله وسلم
شيئاً ما في ذلك صبر» (الحديث بسنن علي) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

در روز خندق که همه دسته های کفر همدست شده در روی بدرینه آوردند. برای
نگهداری بدرینه. به کندن خندق مشغول بودیم و پیغمبر با ما بود. در این اثنا سنگی بسیار سخت
پدید آمد. اصحاب به خدمت رسول الله رسیدند و عرض کردند سنگی بسیار سخت پدید آمده است.
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود خودم برای کندن آن پائین می آیم. پس از آن
برخاست در حالیکه سنگ بر شکم بسته بود. معول را که در اینجا منتول می نامند گرفت و
سنگ را از دبطوریکه آن را به خاک کرد. من گفتم یا رسول الله اجازه ده تا بخانه بروم. اجازه
فرمود در خانه بهم سرگفتم امروز رسول الله را در حالتی دیدم که از دیدن آن طاقتی برایم نمانده و
سه روز است که ما خوراک نخشیده ایم.

مختصر: جابر و همسرش از آنکه کی آرد و آنچه گو سفندی که داشتند غذائی ترتیب دادند. موقعیکه
آمد رسول الله را با خبر خاتم خود و همه مهاجرین و انصار را روبرو بمنزل مانانند و حضرت رسول الله
خود می کشید و دستوری داد هر سینه ده تا بخورند و بپزند و خورد تناول فرمود و برای ما اهل خانه

مانده بود و فرمود از این برای همسایگان بفرستید که مردم را سختی دست داده است. با اینکه بعد از فتح خیبر و در گرسپ از فتح مکه. اموال و غنائم بسیار بسوی رسول الله آورده می شد. با هم همینکه می رسید قسمت می فرمود و گاهی در منزل رسول الله چیزی ذخیره نمیشد. و از عادات مقدسه آنحضرت صلوات الله و سلامه علیه بود که هیچ نخواستند رانده رانمی گفت. ما سئل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم شيئاً فقال لا. از رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم چیزی خواهش نشد که بفرماید نه.

در مواقع سخت در جهاد دلاوران بوی پناهنده می شدند. در بین افراد خانواده و بستگان خود خودش اخلاق ترین افراد بود در منزل همسران و بستگان را در کارخانه مد می فرمود یکی از روسا قبائل که مسلمان شده بود. حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله و صحبه و سلم به وی عطائی بخشید که موقع برگشتن برگردده خود گفت مسلمان شوید زیرا عطای رسول الله عطای کسی است که از فقر نمی هراسد. با همه این احوال در همه شرائط روزهای برای پایه گذاری اسلام در ساندیدن مردم به سعادت. و شبها به طاعت حق بپایمخواست.

و موقعیکه گفته می شد یا رسول الله خداوند گناهان گذشته و آینده ات آمرزیده است. چرا اینهمه رنج بخور و امیداری. می فرمود: أفلا أكون عبداً شكوراً. آیا نباشم بنده ای سپاس گذار.

بیان صفات مقدسه ایشان در هزارها مجلد نگنجیده است چگونه در یک جلسه و هزارها جلسه بتوان آن را پایان داد.

علی بن ابی طالب رضی الله عنه در خصوص رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم گوید:

مَا رَأَيْتُ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ مِثْلَهُ وَلَا بَشَرًا يَرَاهُ. نه پیش از پیغمبر و نه بعد از او هیچکس

مانند او ندیدیم و هیچگاه بشری نتواند همانند او را بیابد -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ - الاحزاب -

خدا و فرشتگان درود بر پیغمبر فرستند - ای مومنان درود و سلام بر او بفرستید -

از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سوال شد: چگونه درود بر تو فرستیم - فرمود بگوئید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ

أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ﴿﴾ (متفق علیہ) او کما قال ۳۳

خدایا تسلیت بر کائنات از ذات تو است و تسلیت او درودی است که از تو گفته آید و

برگزیده بندگان تو رسولی است که سرآمد پیغمبران تو است و تسلیت او درودی است که از تو گفته آید -

بگذرد گارا ما را توفیق ده تا محبت پیغمبرت وسیله ما و درود بر او ذخیره ما و پیروی او شمار

و دثار ما در کار و قرار ما باشد -

افزید گارا اولی الامر ما و بزرگان دین و عموم مسلمین بر احوال سنت مطهره پیغمبرت موفق

گردان تا در دنیا از پیروان و در عقبی از همراهانش باشیم -

خدا ایما دانا به آرزوی مانی آرزوی ما بر آورده ساز و آگاه بر ناتوانیهای مانی

ما را در طاعت توانا گردان تا در دو جهان نیک نجت و کامیاب باشیم -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۳۲ - سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم

سر مشق امتان اوست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُوَافِي نِعْمَهُ وَيَكْفِي مَزِيدَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَخَاتِمَ النَّبِيِّينَ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ - أَمَا بَعْدُ فَيَا عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى وَأَطِيعُوهُ -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ الانبياء - ۱۰۷

نفرستادیم تو را یا رسول الله مگر برای اینکه رحمتی برای جهانیان باشی -
 اگر بخوایم جهان را پیش از بعثت حضرت محمد مصطفی بررسی کنیم می بینیم که جهانی بود تاریک که ظلمات شرک و بت پرستی اقطار و کناف جهان را فرا گرفته بود و دو چشتمای ناشی از ظلم و بیداد سراسر جهان به جهنمی سوزان تبدیل نموده بود - افراد مصلح یارای تلمیحیاتی نداشتند - هیچکس از آینده دنیا امیدوار می نداشت - آنچه در ذهنتما جای گرفته بود - همه ترس و وحشت بیدادگری و ظلمت و تکیه شرک و بت پرستی بود - در چنان دنیائی طفلی در

سرزمینی دور از ماجراهای قدرتمای بزرگ - در سرزمینی بی آب و علف چشم بدیناگشود - در
 تمام آبار و اجداد او سراسر راستی و پاکی نگهداری شده بود - در هیچ جای نسب او لکه ای وجود
 نداشت - از پدران و مادرانی اطهار و خداپرست بوجود آمد - و در روز ولادت او پشامدهای
 غریبی بوقوع پیوست - خانه بخدا از دست برد ابرهه و حبشانی که برای ویرانی کعبه مقدسه
 آمده بودند محفوظ ماند و خانه ای که هزارها سال بصورت تنها معبدی صحیح - بر روی زمین
 تلاوت داشت - از نوحیاتی گرفت و ساکنان کعبه که به کوهها و اطراف گریخته بودند - از مقدم
 آن کودک نفسی تازه کردند و با بلاکت ابرهه و حبشیان بخانه خود بازگشتند - طفلی که
 بدینا آمده بود - از ابتدا در و روش نظر قابل و مادر را بسوی خود جلب کردند مانند کوه دکان دگر
 به گریه و زاری پرداخت - و نه آثار هر اس و ترس بر وجود او اثری بود - از آغاز سر را بسوی
 آسمان برافراشت - و دستها را بسوی آسمان بالا برد - و از آن لحظه نوید می داد که رابطه میان
 آسمان و زمین است و وحی محمدی همان را از پستیهای زمین می رباند - و مردم را به پاکی و
 و راستگی و صفاد آسایش می رساند که خاصه فرشتگان است .

طفل مورد بحث در شکم مادر بود که پدر را از دست داد - و در موقع ولادت پدر نبود
 تا از وجود فرزندانرا جمند خود مسرور شود - مادر که از داغ شوهر بی تاب بود با ولادت این فرزند
 روزنه امید در دلش گشوده شد - جدا که فرزند جوان خود را از دست داده بود به مقدم
 فرزند زاده خود حیات فرزند از دست رفته را می دید - همه چیز برای این طفل با سعادت همراه بود -
 مادر او آمنة بود و این خود در مزایمی است و نام قابل او شفا بود که این خود را از شفا بخشی این
 مولود عظیم است - و نام خود او محمد گذارده شد که جامع همه فضائل پسندیده باشد و نامی
 بی سابقه و بی نظیر بود - برای شیر خواری به حلیمه سعدیه سپرده شد و این خود مرده علم و سعادت

می‌رساند اما این طفل نه برای خوشی در این جهان آفریده شده بود. خورشیدی بود که از تاب و سوز خود جهانی را روشن گرداند. اگر شکم مادر بود پدر را از دست داد و هنگامیکه به مادر خود دل بسته بود. در باز دیدی که مادرش از خالوهای خود در شرب (مدینه) بعجل آورد. در موقع مراجعت در شعبان الحجاب میان مکّه و مدینه طفل خود را تنها گذاشت و رخت سفر آخرت بست. پدر بزرگ او عبدالمطلب به سرستی او همت گماشت. اما این نهم‌میش از دو سال طول نکشید و هشت ساله بود که جد او جهان را بدرود گفت. عموی او ابوطالب به نگهدارنش قیام کرد. همه از شخصیت او در شگفت بودند و از عظمت او بر خود می‌بالیدند. چه عجیب طفلی که تا این حدّ عنایات خدا با او همراه است.

خانه ابوطالب از برکت این کودک آباد و درخشان شد. وقتی که به بلوغ رسید مدتی شبانی را اختیار کرد. و همانند همه پمیران از سیاست دو اب. به هدایت عباد منظور میشد. سالهائی هم با شرکت سائب. به تجارت پرداخت و بیست و پنجساله بود که با خدیجه اولین بانوی اسلام ازدواج کرد.

در این موقع انواع بزرگی مانند اله ای این شخص را احاطه کرده بود. بدستی با او افتخار می‌شد. به امانت او استناد میشد محبوبیت او زبانه زد بود.

در همان ایام جاهلیت با دوستانی خود پیمانی بست که در شهر مکّه نگذارند هیچ ظلمی عملی شود. و به پیمان حَلِيفَ الْفُضُولِ معروف است. در تجدید ساختمان کعبه مقدسه حجر الاسود را در لنگ دوش خود نهاد و بر دسار قبایل گفت تا هر کدام گوشه ای از آن لنگ را گرفته از زمین بلند کنند و حجر الاسود را بدست خود بجای خود نهاد. سنگی که بدست ابراهیم علیه السلام نهاده شده بود بدست فرزند او محمد باز بجای خود نهاده شد. و به این ترتیب کشتاری که ممکن بود بر این امر پیش آید به تدبیری بی نظیر حل و فصل

فرمود- از آغاز ولادت نظرش متوجه آسمان بود- و برای هدایت گم گشتگان منی دانست از چه راهی اقدام کند- چند سال در غار حرا به عبادت پرداخت تا هنگامی رسید که آماده هدایت شده بود-

وحی یوسیف جبریل بروی نازل شد و مامور شد- تا مردم را بسوی توحید بخواند در آن روز معلوم شد که گرفتن پدر و جدائی از مادر و وفات جد و رنجهای زندگی برای این بود که دیده دل او فقط متوجه درگاه خدا باشد- و از علاقه به چیز دست بردارد- در آن موقع دانست که موقع خواب و آسایش از وی گرفته اند- به همسر مریان خود صحبت گفت:

(ذَهَبَ مَوْسِمُ النَّوْمِ يَا خَدِيجَةُ)

موقع خواب و آسایش رفت- و زمان جد و جد فرارسید- شخصی که تا آن روز همه کلمات تقدیس شنیده بود با ابراز رسالت و دعوت خلق بسوی هدایت- از هر کلمه ای نسبت به وی خودداری نکردند- اما او کوهی بود که هیچ باد و بارانی نمیتوانست او را تکان دهد- روز فشار قوم او فرارسید و فشار سجدی بود که بجز ابوبکر صدیق و علی بن ابی طالب باقی یارانش همه بسوی حبشه رفتند-

یکی از معجزات او حبشیان که قبل از تولد او قصد دیران کردن کعبه مقدسه و پایان دادن به عبادت خدای یکتا داشتند- پس از ولادت او کشور خود را به روی یاران محمد گشودند- تا در آنجا محیطی امن و آسوده باشند- موقع محاصره حضرت محمد و اهل بیت او فرا رسید- سه سال در شعبی گذرانند که بیشتر اوقات برگ درختان غذای آنها بود- باز هم عنایت خدا فرارسید و از محاصره نجات یافتند- اما اثر آن محاصره در وفات خدیجه و ابوطالب ظاهر شد- و از آن پس هر روز بلای تازه ای بود-

معراج پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرارسید. و در بامداد آن روز که ابو جهل می خواست از آن
 خبر به آسمان رفتن رسول الله و سیدای برای گره ساختن مردم باز. تصدیق ابی بکر صدیق
 رضی الله عنه مشت محکمی بود که به دهان ابی جهل و کافران کوبیده شد. در این موقع فشار کفار
 بر مسلمانان تجدی بود که هر مسلمانی که قوم و عشیره قومی نداشت که در جوارشان باشد نمی
 توانست در مکه بماند. و در همین موقع رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم متوجه شد که در
 مکه بیش از آن کسانیکه ایمان آورده اند ایمان نمی آورند. از این رو دعوت خود را متوجه قبائلی
 فرمود که موسم حج به مکه می آمدند. در موسم حج قبائلی را می دید و دعوت خود را بر آنان عرضه می کرد
 در سال یازدهم و بعد رسول الله صلی الله علیه و سلم اهل مدینه را ملاقات فرمود اهل مدینه که بعد با
 به انصار نامیده شدند دعوت پیغمبر را پذیرفتند و پیغمبر قول دادند. اگر رسول الله مدینه بروند
 او را یاری کنند و دعوت او را انتشار دهند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم در عقبه منی با آنان بیعت بست که بیعت عقبه
 معروف است. انصار در مدینه دعوت پیغمبر را انتشار دادند. و رسول عده ای از یاران را
 برای تعلیم بمدینه فرستاد و به یاران دستور داد تا بتدریج روانه مدینه شوند. در این هنگام کفار
 قریش به هر اس افتادند. و با هم به مشاورت پرداختند و برای از میان بردن رسول الله
 نقشه هارنختند و دست آخر نظرشان بر این شد که از هر قبیله یک نفر در کشتن محمد شرکت جوید
 تا خون او در همه قبائل پراکنده شود و امکان قصاص فراهم نگردد.
 اما خدای توانا این نقشه را نقش بر آب ساخت و رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم
 از طریق حمی برای این نقشه آگاه شد و ماور شد تا راسپار مدینه شود. در شبی که کافران مطابق
 آن نقشه اطراف خانه رسول الله صلی الله علیه و سلم را گرفته بودند.

رسول اللہ علی بن ابی طالب را بر فرش خود گذارد و خود بایار غار ابو بکر صدیق رهسپار مدینه شد. در موقع بیرون آمدن از خانه مشتی خاک بر کفانی ریخت که اطراف خانه را گرفته بودند. اما آن بخیبران نه از رفتن رسول اللہ آگاه شدند و نه از بودن خاک بر سرشان. رسول اللہ پس از بیرون رفتن از خانه خود بخانه ابو بکر رفت و با اتفاق ابو بکر بغار ثور رفتند و سه روز در غار ثور ماندند تا رستن عنکبوت و تخم گذاری کبوتر بر دهانه غار ثور تا کافر اینکد آنجا آمدند رسول اللہ و ابو بکر را نبینند معروف تاریخ است.

در مدتی که در غار بودند پسر ابو بکر روزها در میان کافران بود و شب دیر وقت بخدمت رسول اللہ می آمد و از گفتگوهای کافران رسول اللہ را آگاه می ساخت چو پان ابو بکر گو سفندان را بد آنجا می آورده و از شیر آنها به رسول اللہ و ابو بکر میداد. و پس از رفتن پسر ابو بکر گو سفندان را از همان راه می برد تا جای پای او پوشیده شود.

پس از سه روز بر شتر ابو بکر و همراهی شتر بان او در ایامی عبد اللہ بن اریقط بطون مدینه رهسپار شدند نمیتوان تصور کرد که چه مخاطراتی متوجه رسول اللہ و ابو بکر بود. برای سر هر کدام جایزه ای هنگفت معین کرده بودند و خوشوقتی اهل مدینه به قدم رسول اللہ غیر قابل توصیف است.

در مدینه فصل تازه ای در زندگی رسول اللہ گشوده شد و مهاجرین و انصار در مدینه گرد شمع رسول اللہ می گشتند. در مکه به رسول اللہ اجازه داده نشده بود که از خود و یارانیش دفاع کند. اما در مدینه اجازه دفاع خواست و اجازه یافت در روز بدر معجزه رسول اللہ بظهور رسید و با جماعتی اندک از یاران خود برگروه کفار قریش پیروز شد. و پایه دین مبین اسلام برای جاود ماندن پایه گذاری شد. در مکه سیزده سال رسول اللہ با همه نوع سختی و فشار ساخت و در برابر

دعوت خلق بسوی توحید و عبادت خدای واحد چه سختی با که تحمل شد در مدینه از ابتداء ورود و بعد از آن
 یهود و منافقان رو بردند و در مدینه هر روز معرکه ای تازه بود. معرکه های که در هر کدام از
 یاران گرانقدر افرادی به شهادت می رسیدند. معرکه پایلی پس از دیگری بوقوع می پیوست. در
 ظرف ده سال اقامت در مدینه هفتاد نبرد رخ داد. در زندگی هیچک از انبیا آنمه سختی
 و بلا مشهور نگزیده است که در زندگی سراسر عظمت رسول اللہ را هیچگاه بجنح از لبهای
 مبارک شان جدا نشد. هیچوقت لب به شکایت نگشود. نه بزبان آنحضرت نبود مگر لای که
 در کلمه توحید مقرر است. در میدان جهاد دلاورترین افراد از سیم او بر خود می لرزید و نقشه های
 جهاد بهترین نقشه ها را رهبری میفرمود. در میان افراد خانواده در همکاری با افراد خانواده در
 زندگی و جلب رضایت شان بی نظیر بود. دوستان او بطوری به وی محبت می ورزیدند
 که در راه اجرا فرمان او دست از جهان شیرین می شستند.

در موقع ارشاد و زاینهائی از سنگدان افرادی مهربان و پر عطفیت بیرون می آوردند
 از کافران مردی با ایمان بوجود می آوردند. و از غفلت زدگان افرادی بیدار و هشامی ساختند.
 در هیچ جای زندگی سراسر عظمت او نقطه تاریکی وجود ندارد. شبهای او مانند روزهای او تابان
 و درخشان است و سیرت او را همانند صورت او پاله ای از نور فرا گرفته است. رفتار او با دشمنانش
 هم رفتار مهر و رحمت است. کار او همیشه معجزه بود. در برابر تمام دنیا یک تنه اظهار وجود کرد و
 چون راستی در گفتار او کردار او در دل و زبان با او همراه بود خدای توانا او را بر سراسر جهان پیرد
 کرد. و جهانی که قبل از رسالت او یک تکه ظلمت بود. پس از رسالت او یکپارچه نور و روشنائی
 شد. و چه در موقعیکه هیچکس با او همراه نبود. و در موقعیکه دنیا در برابر عظمتش تعظیم فرود
 می آورد و سیرت خود را تغییر نداد و دنیا التفاتی نکرد و هدایت خود را که پراگندن نور اسلام

در دلهما بود تعقیب کرد در که با فشار قریش روبرو بود. و در مدینه با دشمنی تمام کفار جهان روبرو شد. برای پیروزی اسلام عزیزانی که ناخن هر کدام به جهان می‌ارزید در میدان جهاد رخت سفر آخرت می‌بستند. و او مانند کوهی که همه سختی‌های بیند و پایداری ماند سختی‌ها را تحمل می‌نمود. در آن حدندان مبارکش شکست و پیشانی مبارکش شکافته شد. و صورت مبارکش از خون گلگون شد. اما در همین حال نفرین نکرد. دعایش این بود.

«خدا یا قوم را بدایت بخش کنی دانند» و چون نظرش بسوی خدا بود. در راه خدا سختی را بجان می‌خرید. از تمسح دنیا چشم پوشید. یهود و منافقان هر روز بخوی دشمنی آغاز می‌کردند به دوستان خود دل می‌نهاد. اما شهادت شان را می‌دید. و همسر خود علاقه ورزید.

داستان افک‌پیش آوردند. به فرزندان خود دل نهاد و آنها یکی پس از دیگری. بجز فاطمه و رحیات او درگذشتند. به حسن و حسین علاقه مند شد. از مصائبی که در پیش دارند آگاه گردید. به هدایت مردم که هفت اساسش بود خوشوقت شد که افرادی همانند میلکه گذاشتند. در برابر او سبز شدند. و خلاصه‌شی که آخرین شبهای دنیا را سپری می‌ساخت. در خانه اش روغن نبود تا چراغی بی‌فرزند. چه پیغمبری اینهمه تحمل ردا داشته است. چه فرشته‌ای می‌توانست این چنین تاب بیاورد کوه از تحمل اینهمه رنج از پای در می‌آید. بی‌جهت نیست که در سراسر جهان هر جا نام خدا برده شود. نام او با نام خدا همراه است. ولادت پر سعادت آنحضرت در حلت و هجرت آنحضرت همه در روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول بوده است.

یَا دَسُّوْلَ اللّٰهِ زَبَانَ پَرگناه ما از بیان حقوق تو عاجز است و قلم شکسته ما از ارثنای تو ناتوان است. خدا تو را صاحب خلق عظیم نماید. پروردگارت تو را رحمت جهانیان کرد و در سراسر خلقت از ابتدا تا انتها. خدا همانند تو نیافرید. آفریدگار تو انا تو را اگر اینها ترسین نامید و تو را نسبت به

مومنان پر رحمت و پر رافت توصیف کرد. درود خدا نثار تو باد. دعای فرشتگان سزای تو باد. صلوة
و سلام جهانیان برای تو باد. خدا سزای تو آن دهد که شائسته عظمت او و بایسته رسالت تو است -
در اینجا همان میتی را تکرار می کنم که عمر خیام درباره تو گفت:

ده عقل ز نه رواق از هشت بهشت
هفت انترم از شش جهت این نام نوشت

کز پنج حواس و چهار ارکان و سه روح
خالق به دو عالم چو تو یک کس نسرشت

آری خالق به دو عالم چو تو یک کس نسرشت -

خُدَا اَيَا بِنَا تَوْفِيقَ دَعَا نَزِيْرِي بِنْدَةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ بَرَهٍ وَّرَغْدِيْمِ -
خُدَا اَيَا مَارَا مَوْفِقَ گَرْدَانِ تَا سَنَتِ مَطْرَهٍ وَّرَسُوْلَتِ رَا اَجْرَارِ كُنِيْمِ -

پَر وَرْدِ گَارَا اِسْلَامِ رَا وِرْسَرِ اِسْرَجِهَانَ عَزْتِ دِهٍ وَّ بِهْ اَوْلِيَا رَا مَوْرَسِلِيْنَ تَوْفِيقِ
طَاعَتِ ارْزَانِي دَارِ -

اَفْرِيْدِ گَارَا مُسْلِمَانِ رَا بِهْ اَجْرَارِ كِتَابِ وَّ سَنَتِ مَوْفِقِ گَرْدَانِ وَّ دَرْدِ وَّ جِهَانِ بِهْ
مَارَانِي كِ نَجْتِ وَّ سَعَادَتِ مَن دَبَارِ -

بِنَادِ اِلِهَاءِ مَرْدُكَانِ مَارَا بِهْ رَحْمَتِ دَر اِيْنِ شَبِّ بَزْرُگِ اَمْرِيْ دِهْ سَا زُوْرْتِ دُكَّانِ
مَارَا بِهْ نِي كِنَامِي دَعْتِ بَرِسَانِ خَرْدِ وَّ بَزْرُگِ مَارَا بِهْ طَاعَتِ اَرَا سْتِهْ دَارِ وَّ اَوْلِيَا رَا مَوْرَسِلِيْنَ
مَوْيْدِ بَارِ -

رَبَّنَا اِنْتَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَّ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةٌ وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَّ هَلَا اللهُ تَعَالَى وَّ سَلَّمَ عَلَيَّ سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَصَحْبِهِ وَاَصْحَابِيْحِيْنَ - سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ وَّ سَلَامٌ عَلَيَّ الْمُرْسَلِيْنَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ه

۳۳- ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ قیام او
 بود به واجب اسلام که سلام در پر مخاطره
 ترین دورانش به سر بلندی پیروز شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا اِيْبَغِيْ لَجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيْمِ سُلْطَانِهِ
 وَاشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ
 وَارْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ وَاشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ خَاتَمُ
 النَّبِيِّيْنَ وَاِمَامُ الْمُتَّقِيْنَ اَللّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا
 مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِيْنَ - اَمَّا بَعْدُ فَاِنِّيْ اَوْصِيْكُمْ
 وَنَفْسِيْ اَوْلًا بِتَقْوَى اللهِ تَعَالٰى وَطَاعَتِهِ -
 قَالَ اللهُ تَعَالٰى: «ثَانِيْ اِثْنَيْنِ اِذَا هُمَا فِي الْغَارِ اِذْ يَقُوْلُ
 لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ اِنَّ اللهَ مَعَنَا» . التوبة - ٤٠

دو مین کس که در غار بودند موقعیکه رسول اللہ به صاحب یعنی دوست
 ہم صحبت و ہمراہ خود می فرمود: اندوھگین مباش که خدا با خودمان است.

از امشب در نظر گرفته ایم که بعنوان تبرک به یاد کردن سیرت صالحان ترجمه
 خیلی مختصری از خلفا راشدین و فاطمة الزهراء و حسنین رضی اللہ عنہم جمعین بغرض باشیم
 امید داریم در این عرض مختصر کمی از هزاران حقوقی که این پیشوایان بحق در گردن ما مسلمانان دارند
 ایفا نموده باشیم -

ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ - علم امت از اہل سنت اتفق
 دارند که برترین امت بعد از رسول اللہ همانا ابوبکر صدیق است - رضی اللہ عنہ
 در تولد هر یک از خلفا راشدین از روز و ماه و سال آن اختلاف است -
 سبب این اختلاف این نبودن تاریخی در آن دوره و ثبت نکردن احوال مردم آن
 زمان است - اسلام حتی در تاریخ هم ثبت احوال و اوضاع را بر تاریخی ثابت و محقق و
 روشن قرار داد -

بنابر قول معروف نزد علماء تولد ابوبکر دو سال بعد از عام الفیل - نام او
 عبد اللہ لقب او العقیق یعنی آزاد شده از آتش - حضرت رسول اللہ او را به این لقب
 مشرف ساخت -

موقعیکه به او فرمود: «أَنْتَ عَقِيقٌ مِنَ النَّاسِ» تو آزاد شده از دوزخ هستی -
 و در روز معراج رسول اللہ او را به لقب صدیق لقب ساخت - زیرا در آن روز او اولین
 کسی بود که پیغمبر را در اسرار و معراج تصدیق نمود -

پدر او ابو قحافه بن عثمان نام دارد و مادرش سلمی - نسب او در مزة بن کعب با
 نسب رسول اللہ می پیوندد - قبل از بعثت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم از دوستان نزدیک
 پیغمبر بود - و بعد از بعثت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اولین مردی بود که ایمان بر رسول اللہ

صلی اللہ علیہ وسلم آورد۔ از آن هنگام به بعد هیچگاه نه در حضرته در سفر از رسول دور نشد۔ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبہ وسلم در بیماری اخیر بود در باره ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ چنین فرمود:

« إِنَّ آمَنَ النَّاسَ عَلَيَّ فِي مَالِهِ وَنَفْسِهِ أَبُو بَكْرٍ » (الحديث)

پر منت ترین مردم بر من ابو بکر است۔ موقعیکه مردم از من بریدند او بمن پیوست و هنگامیکه مردم مرا از ایشان بی بهره ساختند او مالی خود را انشان کرد۔ در همه ایام حیات پیغمبر هیچگاه و نه هم یکبار پیغمبر از او آزرده نشد۔

دو تن در اسلام مال خود را انشان پیغمبر کردند کی خدیجه الکبری رضی اللہ عنہا همسر پیغمبر و دوم ابو بکر صدیق و هر موقع برده ای مسلمان میشد و مورد شکنجه قرار میگرفت مال خدیجه و ابو بکر بفریاد او می رسید قبل از هجرت همدم و یار رسول اللہ بود۔

در مواقع سختی و هنگام محاصره رسول اللہ هیچگاه از پیغمبر دور نشد۔ موقع هجرت رسول اللہ اتفاق عالمیان است که تنها کسیکه در آن سفر پر خطر همراه پیغمبر رفت ابو بکر صدیق بود۔ و غیر صدیق نمی توانست چنین مقامی را بیابد۔ آیه کریمه: ثَانِيِ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْمُنَادِيَاتِ يُوقِعُ بَعْضُهُمَا لِبَعْضٍ الْقَوْلَ كَالْوَجَّعَيْنِ فَتَتَّبَعُ النَّبِيَّ يَوْمَ الْبُرْجِ وَمَا كَانَ لَأَبِي بَكْرٍ أَنْ يَتَّخِذَ سِوَا اللَّهِ حِزْبًا لِيُحْمَلَ ذُنْبَهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (سوره انفجرات) بسیار در موقعیکه برای هجرت همراه رسول اللہ از مکه بیرون شدند۔ کفار قریش برای رسول اللہ و سرابی بکر جائزه معین کردند کسیکه نمی از ایند و را بکشند جائزه بیابد۔ کسیکه اطلاعی از محل این دو به کفار قریش برساند جائزه بیابد۔ در حالیکه خاندان ابو بکر باطلاع از مسیر رسول اللہ و ابو بکر و آگاه از محل اقامت شان در غار و رساننده اخبار مکه به ایشان و فراهم کننده غذا برای ایشان بودند کافران دانسته بودند که اخلاص و جان

جان نثاری ابو بکر در راه پیغمبر و رومی و اطلاع او را میتوان نظیری آورد در روزهای که رسول الله با تفاق یا رجحان نثار خود ابو بکر صدیق در غارتنور سبزی برزند عبد الله سپر ابو بکر روزها در میان کفار قریش بود و شبها گزارش تصیمات کفار که بسبح رسول الله می رسانید و چوپان گوسفندان ابو بکر گوسفندان را برای از بین بردن جاسی پای پسر ابو بکر و برای شیر نوشیدن رسول الله گوسفندان را به غار می آورد. روزیکه در جهان برای سر رسول الله جازه معین می شد. جان ابی بکر و پسر ابی بکر و مال ابی بکر و خاندان ابی بکر در راه پیغمبر صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم نثاری شد.

مسلمانان اگر ابو بکر رضی الله عنه را بخلافت برگزینند چنین خاطره های فراموش نشدنی را دیده و بیاد داشتند رسول الله که ابو بکر به امامت نماز بجای خود معین فرمود. صلاح امت در پیشوائی و جانشینی چنین خلص و راستکاری را منظور می داشتند مشکلاتی از روز اول روی صدیق رضی الله عنه قرار گرفت. در حقیقت اگر نه دعای رسول الله و عنایت پروردگار و در گذر تدبیر و شجاعت این مرد بزرگ بود. حل شدن آن همه مشکلات با درنگردنی بود. ابو بکر صدیق رضی الله عنه در برابر دهها مشکلات لایحل قرار گرفت و در حقیقت بدین مبین اسلام و دعای خیر رسول الله درباره ابو بکر هیچ چیز دیگر را نمی توان از اسباب موفقیت صدیق دانست زیرا بجز انتشار خبر رحلت رسول الله صلی الله علیه و سلم کلبه قبائل عرب از اسلام برگشتند پیغمبران دروغین مانند سیلمه کذاب و اسود عسی و سجاح و ده هادگیر هر کدام از سوئی به ادعای پیغمبری برخاست.

مسلمانانی که به نماز پای بند بودن از دادن زکاة خود داری کردند و میان نقشه حمله به مدینه و تصفیه حساب اسلام می کشیدند در موقعیکه در بیت المال مالی نبود که بتوان

شکری مجز نمود اختلاف صحاب در جنگ بعد از پیغمبر هر که در مشکل لایحل بود اما همه این مشکلات در برابر شجاعت و تصمیم و اخلاص و از خود گذشتگی و تدبیر صائب و ایمان قوی ابو بکر حل گردید و بردست توانای ابو بکر گره های پیچیده پس از دیگری گشوده شد. و این در موفقی بود که همگی تصمیم قاطع صدیق را دیدند موقیع که گفت خدا یا من غیر خود را مالک نیستم اگر با من موافقت نشوید با همین شمشیر در راه اسلام خواهم جنگید تا کشته شوم.

این تصمیم آل بیت و یاران پیغمبر را بر آن داشت تا با صدیق هم صد گردند و ابتداء شکری بفرماندهی اسامه بچنگ بار و میان گسیل داشت تا خطه اسلام از حمله دشمنان خارجی مصون بماند و دشمنان اسلام بدانند که رحلت پیغمبر مسلمانان را از انجام وظیفه مقدسشان باز نداشته است.

و موقیع که اسامه با موفقیت عودت نمود حرب رده و جنگ با مرتدین را بفرماندهی خالد بن الولید شروع نمود تا دشمنان داخلی از بین برود. هنگامیکه خالد با موفقیت این فتنه را خواباند و همه از نو بدین اسلام باز گردایند جنگ با پیغمبران دروغین از قبیل مسیلمه کذاب و اسود غنسی و امثال این دو بفرماندهی خالد شروع نمود و خدای داد در این نبردهای پیاپی و مخاطرات پیش از حد تا چه اندازه این شخصیت دارای ایمان قوی و اخلاص نسبت به مسلمین بوده اند و جنگ با مرتدین و پیغمبران دروغین و درگیر آگیر این پیکارهای هولناک بیشتر شهداء از طبقه حفاظ قرآن بود که همین امر پیش از همه مایه نازاحتی خاطر صدیق گشت و مدتی ادرار از خواب و خوراک باز داشت. زیرا همه کوششهای صدیق برای نشر تعالیم قرآن بود که بوسیله قرآن و شارح آن سنت مطهره پیغمبر اسلام انتشار می یافت. اما همانطور که همه آن فتنه با بطور خارق العاده و بی نظیر و تاریخ در ظرف شش ماه به نفع اسلام پایان یافت در خصوص نگهداری

قرآن هم عنایت خدا و دعای رسول خدا باز بگیر ابو بکر صدیق شد و قرآن نوشته شده در عهد رسول الله نزد حفصه همسر رسول الله بود حاضر کرد و حفاظ قرآن را برائے نظم آیات و سوره های قرآن هما نظور که دستور پیغمبر بود و وارد نمود قرآن در عهد پیغمبر نوشته شده بود اما نه آیات شماره بندی شده بود و نه صفحات شماره داشت و قرآن بر پوست و سنگ مخصوص و سرچوب نخل نوشته شده بود که موارد آیات هر سوره می بایست از سینه و حفظ حفاظ قرآن دانسته شود.

از اینراه با جمع حفاظ قرآن و مخصوصاً کسانی که در عهد پیغمبر کتاب وحی بودند قرآن را بطوریکه هم اکنون در اختیار ما است مرتب و محفوظ داشت و جبرأت می توان گفت که این خدمت او بقرآن از همه خدمتهای دیگر او ارزنده تر است زیرا باعث حفظ کلام الله از هر تصحیف و تحریفی شد و از اینراه کاری کرد که از آن روز تا قیامت هر جا مسلمانی آیه ای از قرآن بخواند بداند یا نداند بخواند یا نخواهد یا نخواهد فضل ابی بکر صدیق برگردن او باشد.

پس از برگردن ریش پیغمبر آن دروغین و برگردان سر اسر جزیره العرب بدین اسلام و نمایان قدرت اسلام و برگردانیدن هیبت اسلام و اطمینان بر قرآن کلام الله آماده نشر تعالیم اسلام در سراسر جهان گردید و باز هم سبب شد که هر کس در جزیره العرب یا خارج از آن بعبادت خدا قیام کند فضلی از ابو بکر صدیق بردوش او باشد.

در سبب وفات او اختلاف است بعضی قائلند که همان مارگزیدگی که در عنار برای نگهداری جان پیغمبر برایش پیش آمد اثر آن باقی ماند و در روز جمعه بیست و یکم جمادی الثانیه از سال سیزدهم هجری پس از دو سال و سه ماه و نه روز خلافت رحلت نمود و در شرح هر یک از خدمات ایشان کتابها نوشته اند که هر شخص بخواهد تفصیل آن وقایع را

بداند به کتابهای مختص به سیرت صدیق مراجعه نماید. پیروزی اسلام در ایران در رم هم با پاییه گذاری صدیق بود و هر یک از کارهای بزرگ صدیق در مدت کوتاه خلافت شان حیرت بخش و فوق العاده است.

در ایام خلافت پیچ مسلمانی به مخالفت با مسلمان برخاست و الفت و نهر و محبت بین مسلمین با عدل و تدبیر و اخلاص صدیق خیلی قوی تر از آن شد که هیچ عالمی نتواند وحدت مسلمین را بهم ریزد. گفتار او در رعایت آل بیت نبوت معروف است. همیشه می گفت:

أَذُقُوا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَ سَلَّمُوا فِي أَهْلِ بَيْتِهِ (رواه البخاری)
 تکریم و احترام پیغمبر صلی الله علیه وسلم در رعایت و احترام آل بیت او قرار دهید.

قال عقبة بن الحارث رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خَرَجْتُ مَعَ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ بَعْدَ وِفَاةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِلِيَالٍ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَشَى إِلَى جَنْبِهِ فَمَرَّ بِحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَلْعَبُ مَعَ غُلَامَيْنِ فَأَحْتَمَلَهُ عَلَى رَقَبَتِهِ وَهُوَ يَقُولُ: يَا بِي شَبَهُ النَّبِيِّ لَيْسَ شَبِيهًا بِعَلِيِّ وَعَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَضْحَكُ

عقبه گوید چند روزی بعد از وفات پیغمبر صلی الله علیه وسلم از نماز عصر با ابو بکر بیرون آمدیم ابو بکر با علی همراه بود در میان راه به حسن بن علی را بردوش زده و از شوق محبت شان میگفت سوگند یاد میکنم شباهت پیغمبر وارد نه علی و علی می خندید و در خطبه هایش هر جا نام پیغمبر می آمد می گریست.

«قال أوسط بن عمر وقد مت المدينة بعد وفاة رسول الله بسنة فلقيت ابا بكر يخطب الناس فقال قام فينا رسول الله صلى الله

عليه وسام عامر الاول فحنقته العبرة ثلاث مرار ثم قال يا ايها
الناس سلوا الله المعافاة فانه لم يوت احد مثل يقين بعد معافاة
ولا أشد من ريبة بعد كفر وعليكم بالصدق فانه يهدي إلى البر
وهما في الجنة وإياكم والكذب فانه يهدي إلى الفجور
وهما في النار «
(رواه الامام احمد)

ادسط بن عمرو رضی اللہ عنہ گوید: بعد از وفات پیغمبر به یکسال بمدینه آمدیم ابو بکر
صدیق بخطبه ایستاده است می گوید سال قبل رسول اللہ در میان ما بخطبه ایستاد و گریه
گلوئی او گرفت سه بار همینکه نام رسول اللہ می برد می گریست پس از آن گفت از خدا
بخو اهیید عافیت و معافاة را معافاة بمعنی دور داشتن خدا فتنه باد بلاهار از انسان است
زیرا داده نشد کسی نعمتی که همانند تقنین باشد همراه معافات و داده نشد کسی بلایی که سخت تر
باشد از شک و تردید همراه کفر و شمار تشویق میکنم به راستی زیرا راستی به نکوکاری میکشاند
و این دو: راستی و نکوکاری که با هم جمع شوند به بهشت می رسانند و شمارا
پر میزدیم از دروغ زیرا دروغ به بدکاری میکشاند و دروغ و بدکاری که با هم جمع
شدند به دوزخ می رسانند.

قال قيس بن أبي حازم مَخَطَبَ أَبُو بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقَالَ يَا
أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ تَقْرُونَ هَذِهِ الْآيَةَ وَتَضَعُونَهَا عَلَى غَيْرِ مَا وَضَعَهَا اللَّهُ: يَا
أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ سَمِعْتُ رَسُولَ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبَهُ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الْمُتَكْرِبِينَ هَمُّوا فَلَمْ يَنْكُرُوهُ
يُوشِكُ أَنْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابِهِ - (رواه الامام احمد)

ابو بکر صدیق رضی اللہ عنہ در خطبه خود گفت ای مردم شما این آیه یا ایها الذین

أَمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ رَايْمُوَانِيدُ مَعْنَى أَن دَرَسْتَ نَمِيدَ نَمِيدِ مَعْنَى أَن حِينِنِ نَيْسْتِ كَه تَصَوَّرْ
 شُودِ اَمْرٍ مَعْرُوفٍ لَازِمِ نَيْسْتِ . مَن اَز رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَنِيدِمُ كَه مِي قَرَمُود
 هِرْگَاهِ مَرْدَمِ مَسْكَرٍ اَدْرِ مِيَاَنِ شَانِ دِيدِنْدِ وَا نْكَارِ نَمُودِنْدِ نَزْدِيكِ مِي شُودِ كَه خُدا عَقُوبَتِش
 رَا بَه مَهْ شَانِ بَرَسَانْدِ .

(معنی آیه: ای مومنان بر شما باد راست داشتن خودتان شما مومنان مسؤل
 همه گیر هستید - هر گاه شما مومنان با استقامت شدید گمراهی کافران زبانی بشما نرساند)
 از درشت گویی کسی با او در صد و انتقام بر نمی آید -

((عَنْ أَبِي بَرْزَةَ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْلَطَ رَجُلٌ لَّابِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُ قَالَ فَقَالَ أَبُو بَرْزَةَ أَلَا أَضْرِبُ عُنُقَهُ قَالَ فَا تَهْرَكَ وَقَالَ مَا هِيَ لِأَحَدٍ بَعْدَ سُؤْلِ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ))
 رِوَاةُ الْإِمَامِ أَحْمَدُ

ابو بزره گوید مردی به درستی با صدیق سخن گفت گفتم اجازه بده گردش را بزنم
 ابو بکر روی را نهیب داد و گفت - هیچکس بعد پیغمبر حق ندارد در درستی کند رابه قتل
 تهدید کند -

((قَالَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي شَيْئًا أَقُولُهُ إِذَا أَصْبَحْتُ وَ
 إِذَا أَمْسَيْتُ وَإِذَا أَخَذْتُ مَضْجِعِي قَالَ قُلْ اللَّهُمَّ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَاطِرَ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ - رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ
 شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَه))
 (رِوَاةُ الْإِمَامِ أَحْمَدُ)

صدیق رضی اللہ عنہ گوید به رسول اللہ گفتم مرا چیزی بیاموز که با داد و شامگان و
 موقع خواب بگویم فرمود بگو خدا یا دانای نهانی و آشکارا فریدگار آسمانها و زمینها پروردگار

همه چیز و مالک همه - گواهی میدهم آنکه نیست معبودی بحق بجز تو پناه می برم به تو از شر نفس خود
و از شر شیطان و شرک و تکه های او -

« قالت عائشه رضی الله عنهما ان ابا بکر رضی الله عنه لما حضرته الوفاة قال
ای يوم هذا قالوا يوم الاثنين قال فان ميت من ليقتي فلا تنتظروا و ابي الغد
فان احب الايام والليالي الي اقر بها من رسول الله صلى الله عليه وسلم »

رواه الامام احمد -

موقعیکه رحلت صدقاً نزدیک بود - پرسید امروز چه روزی است ؟
گفتند دوشنبه است فرمود اگر امشب درگذشتم مرا به انتظار فردا نگذارید زیرا محبوب
ترین روز و شبها نزدیک وقتی است که بر رسول الله برسم - در تقسیم غنائم و بخش
عطایا میان مسلمانان هم راهی گرفت که اگر ادامه می یافت - در بین مسلمانان فقیر نمی ماند
و اختلاف طبقاتی بوجود نمی آمد - زیرا او همه مسلمین را در عطایا یکسان می دانست بزرگی
اشخاص نزد او باعث این نمی شد که در عطا تبعیض و تفضیل آید و معتقد بود مردم همه
در حوائج یکسانند -

در روزهای آخر زندگی به دخترش گفت بنگر چه ماله در خانه ابو بکر هست تا
به بیت المال مسلمین برگردانی دیدند یک بالا پوش ریسمانی فرسوده و یک بافته برگ
درخت خرماست که بوسیده آن برنخل بالا روند و قیمت هر دو پنج درهم که چهار ریال باشد
موقعیکه این دو تکه به عمر رضی الله عنه تحویل می شد عبد الرحمن بن عوف گفت :
آیا این را از فرزندان ابی بکر میگیری ؟ عمر در جواب گفت اگر او نخواست تحمل بگر فتن یک
چنین مال ناچیز را نماید آیا من می توانم گناه آن را گردن زهم - و گفت رضی الله عنه

لَقَدْ كَلَّفَ مَنْ بَعْدَكَ تَعَبًا - خدا از او خوشنود باد بحقیقت خلفا را بعد خود را به زحمت انداخت -

انسان حیرت می کند که تعلیم رسول اللہ چگونه افرادی را پروراند در تصمیم از کوه پایدارتر در قوت ایمان اینکه غیر از خدا در نظرند اشتند در زهد و قناعت و عبادت همپایه ملائکه و همین صفات هم بود که در ظرف دو سال اسلام را بر پایه ای از قناعت قرار داد که در مدت کوتاهی شرق و غرب را فرا گرفت -

«رضی اللہ عنہ فی الا ولین ورضی اللہ عنہ فی الآخِرین وجازاہ عن الاسلام

والمسلمین خیر جزاء یؤدیہ اللہ لحافظ دینہ الی یوم الدین»

در این ترجمه که از صد هزار کی گفته شد - نتیجه از این سیرت برگزیده چنین بدست می آید که دین مبین اسلام وقتی که شخص از روی یقین کامل آن را بپذیرد و بکار بندد و برای او حزم و بصیرت و اخلاص با آن همراه دارد و موفقیت او در دوجان حتمی است امروز بیشتر از هر موقع دیگر حاجت جوانان ما به دانستن سیرت بزرگان دین می باشد - امید داریم هر شب توفیق عرض مختصر از سیرت یکی از اصحاب کبار و آل بیت اطهار بدست آید -

و پایان گفتار و ختام مسک فرموده رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم می باشد که فرمود «مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَلَا غُرُبَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ عَلَى أَحْسَنِ مِنْ أَبِي بَكْرٍ» و سعدی علیه الرحمه در ترجمه این حدیث چنین گفت:

که خورشید بعد از رسولان مه
نتابد بر کس ز یو بکر به

و بهمانطور که در زندگی رسول الله هیچگاه از رسول الله دور نشد. بعد از وفات هم در پہلوی پیغمبر صلی الله علیه وسلم آسوده شد تا در زندگی و مرگ نزدیک پیغمبر و همراه او باشد
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ
 خَدَّ اَيَا مَارَازِ فَضْلِ تُوْبِي نِيَا زِي نِيَسْتِ وَتُوْرَابِه طَاعَتِ مَا حَاجَتِي نِه حَاجَاتِ مَارَابِه
 بِنِيَا زِي تِ بَرَأُورْدِه سَا زُوْ كِنَاه مَارَابِه أَمْرَ زَكَرِي تِ بِنِخْشَا يِ -

بجز درد گداز دست احسان تو شب و روز از فضل و نیکوکاری بگریز است. و دست نیاز ما
 شب و روز بدرگاتو برافراشته است احسانت را شامل حال ما گردان اگر ما را به عدل گیری
 از عهده نیایم و اگر ما را به کرم و احسان بپذیری گناهی برمانند و در و ما به روان تابناک برگزیده
 ترین بندگان محمد مصطفی برسان و سلام ما را بخار و دمان رسالت و کبار صحابه پیروان شان
 گردان -

افزید گادا اولی الامر و سروران و بزرگان ما را بدو فرماتاد ارجیا رسنت مطهره محمد مصطفی
 صلی الله علیه وسلم بکوشند و ما را یاری ده تا در حصول رضای روان بزرگان دین موفق گردیم و در
 دو جهان نیک بخت شویم -

خدا ایا باران رحمتی ما از زانی دار تا زمینها سبز گردد و ویرانها جبران شود و خشک
 سالی برود و فراخی نعمت پیش آید و شهر ما آباد گردد و دودها محترم شود -

بَارِ الْهَاجِزِ بِتُوْبِ جِيسِي پِنَاهِ بَرِيْمِ لَطْفِ وَرَحْمَتِ بِيَسْتِه شَالِ حَالِ بَاْ كَرْدَانِ -

اللَّهُمَّ رَبَّنَا اِنْتَانِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى
 وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ
 عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ -

فاروق رضی اللہ عنہ

اسلام او عزت بود - ہجرت او پروری بود

امامت اور رحمت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْدًا اَیْبَغِیْ لِجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِیْمِ سُلْطٰنِہِ وَ اَشْہَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْکَ لَہِ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبِیْنُ . وَ اَشْہَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَادِقُ الْوَعْدِ الْاَمِیْنُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِہٖ وَ صَحْبِہٖ وَ الصّٰلِحِیْنَ اَمَّا بَعْدُ فَاِنِّیْ اُوْصِیْکُمْ وَ نَفْسِیْ اَوَّلًا بِتَقْوٰی اللّٰهِ تَعَالٰی وَ طَاعَتِہٖ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی ﴿ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَالَّذِیْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلٰی الْکُفّٰرِ رُحَمَآءٌ بَیْنَہُمْ ﴾ الفتح - ۳۹

محمد فرستادہ برحق خداست و ہمارا ہاں او سختگیرندہ بر کافران مہربانند در میان خودشان مؤمنان
در شب قبل ترجمہ مختصری از صدیقی رضی اللہ عنہ یاد کردہ شد۔ امشب در ترجمہ فاروق امیر المؤمنین
عمر رضی اللہ عنہ مختصری صحبت می کنیم۔ عمر بن الخطاب۔ در کعب بن لؤئی نسب او بانسب
پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم بہم می پیوندد۔ تولد ایشان سینزدہ سال پس از عام نقیل بود قبل
از اسلام۔ از بزرگان قریش بود۔ در سال ششم بعثت مسلمان شد در سبب اسلام
او نوشتہ اند۔ کہ پسر برادرش سعید بن زید بن الخطاب۔ کہ از عشرہ مبشرہ است

فاطمه بنت الخطاب خواهر عمر رضی اللہ عنہم بچانه داشت عمر رضی اللہ عنہ شنید که خواهرش فاطمه و شوهر
او مسلمان شده اند. بچانه شان آمد تا آنان را عبرت دهد سعید بن زید آیاتی قرآن برد
خواند. از آن آیات اسلام در قلب او جاعی گرفت. بخدمت رسول اللہ آمد رسول اللہ
و یارانش در خانه نزد صفا پنهان بودند. عمر بحضور رسول اللہ شرفیاب شد و اظهار
اسلام نمود. رسول اللہ و یارانش از اسلام او تکبیر بلند کردند. از آنجا به مجالس
قریش آمد. و اسلام خود را اعلان نمود. سعید بن المسیب گوید مسلمانان به چهل تن
ترسیده بودند همینکه عمر مسلمان شد اسلام در مکّه منتشر شد و این از برکت دعای
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبه وسلم بود که فرمود: **اللَّهُمَّ اعْزِزْ الْإِسْلَامَ بِعَمْرِ**
خَدَايَا بِهِ اسلام عمر مسلمانی را عزت ده. عبد اللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ گوید: **كَانَ**
إِسْلَامُ عُمَرَ فَتَحًا وَكَانَتْ هِجْرَتُهُ نَصْرًا وَكَانَتْ إِمَامَتُهُ رَحْمَةً
وَلَقَدْ دَأَيْتُنَا وَمَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَصِلِيَ فِي الْبَيْتِ حَتَّى أَسْلَمَ عُمَرُ.
فَلَمَّا أَسْلَمَ قَاتَلَهُمْ حَتَّى شَرَكُونَا فَصَلَّيْنَا، مسلمان شدن عمر برای
مسلمین فتح بود و هجرت او برای مسلمین پیروزی بود و خلافت او رحمت بود
درست بخاطر دارم که ما مسلمانان نمی توانستیم در خانه خدا نماز بخوانیم تا روزی
که عمر رضی اللہ عنہ مسلمان شد از روزیکه او مسلمان شد با کفار قریش کشمکش و ستیزه
نمود تا گذاشتند که ما نماز در خانه خدا بخوانیم. **مُحَدِّثُ بْنُ الْيَمَانِ** رضی اللہ عنہ گوید:
«لَمَّا أَسْلَمَ عُمَرُ كَانَ الْإِسْلَامُ كَالرَّجُلِ الْمُقْبِلِ لَا يَسُرُّ دَاوِدَ إِلَّا قُرْبًا
فَلَمَّا قَتَلَ عُمَرُ كَانَ الْإِسْلَامُ كَالرَّجُلِ الْمُدْبِرِ لَا يَسُرُّ دَاوِدَ إِلَّا بَعْدًا
موقعیکه عمر رضی اللہ عنہ مسلمان شد اسلام مانند مردی شد که رو به اقبال است

و پیوسته در نزدیک شدن است و موقعیکه او شهید شد اسلام مانند مردی شد که
 رو با بار باشد و پیوسته رو بدور شدن آرد. علی بن ابی طالب رضی اللہ عنہ
 گفت (مَا عَلِمْتُ أَحَدًا هَاجَرَ إِلَّا مُتَفِيًّا إِلَّا عَمْرَ بْنَ الْخَطَّابِ فَإِنَّهُ لَمَّا هَمَّ بِالْحِجْرَةِ
 تَقَلَّدَ سَيْفَهُ وَتَنَكَّبَ فَوْسَهُ وَانْتَفَى فِي يَدَيْهِ اسْمَهُمَا وَأَتَى الْكَعْبَةَ وَأَشْرَفَ
 قُرَيْشٍ بَيْنَهُمَا فَطَافَ سَبْعًا وَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ عِنْدَ الْمَقَامِ ثُمَّ انْتَبَهَ
 حِلْفُهُمْ فَقَالَ شَاهَتِ الْوُجُوهُ مِنْ أَرَادَ أَنْ تَشْكَلَ أُمَّةٌ وَيَبْتِمَّ وَ لَدَهُ
 وَتَرَاهُ لِرُوحَتِهِ فَلْيَلْقِنِي وِدَاءَ هَذَا الْوَادِي فَمَا تَبِعَهُ مِنْهُمْ أَحَدٌ) علی رضی اللہ عنہ
 گفت ندانستم کسی که از کعبه بدین بجزرت نماید مگر اینکه بجزرتش پنهانی بود مگر عمر که
 هنگامیکه قصد بجزرت بمدینه نمود مشیر را بگردن آویخت و کمان را بدوش گرفت
 و تیرها را چند بدست گرفت و آمد نزد خانه خدا در حالیکه بزرگان قریش در کنار کعبه
 نشسته بودند او بهفت بار طواف خانه نمود و دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم خواند پس
 از آن آمد نزد کفار قریش و گفت هر کس میخواهد مادرش را غنیده شود و فرزندانش یتیم
 گردند و همسرش بیوه شود مرا در پشت این دروازا ملاقا کند و هیچکدام از آنان
 جرأت نکرد پشت سر عمر برود. شخصیتی که صراحت لجه در همه کارش آشکار بود
 مسلمانیش آشکار و ظاهر هجرتش در روز روشن و با اطلاع همه و در همه زندگی همیشه همین
 صراحت لجه و شهامت با او همراه بود. علماء اتفاق دارند که رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و صحبہ وسلم
 او را مَلَقَبُ بِيْ فَارُوقٍ نمود موقعیکه فرمود: **إِلَّا إِنْ اللَّهَ جَعَلَ الْحَقَّ عَلَى لِسَانِ عَمْرٍ
 وَقَلْبِهِ وَهُوَ الْفَارُوقُ فَرَّقَ اللَّهُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ** محققاً خدا حق را بر
 زبان و دل عمر جاری ساخت و اوست فاروق که خدا بوسیله او میان حق و باطل جدائی

افکند. ایشان از خلفا را شدند و از عَشْرَةَ مَبْشُرَةً که پیغمبر بهشتی بودن شان گواهی داد
 و پدربزرگ پیغمبر و از بزرگان دانشمندان اصحاب پیغمبر و از زهاد بلند نام صحابه رسول الله
 هستند. اما در عدالت که ضرب المثل هستند و عدل عمر در سراسر جهان
 معروف است سوئین مهاجر از که بمدرینه هستند و از سابقین بسوی اسلام در تمام مشاهد
 از بدرتبوک همه با پیغمبر صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم همراه بود در روز احد که بسیاری از مسلمانان
 میدان بدر رفتند سیدنا عمر از جمله پایداران بود که همپای پیغمبر صلی الله علیه و سلم ایستاد در روز
 بدر نظر بدو بگشتن کفار بود و آیات قرآن هم موافق نظر او نازل گردید از روزیکه اسلام
 آورد و تا روزیکه شهید شد لحظه ای از نصرت اسلام غفلت نکرد اما زهد و تواضع او که از
 مسلمات تاریخ است و مردم همه در دانائی به آن یکسانند بعضی از صحابه پیغمبر می گویند
 داستیم چرا عمر بر ما برتری یافت. از همه مان در دنیا زاهد تر بود روزی به منزل دخترش
 حفصه همسر رسول الله وارد شد دخترش برای او آب گوشتی آورد و اندکی روغن
 بر آن ریخت گفت دونان خورش در کیظون نخوراهم خور و تا روزیکه خدا را دیدار کنم
 در روزیکه دنیا در زیر پای شان می لرزد جامه اش هفتده و اصله داشت فضیلت های او
 از شمار بیرون است اما از فضیلت های که درباره او از زبان رسول الله صلی الله علیه و آله
 و صحبه وسلم به ثبوت رسیده است چند حدیث برای مثال یاد می کنیم از ابی موسی اشعری
 رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم اَفْتَحَ لَهْ یَعْنِی لِعَمْرٍ وَ لِبَشْرَةَ
 بِالْجَنَّةِ. رواه البخاری رسول الله به ابی موسی دستور داد که در را برای عمر بکشاید و او را
 بشارت بهشت دهد.

لا یقول رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم اَبُو بَكْرٍ

فِي الْجَنَّةِ عُمَرُ فِي الْجَنَّةِ عُمَانُ فِي الْجَنَّةِ عَلِيُّ فِي الْجَنَّةِ طَلْحَةُ فِي الْجَنَّةِ
 وَالزُّبَيْرُ فِي الْجَنَّةِ وَسَعْدُ بْنُ مَالِكٍ فِي الْجَنَّةِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ
 بْنُ عَوْفٍ فِي الْجَنَّةِ وَأَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ فِي الْجَنَّةِ وَسَعِيدُ بْنُ
 زَيْدٍ فِي الْجَنَّةِ رواه ابوداود والترزى والنسائي وغيرهم قال الترمذی حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ
 وَمَعْلُومٌ اسْتَكْرَاهُ رَأْسُ حَدِيثٍ فِي مَقَدِّمَةِ عَشْرَةِ مَبْشَرَةٍ بِسْتَنْدٍ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبَهُ وَسَلَّمَ
 بَيْنَنَا أَنَا نَائِمٌ رَأَيْتُ النَّاسَ يُعْرَضُونَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ قُصٌّ مِنْهُمَا مَا
 تَبْلُغُ الشَّدَى وَمِنْهُمَا مَا دُونَ ذَلِكَ وَعُرِضَ عَلَيَّ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ
 وَعَلَيْهِ قَمِيصٌ يَجْرُلُ قَالُوا فَمَا آوَلَتْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الَّذِينَ،
رواه البخاري ومسلم - رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود در خواب بودم مردم بر من
عرضه شدند و جامه های بر تن داشتند بعضی جامه های شان تا پستان شان و بعضی کمتر
و عمر جامه ای پوشید که آن را از درازیش میکشایند گفتند تا دلیل آن چگونه فرمودی -
فرمود آن را دین تا دلیل نمودم که عمر نسبت به همه از همه بیشتر خدمت نماید دین بمعنی لباس در
قرآن مذکور است: وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ؛ لباس پرهیزگاری که دینداری
است بهترین لباسها است ﴿يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَسَلَّمَ بَيْنَنَا أَنَا نَائِمٌ أَنْتَيْتُ بِقَدْحِ لَبَنٍ فَشَرِبْتُ مِنْهُ حَتَّىٰ إِنِّي
لَأَرَى السِّرِّيَّ يَخْرُجُ مِنْ أَظْفَارِي ثُمَّ أُعْطِيتُ فَضَلِي عُمَرُ
بْنِ الْخَطَّابِ قَالُوا فَمَا آوَلَتْ ذَٰلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْعِلْمُ،
 رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ -

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود موقعی که بخواب بودم دیدم
 کاسه ای شیر بمن داده شد من از آن آش میدم تا جاییکه دیدم از ناخنهایم بیرون
 می آید شیر زیاده شده از خودم را به عمرادم گفتم تا دلیلش چگونه فرمودی فرمود آن را
 به علم تاویل نمودم و معلوم است که آن همه پیروزی در ایام عمر و عزت روز افزون مسلمان
 در عهد او از آثار علم و اسع است روزی که شهید شد بعضی از صحابه گفتند نه دهم از میان
 ما رفت قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم «بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ
 رَأَيْتُنِي عَلَى قَلْبِ عَلِيٍّ لَوْ فَتَنَ عَثُ مِنْهَا مَا شَاءَ اللَّهُ الْخُفَّ أَنْ قَالَ
 ثُمَّ جَاءَ عُمَرُ فَأَسْتَقَى فَأَسْتَحَالَتْ فِي يَدَيْهِ غَدَبًا فَلَمَّا أَرَعِبَقَدَرِيًّا
 مِنَ النَّاسِ يَفْرِي فَرِيَةً حَتَّى دَرَى النَّاسُ وَضَرَبُوا بِعَطَنٍ»
 رواه البخاری مسلم - رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود در خواب دیدم که
 بر چاه ای بودم و بر آن دول آبی بود از آن چاه آب کشیدم تا آنقدر که خواست خدا بود.
 پس از آن ابو بکر کی یاد او دول را کشید پس از آن عمر آمد و دول در دست او به دل بزرگ
 پر آبی شد و من ندیدم مرد قوی که مانند او در آب کشیدن باشد بجاییکه از آب کشیدن او
 همه مردم سیراب شدند علما گفته اند این اشاره بخلافت ابی بکر و عمر و بسیاری فتح
 و عزت اسلام در ایام این دو می باشد. قال رسول الله صلى الله عليه وآله
 وصحبه وسلم «لَقَدْ كَانَ فِيمَا قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ نَاسٌ مُحَمَّدٌ نُوْنٌ فَإِنْ
 يَكُنْ فِي أُمَّتِي أَحَدٌ فَإِنَّهُ عُمَرُ» رواه البخاری. و رواه مسلم. رسول الله صلى الله
 عليه وآله وصحبه وسلم فرمود در ملتهای پیش از شما افرادی بوده اند که الهام میشده اند اگر
 در امتهم کسی ملهم باشد او عمر است. و معلوم است که آنهمه نقشه های سرافرازی مسلمان

از روی همین الهام می کشیدگان رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم
على حراة هو و أبو بكر و عمر و عثمان و علي و طلحة و الزبير
فتمزكت الصخرة فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم اهدأ
فما عليك إلا نبي أو صديق أو شهيد - رواه مسلم في صحيحه - رسول الله
و ابو بكر و عمر و عثمان و علی و طلحه و زبیر بر تخت سنگی از حراة شسته بودند تخت
در زیر پای شان جنبید فرمود آرام شو که بر تو نیست مگر پیغمبر یا صدیق یا شهید
فضائل ادو سیرت او در مجلد باب تفصیل نوشته شده است - در اینجا قصد ما این بود
که مختصری از زبان رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم یاد کنیم - و اما گواهی علی بن ابی طالب
کرم الله وجهه دختر خود ام کلثوم کبری رضی الله عنها را به نکاح عمر رضی الله عنه داد - و
روی البخاری عن محمد بن عیسی بن ابی طالب قال قلت لابی ای الناس
خیر بعد رسول الله صلی الله علیه و سلم قال ابو بکر قلت ثم من قال
عمر محمد بن علی بن ابی طالب که به محمد بن الحنفیه معروف است میگوید از پدرم علی رضی الله عنه
پرسیدم چه کسی بعد از رسول الله بهترین مردم است گفت ابو بکر گفتم و گر چه کسی گفت
عمر - و روی البخاری و مسلم عن ابن عباس رضی الله عنهما قال انی لواقف فی قومه
یدعون الله تعالى لعمر وقد وضع على سريرته فتكفها الناس
یدعون فیصلون قبل ان یرفع کلمیر عینی الا رجل احسن
منکبى فاذا علی فترحم علی عمر و قال ما خلفت احدا احب
الی ان اتی الله بمثل عمله منك و ایتم الله ان کنت لا تظن ان
یجعلک الله مع صاحبیک لانی کنت کثیرا اسمع رسول الله صلی الله

عليه وآله وَسَلَّمَ يَقُولُ ذَهَبْتُ أَنَا وَأَبُوبَكْرٍ وَعُمَرُ وَدَخَلْتُ
 أَنَا وَأَبُوبَكْرٍ وَعُمَرُ وَخَرَجْتُ أَنَا وَأَبُوبَكْرٍ وَعُمَرُ»

عباس گوید من ایستاده بودم در جمله مردمی که در روز شهادت عمر برای او دعای کردند
 و مردم او را برای دعا و نماز در برگرفته بودند ناگهان گاهی دستش را گرفت دیدم علی بن ابیطالب
 است عمر را دعا کرد و گفت بعد از خود دست کسی ننگد اشه ای که محبوب تر باشد نزد من از
 تو در دیدار خدا به مانند اعمال تو من بیقین می دانستم که خدا تو را همراه دو دوست رسول اللہ
 و ابو بکر قرار خواهد داد و چه بسیار که از رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبہ وسلم می شنیدم که
 می فرمود رفتیم من و ابو بکر و عمر و داخل شدیم من و ابو بکر و عمر و بیرون آمدیم من و ابو بکر
 و عمر در مُتَدْرِك حاکم از علی بن ابی طالب کرم اللہ وجہہ روایت می نماید که بار بار از
 رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبہ وسلم شنیدم که می فرمود در باره ابو بکر و عمر هَذَا هُمَا السَّمْعُ
 وَالْبَصَرُ - این دو چشم و گوش من هستند احادیثی که از رسول اللہ روایت نموده است
 بسیار و از آن جمله است: رَوَى الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ
 وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ
 فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ
 امْرَأَةً يَتَكَهَّنُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبہ وسلم
 فرمود درستی کارها به نیتهاست و هر کس از غمیش بحساب نیتش دارد کسیکه
 هجرت او بخاطر خدا و پیغمبرش باشد پس هجرت او بخاطر خدا و پیغمبر است هجرت او مقبول
 و ثواب آن خدا و پیغمبرش میداند چقدر است و کسیکه هجرت او بخاطر زنی باشد که او را

به نکاح آورد یا هجرت او بخاطر مال دنیا باشد هجرت او بحساب سستی نیت او است. و زوی
 البخاری و مسلم عن أمير المؤمنين عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال
 «رَبِّنَا حَنَّ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ
 ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدٌ بِيَاضِ الثِّيَابِ شَدِيدٌ سُوَادِ
 الشَّعْرِ لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ حَتَّى جَلَسَ
 إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَسْنَدَ إِلَى رُكْبَتَيْهِ وَوَضَعَ يَدَيْهِ عَلَى
 فَخْذَيْهِ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ قَالَ الْإِسْلَامُ مَا أَنْ تَشْهَدَ
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ
 وَتُصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا قَالَ
 صَدَقْتَ فَجَبَّنَا لَهُ يُسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ
 قَالَ الْإِيمَانُ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 وَالْقَدْرَ خَيْرٌ وَشَرٌّ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ قَالَ
 الْإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ
 قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ قَالَ مَا أُمْسُوا عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ قَالَ
 فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَلَاتِهَا قَالَ أَنْ تَلِدَ الْأُمَةُ رَبَّتَهَا وَأَنْ تَرَى الْحَفَاةَ الْعُرَاةَ
 الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُيُوتِ الْحَدِيثُ - وچنانکه می بینم در این حدیث
 ارکان اسلام از شهادتین و نماز فرض و زکات و روزه رمضان و حج همه یاد شده است
 و ارکان ایمان از ایمان به خدای یکتا و بفرشتگان و به کتابهای آسمانی و پیغمبران و به روز
 قیامت و ایمان به تقدیر همه یاد شده است و چگونگی احسان و بخوبی انجام دادن اعمال که

مسلمان در عمل خود بنظر آورد که در حضور خدا کار و عبادت می کند اگر بنده خدا را نبیند خدا او را
 ببیند و از نشانه های قیامت که نافرمانی فرزندان از پدر و مادر و بی ثروت و مملکت رسیدن
 فرمایگان همه یاد شده است از دعاهای او موقعیکه با خدای خود در آخر عمر مناجات
 داشت اللَّهُمَّ كَبِّرْ سِنِيَّ وَانْتَشِرْ رِعِيَّتِي فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ خدایا بزرگ
 سال شده ام و رعایایم پراکنده اند مرا بسوی خود بگرد و همیشه طلب شهادت بینمود
 و میگفت: اللَّهُمَّ أَرِزُقْنِي الشَّهَادَةَ فِي سَبِيلِكَ وَفِي بَلَدِ نَدِيَّتْ رِوَاهُ البخاری
 خدایا شهید شدن در راهت روزی من گردان و در شهر پیغمبرت در دینه موقعیکه دخترش
 اظهار کرد که شهادت بردست کافر پیش می آید و میدان جهاد در دینه چگونه ممکن است و میگفت:
 يَا تَيْبِي بِهَا اللَّهُ إِذَا أَشَاءَ؛ خدایا آن را برای من می آورد هر گاه بخواهد. و موقعیکه در نماز صبح
 در محراب مسجد پیغمبر از ابی لؤلؤة ضربت یافت اولیس سواشس این بود که بدانچه کسی
 او را ضربت زده است وقتی که دانست مجوسی غیر مسلمان است. گفت الحمد لله که شهادت
 من بردست کافر بود و شهادت رایا فتم. خلاصه فضائل و سیرت او و هر رحمت او به عیش
 و تواضع و جد و اجتهاد او در طاعت خدا و حفظ حقوق مسلمین و نشر اسلام مستغنی از توصیف
 است. موقعیکه ابو بکر عهد خلافت بنام او نوشت و او را خواست و آنچه لازم بود بر وی
 گفت دستهای خود را بر افراشت و گفت: اللَّهُمَّ إِنِّي لَمْ أُرِدْ بِذَلِكَ إِلَّا صِلَاحَهُمْ
 وَخَفْتُ عَلَيْهِمُ الْفِتْنَةَ فَعَمِلْتُ مِنْهُمْ بِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ فَوَلَّيْتُ عَلَيْهِمْ
 خَيْرَهُمْ وَأَقْوَاهُمْ وَأَحْرَصَهُمْ عَلَى مَا أُرِيدُ هُمْ وَقَدْ حَضَرَنِي
 مِنْ أَمْرِكَ مَا حَضَرَنِي فَأَخْلَفْنِي فِيهِمْ فَهَمَّ عِبَادُكَ وَنَوَّاصِيهِمْ
 فِي يَدِكَ وَاصْلِحْ لَهُمْ وَلَا تَهْمُوا وَاجْعَلْهُ مِنْ خُلَفَائِكَ الرَّاشِدِينَ،

يَتَّبِعُ هُدًى نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَأَصْلِحَ لَهُ دَعْوَتُهُ - خدایا قصد من خیر خواهی امت است
از فتنه بر امت ترسیم خدایا تو بعد از من این امت را نگهدار بنندگان تو اندیشانی
شان در دست تو است - و ایان شان را شاکسته دار در موقعیکه بر بالین مرگ هستم بهترین
و نیر و مندترین و حرصین ترین شان در سعادتمند شدن شان بر ایشان برگزیدم خدایا تو او را
از خلفا بر اش دین قرار ده که پیروی پیغمبر رحمت یعنی محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم نماید و در عتبت
را برای او اصلاح آرتاراه صلاح گیرند و معلوم است که بیشتر مناطقی که در حوزه اسلام است
در عهد پر برکت اذ فتح شد او اولین کسی است که به امیر المؤمنین معروف شد موقعیکه رحلت
او نزدیک شد خلافت را به شوری میان عثمان و علی و طلحه و زبیر و سعد و عبدالرحمن بن عوف
قرار داد مردم طالب بودند که عبدالله پسرش بخلافت منصوب شود اما او گفت کفایت است
در این خاندان یک تن عهده دار این مسئولیت بزرگ باشد و راضی نشد پسرش را
بخلافت منصوب کنند و گفت این شش کس را که معین کرده ام رسول الله تاروز
رحلتش از ایشان راضی بود در نماز صبح و از محراب سجد پیغمبر بدست دشمن خدا - ابو
لوئوه می جو سی ضربت یافت در روز چهارشنبه بیست و هفتم ذیحجه ۲۳ هجری و رحلت فرمود
در روز یکشنبه یکم محرم سال ۲۲ هجری داز همان روز پهلوی پیغمبر دفون شد و بهمانطور که در
حیات خود همیشه در حضور و سفر همراه رسول الله بود بعد از وفات هم در پهلوی رسول الله دفون
شد و غیر این دو ابو بکر و عمر و پیغمبر شخص دیگری سعادت هم پهلوی پیغمبر نیافت و دنیا
گواه است که در این یک هزار و چهار صد سال بعد او هنوز همانند او نیامده است رضی الله
عنه فی الاولین و رضی الله عنه فی الآخیرین وَ جَزَاؤُهُ فِي خِلَافَتِهِ لِرَسُولِ اللَّهِ وَ نُصْرَتِهِ
لِلْإِسْلَامِ خَيْرَ مَا يُجَازِي عِبَادَةَ الصَّالِحِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ در سیرت این

مردانِ راهِ خدا که بایروی ایمانِ قوی و پیروی رسولِ الله و از راهِ زهد و خیرخواهی اسلام
عظمتِ اسلام را تا آنجا بالا بردند که مافوق تصور است درسی است برای فهمِ ایمان و یزونی که از
ایمان بخدا سرچشمه میگردد و قل الحمد لله و سلامه علی عباده الذین اصطفیٰ خدا یاها
توفیقی عنایت فرما که در عمل تابع مردانِ راه تو باشیم مردانِ راهت را از رحمت شاد و پادرو ما را
از برکت آنان در دو جهان کامیاب گردان پروردگارا ما را از آزادشدگان از آتش
قرارد و خوشی دنیا و آخرت و حسن عاقبت بهره ما گردان مردگان بارآ مرزشت بهر دواز
د زندگان ما را به پیروی حضرت محمد مصطفی مفتح گردان باران رحمتی عطا فرما که شهر بابندگان
شاد و آباد شوند زبانه بیا د تو و سپاس و شکر تو پر دازند ای هربانا ما را نو مید ساز آفریدگار
اولی الامر و سروران و بزرگان ما را در اجرا حق و عدالت و در پیروی از کتاب و سنت توفیق
گردان سر رشته داران را از نیکان ما قرار ده و همه ما را از رحمت در دو جهان
سعادت مند و کامران گردان تا خرد و بزرگ ما همه آمزیده شویم و همه از زیور اخلاص و عمل
و خیرخواهی در دل و سپاسگوئیت به زبان بهر مند باشیم اللهم ربنا آتنا فی الدنیا
حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار و صل الله تعالی علی سیدنا محمد
و آله و صحبه و الصالحین و سلم سبحان ربک رب العزّة عما یصفون
و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین -

۳۵- ذی النورین ^{رضی الله عنه}

دهشهای او در راه خدا خوشنودی رسول اللہ از او

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ يَنْبَغِي لِجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيمِ سُلْطَانِهِ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - وَهَبَ الصَّبْرَ عَلَيَّ الْحَقِّ لِمَنْ اخْتَارَ مِنْ عِبَادِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ شَرَعَ سَبِيلَ الْهُدَى وَوَصَّى خَيْرَ أَصْحَابِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاللَّهُ وَصَّحِيْبِهِ وَالصَّالِحِينَ . أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي أَوْصِيكُمْ وَنَفْسِي أَدَّ لَا تَبْقُوا لِلَّهِ تَعَالَى وَطَاعَتِهِ . قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿ ۲۱ 〉 آل عمران

مرد می‌کشد افرادی را که امر را به عدالت می‌کنند مژده ده آنان را به عذاب دردناک - آنانیکه دادگران را می‌کشند نابود شده است کردار ایشان در دنیا و آخرت و از عذاب خدا - ایشان را یاری دهند گانی نیست - امشب در سیرت امیرالمومنین عثمان رضی اللہ عنہ صحبتی خیلی مختصر بعضی میرسانیم تو لید او شش سال بعد از عام نفیل است عثمان رضی اللہ عنہ نزد قریش بسیار محبوب قبل از بعثت پیغمبر و دختر رسول اللہ زقیه رضی اللہ عنہا

را به نکاح آورد قبل از اسلام از ثروتمندان بزرگ که و بعد از اسلام هم از طریق تجارت
 اموال فراوان داشت و یکی از اسباب آماده ساختن مجاهدین اسلام در عهد پیغمبر صلوات الله
 و سلامه علیه همین اموال عثمان بود که بیدریغ در تقویت اسلام صرف می شد. در مدینه
 چاه آبی بنام بعیر زومه مورد احتیاج مسلمین بود عثمان رضی الله عنه بدستور رسول الله آزا
 از مال خود به بیست هزار درهم از مالک آن که یهودی بود خرید و برای مسلمانان سیل کرد.
 برای تجیز جیش عسره در سال نهم هجری نهمصد و پنجاه شتر و پنجاه اسب با وسایل آنها و
 یک هزار مثقال طلا در اختیار رسول الله گزارد تا مجاهدین را با آن تجهیز سازد. و همچنین در دفعات
 دیگر به سیصد شتر و به سیصد مثقال و غیر این مقدار مسلمانان را کمک میکرد. و روزیکه
 در تجیز جیش عسره آن اموال را بحضور رسول الله آورد و رسول الله فرمود:

(مَا ضَرَّ عُثْمَانَ مَا عَمِلَ بَعْدَ الْيَوْمِ مَسْئَتَيْنِ) (رواه الترمذی قال حدیث حسن)

زیان نمیرساند به عثمان آنچه بعد از این نماید این را دو بار فرمود رقیه دختر رسول الله
 و همسر عثمان رضی الله عنها در روز بدر موقعیکه فرستاده پیغمبر بشارت پیروزی مسلمین را
 می رسانید مردم دختر رسول الله را که در گذشته بود دفن می کردند پس از وفات رقیه
 دختر رسول الله رسول الله دختر دیگر خود را ام کلثوم به نکاح عثمان آورد و در بین گذشتگان
 و در این امت معلوم نیست کسیکه دو دختر پیغمبر را بخانه برده باشد بغیر از عثمان رضی
 عنه، ام کلثوم رضی الله عنها دختر رسول الله صلی الله علیه و اله و صحبه سلم و همسر عثمان
 رضی الله عنه در سال نهم هجری در گذشت

موقعیکه فشا کفار قریش در مکه بر مسلمین شدت گرفت عثمان و همسرش رقیه
 رضی الله عنها به حبشه هجرت کردند رسول الله صلی الله علیه و اله و صحبه سلم فرمود:

« وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهُ لَا أَوْلَ مَنْ هَاجَرَ بَعْدَ إِبْرَاهِيمَ وَلُوطٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ »

قسم بر آن خدائی که روح من در دست او است. عثمان نخستین کسی است که بعد از پیغمبر ابراهیم و پیغمبر لوط هجرت نمود و عثمان را رضی اللہ عنہ از این جهت ذوالنورین گویند که دو دختر پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم بخانه آورد.

امیر المومنین عثمان در روزهای اول بعثت رسول اللہ مسلمان شد و عثمان از جمله کسانی بود که ابو بکر صدیق ایشان را بسوی اسلام دعوت کرد و پذیرفتند پدر او عقان نسبش در عبدمنان به نسب رسول اللہ متصل می شود و مادرش آرومی دختر ام حکیم عمه رسول اللہ می باشد. در روزیکه اسلام آورد تا روز شهادت از خدمت به اسلام فرو گزار نگرد. در صحیح بخاری از امیر المومنین عثمان رضی اللہ عنہ که در خطبه خود گفت:

((أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَكُنْتُ مِمَّنْ اسْتَجَابَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَأَمَنْتُ بِمَا بَعَثَ بِهِ ثُمَّ هَاجَرْتُ الْيَهُودَ تَيْنِ وَصَحِبْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَنَلَيْتُ صِهْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبَايَعْتَهُ فَوَاللَّهِ مَا عَصَيْتُهُ وَلَا غَشَشْتُهُ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثُمَّ أَبُو بَكْرٍ مِثْلَهُ))

بعد از حمد و ستایش خدا و درود و سلام بر رسول اللہ محققاً خدا به حق پیغمبری برگزید محمد را صلی اللہ علیہ وسلم من از جمله کسانی بودم که دعوت خدا و پیغمبرش بسوی اسلام پذیرفتم و ایمان آوردم به آنچه پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم به آن مبعوث شده بود و بخدا سوگند که هیچگاه نافرمانی رسول اللہ نکردم و هیچگاه پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم غش بکار نکردم و در راه دین خدا دوبار به حبشه هجرت نمودم از صحبت و همراهی رسول اللہ بهره ور شدم و افتخار دامادی پیغمبر را یافتم و بار رسول اللہ بیعت نمودم و بخدا قسم که هیچگاه بر رسول اللہ غش نکردم پس از رحلت

چیزی است بر نزد او شتافتیم دیدم عثمان بن عفان است رو بر رسول الله کردم که همین شخص است که در روزهای فتنه بر راه راست است فرمود آری -

«وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ ذَكَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِتْنَةً فَقَالَ يَقْتُلُ فِيهَا هَذَا مَطْلُومًا لِعُثْمَانَ» رواه الترمذی قال حدیث حسن صحیح

رسول الله موقعیکه از فتنه های که بو توع می پیوند و صحبت می فرمود اشاره به عثمان فرمود این شخص در فتنه مظلومانه کشته شود -

در روز بیعت الرضوا که رسول الله صلی الله علیه وسلم از یاران خود بیعت گرفت عثمان رضی الله عنه را از طرف خود نزد کفار قریش فرستاده بود تا برای داخل شدن رسول الله صلی الله علیه وسلم برای انجام عمره با آنها صحبت کند هنگام بیعت با یاران - فرمود عثمان برای انجام کار رسول الله صلی الله علیه وسلم است و آنگاه یک دست خود را بجای دست عثمان قرار داد و دست خود را بعنوان بیعت با عثمان بر هم نهاد - و در حقیقت دست رسول الله صلی الله علیه وسلم بجای دست عثمان قرار میگرفت برای عثمان رضی الله عنه بهتر از این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم با بقیه یاران بدست خودشان انجام داد - رواه الترمذی و قال حدیث حسن

چند حدیث که به روایت عثمان رضی الله عنه می باشد جهت تبرک نقل کنیم -

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عُمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ : قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

(«أَفْضَلُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ») رواه الامام احمد

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن بیاموزد و به دیگری تعلیم دهد -

وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عُمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رسول الله نسبت به ابو بکر همچنان و نسبت به عمر همچنان -

همه گوشش در راه اعتقاد دین خدا سعادت مسلمین بود و معلوم است که این خطبه را در حضور اصحاب پیغمبر ایراد نمود و هیچکس بران اعتراض نداشت. در زمان اوج اسکندریه و افریقا و قبرص و فارس و کرمان و طبرستان و سیستان و اهواز و ترکستان و مناطق دیگری انجام گرفت -

و در صحیح بخاری از ابی موسی اشعری رضی الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

قَالَ يَسُودُ بِالْجَنَّةِ - رسول الله به ابی موسی اشعری فرمود عثمان را مرده ده به بهشت

وَدَوَى الْبَخَارِي وَمُسْلِمٌ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَمَعَ ثِيَابَهُ حِينَ دَخَلَ

وَقَالَ أَلَا أَسْتَعِي مِنْ رَجُلٍ تَسْتَعِي مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ ۝

رسول الله صلی الله واله و صحبه وسلم فرمود آیا شرم نکنیم از کسیکه فرشتگان از

او شرم کنند - این را فرمود موقعیکه بر لب چاهی حضور داشت و زانوی مبارک شان پیدا بود با اجازه خواستن عثمان زانور او پوشانید و فرمود شرم می آدریم از شخصی که فرشتگان از او شرم می آورند -

((وَعَنْ مُرَّةَ بْنِ كَعْبٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ

الْفَيْتَنَ يَقْرَبُهُمَا فَمَرَّ رَجُلٌ مُتَّقِنٌ يَثُوبُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَذَا أَيُّ مَعِينٍ عَلَى الْهُدَى

فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ فَأَقْبَلْتُ إِلَيْهِ بِرُجْحِي فَقُلْتُ هَذَا - قَالَ نَعَمْ ۝ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ،

مره بن کعب گوید رسول الله صلی الله علیه واله و صحبه وسلم یاد فرمود از فتنه های که

پیش می آید درین اثناء مردمی که سر روی خود را پوشانده بود عبور کرد رسول الله

اشاره به او فرمود این شخص در روزهای فتنه بر راه راست است من بر خاستم تا به بینم

« قَالَ مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الْعِشَاءِ وَالصُّبْحِ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ كَقِيَامِ لَيْلَةٍ » رواه الامام احمد .

کسیکه نماز عشاء و صبح با جماعت بخواند مانند عبادت کردن همه شب است .

وَعَنْ عُمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ:

« مَنْ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ لَمْ يَضُرْكُمَا شَيْءٌ » رواه الامام احمد .

کسیکه گفت بنام خدای یکتا که زیان نیرساند بانام او چیزی نه در زمین و نه در آسمان و او است شنوا و دانای هیچ چیز زیانی به او نیرساند .

وَعَنْ عُمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ:

« مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ يُرِيدُ سَفَرًا أَوْ غَيْرَ لَا فَقَالَ حِينَ يَخْرُجُ بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِلَّا رَزَقَ خَيْرَ ذَلِكَ الْمَخْرُجِ وَصُرِفَ عَنْهُ شَرُّ ذَلِكَ الْمَخْرُجِ » رواه الامام احمد .

کسیکه موقع بیرون آمدن از خانه بقصد سفر و یا غیر آن گفت بنام خدا ایمان آوردم بخدا پناه بروم بخدا و گذار نمودم کارم بخدا و نیست توانائی و چاره ای مگر به کومک خدا روزی او میشود و خوشی آن بیرون آمدن و نگهبانانته میشود از بدی آن بیرون آمدن .

وَعَنْ عُمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « أَدْخَلَ اللَّهُ

رَجُلًا الْجَنَّةَ كَانَ سَهْلًا مُشْتَرِيًّا وَبَائِعًا وَقَاضِيًّا وَمُقْتَضِيًّا » رواه الامام احمد .

رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و صحبہ وسلم فرمود خداوند شخصی را به بهشت برد زیرا که

او دارای گذشت بود در خرید و فروش و موقع پرداخت بده و مطالبه آن .

وَعَنْ عُمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ « إِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الْبَارِحَةَ فِي الْمَنَامِ وَرَأَيْتُ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا وَإِيَّاهُمْ قَالُوا لِي أُصْبِرُ فَإِنَّكَ تُقْطِرُ
عِنْدَنَا الْقَائِلَةَ فَدَعَا مَعْصُومٍ فَشَرَّكَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقُتِلَ وَهُوَ بَيْنَ يَدَيْهِ. او كما قال

عثمان رضی اللہ عنہ گفت ادیشب رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم و ابو بکر و عمر را در خواب
دیدم فرمودند صبر کن که در شب آئنده همان ما خواهی بود آنگاه قرآن را خواست و مشغول
تلاوت قرآن شد موقعیکه که به شهادت رسید قرآن را بدست داشت و از خون او قرآن
زنگین شد فتنه که به شهادت عثمان کشانید پنج سال تمام ادامه یافت و تمام خلافت
علی رضی اللہ عنہ و چند ماه خلافت حسن بن علی را هم در بر گرفت و عجیب این است که همه
آن اشخاصی که دست از یاری عثمان کشیدند همه همانند عثمان شهید شدند.

وَعَنْ عَثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ
(« أَظَلَّ اللَّهُ عَبْدًا فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَوْ تَرَكَ لِغَارِضٍ ») او كما قال

عثمان رضی اللہ عنہ گوید شنیدم از رسول اللہ صلی اللہ علیہ واله و صحبه وسلم که می فرمود
خداوند بنده ای را در سایه آورد روزیکه جز سایه او سایه دیگری نه باشد که نسبت به بنیوایی
همت و ادوات و جی بدستش آید و بدو همیشه را پر داز و یا از بدو کار گذشت نمود.

وَعَنْ عَثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّبْحَةُ

تَمْنَحُ الرِّزْقَ او كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول اللہ صلی اللہ علیہ واله و صحبه وسلم فرمود خواب صبحگاهی مانع روزی میشود.
زیرا در زندگی کسی موفق است که سحر خیز نباشد و از بابت او به زندگی خود برسد.

وَعَنْ عَثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : عَلَامَةٌ تَقْتُلُونِي فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِأِحْدَى
ثَلَاثٍ رَجُلٍ يَزِينُ جَعْدًا أَحْصَاهُ فَعَلَيْهِ الرَّجْمُ أَوْ قَتَلَ عَمْدًا فَعَلَيْهِ

الْقَوْدِ أَوْ ارْتَدَّ بَعْدَ إِسْلَامِهِ فَوَاللَّهِ مَا زَيْتُ فِي جَاهِلِيَّتِهِ وَلَا إِسْلَامَ
وَلَا قَتَلْتُ أَحَدًا فَأَقِيدَ نَفْسِي وَلَا ارْتَدَدْتُ مِنْذُ اسْمَتُ إِيَّيْ أَتَشْهَدُ
أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ .»

موقعیکه عثمان محاصره شده بود و بعضی از شورشیان او را تهدید به قتل نموده
بودند گفت بکدام سبب مرا میکشید من از رسول اللہ صلی اللہ علیہ و سلم شنیدم کہ
می فرمود خون بیچ مسلمانی روا نمیشود مگر به یکی از سه کار یا زنا یا محصنه که سنگساری شود
یا بعد مسلمانی را بکشد که قصاص از او گرفته شود و یا از دین برگردد کہ حکم قتل بر او است
و کشته میشود و بخدا قسم کہ از آن سودگیمهای زنا در همه عمر دور بوده ام . نه در جاهلیت
خو را آدم و نه در اسلام و کسی را نکشته ام کہ خود را به قصاص بدهمم و از روزی کہ مسلمان شده ام
هیچگاه از اسلام منحرف نگشته ام و شهادتین همیشه ورد زبان من است و در منزلت
عثمان از رسول اللہ در روزیکه رسول اللہ او را بکه نزد کفار قریش فرستاد و شهرت یافت
کہ کفار عثمان را کشته اند رسول اللہ بخاطر خوا خواهی عثمان از همه یارانش بیعت
گرفت کہ قصاص از آنان بگیرد .

عن جابر رضی اللہ عنہ قال ﴿ إِنَّمَا كَانَتْ بَيْعَةُ الشَّجَرَةِ فِي عَثْمَانَ بْنِ عَفَّانٍ خَاصَّةً قَالَ

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ﴿ إِن قَتَلُوا لَا نَبْذَهُمْ فَبَايَعْنَاهُ ﴾
أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول اللہ فرمود اگر عثمان را کشتند من در خواخویشش با ایشان بجنگم و برای این
منظور با یاران بیعت نمود و این بیعت بنام بیعت الرضوان معروف است .

و آیات ﴿ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ ﴾ الضح - ١٨
خدا محققاً خوشنود شد از مومنان کہ در زیر درخت با تو بیعت نمودند .

افرادى که در آن بیعت حاضر بودند بر اهل بئعته الرضوان اهل الشجره معروفند.

وَعَنْ عِثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْه وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ: إِذَا آتَاكَ اللَّهُ خَلْقَ شَيْءٍ لَمْ يَمْنَعْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا رَدَّاهُ مُسْلِمٌ فِي صَعْلِهِ وَكَمَا مَالَ

و قتیکه خدا بخواهد چیزی را خلق فرماید هیچ چیز مانع او نتواند شد و از آثاری که در دلت دروایاتی که در حدیث به ثبوت رسیده است معلوم می گردد که عثمان رضی الله عنه می دانسته است چه موقع شهید می شود و می گفت:

(إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَمِدًا لِيَّ عَمِدًا فَإِنَّا صَابُونَ عَلَيْهِ) عهد و پیمان پیغمبر است بامن که بمن سختیها می رسد و من بر آن سختی با صابر و شکیبایم هستم.

خلاصه سیدنا عثمان رضی الله عنه از عشره مبشره و از خلفا را را شیدین و از سابقین بسوی اسلام و از افرادی که مصارف هنگفت در راه خدا می نمود و دامادی رسول الله و بسیار نکوکار و پر خیر و روزهای که در خانه محصور بود بیست برده را آزاد کرد و از جنگ با شورشیان و ریختن خون مسلمانان خودداری کرد و جان خود را در راه خدمت اسلام نهاد و همانگونه که باقی خلفا را شیدین شهید همین راه شدند و پس از سی و پنج روز محاصره - در روز جمعه صبح هجمه ذیحجه در خانه اش به شهادت رسید - در آن روز سن وی به نود سالگی رسیده بود و در آن روز در بقیع مدینه زیارت گاه عموم و مورد تبرک است.

پیش آمدی که برای عثمان رضی الله عنه از نقشه ریزی دشمنان اسلام مانند عبد الله بن سبا و حکیم بن جبلیه منافق و امثالشان پیش آمد در سبهای آموزنده است - و می رساند که هیچگاه از شهادت در راه حق هراسی نداشته اند و می رساند که در مواقع فتنه چگونه بصیرت از دست میرد و افراد غیر شایسته زمام امور را بدست میگیرند در روزهای فتنه با بودن

علی بن ابی طالب و طلحه و زبیر و سعد از بزرگان یاران پیغمبر امامت نماز در مسجد پیغمبر بعد از
حکیم بن جبهه منافقی بود و صحابه برای دوری از فتنه حاضر نمی شدند.

موقعیکه مغیره بن شعبه به عثمان رضی الله عنه پیش نهاد یکی از سه کار کرد گفت یا
اینکه بوسیله هم امانت باشو ر شیان بجنگی که تو بر حقی و آنان بر باطل و یا به مکه بروی که کسی تو را
در آنجا دنبال نخواهد کرد و یا به شام بروی در جواب گفت حاضر نیستم برای خودم خون مسلمان
ریخته شود و هیچگاه فتنه را از اینجا بکنه انتقال نخواهم داد و گاهی امکان ندارد مدینه و حواری
رسول الله را ترک گویم و به شام بروم اما از آن پیش آمد دیگر درهای فتنه گشوده شد
برای مسلمین و قانع تلخ یکی پس از دیگری بوقوع پیوست و عثمان رضی الله عنه راضی شد
خود را قربانی کند اما راضی نشد که خون ریزی میان مسلمین بردست او باشد.

خدمت های که در عصر رسول الله انجام داد و فتوحی که به نفع اسلام در دوران خلافت
خود دنبال کرد متعدد ساختن نسخه های قرآن که بر هر اقلیمی از اقلیم های اسلام یک نسخه
از قرآن فرستاد تا هیچگاه در قرارت قرآن اختلافی نیاید و احسانهای بیگانه که از او پی در پی
بظهور میرسد و دست آخر قربانی شدن و شهید شدنش در راه حق نمانده عظمت
ذاتی او و قوت ایمان او است و تا دنیا باقی است نام او به بلند نامی و سیرت او مانند
عطری خوشبو دماغ پرور و آموزنده و رحمت حق تعالی همیشه بسوی او سر ازیر است مدت
خلافت شان دوازده سال و کم و زیاد روز کینه او ابو عبد الله است.

رضی الله عنه فی الاولین و رضی الله عنه فی الاخرین و جازاها علی خداماته

و صبره خیر جزاء یؤدی به لمحیر عباده الله الصالحین و قال الحمد لله و سلام علی الذین اخطط فی

خدا یا از تو خواهیم که عفو و عافیت همیشه با ما همراه بداری و در زندگی از بلاها و محنتها

دوز و در امان بدارمی و پیوسته ما را به طاعت از نعمت رضا و خوشنودی بهره در گردانی.
 چو در دگادانه عملی داریم که به آن شیفته شویم و نه صبری که بر آن اعتماد کنیم امید
 ما عفو و کرم و بخشایش تو است و پناه ما ذات توانای بی همتای تو است در زندگی آسایش خاطر و
 راحت ضمیر همراه ما گردان و پیروزی بر مشکلات و کامرانی نصیب ما گردان گذشتگان ما
 را که در راه تو فدا شدند درود فرستیم و آیندگان ما را در توفیق طاعت دعا کنیم و مسلمین
 را عموماً سعادت و خوشی خواهانیم۔

ا فرید گادا اولی الامر و سروران و بزرگان ما را توفیق اجراء شریعت و حفظ دین مسین
 عطا فرما و خرد و بزرگ ما را از آرزشت بهره در کن و رحمتی عام که همه را خوشنود سازد مبذول
 بدار که از هستی تو کم نشود اگر خسته دلان را شاد فرمائی و از رحمت کم نیاید گنهگاران را آرزیده
 فرمائی۔

اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
 وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَسَلِّمْ
 سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ۔

ع ۳۴ - حضرت رضی رضی الله عنه علی بن ابی طالب

مشاهد او، فضائل او، دریای علوم او، رضای خدا و پیغمبر از او

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَتَّبِعِي لَجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيمِ سُلْطَانِهِ وَأَشْهَدُ
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى
وَيَارِيَّ النَّسَمَاتِ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ إِمَامَ الْأَنْبِيَاءِ
وَنَبِيَّ الرَّحْمَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الْأَطْهَارِ وَصَحْبِهِ الْأَبْرَارِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ
الدِّينِ أَمَا بَعْدُ : فَإِنِّي أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ تَعَالَى وَطَاعَتِهِ
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : « أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفًا عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ »

یونس - ۶۶

محقق است که دوستان نه ترسی برایشان است و نه اندوهگین شوند.

امشب در سیرت علی بن ابی طالب کرم الله وجهه مطالب بسیار مختصری

بعرض میرسانیم.

علی رضی الله عنه دارای کتیبه بو تراب که رسول الله او را به آن کتبی ساخت
و ابو الحسن پدرش ابو طالب نامش عبد مناف است و گفته شده است که
نامش همان ابو طالب است.

ابوطالب دارای چهار پسر بوده است - طالب و جعفر و علی و عقیل - طالب از جمله افرادی است که کسی ندانسته است چه شده اند و کجا درگذشته اند - سه تن یکی طالب بن ابی طالب، و سنان بن حارثه - مرد اس بن ابی عمرو - اما جعفر و علی و عقیل که هر سه از صحابه رسول اللہ هستند -

علی رضی اللہ عنہ - نام مادرش فاطمہ بنت اسد میباشد که اسلام آورد و بدین هجرت نمود و در موقع وفاتش هنگام دفن او رسول اللہ بدست خود او را به قبر نهاد و مادر عائشہ رضی اللہ عنہا نیز رسول اللہ بدست خود او را در قبر نهاد - بعد از اینکه برایشان نماز گذارد -

علی داماد پیغمبر و بن عم او و پسر حسین و اولین خلیفہ از بنی ہاشم و چهارمین خلیفہ از خلفاء راشدین و از عشرہ مبشرہ و یکی از شش تن اصحاب شوری و از علماء ربانی و از دلاوران بلند نام و از زهاد معروف و از سابقین بسوی اسلام است -
درباره نخستین کسیکه اسلام آورد در بین علماء اختلاف است - و بعضی از علماء نزدیکیتر به احتیاط چنین دانسته اند که گفته شود :

نخستین اسلام آورنده از زنان خدیجہ رضی اللہ عنہا

و از مردان ابو بکر رضی اللہ عنہ

و از کودکان علی کرم اللہ وجہہ

و اولین مسلمان از بردگان آزاد شده - زید بن حارثہ

و از بردگان بلال است - رضی اللہ عنہم -

آنچه مورد اتفاق علماء است اینکه علی در موقع اسلام آوردن ده ساله بود - موقع

ہجرت رسول اللہ از مکہ بمدینہ علی را بجای خود در منزل گذار و تا چند روز بعد از ہجرت رسول اللہ در مکہ ماند و دائع و امانتہای مردم را بہ آنہا پس دھد و پس از آن بابت گمانش بمدینہ آمد در ہمہ مشاہدہ بار رسول اللہ ہمراہ بود فقط در غزوہ تبوک رسول اللہ اورا بجای خود در مدینہ قرار داد و در بسیاری موطن رسول اللہ پرچم را بہ وی سپرد۔

سعید بن المسیب گوید در روز اُحدش نزدہ ضربت شمشیر بہ علی رسید۔ حالات علی و دلاوریہای او در جنگہا ہمہ مشہور است و اما در علم کہ در محل عالی قرار داشت پانصد و ہشتاد و شش حدیث از رسول اللہ روایت نمود۔

روایت کنندگان حدیث از او سید پیرش حسن و حسین و محمد بن الحنفیہ و ابن مسعود و ابن عمر و ابن عباس و ابو موسی و عبد اللہ جعفر و عبد اللہ بن الزبیر و جمعی از صحابہ ہستند۔

ابن عباس گوید نہ دھم علم بہرہ علی بود و در یک دھم دیگر ہم شریک علمار بود ابن المسیب گوید کسی نیگفت سئلونی از من پرسید غیر علی۔ و سوال بزرگان صحابہ از او و رجوع در حل موفعات بہ او معروف است۔ و در علو مقام علمی او ہین بس کہ شخصی مثل عمر در مائل علمی از او مدعی جُست۔ از دو سال قبل از بخت پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ و صحبہ وسلم در منزل پیغمبر جا گرفت۔

روزی رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و صحبہ وسلم بہ عمویش عباس بن عبد المطلب رضی اللہ عنہ فرمود کہ ابو طالب مصرف زیاد دارد و ناتوان شدہ است برویم ہر یک از مایکی از فرزندان اورا بہ نزد خود آوریم۔ عباس عقیل را بہ نزد خود آورد و رسول اللہ علی را نزد خود آورد زہد او معروف و مشہور است۔

سفیان بن عیینہ گوید علی در دنیا مساحتمانی برای خود بنا نکرد نه خشتی بر خشت نهاد
 و نه چوبی بر چوب لنگی که پیداشت از پنخ در هم بیشتر از رید. در جنگ با خوارج از او
 عجائب به ثبوت رسید اما احادیثی که از او روایت شده بسیار است و جمعی از
 صحابه و خلفای از تابعان آن را روایت کرده اند از آن جمله برای تبرک چند حدیث نقل
 میگردد.

(لا عن علی رضی الله عنه قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یوتر فی اول

اللیل و فی وسطه و فی آخره ثم ثبت له الوتر فی آخره))

رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم نماز وتر را گاه در اول شب و در میان
 شب و در آخر شب خواند و در آخر کار مواظبت بر نماز وتر در آخر شب فرمود.

عن علی رضی الله عنه ان النبی صلی الله علیه

وسلم خیر نساء الدنیا و الآخرة ولم یخیرهن الطلاق.

رسول الله همسرانش را اختیار داد که دنیا را اختیار کنند و یا آخرت. و معلوم
 است که آخرت را اختیار کردند. و رسول الله اختیار طلاق به ایشان نداد

و عن ابي نصير قال كنا جلوسا حول الأشعث بن قيس إذ جاء رجل بيده عترة^١
 فلم نعرفه و عرفه فقال يا أمير المؤمنين قال نعم قال تخرج هذه الساعة
 و أنت رجل محارب قال إن علي من الله جنة حصينة فإذا جاء القدر لكم
 يُغن شيئاً إنّه ليس من الناس أحد إلا قد وكل به ملك فلا تریده
 دابة ولا شيء إلا قال اتق الله اتق الله فإذا جاء القدر خلى عنه))

(رواه البردادر)

ابو نصیر گوید نزد اشعث نشستیم که مردی آمد چوبی بدستش بود ما در آن شناختیم
 بودم

اشعث اور شناخت گفت امیر المؤمنین گفت بلی گفت در این ساعت بیرون می آئی
 درحالیکه مشغول جنگ هستی علی گفت بر من است از خدای تعالی سپری قوی و پهنگامیکه
 تقدیر رسید سپر بجاری نیاید و هر یک از مردم برای ننگداریش فرشته ای به او گذاشته
 شده است تا هر جانور و جنبه در هر چیزی نقص او کند مانع شود و قتیکه تقدیر رسید
 آن فرشته از او دور شود۔

«وعن علي رضي الله عنه قال أقيمت النبي صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فاستاذن فإن

أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

كان في صلوة سبَّح وإن كان في غير صلاة أذن لي»

بخدمت پیغمبری آدم و اجازه و رومی خواستم اگر در نماز بود سبحان اللہ می فرمود
 و علامت اجازه بود اگر نه در نماز بود اجازه می فرمود۔

«وعن علي رضي الله عنه انه لا يجده عبد طعم الايمان حتى يعلم ان ما اصابه

أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

لم يكن ليخطئه وما اخطأه لم يكن ليصيبه»

هیچ بنده مژده ایمان نمی چشمه مگر موقعیکه یقین بداند آنچه که به او رسیده امکان
 نداشت نرسد و آنچه به او نرسیده امکان نداشت که به او برسد۔

«وعن علي رضي الله عنه انه خطب الناس يوماً فقال في خطبته و اعجب ما في

انسان قلبه وله مواد من الحكمة و اخذ اذ من خلافا فان فح له الرجاء أولهم
 الطمع و ان هاج به الطمع أهلكه الحوص . و ان ملكه اليأس قتله الاسف و ان عرض
 له الغضب اشتد به الغيظ و ان اسعد بالرضا نسي التحفظ و ان ناله الخوف شغله
 الحزن . و ان اصابته مصيبة فضحه الخزع . و ان أفاد مالا أطعاه و ان
 عضته فاقه شغله البلاء . و ان اجهده الجوع فقد به الضعف . فكل تقصير

به مضر و کلّ افراط له مفسد - فقام الیہ لیلحیل فقال یا امیر المؤمنین أخبرنا عن القدر
 قال بجمیت " فلا تلجہ - فقال یا امیر المؤمنین أخبرنا عن القدر قال سئ الله
 فلا تتكلفه - قال یا امیر المؤمنین أخبرنا عن القدر قال أما إذا نیت فائتہ
 اربین أمرین لا جبر ولا تفویض - قال یا امیر المؤمنین إن فلاناً یقول بلا استطاعتہ
 وهو حاضرک فقال علیّ به فأقاموه فلما رآه سلّ سیفہ قدر أربع اصابع فقال
 الاستطاعتہ نملکها مع الله او من دون الله وایاک أن تقول أحدهما فترتد
 فنضرب عنقک قال فما قول یا امیر المؤمنین قال قل أملکها بالله الذی إن شاء
 ملکینہا - ۱۱

(رواه ابو نعیم فی الحلیة من الامام الثانی)

شگفت آورترین عضو آدمی دل اوست برای دل آدمی موادی از حکمت و
 ضد های از خلاف حکمت است - اگر امیدواری داده شد - طمع او را بی تاب سازد
 اگر طمع در او به بیجان آمد حرص و آزمندری او را هلاک سازد - اگر نومییدی بر او چیره شد
 در ریغ و افسوس او را کشد - اگر خشم بر او عارض شد تندی بر او شدت یابد و از حال
 خود خارج شود - اگر به خوشنودی نیک بخت شد خوشیستن دارای و نگهداری خود از دست
 دهد - و اگر ترس به او رسید اندوه و غم او را مشغول دارد اگر مصیبتی به او رسید
 بی تابانی کمرش را شکنند و اگر ثروتی بدست آورد طامعی در سرش و اگر تنگدستی و تهیستی او را
 گزید تا راحتی و سختی او را مشغول سازد و اگر گرسنگی به وی فشار آورد ناتوانی او را از
 پانساند - هر کوه کاری او را زیانمند و هر زیاده روی او را تباه سازد - مردی بر فراست
 و گفت یا امیر المؤمنین ما را از تقدیر خبر ده گفت دریائی است ژرف به آن فرو شو
 آن مرد گفت ما را از تقدیر آگاه ساز گفت راز خدائی است فهم آن نتوانی بر خود تکلیف

مکن آن مرد گفت ما را از تقدیر پا خبر کن گفت اکنون که از دست کشیدن امتناع کردی کاری است میان دو کار نه جبر است که آدمی به یکباره مجبور و بی اختیار باشد و نه تفضیض است و واگذاری که آدمی در سر نوشت خود کمال اختیار باشد بلکه اختیار آدمی به مشیت خداست که در هر کار اهل آن کار را توانائی آن دهد و برای هر کاری مردمی است کسانیکه در تاریکی نشسته بهره شان تاریکی است و آنها نیکه در پرتو خورشیدند بهره شان روشنائی است و تقدیر همانند آئینه است هر کس صورت خود را در آن بیند گفتند اینجا فلانی است او میگوید هر کس توانائیش در دست خودش میباشد گفت او را بنزد من آورید او را ایستاندند چون او را بید اندازد چهار انگشت شمشیر خود را از خلف بیرون کشید و گفت توانائی تو همراه با توانائی خدا است یا توانائی تو بدون توانائی خدا. مباد ایکی از این دورا بگویی که مرشد شوی و گرنه را بز نیم آن شخص گفت پس چه بگویم گفت بگو من توانائی دارم بیاری خدا که هرگاه خدا بخواهد توانائی را بمن عطا فرماید.

وَعَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْأَحْزَابِ مَلَأَ اللَّهُ بَيْوتَهُمْ وَقُبُورَهُمْ نَارًا كَمَا شَغَلُونَا عَنِ الصَّلَاةِ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ »
 أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در روز احزاب فرمود خدا خانه ها و قبر های کافران را پر آتش کند که ما را از نماز بازداشتند تا آفتاب غروب کرد.

عن يحيى بن عمار قال قيل لعلي رضي الله عنه « الا تحرسك قال

حرس امر عجله .» (رواه ابو نعیم فی حلیه)

به علی رضی اللہ عنہ گفته تو را پاسبانی نکنیم گفت نگهدار هر کس اجل او است .
 وَعَنْ عَلِيٍّ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ وَعَمَرَ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَقَالَ يَا عَلِيُّ هَذَا نَسِيدَا كَهْوُلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَشَبَابِهَا
 بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ . (أو كما قال (عليه الصلاة والسلام) رواه الامام احمد)
 علی رضی اللہ عنہ گوید نزد رسول اللہ بودم که ابو بکر و عمر رضی اللہ عنہما آمدند فرمود
 ای علی این دو آغازی مردم میانه سن و جوانان از اهل بهشت اند . بعد از پیغمبران
 و رسولان .

وعن علي رضي الله عنه والذي فلق الحبة وبأ النسمة انه لعنه النبي الى الآ
 يجتني المؤمن ولا يبغضني الامنافق .
 (رواه مسلم في صحيحه)

قسم بخدا می‌کنم و آنکه مرا اشکافت و جانوران را آفرید محقق است پیمان پیغمبر و
 سفارش او بمن . و از علی رضی اللہ عنہ روایت است که گفت :

سيهلك في صنفان من الناس . محب غايل يذهب به الحب الى
 غير موضعيه و مبغض قال يذهب به البغض الى غير موضعيه
 واعدل الناس في حالاً النمط الأوسط فالزموه

در باره من دو گروه هلاک شوند کسیکه در محبت غلو و زیاده روی کند و مرا از
 حدودم بگذارند و کسیکه در بغض من افراط کند و حق مرا نشناسد و عادل ترین مردم در باره
 من مردم میانه رو هستند همیشه ملازم میانه روی باشید . و در حقیقت اهل سنت نسبت
 به حضرت امیر میانه رو هستند .

موقعیکه میان علی و معاویه بطل کشید و در این اثنا خوارج را هم تاروا کرده

بودستن از خوارج در که گرد آمدند بدین نام:

عبدالرحمن بن ملجم مرادی

برک بن عبداللہ شیبی

عمرو بن بکیر شیبی

ابن ملجم و آن دو تن دیگر هم گفتند همه دعواها بر این ستن است -
علی و معاویه و عمر عاص - وقتی که این ستن بنا شدند مرافعه با پایان پذیرد.

من برای علی

ابن ملجم گفت

من برای معاویه

برک گفت

من برای عمر عاص

عمرو بن بکیر گفت

و قرار گذاشتند که هر سه در نماز صبح روز هفدهم رمضان کار خود را انجام

دهند - عمر عاص آن روز بیرون نیامد و بجای خود خارجه را برای نماز صبح فرستاد - عمرو بن
بکیر خارجه را به ضرب شمشیر مقتول ساخت - و چون دانست که عمر و نیت کلامی گفت
که بعد ضرب امثل شد - آدنتُ عمرًا و آدأ اللہُ خارجه من قصد عمر و آدأ شتم و خدا
تقدیر فرموده بود کشتن خارجه را -

برک بن عبداللہ چند زخم به معاویه زد اما اطرافیانش رسیدند و برک

را از پای در آوردند.

در این بین ابن ملجم توانست ضربت خود را با شمشیری که قبلاً زهر آگین کرده بود بر

سر علی رضی اللہ عنہ فرود آورد و گفتا معروف ادری اللہ عنہ فزئت بربت الکعبه - رشتکار و
بهره مند گشتم قسم به صاحب قبله و منظور من در تحقق شهادت در راه خدا رسیدن به

رسول الله و خلفاء او صل شد - آنگاه وصیت و سفارشش خود به فرزندش ابلاغ نمود - و آنگاه به لا اله الا الله مشغول شد - آثار بسیار در دست است که رسول الله به عمر و عثمان و علی خبر داده بود در راه خدا کشته میشوند - و روز و ماه و سال وفات خود می دانستند ضربت او در نماز صبح جمعه هفدهم رمضان و وفات او در شب یکشنبه نوزدهم رمضان بود - (رضی الله عنه - صفات جسمی او چهره گندمگون و پیشانی بزرگ خوش قدمی سروریش نشان سفید خوشرو همیشه خندان بود -

رضی الله عنه في الاذلين ورضی الله عنه في الاخيرين وجزاه خيرا جزاء يؤديه
الله الحنيد عباداه الصالحين -

و بار حق او خلافت را شده پایان یافت این چهار تن خلفاء راشدین تا دنیا باقی است هر جا نام برده شوند در و دهمراه نامشان است امکان آمدن نظیرشان نیست -
و قل الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى -

خدا اینا در همه کار حسن خاتمه زیور کارهای ما گردان -

خدا اینا بما توفیق ده تا در همه کار رضای تو مقصود ما باشد -

بزرگدگارا پیروی از سنت مطهره پیغمبرت در همه حال بهره ما گردان تا در دنیا از پیروی او در آخرت از هم صحتی او بهره ور گردیم -

افزیندگارا اولی الامر و سردران و بزرگان ما را موفق فرما تا در اجراء حق و عدالت و احیاء سنت کامیاب گردند -

خدا اینا به ذات پر عظمت و متبحر استیم تا از رحمتت آغاز و فرجام ما را به سعادت فرمائی -

خُدایا در این ماه را از آزادشدگان آمرزیده گردان و به رحمت
دل و زبان و جان و تن بنور ایمان روشن گردان -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ . سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۳۷. الزهراء رضی الله عنهما

برترین زمان دنیا عظمت مقام او، فضائل بشار او

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَنْبَغِي لِجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيمِ سُلْطَانِهِ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ أَحْكُمُ الْحَاكِمِينَ وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ
اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَصَحَابَتِهِ
الْعَدُولِ الْمُتَّقِينَ وَالتَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ .
قال الله تعالى: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

(الشوری - ۲۳)

بگو از شما نخواهم مزدی مگر محبت ذی القربی - خویشاوندان مراد دست بردارید -
از شما نخواهم جز اینکه در طاعت خدا همدگر را دوست بردارید - از شما نخواهم مزدی مگر اینکه
رگ خویشی مرا احترام گذارید و مراد دست بردارید -
اقوالی است که در تفسیر این آیه گفته است - چون آیات دیگری هست که هرگز نه
اجر و مزدی را نیت میکند قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهَوِ لَكُمْ بگو آنچه مزد از شما نخواهم برای
خودتان - من مزدی نخواهم قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى
ذِيهِ سَبِيلًا - بگو نخواهم از شما بردن آوری تان مزدی مگر کسیکه نخواهد بسوی
خدا راه بیاید که مزد من همان راه یابی و گرفتن راه اسلام است و این برای من مزد نیست -

خُلاصَة: از شما فرزندی نخواهم در راهنای تان - دوستی و محبت خویشاوندان من - لازمه محبت است نه مزد خواهی - راه یافتن تان به اسلام بدرگاه خدا مزد من نیست لازمه ایمان داری است در محبت آل بیت پیغمبر علماء اتفاق دارند امشب در سیرت مطهره فاطمه الزهرا رسیده نساء العالمین رضی الله عنهما وارضاهما - صحبت خیلی مختصری بعرض می رسانم -

رسول الله صلی الله علیه وسلم دارای چهار دختر بودند:

زینب - رقیه - ام کلثوم - فاطمه الزهرا رضی الله عنهن
 زینب رضی الله عنها قبل از بعثت پیغمبر به ازدواج ابی العاص بن الزبیر درآمد
 و از شوهر خود دو فرزند یکی بنام علی و دیگری بنام اُمّامه بدنیا آورد و در سال هشتم هجری درگذشت.

رقیه رضی الله عنها به ازدواج عثمان رضی الله عنه درآمد و از شوهرش دارای فرزندی شد بنام ابان بن عثمان - رقیه رضی الله عنها در سال دوم هجری در روزیکه بشارت فتح مسلمان در بدر بدین می رسید درگذشت -

ام کلثوم رضی الله عنها به ازدواج عثمان رضی الله عنه درآمد و در سال نهم هجری درگذشت و دارای فرزندی نشد -

فاطمه رضی الله عنها خردسال ترین فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود که در یک سال بعد از بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بدنیا آمد - هر چه روز به روز بزرگتر و ادافزوده میشد همراه با زحمات تازه ای بود که بر اثر بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حضرت و خانواده اش پیش می آمد در سن هفت سالگی او بود که محاصره قریش برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود.

آل بیت او دینی هاشم و یاران او شروع شد. قسمتی از یاران پیغمبر حبشه هجرت کردند - و قسمتی در مکّه ماندند - سه سال رسول الله و آل بیت او و یاران او - دینی هاشم از مسلمان و کافرشان همه همراه پیغمبر در محلی بیرون از مکّه بنام شعب ابی طالب محصور بودند خوراک به آنان نمی رسید و کفار قریش مانع از آن بودند که کسی خوار و بار به آنان نفرستد در سال سوم موفقی فرارسید که بر اثر نبودن آذوقه از برگ درختان که آنم اندک بود و غذایی نداشت استفاده می کردند -

کافران پیانی بسته بودند و آن پیمان را نوشته و در کعبه آویختند - بموجب آن پیمان تا موقعیکه بنی هاشم دست از یاری پیغمبر نکشند حق آمدن به مکّه ندارند و کسی حق ندارد به آنان خوار بار بفرستد -

خدای عزوجل که می خواست مسلمانان را برای رهبری دنیا آماده سازد باین سختی لم آنان را از بونه امتحان بدرمی آورد - و موقعیکه ایمان در وجود کسی قوی و نیرومند باشد سختی او را نیرومندتر میگرداند - به زبان گفتن که سه سال از غذای درست محروم ماندن و زیر محاصره اقتصادی قرار گرفتن چگونه است گفتنش آسان است اما درین مسلمانان امروز کدام افرادی هستند که بانان بدون خویش یکسال طاقت کنند و یا شش ماه در سایه درختان رنج سرما و گرما بکشند - همین خوشگذرانی و عادت پر راحت است که سلین را عقب انداخته است در تمام صنایع عقب هستند اما حاضر میشوند در سال دندان بزرگ نمند و صنایع خارجی را بکار نبرند تا موقعیکه همه ما بحتاج خود بدست خود آماده کنند وسائل تحصیل کم بود دارند و می بینند فرزندان شان نیمه راه تحصیل رها کرده و بیچاره میگردند اما نمی توانند سالی اقتصاد کنند و اسباب پیشرفت علمی فرزندان خود فراهم سازند -

مرومیکه به خوشی و راحت کردند خوشی شمامت از دست میدهند. اما خدای متعال مردانی را که میخواست دنیا را عوض کنند سیزده سال تمام در بونه امتحان قرار داد. تا روز به روز به سختی بیشتر دچار شوند. و موقعیکه برای نشر اسلام رهبری جهان بعهده شان قرار داده میشود. بدانت چگونگی باید برای پیشرفت اسلام از زهد و قناعت و تقوی و خدا شناسی استفاده کنند و دنیا نخواند آنان را بفریبد و خوشی نتواند آنان را از رسالتی که رسانید عمده دارند بازگرداند.

سال سوم محاصره بود که رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم خبر داد که موریا نهان پیمان نامه را خورده است فقط مقلهائی که نام خدای متعال بر آن بوده بجای مانده است با این اطلاع موقعیکه کافران بر موضوع وقوف یافتند پنج تن از قریش تصمیم گرفتند آن پیمان را بشکنند و بر این تصمیم بزرگان قریش را با خود موافق ساختند و با این ترتیب رسول الله و خاندان و بنی هاشم از محاصره بیرون آمدند و توانستند بکعبه بازگردند. اما محاصره کار خود را کرده بود چند روزی نگذشت که ابوطالب عموی پیغمبر درگذشت. و بعد از او خدیجه همسر باوقای رسول الله درگذشت.

فاطمه الزهراء رضی الله عنها با مشاهده چنین اوضاعی و سختی های پی در پی که از آغاز کودکی بحشمت خود می دید بدیهائی که نسبت به پدر با آنهمه خوبی و تحمل او ملاحظه می کرد و جوهرهای زمانه که مسلمین را مانند سنگینه در بر گرفته بود برای خاطر نازک کودکان خدای داند چه آثاری از رنج بجای می گذارد.

الزَّهْرَاءُ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا بَادِيَةً فِي أحوال از علاقه بدنیای ناپایدار برکنار گشت پس از وفات خدیجه اداره منزل و رعایت رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم

بعهد فاطمه الزهرا قرار گرفت و شاید از دواج رسول الله با سوده که زنی بزرگسال تر از پینمبر بود بخاطر دلداری فاطمه الزهرا بود - بی حجت نیست که رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم او را سیدة نساء العالمین دانست زنی که از خردی در خدمت رسول خدا و فرا گرفتن تعلیم دین خدا و مواظبت بر طاعت خدا و برآدن از عمدۀ واجبات خود نسبت به پدر و شوهر و فرزند و اُمت برآید -

از دواج ابوباعلی بن ابی طالب در سال سوم هجری بعد از واقعه اُحد انجام گرفت و بحقیقت وقتی که در تاریخ به مهر و جیز چنین شخصیتی اطلاع حاصل می گردد -

دانسته میشود که در این خاندان عصمت دنیا اصولاً مطرح نموده است و همان معنی واقعی التَّائِيَا مَزْرَعَةَ الْآخِرَةِ دنیا کثیر از آخرت است - و مقصود از دنیا خدائی است که همه نفع آدمی در جهان جاوید باشد -

دو روزی فاطمه الزهرا رضی الله عنهما کنیزهای از بردگان غنیمت آورده اند بخدمت پدر آمد و گفت یا رسول الله شنیدم کنیزهایی از غنیمت عاید مسلمان گردیده است دست من از آس گرفتن و آوردن آزرده است و شبها از کارخانه خسته ام - خواستم کنیزی بمن دهی تا مرا کمک کند -

رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود فرزندم دنیا می گذرد من چند کلمه ای به تو می آموزم که موقع بستر رفتن برای خواب آن کلمات را بگویی تا خستگی تو مرتفع شود قبل از خواب ۳۴ بار اَللّٰهُ اَكْبَرُ ۳۳ بار الْحَمْدُ لِلّٰهِ ۳۳ بار سُبْحَانَ اللّٰهِ بگویی تا خستگی مرتفع گردد - رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم میفرماید منزل فرزندش مانند منزل خودش باشد و کار در خانه و طاعت خدا و

نوشنودی از زندگی همراه باشد و گرنه چه کسی می توانست با آن جسم نحیف و آنمه کار و آنمه طاعت که پیشه آن خاندان عصمت و طهارت بود انجام دهد برای کسی که نیکوخواهند فرزندان شان فرزندی باشند راه همین است که کار مایه سعادت است - و سختی و وقتی که با عرت همراه باشد نیک بختی با است -

فاطمه الزهرا رضی الله عنها از علی بن ابی طالب دارای دو پسر و دو دختر شد حسن و حسین و زینب کبری و ام کلثوم کبری رضی الله عنهم -

زینب کبری همسر عبد الله بن جعفر بن ابی طالب رضی الله عنها و از او دارای دو فرزند بنام علی و عون - عون بن عبد الله از صلحاء بلند نام است که هر دیوانه ای از نفس او بهوش می آید - و مثل معروف: **عَوْنٌ لِلْجَائِئِينَ مِمَّنْ لِعَوْنٍ إِذَا جُنَّتْ** - و ام کلثوم کبری همسر عمر بن الخطاب رضی الله عنها گردید و از او دارای دو فرزند شد زید و فاطمه شد و بعد از شهادت عمر همسر عون بن جعفر گردید -

امام حسن و امام حسین رضی الله عنهما در ترجمه ای جداگانه یاد شوند -

در سیرت مطهره فاطمه الزهرا رضی الله عنها کتابها تصنیف گردیده است - و در اینجا مقصود اشاره ای به ترجمه مبارکه ایشان بود -

از عائشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم در موقع بیماریش آهسته سخنی به فاطمه گفت فاطمه گریست و بعد سخن دیگری به فاطمه گفت فاطمه از آن سخن شاد شد - من از فاطمه پرسیدم رسول الله چه فرمود فاطمه گفت هرگز رسول الله را فاش نکنم بعد از وفات رسول الله از او پرسیدم گفت اول اظهار فرمود که من در این بیماری رحلت کنم و این بود که نتوانستم خود را از گریه

باز دارم و در سخن بعدی فرمود که من به زودی به اومی رسم و از این سخن شاد شدم و فرمود
آیا خوشنود نیستی که سیده ناز العالمین باشی.

و عن عائشة رضی اللہ عنہا قالت کن ازواج النبی صلی اللہ علیہ وسلم عندہ

فأقبلت فاطمة رضی اللہ عنہا تمشی ما تخطی مشیتها من مشیة رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
شیئاً فلما دأها رجب بما دأها قال مرحباً یا بنتی ثم اجلسما عن یمینہ أوعن شمالہ ثم
سارھا فبکت بکاء شدیداً فلما رأى جزعھا سارھا الثانية فضحکت فقلت لها خصک
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم من بین نسائہ بالسرا و ثم رأیت تبکین فلما قام رسول
اللہ صلی اللہ علیہ وسلم سألتھا ما قال لك رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قالت ما كنت
لأفشی علی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ثم فلما توفی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
قلت عزمت علیک من الحق لما حدثتني ما قال لك رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فقالت
أما الآن فعم أما حين سارني في المرة الأولى فاخبرني أن جبريل عليه السلام كان يعارضه
القران في كل سنة مرة أو مرتين وأنته عارضه الآن مرتين واتي لأمری الأجل الا قد
اقترب فالتقى اللہ واصبري فإنته نعد السلف أنا لك فبکیت بکائی الذی رأیت فلما
رأى جزعی سارني الثانية فقال يا فاطمة أما ترضين أن تكوني سيدة نساء المؤمنين
أو سيدة نساء هذه الأمة فضحکت ضحکی الذی رأیت.

أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

(متفق عليه وهذا اللفظ مسلم)

عائشه گوید زنان پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم نزد او بودند که فاطمه آمد راه رفتنش
همانند راه رفتن رسول اللہ بود رسول اللہ او را خوش آمدگفت و به دست راست
خود نشاند و آهسته سخن به وی گفت فاطمه زیادتر گریست و بی تابی کرد رسول اللہ

کہ بی تابی اور دید بار دیگر آہستہ سخنی بوی گفت، فاطمہ رضی اللہ عنہا شادمان شد بہ فاطمہ گفتم رسول اللہ تو را بہ سخن اختصاص میدہد و میگربی۔ رسول اللہ کہ برخاست از فاطمہ پرسیدم کہ رسول اللہ بہ تو چہ فرمود فاطمہ رضی اللہ عنہا گفت ہچگاہ ستر رسول اللہ را فاش نخواہم پس از رحلت رسول اللہ از فاطمہ خواستم تا آن سخن رسول اللہ بہ من بازگوید گفت حالامی گویم بار اول رسول اللہ فرمود کہ جبریل سالی یکبار با من مدارسہ قرآن می نموده است و اسال دو بار مدارسہ قرآن نموده است۔ گمان میکنم رحلت من نزدیک است تقوی و پرهیزگاری ہمیشہ ہمراہ تو باشد و شکیبائی پیشہ کن کہ خوب پیشروی ہستم من برای تو این بود کہ من گریتم و بی تابی نمودم بار دوم من فرمود کہ خوشنودن میگردی کہ بی بی زمان با ایمان باشی و دانستم کہ من بہ او بزودی میرسم۔ این بود کہ شادمان شدم و خندیدم۔

وعن علی رضی اللہ عنہ ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قال لہ و لفاطمہ رضی اللہ عنہما اذا اوتیتا الی فراشكما او اذا اخذتما مضاجعكما فکبرا ثلاثا وثلاثین و سبحا ثلاثا وثلاثین و احمدا ثلاثا و ثلاثین و فی روایة التکبیر اربعاً و ثلاثین۔

أو كما قال (عليه الصلاة والسلام) (متفق عليه)

چنانکہ یاد شد رسول اللہ بہ فاطمہ الزہراء و شوہرش علی بن ابی طالب فرمود ہنگامیکہ بہ بستر رفتید ۳۳ بار اللہ اکبر ۳۳ بار سبحان اللہ ۳۳ بار الحمد للہ بگوئید در بعضی روایات اللہ اکبر ۳۴ بار و در بعضی روایات الحمد للہ ۳۴ بار و ترتیب آن اول ۳۳ اللہ اکبر دگر ۳۳ سبحان اللہ دگر ۳۳ الحمد للہ۔ رسول اللہ این را بہ فاطمہ فرمود تا مایہ رفع خستگی او باشد و بہ علی بن ابی طالب ہم

فرمود و از علی رضی الله عنه روایت است که از آن به بعد هیچگاه این کلمات را فراموش ننموده
 و باقی این حدیث میرساند که موقعیکه فاطمه رضی الله عنها برای درخواست کنیزی برای مددگاری
 خود بمنزل رسول رفت رسول الله حاضر نبود - موقعیکه رسول الله عائشه او را از آمدن فاطمه
 باخبر کرد رسول الله بمنزل فاطمه شتافت موقعی بنزد فاطمه رسید که با علی بن ابی
 طالب بریستر خواب بودند خواهشمند بلند شوند فرمود جای خودتان باشید - سبب
 آمدن فاطمه را پرسید و موقعیکه فاطمه الزهرا رضی الله عنها درخواست خود را عرضه کرد
 حدیث فوق را فرمود:

رحلت زهرا رضی الله عنها در سوم رمضان سال یازدهم هجری و شش ماه بعد
 از رحلت رسول الله است -

رضی الله عنانی الاولین و رضی الله عنانی الاخرین و جازاها خیر ما استحق سیدة
 نساء العالمین و قل الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی - اللهم یا مقلب القلوب ثبت قلبنا
 علی دینک اللهم یا مصرف القلوب صرف قلوبنا الی طاعتک .

خدا ایما ما را از آرزویگان بر شمار و از سعادت مقبولین در گاهت قرار ده مردگان
 ما به رحمت شاد کن و ز زنگان ما به خوشی دنیا و آخرت آباد کن .

پروردگارا کفهای نیاز بدرگاه بی نیازیت برافراشته ایم و دلها به امید
 رحمت و داداشته ایم یقین می دانیم که حکمت در آن است که تو اصلاح ما بدانی .

افزودید کار اجابت ما بنحیر گردان اسلام را غرق ده تا به صفای تختین خود باز
 گرد و دو مسلمین را بصیرتی ده تا بدستی بدین خود رو آورند .

بیاد الهی اگر اراده فرمائی مانعی برای اراده تونست و اگر عطائی بردها ارزانی

داری منعی بر عطای تو نیست - آنچه عطا فرمودی در طاعتت مصروف دار و با
برکت همراه ساز.

بِسْمِ اللَّهِ أُولَى الْأَمْرِ دَسْرُورَانِ وَبِزُرْكَانِ مَا رَامُوا رِعْنَانِيَّتْ قَرَارِدَه تَا مَجْرِي
حق و عدالت گردند و خرد و بزرگ ما از آزاد شدگان از آتش و از آمرزیدگان مورد
رحمت و مهر قرارده.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۳۸ - إمام حسن مجتبی

مختصری از سیرت ایشان - مقام بزرگ ایشان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِّ الْحَمْدُ

لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰی

سختن بن علی بن ابی طالب پسر دختر پینمبر خدا و ریچانه رسول اللہ فرزند فاطمه سیدة العالمین . در پانزدهم ماه رمضان سال سوم هجری متولد گردید . بعد از شهادت پدرش علی بن ابی طالب کرم اللہ وجہہ قریب هفت ماه در حجاز و مین و عراق و خراسان و غیره خلیفه بود . و با این حال بارها از مدینه با پای پیاده بہ مکہ مکررہ برای حج مشرف شد .

در ہیئت و صورت از ہمہ شبیہ تر بر رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبہ وسلم بود . در کرم و بخشایش از بخشنندگان بلند نام اسلام است . چند بار تمہہ ہستی خود را در راه خدا تعالی صدقہ نمود . و چندین بار نصف مال خود را بہ صدقہ داد . و در موقع نصف کردن مال خود . حتی از جفت نعلین یک تاک آن را صدقہ می نمود . موقعیکہ با پای پیاده بہ حج میرفت میگفت از خدا می آورم کہ او را دیدار کنم و پیادہ بہ حج خانہ او نرفتمہ باشم .

در بُرداری و دلاوری ضرب المثل است - ابو بکر صدیق همیشه میگفت: اُرْقُبُوا
 مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ - بخاطر آورده حضرت محمد را در بزرگداشت
 آل بیت او -

ابو بکر و عمر و عثمان حسنین را بر فرزندان خود ترجیح میدادند -
 علی بن ابی طالب حسنین را بر دیگر فرزندان خود ترجیح میداد - و موقعیکه به او گفته
 میشد که محمد بن اکنخفیه را در موقع پرخطر بمیدان فرستی و حسنین را به خطر نمی اندازی
 میفرمود حسنین دو چشم من هستند و برادرشان محمد بن اکنخفیه دو دست من میباشد -
 به دو دست خود دو چشم خود را نهمیدارم -

در موقعیکه علیه عثمان شورش شد حسن بن علی از جمله مدافعین از عثمان بود و حضرت
 رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم نسبت به حسنین میفرمود: همارا یحانثای من
 الدنیا این دور یحان و بو خوشی من هستند - و در بخاری و مسلم از برار روایت
 است - گفت:

رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالْحَسَنَ عَلِيًّا
 عَاقِبَتَهُ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْبَبُهُ فَأَحْبَبْهُ (أو كما قال (عليه الصلاة والسلام))

دیدم رسول اللہ که حسن را بر دوش خود نموده و میگفت خدایا من او را دوست
 میدارم تو او را دوست بدار و در صحیح بخاری از خدنگزار پیغمبر یعنی انس
 روایت است که گفت: لم یکن أحدًا أشبه بالنبی صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ
 وسلم من الحسن بن علی رضی اللہ عنہما - نبود کسیکه از حسن بن علی بیشتر شباهت به
 پیغمبر داشته باشد -

در زهد و ترک دنیا شهرت او کافی است - و از ورع و پرهیزگاری او بود که دست از خلافت کشید و به معاویه وا گذاشت - به این شرط که بعد از معاویه خودش خلیفه باشد - و این در موقعی که بود که دیدش از چهل هزار تن با او بیعت کرده و آماده کارزار هستند - و دید که همراه معاویه هم سپاهی گران است - و در نبرد جز نابودی یکی از دو طرف و یا هر دو طرف نتیجه دیگر نیست - این بود که بصلاح مسلمین دانست که دست از خلافت بکشد - و حدیثی که مجزئه نوی بود بطور پیوسته -

حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم در باره حسن فرمود:

إِنَّ ابْنِي هَذَا اسْتَدِ بِصَلْحِ اللَّهِ بَيْنَ فِئَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ
 این پسر من آغای است که خداوند برکت او میان دو گروه بزرگ از مسلمانان
 اصلاح فرماید - و این صلح در بیت و پنجم ربیع الاول سال چهل و یک هجری
 اتفاق افتاد - (أو كما قال) (عليه الصلاة والسلام)

و در روایت ترمذی از ابی سعید خدری است که رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ
 وصحبہ وسلم فرمود: الْحَنُّ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ
 آغای جوانان بهشت اند - (أو كما قال) (عليه الصلاة والسلام)

مناقب ایشان بسیار اند - در روز هفتم ولادتش حضرت رسول اللہ صلی
 اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم او را بنام حسن نامید - موی سر او را سترو و هموزن موی او
 نقره صدقه نمود - و عقیقه او ذبح نمود و کنیه او ابو محمد گذارد - حسن بن علی در سال چهل و
 نهم هجری در ماه ربیع الاول وفات یافت - مدفن او در مدینه منوره در بقیع می باشد -

رضی الله عنه فی الاولین ورضی الله عنه فی الاخرین وجزاءه خیر ما جازا ال بیت

نَبِيهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. ﴿۱۷﴾ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّمَّا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۷﴾ النساء - ۱۷

در حقیقت توبه ای که خدای توانا بر خود نوشته است قبول کردن آن توبه کفایت است که کار بدی را از روی نادانی کرده اند و بزودی بخود می آیند و توبه می کنند و دیگر گردن کار نمی گردند. اینان کسانی هستند که خداوند قبول توبه شان می فرماید. و خداوند دانا است و پُر حکمت. میدانند چه کسی از روی توبه مینماید.

﴿وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ﴾ النساء - ۱۸

و نیست توبه برای مردیکه ادامه بکارهای بد می دهد تا موقعیکه مرگ به بالین یکی از ایشان رسیده میگویند. محققاً من حالا توبه نمودم توبه در وقت مرگ چه نتیجه ای دارد. توبه موقعی خوب است که در حیات باشد و جلو بدیها را بگیرد و در حال توانائی که اثر ایمان را آشکار سازد. اما توبه در حال مرگ یقیناً بی نتیجه است. مانند توبه مردی که در حال کفر میزند توبه شان بکاری نیاید.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوَجَّوْا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ ذَبَّكُمُ أَنْ يُكْفَرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ التحمیم - ۸

ای مردیکه ایمان آورده اید رجوع ننمائید بدرگاه خدا تعالی. به توبه نصوح. تا خدای تعالی بدیهای تان را کفاره نماید و شمارا به بهشت همی ببرد که روان است از زیر آن جویهای آب شیرین توبه نصوح یعنی توبه ای که پس از آن بسوی گناه عودت نکند. یکی از

اسباب تاخیر توبه یقین نکردن بر آمدن مرگ است. مثلاً بعضی تصور می کنند که اگر جوان هستند به پیری می رسند و در پیری توبه می کنند. فاضل از اینکه وقتی کسی دنبال معاصی نشست و دیگر معاصی جز عادات او می شود و در پیری ترک آنها دشوارتری گردد. و اگر در پیری گناه گاران توبه ای پیش بیاید توبه ای است که سر مرگ می باشد و بجاری نخواهد آمد و اضافه بر آن مگر همه جوانها به پیری میرسند. چه بسیارند که در عنفوان جوانی از جهان میروند. و آنانی که در پیری باز امروزه فردا می کنند و مرگ را احتمالی بعید میدانند. عذر و حجت خود را از دست داده اند و معلوم است که معصیت اگر چه همه وقت قبیح است. معصیت از پیران قبیح تر خواهد بود. آنوقت توبه تنها در زبان نیست. بلکه با عمل باید همراه باشد اگر کسی مال میتی را خورده است اگر صد سال به زبان بگوید توبه کردم بی نتیجه است. مگر اینکه اول مال میتیم را پس دهد. اگر کسی مال فقیری را بناحق گرفته است شرط قبول توبه او اول رسانیدن حق به ذیحق است.

توبه وقتی صادق است که توبه کار از حقوق مردم بیرون آید. از گذشته خود ندانست حاصل نماید. جلو خود را بگیرد وقت خود را صرف طاعت نماید. طاعت خدا تعالی همیشه آسان است. طاعت هم وقتی که عادت شد روز بروز زیاد می شود. هر پاد خدا طاعت انجام و انقضای دینی طاعت است. هر کار خیری که نفعش ب مردم برسد طاعت است هر حرف خیری که بزند طاعت است. در این موقع خیلی بجا است که همه از صمیم قلب رو بدرگاه خدا آزند و از خدای توانا بخواهند که توفیق دهد. گفتار و کردار خود را برابر رضای خدا قرار دهند

رَوَى مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ : «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ»

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرماید: ای مردم توبه کنید و رجوع بدرگاه
خدا نمائید - زیرا من در حقیقت روزی صد بار توبه مینمایم - چه کسی میتواند بدون توبه
رستگار شود.

آنانیکه در سنین جوانی هستند وقت آن است که در جوانی پایه سعادت خود بریزند
و از جوانی همیشه توبه و انابتشان بدرگاه خدا باشد - زیرا آنانیکه در جوانی خدا تعالی را
فراموش نکنند - در پیری و افتادگی خدا تعالی آنان را فراموش نفرماید و آنانیکه در سنین
کهنوت و یا پیری هستند - لازم است فرصت را از دست ندهند که همیشه فرصت بدست
نمی آید. وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «التَّوْبَةُ النَّصُوحُ النَّدْمُ عَلَى الذَّنْبِ حِينَ
يَفْرُطُ مِنْكَ فَتَسْتَغْفِرِ اللَّهَ ثُمَّ لَا تَعُودُ إِلَيْهِ أَبَدًا» او کما قال علیه الصلاة والسلام توبه نصوح پشیمانی
بر کار بد از دست رفته است که از خدای تو انا طلب آمرزش نمائی و گاهی بسوی گناه رجوع نمائی.

استغفر الله باطناً و ظاهراً - امنت بالله و اليوم الآخر - ۳ بار
خدا اینا بادل شرمسار و زبانی پر استغفار و دست های افرشته باید رحمتت
رو بدرگاهت آورده ایم -

بَرَدْرَدْ گارا در چنین موقعی دشمن ماشیطان را بنومیدی ماشاد
مگردان -

بِأَرِ الْبِئْسَا عَادَتِ تُو همیشه خوبی و احسان است و ما با دست تهمی سوال نیاز خود
بدرگاه تو آورده ایم -

اَحْنِ بِنِيَا از تو خواهیم که آمرزشت را شامل حال فرمائی و از غیر خودت
بی نیاز مان فرمائی و در دو جهان نیک نخت مان فرمائی.

خُذْ أَيْمَانًا دَرَّ أَمْرُ زَنْدِ اَوْلَى الْاَمْرِ وَبِرِّ رِگَانِ وَتَوَانِگِرَانِ وَبِئْنَوَايَانِ وَبِهْمِ اُمَّتِ
مُحَمَّدٍ رَا شَامِلِ گِرْدَانِ -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلِّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبِّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۳۹ - اِمَامِ حُسَيْنِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ

مختصری از سیرت ایشان - مقام ایشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى _____ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

پسر و دختر رسول الله و سید شباب اهل الجنة - مادرش فاطمه سیده ناز العالمین - پدرش علی بن ابی طالب - تولد او در ششم شعبان سال چهارم هجری در مدینه طیبه بود - در روز هفتم میلاد او - بدستور رسول الله نام گذاری او و ذبح عقیقه او و سترون موی سر او و هموزن موی او نقره صدقه دادن انجام گرفت - ایشان پنجمین آل عباد هستند - و ذریه رسول الله از فرزندان حسنین میباشند - ایشان در علم و فضل و در نماز و طاعات و در همه انواع قربات - شهرت ایشان بیش از آن است که تشریح شود -

هر جا از علم و فضل صحبت شود نام ایشان در سر لوحه دانشمندان قرار دارد - و هر گاه از عبادت خدا گفتگو شود نمونه تقوی و پرہیزگاری ایشان هستند - و هر جا از گرم و بخشندگی بحث شود بخشنده ترین افراد عصر خود هستند - و هر جا صحبت از آزادگان شود - ایشان سرور آزادگان هستند - کسیکه از مادری مانند فاطمه و پدری مانند تربیت پدری مانند علی برای او فراهم گردد - و آغوش رسول الله جای او باشد

شایسته است که انسان از شرح اوصاف او سخن کوتاه نماید. واقعه جانگاہ او در دهم محرم
 سال شصت و یکم هجری پیش آمد.

رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فِي الْأَوَّلِينَ وَرَضِيَ اللهُ عَنْهُ فِي الْآخِرِينَ وَجَازَاهُ عَلَى
 خِدْمَتِهِ لِدِينِ اللهِ خَيْرَ مَا جَازَى الشَّهْدَاءَ وَالصَّالِحِينَ .

خداوند ما را در زمره پیروان ایشان تقوی و عمل قرار دهد.

قَالَ اللهُ تَعَالَى ﴿ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِم لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللهِ

إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ﴾ - ۵۳ - الزمر

بگو یا رسول الله- ای بندگان من ای آنانی که زیاده روی نمودید بر خودتان نوید

مشوید از رحمت خدای متعال. زیرا خدای متعال می آمرزد همه گناهان را.

قال أبو جعفر محمد بن علي رضي الله عنهما أرحم آية في كتاب الله ولسوف
 يعطيك ربك فترضى - فلا يرضى محمد صلى الله عليه وسلم وأحد من
 أمته في البتار.

امید بخش ترین آیه در قرآن- آیه ای است که در سوره البقره است. و هر آینه

پروردگارت بخدای عطا تهورساند که خوشنودشوی. خوشنودی رسول در نجات امت

است.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ ! أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي إِذَا ظَنَّ خَيْرًا

أَوْ كَمَا قَالَ (عليه الصلاة والسلام)

فَلَهُ وَإِنْ ظَنَّ شَرًّا فَلَهُ

من نزد گمان بنده ام هستم. اگر گمان نیکو نمود و معتقد شد که نسبت به او

مهربانم و نیکوکار. از من همه مهربانی و احسان به او میرسد. و اگر ظن او بر سخت گیری

من بود به او همان رسد که گمان کرده است.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: لَا أَمْرَ اللَّهُ جَلَّ وَعَلَا يُعْبِدُ إِلَّا النَّارَ فَلَمَّا دَفَعْنَا عَلَى شَعْبِهَا
 الْتَفَتَ. فَقَالَ أَمَا دَأْبُ اللَّهِ يَأْتِي إِنْ كَانَ ظَنِّي بِكَ لِحَسًا. فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رُدُّوهُ أَنَا عِنْدَ حَسَنِ
 ظَنِّي عَبْدِي ۝ (أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)

خدای متعال دستور فرمود بنده ای را به آتش بزند. موقعیکه بر لب آتش رسید روی
 چرخانید. و چون دید که از هیچ طرف امید فریادرسی نیست مگر رو آوردن بخدا. روی
 را بدرگاه خدا آورد و گفت:

خدایا؛ گمان من به تونه این بود. گمان تبوه همیشه خوب بود.

خدای عزوجل امر فرمود تا او را برگردانند و فرمود: من نزد گمان بنده ام هستم.
 خدائی چنین مهربان که در موقع بیکسی بحال بنده میرسد. در موقع بستوه آمدن از سختی
 روی بنده را میگیرید. و وقتیکه بنده از همه جا مایوس شد. نو میدی را به امید
 مبدل میسازد. شدائد را بر طرف مینماید. سختی ها را به آسانی مبدل می سازد.
 انصاف نیست که بنده در برابر نعمتهای او. راه نافرمانی را بگیرد. شاکسته
 نیست که چنین پروردگاری فریادرس را بخشم آورد.

خُدَا اَيَا اَمِيْدَ عَفْوٍ وَ كَذَّبْتَ تُو دَارِكِمِ.

خُدَا اَيَا لِمَا نَ رَحْمَتٍ وَ مَرُو اَمْرَ زَلِّ تُو دَارِكِمِ.

بِرُوْرِدْ دَا كَا زَا پَنَاهِ مِي بَرِيْمِ بَخْشَنُو دِيْتِ اَزْ خَشْمَتِ. وَ پَنَاهِ مِي بَرِيْمِ بَه عَايَةِ

دَاوْتِ اَزْ عَقُوْبَتِ بَتِ.

خُدَا اَيَا اَزْ تُوْمِي خُو اِيْمِ اَسَالِيْشِ دَر دُو جِهَانِ وَ اَزْ تُوْمِي خُو اِيْمِ كِه هِيْچْ كَا هِ بَر

نَدَارِي اَز مَا اِيْمَانِ وَ عِلْمِ رَا.

خُدَايَا التماس ما براین است که بعد از راستی دل ما را به کجی نلشانی -
بَارِ الْهَيَا اَز تَوَلِّمْتِمِمْ که توفیق دهی تا بر آنچه تود دوست داری درضایت دهی رفتار کنیم -
خُدَايَا دَانَسْتِنِی مَارَا وَسِیْلَه وِبَال مَکْرَدَان .

بَارِ الْهَيَا در روز آخر ما را همراه پیغمبران و صدیقان و شهداء و صالحان بگردان .
اَفْرِنْدِ گَارَا در روز بزرگترین ترسها که روز جزا است ما را ایمن بدار .
خُدَايَا روزیکه جزسایه توسایه دگری نیست ما را در سایه خود بدار .
خُدَايَا روزی ما فرما بهشت بدون حساب . و روزی ما فرمانظر بر ذات پر عظمت
تا آخرین روز زندگی ما اولین روز دیدار تو باشد . تو از ما خوشنود باشی و ما را از شدت گاران
گردانی -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبَّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ع-۱۰ آل بیت نبوت

وَجُوبِ مَجْرَتِ شان، لزومِ پیری شان، درود بر ایشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَنْبَغِي لِجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيمِ سُلْطَانِهِ - وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِقْرَارًا بِوَحْدَانِيَّتِهِ فِي أَلُوْهُيَّتِهِ وَرُبُوبِيَّتِهِ وَالتَّمَسُّ بِالْعَظِيمِ فَضْلُهُ وَجَمِيلِ مَغْفَرَتِهِ وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ إِعْتِرَافًا بِالْحَزِيلِ مِنْهُ وَطَلْبًا لِتَوْفِيقِ اتِّبَاعِهِ فِي شَرِيعَتِهِ وَسُنَّتِهِ - اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ مِنْ أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَصْحَابِهِ وَعَقْرَتِهِ وَمَنْ قَامَ بِحِفْظِ دِينِهِ وَتَمَسَّكَ بِحَبْلِ طَرِيقَتِهِ أَمَا بَعْدَ فَإِنِّي أَوْصِيكُمْ وَنَفْسِي أَوْلًا بِتَقْوَى اللَّهِ تَعَالَى وَطَاعَتِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ . الاحزاب - ۳۳

محقق این است که خدا اراده فرمود تا از خاندان نبوت ناپاکیها را دور بردارد. و پاکیزه شان گرداند از خاندان نبوت ناپاکی شرک دور ساخت.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَتَقَلِّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ﴾ الشعراء - ۲۱۹

خدا بالا و زیر شدن تو را در خدا پرستان دید. در تفسیر آن گفته شده است که پدران و اجداد پیغمبر مس در خدا شناسی بر موشن صحیح بوده اند خدا ناپاکیهای جاہلیت

را از خاندان نبوت دور ساخت - رسول الله فرمود در تمام نسب ناپاکی و خروج از نکاح صحیح پیش نیامده است -

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ تَقْلِينَ أُولَهُمَا كِتَابَ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالتَّوْرُوهُ وَحَبْلِ اللَّهِ مَنِ اتَّبَعَهُ كَانَتْ عَلَى الْهُدَى وَمَنْ تَرَكَهُ كَانَ عَلَى ضَلَالَةٍ فَتَذَوُّوا بَكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ فَتَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَغَبَ فِيهِ شَمَّ قَالَ وَاهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي (رواه مسلم في صحيحه) (او كما قال (عليه الصلاة والسلام))

رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود بعد از خودم دو چیز که حقشان سنگین است در شما باقی گذارم یکم کتاب خدا قرآن است که راه راست و روشنائی در آن است و آن ریسمان خداوندی است که هر کس آن را پیروی کرد راه راست یافت - و سیکه قرآن را ترک کرد به گمراهی افتاده است - پس از آن فرمود اهل بیت من خدا را بی شامی آورم در باره اهل بیتم خدا را بیاد شامی آورم در باره اهل بیتم -

در خصوص اهل بیت زید بن ارقم را وی این حدیث میگوید زنان بنمیر از اهل بیت او هستند و اهل بیت آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس هستند - و معلوم است که این چهار از بنی هاشم می باشند -

قسمتی از علماء بنی هاشم و بنی مطلب را اهل بیت می دانند که مقصود از اهل بیت کافی هستند که صدقه بر آنها حرام گردید -

و در فرموده رسول الله **بِخَنٍّ وَبَنِي الْمُطَّلِبِ شَحْمٌ وَاحِدٌ** ما بنی هاشم و بنی مطلب یکی هستیم - مطلب برادر شقیق هاشم است -

دستی از علماء مانند امام نووی هر مؤمن پرستیزگاری را آل محمد دانسته اند. اما هرگاه مقصود از اهل بیت آنانی باشند که صدقه برایشان حرام شد. همانا بنی هاشم و بنی مطلبند.

و هرگاه مقصود کسانی باشند که نسب رسول الله بوسیله ایشان امتداد دارد همانا فرزندان فاطمه الزهرا رضی الله عنهما می باشند. و آنچه از سیرت یاران کبار دانسته شده است.

در اهل بیت: بنی هاشم و بنی مطلب و علی مخصوص فرزندان فاطمه اند.
قال أبو بكر الصديق رضي الله عنه أُرِيبُوا مُحَمَّدًا صلوات الله عليه وسلم في

أهل بيته - رواه البخاري

احترام رسول الله را در نگهداری و احترام اهل بیت او قرار دهید. از گفته های زید بن زین العابدین است. رضی الله عنهما: ينبغي لمن اخذ برسول الله صلوات الله عليه وآله و صحبه وسلم: أَنْ يُعْطِيَ بِهِ شَائِبَةً است برای کسی که نیکه اتصال نسب بر رسول الله دارند آنکه در سیرت او پیش قدم باشند بزرگی نسب را به بزرگواری پرستیزگاری تقوی پیوندند و کرامت اهل را به رفعت علم بیاریند تا میراث خود را حفظ کنند و چراغ نبوت را از روشنائی علم در نوادگانش پرفروغ گردانند.

قال الله تعالى ﴿ وَطَعْمُونَ الطَّعَامِ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيًّا ﴾ الإنسان - ۸
و میدهند خوراک در حال حاجت داشتن به آن و دوست داشتنش به مسکین و یتیم و اسیب. در تفسیر این آیه گفته شده است.

فاطمه الزهرا رضی الله عنها بطور آن روز را به مسکین سپرد فردایش روزه گرفتند.

موقع افطار که شد یعنی بر در خانه آمد و از بینوائی خود نالید فاطمة الزهرا رضی الله عنها فطور آن روز را هم به یتیم سپرد و فردایش روزه گرفتند. باز موقع افطار اسیری آمد و از ناتوانی خود و گرسنگیش نالید فاطمة الزهرا رضی الله عنها فطور آن روز را هم به اسیر سپرد و سه روز به گرسنگی به سر آوردند.

در سیرت آل بیت نبوت و در شرح حال یاران پیغمبر در یک و یا چند جلد بحال شرط و بسط کفایت نمیدهد محی پردازیم به فضیلت درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم که شبهای جمعه و روز جمعه صلوات موکد تراست.

قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ .
الأحزاب - ٥٦

محققاً خدا و فرشتگان درود می فرستند بر پیغمبر ای مردم سیکه ایمان آورده اید درود و سلام بر او فرستید سیکه خدا و فرشتگان بر او درود می فرستند. معلوم است که درود فرستادن ما برای سعادت خودمان است.

عن عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما انهما سمعا رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من صلى علي صلوة صلى الله عليه بها عشرا؟ أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)
رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم فرمود سیکه یک بار من درود فرستد خداده بار بر او درود فرستد.

وعن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال «أولى الناس بي يوم القيامة أكثرهم علي صلوة» أو كما قال (عليه الصلاة والسلام)
رسول الله فرمود: نزد کثیرین مردم من در روز قیامت بیشترین شان درود فرستادن

برمن استند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: ﴿إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَالْتَمَسُوا عَلِيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ قَالَوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ نَعْرِضُ صَلَاتَنَا عَلَيْكَ وَقَدْ أَرَمْتَ - قَالَ يَقُولُ بَلِيَّت - قَالَ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ اجْتِسَادَ الْأَنْبِيَاءِ...﴾ (رواه البوداؤد باسناد صحيح)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود از بهترین روزهای تان روز جمعه است در روز جمعه بسیار درود بر من فرستید که درود فرستادن تان در روز جمعه بر من عرفه میشود. گفتند چگونه درود ما بر تو عرفه شود در حالی که جد شریف تو در قبر می پوشد. فرمود خداوند حرام ساخت بر زمین جد انبیاء را. جسم مبارک پیغمبر ان همچو گاه نمی پوشد.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: ﴿عَمَّ أَنْفِ رَجُلٍ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يَصِلْ عَلَيَّ﴾ (رواه الترمذی وقال صدیق حسن)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود: بخاک آید بینی کسی که نام من نزد او برده شد و درود بر من نفرستاد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: ﴿لَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عَيْدًا أَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ...﴾ (رواه البوداؤد باسناد صحيح)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: قبر مرا مانند عید قرار ندهید که فقط آنجا برای درود جمع شوید و درود فرستادن تان بر من فقط موتقی باشد که نزد قبر من آید بلکه درود بر من بفرستید هر جا که باشید زیرا درود فرستادن شما بر من میرسد هر جا که باشید. در هر جای پاک جای درود فرستادن بر پیغمبر است در خانه در راه در

بازار در محل کار که زبان می‌تواند به صلوات مشغول شود.

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّىٰ أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ » (أو كما قال) (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم فرمود کسی که سلام بر من بگوید خدا روح مرا بر گرداند تا جواب سلام او گویم.

« أَوْعَنَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : الْبَخِيلُ مَنْ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يَصِلْ عَلَيَّ » (أو كما قال) (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: بخیل در حقیقت کسی است که تمام من نزد او برده شود و درود بر من نفرستد. کسی که بداند بایک بار درود فرستادنش خداده بار بر او درود فرستد و با سلام گفتنش رسول الله جواب سلامش گوید باز درود نفرستد در حقیقت نسبت بخودش بخیل و زریده است.

« وَعَنْ فَضَالَةَ بْنِ عَبْدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَدْعُو فِي صَلَاتِهِ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَجَلٌ هَذَا تُمْ دَعَاهُ فَقَالَ لَهُ - أَوْ لغيره إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِتَعْمِيدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصَلِّ عَلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ يَدْعُو بِمَا يَشَاءُ » (أو كما قال) (عليه الصلاة والسلام)

رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم شنید مردی را که دعا میکرد در نمازش اما در دعایش نه شای پروردگار گفت. دنه درود بر رسول الله فرستاد رسول الله فرمود این مرد شتاب کرد آنگاه او را صدا زد و به او یاب و دیگری فرمود هر گاه یکی از شما خواست دعا

کند ابتدا استایش پروردگار سبحانه و تعالی بگوید. در درود و سلام بر رسول الله فرستد. پس از آن دعا کند و بخواند از خدا آنچه میخواهد. دعا باید آغازش استایش و ثنای خدا باشد درود و سلام بر پیغمبر خدا باشد و در حال دعا از آغاز و وسط و آخر آن. ثنای خدا و درود بر رسول خدا تکرار شود و آنگاه دعاهم طوری باشد که رضای خدا و پیغمبر بهمه آورده دعای سعادت و نیک بختی باشد. دعای توفیق در کارهای خیر و یافتن عاقبت خیر باشد دعای برکت در نفس و مال و فرزند و بستگان باشد.

و عن أبي محمد كعب بن عجرة رضى الله عنه قال خرج علينا النبي صلى الله عليه وسلم فقلنا يا رسول الله قد علمنا كيف نسلم عليك فكيف نصل عليك قال قولوا اللهم صل على محمد و على آل محمد كما صليت على آل إبراهيم أنك حميد حميد اللهم بارك على محمد و آل محمد كما باركت على آل إبراهيم أنك حميد حميد - (متفق عليه)

گفتیم یا رسول الله دانسته ایم چگونه سلام بر تو فرستیم درود چگونه بر تو فرستیم فرمود بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ خدایا درود فرست بر محمد و خویشان و پیروانش چنانکه درود فرستادی بر ابراهیم و خویشان و پیروان ابراهیم محققاً تو ای خدا نزد همه کائنات ستوده شده و تعظیم گشته ای. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ و برکت بینداز بر محمد و خویشان و پیروانش چنانکه برکت انداختی بر ابراهیم و خویشان و پیروانش. محققاً تو ای خدا نزد همه کائنات ستوده شده و تعظیم گشته ای.

و عن أبي مسعود البدری رضى الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله و صحبه و سلم

((قولوا اللهم صلِّ على محمد وعلى آل محمد كما صليت على ابراهيم - وبارك على محمد وعلى آل محمد
كما باركت على ابراهيم أنك حميدٌ مجيدٌ - والسلام كما قد علمتم)) (رواه مسلم)

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم نزد ما آمد - بشیر بن سعد از رسول پرسید
که پیامبر شد که بر تو درود فرستیم - چگونه درود فرستیم - رسول الله خاموش ماند بجائی که گفتیم
کاش در این موقع از او نمی پرسیدیم پس از آن فرمود بگوئید:

((اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ))

خدا یا درود بفرستید بر رسول الله و بر خویشان و پیروان چنانکه درود فرستادی
بر ابراهیم -

((وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ أَنْكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ))
و برکت بینداز بر محمد و بر خویشان و بر پیروانش چنانکه بر ابراهیم کنی بر ابراهیم محققاً تو ای
خدا ستوده شده و بزرگداشت گردیده همه کائنات هستی -

وَعَنْ أَبِي حَمِيدٍ السَّاعِدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ « قَالَ لَوْ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نَضَلِّي
عَلَيْكَ - قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ
كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ » متفقاً عليه

بگوئید: خدا یا درود فرست بر محمد و همسرانش و فرزندان و نوادگانش آنچنانکه درود
فرستادی بر ابراهیم محققاً تو همیشه ستوده شده و تعظیم شده هستی در احادیث
چنانکه یاد شد - كما صليت على آل ابراهيم - كما باركت على آل ابراهيم - آمده
است - و كما صليت على ابراهيم - و كما باركت على ابراهيم - آمده است - و
كما صليت على ابراهيم وعلى آل ابراهيم و باركت على ابراهيم وعلى آل ابراهيم هم آمده

است . اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ آءَمَدَةُ اسْتِ . وَفِي الْعَالَمِيْنَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ هَمْ آءَمَدَةُ اسْتِ .
 اَمَّا بِهٖ اِيْنَ تَرْبِيَّتِيْ كَمَا دَرَايَجَا يَادُوْشُدُ مُوَاَفِقُ اَصْحٰ رَوَايَاتِ اسْتِ . وَمِيْرَسَانْدُ كَمَا سَلَامُ بَرَّالِ پَنجْمِيْر
 بَرَّابَرِ سَلَامُ بَرَّابَرِ اِيْمِ اسْتِ . وَآمَّا صَلَوَاتُ وَسَلَامُ بَرَّابَرِ اِيْمِ بَا صَلَوَاتُ وَسَلَامُ بَرَّابَرِ اِيْمِ مَوْرُو
 مُقَابِلَةُ نِيْسِتِ . وَكَلِمَةُ اَلِ چنانكہ يادشُد . شَالِ اہل بَيْتِ . اَز مَسْرَانِ وَفَرْزَنْدَانِ
 حَضْرَتِ وَنَوَادِگَانِ شَانِ وَنَمُوْزَادِگَانِ شَانِ كَمَا صَدَقَ بَرَّالِ شَانِ اسْتِ وَهَر مَوْمِنِ پَر نِيْزِ گَارِي
 مِيْشُوْدُ وَكَلِمَةُ ذَرِيَّةِ اَخْتِصَاصِ بِيْ فَرْزَنْدَانِ وَفَرْزَنْدَاگَانِ حَضْرَتِ دَارُوْ شَالِ
 غَيْرِ اِيْ شَانِ سَخُو اَبُو دُو .

(اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَآلِ بَيْتِهِ وَاصْحَابِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى اِبْرَاهِيْمَ وَبَارِكْ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَآلِ بَيْتِهِ وَاصْحَابِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى اِبْرَاهِيْمَ وَآلِ اِبْرَاهِيْمَ فِي الْعَالَمِيْنَ
 اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ)

خُدَايَا بِنَا تَوْفِيْقِيْ عِنَايَتِ فَرَمَاتَا پِيْرُو وَاَقْعِيْ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ مُصْطَفٰ بَاشِيْمُ . سِيْرَتِ اُو
 رَا زَنْدِه كُنِيْمُ شَرِيْعَتِ اُو رَا اَجْرَا كُنِيْمُ . سُنَّتِ اُو رَا اَحْيَا رِنَا تِيْمُ دِلْمَايِ مَارَا مَوْرُو دُجَلِي
 رَحْمَتِ قَرَارِ دِه تَادَلِ وَزَبَانِ مَا هَمِيْشِه بِيَا دُو وُو دَر رَا ه رَفْضَايِ تُو بَاشُد . دَرُو دُو سَلَامِ
 هَمِيْشِه بَر زَبَانِ نَا جَارِي گَرْدَانِ تَا هَمِيْشِه رَا لِبْطَه مَعْنُوْمِيْ مِيَا نِ مَا وَسُوْر كَانَا تَاتِ صَلَّى اللّٰهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَر قَرَارِ بَاشُد .

بُرُو دُو دُگَارَا جُو اَنَانِ رَا بَر طَاعَتِ بَزْرُگِ فَرَمَا وُ پِيْرَانِ رَا بَر رَا ه رَا اسْتِ
 اِسْتِقَامَتِ دِه تَا هَمِه بَا هَمِ اَز خُرُو دُو بَزْرُگِ اَز سَعْدِ اَر مَقْبُوْلَانِ دَر گَا ه تُو بَا تِيْمُ .

اَفْرِيْدِ گَارَا اَوَّلِيْ اَلْاَمْرَ مَارَا وَسُوْر اَنِ وَبَزْرُگَانِ مَارَا دَر رَا ه اَجْرَا رَحْمَتِ وَعَدَالَتِ وَ
 نَشْرُ تُو اَلِيْمِ اِسْلَامِ مُوَفِقِ گَرْدَانِ بِيْمَارَانِ مَارَا بِيْ هُو دُو خَشِشِ مَگَر مَهَانِ مَارَا هَدَايَتِ عَطَا فَرَمَا

غفلت زدگان را بیدار گردان - موفقان را برکت در طاعتت عنایت دار
فروماندگان را گشایشی عطا فرما - ستم دیدگان را چاره ساز - غمزدگان را شاد گردان
و همه ما را در دو جهان کامیاب و نیک و مسرور فرما -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَكَلَّمَ اللَّهُ نُوْحًا وَعَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلَّى وَالصَّالِحِينَ - سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

۴۱ - یارانِ مغنیه

صفاتِ ایشان - لزوم پیروی ایشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَنْبَغِي لِجَلَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيمِ سُلْطَانِهِ
وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللَّهِ جَاءَ بِالْحَقِّ وَالْهُدَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَلِيهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَسَلَّمَ - وَيَعْدُ
فَإِنِّي أَوْصِيكُمْ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ وَالْعَمَلِ
بِكِتَابِهِ وَسُنَّةِ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى
الْكُفْرَانِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يُبْتَغُونَ فَضْلًا
مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ»

الفتح - ۲۹

محمد رسول الله ز فرستاده برحق خداست. و مرد میکه با او همراهند یاران با
وفای ایشانند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربان بیکدیگرند ایشان را می بینی
در حال رکوع و سجود اما از رکوع و سجود و عبادت شان بهمانا که فضل و برتری و رضوان و
خوشنودی از خدا بچویند نظر بر خلق دارند و نه دین را دکان می پندارند.

سیمای بزرگواری در رویهای شان آشکار است سیمای بزرگواری در رویهای

شان حاله ای از نور بوجود آورده است سیما در روهای شان است نه در پیشانی های شان روی های شان دلیس روح دینداری و آینه خدا شناسی و مهربانی است -

محمد رسول الله - خاص ترین صفات محمد این است که فرستاده خدا است -

بشریت او در رسالت او نمایان است - آثار بزرگی او در تربیت یاران او آشکار است مردمانی که فرشتگانی بر روی زمین بودند در محراب عبادت بر قدم انبیاء و در جادو جان بازاری پیشوایان شهداء در میان یکدیگر نمونه هر درحمت و شفقت آوری بزرگواری در روهای شان آشکار و رکوع و سجود شان همه برای اخلاص عبادت برابر پروردگار -

کسیکه بخواد بداند رضا و خوشنودی از خدای متعال چگونه است - کسیکه بخواد بداند رضا از پروردگار از کجا سرچشمه میگیرد و در احوال محمد رسول الله بیندیشد که موقعیکه شناسائی او بخالق متعال به کمال رسید دانست که خدای متعال مالک است و او را می سازد هر گونه تصرفی که در مخلوق خواهد داد دانست که حکمت در تمام صفت باری متعال مشاهد است - از اینراه خود را تسلیم نمود تسلیم مملوک برای مالک حکیم - این شخصیت که تا سن چهل سالگی نزد همه محترمترین و ابا امانت ترین و راست ترین افراد بود - همه او را از ته دل دوست می داشتند و هیچ موقع از تعظیم و بزرگداشت او فروگذار نبودند همینکه به پیغمبری مبعوث گردید زبانها به پذیرایی چرخید - انسان در نظر خود تجسم نماید که مردی یک تنه در برابر دنیا قیام نمود در روز قیام نه ثروتی با او همراه بود نه قدرتی پشت سر داشت - مشرک را بانگین ترین صورتش نشان میداد اندیشه های مردمی که شعور از دست داده و به بی شعوری رفته اند تحقیر می نمود جز حق مرتجع و توجید فالص و هر چه پیش نهاد می کردند خواری نمی گزافه است خمیر سرشت کسی به عجائب مصائب سرشته میشود کسیکه یتیم بدینا آمد

مادر را در شش سالگی از دست داد و نیای خود را در هشت سالگی از دست داد و چند سالی در قیومیت عموش آمد. از جوانی به کار و کسب پرداخت نه بخاطر اینکه نانی بدست آورد و شکم را میرساند بلکه بخاطر اینکه فقیری را مساعدت نماید مظلومی را از چنگال استمگران رهایی دهد و ضعیفان را مددکار باشد. بیچارگان را دستگیری نماید خسته دلان را در یابد و در روزگاری که جاهلیت مغز و اندیشه مردم را بخود کشیده بود و ضعیف می باید جان سپارد و دست از حقوق بدارد و در چنان دنیایی برای احقاق حق می کوشید.

هنگامیکه میخواست زندگی را رو براه سازد و در خاندانی که سراسر آن مرفه و صفا و خانوادگی در آن بر پایه صدق و وفا بود ندای وحی آسمانی او را از زندگی زمینیان برکنار کرد تا بجای خواب آماده مناجات باشد و بجای کار برای خود رهبری جهانیان عمده دار گردد. ندای *يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ* وی را از بستر راحت دور ساخت.

دب زبانه معجز بیانش به سر مهر بانس گفت: *(ذَهَبَ مَوْسِمُ النَّوْمِ يَا خَدِيجَةُ)* ایمان در حقیقت قوه ای شکست ناپذیر است. خستگی ناپذیر است یک تنه در برابر همه دنیا ایستاد و روزی که عموش از فشار قرشها به ستوه آمده بود و پیشنهاد سازشی با قریش مینمود در پاسخ چنین گفت:

«أَيُّ عَمْرٍو وَاللَّهِ لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسَ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرَ فِي سِمَارِي عَلَى أَنْ أَتْرَكَ هَذَا الْأَمْرَ مَا تَرَكْتُ» (او کما قال (عليه الصلاة والسلام)

اگر خورشید در دست راستم و ماه در دست چپم ننهد مهر و ماه را بمن دهند تا دست از تبلیغ کسبم نخواهم پذیرفت تا جان را بر این راه نهم سیزده سال دشمنی و عداوت و درشتی و بدزبانی از ناخردان را تحمل نمود مصائبی پیش می آمد که کوه را از جای میکند اما او چنان می

نمود که تغییری نیافته است نه به زبان شکایتی نمودند در روی مبارک شان تغییری
 و نمود. سختی با هر روز بیشتر از پیش میشد و یاران با دیدن وضع او بر طاق شان
 می افزودند و از نون او مانعی نمیدیدند چه بارها که پس پای شان از سنگ ناخوردان خونین
 شد. روزی لنگی برگردنش آویختند و آزادی چسپیدند در چهار ابو بکر صدیق رسید
 و آنان را عقب زد و گفت:

(اتَّقَتْلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ) آیایم کشید کسی را که می گوید پروردگار
 من خدای یکتا است. روزی دیگر موقعیکه در برابر کعبه مشرفه در مسجد الحرام سر سجده نهاد
 بود بدستور ابو جهل شکبه مرده شتری بردوش ایشان نهاده و شگافه شد و او هم
 چنان در سجده ماند تا فاطمه با خبر شد و آمد و آنرا از دوش پدر برداشت. در همه
 این جریان و در همه هذیبانی که دشمنانش می نمودند ساکت و صابر و شاکر از پروردگار بود
 و جمله اِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَلَكِنْ يُضَيِّعُنِي مَن بَدَّهَ خُذْهُمُ و در اختیار او هر چه او فرماید کنیم
 همه کار او است روزی از قشار آزار دشمنان بخانه بنام خیرران پناه برد و وقتی به
 طائف برای تبلیغ رفت تا شاید آنجا دلهای آماده برای ایمان بیابد اما آنچنان آذ
 مروان شان و سنگ های خرد سالان شان دل و دست و پای ایشان جریمه داشت
 و موقع مراجعت در جوارگی از کافران بگه مراجعت کرد و همه این احوال بچکس
 از وی شکایتی نه شنید.

موقعیکه ایام حج میشد خود را بر قبائل عرضه میداشت و میگفت چه کسی
 بیاری من می خیزد چه کسی مرا یاری میدهد وقتی که اجازه رحمت یافت و بایاز غار
 ابو بکر صدیق سه روز در غار نهران شدند. برای سرلمی شان جائزه معین شد. در

مدینه از گرسنگی سنگ بر شکم می بست و بایاران خود که همه همانند او از سختی و شدائد
 بهره مند بودند همکاری می نمود چه یاران و خویشانی در برابر دید او شربت شهادت نوشیدند
 که دنیا در برابر آنها نمیتوان ارزش داد. پیشانی شان شکافته و دندان شان شکسته
 شد. عمویش مثله شد. پسرش داده شد که از وی گرفته شد. خود را به حسین و نجوش کرد. از
 ماجرای شان آگهی داده شد. زمانی به عائشه خود را مشغول کرد باز هم به بدگویی عیش
 شان متغص کرده شد در موقعیکه محضره در گفتار و کردار او احاطه داشت و دوست و
 دشمن بر عظمتش متفق میشد در و غلگوییانی مانند سیل و غنسی بمیان آورده شد نمونه
 راستی و مثال صدق را آشکار نمود وی شنید که دشمنان از کلمه ساحر و کذاب اتناع
 نمی نمودند. پس از اینهمه رنج نوبت بیماری فرارسید و چند برابر مردم عادی بیماری
 شان شدت داشت تا اندازه صبر در حالات او هم مشهور باشد آنگاه سختی های تو
 بروی شدت گرفت و شبی که آخرین شبهای حیاتش بود در یاسی غلیظ و زبر آخرین لحظات
 عمر را اعلام میفرمود و دست آخردرد دل شب که به پروردگاری پیوست در حلت
 ینمود روغن نبود تا در چراغ کرده شود و آخرین لحظات حیات روشنائی در خانه باشد
 در تاریکی شب رحلت فرمود. چنین طاقتی هیچگاه مشهود نیفتاد فرشته آن فرد
 ماند و کوه از تحمل آن عاجز گشت.

نوح علیه السلام در موقع بیزاری توانست زبان را از زلفین باز دارد و
 گفت: «أَبِ كَاتِدْرَعَى عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دِيَارًا» نوع - ۲۶

اما محمد رسول الله در سخت ترین موقع فشار دشمنانش فرمود: «إِلَّا اللَّهُ»

أَهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۱۱

موسیٰ علیه السلام همینکه خشم آمد گفت: **إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتِكَ** زبان به اعتراف گشود.

سليمان عليه السلام در دعای خود گفت **لَا تَبْهَتْ بِي مَلَكَ إِلَّا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي** گو سید الانبیاء فرمود: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ جَعَلَ دِرْزَقَ آلِ مُحَمَّدٍ قَوْلًا** خدا یا بگردان روزی محمد و یاران و پیروانش بقدر کفاف.

از ایزراه بزرگان آل و اصحاب او هیچگاه حرم جمع برای جمع کردن نداشتند بلکه جمع مال را وسیله قدرت سلین و صرف آن در طرق خیر و در راههای سر بلندی و سرافرازی امت میدانستند.

قال الله تعالى: **(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ)** محققاً تو یا رسول الله در ای اخلاقی بس بزرگ هستی.

سختی نمی توانستند تو را از هدف مقدس رهبری بشر بسوی نیک بختی بازدارند. دشمنی نمی توانستند دشمنان را از مهر و عطف و الفت محروم گردانند. بعد از فتح خیبر و مکاتبه ملوک از سال ششم هجری به بعد فتحها و پیروزیها از پس یکدیگر می آمدند و مسوولیهای حضرت برای رهبری سلین و هدایت مشرکین می افزود و مال موقعیکه حضرت می رسید و مسجد می نشست و تا دیناری از آن باقی بود بخانه نمی رفت چیزی از حضرت خواسته نشد که بفرماید نه کوشش آن حضرت بر این بود که از مال وسیله رفاه عموم فراهم گرداند. کینه بدل او راه نداشت تصور نمیکنم بتوانیم ایمان ایشان را محسوم کنیم که ما را توانائی آن نیست.

شخصی که تنها بجنگ دنیای شرک برخواست و دنیا را مقهور کرد تا در گدسته های و مناره های مساجد در سراسر شرق تا غرب با او از بلند بگویند **وَاشْهَدُوا أَنَّ مُحَمَّدًا**

رسول الله، اما امروز که دنیای ماده پرستی جاهلیت قرن بیستم را خیلی سخت تر از جاهلیت قبلی ساخته است.

امید داریم مسلمین بتوانند دستورها و فرمایشات ایشان را که مایه سعادت دوجان است بکار بندند و جهانیان را برآن وادارند. زیرا هژده ای متعال ایشان را برحمت جهانیان گردانند و محال است جهان جز در سایه پروری ایشان روی رحمت را ببیند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) (تو را نفرستادیم مگر برای رحمت جهانیان).

ما که هم اکنون خود را مسلمان می نامیم وقتی بحقیقت مسلمان خواهیم بود که به سوی تعالیم عالیه ایشان بازگردیم و احکام ایشان در زندگی خود بکار بندیم و سیرت مطهره ایشان را سرمشق خود گردانیم. چیه قدر فلاسفه بجهان آمده اند و چه بسیار قانون گذاران که خواسته اند رفاه بشر را متضمن شوند. اما چند سالی نگذشته که خود آثارشان از بین رفته اند و نتوانسته اند دنیا را به آخرت ربط دهند و نتوانسته روح و جسم را با هم شاد سازند. اما محمد رسول الله دنیا و آخرت را مربوط ساخت و در دستورهایش شادمانی روح و نشاط جسم هر دو فراموش است و با آن همه نبرد پیگیر و همه جانبه که دشمنان اسلام در پیش گرفته اند نتوانسته در قدرت شگرف و عظیم اسلام رخنه پدید آورند و امروز محنت مسلمانان همانا از خود مسلمانان است و سعادت و ترقی مسلمانان در پیروی از اسلام معنی واقعی آن است.

دینی که تسلیم شدن در برابر خدا و برابری و برادری بندگان در پیشگاه عدالت خدا است و همیشه مانند خورشید پر فروغ و نیرومند و آماده راهنمایی است چه غم دیوار امت

را که دارد چون تو پستیبان چه بیم از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان و باز گفته حکم
 عمر خیام بیاد می آید که گفت :

ده عقل ز نه رواق از بهشت بهشت
 هفت اخترم از شش جبت این نام نوشت
 کز پنج حواس و چهار ارکان و سه روح
 خالق به دو عالم چو تو یک کس نسرت

و یا به گفته بلال حبشی که به زبان حبشی خود در مدح رسول الله میگفت و مغشش چنین

است :

هر جا که ذکر فخر و شرف عاقلان کنند
 ضرب المثل توئی که تو فخر دو عالمی

اگر نخواهیم مدائح رسول الله بر شماریم از شمار بیرون است . کسیکه پیغمبران

اولی العزم نمایندگان و پیروان اویند ما را کجا زبانی که تواند او را وصف گوید :

قال صلّى الله عليه وآله وصحبه وسلم : مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

بِعَشْرَةٍ ؟ كَسِيكُ يَكُ بَارِي مَنْ دَرُودِ فَرَسْتِ خَدَاةِ بَارِ اَوْرَادِ دَرُودِ فَرَسْتِ . او كما قال عليه الصلاة والسلام

و تفسیر آیه : وَدَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ و بالا برویم برای تو یاد تو نام بلندت را بزرگ

افتخار جهانیان منصوب ساختیم . و هر جا خدا یاد شود تو یاد شوی و هر کس که خواهد کلمه توحید
 را قائل شود . گواهی رسالت تو را بآن همراه سازد .

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ كُلِّهِمْ ذِكْرَهُ الَّذِ اَكْرُونَ

وَكُلِّمًا غَفَلَ عَنِ ذِكْرِكَ وَذَكَرَهُ الْعَافِلُونَ فَلَا وَرَبَّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُونَكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ

ثُمَّ لَا يَجِدُ وَافِي أَنفُسِهِمْ حَرْجًا مَّا قَضَيْتُ وَيَسْئَلُوكَ اسْتِغَاثًا ﴿ ٦٥ - النساء

قسم به پروردگارت که ایمان نمی آورند مگر موقعیکه تو را در مسائل خود راوری دهند.
و در دلهای شان از داوری تو هیچگونه خراشی نباشد و تسلیم تو شوند تسلیم کامل کسیکه داوری
رسول الله را نپذیرد از حلیه ایمان بی بهره است -

کسیکه تصور نماید امکان دارد غیر از شریعت او مایه سعادت و دجهان باشد
ایمان ندارد -

کسیکه خود را تسلیم پیغمبر ننماید و نخواهد به دشواری خود گاهی تابع و گاهی ناتباع
باشد ایمان ندارد -

ایمان در پیروی رسول الله است و میزان کمال ایمان در تسلیم محض در برابر
فرمان رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم -

بِهَذَا إِنِّي آفَاز مَارَا بِرِاسْلَامٍ سَاخْتَنَ فِي زَنْدِغِي مَارَا اَزِ پِيرويِ اسْلَامِ شَادِ گِرْدَانِ تَا
در همه کار فرمان پیغمبر را گردن نهیم آنچه او حلال ساخت حلال بدانیم و آنچه او حرام
فرمود حرام شناسیم -

بِحُورِ دَرْدِ گَارَا بِتَوْفِيقِي عِنَايَتِ فَرَا مَكِهْ دَرِ صَدَا صِلَاحِ خُودِ بَرِ اِسْتِغَاثَتِي اخْلَاقِ خُودِ رَا پَاكِنِي
سازیم دلهای خود را از بدبینی و تیره دلی تطهیر نمایم عواقب امور بسنجیم و از مدد هم دیگر
دست نکشیم -

اَفْرِيدِ گَارَا دِلِهَيِ مَارَا بِرِ اسْتِقَامَتِ اَرُو بِمَاسْلَمَانِ مَعُونَتِي عَطْفِ فَرَا مَكِهْ
دل و زبان و گفتار و کردار خود را بر راستی استوار سازیم -

مُخَدَّ اَيَا شَرِّ دَشْمَنَانِ كُوتَاهِ بَدَارِ دُوسَرُو رَانَ رَا تَوْفِيقِي اَجْرَاقِ عِنَايَتِ كُنْ وَ مَسْطَلَانِ

را بشوم باطل برانداز -

ای یزدانِ جوانا اولی الامر مارا پیوسته حامی و مددگار باش تا دین مبین اسلام
و سنت مطهره محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم که بهم منوطنند حامی و نگهبان باشند -
پوَرَدگارا دنیا را در دست ما فرخ گردان و آنرا وسیله سعادت در آخرت

قرار ده -

خدا ایما به تو پناه می بریم از هر تو انگری که باعث طغیان باشد و از هر فقری
که مایه یاس و حرمان گردد و از شر دلی که بر حرام و ادا دارد و از شر زبانی که از یاد تو غفلت
نماید جان و مال و زبان و زندگی و مرگ ما را بارضا و معونتت همراه ساز -

رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَكَلَّمَ اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَي سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ - سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۴۲ - در روزه چقدر حکمت نهفته است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . مَا لِكَ يَوْمَ الدِّينِ .
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ . اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ . صِرَاطَ
الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ »
(سورة الفاتحة)

سرآغاز کلام، و افتتاح قرآن - به سوره مبارکه فاتحه است - در این سوره مبارکه چگونگی
آغاز و فرجام را به ما یاد داد -

در اینجا ابتداء را به نام خدای بخشای شکر بسیار مهربان قرار داد که برکتها همه از
نام اوست و رحمتها همه در یابد او - و بخشایشها همه از ذات او - کسیکه موفق به این شد
که آغاز هر کار را بنام خدا نماید - این توفیقی است بزرگ که مستلزم شکر میباشد - و
ستایشها و شکرها همه شایسته ذات خدای توانائی است که پروردگار جهانیان است -
جهانیان را به مهربانی پایان و رحمت بیکران پرورش داد - و بهمانند که دنیا در همه کارش
حساب است - و برای حساب هم روزی مقرر است که روز شمار است - اگر در این دنیا
از نیروی زبان و قدرت مقام یا قوت کلام تاب و توانی داشته باشیم و بتوانیم
مسائل را به دلخواه خود قرار دهیم - مالک روز شمار آن خدای یکتائی است که هیچ خورد
و بزرگ اعمال را ضائع نخواهد نمود -

شایسته چنین است که از رحمت خدا بطوری برخوردار شویم که در روز شمار از مهر و

رحمتش بهره ور گردیم - رهائی در روز شمار و نجات در یوم الحساب - تنها از طریق استمداد
و استعانه از بزرگواری او است -

مسلمان کسی است که عبودیت و بندگی خود را به خدای یکتا اختصاص دهد - و
هر کویک و مددی که بخواید از او بخواید - بهترین کویکها یافتن راه راست و استقامت
است که آدمی را بهمراهی پیمبران و صدیقان و شهداء و صالحان کشاند -

آنانیکه از همراهی مردان مورد انعام خدا بازماند در راه خشم زدگان و مکرران
افتاده است - خواهش اجابت ما بر این است که ما را مورد انعام و اکرام قرار دهد و
در دوجان نیک نخت و کامیاب گرداند -

اثنب که اولین شب از ماه مبارک صیام است - و بر حسب معمول
همه ساله محصلین دینی مدرسہ علوم دینیہ - برنامه و عطا و ارشاد اجراء مینمایند -
افتتاح این مواخط به سورہ مبارکہ فاتحہ گردید - باشد که برکت این سورہ شامل حال
همه گردد -

قَالَ اللهُ تَعَالَى «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ
وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ
وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللهُ بِكُمُ
الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ ﴿البقرة - ١٨٥﴾

خدای متعال فرمود: ماه رمضان است که قرآن نامه سعادت و نیک نختی
بشرد و آن نازل گردید - تا راهنمایی برای مردم باشد - و از راه راست و جدائی
میان حق و باطل نشانه آشکار باشد - پس آنسیکه در موقع روتیه ماه در محل حاضر

بود. این ماه را روزه گیرد. و کسیکه از شما بیمار و یا مسافر باشد و روزهای
 رمضان بگذرد بیماری و یا مسافرت افطار نماید. لازم است قضای روزه‌های
 افطار شده از غیر رمضان با انجام رسانیدن. اراده‌ی خدای متعال درباره‌ی شما
 به آسانی است. خدا قصد دشواری بر شما ندارد. روزه داری خود ریاضتی است
 که آدمی را با اراده و مصمم بازمی آورد. همین چند ساعت روز که بعنوان روزه از خوراک
 و آب دوری گرفته میشود. مشخص ایمان روزه دار است. روز دار در این ماه مبارک
 از فتار سنگی اطلاع می یابد. و برگر سنگان رحم می آورد. و اگر در زندگی
 اوقاتی را مستلزم تحمل مشقت دید از پای در نیاید. روزه دار از صفائی قلب
 و روشنی ضمیر که مولود سنگی بموقع و یا اراده است مطلع میگردد. دل را بپاید
 خدا روشن می دارد. و بقول سعدی: اندرون از طعام خالی دارد. تا در او نور
 معرفت بینی. تو کجا نور معرفت توانائی دید. که پری از طعام تابینی. دانشمندان
 که اهل تحقیق و تنقیح هستند. نوشته اند که روزه در شفا از بیماریهای بسیاری
 مؤثر است. زوایدی که از پر خوری بوجود آمده است از بین می برد. به بدن فرصت
 می دهد تا نیروی خود را تقویت بخشد. و بهترین نوع روزه داری همین روزه دار
 مطابق دستور دین مبین اسلام است. خدای متعال: روزه داری را پایه تقوی و
 دانست و فرمود:

﴿ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ ﴿ البقرة - ۱۸۳

فرض است بر شما روزه داری چنانکه بر مردم پیش از شما فرض گردید و آن

روزه برای این است که پرهیزگار شوید - در همه حال خدا را حاضر و ناظر اعمال خود بدانید - که اثر روزه موقعی ظاهر میشود که پیشتر خدا ترسی و پرهیزگاری را بسیار آورد - روزه مبارک رمضان بر هر مرد و زن بالغ و عاقل مسلمان فرض گردیده است - زنان قاعده و زائو در موقع قاعدگی و زایمان از روزه داری معذورند و پس از فراغت از قاعدگی و نفاس آن را قضا میروند - مردم بیمار و مسافر در حال بیماری و سفر عذر افطار را دارند - و در صورتیکه توانائی روزه داشته باشند روزه داری شان بهتر از افطار است - زیرا برکتی که در روزه ماه مبارک رمضان است - در قضای آن از روزه های ماههای دیگر نیست - بیماری که بیماری شان علاج ندارد بشمار روزه هائی که بر عذر بیماری افطار کرده اند قضا میروند - مردان و زنان بزرگ سال که بر عذر پیری از روزه داری عاجز باشند - روزه میگیرند و بشب نیت آن می کنند و موقعیکه دیدند نمی توانستند روزه بخورند را به آخر برسانند افطار می کنند و بجای هر روز یک مد یعنی چهار قیاس و نیم گندم میدهند - کودکان از ده سال بالا - واجب پدران و مادران است که آنها را به روزه داری وادارند - ماه رمضان به گواهی یکمرد عادل به ثبوت میرسد - و به کمال شدن شعبان سی روز نیز ماه رمضان به ثبوت میرسد در موقع دیدن ماه رمضان در شب اول سنت است گفتن :

((اللَّهُمَّ أَهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ - هَلَالٌ دُشِدٌ وَخَيْرٌ - رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ))

خدایا این ماه را به ایمنی و ایمان داری و سلمانی و تندرستی برای ما قرار ده

تا آغاز و فرجاش برای ما توفیق و کامیابی باشد - این هلال - ماه یکشنبه بخوشی
ورشد و نیکوکاری است - پروردگار من و تو خدای یکتا است - ارکان روزه
یکم نیت کردن به شب - نیت کردم فردا به روزه باشم روزه ماه مبارک رمضان
اسما للہ تعالیٰ - کسب نیت را به شب فراموش کرد قضای روزه آن روز
لازم است - و بهتر است در شب اول ماه رمضان - قصد روزه داری همه
این ماه نمودن دوم خود داری از خوراک و آب و نزدیکی زن و قی بجز در تمام روز -
که از اذان صبح تا غروب آفتاب بیباید - بهتر است ده دقیقه قبل از اذان
صبح دست از خوراک و آب و مفطرات کشیدن - در شب رمضان سنت
است اندک خوردن - و از عبادت خدای متعال توشه ای برای آخرت
اندوختن - و در روز رمضان کم حفتن و به طاعت خدا و کارهای سودمند پرداختن
و در شب و روز رمضان - نمازها را با جماعت خواندن - کسب تمام شبهای
رمضان نماز مغرب و عشاء و صبح را با جماعت خواند - فضیلت سبب القدر را
دریافته است - در تمام روز رمضان از مفطرات دوری بستن از خوراک
و آب و نزدیکی ^{زن} و قی عمد دور بودن - از دروغ و کینه و خیر چینی و غیبت و بهتان و
آزردن مردم پرهیز نمودن - و از یاد خدا و بذل و عطاء در راه خدا و بدست آوردن
دل یتیمان و بیوه زنان و ضعفاء و مستمندان راه سعادت برائے خود کشودن -
هر نوع کومک به افتادگان - دست آوردن در راه بیچارگان - و انجام حاجتهای
فرو ماندگان از بهترین طاعت است - زبان را به ذکر و تلاوت قرآن و استغفار
و صلوات بر پیغمبر و داشتن از اسباب قبول روزه داری است - در

غروب - همینکه آفتاب غروب نمود و غروب آن محقق شد - شما بیدن با نفا
از سنتهای مؤکده است -

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ: لَا يَزَالُ
النَّاسُ يَخِيرُ مَا عَجَلُوا الْفِطْرَ وَآخَرُوا الشُّجُورَ»

روی مردم بخیر است مادامیکه افطار را بمجرّد غروب انجام دهند و
سجّور را بدنبال اندازند بطوریکه میان فراغت از سحور و اذان صبح بیش از ده دقیقه
نماند در موقع افطار گفتن:

«اللَّهُمَّ لَكَ صُمتٌ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ ذَهَبَ الطَّمَأُ
وَابْتَلَّتِ الحُرُوفُ وَثَبَتَ الأَجْرَانُ شَاءَ اللهُ تَعَالَى»

سنت است و معنی آن چنین است: خدایا برای تو روزه گرفتم و به روزی تو
افطار نمودم تشنگی رفت و در کلماتش و ثواب روزه ثابت شد بخواست
خدا تعالی - به ساعت غروب کوک: اذان صبح ساعت و دقیقه است
اذان ظهر ساعت و دقیقه است - و اذان عصر ساعت و دقیقه است
به ساعت زوال یعنی ظهر کوک: اذان صبح ساعت و دقیقه است
اذان ظهر ساعت و دقیقه است - و اذان عصر ساعت و دقیقه است
موقع امساک به ساعت غروب کوک - ساعت و دقیقه است

و به ساعت ظهر کوک ساعت و دقیقه است - آنها بیکه از نعمت صحت
برخوردارند از ادای روزه فروگذاری نکنند که این خود شکر تندرستی است - و از عیادت
بیماران و کمک آنان غفلت نکنند که این خود ذکات تندرستی است - در شب

و روز این ماه مبارک - حتی لحظه را غنیمت بشمارید - که زندگی در حقیقت نخطاتی
 بیش نیست - آدمی که بابدنی برهنه و دستپا تهی و ناتوانی کامل بدنیامی آید و
 باز هم بابدنی برهنه و دستپا تهی و ناتوانی رقت آوری از جهان می رود شبانه است
 که در میان این دو حالت - از فرجام کار خود غافل نماند - و برای روزی که اجاراً
 چشم از همه چیز و همه کس می پوشد توشه ای بیند و زود - و نام نیکی بیادگار
 گذارد - و رضای خدای متعال را سر مشق زندگی خود قرار دهد -

قَالَ رَسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ: لَا تَزُولُ قَدَمَا
 عَبْدِي حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ، فِيمَ أَفْنَاهُ، وَعَنْ جَسَدِهِ، فِيمَ
 أَبْلَاهُ، وَعَنْ عَلَيْهِ، فِيمَ عَمِلَ بِهِ، وَعَنْ مَالِهِ، مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ، وَفِيمَ
 أَنْفَقَهُ. - رواه الترمذی -

در روز قیامت - دو پای هیچ بنده از جای خود حرکت نخواهد کرد تا آنکه
 از چهار چیز پرسیده شود - از عمر خود - که در چه راهی بکار برد - و از اموالش
 که از چه راه بدست آورد و در چه راهی مصرف نمود - عمر از تو میگذرد پس تو سعی کن
 تا در رضای خالق بیچون بسربری خدای متعال به گلی مان تو فایز دهد تا در احوال
 سنت پیغمبر در این ماه مبارک متوفیق گردیم خدایا دلهای ما در قبضه قدرت تو است
 دلهای ما را بنور عنایتت روشن ساز تا در نخواه خود را در بدست آوردن خوشنودی
 تو بداند - از بندگان اظهار بندگی و افتقار فراهم می آید از پروردگارت ما را از بندگی
 سعادت مند و مقبول درگاهت بر شمار - بار الهام در شبهای این ماه مبارک آزاد کردن
 گرومی از زندگانیت قرار دادی ما را از بندگان آزاد شده ات مقصد در آورده

بجز تو نه معبودی داریم که روی بسوی دمی آوریم و نه غمیر تو کسی هست که بر همه
 چیز توانا باشد ای آفریدگار توانا ما را به عنایت شاد کن و از نگرانی و غموم
 و معاصی و غموم در این دنیای آشفته آزاد کن ای ایزد توانا اولی الامر ما را توفیق ده
 که مجری حق و عدالت باشند و به سروران و دانشمندان و بزرگان ماهدایتی ده
 که تعالیم عالییه اسلام را بسط دهند و به خرد و بزرگ مامونتی فرمات تا طاعت تورا
 وجه همت خود قرار دهند - و یکی ما مسلمانان را از نعمت قبول در درگاهت
 دشا و کامیاب گردان -

اللَّهُمَّ يَا مَصْرِفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا إِلَى طَاعَتِكَ اللَّهُمَّ
 يَا مُثَبِّتَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قُلُوبَنَا عَلَى دِينِكَ - اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ عِلْمًا
 نَافِعًا وَقَلْبًا خَاشِعًا وَرِزْقًا حَلَالًا وَاسْعًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَشِفَاءً مِنْ
 كُلِّ دَاءٍ - اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَ
 قِنَاعُ عَذَابِ النَّارِ اللَّهُمَّ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَتُبْ
 عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ - وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ - سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامًا
 عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۳۳- لِحَطَاتِ عُمَرَ رَاغْنِمَتِ شَمَائِدِ

بِاللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَالْعَصْرَانِ الْاِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوْا

الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ»

بنام خدای یکتای بسیار بخت نده بسیار مهربان قسم به روزگار حقیقت آدمی این است که همیشه در حال زیان کاری است (مگر نه آنست که آدمی در برابر هر چه بد می آورد قسمتی از عمر گرانبهار آدمی پردازد - و کدام چیز است که بتواند همه بهای عمر آدمی باشد) مگر مردمیکه ایمان آوردند - و اثر ایمان صحیح شان این بود که کارهای شائسته نمودند - و برای اینکه کارهای شائسته را برای همیشه بردوام بدارند نیز دیگر راهی حق جوئی سفارش دادند - و یکدیگر را به تشکیبائی در راه احقاق حق دعوت نمودند آدمی در حال زیان کاری است که عمر گرانبهار او را برابر شایائی زودگذر می پردازد اما آنها یکیکه ایمان آوردند و عمل شائسته و کارهای نیکو و احقاق حق و صبر در راه حق - و وظیفه خود ساختند - از زحمت چند روزه دنیا - زندگی جاوید سعادت مندانه اخروی بدست آوردند کسیکه بتواند در برابر لحظه ای زحمت صد سال راحت یا بدست آورد - زحمت بحساب نمی آید - مردمی که از عمر دنیوی خود - زندگی جاویدان و خوشی بے پایان بدست آورند - در حقیقت زندگی را از زیان کاری بیدور بردند انام مجربین ادیس شافعی فرماید اگر همه مسلمانان این سوره را بدستی بدانند و آن را کار بندند -

برای شان کافی است. اکنون که ماه مبارک صیام است. شائسته است که شخص مسلمان خود را از زیان کاری نجات دهد. و از ایمان صحیح و اعمال شائسته و پایداری برحق و شکیبائی بزرگداری خود بهره ور گردد. روزه داری برای تقویت ایمان و آبادگی برای اعمال صالحات است. روزه داری بر پایه صبر در راه حق و شکیبائی برفس مانبری است. این است که روزه یکی از بهترین قواعد دین مبین اسلام است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم **«عمر الاسلام وقواعد الدين ثلاثة عليهن أسس الاسلام من ترك واحدة منهن فهو بها كافر حلال الدم»** شهادة أن لا إله إلا الله وإقامة الصلاة وصوم رمضان

و صوم رمضان دستگیره های دین مبین اسلام و پایه های دین مبین است. چیزی ند که بر آن سه پایه گذاری اسلام است و کسیکه یکی از آن سه را ترک گوید. او سبب آن کافر خون روا است. گواهی دادن آنکه نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا. و برپا داشتن نماز. و روزه داری ماه مبارک رمضان گواهی به یکتائی خدا. که در همه موارد تکرار میشود. برای ثبوت عقیده به خدای متعال است. که شخص مسلمان در همه حال خدا را ناظر خود بداند. ترس از خدای متعال ملازم او باشد. و محبت او تعالی در صمیم دل خود بیاید. زیرا که وقتی که گواهی به یکتائی خدا در دل جای گرفت. مانند نهایی که در زمین کشته شود پای میگردد. و همانگونه که هر نهالی بحسب زمین کشته در آن تفاوت می کند

و هر چه زمین بهتر باشد در رشد نهال بیشتر می شود. ایمان نیز بحسب پاکی و روشنائی
 دلها از حیث رشد تفاوت می کند. و همانگونه که هر نهالی از حیث تعهد و آبیاری
 تفاوت می کند. نهال ایمان در دلها نیز. به حسب اعمال صالحات که بمنزله
 آبیاری و تعهد نهال ایمان است. در رشد و نیرد مسندی تفاوت می کند
 تا اینکه قوت نهال در دل. آن را به مثابهت زحمتی عظیم قرار دهد.
 که گرد یاد جودش را در آن اثری نباشد. یکی از اسباب تقویت
 ایمان. همین برپاداشتن نماز است. نماز اگر از روی دل و حضور قلب
 باشد و در موقع قیام و هنگام سجود. راز و نیازی با خدای متعال در میان
 آید ایمان را به حد اعلای قوت میرساند. کسانی که مواظبت بر نماز دارند مجال
 است از روزه داری غفلت کنند. و افرادی که نماز کار روزه دارند از نشیمنائی
 دور میمانند. به آنها نیکه هر روزی به نوعی زشتی در سوائی برای خود بهار می آورند.
 بگریه همه از افرادی هستند که پابند نماز جماعت نیستند. همه از افرادی هستند
 که ایمان را در دل آنها نور و روشنائی نیست. ماه مبارک رمضان فرصتی است
 تا آنگونه مردم بخود آیند و جلومنکرات خود بگیرند. و هنگامیکه آبروی خود را از دست
 دادند. با توبه و انابت. یقین آبروی خاندان خود را نگهدارند. روزه داری وسیله
 آمرزش است.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «من صام رمضان إيماناً واحتساباً
 غفر له ما تقدم من ذنبه»
 رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود: کسیکه ماه مبارک رمضان را

از روی اخلاص روزه گیرد آمرزیده شود آنچه گذشته است از گناهانش روزه
داری موقعی بایه مغفرت و آمرزش است که داعیه آن ایمان بخدا و
اخلاص برای خدای متعال باشد. ایمان در حقیقت اساس و
شالوده نیک بختی است. از کجا ایمان به وجود می آید. در ناراجتتها. در
شدائد. در سختیها. کلمه ای خدا ورد زبان میگرد. موقعیکه آدمی دچار
مشکلات میشود. و بخصوص در مواردیکه نمودن و گرفته شدن راه چاره
مشاهده باشد. موقع مخاطره کشتی در دنیا یکی از نمونه های بارزالتجارات
است. در هر جا که باشیم به هر چه بنگریم خواهیم دید. هر چه هست دست سازنده
ای آن را ساخته است. حصیری که می بینیم. درمی که دیده می شود دیواری که
بالا برده شد سقفی که مشاهده است. صندلی. قلم و غیره همه از سازنده آنها
حکایت میکند چگونه زمین و ماده و خورشید و فضا بدون سازندگی باشد
آن وقت همین چیزهایی که می بینیم و تصور می کنیم سازنده آنها افرادی
مانند خودمان از بشرند حصیر یا گلیم یا تخته یا دریا تیر سقف و یا غیره همینها هم اگر
بدقت بررسی کنیم باز هم خالق آنها خدا است. حصیر از گیاهی است که خدا آن
گیاه را آفرید تا بشر از آن در فرش استفاده کند دراز تخته است و تخته از
درختانی است که خدا آنها را آفرید لباس و غذا مسکن و ماوای همه در نظر
تحقیق آفریده شده از قدرت خدا است اینست که سعدی گوید رسد
آدمی به جائے که بجز خدا نه بیند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت:

قال الله تعالى: «أفلم ينظروا إلى ملكوت السموات والأرض
الأعراق - ۱۸۵

الایه آیانی نگردد بسوی دارندگی آسمانها و زمینها چه قدرتی است که اینها را
 بوجود آورد چه عظمتی است که اینها را به این طرز نگهداری نمود چه علمی است
 که در اراده کردن همه آنها متکب اشتباهی نشد مقصود از روزه اکتفاء
 بر اندک از خوراک است تا آدمی بخود برسد از گذشته خود بیادی کند
 و به بیدار عملی گذشته خود چه کار خیر و انجام داده است چه عمل
 سودمندی بجا آورده است و وظائف اجتماعی خود را چگونه انجام داده است
 در برابر خالق متعال چگونه فرمانبری داشته است در دین خود چه حقایقی را
 درک کرده است نسبت بوجود خود و بپرستگان و ارحامش چه خدمتی کرده است
 آنها نیکه زندگی را فقط در شکم و شهوت دانسته اند افرادی هستند که خدای
 متعال درباره آنها فرمود:

﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ الفرقان - ۲۴

آنانند که همانند چهار پایانند بلکه آنان از حیوانات هم کمترند
 برای اینکه حیوانها در وضع اجتماعی خود به یکدیگر خیانت نمیکنند و ظالمانی که
 خدای تعالی بعهده آنها گذاشته است اجراء میکنند و بسیاری از آنها
 با آنکه غذای شان از صحراء است حاصل خود را به حبیب صاحبان خود
 می ریزند و بسبب نگهداری آنها همین بیشتر بودن دخل از خرج آنها است با آنها
 که شیر آنها گرفته میشود و از بچه های شان منع میگردد باز هم اندک غذائی
 که می یابند فراموش نمیکنند اما همین آدمی با داشتن نعمت عقل و
 هوش و فکر و اندیشه و توانائی علمی که خدا به او ارزانی داشته است کمتر افرادی

یافته می شوند که سپاسگزار نعمتهای خدا باشند برای اینکه شکر و سپاس هم مولود ایمان صحیح و واقعی است و دین مبین اسلام ایمان را در عقیده دل و اقرار زبان و عمل به ارکان با هم قرار داد زیرا نه عقیدت مجرد و نه اقرار تنها، یکدام تا با عمل همراه نباشند نتیجه ندهند. در اسلام در هر عبادتی دو اصل کلی مفید است اول اصلاح خود اجتماع دوم رد آوردن بسوی خدا وقتی که دعوت بسوی نماز میشود هر مسلمان باید نظافت لازم را در بدن لباس انجام دهد و اجتماع را به وجود افراد پاک و نظیف و با ایمان تشکیل دهد آنگاه همه با هم رو بدرگاه خدا آرند در مال ابتداء از طریق مشروع کوشش کردن که حفظ آبرو و حیثیت به ثبوت رسد و در اجتماع از کوکب مستمندان و خویشاوندان اینام و افتادگان اجتماع از افراد ثار و موفق تشکیل دهند. آن وقت بسوی خدا رو آورند و برای پیشرفت خود از او مدد جویند. اجتماعهایی که افراد آنها بفر خود باشند و در قسمت مالی تشخیص حلال و حرام نباشد و وقوع پیشامدهای ناگوار و انحطاط یک امر واقعی است. اکنون که ماه مبارک رمضان است از آغاز شروع کنید زبان را به یاد خدا مشغول دارید که برای یاد خدا همیشه وقت است.

قال الله تعالى ﴿فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ﴾

خدا را یاد کنید در حال ایستادن و نشستن و به پهلو و وقتی که زبان به استغفار

رفت پاکی دل از کینه و غش و بدبینی و بدگمانی آسان میگردد. زیرا بیشتر مصائب

از همین اهمال زبان است. زبانهای بی بند و پاره هر لحظه در پوستین کسی

افتد و از غیبت و پشت سرگویی بدبینی و بدگمانی و دشمنی و بددلی پدید می آید ماه مبارک

رمضان موقع مناسبی برای اصلاح خودمی باشد در فراری که نسبت بخود
 بنی رحمی کرده و به معاصی آلوده شده اند جا دارد و در این ماه خود را اصلاح کنند
 فرزندان که پدر و مادران خود را رنجانده اند بجا است که برای رضای والدین
 خود بکوشند افرادی که والدین خود را میسر بچاکنند خود را برای فرزندان که خون جگر
 و تنگ وجود هستند آماده می کنند و زندگی را برای خود تنگ و بد فرجام می گردانند
 قال رسول الله صلی الله و آله و صحبه وسلم «اجتنبوا السبع

الموبقات»

احادیث - به پرهیزید از هفت گناه هلاک کننده - آنگاه محقوق والدین
 یعنی نافرمانی پدر و مادر را یکی از هفت گناه هلاک کننده قرار داد

قال الله تعالى «ان اشکری ولو الی الی المصیر»
 سپاس مرا بجا آر که پروردگار تو هستم و سپاس پدر و مادرت بجا آر که
 بسوی من است بازگشت تو اگر موقع بازگشت تو رضای پدر و مادر تو پیمراه
 تو نباشد ناسپاسی تو را به عقوبت خود کیفیت هم پدر و مادر مایه وجود
 آدمی هستند زحمت و محنتی که پدر و مادری برای هر فرد زندگانشان متحمل
 می شویند هیچ وجه قابل انکار نیست مردم سعادت مند افرادی هستند که از رضای
 والدین خود رضای خدای خود بدست آورند آنانیکه نتوانند رضای پدر و مادر را با
 آنها هر و عطفشان برای خود جلب کنند بهترین و آسان ترین مایه نیکویی
 را از دست داده اند خدای متعال بنی نیاز از همه است عبادت که مقرر داشته
 است همه وسائل هم بستگی است که در منظور در آن نهفته است یک سعادت

فردی واجتماعی و دوم آنکاو اعتماد و سجد که مدار اخلاص عمل و دستکاری است
 خدای متعال رضای خود را در رضای پدر و مادر قرار داد تا از رضای
 پدر و مادر رضای او جسته شود رضای خود را در رضای دوستان خود قرار داد
 و دوستان خود را در میان مردم پنهان داشت تا برای رضای دوستان
 خدا هر فردی دیگری را از دوستان خدا بداند و همه همه بگرادوست بدارند
 روزهای یاد خدا و شهبانماز و دعا و در همه اوقات مددکاری در ماندگان -
 فراموش نکمید و یقین بدانید که عمر زود گذر برای کسی کشتزار آخرت است
 که نیکی کشت و خوبی کرد و احسان نمود - امشب اذان صبح ساعت و دقیقه
 اذان ظهر ساعت و دقیقه - و اذان عصر ساعت و دقیقه - ساعت ظهر
 کوک است - خدا یا در این ماه مبارک هر شبی آزاد شد گانی داری که از دیربای
 رحمت سیراب می شوند و از آتش جاویدان آزاد میگردند - ما را به
 عنایت از آزاد شدگان امشب قرار ده و عفو و رحمت شامل حال ما گردان
 پروردگار ادلهای ما را به ایمان روشن دار و گفتار ما را بیادت قرار ده و عاقبت
 ما را در همه حال و در همه کار خیر گردان آفریدگار ایدران و مادران ما را به مغفرت
 شاد گردان و مردگان ما را به رحمت و شاد کن و به همه ما عنایت و موعودت
 عبادول دار بار الهی اولی الامر ما را در احیاء سنت موفق بدار - و سروران بزرگان
 ما را در نشر تعالیم اسلام موید بدار و دانشمندان ما را در اجراء احکام شرع
 مظهر اسلام مدد فرما -

رَبَّنَا تَقْبِلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَتَب عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ

الرحيم ربنا آتانا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
وصلّى الله تعلقاً على سيدنا محمد وآله وصحبه والصّالحيّن
سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين
والحمد لله رب العالمين

ع. صبر و وصله چه سعادت‌هاست و در نابکاری چه بدبختیها

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«الْمُتَشْرِحُ لَكَ صَدْرُكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ
وَدَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا مَّعَ الْعُسْرِ
يُسْرًا فَإِذَا أَفْرَغْتَ فَاَنْصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ»

بنام خدای بسیار بخشنیده بسیار مهربان - در این سوره که همه اش
خطاب به رسول اکرم است خدای متعال نعمت‌های خود را بر پیغمبرش می شمارد
می فرماید - سینه تورا گشودیم تا کتاشش سینه تو گنجایش تحمل رسالت بآن همه
سنگینی داشته باشد و از توانداختیم گناه تورا که کمرت را خم نموده بود و بالا بایم
نام تورا - تا محقق بدانی که همراه هر دشواری آسانی است حقیقت آسانها بعد
از دشواریهاست بنا بر این هر موقع از همام رسالت فراغت یافتی خود را در عبادت
منصوب بدار و بسوی پروردگارت را رغبت کن - انشراح صدر و گشایش سینه
و تحمل و بردباری نشانه سپیروزی است هر گاه آدمی بتواند گناهان کفر
شکن را بیندازد و نام خود را در میان بندگان بالا برد - خدای متعال نام پیغمبرش
را بحدی بالا برد - که هر جا نام خدا بمیان آید - نام پیغمبر او نیز به میان آید -
در اذان و نماز در عبادات در شعا ر اسلامی همه جا نام خدا با نام پیغمبرش
همراه است پیغمبری که سیزده سال همه نوع سختی و شدائد برای انجام

دادن رسالت تحمل فرمود محقق دانستند که آن سخنی بود برادر پیر و زیهائی که
 عاقدشان گردید فراموش فرمود خدای متعال به ایشان امر فرمود تا عسر و یسر را
 نادیده بگیرند و انجام همام رسالت و انتصاب برای عبادت خدا و رغبت
 بدرگاه عظمتش و چه همت خود قرار دهند - کلمه و زر بمعنی گناه - پناه - سنگینی و معانی
 دیگری می آید - در آیه بالا

«ووضعنا عنك وزرك الّذی انقض ظمرك»

بدین معنی است که سنگینی بار نبوت که برایت کمر شکن بود آسان
 نمودیم - در زندگی همیشه پیروزی با مردمی است که از سختیها نهرسند -
 و از گناهان دوری گزینند - و بلند نامی و نیک فرجامی را خواهان باشند - اما
 مردمی که از آلودگی به گناه نه ترسند - و درین آلودگی تا حدی پیش بروند که از
 زنای با محارم تمیز ندهند - نه دین رادانسته - و نه دین داری رادانسته اند
 از بین گناهان هیچ گناهی در مخی فرجام و رسوائی عاقبت و بدسخنی سرانجام همانند زنا
 نیست - در زنا قتل نفس و قتل یرت و قتل روح و انتشار مصائب و شرک
 بخدای یکتا جمع است وقتی که زنای محصنه حد آن رحم و شگسار شنیدن
 است - زنای با محارم عقوبت منتهی سوختن در این دنیا پیش از آخرت است وقتی
 که زنی با مردی ازدواج نمود اما در آن زن دختری آن زن حکم مادر و دختر
 شخص رادارند - زنا با پسر زاده مایه تحریم ابدی زن بر شوهرش و تحریم
 ابدی آن پسر زاده بر آن شوهر حرام زاده است - خدای متعال از نزدیک
 شدن به زنا پرهیز واد و فرمود -

«وَلَا تَقْرَبُوا الرِّئَاصَ إِنَّهُ كَانَ قَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»
 ۲۴- به زنا نزدیک مشوید زیرا زنا در حقیقت زشت‌ترین کارها و بدترین
 راه‌ها است - بدترین کار است زیرا روش تجاوز به شرف ناموس
 را انتشار می‌دهد - رویه افزایش حرام زادگان را می‌افزاید بدترین
 راه است زیرا راه فساد را می‌کشد و در این راه بجهت پیش می‌رود که
 برگشت در آن مقدور نمی‌ماند زنا تعدی به زن بدبختی است که
 شرف خود را تا آخر عمر از دست داده است تجاوز به پدر و مادر و افرادی
 است که امید و آمالشان را جمع به دست‌ریشان بر باد رفته است
 تعدی بر نوزاد بیگناهی که یک عمر باید از مهر پدری و شفقت مادری محروم
 بماند - تعدی بر اجتماع است که باید حرام زاده را در میان خود به بیند و به قضا
 اجتماع پی برند راه برگشت ندارد زیرا انتشار افرادی پدر و بهم ریختن نسب‌های یک
 دیگر تا روز قیامت ادامه می‌یابد زنا کاری همتای قتل نفس و شرک بخدا است
 و دلیل جاوید ماندن در عذاب ابدی است -

قال الله تعالى «والذين لا يدعون مع الله الها آخر ولا يقتلون
 النفس التي حرّم الله الا بالحق ولا يزنون ومن يفعل ذلك يلق آثاما
 يضاعف له العذاب يوم القيامة ويخلد فيه مهانا» الفقان
 ۲۸-۲۹

و بندگان خدا مردمی هستند که همراه خدای یکتا خدای دیگری را
 نخوانند برای خدای متعال شرک نسازند و خونی که خدا حرام فرمود
 ریختنش را با ناحق نیز نزنند و زنا نکنند و کسیکه شرک بخدا آورد و یا قتل نفس را

مرتکب شود و یا زنا کاری نماید. میرسد به گناهان بسیار و چندین برابر می شود
 عذاب او در روز قیامت جاوید می ماند در عذاب در حال خواری. در این جا
 شرک و قتل نفس و زنا را هم تازی هم دگر. و هر کدام را با عفت و یکره
 دانست اگر کسی ایمان داشته باشد هرگز زنا نخواهد کرد. و قتی که زنا نمود معلوم
 می دارد که ایمان ندارد زنا کاری که ایمان بی بهره است هوای نفس را
 خدای خود ساخت و مشرک گردیده است شرک همیشه وسیله بی حقی
 و بایه خواری است همانگونه که ایمان منبع خیر و بایه نیک سختی. زنا کار
 ایمان ندارد.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: لا يزني الزاني حين يزني
 وهو مؤمن ولا يسرق السارق حين يسرق وهو مؤمن ولا يشرب الخمر
 حين يشربها وهو مؤمن. . . أو كما قال عليه الصلاة والسلام

ممکن نیست که زنا کار در حال زنا ایمان داشته باشد و امکان ندارد
 دزد در حال دزدی با ایمان باشد. و غیر ممکن است که مشروب خوردن در تحقید
 شراب ایمان داشته باشد یک زنا کار دایمان را کنار گذاشته است هما
 نمونه که دزد از ساعت دزدی ایمان خود را از دست می دهد و زنا کاری دزدی
 در ناموس است و شرابخوار از لحظه که دست به مشروب می زند ایمان خود
 را از دست می دهد. زنا کاری یا دزدی و باده گاری هم راه اند و
 دزدان در هر دو جهان رسوا و بد فرجامند. کبیکه بر اثر زنا کاری رسوا نمی شود.
 لذتهای گذشته را که گذشته است. همه بمنزلهت بد نخبتهای پی در پی آن

نظرش می گذرند - پدري که زنا کاری می نماید - فرزندان خود را قربانی تلانی
 زشتکاری خود می نماید آنها سیکه خدای متعال از فضل خود آنان را از اینگونه آلودگیها
 حفظ کرده است همیشه از بستگان خود مراقبت کنند و هیچ گاه فرزندان خود
 را به افرادی که ایمان ندارند سپارند شوهری که همسر خود را طلاق داد و دانست
 که همسرش شوهر دیگری اختیار نموده است نباید راضی شود که فرزندش بعنوان
 بودن نزد مادر از مراقبت و نگهداری بی بهره بماند - مادری که فرزند از شوهر آن
 گذشته خود دارند نباید راضی شوند که فرزندان شان قربانی شوهرانی خدانشان
 و بی ایمان شوند - زنی که دانست شوهرش با دخترش جمع شده است باید از
 ماندن در خانه چنان فرد بی ایمان احترام جوید مردمی که دانستند فردی راه زنا می
 با محارم را در پیش گرفته است باید او را از اجتماع خود طرد کنند - اکنون که ماه
 مبارک رمضان است وقت آن است که افراد مؤمن بیدار شوند - و از تکرار
 حوادث دردناک جلوگیری نمایند و برای جدائی میان زن و شوهری که باز نای با محارم
 نکاح شان قطع شده اقدام کنند ماه مبارک رمضان ماه اصلاح نفس و
 کوشش در اصلاح اجتماع است - ماه مبارک رمضان ماه عبادت و
 افزایش حسنت است در این ماه مبارک هر فردی سعادت خود و بستگان
 باید سعی کند - در وی الحاکم با سناده عنه

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم "من زنى أو شرب الخمر
 نزع منه الايمان كما يخلع الانسان القميص من رأسه"
 کسیکه زنا کرد مشروب آشامید کننده می شود ایمان از او

آن چنان که انسان پیراهن را از سر بردمی آورد -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم لا يجلد دم امرئ مسلم يشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله إلا في إحدى ثلاث زناً بعد إحصان فإنه يرحم ومن خرج محارباً لله ورسوله فإنه يقتل أو يصلب أو ينفى من الأرض ومن يقتل نفساً فيقتلها أو كما قال عليه السلام رواه أبو داود والنسائي رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود و نه شود زختن خون مسلمانی که گواهی می دهد که نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا و گواهی می دهد بر اینکه محمد پیغمبر خداست رد نمی شود زختن خون مسلمان که شهادتین را تلفظ می کند مگر در یکی از سه صورت زنا بعد از دامادی که بایه سنگساری است او باید سنگسار شود - و کسیکه مقصد راهزنی و جنگ با خدا و پیغمبر به راه ز بردارد کشته می شود یا صلابه زده می شود - یا بتعمید می شود و کسیکه کشت دیگری را که در برابر آن کشته می شود - در این جا زنا کاری و راه زنی و قتل نفس همراه گردید - و در حقیقت زنا کاری نوعی راه زنی در ناموس و شرفهاست -

وأخرج الشيخان والامام أحمد والترمذی والنسائی عن ابن مسعود رضي الله عنه قال: سألت رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: أي الذنب أعظم عند الله قال أن تجعل لله نداً وهو خلقك قلت إن ذلك لعظيم قلت ثم أي قال أن تقتل ولدك مخافة أن يطعم معك قلت

ثم أي قال أن تزني بحليلة جارك أو كما قال عليه الصلاة والسلام **عبداللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ گوید از رسول اللہ پرسیدم کدام یک از**

گناهان بزرگ ترین گناهان است نزد خدا تعالی فرمود آنکه برای خداستعال
 شرکی قائل شوی در حالیکه خدای یکتا تو را آفرید گفتم بحقیقت شرک بندگان
 بس عظیم است - گفتم و گریه گناهی بزرگ ترین گناهان است فرمود آنکه فرزند
 خود را بخشی از ترس آنکه با تو بهم خوراک شود - گفتم و گریه گناهی بزرگ ترین گناهان است
 فرمود آنکه زنانمانی با زن همسایه ات - در این جا شرک و فرزند کشی و زنا کاری
 و اهنم راه دانست - اگر کسی ترس خوراک فرزند داشته باشد - کجا کاری
 می کند که فرزند خود را حرام زاده بسازد و بدون نسب و شرفی زندگی
 سراسر بدبختی را بگذراند در زنا کاری کشتن فرزندان است فرزندی که
 امکان گشایش هر آن امکان دارد فرزندی که شرف و حیثیتی ندارد و در حوش
 کشته شده است فرزندی که از برآوری حرام زاده شهر ساری شوند فرزندی
 که با لطفه بندی بحرام از سعادت جهان محروم می گردد و بفرموده پیغمبر -

وایما لحم نبت من حرام فالنار اولى به

هر که گوشت او به حرام روئیده باشد آتش به سوختنش مسیحی تر
 است - در این ماه مبارک بخود آئید - و برای ریختن خون ناحق از طریق زنا دوری
 جوئید - در این ماه که سراسر آن موقع بخلی رحمت خدا تعالی است - خود را
 از عبادت خدا و انجام طاعت آماده رحمت خدا تعالی سازید زبان را
 از گفتار هرزه دور دارید نظر ما را از نظر بحرام حفظ کنید گوش خود را از
 شنیدن غیبت و خبر چینی نگهدارید افرادی که روزه می گیرند - باید برای
 حفظ روزه خود خورا از محرّمات نگهدارند - یکی از اسباب بدبختی فرزندان

شاد مساز بار الهی رضا و خوشنودیت همراہ ما گردان و مدد و ہر ہر بیت مویب
 و یاد ما گردان تا تو از ما رضی و ما از تو خوشنود گردیم و نیک فرجامی پایان
 کار ہمگی مان باشد ۔

ربنا تقبل منا إنك أنت السميع العليم وتب علينا
 إنك أنت التواب الرحيم واهدنا إلى الحق وإلى صراط
 مستقيم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا
 وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب
 ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
 وقنا عذاب النار وصل إلى الله تعالى وسلم على سيدنا
 محمد وآله وصحبه والصالحين سبحان ربك
 رب العزة عما يصفون وسلاماً على المرسلين
 والحمد لله رب العالمين

همین سهل انگاری و بی مراقبتی پدران و مادران است هر پدر و مادری وظیفه
 دارد که از ساعت خروج فرزند خود و ساعت رجوع فرزند خود
 آگاہ باشد. هر پدر و مادری باید از همزمان فرزند خود مطلع باشد تا یاد میکند
 فرزندان به رشد رسیده اند هر گناهی که از فرزندان سرزند عقوبت آن
 متوجه پدران و مادران و اولیاء آنهاست خدای متعال به نیکی ما توفیقی عنایت
 فرماید که خود را از آلودگی به معاصی حفظ کنیم و غمناقی را با ما همراه دارد تا بتوانیم روزه
 عبادت خود را بدرجه قبول در درگاه خدا برسانیم. امشب اذان صبح ساعت
 ودقیقه. و اذان ظهر ساعت ودقیقه. و اذان عصر ساعت ودقیقه
 به غروب کوک است — خدایا ما را به کشته —

ناخجردان مان مؤاخذه مفر ما پروردگار به عنایتت که سخت فروماندیم
 ما را به معونتت مدد فرما. از یو دفریب نفس اماره و گول هوی و غرور غفلت
 محفوظان فرمای گناه گاران ما را به نیکان ما بختی و نیکان ما را به عفو و
 رحمتت مدد فرمای بار الهی اولی الامر ما را توفیق تار به برانی شایسته باشند
 و در اجراء دین بسین بکوشند. و به سروران و بزرگان ما تائیدی هم راه
 دار تا مجری و عدالت گردند. آفریدگار در شبهای پر برکت این ماه
 دلهای ما را از ایمان روشن ساز و زبانهای ما را بیادست و ادار ساز و اعمال ما را
 به توفیقت مقبول درگاهت گردان خدایا درین دنیای پر آشوب بیم عاقبت
 ما را به لرزه در آورده است. عاقبت ما را بخیر گردان دشمنان و همگنان را بر ما

القسم الثالث

از کتاب موسوم به

طريق السعادة والسداد

في صلاح المجتمع بالوعظ والارشاد

۴۵- باده گساری شالوده بدختیها و خسارت دنیا و آخرت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ أَلَمْ يَجْعَلْ

كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ »

ندیدی که چگونه رفتاری فرمود پروردگارت بایاران فیل
 آیات سرار نداد چاره شان در گمراهی و فرستاد بر ایشان پرندگان
 مخصوص که معز شان را به سنگ بکوبند و آن دسته های باده گساری
 و سرمست را همانند علف خورده شده بخاک کشیده ابر به نام سده حبشه
 در یمن خانه ای ساخت و قصد نمود که عرب را از خانه کعبه که در مکه مشرفه
 است باز دارد یکی از حجازیها در آن خانه آلودگی نمود ابر به که اطلاع یافت
 قصد خراب کردن کعبه نمود - و با سپاهی گران بسوی مکه مشرفه روان شد
 قصد شان ویران کردن کعبه مشرفه بود - کار شان باده نوشی و عمیاشی
 نرسیده به مکه مغز های شان کو بیده شد و از آنها افراد نه کسی جان
 بدر برده و نه زنده ای بر جای ماند این سوره در قرآن تنها برای حکایت گذشته
 نیست بلکه می رساند که عاقبت بدانندیشی زوال و نابودی است و فرجام
 باده نوشی و معاصی نیستی و اضحلال است در بین معاصی با اینکه گناه

به هر طریقی که باشد بدست و بد سختی او را تا از بین معاصی مشروب خواری
از همه ننگین تر است -

قال الله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ
وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ﴾ المائدة - ۹۰

ای مؤمنان محقق بدانید که مشروب و قمار و بتها و چوبهای فال زنی
همه پلیدیهائی هستند از کارهای شیطان یا بیدوری بگوید از آنها
تاریستگار شود خمر یعنی هر مسکرمست کننده ای و قمار یعنی آنچه مال و
وقت را بیهوده اتلاف کند - بتها یعنی آنچه که غیب را از خدا بپوشاند و اعتقاد
قرار گیرد و چوبهای فال زنی یعنی آنچه برای فریب و گول باشد خواه
سر کتاب باشد و خواه طلسم و خواه فال و آنچه از این قبیل باشد اینها همه
در اسلام حرام هستند - همه کارهای شیطانی هستند - همه در یک
منزلهت و همانند هستند و همه بایه ضایع کردن عمر و وقت و مال است
اما بیه و بیا بیه اینها همه همان مشروب و بخواری است اینست که در شمردن آنها
ابتداء از خمر صحبت شد - برای اینکه مشروب مصائبی را در بردارده که در
هیچیک از همرایان آن نیست شریعت برای آن حد شرعی معین فرمود و
عقوبت آن را مشخص نمود و استعمال آن را بایه از دست دادن ایمان
و کناره رفتن از شخصیت و وجدان دانست و هر قومی که عادت به
مشروب در ایشان انتشار یافت زوال شان حتمی است جنگهای پی در پی

نبرد های خانمان سوز و پیکار های عالمگیر و ذلت و خواری ملت ها همه مولا بود این مشروب
پدید است -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «من شرب

الخمير خرج نورا لايمان من جوفه» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه مشروب را آتش میدنور ایمان از دل او بیرون رفته است
مشروب خواری برابر با بت پرستی است -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «مُدٌّ مِنَ الْخَمْرِ

إِنْ مَاتَ لَقِيَ اللَّهَ كَعَابِدٍ وَثَنٍ» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه در مشروب خواری مداومت

نماید اگر بر آن حال بماند بت پرستی به عقوبت خدا خواهد رسید
بت پرست عقل خود را در راه خمر افات بت پرستی قربانی کرده است و
مشروب خوار عقل خود را قدری مشروب کرده است - هر دو از نعمت عقل بهره
ای نبرده است اسلام از پیروان خدا خواسته است که افرادی با عقل
و هوشیار و فعال و بیدار باشند و آنچه را که بیداری و هوشیاری از مردم
بستاند حرام ساخت -

نهی رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: «عن كل

مُسْكِرٍ وَمُفْتَرٍ» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رواه ابوداؤد رسول الله صلى الله عليه وسلم منع فرمود از حرمت کتبه
ای که نعمت عقل را از آدمی می ستاند و از هرستی آورنده ای که فحاشیت

از دست داده اند به نبرد همسر بد بخت خود بر می گردند. مشرب و بخواری و قمار و زنا کاری
 و کارهای تنگین همه متلازم هستند برای مشرب و بخواری اجتماع افراد بد بخت برگشته
 و از زندگی شکست خورده ضرورت دارد قمار مقدماتی آن و زنا پایان بدبختی و
 رسوائی فرجام آن خواهد بود. سرانجام رقت آور آنها و بدفرجامی ملازم
 آن می تواند درس عبرتی باشد. کدام یک بهتر است که شخص شهباد در خانه
 و در میان افراد خانواده به آموزش زندگی خود برسد و برای سرفرازی خود و بستگان
 دل بستگی نشان دهد و اجتماع از افرادی سعادت مند ترتیب دهد و یا اینکه زن
 فرزندان را کند و آنان را برای پستی و بدبختی آماده سازد و در اجتماع حاضر شود
 که حاصلش عریضه و نتیجه اش پاک باختن زندگی و عاقبتش نگون بختی و پریشانی
 است. آسایش خاطر در طاعت خدا است و محال است که گنهگاران دمی از زندگی
 راجحوشی و آسودگی بگذرانند. افرادی که لذت زندگی می خواهند در مهر و محبت متبادل
 میان افراد خانواده بیابند. مردمی که زندگی شرافت مندانه و باعزت می خواهند
 در ایمان بخدا و فرمانبرداری او بجویند. در دنیا قبل از آخرت نتایج اعمال مردم
 مشاهد و محوس است. دل بیدار و چشمی بازمی خواهد تا بدرستی وضع نیک
 بختان و بدبختان را بسنجد.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «مدمن الخمر حرق

على الله أن يسقيه من نهر الخبال قيل يا رسول الله وما نهر الخبال؟

قال صديد أهل النار أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود کسی که بر آتش میدان مشروبات

و بیدرای را از آدمی خواهد گرفت .

«عن ابن عباس رضی الله عنهما قال لتأخرت الخمس مشى أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم بعضهم الى بعض وقالوا حرمت الخمر وجعلت عدلاً للشرك» (رواه الطبرانی)

عبداللہ ابن عباس گوید موقعی کہ مشروب حرام شد بیداران پیغمبر ہم وگرا ملاقات نموده - می گفتند مشروب حرام شد و ہمتای شرک گشت -

«وعن أبي موسى الأشعري رضي الله عنه ما ابالي شربت الخمر أو عبدت هذه السارية من دون الله» (رواه النسائي)

ابوموسی اشعری رضی اللہ عنہ گوید :

برایم تفاوت نمی کند شراب بیاشامم و یا این ستون را عبادت کنم کہ شرک و بت پرستی و بادہ خواری ہمانند ہندوانان تعجب می کند من جاب چیزکی حرام شدہ است نہ مذاق درستی دارد نہ نفعی بلکہ بعکس بدیوبی و بدطعمی و بدبوی و بد رفتاری بہ ہمراہ دارد شرہتہای گوارا و لذیذ با قیمت ارزان بطوریکہ اگر خود شخص با افراد خانوادہ خود بنوشند مصرفش بجائی نمی رسد اما مردم بگونہ سخت پلیدی را بجای پاکی و بدیوبی را بجای خوشبونی و بد مزگی را بجای گوارائی و زیان مند را بجای سود مند و خواری آور را بجای سرفرازی بکار می برند شہانہ دور از خانہ و خان وادہ و غافل از آنچہ در خانہ شان می گذرد فکر و عقل و احقرم و شخصیت خود را قربانی می کنند در آخر شب کثیف و آلودہ در حالیکہ ہمہ چیز خود را

مداومت نمود خدا قسم یاد فرمود که اورا از آب خون دوزخیان به نوشاند۔
 تصور زود در فرموده نبوی اغراق باشد زیرا در این دنیا اگر آن خون در
 مشروب آمیخته شود۔ وہ بیشتر بخوار بخور انند در حال بدستی چومی تواند بداند۔
 کسیکه خود را به حالی می آورد که تشخیص آب وادرا برایش غیب مقدور می
 گردد و از انجام هیچ گونه عمل خودداری نمی تواند کجائی تواند خود را آدمی بداند۔
 باده خوار که محنت زن و فرزند و بستگان خود بے پرواست۔ کجائی
 می تواند جزو آدمیان باشد توکز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامست
 نهند آدمی۔

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: **انّ ملكاً من ملوك بني اسرائيل**
أخذ رجلاً فخيره بين أن يشرب الخمر أو يقتل نفساً أو يزني أو يأكل لحم
الخنزير أو يقتلوه فاختار الخمر والله لما شرب الخمر لم يمنع من شيء
أرادوه منه ﴿ أو كما قال عليه الصلاة والسلام

یکی از ملوک بنی اسرائیل مردی را گرفت و اورا اینخبر نمود که از بین پنج
 یکی را اختیار کن یا شراب بیا شاید۔ و یا شخصی را با حق بکش یا مرتکب
 زنا کاری شود یا گوشت خوک بخورد یا خود او کشته شود آن مرد سگون سخت تصور
 نمود که شراب خواری از همه آسان تر است۔ اما موقعیکه از باده هرست شد هر چه از او
 خواستند خودداری نکرد۔ ہم گوشت خوک خورد۔ ہم مرتکب زنا شد ہم قتل
 نفس نمود۔ این است که این پس بدنام ام انجاست مادر طعنتها نامیده
 شد۔ در شریعت مطهره اسلام هر چیزی که حرام شد همه نوع و حالت در آن حرام است۔

للعن رسول الله صلى الله عليه وسلم في الخمر عشرة عاصرها ومعتصرها و
 شاربها وحاملها والمحمولة اليه وساقها وبيعها واكل ثمنها وبيعتها
 والمشتراة له - ٢٢ - أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله در خصوص خمر ده کس را مورد لعنت قرار داد - فشارنده آن و
 کسیکه طلب فشرون آن می کند و آشامنده و حملی که آن را حمل می
 کند و کسیکه بسوی او حمل می شود و ساقی آن فروشنده آن و کسیکه قیمت
 آن می خورد و خریدار آن و کسیکه برای او خرید شود - اینها همه در لعنت یکسانند و بزهره
 آنها در شرکت درین پلیدی آتش زایمانند است - چیزی که حرام و پلیدی
 باشد و معالیه آن روایت است و در محرمات هر نوع مدخله حرام است - آنها نیز
 از این پلیدی بدبختی آور دور هستند - پیاس خدای متعال را بجا آورند
 و بستگان خود را از مضرات و ننگهای آن آگاه گردانند - در این ماه مبارک
 جای آن است که استقامت پیشه کنند زبان را به یاد خدا مشغول و آرزو
 و برای سعادت و نیک بختی خود و بستگان شان گرد زشتیها نگرند -

قال الله تعالى ﴿ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا
 خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴾ - ١٣ - الاحقاف

مردمیکه گفتند پروردگار ما خدای یکتا است و پس از آن استقامت
 را در پیش گرفتند نتیجه این استقامت آن است که نه ترسی برایشان
 میماند و نه اندوه گین می شوند - در معنی استقامت گفته اند - لزوم
 طاعة الله تعالى - همیشه ملازم طاعت خدا بودن راه راست همیشه مایه نجات است

و آن را که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است. راه راست خود نزدیکترین
 راههاست. بقول سعدی - کس ندیدم که گم شد از ره راست. (او در حقیقت؛
 راستی بایه رضای خداست در ماه مبارک رمضان راستی در استگونی و در استکار
 باید راستکاری تان گردد. همه اعضا بدن آدمی رهین زبان او هستند زبان
 خود را نگهدارید. نگهداری زبان در مشغول ساختن آن به تلاوت قرآن است. در
 روزگاری که کمتر فرصت تلاوت قرآن برای بیشتر مردم دست می دهد. چاره
 که در این ماه جبران غفلت از تلاوت قرآن در ماههای گذشته گردد. قرأت
 قرآن اگر از روی تدبر و فهم آن باشد خود وسیله ای برای عمل بدستورهای
 مقدسه قرآن است. روزی رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم از عواقب
 هولناکی که بر اثر رفتن علم و از دست دادن فرمان قرآن پیش می آید صحبت مینمود
 یکی از یاران عرض کرد چگونه ممکن است که علم نافع از دست برود در حالیکه ما
 قرآن میخوانیم و به فرزندان مان قرآن می آموزیم و فرزندان مان به فرزندان شان می
 آموزند و این ادامه می یابد تا روز قیامت رسول الله صلی الله علیه و سلم از او
 بشکفت آمد و فرمود تصور میکردم که از دانشمندترین افراد در دین هستی آیات
 بینی که یهود و نصاری تورا و انجیل میخوانند و به هیچ چیز از آن عمل نمی کنند
 یعنی مقصود از قرآن نه تنها رسم انخط آن است بلکه عمل بر بدستورهای
 مقدسه آن است. و قتیکه عمل به قرآن نشد از وجود قرآن
 چه استفاده ای می شود. خدای متعال به ما مسلمانان توفیق پیروزی
 از کلام الله و سنت مطهره خاتم الانبیا و عطا فرماید. و استقامت را عنایت

فرایند تا در دو جهان از برهای استقامت بهره در گردیم - امشب اذان صبح ساعت
 و دقیقه - اذان ظهر ساعت و دقیقه و اذان عصر ساعت و دقیقه
 است به ساعت ظهر کوک - و به ساعت غروب کوک - کسبید
 و امشب اذان صبح ساعت و دقیقه
 می باشد -

خدا یا از درگاه پر عظمتت متمسکیم که نظر عنایتت شامل حال ما باشد
 گمراهان را به نور ایمان به راه سعادت برسانی و راه یافتگان را به عاقبت
 خیر شادگردانی - مردگان را از رحمتت مورد و خوشنودیت سازی و زندگان را بشوق
 طاعتت به شاهراه نیک نختی و کامیابی برسانی پروردگارا اولی الامر ما را در اجراء
 شریعت مطهره اسلام مددگاری باش و سروران و بزرگان و دانشمندان
 ما را به تائید خود نگهدار باش از ما اظهار بندگی است - و از تو بزرگی و بنده نواز
 همه ما را بحلیه قبول در درگاهت آراسته گردان و در این ماه مبارک از
 سعادار مقبولان بر شمار -

ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
 رحمة انك انت الوهاب - ربنا تقبل منا انك انت السميع
 العليم و تب علينا انك انت التواب الرحيم - ربنا آتنا في
 الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار و صلي الله
 تعالى على سيدنا محمد و آله و صحبه و الصالحين سبحان
 ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين

عظمیٰ مال باید وسیلہ سپاسگذاری باشد نہ سبب غفلت از یاد خدا

الْحَمْدُ لِلَّهِ مُحَمَّدًا يُبْغِي الْجَلَالَ وَجِهَهُ وَعَظِيمُ سُلْطَانِهِ وَاشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. أَمَّا بَعْدُ
فَأِنِّي أَوْصِيكُمْ وَنَفْسِي أَوْلًا بِتَقْوَى اللَّهِ تَعَالَى وَطَاعَتِهِ. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْثُوتًا﴾

نمازهای فرض شبانہ روزی۔ فرضی است وقت دار بر مؤمنان۔

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ
عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. - ۹ - المنافقون

ای مرد میکہ ایمان آورده اید۔ ای مومنان مباد اماہا و فرزندان تان شمالاً
از نمازهای فرض باز بدارند۔ و کسبیکہ مال و یا فرزندانش اور از نماز فرض باز
یدارد۔ محققاً آہنہا ہستند کہ زبان کارانند مال و فرزند نعمتہای ہستند کہ باید
در طاعت خدا مدد کار باشند۔ ہر گاہ مال وسیلہ حرام از نماز شد۔ زیانی
بزرگ بہ بار آورده است۔ موقعیکہ فرزند و وسیلہ غفلت از نماز و عبادت
شد زیانی بزرگ را باعث شدہ است۔

ای مؤمنان نماز شمارا بخدا نزدیک می سازد در نماز است که با پروردگار خود سخن میگوئید - در نماز است که روح خود را از آلودگیها پاک می سازید نماز به شما می همانند چگونه از خدای توانا مدد بگیریید - ناملایمات زندگی را چگونه بر طرف سازید - در نماز هر کس خواهشهای خود را بر خدای خود عرضه می دارد - و لذتگیهای خود را می گشاید اگر شخصی با ایمان در زندگی تنها شود پدر و مادر و زن و فرزند از دست بدهد هر گاه که ایمانش بخدای یکتا قوی باشد همه را جبران بیند در شد آید بکس نماند - نماز همیشه وسیله آرامش خاطر میگردد دیده است در فریضات رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم

(اِرْحَمْنَا بِهَا يَا بِلَالُ)

ای بلال اقامه نماز بگویی و ما را به نماز آسوده ساز - بزرگان دین همیشه صل معضلات علمی را در نماز می جستند -

ابوعلی سینا موقعیکه علاج بیمار بروی دشوار میشد رو بسامع می آورد و در نماز حل مشکل خود را می یافت و همیشه هم برای مردم با ایمان توجه بدرگاه خدا در نماز مایه گره کشائی و کشایش در کار گردیده و میگردد برای پیشرفت در امور زندگی ایچ وسیله نیر و مند تر از ایمان نیست و نماز همه اش ایمان است بستگان خود را به نماز و او اید تا همیشه از معونت آفریدگار پشتیبانی قوی داشته باشند - در روی الطبرانی باسناده

عن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم من ترك الصلاة

متعداً فقد كفر جهاراً ۲۲ او كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه نماز فرض را بجز ترک گفت آشکارا کفر آورده است: و در حدیث صحیح است.

عن رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم عن ابي اسلم
وقواعد الدين ثلاث عليهن أسس الإسلام من ترك واحدة منهن
فهو بالله كافر ولا يقبل منه صرف ولا عدل وقد حل دمه وماله
شهادة أن لا إله إلا الله والصلوة المكتوبة وصوم رمضان
وستغیره یا و پایه پای دین مبین اسلام سه گانه است یکی از آن سه را
ترک گوید او بخدای یکتا کفر آورده است هیچ فرض و سنتی از او پذیرفته نمیشود
خون و هاشم روا شده است گواهی دادن به این که معبود ستمی خدای
یکتا است و نماز فرض و روزه رمضان نماز که جدای میان اسلام و کفر
است و نماز که نشانه ایمان و خدا شناسی است و نماز که وسیله
آسایش خاطر و راحت روح میباشد چگونه ممکن است شخص یا ایمان
آن را ترک گوید آنهاست یک فرزند آن را بنماز و ادرا نمیکنند آنهاست که فرزندان را
خدا شناس بار نمی آورند میخواهند که بد بختیهای فرزندان خود را بچشم ببینند
انکون که ماه مبارک رمضان است عبادت خود را بدستی انجام دهد بگفتگان
خود را به نماز و روزه دادر کنند.

روی مسلم فی صحیحہ عن جابر رضی الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: «مَثَلُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ عَذَابُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ يَوْمَ يَمُوتُ فِيهِ كُلُّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا يَبْقِي ذَلِكَ مِنَ النَّاسِ»

مثال نمازهای پنج گانه مثال نهر آب روان شیرین است که بر در یکی از
 شما باشد و روزی پنج بار در آن بدن بشوید آیا پنج بار بدن شستن در آب
 شیرین چگونه چرکی باقی میگذارد نمازهای پنجگانه در پنج وقت آلاش بار بار
 طرف کند دلها را صیقل نمایند آخرت را بیا آورند از شستهها باز دارند

قال الله تعالى: إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.

محققان نماز از زشتیها جلو میگیرد آنانیکه آلوده میشوند معنی
 نماز را ندانسته اند نماز واقعی را نخوانده اند

روی مسلم فی صحیحہ عن عثمان رضی اللہ عنہ۔ اِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ
 صَلَّى لِلّٰهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ: قَالَ مَا مِنْ امْرِئٍ مُّسْلِمٍ يَحْضُرُهُ
 صَلَاةٌ مَّكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ رُضْوَةَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا اِلَّا كَانَتْ
 كِفَاةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَأْتْ كَبِيْرَةً وَذَلِكَ اَلدَّهْرُ كُلُّهُ
 هر مسلمانی که نماز فرض را وقتی که وقت آن داخل شد بخوبی انجام
 دهد و وضوء آن را خوب سازد و رکوع و سجود آن را تکمیل نماید و حضور قلب و
 فروتنی در آن را انجام برساند کفاره گناهان گذشته اش خواهد شد
 و مادامیکه مرتکب گناهان کبیره نشود همیشه نمازهای فرض کفاره گناهان
 هستند.

روی الامام احمد عن ابي ذر رضي الله عنه ان النبي خرج
 زمن الشتاء والورق يتهاقت فاخذ بغصنين من شجرة فجعل
 ذلك يتهاقت (فقال يا ابا ذر فقلت لبيك يا رسول الله فقال ان العبد

المسلم ليصلى الصلاة يريد بها وجه الله فتهافت عنه ذنوبه كما تهافت
هذا الورق عن هذه الشجرة ۴۴

ابو ذر رضی اللہ عنہ گوید در موقع زمستان و برگ ریزان درختان
رسول اللہ تشریف آورد و دو تا از شاخه های درختی را گرفت بر گهاق
ریختند رسول اللہ فرمود هر بنده مسلمانی که نماز بخواند و قصدش از
نماز فقط بدست آوردن رضای خدا باشد میریزد گناهانش آبخانک
برگهای این درخت فروریخت -

وروی البخاری و مسلم - عن ابي موسى الاشعري رضي الله عنه
ان رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم قال

(من صلى لبردين - أي الصبح والحصر دخل الجنة ۴)

کسیکه نماز صبح و عصر خواند به بهشت میرود در نماز صبح که آغاز
روز است با خواندن نماز صبح آدمی رو بدرگاه خدای آورد در ستگاری
خود می خواهد استقامت خود را می جوید برای موفقیت در همه روز از پروردگار
خود بدو میگردود - در قنوت صبح که بنام اللهم اهْدِنِي معروف است بهترین
دعای است : اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ -

خدا یا مرا به طلب برسان در جمله کسانی که ایشان را به طلب سازدی
وَعَافِي فِيمَنْ عَافَيْتَ - مرا عافیت ده در جمله کسانی که ایشان را عافیت عطا
فرمودی - وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ : و مرا بخودت واگذار در جمله کسانی که
ایشان را بخودت واگذاشتی وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ : و برکت بینداز بر ایتم

در آنچه بمن عطا فرمودی - وَقِيْنِي مَشْرَمًا قَضَيْتَ وَمِنْ أَنْهَكَ أَرْبَحَ قَضَاو
قدر تو بر آن شد در این پنج دعا - بهترین و عالی جامع ترین دعاها - برای دنیا
آخرت است و قتیکه شخص به راه راست رسید درستی در همه کارش ظاهر
شد و از راستی به مطلب و مراد دنیا و آخرت خود رسید عافیت و
تندرستی بخود و همسر و فرزندانش عنایت شد - عافیت از معاصی و دوری
از گناهان - عافیت از جنایات و دوری از بزهکاری - عافیت از کفر و
بت پرستی و جهالت و موهوم پرستی - عافیت در جان و مال از آفات و
کارهای انسان بخدا و اگذار شد که خدای توانا کوششهای آدمی
را بشمر برساند زحمات آدمی نتیجه بخش گردد اعمال انسان بحلیه قبول
آراسته شود و برکت در همه آنچه به آدمی عطا شد قرار گرفت برکت
در عمر برکت در تندرستی برکت در فرزند برکت در مال برکت در بستگان
و خدا صد برکت در همه آنچه خدا به آدمی عطا فرمود از چشم و گوش و دست و پا
و قلب و بدن سالم و همسرهربان و فرزندان صالح و اموال رضایت
بخش و مسرت آورد و نگهداری شد از شر قضا و قدر که آدمی هیچگونه آنگهی
بر نوشته ازنی نخواهد داشت جز از طریق التماس از درگاه خدا که آدمی را
از شر قضا حفظ نماید و سر نوشت و نوشته آدمی بخیر گرداند - وقتی که دعا
شامل این همه مصالح باشد و شخص مسلمان بابدان بادی امیدوار چنین
دعائی بخواند و بساند الحق که در کتابش روزگار موفق و پیروز خواهد شد نماز
در حقیقت رمز موفقیت و نشانه نیکی و علامت منزلت آدمی نزد خداست

چند بختند مردمی که از مناجات با خدا محرومند چه بسیارند افرادی که از نماز و حکمت‌های آن بی بهره اندند از حکمت وجود خود خبری دارند و بنا بفرموده باری شعال

﴿وَيَا كُلُّونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾

میخورند همانند حیوان از زندگی بجز جیب و شکم چیزی دیگری نمیدانند جایگاهشان دوزخ است همانگونه که در کشاورزی درختان مفید تنه‌ها میشوند میوه‌های سودمند گرد آوری و نگهداری شوند سبزه و علف پرورش داده شوند اما چوب‌های خشک و گیاهان مضر گنده و سوزند شوند - مردی ابوداؤد و الترمذی -

عن پریده رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه و آله و

صحابه وسلم قال «بشرو المشائین فی الظلم الی المساجد بالتور

النَّامِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ» او كما قال علیه الصلاة والسلام

مژده دهید کسانی را که در تاریکی شب‌ها به مساجد برای عبادت میروند به روشنائی کامل در روز قیامت نماز خود روشنائی است و رفتن در تاریکی شب و اگر چه با چراغ باشد دلیل ایمان قوی و محافظت بر نماز و پرستش است -

وعن ابی سعید الخدری رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه و آله و

الصحبه وسلم قال «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ»

((قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِتْمَاعُ مَسَاجِدِ اللَّهِ مِنْ أَمَنِ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ - آیه))

رواه الترمذی و قال حدیث حسن رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود
 وقتی که دیدید کسی عادت بر مواظبت نماز در مساجد دارد بر ایمان داری او
 گواهی دهید زیرا خدای عز و جل فرمود محقق این است که مساجد را آبادی
 دارند که آنیکه ایمان بخدا و در روز قیامت داشته باشند ایمان به آخرت
 در وجود هر فرد نهفته است آنانیکه قسمتی از مال خود را در راههای خیر مصرف میکنند
 آنهاست که راه خیر و طریق درستکاری در زندگی در پیش میگیرند و گسائیکه
 طالب بلند نامی و ماندن نام نیک هستند همیشه ندای فطرت را که در اعماق
 دلها بصدامی آید اجابت میکنند تا برای پس از مرگ خود فکری بیندیشند تا
 برای بستگان خود پس از مرگ خود وسیله برای آسائششان از راه نیکوکاری
 و کارهای خیر بپوشانند ای قرار دهید پس از حرمان از مال و جان و زن
 و فرزند دعای خیر نسیمی و آسائش را بر روانهایشان بتابدند نماز بهترین
 راه و خیره دعای خیر است هر نماز گذار میگوید

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

و این دعا شامل بر فردی است که در زندگی نماز گذار بوده باشد
 اما نماز گذار چند ساله در دنیا در نماز خود این دعا را نموده است در حالیکه این
 دعا از همه نماز گذاران در جانش و بعد وفاتش بوی خواهد رسید چه بچاپانه
 مرومی که با ترک نماز این همه دعای خیر صاحبان محروم گشته اند در این
 ماه مبارک موقع آن فرار رسیده است که مواظبت بر نماز را عادت
 کرده شود از نماز با جماعت روح را صیقل کنند دعای خیر همه صاحبان

شامل حال شان گردد اما نماز باید بادل حاضر باشد با فراغ خاطر بنگرید که چقدر افراد نسبت بخود دستم میکنند اگر کسی مشغول جمع و تفریق بعضی از حسابهای روزانه آن باشد چنان میکوشد که بادل حاضر و با فراغ خاطر حساب راهوری جمع و تفریق کند که دیناری زبان متوجه دی نگردد و اما در تمساز کاش با همین دل حاضر انجام میدهد آنوقت نماز بوی نتیجه میدهد و آسائش دل نشاء روح برکت عمر استقامت در زندگی گرفتن راه نیکو کاری دست آوردن در راه صغفاء و دفاع از مظلومین هم بستگی و هم دوستی و هم دوستی بیماری آورد و سعادت دنیا و آخرت را شامل میشود اکنون که ماه مبارک رمضان است شائسته است که تنهها فرض بلکه نمازهای سنت انجام داده شوند و نه تنها بفسر منزل خود باشند بلکه همسایگان فقرا را تفقد کنند و در افطار بحسب روزه غروب آفتاب تاخیر رواندارد.

عن سهل بن سعد رضی الله عنه أن رسول الله عليه وآله وصحبه وسلم قال لا يزال الناس بخير ما عجلوا الفطر همیشه مردم رو بخیر استند تا موقعیکه افطار را تعجیل نمایند و با تحقق غروب افطار نمایند. در افطار قناعت بر اندک نمودن و دوری از پرخوری شرط استفاده از روزه است کسانی که در هنگام افطار شکم را پر میکنند حکمت روزه را نمی دانند افطار بر چند دانه خرما و اندکی آب و نماز مغرب با جماعت خواندن و بعد رفع گرسنگی نمودن از بهترین صور افطار است. در ماه مبارک رمضان از موافقت بر مغرب و عشاء و صبح باز نمایند در اثر است کسیکه در ماه رمضان مغرب و عشاء و صبح با جماعت

نخیزد فضیلت سیله القدر را دارد و مواظبت بر هر وعصر با جماعت دارای
مزیت اجیاء روزبه طاعت است.

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله وآله وصحبه والتابعين
خدایا در این ماه مبارک ما را از اشد گمان از آتش قرار ده - تا سیوسه شایسته
رحمتت باشیم - خدایا پدران و مادران و مردگان ما و همه مسلمانان در شبهای
رمضان به رحمت و آمرزشت شاد کن - پروردگارا ما را به توفیق بر طاعتت موفقی
بدار پروردگارا در این ماه مبارک ما را از سعادت و نیک سخنان بر شمار و در زندگی
شاد و موفقی بدار آفریدگارا ما را از جهل و مرض و فقر ربانی ده و به غنای معنوی و توانائی
آسوده خاطر گردان بار الهی اگر لطف تو باشد حقیر اعمال ما بزرگ خواهد شد در رضا
تو شامل حال ما نخواهد گشت - آفریدگارا دستهارا بدعا برافراشته ایم و دلهای
مان را به نیاز بسوی تو داداشته ایم تا نظر رحمتت بر دلهای ما مملو کند و
باران رحمتت عباد و بلاد را شاد گرداند خدایا اگر تو مددگار باشی از هیچ حادثه ترسی
نباشد و اگر تو یار و نگهبان گردی هیچ غمی بر دهانت بیندای آفریدگارا تو اناناز امرت
ما را بهره مند گردان و از معونتت ما را شاد گردان و گفتار و کردار ما را آرازه
نمیر و برای رضای خودت بر اخلاص موفقی گردان پروردگارا اولی الامر ما را بر اجر است
مطهره شریعت غراء اسلام موید فرما - بزرگان دین و سروران ما را بر اجیاء دین توفیق
عبایت فرما و ما و مسلمین عموماً به آنچه رضایت در آن است معونت فرما -

اللَّهُمَّ رَبَّنَا اتِّفَانِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وصحبه والصالحين وسلام - سبحان ربك رب العزة عما
يصفون وسلامٌ على المرسلين والحمد لله رب العالمين

۷۴۰ در آغاز رمضان چگونه باید نیت کرد و موع دیدن هلال

چه باید گفت - اثر نیت در اعمال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِمُ وَالصَّالِحِينَ وَقَدْ
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى

ماه مبارک رمضان به همشهریان عزیز تبریک میگویم - امیدوارم این ماه
مبارک بر همه همشهریان و هم میهنان و جمیع مسلمین ما - امن و ایمان و سلامت
و اسلام و ماه توفیق بر طاعت خدا باشد - حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
و سلم موقعیکه ماه یکشبه را می دیدند می فرمودند (صلوات خیر و رشت -

رَبِّي وَرَبِّكَ اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِشَهْرِكَ ذَا

ماه خوشی و راهیابی است - پروردگاری من و تو - خدای یکتا است - خدا را
سپاس میگویم که ماه پیش را برد - و این ماه را آورد و نعمت سلامتی و شکر بارزانی
داشت تا به این ماه رسیدیم - و میفرمود:

((اللَّهُ أَكْبَرُ - اللَّهُمَّ أَهْلَهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالسَّلَامِ

والتَّوْفِيقِ لِمَا نَحِبُّ وَتَرْضَى رَبَّنَا وَرَبِّكَ اللَّهُ))
او کما قال علیه الصلاة والسلام

خدا بزرگ تراست - خدایا این ماه را ماه امن و ایمان و سلامتی

اسلام و توفیق بر آنچه دوست میداری و بایه خوشنودیت میگردد قرار برده
 پروردگار همه خدای بخت است و مستحب است نیت روزه رمضان به دل
 و زبان - و مستحب است که شب اول نیت نسیتم که به این ماه روزه میدارم
 که در این حال اگر شبی نیت را فراموش کرد نزد بعضی از علماء روزه او صحیح
 است - و وقت نیت از غروب آفتاب هر شب تا اذان صبح است خدایا
 من قصه دارم بهم این ماه روزه فرض رمضان را چنانکه بایه رضای تو است
 انجام دهم و هر شب میگوید: نیت دارم فردا بروزه باشم روزه فرض ماه
 مبارک رمضان امسالیه الله تعالی در حدیث صحیح بخاری و مسلم است که
 حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود:

لا الصيام جنة فاذا صام احدكم فلا يرفث ولا يجهل وان امره

قاتله او شامته فليقل اتي صائما اتي صائما)) او كما قال عليه الصلاة والسلام

روزه داری سپری است که مسلمان را از آتش دوزخ حفظ نماید
 و زهی است که آدمی را در برابر سختیها و شدائد با استقامت و بردباری سازد
 پس هرگاه یکی از شما به روزه رفت - باید که بیهوده نگردد و نادانی نکند و اگر دیگری
 به شکمش با او برخاستد و یا او را ناسزا گفت - بگوید تحقیقت من روزه دارم -
 روزه دارم و شائسته روزه نیست که وقت خوردن را صرف ناسزا و بیهوده نماید
 و در وقت تناول سحور - بهترین است که سحری خوردن در آخر شب باشد بطوری
 که از فارغ شدن از سحری خوردن تا اذان صبح بیش از بیست دقیقه نماند
 و سحری خوردن بقصد قوت یافتن بر طاعت خدا - و خدمت بخلق باشد - و کجرت نماید

قبل از سحری خوردن و یا بعد از سحری - که راز و نیاز با خدای خود نماید موکد است - در روزه رمضان تلاوت قرآن و در شب های رمضان نماز تراویح و در روز شب رمضان - ملازمت نماز فرض با جماعت - و مشغول داشتن زبان به تلاوت کلام الله و یاد خدا و صلوات پیغمبر از نشانه های سعادت و نیکی ختی است - دوری جستن از معاصی و مردم آزاری و دروغ و خیر چینی از مقاصد اولیه روزه داری است - تهیه افطار مستمندان - و کمک به فقرا و محتاجان از مهم ترین مسائل قبول روزه داری است و در حدیث صحیح است که حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم هرگاه افطار مینمود میفرمود:

« ذَهَبَ الظَّمْأُ وَأَبْتَلَّتِ الْعُرُوقُ وَ نَبَتَ الْأَجْرُ إِنِ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى »

تشنگی رفع شد در گسایر آب شد - و ثواب روزه نزد خدای تعالی ثابت گشت - و میفرمود:

« اللَّهُمَّ لَكَ صُمتٌ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ »

خدایا برای تو روزه گرفتم و بر روزی تو افطار نمودم و میفرمود:

« اللَّهُمَّ لَكَ صُمتنا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَاقْبَلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ

الْعَلِيمُ -)) او کما قال علیه الصلاة والسلام

خدایا روزه داری بخاطر رضای تو است - و افطار ما بر روزی و نعمتت

تو است - تو از ما بپذیر که شنوا و دانائی - و میفرمود:

« اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ أَنْ

تَخْفِرَ لِي »

ومیسفرمود:

«إِنَّ لِلصَّائِمِ عِنْدَ فِطْرِهِ لَدَعْوَةَ مَا تَرَدُّ»

محقق است که روزه دار را در موقع افطار دعای است که برگشت ندارد
و هر موقع که رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد دیگران افطار می نمود میسفرمود
«أَفْطَرَ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ وَأَكَلَ طَعَامَكُمْ الْأَبْرَارُ وَصَلَّتْ
عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ»

أو كما قال عليه الصلاة والسلام

روزه داران نزد شما افطار کردند - و نیکوکاران از غذای شما خوردند
فرشتگان بر شما درود فرستادند انعام فرصت برائے طاعت در این ماه
شعار صالحان است - و در حدیث صحیح بخاری و سلم است که حضرت
رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم فرمود -

«ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ رَسُولَهُ أَحَبَّ
إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَأَنْ يَحِبَّ الْمَرْءُ لَا يَحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَعُودَ
فِي الْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يَقْذَفَ فِي النَّارِ»

سه خصالتند که هر کس که هر سه فصولت در او جمع باشد شیرینی ولذت
ایمان داری را می یابد - یکم اینست که خدا و پیغمبرش محبوب تر باشد نزد او از غیر آن
دو - و آنکه دوست بدارد شخص را فقط برای خدا - و آنکه دوست ندارد بدشتن کبفر
بعد از اینکه خدا او را از کفر نجات داد است همانطور که دوست نمیدارد
آنکه انداخته شود در آتش - و در حدیث صحیح متفق علیه ثابت است که
رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم فرمود هفت گسینو که خدای تعالی

آنان را در سایه خود آورد روزی که بحسب ز سایه او سایه دیگری نباشد. ازین بهقت
 کس رایگی. هر دو شخص هستند که همدیگر را بخاطر خدا دوست دارند. هم رسیدن
 شان و همدیگر را دیدار کردن شان بخاطر خدا باشد. و از هم جدا شدن شان
 بخاطر خدا باشد. برادران عزیز. بیایید با هم عزیم کنیم که همدیگر را همیمان
 دوست بداریم و دل و زبان را بیاد خدا مشغول داریم و بصمیم خود بر کارهای خیر
 بکوشیم. و از کارهایی که برخلاف دستور پروردگار است اجتناب کنیم و همدیگر را
 یار و مددگار باشیم. که اگر چنین تصمیمی بگیریم. خداوند درهای رحمتش بر ما بگشاید
 و ما را در دنیا و آخرت سعادت مند و موفق فرماید. در حدیث صحیح است
 که محروم از رحمت خدا باد کسی که ماه رمضان را دریافت و کاری نکرد که مایه
 خوشنودی خدا باشد و خدا او را بیامزد. آمرزشش خدا بر همه نزدیک است
 بر ما لازم است که خود را آماده مغفرت نماییم پروردگار ما را عذاب
 تو طاقت نیست در این ماه مبارک دلهای ما را از نور ایمان روشن کن. و زبان ما
 ما را بیاد خود و به طاعتت دادار کن قلوب ما را از تجلی رحمتت آراسته دار باران
 رحمتی نازل فرما تا در این ماه خاطرمان آسوده گردد در وی سپاس گذاری
 بدرگاہت آوریم بار الهی نه عادت تو بوده است که این مشتکی خاک را چنین میخند
 فرمانی آفرید گارابه نعمتهای تو بزرگ شده ایم و بر دین مسبین اسلام پایدارمان
 فرموده ای از دریای رحمتت قطره ای ما را کافی است. نظر لطفی بسوی ما معطوف
 دار تا سعادت و دجهان را دریا بیم و ما را بر پیروی از حضرت محمد مصطفی موقوف
 فرما و سروران ادلی الامر را بر احیاء شریعت مدد فرما و دین مسبین اسلام را در سر امر

جهان نشوردار تا سرافرازی دنیا و عزت عقبی نصیب همه مسلمین باشد۔
وصلی الله تعالیٰ وسلم علی سیدنا محمد والہ وصحبہ والصالحین
سبحان ربک رب العزۃ عما یصفون وسلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین

۴۸- روزه که فرض شد است در ماه رمضان هر امر حکمت
 است فرمانبردستوارش بعت باشد که سعادت آن در آن است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ
 وَقَدْ الْحَمْدَ لِلَّهِ وَسَلَامًا عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى
 ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ - أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ ﴾

ای مردمی که ایمان آورده اید فرض شد بر شما روزه داری هما
 نگونه که بر مردم پیش از شما فرض گردید - این فرض کردن روزه باری بخاطر
 پرهمیزگاری شماست - روزه های انگشت شمارى است - روزه بر
 پرهمیزگارى است تا روزه داران پرهمیزگارى را پیشه کنند - و از
 نافرمانى خداى تعالى و آنچه باعث خشم او میگردد پرهمیززند
 روزه داری فرضى است که بر تمام ملت های پیش فرض بوده است -
 خداى تعالى روزه داری را برای رستگارى مقرر داشت - تا در
 این چند روز انگشت شمار مردم با ایمان توشه ای برای آخرت
 خود بیند و زند - و اگر سنگی و تشنگی خود بیاد در ماندگان و ناتوانان

افتند تا در این ماه مبارک هر کس که توانائی دارد - همسایگان و خویشاوندان و بنوایا
 را دلشاد سازد - افطار روزه داران - شادمانی - دستگیری عیال مسندان - و نحو
 کردن - بپوه زنان - اعمالی است که رضای خدای متعال بسیار می آورد - در این
 ماه مبارک هر کس باید گذشته خود را بسنجد - از عمری که از دست رفته هرگاه
 نه بر طاعت حق تعالی بوده باشد - ندامت حاصل نماید - برای بقیه
 عمر خود فکری صحیح نماید - و از دنیای زودگذر - کارهای خیر - نام نیک بخشنودی
 خدا دست آورد - در رمضان گذشته هم افرادی بوده اند که اکنون چهره در نقاب
 خاک کشیده اند - باید از گذشته تکان درس عبرت گرفت و برای پس از
 مرگ توشه داشت - ماه رمضان - ماه تلاوت قران و یاد خدا و اعمال خیر
 است - کسانیکه نماز مغرب و عشاء و صبح با جماعت بخوانند فضیلت بیله تقدیر
 رامی یابند - و کسانیکه هفتج فرض با جماعت بخوانند مانند این است که شب و
 روز را به عبادت گذرانده باشند - اما نماز با جماعت برای بفرجه میدگر بودن
 است برای بددکاری یکدیگر و مساعدت همدیگر است برای دوستی و همکاری
 بایکدیگر است - در حدیث است

لا المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يخذله ولا يكذب به ولا يحقره بحسب

امرئ من الشرائع يحقره أخاه المسلم - كل المسلم على المسلم حرام دمه و ما له و عرقه

او کما قال ع حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: مسلمان برادر مسلمان
 است - مسلمان مسلم به برادر خود روا نمیدارد در مسلمان دست از تپاری
 برادر خود نمیکشد - مسلمان به برادر خود دروغ نمیگوید - مسلمان برادر مسلمان را

خواری شمارد۔ کفایت است در پستی شخص آنکه برادر مسلمان خود را خواری دارد بجهت
 مسلمان برادر مسلمان حرام است۔ خون و مال و ناموس مسلمان حرام
 است۔ کسیکه ستم بر برادر مسلمان نمود مسلمان نیست۔ کسیکه دست
 از محکم و یاری مسلمان کشید مسلمان نیست۔ کسیکه دروغ به مسلمان
 گفت مسلمان نیست۔ کسیکه برادر مسلمان خود را خواری داشت مسلمان نیست
 و وظیفه هر مسلمان است که برای عزت مندی برادران مسلمان بکوشد احترام
 مسلمانان را در خون و مال و ناموس شان نگهدارد۔ ماه مبارک رمضان۔ ماه
 راستگویی و درست کاری و مددگاری است۔ حضرت رسول اللہ صلی اللہ
 وآلہ و صحبہ وسلم فرمود:

«امن لم یدع قول الزور والعمل به فلیس لله حاجة فی أن یدع

طعامه وشرابه» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه در این ماه از گفتار زور و کردار زور دست برداشت۔ خدا
 را حاجتی به ترک خوراک و آب او نیست۔ روزه داری برائے ترک گفتار ناپسند
 و کردار نیکویم برده است۔ کسیکه گفتار خود را راست نکرد و اعمال خود را
 درست نہ نمود متغنی روزه داری را ندانسته است۔ از ابن عباس روایت
 است که رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبہ وسلم فرمود:

«عدو الإسلام وقواعد الدين ثلاثٌ عليهم أنسَس الإسلام
 من ترك واحدةً منهم فهو بها كافرٌ حلال الدم شهادة أن لا اله الا
 الله والصلاة المكتوبة وصوم رمضان» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

دست گیره های اسلام و پایه های دین مبین - سه است که بر این سه پایه بنا شده
 گذاری دین اسلام است - هر کس یکی از این پایه را ترک گوید - او سبب آن کافری
 خون آلود می گردد - گواهی دادن آنکه نیست - معبودی بحق جز خدای یکتا - و نماز
 فرض و روزه رمضان کسی می تواند بخوید گواهی به

((لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ))

دارد که ماده را پرستند شهوت ناروا را پیروی نکند فرمانبردار خدای
 متعال باشد کسیکه ماده پرست باشد خدا پرست نخواهد بود -
 کسیکه هوی و هوس حرام را اجابت کند - خدایان متعدد را عبادت کرده است
 کسیکه نماز را ترک نمود - دوستی میان خود و خدا را قطع کردن است کسیکه
 روزه رمضان نگرفت - و در ساعتی چند دست از خوراک و آب نکشد - بجای
 بندگی خدای متعال - شکم را بندگی کرده است و معروف است کسیکه شکم را
 بندگی کند قیمت او همان است که از شکم برون آید - این ماه - ماه طاعت
 خدا و خدا و خدمت بخلق میباشد خدای متعال فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِمٌّ ﴾

ای مردمیکه ایمان آورده اید بسیار از گمانها را زیر بعضی
 از گمانها نگهاری است - و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

((اياكم والظن فان الظن اكذب الحديث))

شماره اول - همیشه میباید از گمان بد زیرا گمان بد درو مخترن گفتار است
 یکی از بهترین سببهای بیچارگی هر مردمی گمان بد به هم دیگر بودن است - وظیفه

هر مسلمان است که نسبت به برادر مسلمان خود خوشش عقیده و خوش گمان باشد گمان بد مایه تفرق و تفرق مایه پشت سر یکدیگر صحبت کردن - و غیبت مایه کدورت و اختلاف میگردد - و مسلمان کسی است که دل و زبانش در راه خیر باشد - زیرا مردم مسلمان همه اهل خیر و مورد مغفرت هستند حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود - که مردی گفت سوگند یاد می کنم که خدا - فلان را نمی آرزود خدای عزوجل فرمود که این چه کسی است که سوگند بر من یاد می کند که فلان را نمی آرزوم - من فلان را آرزویم و اعمال تو را ساقط ساختم - قال رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم :

« قال رجل والله لا يخفر الله لفلان فقال الله عز وجل من ذا الذي يتأ

عليان لا اغفر لفلان اتي غفرت له واحبطت عمالك » او كما قال رسول

خوشحال مردمی که دستورهای مقدسه حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم بکار بندند و سعادتمند شوند - خدا یادرت دعا بدرگاه عظمتت فراداشته ایم تا از عنایتت گره از کار فرو بسته ما بجشای - دلهای ما را محبتت آراسته در خواسته های ما بر آورده ساز دعا های ما را اجابت فرما به بجز درگاه تو پناه گاهی داریم و نه بسوی عمیر تو عبادت و التجای داریم فقط ما را به عنایتت چاره کن - ما را توفیق ده تا در همه حال رضای تو جوئیم و بر ما رحمتت کن که خوشی در دنیا و عقبی بیابیم - سروران اولی الامر ما را در نشر اسلام موفق فرما و مسلمین را در احیاء سنت مددیه نما تا همه مان از تو راضی و توازه ما خشنود باشی -

سوره علی المرتضی و الحمد لله رب العالمین

وصلی الله تعالی وسلم علی سیدنا محمد و آله و صحبه و الصالحین سبحان ربك رب العزة عما یصفون

۴۹- نگه‌داری زبان و هم‌عضوی. آدمی در برابر آن مسؤلیت دارد که هر اعضاء باید به نیکوکاری و طاعت خدا و ادانت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِیْنَ - وَقُلِ الْحَمْدُ
لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی - قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی
﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَیْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ اِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ
كُلُّ اُولٰٓئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُوْلًا﴾ الاسراء - ۲۶

پیروی نماز آنچه که بر آن اطلاع نداری زیر گوش چشم و دل همه اینها برمی
از آنها مسؤلیت دارد. در دل نباید عقیده بد راه یا بد چشم نباید در صحیح
بکار رود. گوش نباید شنید گفتار دروغ و سخنهای هرزه عادت کند
دل محل تجلی انوار خدا است. باید همیشه پاک و بی آلیش باشد چشم
که از بزرگترین نعمتها است باید در طاعت خدا بکار رود. گوش باید برای
شنیدن گفتار خیر و سخنان راست باشد همانطور که حضرت
رسول الله صلی الله علیه وسلم دستور میفرماید -

﴿مَنْ كَانَ یَوْمًا بِاللّٰهِ وَالیَوْمِ الْآخِرِ فَلَیْقُلْ خَیْرًا اَوْ لَیصُمْتُ كَمَا یَاخُطُّوْنَ
ایمان بخدا و روز قیامت دارد بگوید گفتار خوب و یا خاموش ماند. همان

هم پیر هیزد از شنیدن گفتار یهوده - در زندگی چه وقت های گرانها که
 ضلح میشود - و چه سخنان زائد که وقت را میگیرد - در حالیکه ممکن است بجای
 آن یاد خدا کرد - در واداشتن بجنب گفتگو نمود - در نصیحت و پند بستگان
 کوشید - قال الله تعالی

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ هر سخنی که آدمی بر زبان
 می آورد نزد او فرشته ای است که آن را به حساب او می نویسد - اگر شخصی
 بجای گفتار یهوده یاد خدا می کرد - یاد انشی که بکارش آید می آموخت
 یاد در راهنمایی و نصیحت گام بر میداشت - بسیاری از اوقات عمر خود را در طاعت
 صرف می نمود - روی البخاری و مسلم

عن ابی موسی الأشعری رضی الله عنه - قال قلت یارسول الله آیا المسلمین

أفضل؟ قال من سلم المسلمون من لسانه ویده ۲۲

ابو موسی اشعری گوید گفتم یارسول الله کدام یک از مسلمانان برتری
 دارند فرمود کسیکه مسلمانان از دست و زبان او سلامت باشند - هر شخصی که مردم
 را از دست و زبان خود سلامت بدارد - برای خود فضیلتی بدست آورده است
 زیرا ابدار مسلمانان بر استقامت است - و کسیکه دست و زبان خود را از شر باز
 داشت - همترین راه استقامت را گرفته است - در صحیح ترمذی از سفیان بن عبد الله
 رضی الله عنه روایت مینماید که گفتم یارسول الله مرا خبر کرده به کاری که مایه نگهباری
 من باشد - فرمود :

« قُلْ أَمَنْتُ بِاللَّهِ ثُمَّ اسْتَقِمْ »

بگو ایمان آوردم بخدا تعالی و بر ایمان خود استقامت داشته باش - گفتم
 (ای رسول الله)

ما نخوف ما تخاف علی؟ فاخذ بلسان نفسه ثم قال هذا
 کدام چیز بیشتر مایه ترس و هراس بر من است رسول الله زبان
 خود را گرفت و فرمود این - زیرا زبان است که میتوان آنرا وسیله سعادت
 و یا وسیله شقاوت ساخت -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: من دعا إلى هدى كان له
 من الاجر مثل اجور من تبعه لا ينقص ذلك من اجورهم شيئاً
 کیکی دعوت نمود بسوی راه راست و کار خوب می باشد برای
 او از ثواب برابر ثواب کسانی که از او پیروی کنند بدون
 آنکه از ثواب آنها کم شود همین راهنمایی در راه خیر - و شتافتن به کمک
 کسانی که دچار زحمتی باشند از بهترین کارها است - و حضرت رسول صلی الله
 علیه وآله وسلم فرماید -

لن يشبع مؤمن من خير حتى يكون مشتهاه الجنة شخص با ایمان از
 اعمال خیر سیر نمی شود تا موقعیکه پایان کارهای خیرش بهشت باشد - از
 شتافتن به کمک فروماندگان - از سرپرستی یتیمان - از کمک برای علاج بیمار
 از احسان به همسایگان - از خوبی به خویشاوندان - از تعمیر مساجد و آب انبار بیمار
 ستان و دیگر اعمال خیر - که شخص با ایمان همیشه میخواهد از زندگی زودگذر توشه
 از رضای خدا و راحت بندگان خدا - فراهم آورد - تا پایان کارش بهشت باشد

و حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبہ وسلم فرمود : انما الدنیا الاربعۃ نفر
 عبد رزقہ اسد مالاً و عاکماً فھو یتقی فیہ ربہ و یصل فیہ رحمہ و یعلم سد فیہ حقاً فھذا بأفضل
 المنازل - و عبد رزقہ اسد عاکماً و لم یرزقہ مالاً فھو صادق النیۃ یقول لو أن لی مالاً لعلمت
 بعمل فلان . فھو بتینہ فأجرھا سواہ و عبد رزقہ اسد مالاً و لم یرزقہ عاکماً فھو یحفظ فیہ
 فی مالہ بغیر علم لایستقی فیہ ربہ و لایصل فیہ رحمہ و لایعلم سد فیہ حقاً فھذا بأخبث
 المنازل و عبد لم یرزقہ اسد مالاً و لاعلماً فھو یقول لو أن لی مالاً لعلمت فیہ بعمل فلان
 فھو بنیتہ فوزرھا سواہ .

دنیا بڑے چار کس است - بندہ ای کہ خدا مال و علم بہ او عطا فرمود
 و او در مال خود پر سپین کاری را پیشہ سازد - و نسبت بہ ارھام خود احسان
 و خوبے نماید - و حقوق خداوندی را در مال می شناسد - و مال را در راه خیر و
 آنطور کہ فرمان خدا است بہ کاری اندازد - و این شخص بالاترین منزلت
 را نزد خدا دارد - و بندہ ای کہ خدا علم بہ او عطا فرمود و مال بہ او نداد - و او درست
 نیت است میگوید اگر مال داشتہم مانند فلان کہ در مال خود حقوق خداوندی را
 رعایت می کنند - من ہم مانند او مال را در راه خدا بہ کاری انداختہم - این ہم
 بہ حساب نیتش اجر دارد - و این دو در ثواب مانند ہم ہستند - و بندہ ای کہ خدا مال
 بہ او داد و علم بہ او نداد و او مادانی را در مال بکاری برد - نہ پر سپین کاری دارد
 نہ ارھام خود را می شناسد - نہ حقوق خداوندی را در مال رعایت میکند - و این
 در پست ترین منزلتہا است - و بندہ ای کہ خداوند نہ علم بہ او داد نہ مال - و او بی
 گوید اگر مال داشتہم مانند فلان کہ حقوق خداوندی را در مال رعایت نمیکنند مال را

در بسیار به بکار می انداختم - و این شخص هم بحساب نادستی نیتش در گناه کاری است
 و این دو در گناه یکسانند - خدای متعال مال و علم و آنچه را که آفرید برای خیر و خوبی
 آفرید - کسیکه راه سعادت را در پیش گرفت - از همه در شهامی خدا - راه
 خیر در پیش گرفت - و وجود خود را در راه خیر بکار انداخت و کوشش کرد تا در این
 جهان که گشتزار آخرت است - بلندترین منزهت را بدست آورد - و در
 روز آخر نیک نختی و سرفرازی دو جهان را یافت - خدایا توفیق بر طاعت
 هنگامی فراهم آید که معونت تو شامل حال ما باشد - پروردگارا طاعات وقتی بجا
 آید که به حلیه قبول تو آراسته گردد - آفریدگار الطف و رحمتی مبذول دار که اعمال
 ما در همه حال همراه رضای تو باشد - خدایا اگر بخوانی بحز درگاه تو پناهی
 نداریم و اگر برانی بجز درگاه تو گریز گاهی نداریم اعتماد ما بسندگانت همیشه بر ذات
 بخشایشگر و مهربان تو است - بار الهی تو این طاعت بما عطا فرما - و زندگی
 ما را بنور طاعتت روشن کن - و همراهیت در دو جهان با ما همراه دار - پروردگارا
 اولی الامر ما را شالسته فرما و برای اجرای تعالیم اسلام توفیق ده تا خرد و بزرگ
 بسوی تو آئیم ای توانای بی نیاز - نیاز ما را بر آورده ساز -

وصلی الله تعلق علی سیدنا محمد و آله و صحبه و الصالحین و سلم -

سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين -

۵. چه موقع میتوان به ایمان داری اعتماد داشت موفقیکه برای برادر همان خواهی که برای خودت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقِيْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقَلِيلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ

اضطفتی -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى « كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ » آل عمران - ۱۱۰

شما مسلمانان بهترین امتی هستید که برون آورده شدند برای مردم - زیرا واداری
کنید بخوبی جلوگیری می کنید از بدی مسلمان باید خود خوب باشد و مردم را بخوبی
وادارد - و مسلمان باید خود را از بدی دور دارد و مردم را از بدی جلوگیری نماید
اگر هر فرد از افراد مسلمین برائے خوب شدن خود و داشتن بستگان خود
بخوبی سعی نمود - اجتماع مسلمین از بهترین اجتماع جهان قرار میگرفت
وقال الله تعالى « وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ » التوبة - ۷۱

مردان با ایمان و زنان با ایمان - دوستان همدیگرند سعادت
همدیگر را میجویند - یکدیگر را بخوبی و امیدارند - و همدیگر را از بدی باز میدارند -

دوستی در آن است که هر مسلمان آنچه را برای خود دوست میدارد - برای برادر خود دوست بدارد - خدای متعال مؤمنان را برادر همید یگردانت و فرمود:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ الحجرات - ۱۰

مؤمنان همه برادران یکدیگرند - و به مقتضای برادری و محبت باهمدگر
همراهند و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود:

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِإِخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ

هر یک از شما موقعی میتواند بگوید ایمان دارم که دوست بدارد برای
برادر خود - آنچه را که برای خود دوست میدارد - غم خواری مسلمین و اظهار نصیحت
برای فرد مسلمین از شعبه های امر بمعروف و نهی از منکر است چیر
بن عبد الله رضی الله تعالی عنه گوید

بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَىٰ إِقَامِ الصَّلَاةِ
وَإِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَالنَّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ (مَنْ بَايَعْتَ

نمودم با رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم - که نصیحت را از هیچ یک
از مسلمین دریغ ندارم عبادة بن الصامت رضی الله عنه گوید -

بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَىٰ أَنْ نَقُولَ بِالْحَقِّ إِنَّمَا

كُنَّا لَانْخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَأَنَّمَا

ما یاران پیغمبر صلوات الله و سلامه علیه بیعت نمودیم با رسول الله
که حرف حق بگوئیم هر جا که باشیم و نترسیم در راه خدا - از ملامت شرزش
کننده - اگر مردم عادت میکردند که حرف حق بگویند هیچ حقی ضایع نمی شد -

اگر مردم حرف زور را نمی پذیرفتند هیچ حقی پائمال نمی شد. دین مبین اسلام بر پایه امر معروف و نهی از منکر پایه گذاری شده است دین مبین اسلام بر پایه احقاق حقی و ابطال باطل پایه گذاری شده است؛ و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرماید:

« لا تزال طائفة من أمتي ظاهرين على الحق لا يضرهم من خذلهم

حتى ياتي أمر الله ».

همیشه طائفه ای از این امت در راه حق گام بر میدارند و حق را یاری و جاری میکنند. و کسانی که آنان را یاری نکنند - به آن زیبایی نتوانند رسانند و این طائفه که بر حق و حق را یاری میکنند - تار و زیارت موجودند - در راه نصیحت و واداشتن بخوبی و جلوگیری از بدی - سه خصلت لازم است که در این آیه ذکر شده است

﴿ خذِ الْحَقَّ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴾ الأعراف - ۱۹۹

گذشت را در نظر دار و بخوبی وادار کن و از نادانان روگردان باش - که در واداشتن بخوبی - گذشت و اخلاص لازم است - و هر گاه نصیحت کنار گذاشته شد - و هر فردی برای سعادت خود و برادران کوشش نکود - بندگان بیش از نیکوکاران شوند و در آن موقع وجود نیکوکاری هم نتیجه ندهد - ام المؤمنین زینب بنت جحش رضی الله عنهما گوید: عرض کردم یا رسول الله:

أَنْهَلِكُ وَفِينَا الصَّالِحُونَ؟ قَالَ نَعْمَ إِذَا كَثُرَ الْخَبْثُ.

آیا با وجود صالحان در میان ما بیهلاکت میسریم؛ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم

فرمود بی وقتیکه ناپاک زیاد شد - نعمان بن بشیر انصاری رضی الله عنهما گوید:
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« مثل القائم فی حد و دانه و الواقع فیها کمثل قوم استهمو اعلی

سفینة - فصار بعضهم اعلاها و بعضهم اسفلها فان الذین فی اسفلها
إذا استقوا من الماء - متروا علی من فوقهم - فقالوا لوانا خرقتنا فی نصیبنا خرقتنا
ولم نؤذ من فوقنا فان ترکوهم و ما أوردوا و اهلکوا جمیعاً و ان أخذوا

أعلی آید بهم نجوا و نجوا جمیعاً - »

مثال کیکه جلوسیگیر داز بدیها و مثال کیکه میخوایدیدی نماید مثال
جماعتی است که بر کشتی نشستند و حامیان خود قسمت کردند بعضی در پایین کشتی
نشستند و بعضی در بالای کشتی - آنهاست کیکه در پایین کشتی بودند برای گرفتن
آب به بالای آمدند و از دریا آب میکشیدند ایسان که در پایین کشتی نشستن داشتند
گفتند - اگر از پایین کشتی سوراخ میکردیم و آب میگرفتیم - مزارحم آنهاست کیکه بالا نشسته
نمی شدیم - در این موقع اگر آنهاست کیکه در بالا نشسته اند نگذارند کشتی را سوراخ کنند
تا بگی سلامت شوند - اما اگر بگذارند کشتی سوراخ کنند همه با هم غرق خواهند شد همین
گونه - اگر کسانیکه میتوانند نصیحت کنند - وقتی که دیدند یکی از برادران میخواید در
راه معاصی گام بردارد - اگر خوبی و نصیحت جلوا و بگیرند بگی سلامت خواهند شد -

و اگر طریق معاصی و راههای بد - باز شد عقوبت آن به همه میرسد در دین
مبین اسلام همه افراد اُمت مسؤل هم دیگر هستند - و بگی باید به اصلاح
همدیگر بکوشند - اکنون که ماه مبارک رمضان است - و عبادت در آن چند

برابر ثواب دارد وقت آن است که همه افراد به فکر آیند. نیکوکاران
بر نیکوکاری خود میفزایند. و بدکاران جلوه خود را بگیرند و داشتن به خوبی و
جلوگیری از بدی زحمتی ندارد. اگر هر کس از خودش و بستگانش شروع
کند. نتیجه آن قطعی است. حذیفه رضی الله عنه گوید. حضرت رسول الله صلی الله
علیه و آله وسلم فرمود:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
أُولَئِكَ سَيَرْضَى اللَّهُ عَنْهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
اولیوشکن الله ان یبعث علیکم عقاباً منه ثم تدعونہ فلا
یستجاب لکم۔

قسم به آن خدا سبیکه روح من در دست او است هر آینه باید سنجی
و ادارید (همدیگر را) و از بدی باز دارید یکدیگر را با اینکه اگر چنین نمودید و چار سازد
خداوند شمار را به عقوبتی از نزد خود. از آن بس دعای کنید و به اجابت نرسید
آنها سبیکه خوشی عمر را میسخرانند. و آنانیکه نیک نختی زندگی میجویند. و آنانیکه
شائستگی فرزندان و بستگان می طلبند. همه در تقوای و خدا شناسی و
داشتن خود و بستگان به طاعت و نیکو کاری است. در روزهای رمضان
هر لحظه از عمر را اگر می بشمارید هر یک بار که یاد خدا فراموش آید به غفلت گذرانید.
آنانیکه توانائی دارند همسنگان و خویشان و بنیویان را فراموش نکنند. و
بخاطر آوردن روزیکه نه مال دنیا همراهی برند و نه حسرت بکارشان می آید. فرزندان
خود را از خردی بر خدا شناسی و ایمان بار آورید. تا در بزرگی بایه چشم روشنی
و نیکنامی شما باشند. خدا یا توفیق ده که بینائی بکار آورد و پرده غفلت از چشمها بردارد

و پوشه غرور از دلهای بزداید - آفریدگار دلهای همه دست تو است - دلها را
 بر راستی و درستی وادار کن - تا مهر تو غالب شود - و برای رضای تو از خود گذشتگی
 آسان شود - پروردگار تصمیم گرفته ایم که در همه کار رضای تو جوئیم - تو ما را بر اجراء تصمیم
 خیر موفق گردان بار اللسانه تو را به طاعت ما حاجتی - و نه ما را به عذاب تو
 طاقتی همان به که آمرزشت شامل همه مان فرمائی - ای ایزد تو انامی در این عالم
 و بزرگان ما را موفق گردان تا در احیاء سنت بکوشند و همه ملت را توفیق ده
 تا در احیاء شریعت همگام شوند - و پروردگاران رحمتی عطا فرما تا دلهای شاد
 شود و شهرها آباد شوند و همه بسپاس تو مشغول شویم -

وصلی الله تعالی وسلم علی سیدنا محمد و آله وصحبه
 و الصالحین سبحان ربك رب العزت عما یصفون و سلم
 علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین

اها قصد خیر و خیر خواهی مردم. دعای خیر به مردم. نکوکاری مردم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله وصحبه والصلحين وقل الحمد
لله وسلاماً على عباده الذين اصطفى

قال الله تعالى ﴿ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ
لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ ﴾ الحشر - ۱۰

و مردمیکه از بعد می آیند میگویند ای پروردگار ما بیا مرز برای برادران ما
که پیش از ما ایمان آوردند. در این آیه خدای متعال بیان فرموده که
مسلمانان همه مربوط بهم هستند. گذشتگان برای آیندگان دعا کرده اند.
و آیندگان برای گذشتگان دعا میکنند. و همه بهر یکدیگر رادعای خیر مینمایند
و در آیه دیگر ﴿ وَاسْتَغْفِرْ لَذُنُوبِكَ وَاللْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ﴾ محمد - ۱۹
طلب مغفرت و آمرزش کن تو ای رسول الله برای گناه خودت برای
مردان و زنان با ایمان. که در دین مبین اسلام دعای خیر میان پیغمبر و
امت برتر است. پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم امت خود را دعا کرده است
و امت به درود و سلام او را دعا کنند. ابو داود رضی الله عنه گوید شنیدم از رسول
که میفرمود: « ما من عبد مسلم يدعو لأخيه بظهر الغيب إلا قال الملك و لك
مثل »

هر بنده مسلمان که دعای خیر برای برادر مسلمان خود نماید - فرشته گوید
تورا همانند این دعا است: و حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

دعوة المراء المسلم لأخيه يظهر الغيب مستجابة

دعا کردن شخص مسلمان برای برادرش وقتی که او حاضر نیست به اجابت
میرسد - و این خود میرساند که هر مسلمان در غیاب برادر مسلمانش دعای
خیر نماید تا دعای او در حق برادرش به اجابت رسد - و میرساند که وظیفه مسلمانان
نسبت به دیگر محبت و دعای خیر است و از اسامه بن زید رضی الله تعالی عنهما
روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

« من صنع إليه معروف فقال لفاعله جزاك الله خيرا فقد أبلغ في الثناء ».

کسیکه خوبی بر او شد - و به خوبی کند - گفت: خدا جزای خیرت دهد -
و حقیقت در ستایش او مبالغه نموده است - و در حدیث دارد است: من اسد
الیکم معروف فکافئه فان لم تقدر و افاد عواله - کسیکه نسبت بشما خوبی
نمود شما هم نسبت به او خوبی کنید - اگر نتوانستید که در برابر خوبی احسان او - خوبی
کنید - پس دعای خیر به او نماید - جابر بن عبد الله انصاری رضی الله عنهما گوید
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: تفیرین بخود و فرزندان و مالهای تان نه کنید مبادا
که موافقت نماید با ساعتی که خدای تان او را دعا را می پذیرد در آنگاه نفرین شما برود
و فرزند و مالهای تان بزبان تان گردد - و بی برکتی عمر و یا ناخلف شدن فرزند
و نپاییدن مال بیمار آورد - عبادة بن الصامت رضی الله عنه گوید:
رسول الله صلی الله علیه واله وسلم فرمود: ما علی الارض مسلم یدعوا الله بدعوة إلا

آتاه الله إياها أو صرف عنه من التؤ مثلها ما لم يدع بإثم أو قطيعة رحم فقال
رجل من القوم إذ أنكر قال الله أكثر.

ہر مسلمان کہ از خدا بخواہد در دعای خود - خداوند خواستہ اورا بہد و پنا
بہمان اندازہ بدی را از وی دفع کند (و در بعضی روایات - و یا بہمان اندازہ
ثواب برای او ذخیرہ نماید) مادامیکہ دعای او در گناہ و یا در قطع
ارحام او نباشد - مروا از آن گروه گفت: اگر دعا چنیں است کہ بی اثر
نماند یا خواستہ بدست آید و یا بدی دفع شود و یا ثواب آن ذخیرہ شود - دعا
را بسیار نمایم - رسول اللہ فرمود خدا عطاایش بیشتر است ہر چی
بیش دعا نما سید احسان او خواہد افزود - از ابو ہریرہ رضی اللہ تعالیٰ عنہ روایت
است کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود:

(اقرب ما یكون العبد من ربه وهو ساجد فاكثروا له عار).

زدی کمترین موقع بندہ از پروردگار - موقعی است کہ بندہ سر بسجود نہادہ
باشد - از ایزاہ در سجود خود دعا بسیار نماید - عبد اللہ بن عباس رضی اللہ
تعالیٰ عنہما گوید: رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در وقت سختی می فرمود:
«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ» .

دعا را نیز شرطی است کہ حضور قلب و قصد خیر بقدرت
از ہمتترین آنها است - و حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود کہ
خدای عز و جل پیمبران را بہ خوردن حلال دستور داد فرمود:

«يَا أَيُّهَا الرِّسَالُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا» المؤمنون - ۵۱
 ای پیمبران بخورید از حلال و بکنید اعمال شایسته را و به مؤمنان
 همین دستور داد و فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ»
 ای مردم میکد ایسان آورده اید بخورید از حلال آنچه روزی تان نمودیم و شکر
 خدا بجا آورید -

«تَمَّ ذِكْرَ الرَّجُلِ الطَّيِّبِ الشَّيْخِ إِعْبَادِ إِلَى السَّمَاءِ يَأْرِبُ
 وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَعَدَى بِالْحَرَامِ قَاتِي
 يَسْتَجَابُ لَهُ»

آنگاه یاد فرمود مردی را که سفر طولانی نموده و پراکنده مودگر آلوده و
 در نجس سفر دوری از اهل و وطن او را به ستوه آورده - دستهارا بالامی پرو
 ای پروردگرم ای پروردگرمی گوید اما خوراکش حرام و آشامیدنی او حرام و
 پوشاک او حرام و به حرام بزرگ شده است - چگونه دعای او به اجابت رسد
 اما باید دانست که حلال و حرام همیشه بوده و همیشه هست - و در هر عصر و زمانی حلال
 و حرام - از یکدیگر جداست و در زندگی افراد - هر کس طالب حلال باشد
 می یابد - و تا دنیا باقی است - طرق مشروع - و راههای کرب حلال موجود است
 دعای خیر در حق اهدیگر کردن و طیفه مسلمین است - و یکدیگر را مدد کردن
 عادت مؤمنان - و گرامی داشتن عمر و صرف وقت در کارهای پسندیده
 شان عاقلان است - و دوری جستن از اطلاق وقت و سخنان بیهوده
 عادت خدا شناسان است - خدا تعالی فرمود :

«وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» المؤمنون - ۳

مردم با ایمان کسانی هستند که از بیهوده روگردان هستند. و بهمان
 که حاضر نیستند بیهوده را بشنوند. اگر در باره برادر مسلمان گفتاری ناهموار
 شنیدند. از برادر خود دفاع کنند. و حاضر نیستند که در حضورشان نسبت به
 برادر مسلمان نکوهش شود. ابوالدرداء رضی الله عنه از رسول الله صلی الله
 علیه و سلم روایت نمود که فرمود: ما

«وَمَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ النَّارَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

کیکه دفاع از شرف و ناموس برادر مسلمان نمود. خدای توانا
 آتش را از روی او دور دارد در روز قیامت. خدایا بما مهر و محبتی عطا
 کن که وسیله رضای تو گردد. و مایه خوشی دنیا و عقبی برای ما باشد پروردگار
 بما بصیرتی ده تا قیمت واقعی اشیا را دریا بیم و عمر را در راهی بکار نمانیم
 که دین و دنیا در برداشته باشد. خدایا غفلت از دلهای ما بردار و کینه و نادانی
 و آنچه چشم تو برانگیزد از ما دور دار. بار الهی نوری از ایمان صحیح بما عطا کن که
 راه را برای ما روشن سازد و خوشی دنیا و آخرت بار آورد. آفریدگار اولی الامر
 ما را موفق کن. تا در احیاء شریعت بکوشند و مسلمین را توفیق ده تا در جاده
 سلف صالح گام بردارند پروردگار در دنیا و آخرت ما را خوشی ده و دور ما را از
 عذاب آتش خدایا فرزندان و بستگان ما را از روشنائی مغفل بهره ای وافر ده تا فرزندان
 و بستگان مایه چشم روشنی ما باشند و سعادت مندی بار آورند.

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وصلی الله تعالی وسلم علی سیدنا محمد و آله و صحبه و الصالحین سبحان ربك رب العزة عما یصفون

۵۲- دروغ و غیبت و خبر چینی و بدخواهی ثواب روزه را باطل کند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقَلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِخَيْرٍ مَا
اَكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ الأعراب - ۵۸

مردمی که می آزارند مردان و زنان با ایمان را بدون آنکه گناه کرده باشند
پس هر آینه گناه آشکار و پنهان را تحمل کرده اند - اذیت و آزار نسبت به همه
چیز و همه کس حرام است - و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و صحابه سلم
فرمود در باب آنکه آنچه خیر نتوانند فرمود:

« فَكَفَّ شَرَّكَ عَنِ النَّاسِ فَإِنَّهُ لَكَ صَدَقَةٌ »

پس اگر آنچه خیر نتوانی - شر خود را از مردم باز بدار و جلیوگیری
از شر برای تو صدقه می باشد و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود
« مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْحُوحَ عَنِ النَّارِ وَكَيْدِ خَلِّ الْجَنَّةِ فَلْيَأْتِ مَنِيَّتَهُ
وَهُوَ مُؤْمِنٌ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ - وَلْيَأْتِ إِلَى
النَّاسِ الَّذِي يَحِبُّ أَنْ تَتَوَقَّى إِلَيْهِ ».

کیکه دوست دارد که از آتش دور شود و به بهشت نزدیک گردد
دو کار را انجام دهد - یکی اینکه ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد

تا روز مرگ - دوّم اینست که با مردم همانگونه رفتار کند که دوست میدارد مردم
با او رفتار کنند - و در حدیث صحیح است مسلمان کسی است که مردم از دست
و زبان او بسلامت باشند و مومن کسی است که مردم او را بر خون و مال عین
دانند - و مهاجر کسی است که آنچه را که خداوند حرام فرمود ترک نماید
ماه مبارک رمضان موقعیت مناسبی است که هر فرد مسلمان گذشته
خود را بخاطر آورد - و برای آینه خود فکری بیندیشد - و عمر گرانبهارا
در راهی صرف کند که رضای خالق متعال بهمه راه داشته باشد - روزه داری
خود نعمت بزرگی است که تندرستی و نیک نختی از ثمرات آن است - برای
روزه داری فرض شرعی است - که نیت به شب باشد - و در تمام روز
از اذان صبح تا غروب آفتاب از آنچه روزه را باطل میکند دوری
جوید - خوردن بعمد و آشامیدن بعمد و نزدیکی و قبیحتی و عیب روزه را باطل کند
و برای روزه داری سنن و آداب است - بدن سستی واجب قبل از اذان
صبح انجام دادن - و زبان به چپیزی نزن و نظر و زبان دوست را از آنچه
نامناسب است نگه داشتن - راستگویی و اخلاص بر اوست پروردگار از اسباب
قبول روزه داری است - کوشش برای اقتصاد بر حلال از مهم ترین آداب
آن است - دروغ گوئی و غیبت و نیمه و خب چینی و مردم آزاری
روزه را از بین می برد - حضرت رسول صلی الله علیه و آله صحابه و سلم
فرمایند - (مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ
حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ) .

کسیکه گفت از زور غسل بر آن را در ماه رمضان از دست نداد
 خداوند متعال حاجتت به ترک خوراک و آب او ندارد - روز داری برای
 نزدیک شدن بخدا و آراستگی به اخلاق پسندیده و کارهای شایسته است
 کسیکه در ماه مبارک رمضان نخواست خود را به صفات پسندیده آراسته دارد
 چقدر محروم است - و رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرماید:

« رَبِّ صَارَتْ لِيَسْ لَه مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الظَّمَاءُ »
 چه بسیار روزه دارانی که بهره شان از روزه داری فقط تشنگی است
 و در حدیث است:

خَمْسٌ خِصَالٌ يَفْطُرُنَ الصَّائِمَ وَيَنْقُضُنَ الوَصْوَعِ:
 « الكَذِبُ وَالْخِيَاةُ وَالنَّمِيَةُ وَالنَّظْرَةُ بِشَمَوَةٍ وَالْيَمِينِ الكَاذِبَةُ »

پنج خصلتند که روزه دار بے روزه سازند و وضو را بشکنند - دروغ و
 غیبت و خب چینی و نظر به حرام و قسم دروغ ماه مبارک رمضان وقت
 آن است که فرد خود را به راست گوئی و یاد خدا و تلاوت قرآن و هر کار خیری که
 بتواند عادت دهد - و بکوشد مانند سلف صالح و همگام یاران پیغمبر
 صلی الله علیه و آله و سلم در خوبی و محبت گردد - خداوند در صفات یاران پیغمبر
 صلی الله علیه و آله و سلم فرموده:

« مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَالَّذِيْنَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ »

حضرت محمد فرستاده برحق خدا است و یاران او که با او همراهند
 نسبت بهم دیگر رحم دل و مهر بانند - یکی از خصوصیات مسلمین باید بپردازد

دوست داشتن باشد. حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم فرماید -

﴿ لَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا تَقَاطَعُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ ﴾

نسبت بهمدیگر بغض موزید - نسبت بیگدیگر حسد مبرید - و پشت به همدیگر ننمایید و قطع محبت از یکدیگر نکنید - و همه بندگان خدا و برادران یکدیگر باشید زیرا روایت که شخص مسلمان بیش از سه روز برادر مسلمان خود را ترک گوید و از سخن با او امتناع ورزد و فرمود

﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى اجْسَادِكُمْ وَلَا إِلَى صُورِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ ﴾

این را محقق بدانید که خدا نظر به چهره‌های شما نمی نماید - و صورتها و اعمال شما را نشود - و لکن نظر خدا بسوی دل‌های شماست - دل‌های خود را پاک کنید و دل‌های خود را نسبت بهمدیگر مهر و محبت کنید - تصمیم بگیری که همدگر را دوست بدارید - و سخن و صلاح همدیگر بگوئید - تا نظر رحمت حق تعالی استوجه دل‌های شما شود - دل‌های تان آراسته به ایمان دارد - اعمال تان را مقبول درگاهش گرداند - در دنیوی جهان کامیاب و سعادت مند تان فرماید - در راه رحمت پروردگار همیشه بروی بندگان‌ش بازااست - و خصوصاً در ماه رمضان که ماه رحمت و عنایت خداست - کوشش کنید که در این ماه - اعمال تان بکلیه قبول آراسته گردد - و دل‌های تان از اخلاص آماده بکلی انوار خدا گردد

سُئِلَ سَلْسَلَةُ عِدَاوَاتِ بَاحِضَاتِ جَسَدِ رَاذِلٍ مِمَّنْ دَوَّرَ كُنُوبَ حَضْرَتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ وَسَلَّمَ فَرَمَى:

إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدَ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ ۝

شمارا پرہیز می‌دہم از حسد زیرا حسد است کہ حسنات ائمتان را از بین می‌برد۔ صہانگو نہ کہ آتش ہیضم را می‌خورد و حسد در واقع اعتراض بر ارادہ خدا متعال است و از نتائج حسد است شتمت و خوشوقتی بہ اندوہ دیگران قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و اصحابہ وسلم

« لَا تَظْهَرِ الشَّمَاتَةَ لِأَخِيكَ فَيَرْحَمَهُ اللَّهُ وَيَبْتَلِيكَ ۝ »

شتمت را برای برادرت اظہار نکن۔ بہ اندوہ برادرت خوشنود مشو۔

لیبراہ۔ خدا برادرت را مورد رسم قرار دہد و او را از اندوہ برہاند۔ و تو را دوچار اندوہ سازد اگر بتوانی — کاری کن کہ بار از دو شخص خستہ دلان برداری و تا آنجا کہ مقدر است خوشوقتی مسلمانان را بنحواصحی و ہمیشہ بہ دل و زبان خیر و خوشی مسلمانان را خواہان باشی و از آنچہ مایہ ناراحتی برادران است بپرهیزی و زہد کہ ایچ کس از مسلمانان را حقیر نشماری کہ چہ بسیار افرادی کہ در نظر حقیر باشند ولی در اخلاص عمل بہتر آیند و بفرمودہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کفایت است درستی شخص آنکہ برادر مسلمان را بخوار دارد۔ خدا یاد لہائی مادر دست تو است از تو خواہیم تا دلہای ما را طورے آراستہ داری۔ کہ شاستہ تجلی نوار تو گردد۔ پروردگار اگر ما را بہ عدل خود مواخذہ فرمائی پس وای بر ما کہ در برابر عدل تو ایچ غمگلی از ما سالم نماند و اگر ما را بہ فضل خود شاد فرمائی غمگینہ روز

ترین انس را دعا و تمنی گردد آفریدگار از این مشتکی خاک چه ساختن آید
 اگر نه معونتی تو در توفیق بر طاعتت فراهم گردد - بار اله از آنچه شبایستهستی
 ما است و از تو آنچه سزاوار بزرگی و عظمت تو است تو ما را از تو میدی منع فرمودی
 بعد از سختی توید رحمت دادی خدایا ما را تاب و توانی ننماید چه چاره سزا
 نظر عنایت بسوی ما معطوف دارد و باران رحمتی مبدول دارد که دلها شاد
 گردد و بانها سپاست بجز خد و ویرانه ها آباد گردد خدایا اولی الامر را توفیق طاعتت
 ده تا پیشوائی رهنا باشند و طاعتت افزا گردند -

وصلی الله تعالی و سلم علی سیدنا محمد و آلِهِ
 و الصالحین - سبحان ربك رب العزة عما یصفون و
 سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین

۵۳ بخت گذاری در احسان. ریاکاری ثواب

احسان را باطل کند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى

قال الله تعالى «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ لِلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»
ای مرد میگردان ایمان آورده آید. صدقه ها و نیکو کاریهای خود را به بخت گذاری و آزدن باطل نکنید. مانند کسیکه مال خود را به راه ریا در نفاق کند و ایمان بخدا و روز قیامت نداشته باشد صدقه و احسان و نیکو کاری و کارهای خیر موعی پسندیده است که خالص برای خدا باشد. زیرا شرط قبول در درگاه خداست تعالی اخلاص است. و در آخرت هر عملی که خالص برای خدا نباشد فایده ندهد. کیسکه در احسان خود بخت گذاری پیشه کند. ثواب احسان خدا رتباہ کرده است حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم فرمود:

ثلاثة لا يكلمهم الله يوم القيامة ولا ينظر إليهم ولا يزكهم ولا يملأهم عذاب اليم. المسبل الزاره والمان الذي لا يعطى شيئا الا مئة والمنفق سلعة بالحلف الكاذب

آنکه گسنبکه خدای متعال با آنان سخن بفرماید در روز قیامت - و نظر رحمت بسوی ایشان ننماید و آنان را با کسبزه از گناه نازد و کسیکه دامن جامه و با لنگ و با شلوار را بقصد تکبر بر زمین کشاند و کسیکه منتت گذارد و هر چه بدهد منتت را با آنان همراه سازد و کسیکه کار خود را به قسم دروغ رواج دهد - و حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم فرمود:

(ثلاثة لا يقبل الله منهم يوم القيامة صرفا ولا عدلا عاقاً و مناناً و مكذباً بالقدر).

آنکه گسند که خدای تعالی نپذیرد از آنان در روز قیامت نه فرض و نه سنت را کسیکه نافرمانی پدر و مادر نماید - و کسیکه بر احسان خود منت نهاده - و کسیکه بجوید تقذیر نیت و فرمود:

﴿ يَا أَيُّهَا مُحَمَّدُ - وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَأَقْبِلَ اللَّهُ صَدَقَةً مِنْ

رَجُلٍ وَلَهُ قِرَابَةٌ مَحْتَلُونَ إِلَى صَلَاتِهِ وَيَصْرِفُهَا إِلَى غَيْرِهِمْ . وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ

لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴾ رواه الطبرانی برواية ثقات .

ای امت محمد صلی الله علیه وسلم - قسم بخورم کسیکه مرا بحق پیغمبر برگزیده خداوند نمی پذیرد صدقه شخصی را - که دارای خویشاوندان محتاج است - و نیاز به احسان او استند - و او صدقه را به افراد دیگری میدهد - قسم به آن خدایکه روح من در دست او است - خداوند نظر رحمت بسوی او نمی نماید در روز قیامت در این ماه مبارک کسانی که توانائی دارند بچوشت خویشاوندان خود را خوشنود کنند آنها سیکه خدای توانا از فضل خود تواناگرشان ساخت بفرکتیمان و میکنان و

بینوایان باشند و کاری کنند کہ در این ماہ مبارک خویشاوندان و مستمندان خاطرشان آسوده باشد و حاجتہ بہ خواہش و خواہشندگی نداشته باشد زیرا در اسلام خواہندگی منع شدہ است۔ و خواہش از این و آن کہ بایہ از دست رفتن آبرو است تحریم گردیدہ است۔ کاری کنید کہ نیازمندان در این ماہ مبارک نیازمند خواہش و سوال نشوند از مصرف کردن در راہ خیر مترسید کہ فدای متعال وعدہ جبران آن دادہ است۔ خداوند متعال فرمود

﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾۔ سبأ- ۳۹

آنچہ را کہ مصرف کنید در راہ خیر۔ خداوند جای آن پر نماید و او است بہترین روزی دہندگان و حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود

ثلاثة اقسام عليهن: ما نقصت صدقة من مال. وما ظلم احدًا

مظلمة فصر عليهما الا زاده الله به اعتذاً وما تواضع احد لله الا دفع الله

سے چیزان کہ من بر آہنہا قسم یاد می کنم یکی این کہ صدقہ و مصرف در راہ خیر ہر چہ گاہ از ماں کسی کم نکرد۔ و ہر کس کہ ستمی دید و شکیبائی پیشہ کرد و در صدقہ احقاق حق خود بر آمد خداوند عزتتش را بسیف نراید۔ خداوند فرمود:

﴿الذین اذا اصابهم البغي هم یلتصرون﴾۔ الشوری۔ ۳۹

و مرد می کہ ہر گاہ ستمی بہ ایشان رسید ہمدیگر را یاری دہند۔ و دوش دیر بار ظلم متزن نیند۔ و ہر کس فرودتی نمود برای خدا۔ و تکبر را پیشہ نکرد خداوند مقام او را بالا بود و در حدیث است:

من یتکفل لی ان لا یسأل الناس شیئاً تکفل له الجنة۔

کسیکه تعهد نماید برای من که از کسی چیزی نخواهد من ضامن بهشت هستم
برای او -

دری البیهقی عنه علیه السلام : لیستغن احدکم عن الناس
بقصیب سواک :

باید هر یک از شما اگر چوپ مسواکی داشته باشد خود را از مردم برباز
سازد -

وقال علیه السلام ان المسأله لا تحل لغتبی ولا لهدی مره سوئی
خواهش و خواهشندگی روایت برای کسیکه توانگر باشد و یا
اینکه دارای بینه سالم باشد و کاری بتواند - در این ماه مبارک بفریجه بگردید
همدیگری را یاری کنید - خویشاوندان خود را در بیداری بیدار کنید - بپوشان را
به احسان خود آسوزه سازید - از این چند روز عمر - توشه برای آخرت خود
ببند و زید و بشکر آن سلامتی و تندرستی خود ببیماران را به مددگاری بهبود
بخشید - اگر از گرفتاری فرزندان و بستگان بعد از وفات خود میهراسید
در ماندگان را در بیداری بیدار کنید - زندگی هر لحظه اش بیش از دنیا ارزش دارد - عمر گرانی
را بطلان است مگذرانید - بکوشید هر لحظه از عمر را در راهی که برای دنیا
و آخرت تان سودمند است بکار برید - شخص مسلمان وقتی که نیتش خوب و
قصدش صحیح باشد خواب و بیداریش طاعت است - سرپرستی بستگان
و دادرسی در ماندگان همه برایش عبادت است و از مهمترین عبادت - هنوز نماز
باجامعت است - در این ماه مبارک نماز را با جماعت بخوانید حضرت

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم فرمود:

من صلى أربعين يوماً في جماعة يدرك التكبيرة الأولى كتب له
بدرتان بدرئة من النار وبراءة من النفاق.

گیسکه چهل روز نماز با جماعت گذارد به اینکه در الله اکبر اول نماز
پشت سر امام حاضر بود. و در رهایی برای او ثبت میگردد. رهایی از دو تنخ
و در رهایی از نفاق دورویی. و در حدیث صحیح است که حضرت رسول الله صلی
علیه وآله وسلم فرمود:

« من صلى العشاء في جماعة يدرك التكبيرة الأولى كان كقيام

نصف ليلة ومن صلى الصبح في جماعة كان ما صلى الليل كله »

کسیکه نماز عشاء با جماعت خواند و الله اکبر اول نماز با
امام حاضر بود چنان است که نیچه از شب را به عبادت گذرانده باشد. و گیسکه
نماز صبح با جماعت خواند پس چنان است که همه شب را به عبادت گذرانده
باشد. آنانیکه نماز مغرب و عشاء و صبح را با جماعت بخوانند در همه رمضان
فضیلت لیلته القدر را یافته اند و آنیکه هر پنج وقت نماز را با جماعت بخوانند
فضیلت عبادت داین ماه مبارک را دانسته و یافتند و روح نماز
ابر از راز دنیا باز پروردگار است که دل در آن حاضر باشد. و خدا را یاد کند
و چند لحظه ای در نماز از فکر شواغل دنیا خود را آزاد سازد. هیچ دشواری نیست
که بر عادت آسان نشود عادت کنید که در نماز ارتباط میان خودتان و خدا
برقرار سازید در چند لحظه نماز ببینید چه در زندگی منخواهید و موقع بخود از خدا

بخوابید - زبان را بجای سخنهای بیفایده بیاد خدا و تلاوت قرآن و صلوات
 بر پیغمبر آراسته دارید - بیاد خود آورید روزی را که بر دهان و چشم و گوش
 پنجه نهند و تمام عمل آدمی را پایان بخشند - تا در آن روز از گشتن خود خوشنود
 باشید - و قدمتان بر آفریدگار متعال گرمی باشد - و فرزندان و بستگان
 را به نماز و طاعت خدا و ادراک کنید تا نیکیختن در جهان شوند - خدایا از
 ما بجزا بر از افتقار چه می آید - بهر سومی نگریم جز تو را نمی بینیم دستهارا باینجا کامل بگذره
 تو فراداشته ایم نه عادت تو است که بندگان را برانی آفریدگار اطاعتت
 وقتی فراهم آید که معونت و یاری تو شامل حال باشد ما را مدد کن تا آنطور که
 رضای تو است رفتار کنیم پروردگارا به ما توفیق ده تا در دو جهان شاد و موفق باشیم
 ای آفریدگار توانا عاقبت ما را بخیر فرما تا در پایان هر کار به مدد تو پیروز و موفق
 گردیم بار اله رحمتت را شامل پدران و مادران ما و همه مسلمین گردان و از
 دریای رحمتت ما را نصیبی و افزوه پروردگارا اولی الامر ما را بر طاعتت موفق کن و بر
 احیاء شریعت مطهره اسلام توفیق ده تا خلفی شایسته برای سلف صالح ما باشد

و صلی الله تعالی وسلم علی سیدنا محمد و آله و صحبه

و الصالحین سبحان ربک رب العزّه عما یصفون

و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین -

۵۴- برای رفتن به مسجد باید پاکی بدن و لباس و دهن و بوی خوش

رعایت کرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والعاقة للمتقين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وصحبه والصالحين وقل الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى - (روى مسلم فى صحيحه عن ابى هريرة رضى الله عنه انه سمع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول) من سمع رجلا ينشد ضالة فى المسجد فليقل لآدم الله عليك فان المسجد لمن لهذا

ابو هريره رضى الله عنه گوید شنیدم از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم که می فرمود: کسیکه شنید دیگری در مسجد از گم شده اش می پرسد بگوید خداوند گم شده ات را برنگرداند زیرا مسجد برای جستجوی گم شده هائیت - رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم منع فرمود که در مسجد خرید و فروش شود و یا سوال از گم شده و یا تشنه و آواز خوانی در آن باشد - مسجد محل عبادت خدای تعالی است - محل احترام است - لحظه های که شخص به مسجد می نشیند - بهتر است - بیاد خدا و تلاوت قرآن و درود بر پیغمبر خدا را مشغول دارد - موقع آمدن به مسجد باید نظافت کامل داشت از آمدن به مسجد با بوی بد اجتناب ورزید - قال رسول الله صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم:

« من أكل من هذه الشجرة فلا يقربنا ولا يصلين معنا. »

کبکله از این درخت خورد. نه بنا نزدیک شور و نه با نامناز بنخواند
سیر و پیاز و آنچه بوی بد دهان باشد دنیا بد موقع آمدن به مسجد تناول شود.
اگر یکی از اینها خورده شد باید برای رفع بد بوی دهان کوشید. و در حدیث
است که فرشتگان آزرده شوند از بوی بدی که آدمیان از آن آزرده شوند.
بوی خوش یکی از اسباب محبوبیت است. بد بوی دهان گذشته از این که
بایه نفرت هم نشینان است. اگر بر اثر عدم مواظبت بر شست شوی دهان
باشد. یکی از عوامل مهم بیماری است. در مسجد و در حال نماز آدمی میخواند
با پروردگار متعال را از و نیاز کند. شائسته است با لباس پاک و بوی
خوش و دهانی تمیز باشد. در غیبه مسجد هم برای کسی که اینک همه دارند
رعایت خوشبوی دهان از اسباب دوام محبت است. و برای کسی که
با مردم آمیزش دارند رعایت خوشبوی دهان از اسباب محبوبیت
است. حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود:

« لو كان أشق على امتي لأمرتهم بالسواك عند كل صلاة. »

اگر نه این بود که بر امتم دشوار میشد. مسواک زدن را نزد هر نماز واجب
بسیار ختم. همانطور که بد بوی دهان بایه نفرت و محرومیت از ثواب فراد
است. بد زبانی مراتب از آن بدتر است. حضرت رسول صلی الله
علیه وآله و صحبه وسلم بد زبان از جمله مردم با ایمان نشود. و فرمود:

« ليس المؤمن بالطعان ولا اللعان ولا الفاحش ولا البذي »

شخص مؤمن، هیچ گاه طعن در انساب مردم نمی زند طعنه زدن کار او نیست. شخص با ایمان لعنت به کسی و چیزهای نمیکند و نفرین کردن کار او نیست شخص با ایمان زشت کار و بد زبان نیست. هر گاه بد زبانی با مردم مایه بیرون رفتن از ایمان باشد بد زبانی با همسر و فرزندان که زیر دست شخص و نیاز مند او هستند براتب بدتر است. بد زبانی با همسر و فرزندان از دست رفتن آبروی آنها و ضایع کردن آنها است. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرماید:

« كَفَى بِالْمَرْءِ اَثْمًا انْ يَضِيْعَ مِنْ يَقُوْتِ »

کفایت است در گنهکاری شخص این که زیر دستان خود را خوار دارد و ضایع سازد رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم بهترین مردان امت را افرادی دانست که نسبت به همسران خود بهترین افراد باشند و فرمود:

« خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِمْ وَاَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي »

بهترین شما در حق زنان خود است و من بهترین شما در حق زنان خود هستم همانطور که بد زبانی شخص نسبت به همسرش مایه گنهکاری است. و یا بد زبانی با هم از شمار مردان خوب امت بیرون خواهد شد. بد زبانی زن نسبت به شوهرش براتب بدتر است باینکه شریعت مطهره اسلام جزای زن بد زبان دوزخ معترقی فرموده است. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود: سه کس دعا میکنند و دعای شان به اجابت نمی رسد. یکی از این سه

« مَنْ كَانَ فِي بَيْتِهِ امْرَأٌ سَيِّئَةُ الْخُلُقِ »

کسیکه در خانه او - زنی بد زبان و بد رفتار باشد. و حضرت رسول صلی الله

علیه وآله و صحبه وسلم فرمود:

« ما كان الفحش في شيء إلا شانه وما كان الحياء في شيء إلا زانه »

بذربانی در هر چیز و هر کس باشد بایه زشتی او است - و حیا و شرم در هر کس باشد بایه زیبائی او است ماه مبارک رمضان - ماه عبادت است و در این ماه باید عادت گرفتن بیاد خدا تلاوت قرآن و درود بفرماید از بذربانی جلوگیری نمود - خود را بصفات پسندیده آراسته ساخت عبادت را از طریق اخلاص انجام داد - سحر خیزی و مواظبت بر نماز صبح با جماعت را عادت نمود - از گفتار های بیهوده پرستشهای بیجا و ضائع کردن مال و نافرمانی پدر و مادر خود داری نمود کان صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم:

« دینہ عن قبیل وقال واضاعة المال و كثرة السؤال و كان ینہی

عن عقوق الأمهات و واد البنات و منعاً و هات »

رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم از قبیل و قال و ضائع کردن مال و اتلاف کردن وقت در بیاری سؤال بی مورد - نهی فرمود از نافرمانی مادران و زنده بگور کردن دختران و منع کردن حق دیگران و خواستن از مال مردم - چنانکه عادت مردم حریص است - حقی که مردم در گردنشان دارند نمی پروا زنده - و از مردم پیش از حق خود میخواهند - گمانیکه توانگر باشند در این ماه مبارک - هر لحظه وقت را غنیمت شمارند و پیش از آنکه مال به میراث افتد بدرت خود در راه خیر صرف کنند - قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم:

« ایتکم مال و ارتته أحب الیه من ماله ؟ قالوا یا رسول الله ما منا احد الا

ماله أحب إليه - قال فإن ماله ما قدمه وماله وارثه ما أخرجه

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: چه یکی از شما مال میراث برش محبوب است نزد او از مال خودش؟ گفتند در بین ما کسی نیست که مال میراث برش محبوب تر از مال خودش باشد. هر یک از ما هستی خود را دوست دارد فرمود پس - محقق این است که مال شخص هر چه بزی است که از پیش فرستد و مال میراث بر است آنچه بعد از خود باقی گذارد. امروز که مال در اختیار شما است - ارحام دایتام و فرد ماندگان را در بیا مید - امروز که عمر در اختیار شما است - وقت را اگر می بدارید حسد و رشک بدون جائز نیست مگر نسبت به دو کس -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله صحبه وسلم:

« لا حسد الا في اثنتين: رجل آتاه الله مالا فاسلطه على هلكته في الحق

ورجل آتاه الله حكماً ففوقضى بها ويعلمها »

حسد نیست مگر در خصوص دو کس - شخصی که خداوند او را مال داد و او را توانا داد تا در راه حق انفاق کند و شخصی که خداوند او را علم و حکمتی آموخت - و او به داوری میان مردم و تعلیم آن پرداخت خدا یا ما را تو یقینی ده که زبان بیادت مشغول داریم و دل به مهرت روشن سازیم و دست را انفاق در راه تو بکار بریم و پائے را برای گام برداشتن در طاعتت بکار بریم خدا پناه می بریم تو از زبان بد که بگردد و دنیا در آن است و پناه می بریم به تو از بد دلی که عدالت تاریخی نفاق است و پناه می بریم به تو از نخل و گرفته دستی که تباهی عمر و شفاء دو جهان است و پناه می بریم از رفتن در عصیت که ضلوع کردن عمر و حشر

بے پایان است خدایا سروران اولی الامر مارا موفق گردان تا سیرت مطہر
 رسول اللہ را احیاء کنند و بہر یک از ما معونتی مبذول دار تا برای منکنجی
 ہم دیگر ہم سراسمی و ہمکاری و ہنگامی کنیم۔

اللہم ربنا اتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة
 حسنة و قنا عذاب النار۔ و صلی اللہ وسلم علی
 سیدنا محمد و آلہ و صحبہ و الصالحین سبحان
 ربک رب العزّة عما یصفون و سلام علی المرسلین
 و الحمد للہ رب العالمین

۵۵. موقع رفتن به بستر - موقع بیدار شدن - موقع برون رفتن از خانه و آمدن به خانه چه باید گفت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وصحبه والصالحين وقل الحمد لله وسلام على عباده

الذين اصطفى

قال الله تعالى

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ»
محققاً در آفرینش آسمانها و زمینها و اختلاف شب و روز نشأ
های بیکسانی آفریدگار ظاهر است - برای خردمندان آنانیکه خدا را یاد می کنند

در حال ایستادن و نشستن و متوجهیکه به پیش و خفتند اند و روی المسلم عن عائشه رضی الله عنها:

كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يذکر الله على كل احياء
حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خدا را یاد مینمود در همه حال:

وعن ابن عباس رضی الله عنهما عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم
قال لو ان احدکم اذا اتى اهله قال: **يَسُو الله اللهم جنبنا الشيطان**
وجنب الشيطان ما رزقتنا فقتل فقتل بينهما ولد لم يضره:

اگر هر یکی از شما موقع نزدیک شدن به اهل خود میگفت **خدا یا شیطان**
از ما دور بردار و آنچه از فرزند روزی ما فرمودی شیطان از او دور بردار.
اگر فرزندى به ایشان عطامی شد شیطان بر او آزارى نمی رساند.
وروى البخارى عن حذيفة و ابى ذر رضی الله عنهما قال کان رسول الله

صلى الله عليه وآله وسلم اذا اوى الى فراشه قال: **باسمك اللهم أحياء وأموات**
وإذا استيقظ قال: (الحمد لله الذى أحيانا بعد ما أماتنا وإليه النشور)
حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم موقعیکه به بستر برای خواب میرفت
میفرمود بنام تو ای خدا زنده می مانم و بستم تو می میرم. و موقعیکه بیدار می شد میفرمود
همه ستائش برای خدای توانائی است. که ما را از زنده فرمود بعد از اینکه
ما را بخواب مرده فرمود. و بسوی او است بازگشت ما و زندگی پس از مرگ
و می فرمود:

الحمد لله الذى بحسنى سألنا سوياً و أشهد أن الله على كل شىء قدير

وَإِنَّ اللهَ قَدِ احْتاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

خدا را حمد و شکر می گویم که مرا بیدار ساخت بحال تندرستی و سلامت
اعضای بدن. گوی می دهم که خدا به همه چیز توانا است و محققاً خدا به همه
چیز احاطه فرموده است از روی علم و اطلاع. چه بسا کسانی که در خواب

و چار سکتہ و بیماری شوند پس تن درستی در خواب و بیدار شدن بسلاحت
 و حقیقت نعمت حیات تازه ای است که مستوجب شکر می باشد -
 هر گاه یاد خدا در موقع بیداری بامداد و در موقع آغاز خواب - و در هر حالتی
 شاکسته که آدمی باشد یاد خدا بجا است پس تلاوت قرآن بهترین
 نوع یاد خدا است -

اخرج البیهقی عن ابي هريرة رضی اللہ عنہ قال قال رسول اللہ
 صلی اللہ علیہ وسلم: فضل القرآن علی سائر ال کلام کفضل الرحمن علی
 سائر خلقہ ۱۱ او کما قال علیہ الصلاة والسلام

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود - برتری قرآن بر دیگر
 سخنها مانند برتری پروردگار بر تمام مخلوقات است -

وروی الحاکم عن ابن مسعود رضی اللہ عنہ عن رسول اللہ صلی اللہ
 علیہ وآلہ وسلم من قرأ حرفاً من کتاب اللہ فله به حسنة والحسنة بعشر
 أمثالها لا أقول ألم حرفٌ ولكن ألف حرفٌ وکلام حرفٌ ومیم حرفٌ ۱۲

کیکریک حرف از کتاب خدا قرآن بخواند در برابر آن حسنه ای دارد -
 و هر حسنه بر ده برابر ثواب دارد نمی گوئیم آلم یک حرف و لکن الف یک حرف و لام یک حرف و میم
 یک حرف و روی الامام احمد عن معاذ بن انس رضی اللہ عنہ عن النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
 و من قرأ القرآن و عمل بما فیہ لبس اللذة تا جیوم القیامة ضوءاً أحسن من ضوء
 الشمس فی بیوت الدنیا لو كانت فیکم فما ظنکم بالذی عملک بهما ۱۳
 کیکی قرآن بخواند و بدستور قرآن رفتار نماید - بر سر پرورد

مادرش در روز قیامت تاجی نهند که روشنائی آن از روشنی نورشید
در خانه با بیشتر است. پس چه گمان می برید در خصوص کسیکه عمل بقرآن
نموده است. هرگاه پدر و مادر او از برکت خواندن او چنین فرتی دارند.
دری الحاکم عن أبي هريرة رضي الله عنه «من قرأ في ليلة مائة آية له

يكتب من المغافلين»

کسیکه در شبی یکصد آیه از قرآن بخواند از غافلان نوشته نشود

وروی الإمام أحمد عن أبي هريرة رضي الله عنه «من النبي صلى الله عليه

واله وسلم من استمع الى آية من كتاب الله كتبت له حسنة مضاعفة

ومن تلا آية من كتاب الله كانت له نوراً يوم القيامة» أو كما قال

کسیکه گوش بکار کرد برای شنیدن یک آیه از قرآن برای او حسنه به
چند برابر می شود. و کسیکه خواند یک آیه از قرآن را برای او روشنائی است
در روز قیامت. همان قدر که در تلاوت کلام اللہ ثواب است.
در فراموش کردن عقوبت و عذاب میباشد.

أخرج الترمذی والنسائی عن أنس رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى

عليه واله وسلم «عرضت علي أجور امتي حتى لقد أذيت بخرجها الرجل من المسجد

وعرضت علي ذنوب امتي فلم أزد نيباً أعظم من سورة من القرآن أذيت أوتيتها

رجل ثم نسبها» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

و حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم فرمود. بزنان من

داده شد ثوابهای اتمم. حتی اگر شخصی خاشاک را از کسی بیرون برده باشد و

به نشان من داده شد گنا جان اتمم. و ندیدیم گناهی بزرگتر از این که کسی
 سوره ای یا آیه ای از قرآن آموخت و فراموشش کرده باشد. امروز که مسلمانان
 بکجا اند در حال خوش و وضع مطلوب هستند. وقت آن است که این
 ماه مبارک را برای انجام طاعات غنیمت شمارند وین مهین اسلام در صدر
 اسلام نه به این وضع بدست آمده است. صحابه و یاران پیغمبر صلی الله
 علیه و سلم در سخت ترین شرائط رسالت تاریخی خود را انجام میداده اند.

روی البخاری عن أبي هريرة رضي الله عنه قال "لقد رأيت سبعين من
 أهل الصفة ما منهم رجل عليه رداء ما إذا رآه كساء قدر بطواني أعناقهم منها
 ما يبلغ نصف الساقين ومنها يبلغ الكعبين فيجمعه بيده كراهية أن تری
 عورته".

ابو هریره رضی الله تعالی عنہ گوید من چشم خود دیدم هفتاد تن از
 اهل صفة از یاران پیغمبر که لنگ دوش نداشتند. یا لنگ پا بود. یا
 پوشاکی که در گردن خود بسته بودند تا نصف ساق و یا تا کعب پا میرسید.
 از تنگی آن مجبور بودند آن را بدست بهم آورند تا عورتشان دیده نشود.

در روی مسلم عن أبي عبد الله الانصاري رضي الله عنهما قال بعثنا رسول الله
 صلى الله عليه وآله وسلم وأمرنا أن نأخذنا أبو عبدة رضي الله عنه تتلقى غيراً
 لغريش وزودنا جراباً من تمر لم يجرد لنا غيره فكان أبو عبدة يعطينا تمر
 تمرّة فقيل كيف كنتم تصنعون بها. قال كنا نمصها كما يمصل لصبي ثم
 نشرب عليها الماء فتكفينا يومنا إلى الليل وكان ضرب بعضنا الخبط. ثم نبلاه

بالماء فنأكله الحديث « أو كما قال عليه الصلاة والسلام

جابر بن عبد الله انصاری رضی اللہ عنہما گوید۔ کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
ماگر دھی از صحابہ را برای ملاقات کاروان قریش فرستاد۔ ابو عبیدہ
رضی اللہ عنہ را بر ما امیر فرمود۔ و یک کیسه ی از خرما۔ توشه بہا داد۔ ابو عبیدہ برای
هر یک از ما یک دانه خرما میداد۔ کسی بہ جابر گفت کہ بہ یک دانه خرما چہ کردی
گفت مانند کودک آنرا می مکسیدیم و آب بر آن می آشامیدیم و ہمین برای یک
روز کفایت مان میکرد۔ و از برگ درختان ہمر با چوب دست میکندیم و با آب
ساختہ میخوریم۔ مردمی کہ برای جہاد در راه خدای رفتند و آمادہ شہادت بودند
با چنین وضعی می ساختند۔ امروز کجای تو ان شکر نعمت را بجا آورد۔ کہ از برکت
آن مردم بزرگوار با حال راحت می توانیم از دین خود پیروی نماییم۔ و
باینکہ آسودگی خاطر و وفور نعمت وجود دارد باز ہم کاغحت خدای متعال سنتی
می نمایم۔ خدا یا ہمہ ما را توفیق طاعت و حسن خاتمت عنایت فرما پروردگارا
در این ماہ مبارک ما را از نیکبختان درگاہت ساز رحمت تو شائستہ است
ما را در یا بد پروردگارا از تو چیز خوبی صورت نیندد۔ احسان یقیاس و رحمت
پر کانت ما را امیدوار ساخته است آفریدگار مردان اولی الامر بر اہل بیت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم تزیین دہ۔

وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ سُبْحَانَ رَبِّكَ

رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۵۶. تکبر - بایه بدبختی است - نشانه نابودی است تو وضع

بایه عزت و سرفرازی است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والعاque للمتقين والصلاة والسلام على سيدنا محمد
واله وصحبه والصالحين وقل الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى

قال الله تعالى

﴿ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا
وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾

آن است خانه جاویدان آخرت که آرزو میگردانیم برای کسانی که
قصد سرکشی در زمین ندارند و قصدشان بر فساد نیست و فرجام سندی
برای پرهیزگار آن است - آنانی که در زمین تکبر را پیشه کنند که معلوم است آنان
که قصد دل شان تکبر بر بندگان خدا باشد - در آخرت محروم خواهند بود -
وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم «لا يدخل الجنة من كان

في قلبه مثقال ذرة من كبر»

به بهشت نخواهد رفت کسی که در دل او به وزن ذره ای از کبر باشد و می

گفت: «ان الرجل يحب ان يكون ثوبه حسنا ونعله حسنة» • او کما قال

شخصی میخواهد لباسش زیبا باشد کفش او زیبا باشد حضرت رسول الله
صلی الله علیه وسلم فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»
أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

خداوند زیبائی را دوست دارد.

«الْكِبْرُ بِطَرِيقِ الْحَقِّ وَغَمَطُ النَّاسِ»
أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

تکبر روگردانی از حق است و آزردن و خوارداشتن مردم.

يقول رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَهْلِ النَّارِ

كُلِّ عَتِيلٍ جَوَائِظِ مُسْتَكْبِرِينَ»
أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

آیا شما را خبر ندهم از دو زنجیان بهر خشک، مغز متکبری که گرد آورنده مال و منع
کننده آن باشد.

وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لا يزال الرجل يذهب بنفسه

حتى يكتب في الجبارين فيصيبه ما أصابهم.

هر شخصی که اراده خدا به نابودیش باشد. پنی در پی خود را با لافی برد و
تکبر پیشه میکند تا اینکه نزد خدا تعالی از سنگمرغان جبار نوشته شود و
برسد به او آنچه به جباران رسیده.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم يقول الله عز وجل العزة

والكبرياء ردائي فمن نادى عني في واحد منهما فقد عذبتُهُ»
أَوْ كَمَا قَالَ ﷺ

حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود. که خدای عزوجل
فرماید عزت و کبریا دو صفت مختص بمن هستند هر کس که در یکی از آن دو صفت

با من برابری کرد اورا ہلاک سازم۔ خدای عزوجل کبریاء بخود اختصاص داد تا بندگان
 شیوہ بندگی در پیش گیرند۔ و در اخلاق پسندیدہ پیروی کائنات محمد مصطفیٰ صلی اللہ
 علیہ وآلہ وسلم باشند۔ خدای متعال در بارہ رسول اکرم فرمود۔

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ القلم - ٤

محقق این است کہ تو یارسول اللہ داری اخلاقی بسیار بزرگ۔

روی ابنخاری وسلم۔ عن انس رضی اللہ عنہ قال کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ
 وآلہ وسلم أحسن الناس خلقاً» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

حضرت رسول اللہ علیہ وسلم بہترین مردم در اخلاق پسندیدہ بود۔ انس بن
 مالک موقعیکہ حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بمدینہ تشریف بر و انس طفلی
 خردسال و یتیم بود۔ مادر انس اورا بخدمت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم آورد و عرض کرد
 یارسول اللہ انس را برای خدمت کاری تو آورده ام۔ حضرت رسول اللہ صلی اللہ
 علیہ وآلہ وسلم اورا پذیرفت۔ انس رضی اللہ عنہ گوید:

«ما مسست ديباجًا ولا حريرا ألين من كف رسول الله صلى الله

عليه وآله ولا شميت رائحة قط أطيب من رائحة رسول الله صلى الله
 عليه وسلم لقد خدمت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عشر سنين
 فما قال لي قط آف ولا قال لشيء فعلته لم فعلته ولا لشيء لم أفعله
 الا فعلت كذا» متفق عليه انس گوید نہ دیباج ونہ ابریشم سچکدام را بہ لطافت
 دست رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نیافتم۔ و بنویسدم بونی کہ نہ خوشبوئی بوی رسول
 اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم باشد و نہ سال خدمت پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

نمودم۔ بیچگاہ از من اظہار بی‌زاری نفس نمود و حتیٰ اُف نفس نمود و نہ
گفت برای کاریکہ کردہ بودم حیرہ کردی۔ و برای کاریکہ انجام ندادہ بودم چرا انجام ندادی
این است نمونہ ای از اخلاق پیغمبر کہ ما افتخار پیروی اورا داریم۔ آیا حاضر استیم در
بزرگ داشت ہمسرو فرزند و دوست رفتار کنیم کہ حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ و
سلم با خدمت کار خود می کرد۔ و می فرمود:

«ان من خیارکم احسنکم اخلاقاً»

برگزیدگان شما نیکوترین شما در اخلاق ہستند۔ و فرمود:

«أكمل المؤمنین ایماناً أحسنہم خلقاً»

کامل ترین مؤمنان در ایمان نیکوترین شما در اخلاق ہستند۔ و موقعیکہ حضرت
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم پرسیدہ شد۔

سئل رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم عن اکثر ما یدخل الناس

الجنة۔ فقال تقوی اللہ وحسن الخلق و سئل عن اکثر ما یدخل الناس النار

فقال الفم والفرج» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

پرسیدہ شد یا رسول اللہ بیشترین چیزیکہ مردم را بہ بہشت می برد کدام است
فرمود ترس از خدای تعالیٰ و خوش خلقی است و موقعیکہ از ایشان پرسیدہ شد
کہ یا رسول اللہ کہ بیشترین چیزیکہ مردم را بہ دوزخ می برساند کدام است فرمود:
دہن و دامن زیرا از راه دہن مال حرام بہ شکم فرو بریزد۔ و از طریق دامن بی عفتی
و ناپاکدامنی فراہم آید۔ از دہن ہر ناسزا و بی راہی گفتہ میشود۔ و از دامن ہر خباہت
بزرگ و ناپاک کی انجام پذیرد۔ و این است کہ در حدیث دیگر فرمود:

«من ضمن لی ما بین الحییة وما بین رجلیة ضمنت له الجنة»

کسیکه عهده دار شود که دهن و دامن خود را از حرام بگذارد من تعهد می
کنم که به بهشت برود. و وقتی که شخص به خدمت شان شرفیاب میشود میفرماید:

آمده ای که در خصوص نگوکاری پرسی. و او عرض میکند بفرموده رسول الله میفرماید:

لا اله الا الله ما اطمان اليه القلب و اطمانت اليه النفس و الاثم ما حاك في الصدر

و كرهت ان يطالع عليه الناس»
و كما قال عليه الصلاة والسلام

نگوکاری هر چه دل به آن شاد شود و روح به آن آرام گیرد. و گنه کاری آنچه
ناراحتی خاطر بآورد و دوست نداری که مردم بر آن آگاه شوند چنین پیغمبری صلوات
و سلامه علیه میفرماید

(ر عری الإسلام و قواعده الدين ثلاث عليهن اساس الاسلام من

ترك واحدة منهن فهو بالله كافر ولا يقبل منه صرف ولا عدل و قد حل دمه

و ماله شهادة أن لا اله الا الله و الصلاة المكتوبة و صوم رمضان»

دستگیره های دین مبین اسلام و پایه های دین اسلام سه است. که
اسلام بر آن سه شایسته گذاری شده است گواهی دادن آنکه معبودی بحق جز
خدای یکتا. و نماز فرض و روزه رمضان. و فرمود:

(«بين الرجل وبين الكفر ترك الصلوة»)

رسانند و شخص را به کفر ترک نماز است فرمود.

(«العهد الذي بيننا وبينهم الصلاة و من تركها فقد كفر»)
او كما قال

پیمانی که ما و مسلمانان را بهم می پیوندد و نماز است. کسیکه نماز فرض نتواند

شکسته و کفر آورده است - و روزه فرض را پایه دین اسلام قرار داد،
و فرمود:

«من أفطر يوماً من رمضان من غير عذرٍ لم يقضه صوم الدهر و

إن صامه» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه یک روز از رمضان بدون عذر افطار نمود همه عمر که بجای آن یک
روز روزه بگیرد جای آن نمیگیرد - این فرموده پیغمبری است که نسبت به آرزو
خود از پدر و مادر مهربان تر بود و عن عائشه رضی الله عنهما قالت:

«ما ضرب رسول الله صلى الله عليه وسلم شيئاً قط بيده ولا امرأة
ولا خادماً - إلا ان يجاهد في سبيل الله وما نيل منه شيء قط فينتقم من
صاحبها إلا أن ينتهك شيء من محارم الله» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه و سلم هیچکس را بدست خود نزد زن و نه خدنگا
و نه بیخ فرد دیگری را - مگر در راه خدا - در جهاد - و هیچگاه آزاده نشد که از آزاد دهند
انتقام بگیرد - مگر موقعیکه چیزی از محرمات انجام می گرفت و برای
خدا تعالی انتقام میگرفت -

قال تعالى ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ ۸۶ - الأحراب

حقیقت اینست که خدا و فرشتگان همه درود می فرستند بر پیغمبر حق
او محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ای مؤمنان درود فرستید بر او و سلام
بفرستید سلام رسائیدی که از خلوص قلب باشد -

وعن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
قال: «أولى الناس بي يوم القيامة أكثرهم علي صلوة»

نزدیک ترین مردم بمن در روز قیامت بیشترین شان به درود فرستادن
بر من هستند - خدا از برکت درود و سلام بر او ما را استگوار و نیک بخت فرما -
و بجا توفیقی ده که پس روی او شعار خود سازیم - پروردگار ما را در اعمال شایسته
موفق بدار - تا در عمل از همه راهان میسرانت باشیم - بارها توبه پذیرنده توبه
کارانی - توبه ما را بپذیر - و به اولی الامر و عموم مسلمین توفیق طاعتت عنایت کن -
آفریدگار اورد و جهان جز تو کسی نداری کم و از تو خوشی دنیا و آخرت امید داریم - در
و جهان ما را کامیاب و نیک بخت گردان - و شبهای این ماه مغفرتت شامل حال ما
و پدران و ماوران و همه مسلمان گردان - آمین

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه و الصالحین
سبحان ربك رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین

۵۷۔ پدر و مادر۔ فضل شان بر فرزند۔ ثواب خوشنود کردن شان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وصحبه والصالحين وقل الحمد لله وسلام على عباده

الذين اصطفى

قال الله تعالى :

﴿ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَلَّتْهُمُ الْاُمَةُ وَهَنَّاءٌ عَلٰى وَهْنٍ
وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ اِنَّ الشُّكْرَ لِحٰى وَلِوَالِدَيْكَ ﴾

خداى متعال فرمود: و سفارش دادیم آدمى را بخوبى در حق پدر و مادرش
مادر او بانا تو اينهاى فراوان بى نگهدارى و پرورشش قيام كرد. سه ماه حاملگى دو سال
دوره شيرخوارگى او را بعهده گرفت. نا سپاس مرا بجا آورى كه پرورگار تو
هستم. و بجا آورى سپاس پدر و مادر را. بهر مهر و محبتى كه از هر شخص به انسان
برسد. با مهر مادرى و شفقت پدرى قابل مقايسه نيست. و قال تعالى :

﴿ وَقَضٰى رَبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا اِنَّمَا يَبْلُغَنَّ
عِنْدَكَ الْكِبَرَ اَحَدُهُمَا اَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا اُقْبِ وَلَا تَنْهَرْهُمَا
وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيْمًا. وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلٰلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ
رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِىْ صَغِيْرًا ﴾

و حکم فرمود پروردگارتان آنکه بندگی نکنید مگر خدای یکتارا - و در باره پدر
 و مادر خوبی کنید اگر پدر و مادر و یا یکی از آنها در نزد تو به پیروی رسیدند گوی به ایشان که
 ای از دست شما خسته شدم - و بد رشتی با پدر و مادر سخن گوی و بگو به ایشان گفتار
 که همراه بزرگداشت ایشان باشد - و همیشه در برابر پدر و مادر خود را افتاده بگیر
 از روی مهر و محبت و در دعای خود بگو ای پروردگار من پدر و مادر مرا رحمت کن آنچنانکه
 مرا در خرد سالی تربیت نمودند گفتار همراه به احترام و گرمی داشتن پدر و مادر دعای خیر
 در حق شان باز هم نمی تواند به حق پدر و مادر چنانکه باید وفا کند و دستور پروردگار
 در خوبی به زبان و عمل و دعا در حق پدر و مادر برای بدست آوردن رضای آنهاست
 و گفته در حدیث صحیح است که رسول الله ﷺ فرمود:

«لا یجزی ولدٌ والدا الا ان یجده مملوًا فی شریبه فیعتقه»

هیچ فرزندی نمی تواند از حق پدر و مادر بیرون آید - و مژرای محبت ایشان
 بجا آورد - مگر فرزندی که پدر و مادر را غلام و کینه ز مردم بیاید - و ایشان را بخرد و
 آزاد کند - و معلوم است که به ندرت یافته میشود که فرزندی که پدر و مادرش
 برده و مملوک باشند بتوانند آنان را خرید نموده و آزاد کنند عبد الله بن مسعود
 رضی الله عنه گوید از رسول الله ﷺ پرسیدم چه کاری محبوبترین
 کارها نزد خدا است - فرمود: نماز خواندن در وقت فضیلت آن که اول وقت باشد
 و اگر گفتم چه کاری محبوبترین کارها نزد خدا تعالی است: فرمود:

«بذل الوالدین» بگو کاری و خوبی به پدر و مادر گفتم و گرچه کاری - فرمود: الجهاد فی سبیل
 منتفق علیه کوشش در راه خدا - در این حدیث بعد از عبادت خدای متعال بگو کاری

به پدر و مادر را بهترین کار با دانست - ابوهریره رضی اللہ عنہ گوید مردی بخد مت
رسول اللہ آمد و گفت -

«یا رسول اللہ من أحق الناس بحسن صحابتی - قال أمك - قال ثم من
قال أمك قال ثم من قال أمك قال ثم من قال أبوک»

متفق علیہ - چه کسی مستحق تر است به همراهی کردن بخوبی با او - فرمود مادر
گفت و گرچه کسی فرمود مادرت گفت و گرچه کسی فرمود مادرت گفت و گرچه
کسی فرمود مادرت گفت و گرچه کسی فرمود پدرت - و در روایت
دیگر - یا رسول اللہ

«من احق الناس بحسن الصحبة؟ قال أمك ثم أمك ثم أباک ثم
أدناکم» او کما قال علیه الصلاة والسلام

مستحق ترین به همراهی و گرامی داشتن مادر است و گر مادر و گر پدر و گر
نزدیکتر از ارحام - و در این حدیث حق مادر را ستمه برابر حق پدر معرفی فرمود -
زیر از حمایتی که مادر در خود سالی فرزند میکشد خیلی بیش از زنجی است که پدر از دست
فرزند می کشد - و معلوم است که هر یک از خویشاوندان یا از جهت پدر
هستند و یا از جهت مادر و در حدیث صحیح است که حضرت رسول اللہ صلی اللہ
علیه وسلم فرمود:

«وان الله تعالى خلق الخلق حتى إذا فرغ منهم قامت الرحم فقالت
هذا مقام العائذ بك من القطيعة - قال - نعم - أما توضين أن
اصل من وصلك وأقطع من قطعك - قالت بلى قال فذلك لك - ثم قال

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : فَأَقْرَأُوا إِنْ شِئْتُمْ فَهَلْ
عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ . أُولَئِكَ
الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ

خدای عزوجل کائنات را آفرید۔ پس از اینکه از کائنات فراغ یافت
رحم بیا خواست و گفت این جا محل کسی است که پناه آورد بتو از قطع شدن
خدای متعال فرمود بله آیا خوشنود نمی شوی که هر کس تو را پیوست من او را
به پیوندم۔ و هر که تو را قطع کرد من او را قطع نمایم۔ رحم گفت بله۔ خداوند فرمود
پس این حق برای تو است۔ که هر کس بر خویشان خود رحم آورد من او را
رحمت کنم۔ و کسیکه بر خویشان خود رحم نیاورد و قطع ارحام خود نمود۔ من رحمت
خود از او قطع نمایم۔ پس از آن رسول اللہ فرمود۔ اگر نخواهید آیہ ۲۲ از سوره محمد را
بخوانید :

﴿ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴾

آیا میخواهید اگر سر رشته داری کاری در زمین یا قشید تب کاری کنید و ارحام
خود را قطع کنید۔ آنا نیکه چنین کنند مدعی هستند که خدا آنرا لعنت کرد و اگر
شان ساخت۔ و دیده بایشان را کور نمود۔ و در حدیث صحیح است که رسول اللہ
صلی اللہ علیہ وسلم فرمود :

(رَعِمَ أَنْفٌ شَرَعِمَ أَنْفٌ شَرَعِمَ أَنْفٌ مِنْ أَدْرَكَ أَبُوِيهِ
عِنْدَ الْكِبَرِ أَحَدَهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا فَلَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ)

خاک آمد بخاک آمد بخاک آمد۔ بینی کسیکه پدر و مادر را در حال پیری

یافت یکی از آند و ریا هر دو را در حال پیری یافت - و به بهشت داخل شد
 که هر کس در وقت پیری پدر و مادر نتوانست رضای ایشان را بدست
 آورد تا به بهشت برود - بحقیقت بینی او بنجاک آمده نومیگشته است - یافتن
 پدر و مادر در حال پیری غنیمتی را نگهداری کنند - و نارضایتی پدر و مادر حتی در
 روزهای پیری شان هم جبران نکند و حقیقت خود را از رحمت
 حق محروم کرده است - ابوهریره رضی الله عنه گوید - مردی بخدمت رسول الله
 صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد که یا رسول الله خویشاوندانی دارم که نسبت
 به ایشان نسبت بمن بدی می کنند - من با ایشان بر داری می کنم و ایشان
 با من نادانی می کنند - حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«لَئِنْ كُنْتُمْ كَمَا قُلْتُمْ فَكَأَنَّمَا تَسْقُطُ مَائِلًا وَلَا يَزَالُ مَحَاكٌ مِنَ اللَّهِ
 ظَهِيرٌ عَلَيْهِمْ مَا دُمْتَ عَلَى ذَلِكَ» رواه مسلم - اگر چنان باشی که گفتی پس چنان
 است که خاکستر گرم را به ایشان بخواری - یعنی از این طرز رفتار گناهی عظیم باینده
 و همیشه همراه تو از خدا تعالی کوکی است بر ایشان مادامیکه تو بر این خصلت
 پسندیده باشی - خداوند تو را در برابر نیکو کاریت معونت فرماید - و آنان در برابر بدکاری
 شان با تو عقوبت و خواری بینند - انس رضی الله عنه گوید که رسول الله صلی الله علیه
 و آله و اصحابه و سلم فرمود:

«من أحب أن يبسط له في رزقه وينسأله في أثره فليصل رحمه»
 متفق علیه - کسیکه دوست دارد که روزیش فراوان گردد - و عمر
 طولانی بیاید - نسبت به خویشاوندان خود احسان نماید صلوات بر حام از کسیکه توانگر باشد

کوک مالی و احسان - و از کسیکه تو انگر نباشد و جاهمند باشد به رعایت
 و نگهداری و احتیاط ایشان کوشیدن - و بوسیله سلام و احوال پرسی
 و مکاتبه اگر حاضر نباشند که مقصود از صله ارحام - خوش وقت کردن شان و
 بدست آوردن رضای ایشان است - و در حدیث صحیح است که مردی بخدمت
 رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و اصحابہ وسلم آمد و اجازه خواست برای بجهاد رفتن -
 رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و اصحابہ وسلم فرمود :

أَجِي وَالذَّكَ؟ قَالَ نَعَمْ قَالَ ففِيهِمَا فَبَجَاهِدْ - آیا پدر و مادرت زنده
 هستند - گفت بل - فرمود : هر جهادی که میتوانی در حق پدر و مادرت بنما - تا رضای
 آن دو بدست آوری -

خدا یا بما توفیقی عنایت کن تا نسبت به پدر و مادر فرمانبردار و نسبت به
 خویشان مهربان و ننگسار و نسبت به فرزندان پدرانی دانا و اندو ز کار و نسبت به
 برادران ناصح و خیر خواه باشیم آفریدگار اولی الامر را توفیق ده تا دین مبین اسلام
 را حامی و نگهبان باشند و بزرگان دین را موید فرما تا راهستانی مخلص باشند و عموم
 مسلمین را معونت فرما تا دیندار و کامیاب گردند و پروردگار را رضایابانندگارا
 را از خزان رحمت چیزی کم ننماید امید داریم رحمت را شامل حال فرمائی - تا درین
 ماه مبارک و همیشه از سعادت مقبولین بشماردائیم

اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
 وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ - سُبْحَانَ
 رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

۵۸. یگفتار خیر یا خاموشی که حرف بدنا گفتش اولی است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقَلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى
عِبَادِهِ الَّذِينَ أَصْطَفَى - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى
وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ
وَأَبْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ .
النساء آية (۳۶)

خدای متعال فرماید: بندگی کنید خدای یکتا را و هیچ چیز شریک او مینماید
و خوبی کنید به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مسکینان - و همسایه که خوشاوند
باشد و همسایه که خویشاوند نباشد - و خوبی کنید به همسایه نزدیک و دور و دوست
هم پهلوی که همسر باشد دور انگذر و مخلوک - خدای متعال دستور داد به خوبی با همسایه
چه نزدیک و چه دور باشد و چه خویشاوند چه غریب باشد - علماء گفته اند
در حدیث است که همسایه بر سه قسم است همسایه ای که داری یک حق باشد - و
همسایه که دو حق داشته باشد - و همسایه ای که سه حق داشته باشد همسایه ای
که یک حق دارد - همسایه ای است که مسلمان نباشد و این فقط حق همسایگی
دارد - و همسایه ای که دو حق دارد - همسایه ای است که مسلمان باشد که هم حق هم

کیشی و هم حق همسایگی دارد. و همسایه ای که سینه حق دارد همسایه ای است که
 مسلمان و همسایه و خویش باشد که حق هم کیشی و حق خویشی و هم همسایگی دارد.
 از قدیم معروف است که عداوت در خویشاوندان و حسد در همسایگان
 است. دین مبین اسلام برای از بین بردن آن عداوت امر به عمله ارحام
 فرمود. و برای از بین بردن حسد امر به نیکوکاری با همسایگان فرمود. و در این باره
 سجده‌ی تاکید فرمود که نشانه خوبی و بدی شخص - گواهی همسایگان قرار داد تا هر کس
 همسایگان به خویش گواهی دهند خوبی او مسلم باشد. و هر کس همسایگانش به بدی
 او گواهی دهند بدی او محقق باشد. مرزی بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله
 و سلم آمد و عرض کرد که: یا رسول الله مرا از آسمانی فرستاد بر کاری که چون آنرا انجام
 دهم به بهشت روم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود کنْ حُسَيْنًا لَكَو كَارِبًا ش - آن
 مرد عرض کرد که: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَيْفَ أَعْلَمُ أَنِّي مُحْسِنٌ؟

چگونه میتوانم بدانم که من نیکوکارم - فرمود: سَلْ جِبْرِيْلَ نَكَ فَاِنْ قَالَ اِنَّكَ مُحْسِنٌ فَانْتَ مُحْسِنٌ
 وَاِنْ قَالَ اِنَّكَ مُسِيءٌ فَانْتَ مُسِيءٌ رواه البيهقي از همسایگان پرسید اگر گفتند
 که تو نیکوکاری پس بدانکه نیکوکاری هستی و اگر همسایگان گفتند که بدکاری پس
 یقین بدان که شخص بدی هستی - حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود:

(مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِيْنِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُوْرِّثُهُ) (متفق علیه)

همیشه جبریل علیه السلام مرا سفارش میداد و خوبی در باره همسایه تا
 بجائی که گمان کردم وحی می آورد بر میسر است بردن همسایه و در حقیقت اگر بصیرت
 باشد افرادی که نسبت به همسایگان خود احسانی نمی کنند و مهر و محبتی نمی ورزند - دست آخر

میراث شان هم به همسایگان شان می رسد چقدر خانه ها که می توانید ببینید
از چنگ صاحبانش برون رفتند و بهمسایگان شان رسیده است -
ابو ذر رضی الله عنه گوید رسول الله در سفارشش خود بمن فرمود:

إِذَا طَبَخْتَ مَرَقًا فَأَكْثِرْ مَاءَ هَاتِهِ أَنْظِرْ أَهْلَ بَيْتٍ مِنْ جِيرَانِكَ فَأَصِيبُهُمْ
مِنْهَا بِمَعْرُوفٍ . (رواه مسلم)

هرگاه آب گوشتی پختی آب آن بیشتر کن و خانواده ای از همسایگان بخا
آور تا از آن آب گوشت به وی برسانی بطور معروف که نه ناچیز باشد
که او را بکار نیاید - و نه بطوریکه به بستگان خودت نرسد - ابوهریره رضی الله
عنه گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابه فرمود:

وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ قِيلَ مَنْ يَأْسُوهُ اللَّهُ؟ قَالَ:
الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَاقِيهِ - (متفق عليه)

قسم بخدا که ایمان ندارد قسم بخدا که ایمان ندارد قسم بخدا که ایمان ندارد
گفتند چه کسی ایمان ندارد یا رسول الله فرمود کسی که همسایه اش از شر و
آزار او ایمنی ندارد - خدای متعال همسایگی را برای آن قرار داد تا همسایگان
در سایه همدیگر باشند - بر یکدیگر مهر آورند - همدیگر را مدد کار باشند مساعد هم
باشند - هرگاه کسی بجای مساعدت همسایگان و غم خواری و مهر بانی ایشان بخوابد
به اذیت و آزار همسایگان بپردازد - و همسایگان را ناراحت نماید -
معلوم است که ایمان نیاورده و حکمت خداوندی را فهم ننموده است
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابه سلم فرمود:

مَنْ كَانَ يَوْمًا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ . (الحدیث)

کسیکه ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که همسایه را نیازارد -
آزردن همسایگان نشانه بی ایمانی است - ابو شریح خزاعی رضی الله عنه
گوید: رسول الله صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم فرمود:

وَمَنْ كَانَ يَوْمًا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُحْسِنْ إِلَى جَارِهِ . وَمَنْ كَانَ يَوْمًا بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ صَئِقَهُ . وَمَنْ كَانَ يَوْمًا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
فَلْيَقْضُ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمِتْ . (رواه مسلم)

کسیکه ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید در حق همسایه خوب باشد - و
با همسایگان احسان نماید - و کسیکه ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد
باید همان را گرمی بدارد - و کسیکه ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد
باید گفتار خیر بگوید و یا خاموشی گزیند - معاویه بن جذب رضی الله عنه گوید -
گفتم یا رسول الله همسایه بر همسایه چه حقی دارد فرمود:

إِنْ مَرَضَ عَدُوُّكَ وَإِنْ مَاتَ شَيْعَتُهُ وَإِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضْتَهُ وَإِنْ أَعْوَزَ سَتْرَتَهُ
وَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ أَهْنَأْتَهُ وَإِنْ أَصَابَهُ مَصِيبَةٌ عَزَّيْتَهُ وَلَا تَكْرَفْ بِنَاءِكَ
فَوْقَ بِنَائِهِ فَتَسَدَّ عَلَيْهِ الرِّيحُ - وَلَا تُوْذِهِ بِسِيحِ قَدْرِكَ إِلَّا أَنْ تَعْرِفَ لَهُ
مِنْهَا . (رواه الطبرانی)

اگر همسایه بیمار شد به عیادتش رومی - و اگر درگذشتت همسایه را جاززه
تا دفن او حاضر شوی اگر از تو قرض خواهد به او وام بدی - و اگر نیاز من شد به کوچک
خود سر حال او بنمائی و اگر به او خوشی رسید - او را تبریک گویی - و اگر سوگ و ناخوشی

بوی رسید به تعزیه و دلدادنش به پردازی - و بنای خود بالا ترا ساختن او
 مبرکه با در او منع کنی و او را به بوی دیگر خود میازار مگر اینکه از آن به وی اندکی
 برسانی - عبد اللہ بن عمر رضی اللہ عنہما گوید: رسول اللہ فرمود:
 خَيْرُ الْأَصْحَابِ عِنْدَ اللَّهِ (تَعَالَى) خَيْرُهُمْ لِصَاحِبِهِ وَخَيْرُ الْجِيرَانِ عِنْدَ اللَّهِ
 (تَعَالَى) خَيْرُهُمْ لِجَارِهِ - (رواه الترمذی وقال صریح مسند)

بهترین دوستان نزد خدای تعالی - بهترین ایشان در حق دوستان
 خود است - و بهترین همسایگان نزد خدای تعالی - بهترین شان در حق همسایگان
 خود است - عائشه رضی اللہ عنہا گوید - گفتیم یا رسول اللہ - دو همسایه دارم - هدیه
 را برای کدام یک از آن دو بفرستم؟ فرمود: إلى اقربهما منك بابًا (رواه البخاری)
 هدیه را برای هر کدام که در خانه اش به تو نزدیکتر است بفرست و در حدیث
 صحیح است که رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود:

كَمْ جَارٍ مُتَعَلِّقٌ بِجَارِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُ يَا رَبِّ هَذَا أَعْلَقَ بَابَهُ دُونِي
 فَمَنْعَ مَعْرُوفَتِهِ عَنِّي - (رواه البخاری)

چه بسیار همسایه که به همسایه خود بیاویز و روز قیامت - و بگوید پروردگارا
 این است که در خود را از روی من بست - و خوبیش را از من منع کرد عبد اللہ بن
 المبارک رحمه اللہ تعالی گوید: یک سال من از حج فارغ شده بودم در حرم
 مکه بخواب رفتم - در خواب دیدم دو فرشته را که از آسمان فرود آمدند -
 یکی به دیگری گفت - شمار حجاج در امسال چقدر بوده است - دیگری گفت ششصد
 هزار - یکی گفت چند تن از آنان حج شان مقبول شده است دیگری گفت بیچکدام

لکن مردی کفشش دوز است در شام و نام او موفق است حج او پذیرفته
 شده است۔ اگر چه او به حج نیامده است۔ من بهمین معرفی در صد و پید
 کردن آن مرد موفق شدم۔ تا اینکه او را با فتمم بہ او گفتیم چه کاری کرده ای
 کہ بہ این درجہ رسیدہ ای و خواب خود بہ او گفتیم۔ او گفت کہ سالہا بود کہ من
 آرزوی حج داشتم اما از تنگدستی بر ایم ممکن نمی شد تا اینکه سی صد و بیست و ہفت
 خود بدست آوردم و امسال عزم حج نمودم۔ ہمسرم باردار بود شبی بوی خوراک
 از خانہ ہمسایہ شنید و آن را خواست۔ من بہ در خانہ ہمسایہ رفتم۔ زنی
 برون آمد اورا خبر دادم کہ ہمسرم از بوی خوراک شان بوسیدہ و اندکی خواستہ است
 آن زن باناراحتی گفت اکنون بچہ در حال خوردن بشما بگوئیم۔ من زنی ہستم دارای ایٹام
 سہ روز می شد کہ ایٹام خوراک پشیدہ بودند۔ امشب بقصد بدست آوردن
 خوراک از خانہ بیرون آمدم۔ لاش حیوانی را دیدم۔ تگہ ای از آن بریدہ و آوردم
 بر آتش سختہ ام۔ برای ما کہ مضطربیم خوردن از این گوشت حلال است۔ اما
 برای شما حلال نیست۔ من بخانہ برگشتم و آن سی صد و ہفت را برداشتم بہ در خانہ
 ہمسایہ رفتم و بہ آن زن سپردم و گفتم مصرف ایٹام خود کن۔ بہ دل گفتم حج بہ
 در خانہ من است کجا روم۔ خدا یا ہما بصیرتی دہ کہ بتوانیم رضای تو بدست آوریم
 پروردگار ہما توفیقی دہ کہ طرق نیک سختی را دریا بیم۔ و در ہمہ حال کار ہای خیر ما
 مقبول در گاہ تو باشد بار الہا عنایتی در حق ما معطوف دار کہ خوشی دنیا و آخرت
 بہمراہ آورد۔ و دلی ہر بان و روشن ہما ازانی دار تا لحظہ از یاد تو و از دستگیری
 مستندان فرو گذار نہ کنیم آفریدگار ما سروران اولی الامر ما را در احیاء شریعت اسلام

موفق بدار و این ماه مبارک را بر ما و عموم مسلمین ماه سعادت مندی و مقبولیت
و شاد کامی و موفقیت فرما۔

اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمٌ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ - سُبْحَانَ
رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۵۹- اعتراف - موقع آن - ثواب آن - پایه های اسلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى
عِبَادِهِ الَّذِينَ أَصْطَفَى - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى
وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ (البقرة آية ۱۸۵)

ماه مبارک رمضان است که قرآن: کلام الله در آن نازل شد-
برای راهبانی مردم و نشانه بانی آشکار از راه راست و جدانی حق از باطل
پس کیکه در این ماه حاضر باشی باید روزه بگیری و حضرت رسول الله
صلی الله علیه وسلم فرمود:

(بِسْمِ اللَّهِ عَلَى خَمْسِينَ : شَهَادَةٌ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ وَصَوْمُ رَمَضَانَ وَالْحَجُّ)

پایه گذاری اسلام بر پنج رکن است - گواهی دادن آنکه نیست
معبودی بحق بجز خدای یکتا و گواهی دادن اینکه حضرت محمد بنمیب برحق
خداست - و پر باداشتن نماز و دادن زکاة و روزه داری ماه رمضان و
حج - روزه داری عبادت است از ترک مفسدات از طلوع فجر تا غروب آفتاب

باینده روزه به شب روزه ماه مبارک رمضان بر هر شخص بالغ عاقل مسلمان
 فرض عین است. روزه ماه مبارک رمضان در سال دوم هجری یعنی در دین
 سالیکه رسول الله بیدینه هجرت فرمود به آیه کَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ فَرَضَ شَدَّ
 بر شما روزه داری فرض گردید ثبوت ماه رمضان به یکی از دو صورت میگردید. یکم
 دیدن یک نفر عدل که گواهی دهد که ماه یکشنبه رمضان را دیده اند. دوم
 کامل نمودن شعبان را به سی روز. و ماه شوال نیز به همین دو امر ثابت میگردد
 یا گواهی دادن دو عدل که ماه یکشنبه شوال را دیده اند و یا کامل نمودن رمضان
 را به سی روز. گواهی دادن باید از طریق تحقیق کامل باشد. روزی حضرت
 رسول الله صلی الله علیه و سلم روی یکی از یاران نموده فرمود: تَرَى الشَّمْسَ؟
 عَلَي مِثْلَهَا فَأَشْهَدَ - آیا آفتاب را می بینی - بر مانند این گواهی بده - یعنی موقعی گواهی
 بده که مورد گواهی مانند آفتاب برایت روشن باشد گواهی بیدین ماه یا
 از روی کمال تحقیق باشد. زیرا روزه و افطار دو امر مهم دینی است که با احتیاط
 در هیچ کدام روانیت - وقتی که ماه یکشنبه در محله به ثبوت رسیده تا نیست و
 چهار فرسخ حکم ثبوت ماه جاری خواهد بود شرطهای واجب شدن روزه عبارتند
 از مسلمان بودن عقل پاک از حیض و نفاس و ولادت و توانایی بر روزه و
 تندرستی و مفقوم در محل بودن نیت روزه داری فرض است و باید در شب انجام گیرد
 بهترین موقع نیت از غروب آفتاب است. که موقعیکه روزه در بعد از غروب آفتاب
 افطار نمود میگوید -

اللَّهُمَّ لَكَ صَمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ

وَلِفِرَاضِ صَوْمٍ عَدِ نَوَيْتُ - ذَهَبَ الظَّمَاءُ وَأَبْتَلَّتِ العُرُوقُ وَثَبَّتِ
الْأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى

خدا یا برای تو روزه گرفتم و بر روزی تو افطار نمودم و بر تو ایمان آوردم و
خود را تسلیم تو نمودم و فرض روزه فردا را قصد نمودم - تسبیحی رفع شد در روزی
سیراب گشت - و ثواب روزه داری ثابت شد بخوار است خدا تعالی - عذرهای
که روامیدارند افطار نمودن عبارتند از بیماری شخص بیماری که از روزه
زیان می بیند می تواند افطار نماید - و وقتی که بهبودیافت قضا برود هرگاه شخص
بیمار بداند که روزه داری برای او ضرر دارد به این که طبیب به وی بگوید در حال بیماری
روزه نگیرد و در این حال روزه داری بیمار روانیت - بیماری که امید بهبودی
اونباشد - و همچنین کسیکه مرد و روزه در گردن او است بجای هر روز یک
مد یعنی چهار قیاس و نیم گندم به فقرا بدهد - دوم از اعدای افطار -
سفر است - شخص مسافری که سفر او شانزده فرسخ طول داشته باشد حق افطار
دارد - اما اگر در سفر روزه داری برایش زحمت نباشد روزه گرفتن بهتر
است - زنی که در حال حیض و یا نفاس است روزه داریش صحیح نیست وقتی
که پاک شد باید قضا برود - زن حامله و زن شیرده هرگاه از روزه داری ترس
زیان بر خود داشته باشد حق افطار دارند و قضا لازم شان است - و هرگاه
از روزه داری ترس زیان بر فرزند خود داشته باشد حق افطار دارند و قضا لازم
شان است و کفاره که برابر هر روزی که افطار کردند یک مد یعنی چهار قیاس گندم به
فقرا بدهند - پیر مردان و پیر زنان افتاده هرگاه از روزه داری عاجز باشند

قصد روزه داری میکنند هر موقع بے تاب شدند حق افطار دارند و باید بجای هر یک
 روز یک مد یعنی چهار قیاس و نیم گندم فقرا بدهند - آنچه که روزه را
 باطل میکند - هر چیزی که بخوف آدمی برسد و از مجرای طبیعی باشد خواه از
 راه دهان و یا بینی و یا گوش و یا از راه پانین - همه روزه را باطل مینماید - دود از هر
 نوع باشد روزه را باطل میکند سوزن و آمپول روزه را باطل نمیکند اما بهتر
 است که سوزن زدن در شب باشد - اگر میسر گردد - زیاده روی در آب بدن
 گردانیدن و آب به بینی برون اگر به معده رسیده روزه را باطل نمی کند - قی
 بعد روزه را باطل میکند - آمانی بدون اختیار روزه را باطل نمیکند مشروط
 بر اینکه دهن بشوید - کسیکه در روز رمضان بهراموشی آبی یا خوراکی خورد روزه اش
 باطل نمی شود: قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم:

(مَنْ نَسِيَ الصَّوْمَ فَأَكَلَ أَوْ شَرِبَ فَلْيَتِمَّ صَوْمَهُ فَإِنَّمَا أَطَعَمَهُ اللَّهُ وَسَقَاهُ) .

جماع و انزال - روزه را باطل می کند - و هرگاه کسی بسببی از اسباب
 روزه اش باطل شد - خودداری از خوراک و آب در بقیه آن روز برای
 تعظیم رمضان واجب است - کسیکه روزه رمضان در گردن او بود و
 روزه نه گرفت تا اینکه رمضان دیگر داخل شد - با قضا رفتن باید برای هر یک
 روز یک مد گندم بفقرا بدهد - کسیکه روزه رمضان را به جماع باطل
 کرد - گذشته از قضا، کفاره لازم او است - (آزاد کردن برده و اگر
 نباشد دو ماه پنی در پی روزه گرفتن در کفاره یکروز - اگر نتواند خوراک به شصت
 فقیر دادن به هر فقیر دادن یک مد در حال روزه چشیدن

خوراک کرده است مگر برای حاجت مانند طباخ که می چشد و دهان را می
 شوید - بوسه دادن کرده است و هرگاه بوسه بایه تحریک شهوت شود حرام است
 سرمه در چشم کردن و یا قطره در چشم نمودن به روزه کرده است - استعمال بو
 خوشی به روزه کرده است - مگر برای نماز جمعه اما روزه کمال که باید چنین باشد خوردن
 سحری که بایه برکت است - و تا خیر سحری که از فارغ شدن از سحورتها
 اذان فقط ربع ساعت در میان باشد - شتاب کردن افطار که همین که
 آفتاب غروب کرد افطار کنند - و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:
 (لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْفِطْرَ وَآخَرُوا السَّحُورَ)

مردم همیشه بخیر هستند مادامیکه به شتاب افطار کنند و سحری
 تاخیر کنند و بدن شستن واجب قبل از اذان صبح تا صه روزه در حال طهارت
 باشد غنیمت شمردن رمضان و صرف وقت در تلاوت قرآن و یاد خدا و صلوات
 و اعمال خیر - و نگهداشتن زبان از دروغ و غیبت و خبزه چینی و فحش و گفتار
 زور - زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

(مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ
 طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ) .

کجیکه حرف زور و کار زور را در رمضان از دست ندارد - خداوند
 حاجتی به ترک خوراک و آب او ندارد - روزه باید پایه صبری طاقت باشد -
 نه این که بر سر کوچک ترین چیزی خشم گرفتن و ناله احتی کردن - و این که
 نتیجه روزه داری توبه از خدا و شکر او و تقوی و پرهیزگاری باشد زیرا خدای

متعال فرمود ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

تا شما از روزه داری به تقوی برسید. و همین تقوی بعد از رمضان هم در همه سال همراه باشد. و اینکه در ماه رمضان نه فقط فقط دهن آدمی روزه باشد بلکه چشم و گوش و زبان همه از نادرستی دور باشد. و مهمترین که خوراک روزه دار از حلال باشد. و این که در ماه رمضان خویشاوندان و یتیمان و مستندان را بیاد آورد. و نسبت به بستگان هم در ماه رمضان کساده دست باشد. زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در ماه رمضان از باد و زنده کریم تر بود و این که سحرگاه عبادت بکند و موقع داخل شدن به مسجد اعتکاف نماید. و مهمترین اینکه در ماه رمضان از اداء نماز باجماعت در هر پنج وقت غفلت نوزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم درده روز آخر رمضان شب را عبادت زنده می داشت بستگان را به عبادت وادار می کرد. در مسجد به اعتکاف می نشست و می فرمود:

تَحَرُّوَالَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ رَمَضَانَ

بکوشید برای یافتن فضیلت شب قدر در ده روز آخر ماه رمضان شب قدر در ده ماه رمضان احتمال دارد. و در شب هفدهم از ده دوم و در شب ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۲۹ به احتمال قوی تر. و نظر امام محمد بن ادریس شافعی برین است که شب قدر ۲۱، و یا ۲۳ می باشد. کسانی که در همه ماه رمضان نماز مغرب و عشاء و صبح باجماعت خوانده اند فضیلت لیله القدر را دارند. خدایا بما توفیق ده که در گفتار و کردار رضای تو جوئیم. تا اعمال ما به حلیه اخلاص

آراستہ گردد۔ و فرجام ما بحسن عاقبت و مقبولیت درگاہت پایان
پذیرد۔ پروردگار اور این ماہ ہمہ ما از اولی الامر بزرگان دین و عموم مسلمین نجات
و موفق گردان سعادت حظ کسی است کہ رضایت بدست آورد و در با
کے است کہ تو انست محبوب درگاہ تو گردد۔

این سعادت بزور بازو نیست
تا نہ بخشند خدا کے بخشندہ

اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ - سُبْحَانَ
رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۶. فرزندان حقوقی که برگردن پدر و مادر دارند تربیت شان آماده کردن شان برای مستقبل.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقَوْلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَّلَامٌ عَلَى
عِبَادِهِ الَّذِينَ أَصْطَفَى -

قال الله تعالى

﴿ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَنْزِقُهُمْ وَيَاكُمْ
إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خَطَاً كَبِيراً ﴾ (سورة الإسراء آية ٣١)

خدای متعال فرمود: یکشاید فرزندان تان را از ترس فقر و تنگدستی
ماروزی ایشان و شما می‌دیدیم محقق است که کشتن فرزندان گناه بزرگ
است. همه میدانیم که کسی فرزند خود را نمیکشد پس معنی این آیه چنین است که
مبادا ترس فقر و تنگدستی باعث شود فرزندان خود را بنی ایمان و پیروادوبی تربیت
بیار آورید. اگر از روزی فرزندان تان می‌ترسید. این غصه را بدل راه
بدید. زیرا ماروزی رسان شما و فرزندان هستیم آیا کدام گناه به بزرگی
کشتن فرزندان یعنی بی سواد بار آوردن آنها است یک قاعده کل این است
که هر نعمتی که شکر گذاری نشد از کف می‌رود. فرزند نعمتی است پس بزرگ و

موقعیکه برای ایمان داری و تربیت و باسوادی اوقات را م نشد از کف می رود
 مادر اینکه و طفولیت فرزندان خود در سال خود درس ایمان داری به فرزندان
 خود نمی آموزند. در برابر خدای متعال مسئولیتی بزرگ دارند. و عقوبتی
 بزرگ می یابند که سخی از آن عقوبتها ناخلف و نادرست بار آمدن فرزندان
 است و خون جگر شدن برای پدران و مادران است. پدران که برای
 تربیت فرزندان خود و باسواد کردن آنها اقدامی نمی کنند. و حاضر نمی شوند
 روز تربی ربع ساعت فرزندان خود را در باسوادی تشویق کنند باینکه
 منتظر عقوبت این اہمال باشند. خدای متعال برای دستن قمت
 فرزندان و همسران بیا یاد داد که چگونه از او بخوانیم تا آن و فرزندان را نور چشم و چشم
 روشنی ما قرار دهد. و بیا یاد داد که او بخوانیم و در دعای خود بگوئیم.

﴿ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلتَّقِيَّينَ إِمَامًا ﴾ الفرقان ۷۶

ای پروردگار ما. بیا عطا کن از فرزندان و همسران ما. آنچه مایه روشنائی
 چشم ما باشد و نسبت ما به پرہیزگاران قرار ده تا پرہیزگاران این
 گذشتگان پیشوایان ما باشند. و ما به بیروی از ایشان پیشوایان پرہیزگاران
 آیندگان باشیم. پرہیزگاران در پیشوائی خود زن و فرزندان را گرامی داشتند
 و آنان را با تربیت و دیدار و باسواد بار آوردند. فرزندان اگر درست تربیت
 شوند و از کودکی به بیروی ایمان مسلح شوند و از سواد صحیح بهره مند گردند. در
 بزرگی مایه چشم روشنی پدر و مادر خواهند بود و روزی که مولود در دنیا می آید.
 مستحب است که در گوش راست. نوزاد اذان و در گوش چپ او اقامه گفته

شود و از دست پدر و یا شخص صالحی اندکی عسل به دهن او مالیده شود تا اولین
 کلمه که به گوش کودک میرسد - أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
 رَسُولَ اللَّهِ باشد و اولین طعامی که به معده او میرود - شیرینی عسل باشد
 که به شفا موصوف است - خوراک حلال از بهترین اسباب سعادت
 فرزند نداشت - معروف است که امام الحسین شینج امام محمد غزالی
 در موقع درس بعضی اوقات از شکم دردمی نالید - روزی بسبب این کم
 در دریا چنین معرفی نمود که در روزهای شیر خواری - روزی مادرم دستش بستگی از
 کارهای خانه بند بود - من گریستم - زن همسایه که در خانه ما آمده بود پستان خود را
 بدان من نهاد تا من از خوردن شیر او آرام گیرم - در این آثار پدرم رسیده و
 بنای اطهار ناراضی می کنند - که چرا زن همسایه من شیر بد بد - و میگوید
 زن شوهر دار هستی - و فرزند داری - بدون اذن شوهرت حرام است شیر بفرزند
 من بدی - آنگاه دست بدان من می کنند تا آنچه از شیر آن زن که آشامیده
 برون ریزم - و میگوید اگر بمیرد بر من آسان است - اما حرام در معده او
 بماند رضی نخواهم بود - این است که با چنین عینم خواری - فرزندانی را به
 اجتماع سپردند که افتخار جهان بودند - در روز مفتوم ولادت فرزند - نام
 گذاری او بنام خوب - و ختنه کردن او - و تراشیدن موی سر او و هموزن
 موی سر او از طلا و یا نقره صدقه دادن و ذبح عقیقه فرزند - از
 سنت های است که برای احترام فرزند انجام می گیرد - نام گذاری فرزند بوسیله
 بزرگ خانواده و صالح ترین افراد آن و یا از طریق نوشتن چند نام و در کاغذ لوله

کردن [و گرفتن یکی از کاغذهای لوله شده بوسیله کسیکه موقع نوشتن حاضر نبوده
 انجام می گیرد احترام فرزند و تشویق او در راه خیر و سئوالات اینک در روز چه کرده
 است - و راهنمایی او - از بهترین و سبب تشویق او در پیش رفت و گام
 برداشتن او در راه خیر و صواب می باشد - و قتیکه در حدیث صحیح است که
 حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید - بحسب آخری من
 البشر ان یحقر آخاه المسلم (رواه مسلم) کفایت است درستی شخص آنکه برادر
 مسلمان خود را خوار دارد - معلوم است که تا چه حد دلیل پستی شخص است
 موقعیکه همسر و فرزند خود را خوار دارد هر فرزند کی که بی ایمان و بی سواد و
 بی تربیت بیار آید - چه کسی از او خوار تر خواهد بود - بعضی تصور کرده اند که وقتی همسر
 گرفتند و دارای فرزندی شدند تنها مسئولیت شان خوراک و آب
 آنهاست - در حقیقت همه حیوانات و جانوران چنین هستند تا وقتی که
 بچه های شان نیاز به سرپرستی و شیر خوارگی و نگهداری دارد - دست از
 اونمی کشند - و قتیکه خود توانستند خوراک و آب خود بدست آورند - ما
 دران و پدران شان دست از آنها می کشند - اما اگر آدمی باید همانند حیوان
 باشد - حیوان مسئولیت ندارد - اما آدمی انواع مسئولیت دارد - و این
 مسئولیتها در خرد سالی فرزند به عهد پدر و مادر است کسانیکه به فقه
 اسلامی آشنائی دارند میدانند که عهد و نفقه و سرپرستی فرزندان که به
 پونخ رسیده اند - مقدم بر عهد پدر و مادر است - زیرا هر فرد در ابتدا مسئول
 شخص خود - و بعد مسؤل همسر و بعد فرزندان خرد سال و بعد مادر پدر یعنی

اگر از نفقه خود زیاد تر دارد - نفقه همسر لازم او است - اگر از نفقه همسر زیاد تر دارد
 نفقه فرزندان خود سال لازم او است - و اگر اضافه بر نفقه خود و همسر و فرزندان
 دارد - نفقه مادر و پدر لازم او است - فرزندی که در دین اسلام از حیث نیت
 مقدم بر مادر و پدر می باشد - معلوم است که پدران و مادران تاجیه حد برای
 تربیت او در برابر پروردگار خود مسئولیت خواهند داشت - و تربیت فرزندان
 بیک چشم دیدن و یکسان پروریدن - از مسائل اولیه تربیت صحیح است -
 نعمان بن بشیر انصاری رضی الله عنهما گوید مادرم از پدرم درخواست نمود تا نسبت
 بمن عطیه ای بدهد - وقتیکه عطیه بمن داد - مادرم گفت بر و در رسول الله را گواه بگیر
 که این عطیه به پسرم داده ای - پدرم مرا با خود بسجده است رسول الله برو - و عرض کرد
 یا رسول الله من عطیه به این پسرم داده ام و مادرش مرا فرستاده است
 تا تو را گواه بگیرم - رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: أَكَلْ أَوْلَادِكَ نَحَلْتُمْ هَكَذَا
 آیا به همه فرزندانانت به قدر این پسرت عطیه داده ای - پدرم گفت خیر - رسول الله
 صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: فَأَشْهَدُ غَيْرِي فَإِنِّي لَا أَشْهَدُ عَلَى جُورٍ (بخاری)
 برو غیب من گواه بگیر زیرا من گواه بر ظلم نمی شوم - و باید دانست که فرزندان
 را باید برای زمانه شان تربیت کرد - علی رضی الله عنه گوید: وَالنَّاسُ بِزَمَانِهِمْ
 أَشْبَهُةٌ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ - شباهت مردم به زمانه شان بیشتر است از شباهت
 شان به پدران شان فرزندان را باید برای زمانه شان تربیت کرد - زمانی
 که مادر آن استیم فی سواد حکومت بفتنا و است - از ایمان داری و تربیت و اسوا
 کردن فرزندان عظمت نکنید - خدایا از فضل تو مکتسم تار و زبر و ز علم

ما بیفزائی که وسیله کامیابی در دنیا و لازمه نیک بختی در عقبی تنها از طریق
 علم میسر است - پروردگار ابا توفیق ده تا غم خواری خود باشیم و برای
 تربیت فرزند شایسته که از مهمترین اعمال صالحه والدین است نهایت
 کوشش بکار بریم آفریدگار از تو می خواهیم با ما عنایتی فرمائی تا در
 افزایش علم و بالا بردن معلومات که لازمه زنده ماندن در دنیای حاضر است
 با هم همکاری کنیم ای ایزد دهر سربان سرداران اولی الامر و بزرگان دین و عموم
 مسلمانان را در پیروی از دستورهای سعادت - بار قرآن و حدیث
 موفق گردان -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
 وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
 وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
 وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۱۷- پائمال کردن حقوق مردم، عقوبت آن بدفرجانی آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ..

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾ آد عمران ۷۷

**محققان و میکه می خرن در پیمانها و قسم هائی شان بهای اندکی از مال دنیا
آنها هستند که بیج نصیبی در آخرت ندارند - از عبد اللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ
روایت است که حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود:**

(مَنْ حَلَفَ عَلَى مَالٍ أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ بِغَيْرِ حَقِّهِ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانِ)
قَالَ ثُمَّ قَرَأَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِصْدَاقَ ذَلِكَ مِنَ
الْقُرْآنِ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾. أو كما قال عليه الصلاة والسلام

**رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود کسیکه قسم بر مال شخص
مسلمانی یاد کرده با حق - خدا را دیدار می کند در حالی که خدا تعالی بر او خشمگین
است - پس از آن تصدیق این معنی را - آیه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ
وَإَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾ - قرأت فرمود: که آنها نیکه بر اندکی از مال دنیا قسم تا حق میخورند نصیبی**

دآخرت نذرند و خدا برایشان خشم گرفته و از رحمت خود دورشان ساخته است. ابوامامه رضی الله عنه روایت کند که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: (مَنْ اقْتَطَعَ حَقَّ أَمْرِي مُسْلِمًا بِمَيْتَةٍ فَقَدْ أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ وَحَرَّمَ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ - فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ وَإِنْ كَانَ شَيْئًا يَسِيرًا؟ قَالَ وَإِنْ كَانَ قَضِيًّا مِنْ أَرْكَ)

(رواه سلم) رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسیکه برید حق شخص مسلمان را به قسم ناحق پس محقق است که خدا تعالی ثابت فرمود برای او آتش و حرام ساخت بر او بهشت. مردی عرض کرد: اگر چه چیزی اندک باشد فرمود: اگر چه چوب مسواک باشد. عبداللہ بن عمر رضی الله عنہما روایت نمود که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ: الإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَعَقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَقَتْلُ النَّفْسِ وَالْيَمِينُ»

(رواه البخاری)

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: گناهان کبیره - شرک آوردن بخدا و نافرمانی پدر و مادر - و آدم کشی - و قسمی که بناحق باشد که مرد می بخورد بر نام غیر خدا - حرام است. عبداللہ بن عمر رضی الله تعالی عنہما روایت نمود که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: محقق بدانید که خدای تعالی اشمارا منع فرمود از قسم خوردن بنام پدران تا آن - پس کسیکه میخواهد قسم یاد کند قسم بنام خدایا و کند یا خاموش بماند -

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْهَاهُمْ أَنْ تَخْلِفُوا بِأَبَائِكُمْ فَمَنْ كَانَ خَالِفًا فَلْيُحْلِفْ بِاللَّهِ أَوْ لِيَصْمُتْ بریده رضی الله عنه گوید رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

مَنْ حَلَفَ بِالْأَمَانَةِ فَلَيْسَ مِتًّا (رواه أبو داود) کیکه قسم به امانت خورد - از
مانیت - و حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: (مَنْ حَلَفَ

فَقَالَ أَنِي بَرِيٌّ مِنَ الْإِسْلَامِ - فَإِنْ كَانَ كَاذِبًا فَهُوَ كَمَا قَالَ - وَإِنْ كَانَ

صَادِقًا فَلَنْ يَرْجَعَ إِلَى الْإِسْلَامِ سَالِمًا) (رواه أبو داود) کیکه قسم خورد

و در قسم خود گفت - برنی از اسلام باشم اگر چنین کرده باشم - که اگر دواغ
می گوید پس برابر گفته خود می باشد و از اسلام برمی آید و اگر راست
گفته باشد هم سلامت به اسلام برنگشته است - و رسول الله صلی الله

علیه وآله وسلم فرماید: (مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ وَأَشْرَكَ) (رواه الترمذی)

کیکله قسم بر نام غیر خدا یا کرده در حقیقت کفر آورده است هرگاه
قسم بر نام خدا یا دکنده بار کار بیکه کردن آن بهتر است - مثل اینکه قسم بخورد که بنزد
یکی از خویشاوندانش مشلاً زود - در این حال رفتن نزد ارحام خود و کفاره
قسم دادن بهتر است - عبد الرحمن بن سمره رضی الله تعالی عنه گوید -
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بمن فرمود:

(وَإِذَا حَلَفْتَ عَلَى يَمِينٍ فَرَأَيْتَ غَيْرَهَا خَيْرًا مِنْهَا فَأَتِ الَّذِي هُوَ خَيْرٌ وَكُفِّرْ

عَنْ يَمِينِكَ) . (متفق عليه)

هرگاه قسم بر کاری یاد نمودی - و دانی انجام ندادن آن قسم بهتر است
انجام بده کفاره آن قسم خود بسپرد از - زیرا سچ کردن در قسم خود و بریدن از
ارحام خود گناهش بیشتر است - قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم:

(لَأَنْ يَكِلَجَ أَحَدَكُمْ فِي يَمِينِهِ فِي أَهْلِهِ أَشْمُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ

أَنْ يُعْطَى كَفَّارَتَهُ الَّتِي فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ .

بج کردن یکی از ششاد قسمی که در باره خویشان و بستگان یاد کرده
است. گناهش بیشتر است نزد خدا تعالی از اینکه بد بد کفاره ای را
که خدا بر او فرض فرمود. کفاره قسم چنانکه خدا تعالی فرمود:

﴿كَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تَطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْفَتَهُمْ
أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ - فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ - ذَلِكَ كَفَّارَةٌ
أَيَّمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ﴾ - (المائدة ۸۹)

کفاره قسم - خوراک دادن به ده فقیر - هر فقیر یک مد که چهار
قیاس و نیم باشد از میان آنچه خوراک میدهد بستگان یا پوشاک
دادن به ده فقیر - به هر فقیر یک انگ یا یک قمیص یا یک جامه - یا به
بعضی ننگ به بعضی شروال به بعضی جامه - و غیره - و یا آزاد کردن برده - کسیکه
بسیچکدام را نیابد پس سه روز به روزه برود - و لازم نیست که این سه روز
همراه هم باشد - بلکه ممکن است یک روز روزه بگیرد و چند روز روزه بگیرد
و به این ترتیب تا سه روز را روزه بگیرد - و درست است که قبل از شکستن
قسم کفاره آن بدهد - مثل اینکه اول کفاره بدهند بعد قسم را بشکنند
روزه گرفتن کفاره روانیست - هرگاه قسم به سر زبان آید بدون قصد قسم
مثل زوالتی که قصد قسم همراه نباشد کفاره ندارد - خدای متعال فرمود:

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ

(المائدة ۸۹)

خداوند شمشیر را به قسم سر زبانی مواخذه نمی فرماید - و لکن شمارا مواخذه می نماید به قسمیکه قصه قسم به آن نمودید - و بهر حال قسم بی جهت یاد کردن روایتی است
 خدای متعال فرمود: **وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ** نگه دارید قسم های تان - مبادا قسم را ناچسب زبانتان را بر سر هر خرد و بزرگی قسم بکار آورید - که خود این مایه بی برکتی است - از امام محمد بن ادریس شافعی رحمت بر الله علیه روایت است که گفت -
مَا حَلَفْتُ بِاللَّهِ لِأَصَادِقَ قَوْلٍ وَلَا كَذِبًا قسم بنام خدا یاد نکردم نه به راست و نه به دروغ - در این ماه مبارک زبان را از قسم بی مورد مگر در راه زیر این ماه - ماه طاعت و عبادت و تعظیم نام خدا و تلاوت قرآن است
قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

(لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ - وَرَجُلٌ آتَاهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُهُ آتَاءَ اللَّيْلِ وَآتَاءَ النَّهَارِ) حدیثیست مگر در حق دو کس که رشک بر دین این دو سجا است - شخصی که خدا قرآن به وی آموخت - پس او در ساعت های شب و روز به حقوق قرآن قیام میکند - بدین عمل می کند - آن را تلاوت میکنند - و شخص که خداوند به او مال داد - و او مال را در ساعت های شب و روز در راه های خیر انفاق می کند - خوشوقتی از کارهای خیر بدست می آید - و بهر خوشوقتی که از انجام عمل خیر باشد سجا است -
ابی ذر رضی الله عنه گوید: گفته شد به رسول الله صلى الله عليه وسلم:

(أَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَعْمَلُ الْعَمَلَ مِنَ الْخَيْرِ وَيُحَمِّدُهُ النَّاسُ عَلَيْهِ؟ قَالَ تِلْكَ عَاجِلُ بَشَرِي الْمُؤْمِنِ) (رواه مسلم)

مرا تجربه در باره شخصی که کارها از کارهای نیکتر میکند و مردم او را بر آن کار خیر-
 خوبی گویند - رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرموده: آن خوبی و ستایش
 مردم از مرده‌های است که به بهشت تاب میرسد به مؤمن - و ثواب او نزد خدا باقی
 است - و مرده‌های آخرت او بهتر و بیشتر و پایدارتر است - خدایا ما را از کسانی
 قرار ده - که چون خوبی کنند خوشوقت شوند و چون بدی کنند آرزوش جویند خدا تعظیم
 ذات و صفات را شیوه‌ها قرار ده و بردن فراموشی محبوب ما قرار ده تا عمر ما در راه
 طاعتت صرف شود آفریدگار ما معامله با ما از راه احسان و فضل خود قرار ده که در
 برابر عدل تو کسی ایستادگی نتواند - پروردگارا سروران اولی الامر و بزرگان من
 و عموم مسلمین در اجساد حق و عدالت موفق بدار و خرد بزرگ مسلمین بعبادتت
 آراسته دار - خدایا اگر همه عمر در طاعتت صرف شود در رضای تو نباشد
 چه سودی آرد و اگر همه معاصی آوریم و عنایت تو باشد چه زیانی آید ای بی نیاز
 از همه بندگان ما را نوید مساز و ای چاره ساز فردماندگان سختی‌های زندگی ما را چاره
 ساز -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
 وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
 وَآلِصَّالِحِينَ سَبَّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
 وَسَلَّمَ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۶۲ - فرصت را غنیمت شمارید وقت را بیهوده تلف مکنید جوانی و تندرستی را در کارهای نسیک بکارید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يَنْبَغِي لِعِجَالِ وَجْهِهِ وَعَظِيمِ سُلْطَانِهِ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ - أَمَا بَعْدُ فَأِنِّي أَوْصِيكُمْ أَوْلًا بِتَقْوَى اللَّهِ عِبَادَ اللَّهِ فَاتَّقُوا وَسِيْلَةً لِسَعَادَةِ الدُّنْيَا وَالْفَوْزِ فِي يَوْمِ الْمَعَادِ.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ﴾ سورة البقرة - آیه ۱۶۸

بر هر مدیگر سبقت بگیرد در راههای خیر

وَقَالَ تَعَالَى ﴿ وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ آل عمران (۱۳۲)

بشاید بسوی آمرزشی از پروردگاتان - و بهشتی که پهنای آن برابر آسمانها و زمینهاست چنین بهشتی آماده شده است برای برهینزگاران -

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ فَسَتَكُونُ فِتْنٌ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَمُتَسَيِّئًا كَافِرًا وَمُتَسَيِّئًا مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا يَبِيعُ دِينَهُ بَعْضٌ مِنَ الدُّنْيَا (رواه مسلم فی صحیحہ)

بشاید بسوی کارهای شایسته و وقت را غنیمت شمارید و برای سعادت

هگی همدستی کنید موارد تولید کار را بدست آورید سکاری را براندازید
 در علوم و اطلاعات خود بیفزایید ایمان خود را تقویت کنید تا هگی در اینجا
 و سعادت می همانند کوهی پا برجا و ثابت قدم باشید - اگر بر کارهای شایسته
 و اعمالیکه رفاه و سعادت آن در آن است سبقت نگر فتنه - ایمانناست
 شد و روابط اجتماعی از هم گسیخت قوی حقوق ضعیف را پائمال کرد کسی بیاری
 مظلوم نشانتافت ضعیف را بے چاره شدند بینوایان فرومانند کسی دست
 زیر بار افتادگان نزد فتنه های همانند شبههای تمیبه و تارایش آید
 ایمان های سنت شده قابل فنا شود و باید ادمؤمن و شامگاه کافر گردد -
 و سپین مومن صبح کافر گردد دین خود را به کالای از کالای دنیا مبادله کند دین در حقیقت
 واقع اساس و شاهوده زندگی را تشکیل می دهد - وجود و بقا ملتهار اضمات
 میکند - دین باید همانند کوه ثابت و پایدار و غیر قابل معاوضه باشد
 اما دین هم داری ارکانی است که با این تقویت گردد و همانگونه که سر در بدن آدمی
 اشرف اعضا بشمار است اما سر بدون چشم و گوش و زبان چه ارزشی دارد
 چشم و گوش و زبان بدون دست و پا و قلب و اعضا چه فائده ای دارد
 دین هرگاه به زبان گفته شود و به عمل انجام داده نشود - وجودی بے معنی خواهد
 بود نماز و روزه و زکوة و حج و در ستکاری و امانت و اعتماد و صدقا
 و مبرات و گرفتن دست ضعیف و مواسات پاکي دل و درستی عقیده و خیرخواهی
 و خیر اندیشی به مدد همگ بر خاستن و بهدستی و بهدستی سعادت اجتماع خواهند
 و همکاری و همگامی این ها است که دین را در بهتترین معانیس جلوه میدهد -

رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم حتى يكتب تأخير در انجام نبرد
روانمیداشت.

رَوَى الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ - عَنْ عَقِبَةَ بْنِ الْحَارِثِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ صَلَّيْتُ
وَرَاءَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمَدِينَةِ الْعَصْرَ فَسَلَّمَ ثُمَّ قَامَ
مُسْرِعًا فَتَحَطَّى رِقَابَ النَّاسِ إِلَى بَعْضِ حُجَرِ نِسَائِهِ فَضَمَّ النَّاسُ مِنْ
سُرْعَتِهِ فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ فَرَأَى أَنَّهُمْ قَدْ عَجِبُوا مِنْ سُرْعَتِهِ قَالَ ذَكَرْتُ
شَيْئًا مِنْ تَبَرُّعِنَا فَكْرِهَتْ فَأَمَرْتُ بِقِسْمَتِهِ وَفِي رِوَايَةٍ لَهُ كُنْتُ خَلَفْتُ فِي
الْبَيْتِ تَبَرُّعًا مِنَ الصَّدَقَةِ فَكْرِهَتْ أَنْ أُبَيِّتَهُ -

روزی نماز عصر را در مدینه پشت سر پیغمبر خواندم اما آن
روز همین که رسول الله سلام نماز گفت به سرعت برخاستم و از میان مردم
گذشتم و بمنزل یکی از همسرانش خود را رسانیدم مردم از شما بدین حضرت
تواضع شدند - موقعیکه رسول الله در آنرا حاضر مردم را دید فرمود چیزی از منزل
طلا از مال صدقه در منزل گذاشته بودم ترسیدم که تاخیر نمایم ممکن است
شب در خانه ام بماند دستور دادم تا قسمت شود - در حقیقت این خود یک
درسی است - زیرا چه بسا کارهای خیر که از امروز فردا کردن از دست میرود
و چه بسیار اعمالیکه از طریق تاخیر و تعلل انجام نمی گیرند - ماه مبارک رمضان
بهترین موقع برای تدارک مافات است - آنانیکه توفیق طاعت کثیر یافته اند
می توانند در این ماه پایه طاعت کاری خود را بریزند - آنهایکه از احرام خود غفلت
کرده اند - آنهایکه ضعیف و بینوایان را فراموش نموده اند - در این ماه موقع

جبران است ابتکار در ایجاد کار و بکار و اداشتن درهای از بینوایی و افتقار
از بهترین کارها است و در کارهای خیر همیشه پیشدستی و مسارعت
وسلک توفیق است قال رسول الله صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم:

(بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ سَبْعًا هَلْ تَنْتَظِرُونَ إِلَّا فَقْرًا مَنَسِيًّا أَوْ غِنًى مَطْعِيًّا أَوْ
مَرْضًا مُفْسِدًا أَوْ هَرَمًا مُضْتَدًّا أَوْ مَوْتًا مُجْهَرًا أَوْ الدَّجَالَ فَشَرُّ نَحَائِبٍ
يُنْتَظَرُ أَوْ السَّاعَةَ فَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمْرٌ) (رواه الترمذی وقال حدیث حسن)

پشتابید به اعمال خوب پیش از هفت چیز که اگر در اعمال خیر
نشاید موانع از آن پیش می آید چه در انتظار دارید فتری که
همه کار از یاد ببرد یا تو انگری که سرکشی و طغیان به همراه آورد یا بیماری که
بسیاری از مقاصد را تباه سازد یا بیماری افتادگی که گذشته را به خیالی
همانند سازد یا مرگ که همه کارهای شخص را پایان دهد یا دجال که پست
نابی است که انتظار آن میرود یا قیامت معلوم است که قیامت از
بر برای بلا تر است و از هر چیزی تلخ تر -

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ
اللَّهِ أَيُّ الصَّدَقَاتِ أَعْظَمُ أَجْرًا قَالَ أَنْ تَتَصَدَّقَ وَأَنْتَ شَحِيحٌ تَخْشَى الْفَقْرَ
وَتَأْمَلُ الْغِنَى وَلَا تَمْهَلُ حَتَّى إِذَا بَلَغْتَ الْحُلُقُومَ قُلْتَ لِفُلَانٍ كَذَا
أَوْ لِفُلَانٍ كَذَا وَقَدْ كَانَ لِفُلَانٍ كَذَا (متفق عليه)

مردی بخدمت رسول آمد و عرض کرد یا رسول الله چه نوع صدقه اجرش
بیشتر است فرمود آنکه صدقه نمایی موقعیکه تندرست و غلامند بهستی خودستی

و ترس فقر داری و امید تو انگری در روزهای که زندگی برای تو رو باقیال
 است صدقه دهی نه اینکه همت دهی و تاختی کتی تا موعیکه روح به حلقوم
 رسد بگویی برای فلانی و برای فلانی این قدر دور حقیقت فلانی این قدر نزد
 من داشته است که چنان وصیتی با نخبام هم نخواهد رسید در اسلام
 سبقت و پیشدستی در راه های خیر و مجاهدت در اعمال خیر مهم ترین
 ارکان این دین مبین را تشکیل میدهد. در خطاب به رسول الله صلی الله علیه و
 آله و اصحابه وسلم «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» النحل (۹۹) می رود کارت را عبادت
 کن تا موعیکه یقین تو فرساید و در خطاب به امت «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ
 ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» سوره مؤمنان مورچه ای کار خوبی انجام دهد پاداش آن با
 خواهد دید اگر آدمی در راه خیر بکوشد خداوند طرق خیر را به نشان
 خواهد داد و به مطالب خود در راه خیر خواهد رسانید. قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ
 «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» مرد می که بکوشد در
 راه بدست آوردن رضای خدا یقین است که خدا آنان را به راه های که موجب
 رضای خدا است میرساند و محققا خدا همراه نکو کاران است. اما بسیاری از
 مردم از راه های خیر اغفال می کنند. و تندرستی و توانائی بر راه های خیر
 را از دست میدهند. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (نِعْمَتَانِ
 مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ). (رواه البخاری)
 دو نعمتند که بسیاری از مردم در آن مغبون و فریفته اند تندرستی
 و فراغت تندرستی مستلزم قدرشناسی و سپاس گذاری است و فراغت

مستوجب پرداختن بکار است که همیشه تندرستی و فراغت نمازد. روزه مهمترین اسباب تندرستی است ماه مبارک رمضان از مهمترین اسباب آمرزش است۔

رَوَى ابْنُ مَاجَةَ وَحَبَّانُ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ صَعَدَ الْمُنْبِرَ فَقَالَ آمِينَ آمِينَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ صَعَدْتَ الْمُنْبِرَ فَقُلْتَ آمِينَ آمِينَ قَالُوا آمِينَ فَقَالَ إِنْ جَبْرِيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ آتَانِي فَقَالَ مَنْ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْضَرْ لَهُ فَمَاتَ فَدَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ قُلْ آمِينَ فَقُلْتَ آمِينَ وَمَنْ أَدْرَكَ أَبُوَيْهِ أَوْ أَحَدَهُمَا فَلَمْ يُكَبِّرْهُمَا فَدَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ قُلْ آمِينَ فَقُلْتَ آمِينَ وَمَنْ ذَكَرْتِ عِنْدَهُ فَلَمْ يَصَلِّ عَلَيْكَ فَمَاتَ فَدَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ قُلْ آمِينَ فَقُلْتَ آمِينَ) (أو كما قال عليه الصلاة والسلام)

بہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وصحبہ وسلم گفتہ شد یا رسول اللہ موقعیکہ بر منبر شری سہ بار آمین گفتی فرمود جبریل نزد من آمد و من گفت کیسکہ ماہ مبارک رمضان را دریافت کرد اما این ماہ را بجا نیاورد در این ماہ ہم بخود نیاید خود را اصلاح نہ کرد و در گذشت بہ دوزخ رسید خدا اورا دور از جہنمش بدارد بگو آمین گفتم آمین و یکیکہ پدر و مادر ہر دورا دریافت و یا یکی از آن دو را و کاری نکرد از تسکو کاری در حق پدر و مادر کہ وسایہ رفتن بہ بہشتش باشنذبہ پدر و مادر خوبی نکرد و بہ آتش رسید خدا اورا از جہنمش دور ساخت بگو آمین گفتم آمین و کیسکہ ماہ مبارک رمضان برای اصلاح

نویستن است برای تعدیل اخلاق و تحسین عادات می باشد برای نیکوکاری
 و خیر اندیشی و درست کاری است اگر کسی یازده ماه غفلتش کفایت نکرد و در
 این ماه هم دامن غفلت را ادامه داد - اسحق که از رحمت خدا دور شده است
 پدر و مادر در گمراهی بهشت هستند - و وسیله رضای خدا هستند کسبیکه
 پدر و مادر را خوشنود نکرد و بانا خوشنودی شان از دنیا رفت - در واقع از
 رحمت خداکے تعالی محروم گردیده است - کسبیکه مجاہد تہای رسول اللہ
 را بداند و تمکلی کہ ایشان بر اے را ہنمانی و نیک بختی بشر مشتمل شدہ اند -
 بفہمہد و باز ہم موقعی کہ از ایشان یاد شود بر ایشان درود نفرسند - چنانکہ از ہر
 رحمت پروردگار دور شدہ است - ماہ مبارک رمضان ماہ استجابت دعا

رَوَى الْحَاكِمُ عَنْ ابْنِ عَمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَسَلَّمَ (لِكُلِّ عَبْدٍ صَائِمٍ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ عِنْدَ افْطَارِهِ أَعْطِيهَا لَهُ فِي
 الدُّنْيَا أَوْ أُدْخِلَ لَهُ فِي الآخِرَةِ) (أو كما قال عليه الصلاة والسلام)

هر بنده روزه دار موقع افطار دعای مستجاب دارد کہ نتیجہ آن دعا در دنیا
 داده می شود و یا ذخیرہ می شود برای آخرت او - محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ و
 آلہ و صحبہ وسلم آنچه کہ دستور داد بہمہم برای سعادت و نیک بختی بشر است
 آنانیکہ از فرمان او سرپیچی می کنند بہ بیچارگی خود تن در می دهند -

رَوَى مُسْلِمٌ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَثَلِي وَمَثَلُكُمْ كَمَثَلِ رَجُلٍ
 أَوْقَدَ نَارًا فَجَعَلَ الْجَنَادِبَ وَالْفَرَاشَ يَقَعْنَ فِيهَا وَهُوَ يَدْبُهُنَّ عَنْهَا وَأَنَا آخِذٌ

بِحَبْرِكُمْ وَأَنْتُمْ تَقْلَتُونَ مِنْ يَدِي). الحديث

رسول الله فرمود مثال من و کوشش من برای نجات شما و مثال شما و کوشش شما در هلاکت مثال شخصی است که آتشی را برافروخت و باریک شدن آتش بجهنمها و پروانه و امثال آنها شروع کردن به بریدن خود به آتش او نمی گذاشت که در آتش میفتند. ولیکن پروانه ها از دست او برون میرفتند من کمر بستد شمار گرفته تا به آتش نروید. و شما به نافرمانی از دست من برون میروید. و شما به نافرمانی از دست من برون میروید تا خود را به آتش افکنید هر قدر زمانه از بعثت رسول الله دور تر می شود فضیلت عبادت و استقامت بیشتر میگردد.

رَوَى مُسْلِمٌ عَنْ مَعْقِلِ بْنِ إِسَارٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ (الْعِبَادَةُ فِي الْهَوَجِ كَهَجْرَةِ الْإِخِي).

عبادت در ایامی که فتنه های الحاد به دینی موجود است. همانند هجرت بسوی من اجر و ثواب دارد. کسیکه بتواند در این ماه مبارک عبادت خود را بدرستی انجام دهد. طاعت خود را از زیاده و نمود حفظ کند زبان خود را نگهدارد استقامت. همیشه کند ایمان خود را به ثبوت رسانیده است گفت از خوب خوش رفتاری از نشانه های ایمان است.

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ (لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَانِ وَلَا اللَّعَانِ وَلَا الْفَاحِشِ وَلَا الْبِدْئِ)

رواه الترمذی وقال حديث حسن

شخص با ایمان هیچ گاه طعن در انساب مردم نمی زند بلکه همانگونه که نسب خود را محترم می شمارد و نسبت بهای مردم را نیز گرامی میدارد شخص با ایمان هیچ گاه لعن و نفرین روا نمیدارد و همتاگونه که نسبت بخود طالب رحمت و خوشی است برای مردم هم دعای خیر فرستد. شخص با ایمان هیچ گاه زشت گفتار نخواهد بود. بلکه مقتضای ایمان است که زبان خود را از زشت گویی نگاهدارد. شخص با ایمان هیچ گاه تلخ دهن نیست بد زبان نخواهد بود بلکه زبان را به گفتار خوب و حرف خیر می آراید و حتی از آنچه بایه شک و ناراحتی ضمیمه است دوری می جوید.

رَوَى التِّرْمِذِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ
حَفِظْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ دَعْوَةً
مَا يَكْرَهُ إِلَيَّ مَا لَا يَكْرَهُ إِلَيْكَ.

امام حسن بن علی رضی الله عنهما گوید شنیدم و از کبر مردم از فرموده رسول خدا که فرمود ترک کن آن چرا که تو را به شک و تردید و امیدارد و بر روی آنچه تو را به شک نیندازد و در حدیث دیگر الصَّدَقُ طَمَآنِيْنَةٌ وَالْكَذِبُ رِيْبَةٌ راستی بایه آسایش خاطر است و دروغ بایه تردید و ناراحتی خاطر است اسباب راستی و استقامت زبان است. و ادوات آن به یا خدا و وسائل استقامت است رعایت ضعفاء. رَوَى أَبُو دَاوُدَ عَنْ أَبِي التَّرْدَاءِ

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ (لَبِغُونِي فِي الضُّعَفَاءِ فَإِنَّمَا تَنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ بِضُعَفَائِكُمْ). الْحَدِيثُ

رسول الله فرمود مرا بگوئید در بینوایان تان - رضای من در رضای
 آنهاست و این را یقین بدانید که روزی و پسر روزی شما بخاطر
 ضعفان من می باشد - و هر قدر کسی ضعیف تر باشد رعایت
 حق او مؤکد تر می گردد. عَنْ أَبِي شَرِيحٍ الْخَزَاعِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حَقَّ الضَّعِيفِينَ الْيَتِيمَ وَالْمَرْأَةَ

رسول الله فرمود خدا یا من حرجی و گنہگار در نام کسی که حق ناتوان
 ضایع کردن و یتیم یعنی پسر یتیم از ضعیف حقوق زنان و یتیمان که تضعیف
 حق این دو نابخشند و دنی است - خدا یا ما را توفیق ده که در کارهای خیر پیش قدم
 باشیم و بما عنایتی فرمائ تا هیچگاه ذممت خود را به حقوق ضعیفان مشغول نسازیم
 خدا یا زبان ما را به گفتار خیر و ادراکن دو لهای ما را از غفلت های زمانه بیدار کن
 و ما را از آتش دوزخ آزاد گردان پروردگار توفیق بر طاعات فراهم نیاید مگر از محض
 لطف تو نه دوری از معاصی فراهم گردد - مگر بحال عنایت تو - خدا یا دل های ما را از
 تجلی انوار رحمت روشن گردان و اعمال ما بحلیه قبول آراسته دار آفریدگار و ستم های
 نیاز به درگاه تو برافراشته ایم و زبان خود را به شنای تو و ادای شتت ایم و دل های خود
 را به دریای رحمتت امیدوار ساخته ایم خدا یا نشاید امیدواران رحمتت را تو امید
 گردانیدن - پروردگار! نیازمند نعمت تو ایم و امیدوار رحمت تو - مردگان ما را به امر
 زشت شاد کن و زندگان ما را به بخشایش و معنونت آباد کن که به همه چیز توانائی و
 نشاید نیازمندان را از رده گردانیدن - ای ایزد توانا اولی الامر ما را توفیق طاعتت
 عطا کن و خود و بزرگ ما را به عنایتت دلشاد کن و همه ما را از بند غم آزاد کن تا همیشه

در عبادتت گام برداریم - و درهای سعادت بر خود بگشاییم -

وَصَلَّى اللّٰهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصّٰلِحِيْنَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ

۶۳. وضو زنتها برای شستن رو و دست و سر و پا است بلکه باید تن چشم و گوش و دل همراه داشته باشد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی
سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِیْنَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَّلَامٌ
عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی ..

قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی :

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ
وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ. وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِذَا
كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ
فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ. مَا يُرِيدُ
اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (سورة المائدة آية ٦)

خدای متعال فرمود ای مردیکه ایمان آورده اید ای مؤمنان
هرگاه بر خاستید بسوی نماز پس بشوید رو با تان و دستها تان تا آرنجها
و مسح کنید سرهای تان و بشوید پایهای تان را تا دو کعب. و اگر بودید جنب
پس بدن بشوید. و اگر باشدید بیماریا اینک یکی از شما از قضا حاجت آید.

یادست بزن زدید - و نیافتید آب را - پس تیمم کنید بناک پاک و مسح کنید
 رویان و دستهای تان - خداوند قصد ندارد سختی بر شما - و لکن اراده
 خدا پاکیزگی شما و کامل کردن نعمت‌هایش بر شما است - تا او را سپاسگذار
 کنید - در این آیه وافی هدایه علم وضو و غسل و تیمم هر سه یاد شده است - هر چند
 همه تان احکام وضو و غسل و تیمم را می‌دانید - آنا با زهم یاد آوری آنها مانعی ندارد -
 و بایاد کردن مختصری در این خصوص - در قسمت نمازهای فرض و میت که سابقه
 حاجت به یاد آوری داشته باشند بهتر بیادشان می‌آید - رسول الله صلی الله
 علیه و آله و سلم می‌فرماید:

(إِنَّ أُمَّتِي يُدْعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مَحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوَضُوءِ فَمَنْ اسْتَطَاعَ
 مِنْكُمْ أَنْ يُطِيلَ غُرَّتَهُ فَلْيَفْعَلْ) (متفق علیه)

امت من خوانده می‌شوند روز قیامت سفید رویان و سفید دست
 و پایان - و این سفیدی رو و روشنائی از برکت آثار وضو می‌باشد
 پس هر یک از شما که توانست وضوی خود را کامل تر و روشنائی روی خود
 را بسفید نماید وضوی خود را بسخا احسن انجام دهد - وضو داری شش رکن است
 نیت یعنی وضوی فرض می‌گیریم الله تعالی - آتش تن و دست تا دو آبرج
 مسح بعضی از سر و شستن دو پایا تا دو کعب و ترتیب که اول رو در دست دگر
 مسح سر دگر یا بابت در این شش فرض باید در وضو، بجا آید شرط وضو؛
 که با آب خالص پاک وضو گرفته شود - در اعضای وضو چیزی نباشد که مانع
 رسیدن آب شود و یا آب را رنگین کند - که اگر تمسح بر اعضا باشد آب نمی‌رسد

و وضو درست نمی شود. اگر رنگ ملادمشکلاً بر اعضا باشد آب زنگین
 می شود و وضو درست نمی شود. وضو گیرنده مسلمان دارای تمیز و پاک
 باشد. که دیوانه یا در حال حیض نباشد. سنتهای وضو. نام خدا بر دهن
 و کف دست شستن. آب بدین و بینی گردانیدن و مسواک بر دهن زدن
 و بررسی زیر ناخنها مسح همه سر کردن. سه بار شستن. و جلو کردن دست
 بر چپ و ضلال انگشتان. و بررسی زیر ناخنها. و پشت انگشتان که همه باید
 پاک و تمیز باشد ندی بینید. برای وضو دستور داده شد و در وضو دست
 و پا همه باید پاکیزه شوند. دهن و دندان و زبان شسته شوند. نه تنها
 پاک کردن دهن به آب بلکه آن را به نام خدا شستن و قصد از آن نیت
 که دهن از بدزبانی و دروغ و محرمات پاک گردد. و نه تنها اعضا ظاهر بلکه دل
 را از حقد و حسد و دشمنی و بداندیشی و دردا شستن. که مدار بر دل است و مقصود از
 اعضا ظاهره. طهارت اعضا درونی است. و در حدیث است. که
 پنج چیز زوزه را بشکند و وضو را باطل کند: دروغ و غیبت و
 خمر چینی و نظر ناپاک و قسم دروغ. و معلوم است که هر چه از یکی از ذوره پیروی
 آید. و مغلوب شدن عقل بهستی یا دیوانگی یا خواب. دست زدن به نام محرم
 شرمگاه را دست زدن به کف دست. وضو را باطل می نماید. هر گاه بدست شستن
 بر کسی واجب شود. فرض غسل دو است. نیت که فرض غسل بجای آورد و آب
 رسانیدن به همه مو و پوست بدن. و در بدن شستن هم. نام خدا بر دهن و وضو
 گرفتن و اعضا ظاهر شستن و دل را پاکیزه نمودن. و پس از وضو و

غسل گفتن در حالیکه دودست درو را بطرف آسمان بالای برد -

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَحَمْدُكَ
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ . الحديث

به یکنانی خدا گواهی میدهم و پیغمبر بر حق خدا و حضرت محمد اعتراف دارم - خدا یا مرا از رو آوردان بدرگاهت و از یانکی زگان بگردان بسیار و ستایش من بنام تو است - نیست معبودی بجز تو - رجوع بدرگاه تو نیامم و از تو آمرزش خواهم - تیمم برای جانشین وضوء و غسل می باشد - در سفر که آب نباشد - در بیماری که بکار بردن آب نتواند - وقتی که بر بدن زخمی است که آب غسل به همه بدن نفیرسد - موقعیکه در اعضا وضوء زخمی است که آب به آن نفیرسد - در همه این صورتهای تیمم لازم می شود - و در تیمم نیت بدین نوع است که : نماز فرض رو امیدارم به این تیمم شد تعالی و دوبار دست به خاک پاک گردد از زدن - و یک بار دست خاکی به رو کشیدن - و یکبار به دودست تا دو آرنج هر گاه میت مرد ختنه شده باشد تیمم دادن او بعد از غسل او لازم است - و واجب است در حق هر میت شستن و کفن کردن و نماز خواندن بر او و دفن کردنش - و نماز میت پس از غسل و تکفین میت نماز رایه نیت و چهار تکبیر انجام داده می شود - نیت : فرض نماز بر میت حاضر همراه امام بجای آورم شد تعالی - بعد از استراکبر - سوره فاتحه و بعد از استراکبر دوم صلوة پیغمبر و آل او - بعد از استراکبر سوم دعای برای میت اللَّهُمَّ

اغفر له ورمو اللّهُمَّ اغفر لها ورن - بعد از آنکه بزرگوار چهارم چیزی واجب
 نیست - اما سنت است: اللهم لا تخد منا جده ولا تقتنا بعده واغفر لنا
 وله وللمسلمين السلام عليكم ورحمة الله وبركاته - دو بار به طرف دست راست
 و به طرف دست چپ - و در حدیث است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
 فرمود: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ - قَالُوا بَلَى
 يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ
 وَانتظار الصلاة بعد الصلاة - فَذَلِكَ الرِّبَاطُ فَذَلِكَ الرِّبَاطُ

آیا شمار آگاه سازم بر آنچه که خدا - بوسیله آن گناهان را بشوید - و
 درجه ها را بالا برد - گفتند بلی یا رسول الله - فرمود: کامل کردن وضو و اگر در حال
 برود و زحمت باشد - مثل موقع سرما و یا وقت ناراحتی - که وضو، در همه حال باید
 کامل باشد - همراه پاکیزگی و خوشبویی و بقصد رضای خدا باشد - و بسیاری کلم
 برداشتن بسوی مسجد برای نماز جماعتی و عبادت - و در مسجد به انتظار نماز بودن
 و بیاد خدا بودن - نه مشغول صحبت های بیفایده شدن که این وضوی کامل
 و گام برداشتن بسوی مساجد و به انتظار نماز نماز و ظاهر و باطن را به طاعت
 آراستن - نگهداری مرز دین خود می باشد که نمی گذارد شیطان رخنه کند -
 عبد الله بن مسعود رضی الله تعالی عنه (از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم)

روایت کند که: أَمْرٌ يَعْبُدُ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ يُضْرَبُ فِي قَبْرِهِ مَائَةٌ جَلْدَهُ فَلَمْ يَزَلْ يَسْأَلُ
 وَيَدْعُو حَتَّى صَارَتْ جَلْدَةٌ وَاحِدَةٌ فَأَمْتَلَأَ قَبْرَهُ عَلَيْهِ نَارًا فَلَمَّا ارْتَفَعَ عَنْهُ قَالَ:
 عَلَامَ جَلْدَتُونِي قَالُوا إِنَّكَ صَلَّيْتَ صَلَاةً بَغَيْرِ طَهْوَرٍ وَمَرَرْتَ بِمَظْلُومٍ فَلَمْ تَنْصُرْهُ -

امر شد از خدای متعال که بنده ای را یک صد چوب بزنند وقتی که در قبر نهاده شده بود. او پیوسته التماس و خواهش نمود تا یکصد چوب به یک چوب قرار گرفت همین یک چوب که زده شد. گوش بر از آتش شد. موقعیکه از این محنت رهای یافت. گفت چرا مرا چوب زدید. بوی گفتند. یک نماز بدون وضو خوانده ای. و گذارت افتاد بر شخص منکولوم و او را یاری نمودی این ماجره و ترمذی از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده اند که:

فَاغْسِلُوا الشَّعْرَةَ وَأَنْقُوا الْبَشْرَةَ وَرَبْدَنَ شِسْتَنَ وَاجِبَ زَيْرٍ مَرْمُوعِي جَنَابَتِ رَسْتِ

موا را بشوید و پوست را پاکسازید. امام احمد و ابو داود از علی بن ابی طالب رضی الله تعالی عنه روایت کرده اند که:

مَنْ تَرَكَ شَعْرَةً مِنْ جَنَابَتِهِ لَمْ يَغْسِلْهَا فَعَجَلَ بِهَا كَذَا وَكَذَا مِنْ النَّارِ كَيْفَ جَاءَ بِكَ مَوْنِيَّ مِنْ جَنَابَتِهِ

تسوید از آتش چنین و چنان به وی شود. و در حدیث صحیح است که رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود:

مَنْ شَهِدَ جَنَازَةً حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيْهَا كَانَ لَهُ قِيرَاطٌ مِنَ الْأَجْرِ وَمَنْ شَهِدَهَا حَتَّى تَدْفَنَ كَانَ لَهُ قِيرَاطَانِ مِنَ الْأَجْرِ

کسیکه در تشییع جنازه ای حاضر شد تا آنکه نماز بر آن خواند. یک قیراط از اجر دارد. و کسیکه در تشییع جنازه و تا دفن کردنش حاضر شد دو قیراط از اجر دارد. و هر قیراط به اندازه کوه احدی باشد و در حدیث صحیح است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لَا تَسْبُوا الْأَمْوَاتَ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضُوا إِلَيَّ مَا قَدَّمُوا. بدیه مردگان.

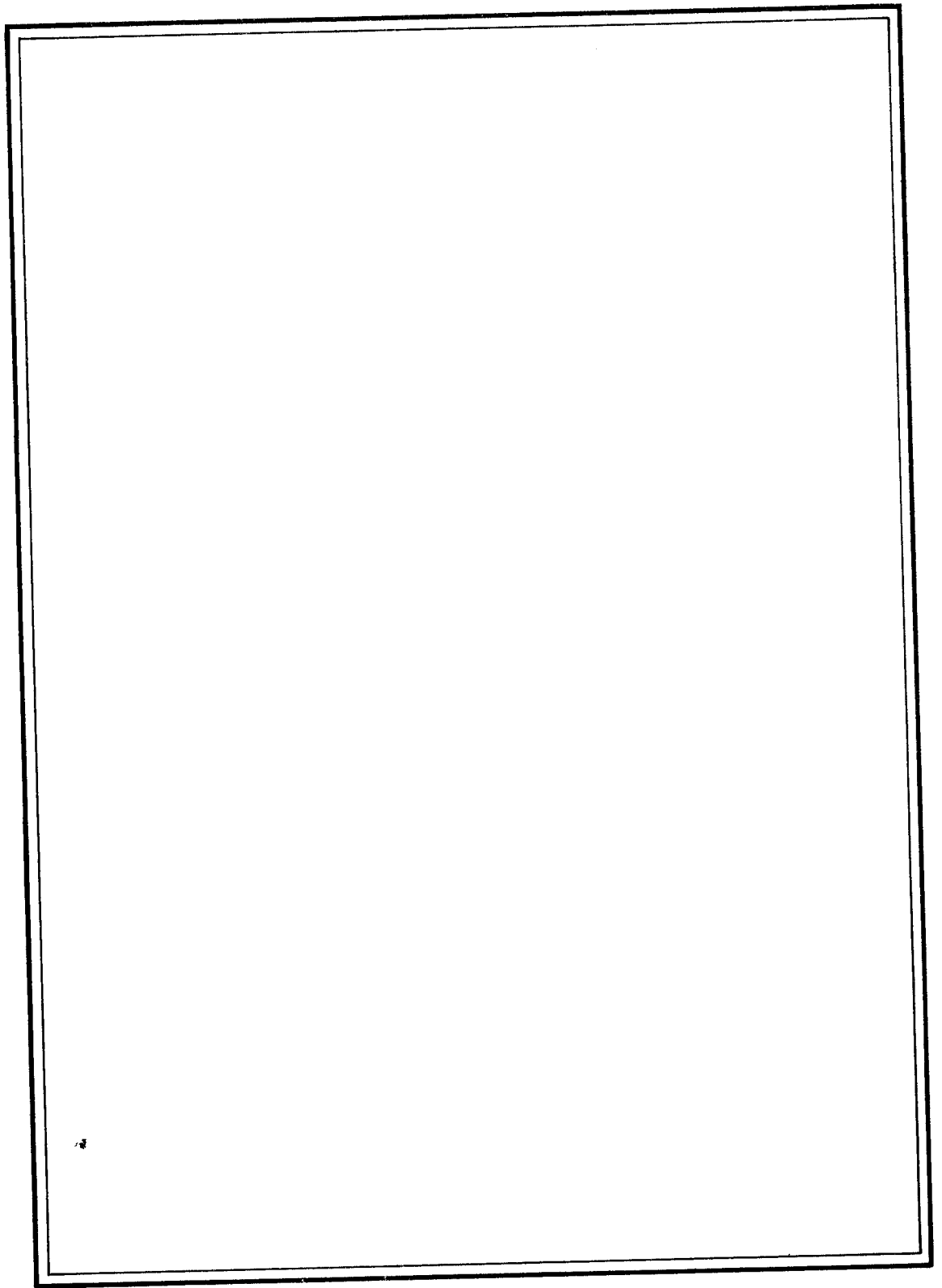
مگوید زیرا آنها سیده اند به آنچه از پیش فرستاده اند. اگر اعمال بد داشته

جزای بد خود را دیده اند. و اگر اعمال خوب داشته اند پاداش خیر یافته اند. دین مبین اسلام نماز جنازه را بر خوب و بد لازم دانست. شخص مسلمان در نمازه جنازه طلب آمرزشش در نماز جنازه برای خوب و بد هر دو خواهد بود. خدایا مابصیرتی ده. که دین را به معنی صحیح آن بدانیم. نسبت به زندگان خیر اندیش و غمگسار و مددگار باشیم و در حق مردگان آن چنان باشیم که خدا فرمود:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ (الحشر - ۱۰)

خدایا بیامرز برای ما و برای برادران ما که پیش از ما به ایمان رفتند و قبل از ما ایمان آوردند و نگران دردلهای ما بخش در حق مؤمنان. پروردگار اولی الامر ما را همواره در طاعتت موفق بدار. تا همیشه مجری تعالیم قرآن باشند و بزرگان دین را توفیق ده تا راهنمایانی با اخلاص و ناصح باشند و عموم مسلمان را موفق فرماتا در دین خوب با بصیرت باشند. و رحمتی بر همه نازل فرما که شادمانی و آسائش خاطر همه بیار آورد.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلِّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبِّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ



القسم الرابع
من

طريق السعادة والسداد

في صلاح المجتمع بالوعظ والإرشاد

ع۶۰ کیسے پھیز از شبنہ نکر دور حرام افتد فضائل پر پزگاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ..

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾ (النور - ۱۵)

شما گمان میکنید که پرہیز نگاری یک کار کم ارزشی است و آن
نزد خدای متعال بس بزرگ میباشد۔ بسیار کلمہ های کوچک کہ صحبت
در معرض مردم است۔ اما نزد خدای متعال پرہیز از آن بسیار پر عظمت
است بسیار گفتار در راههای خیر کہ بوسیله آن کار خیری انجام
می پذیرد۔ پریشان خاطر می باشد و آن گفتار در نظر انسان
کوچک می آید۔ در حالی کہ همانگونه کلمہ کہ بایہ اجرا و خیر۔ یا راحت مسلمانی باشد
اجری عظیم خواهد داشت۔ وقتی کہ چیزی مورد اشتباه قرار میگیرد۔
آیا حلال است و یا حرام۔ در این صورت پرہیز از آن اہمیت فراوان
دارد۔ نعمان بن بشیر انصاری رضی اللہ عنہما گوید۔

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ

وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيْنَ وَبَيْنَهَا أُمُورٌ مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنْ
 اتَّقَى الشُّبُهَاتَ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِرْضِهِ وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي
 الْحَرَامِ كَالرَّاعِي يَرَعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ - الْأَوْلَانُ لِكُلِّ مَلِكٍ
 حِمَى الْأَوْلَانِ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ الْأَوْلَانُ فِي الْجَسَدِ مُصْفَعَةٌ إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ
 الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ الْأَوْهَى الْقَلْبُ (متفق عليه)

رسول الله صلى الله عليه وآله واصحابه وسلم فرماید محقق است که حلال

روشن و آشکار است و حرام هم معلوم و آشکار است - و در میان حلال و حرام
 چیزهای است که بایه اشتباه قرار می گیرد و موارد اشتباه را بسیاری از مردم
 نمیدانند - کسیکه خود را از شبهه دور گرفت - احتیاط برای دین و شرف خود بخار
 برده است و کسیکه خود را در شبهه انداخت و احتیاط از آن نکرد - در حرام هم
 می افتد - مانند کسیکه حیوانات خود را در مرغ بچرانند - که هر کس حیوانان
 را نزدیک مرغ چرانند تمین که بغفلت افتاد حیوانها به مرغ روند و عقوبت
 بیند پس نزدیک شدن به حرام هم وسیله افتادن در حرام می شود و این
 را بدانید که هر حاکم مرغی دارد و مرغی که خداوند دارد و محرمات است (در قدیم
 مرسوم بوده است که حکام برای حیوانات صدقه و حیوانات گم شده و حیوانهای
 که صاحبان آنها ناشناخته - و یا فقیر بوده و بی توانستند پناه دور
 بروند - محلی علف زار برای این امر اختصاص میداده اند - که چراغیندن
 عموم در آن ممنوع بوده است - و اگر حیوانات کسانی دیگر به آنها میفرستند
 صاحبان آنها عقوبت میدیده اند - این گونه محل را مرغ نامیده - یا فرق شده

بینا مسیده اند - خدای عزوجل به همین معنی - محرمات را کفرغ شده قرار داد
 تا هیچ کس بر آن داخل نشود که به محرمات نزدیک شدن به حرام مایه افتادن
 در حرام است - و آگاه باشید که در بدن آدمی پارچه گوشتی است که
 قلب یعنی دل نام دارد - هرگاه این پارچه گوشت بصلاح باشد - همه بدن
 بصلاح باشند - و هرگاه این پارچه گوشت بفساد افتد - همه بدن بفساد
 افتند - قصد از این پارچه گوشت - طمانا قلب آدمی است - دل را
 بوسیله حرام تنباه می کنند - زیرا اثر معاصی همیشه روی دل خواهد بود
 دل را به معاصی سیاه می کند - خدای متعال کور چشم را کوری
 ندانست - و کوری واقعی در کور شدن دل قرار داد و فرمود:

﴿فَإِنَّمَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ (الحج - ۴۶)

حقیقت این است که چشمها کور نمی شوند - زیرا انابینا بوسیله
 عصاکش می تواند بمقصد برود - اما کوری واقعی به کوری دل آدمی
 است - وقتی که دل کور شد بیکر هیچ نوع بصلاح نیاید - برای یافتن
 راه سلامت در موارد اشتباه - رای است که در آسمانی جهانیان محمد
 مصطفی صلوة الله و سلامه علیه شان داد - حسن بن علی بن ابی طالب
 رضی الله عنهما گوید - حَفِظْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

﴿دَعَّ مَا يَرِيكَ إِثَى مَا لَا يَرِيكَ﴾ (رواه الترمذی وقال حسن صحیح)

رسول الله صلوات الله علیه وآله وسلم فرمود: هر چه تو را بشک اندازد
 آن را ترک کن و بگیر آنچه برایت یقین باشد و تو را به شک بیندازد -

که دوری از شک و گرفتن یقین - این خود یک دستور مهم دینی است - که اگر
 کسی شک و تردید را بدل راه دهد - در تمسک بگذرد همه چیز از دست
 میدهد - چه بسیار دوستی ها که به دشمنی می گزاید - و بسبب آن تنهاشکی بپایه
 بوده است - در حالیکه گرفتن یقین همیشه پایه اساسش خاطر و موفقیت
 در زندگی است - خدای متعال سنجید خود را از شک بر خذر داشت
 و فرمود: «فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَّعِرِينَ» مباشش از شک آوران
 در اسلام برای ثبوت محرمیت به رضاع - گواهی دو مرد و یا یک مرد و
 زن - و یا اقل گواهی چهار زن شرط دانسته است - اما اگر شک در حصول
 شیر خواری پیش آید - هر چند که محرمیت بثبوت نمی رسد - اما باز هم منع از رجوع
 فرمود - چنانکه عقبه بن الحارث از یاران پیغمبر رضی الله عنهم میگوید دختر ابی
 آهب بن عزیر را به زنی گرفتم زنی دیگر نزد من آمد و گفت من به
 تو همسرت شیر داده ام - گفتم من اطلاعی از شیر خوردن از تو ندارم و تو هم بمن در این
 خصوص خبری نداده ای - آن وقت به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم
 رسیدم و مراتب و عرض رسانیدم - فرمود: کیف وقد قیل (بخاری) چگونه به این
 زن هدائی نمود پس دوری از شک و گرفتن یقین یک امر مهم دینی است
 دوری خستن از هر شک که به حرام می کشاند لازم است - و آلودگی به حرام مایه
 مصائب و محنتهاست - رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:
 يا معشر المسلمين خمس خصال اذا ابتليتم بهن واعوذ بالله ان تدرکوا
 هن: لم تظها الفاحشة في قوم قط فيعلنوا بها الا فتافهم الطاعون

وَالْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ مَضَتْ فِي أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضُوا وَلَا يَنْقُصُوا الْكَيْلَ
 وَالْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَشِدَّةِ التَّوَعُّوتِ وَجُورِ السُّلْطَانِ عَلَيْهِمْ وَلَمْ يَمْنَعُوا
 زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ إِلَّا مَنَعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ وَكَلُوا الْبِهَائِمَ لَمْ يُمِطُّوا وَلَمْ
 يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَّا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَذَابًا مِنْ غَيْرِهِمْ فَأَخَذُوا
 بَعْضُهَا فِي أَيْدِيهِمْ وَلَمْ يَحْكَمْ أُمَّتَهُمْ بِغَيْرِ كِتَابِ اللَّهِ وَتَخَيَّرُوا فِيهَا أَنْزَلَ
 اللَّهُ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ بِأَسْمِهِمْ بَيْنَهُمْ (رواه ابن ماجه والحاكم)

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: پنج خصلمتند که هرگاه
 به آنها دچار شدید محنتها را فراوان در بردارد و پناه می برم بخدا از اینکه
 به آنها رسیده - هرگاه مردمی از فاحشه و زنا احتراز نکردند و در میان شان
 آشکار شد - بیماریهای بی سابقه ای برای شان بوجود آید که در گذشتگان
 شان نه بوده است بیماریهای آئینزنی و ناطقی آمدن فرزند و بهم ریختن خانواده
 و کوری و دیوانگی که همه نتیجه زنا کاری است - و هر مردمی که سنگ را کم کردند
 و وزن را کم کردند - و از کیل کاستند - و از راه کم فروشی حقوق عمومی را پایمال
 کردند - نتیجه اش خشکسالی و مصارف کم تر کن و شیوع ظلم و ستم میگردد - و هرگاه
 مردمی حق مستمندان و در ماندگان را که زکات نام دارد ندادند - باران
 از آنها بند آید و اگر نه بخاطر جانوران بنی زبان و طفلان شیرخوار و پیران سالخورده
 بود از رحمت آسمان محروم می مانند و هرگاه مردمی پیغام خدا و عهدی که بر سر
 ازامت خود در امانت داری و در استکباری گرفته است شکستند - دشمنان
 از غیر شان بر آنان مسلط شوند - و هرگاه پیشوایان از دین از حکم قرآن سزوی کردند

و بجای این که تسلیم احکام خدا شوند - اختیار احکام بدست خود دانستند خداوند
 تشتت و اختلاف در میان شان قرار دهد آنها لگنه باکم کردن اندکی
 از مال مردم در کیل دوزن - مال خود را حرام می سازند - بنا به مثل معروف
 جخته گم کردن از دست میدهند و سوسه عاقبت و بدفرجامی را بجان می خرند -
 علماء اسلام از غباری که بر ترازوشیندا احتیاط را لازم میدانسته اند که شاید
 اثری در کم شدن وزن داشته باشد - از ایزاه که حقوق مسلمین بگردن خود
 کردن از هر راه باشد نا بخشودنی است - خدا یا بما توفیق ده تا از پیشوایان
 دین از حکم قرآن سرتیچی گردند - و بجای اینکه تسلیم احکام خدا شوند - اختیار احکام
 بدست خود دانستند - خداوند تشتت و اختلاف در میان شان قرار دهد
 آنها لگنه باکم کردن اندکی از مال مردم در کیل و وزن - مال خود را حرام میسازند
 بنا به مثل معروف - با جخته را به جخته کم کردن از دست میدهند - و سوسه عاقبت
 و بدفرجامی را بجان می خرند - علماء اسلام از غباری که بر ترازوشیندا احتیاط
 را لازم میدانسته اند که شاید اثری در کم شدن وزن داشته باشد -
 از ایزاه که حقوق مسلمین بگردن خود کردن از هر راه باشد نا بخشودنی است خدا
 بما توفیق ده تا از حرام دوری گیریم - و بما عنایتی عطا کن که پر بهییزگاری در همه
 حال شامل حال ما باشد - آفریدگار ما را بر آتش دنیا طاقی نیست - کجا
 بر آتش جاوید آخرت تاب آوریم از تو خواهیم تا آنچه مایه خشم تو گردد - از ما
 دور بداری بار الهام سروران اولی الامر را مؤید فرما - تا در اجراء حق و عدالت موفق باشند
 و بزرگان دین را توفیق ده تا سرستی صلاح باشند و به همه معونتی عطا کن که در گفتار و

کردار را ستکار و دستکار باشیم - پروردگارا دست انابت بدرگاهت
 فراداشتت ایم و از حسینم قلب به توبه از گناهان برخاستت ایم و از مهر
 و رحمت پیکرانت وسیله ای آورده ایم که در این ماه مبارک آمرزشت شامل
 حال ما و همه مسلمین سازی و باران رحمتی عطا فرمائی که مایه راحت خاطر
 همگی ما و جمیع مسلمین باشد -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
 وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
 وَالصَّالِحِينَ سَبَّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
 وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۶۵- دلی که از قرآن بی بهره باشد

مانند مخروب است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَّلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ..

﴿ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ﴾ (الحج ۳۰)

کسیکه تعظیم حرمت خداوندی بجا آورده بهتر است برای او نزد پروردگارش. تعظیم
حرمت الله در بزرگداشت قرآن. تعظیم بمعنی بره. در احترام اهل بیت و یاران و علماء
امت است. تعظیم قرآن در تلاوت آن و عمل کردن به دستور آن است.
يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِقْرَأُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي
يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا. (رواه مسلم)

قرآن کلام الله در تلاوت کنید زیرا قرآن در روز قیامت شفاغذخواه کسافی
است که دوست قرآن بوده آنرا تلاوت نموده و به آن عمل کرده اند.
وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: خَيْرُكُمْ مَنْ
تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ. (رواه البخاری)

بترین شماسی است که قرآن بیاموزد و تعلیم نماید. پدری که قرآن آموخته و به فرزند می آموزد و معلمی که قرآن آموخته و می آموزد و کسیکه برای تعلیم قرآن سعی مینماید. همه دارای این فضیلت هستند. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الَّذِي يَقْرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّقَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَالَّذِي يَقْرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَاقٌ عَلَيْهِ لَهُ أَجْرَانُ. (متفق عليه)

کسیکه قرآن بخواند در حالیکه قرآن با شنند او همراه فرشتگان است که سفید رویان و بزرگواران و نلوکارانند. و کسیکه قرآن بخواند در حالیکه قرآن خواند بر او دشوار باشد دو اجر دارد. کسیکه قرآن روان دارد و دانایه آن همراه فرشتگان است و کسیکه روان ندارد و در دست خواندن آن زحمت می کشد دو اجر خواندن و زحمت کشیدن در خواندن دارد.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الَّذِي لَيْسَ

فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِّنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ (رواه الترمذی)

محقق است که هر کس چیزی از قرآن در سینه نداشته باشد مانند خانه مخروبه است. خانه مخروبه فاقد زندگی است. سینه توی از قرآن خالی از خیر و روشنائی است.

يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا أَذِنَ اللَّهُ لَشَيْءٍ مَا أَذِنَتْ

لِنَبِيٍّ حَسَنَ الصَّوْتِ يَتَغَنَّى بِالْقُرْآنِ يَجْهَرُ بِهِ (متفق عليه)

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرماید. خداوند ندانند و بجاری که مانند

اذن دادنش و شنیدن به پیغمبر خوش آواز باشد. به خواندن قرآن به آواز خوب تعظیم

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عقیده و ایمان هر مسلمان است. تعظیم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم در پیروی او. و نگهداری او. و تعظیم اهل بیت و اصحاب و علماء امت او است.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ آل عمران (۲۱)

بگویار رسول الله. اگر دوست می دارید خدا را پیروی از من نمانید تا خدا شما را دوست دارد که دوستی خدا تعالی کانی را محقق است که پیروی رسول الله نمایند.

وَقَالَ تَعَالَى ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾

کسیکه فرمان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم گردن نهد. در حقیقت فرمان خدا را گردن نهاده است و رسول الله است که متبای رضای خدا و موافقش خدای متعال بر ما شخص ساخت. خدای متعال شرط قبول ایمان را قبول داوری رسول الله دانست.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (النساء - ۶۵)

پس نه قسم به پروردگارت که ایمان نمی آورند تا آنکه تو را داد و اوربازند در آنچه میان شان پیش می آید. و آنگاه نیابند از داوری تو در دلهای خود ناراحتی. و تسلیم فرمان تو شوند که ایمان داری در تسلیم فرمان پیغمبر شدن و پیروی از رسول الله نمودن است.

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبَى. قَالُوا: وَمَنْ يَا بَنِي يَارَسُولَ اللَّهُ؟ قَالَ مَنْ

أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى (رواه البخاری)

همه اُمت من بهشت روند مگر کسیکه از رفتن بهشت خودداری میکند.
گفتند یا رسول الله چه کسی از رفتن بهشت خودداری میکند. فرمود کسیکه فرمان مرا برود و نه
بهشت رود. و کسیکه نافرمانی من نمود از رفتن بهشت خودداری کرده است در
جهان برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت. تنها یک راه وجود دارد. و آن
فرمانبری رسول الله صلی الله علیه و سلم می باشد. تعظیم اهل بیت نبوت در تعظیم
همسران رسول الله و تعظیم فرزندان و خویشان رسول الله صلی الله علیه و سلم
می باشد.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا ﴾ - (الأحزاب ۲۳)

این است و غیر از این نیست که اراده خدای تعالی است که از شما
اهل بیت رسول ناپاکی را برود. و شما را پاکیزه و مطهر بآورد. اهل بیت رسول الله
شامل همسران و فرزندان و خویشان رسول الله است قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ الْخَبِيثَاتُ
لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ﴾

زنان پاک برای مردان پاک است و زنان ناپاک برای مردان ناپاک
است. و قال: وَأَزْوَاجَهُمْ أَمْهَاتُهُمْ وَهَمْسَرَانِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
و سلم مادران مومنانه تا مومنان آنان را مانند مادران گرامی و محترم بدارند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ
أُولَاهَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بكتابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا

بِهِ فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَغَّبَ فِيهِ - ثُمَّ قَالَ وَأَهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ
فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي (الحديث - رواه مسلم)

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: من بعد از خود دو چیز در میان شما باقی گذارم که
حق این دو سنگین است. نخست کتاب خدا قرآن - در آن است هدایت و
راه راست. و در آن است نور و روشنائی. پس تمسک خود بقرآن قرار دهید
و در این باره در لزوم اطاعت از قرآن. تشویق و ترغیب فراوان فرمود. پس از آن
فرمود اهل بیت من - خانواده و خاندان من شمارا یاد آوری میکنم که خانواده و خاندان مرا
بخاطر خدا احترام کنید. خانواده و خاندان مرا بخاطر خدا احترام گذارید.
و در حدیث صحیح دیگر:

لَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا إِن تَمَسَّكْتُمَا بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّتِي
(الحديث - رواه الامام مالك)

هر آنچه بعد از خود در میان شما - دو چیز باقی گذارم. کتاب خدا قرآن و سنت را
که با تمسک به این دو هرگز به گمراهی نیفتید و معلوم است که کلام الله قرآن و سنت
رسول الله و آل بیت نبوت - این هر سه همیشه با هم و همراه همند. و تعظیم اصحاب
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که جان و مال و فرزند خود را در راه رسول الله صلی الله
علیه و آله و سلم نثار کردند. در آیات بسیار از کلام الله یاد شده است.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ» (الفتح - ۱۸)

هر آینه خدای متعال خوشنود شد از مومنان که با تو بیعت کردند در زیر درخت -
(شجره بقره الرضوان) و دانست آنچه در دلهای شان است از قصد عزت اسلام -

و معلوم است که مؤمنان که با پیغمبر بیعت کردند و خدا تعالی از ایشان خوشنود شد -
 صحابه و یاران پیغمبر بودند -

وَقَالَ تَعَالَى ﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ
 بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ
 مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ﴾ (الفتح - ۲۹)

محمد پیغمبر خدا است - و مردمی که همراه او هستند - سخت گیرند بر کافران -
 هر آرنند در میان خودشان - همدیگر را دوست دارند - می بینی شان که به کوع و سجود و
 راز و نیاز با پروردگار خود پرداخته اند - تا از فضل خدا و خوشنودی خدا بهره مند شوند -
 سیاهی خیر و طاعت در روهای شان است از اثر سجود - و معلوم است که مردی
 که همراه پیغمبر بودند و خود را فدای پیغمبر کردند و از نفس و نفیس در راه پیغمبر صلی الله علیه و
 آله و سلم دریغ نداشتند یاران او بودند -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَندهُ ﴾ (البینه - ۸)
 خدا تعالی از ایشان خوشنود شد و ایشان از خدا تعالی خوشنود گشتند
 و رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم در باره یاران خود فرمود:
 خَيْرُ الْقُرُونِ قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ -

بهترین مردم مردم عصر من هستند - و مقصود از آن صحابه و یاران پیغمبر
 هستند که در بهترین قرن یعنی در عصر پیغمبر و در همراهی او میزیسته اند - پس از آن کسانی که
 پییر ایشان باشند - دیگر مردی که پییر ایشان باشند اما تقطیم و بزرگداشت علمای
 که به قرآن و سنت و اجماع امت ثابت است -

وَقَالَ تَعَالَى ﴿ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴾ ۹- الزمزم

آیا برابری شوند مردم دانا با مردم نادان - هرگز نه قَالَ اللهُ تَعَالَى:

شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ. أُولُو الْعِلْمِ ۱۸ آل عمران

گوایی داد خدای یکتا بر اینکه نیست معبودی بحق جز خدای یکتا. و گوایی داد
به یکتائی خدا. فرشتگان و گوایی دادند دانشمندان به یکتائی خدا که در این آیه. انبیا هم
در جمله اولو العلم و دانشمندان یاد شد.

وَقَالَ تَعَالَى ﴿ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﴾ ۲۸۰- فاطر

این است و غیر از این نیست که از خدای ترسند دانشمندان. فضل و
بزرگی دانشمندان راست که هیچگاه نادانان با آنان برابر نخواهند شد. و گوایی
به یکتائی خدا از روی دلیل و واقع بهره دانشمندان است و ترس از خدا که سر آمد
حکمتها است اختصاص به علماء دارد.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَيْسَ مِنْكُمْ مَنْ لَمْ يَرْحَمْ
صَغِيرَتَا وَيَعْرِفْ شَرَفَ كَبِيرَتَا. (رواه أبو داود و الترمذی)

نه از ما است کسیکه بر خرد سالان ما رحم نیاورد و شرف بزرگان
مانشناخت.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: كَيْفِيَّتِي أَوْلُوا الْأَحْلَامِ
وَالْتَمَّتْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثَلَاثًا وَإِيَّاكُمْ وَهَيْشَاتِ الْأَسْوَاقِ. (رواه مسلم)

پشت سر من بایستند در نماز از من شما. کس نیکه دارای علم و فضل و
عقل باشند. پس از آن کس نیکه در این منزلت بعد از آنان هستند

و این سه بار فرمود:

تا هر کس یک در فضل و حلم و خرد پیش یابد پیشتر است. و شمار پرنیز
میدهم از بلند کردن آوازهای بازاری در مساجد -

خُدایا! با توفیق ده تا در تعظیم حرّات دین بکوشیم و با عنایتی عطا کن که
هر لحظه علمی نافع بجوئیم -

بِزُورِ دُكَا رَا نَحْبُتِ رَسُوْلِ اللّهِ وَآلِ بَيْتِهِ وَاصْحَابِهِ وَازْوَاجِهِ وَعُلَمَائِهِ اَمْتُ
رَاشِعَارٍ وَدُشَارِ مَآگِرِ دَوَانِ

افزیدگارا! ما را در ایمان بپایه ای آر که بیم عقابت و امید ثوابت ملازم
حال ما باشد -

اِحْبَابِ اِيْزِدْتُوْنَا سُرُوْرَانِ اَوْلِيِّ الْاَمْرِ مَا رَا مَعُوْنَتِ فِرْمَاتَا حَآئِي دِيْنِ مُبِيْنِ وَ مَجْبُوْرِي
تَعَالِيْمِ اِسْلَامِ دَرِ بِيْنِ جِهَانِيَانِ بَاشَنْد -

افزیدگارا! هر لحظه انتظار رحمت ما را بیتاب ساخته است در رحمت برابگشای
و بارانی عطا فرما سودمند و فریادرس و پر برکت که زنگ تخم و اندوه از چهره ما بزداید و خاطر ها و
دلها را شادمان و خوشوقت گرداند و در این ماه مبارک مغفرت و آمرزشش شامل ما و
والدین ما و همه مسلمانان فرما -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبَّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۶۶. نماز اگر بدستی خوانده شود

نیک نختی دوجہان بہمراہ وارو

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ
عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰی .

قَالَ اللهُ تَعَالٰی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ
اللّٰهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (المنافقون - ۹)

ای مرد میکه ایمان آورده اید مبادا مالما و فرزندان تان شمارا از یاد خدا - نمازهای
فرض - به غفلت بیندازد و کسیکه چنین نماید و بوسیله مال و یا فرزندان از یاد خدا و نمازهای فرض
به غفلت بیندازد پس آنانند که زیانکارانند -
عمر آدمی بدست آوردن رضای خدا و فرمانبری خدای متعال است - مال و فرزند باید
کوئی برای یاد خدا باشد - نه اینکه انسان را از یاد خدا به غفلت بیندازد - نعمت های که خدای
متعال به بندگان عطا فرموده هم باید کویک در راه طاعت او باشد تا شکر نعمت هم را
انجام داده باشد - نه اینکه از نعمت ها غفلت زدگی و روگردانی نتیجه بگیرد - کسیکه عمر خودش

بکارش نیامد چه کسی به کارش می آید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَا مِنْ أَمْرٍ مَسْلَمٌ يَحْضُرُهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فِي حُسْنٍ وَضَوْءٍ هَا وَخُشُوعٍ هَا وَرُكُوعِهَا إِلَّا كَانَتْ لَهُ كَفَّارَةٌ لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذَّنُوبِ مَا لَمْ يَأْتِ كَبِيرَةٌ وَذَلِكَ الدَّهْرُ كُلُّهُ. (رواه مسلم)

هر شخص مسلمان که نماز فرض او حاضر شود و وضو را به خوبی بگیرد و خشوع و فروتنی در نماز را بدستی بجا آورد و رکوع و سجود و ارکان آن را بدستی به انجام برساند آن نماز کفاره گناهان گذشته او است و این کفاره شدن نماز برای او همیشه است تا موقعی که گناه کبیره نکرده باشد.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ مَا دَامَتِ الصَّلَاةُ تَحْبِسُهُ لَا يَمْنَعُهُ إِنْ يَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا الصَّلَاةُ. (متفق عليه)

تا موقعی که یکی از شما در مسجد به انتظار نماز نشسته است - مانند حال مشغول بودن به نماز ثواب دارد - زیرا به سبب نماز برگشتن بنزد کار و کسان خود بازمانده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الْفَدِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً. (متفق عليه)

نماز باجماعت بهتر است از نماز تنهایی به بیست و هفت درجه. اما در نماز باجماعت شروط و ادبانی است که باید رعایت شود.

نماز بستن ماموم بعد از نماز بستن امام باشد.

در نماز باجماعت آواز خود را به قرائت بلند ننماید. زیرا مایه تشویش و آشفتگی نماز

گذران و باعث از دست رفتن فضیلت نماز باجماعت است.

مأموم نباید به رکوع برود مگر موقعیکه امام کاملاً به رکوع رسیده باشد. و
 همچنین موقعیکه امام به یک رکعتی رسید. آنگاه مأموم برای رسیدن به امام حرکت
 کند. اگر مأموم در ارکان نماز همراه امام شود ثواب جماعتی نماز او ساقط می شود. مأموم
 باید در تمام نماز پیرو امام باشد نه همراه او. و در پنج جای نماز نباید مأموم همراه امام باشد
 مگر در آیه گفتن «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذَا جُعِلَ
 لِإِمَامٍ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا - وَلَا تَكْبُرُوا حَتَّى يَكْبُرَ وَإِذَا رَكَعَ
 فَأَرْكَعُوا وَلَا تَرْكَعُوا حَتَّى يَرْكَعَ وَإِذَا قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ - فَقُولُوا
 رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ وَإِذَا سَجَدَ فَأَسْجُدُوا وَلَا تَسْجُدُوا حَتَّى يَسْجُدَ»
 الحديث - رواه أبو داود وأصله في الصحيحين -

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: امام قرار داده شده است تا از او پیروی
 شود. پس هرگاه امام الله اکبر اول نماز گفت. شما الله اکبر اول نماز بگوئید و مگوئید الله اکبر
 اول نماز مگر موقعیکه امام از گفتن الله اکبر اول نماز فارغ شد (در خواندن فاتحه هم بعد از
 امام فاتحه بخوانید و بلند بخوانید که مایه آشفته گی امام و یا جماعت باشد). و وقتی که امام
 به رکوع رفت شما به رکوع بروید. و به رکوع مروید مگر موقعیکه امام به رکوع رسیده باشد
 و وقتی که امام از رکوع بالا آمد. و گفت: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ - خداوند شنید برای کسیکه
 او را حمد و ستایش گفت: بگوئید: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ - خدایا ای پروردگاریا
 برای تو است ستایشها و قتی که امام به سجود رفت بسجود بروید و له بسجود مروید مگر
 موقعیکه امام به سجود رسیده باشد. و همیشه در نماز باید دنبال تر از امام باشید. و
 ازین حدیث دانسته می شود که هرگاه مأموم در همه نماز همراه امام شد نماز ندارد.

و یا ثواب نماز را از دست داده است.

وقتی عبد اللہ بن عمر رضی اللہ عنہما دید کسی را که با امام نماز میخواند اما همراه امام است
اور از دوگفت نه به تنهایی نماز خوانده ای و نه با جماعت. اما جلوتر از امام به رکوع آمدن یا
پیش از امام از رکوع یا آمدن عقوبت دارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَمَّا يَخْشَى الَّذِي يَرْفَعُ رَأْسَهُ
قَبْلَ الْإِمَامِ أَنْ يُبَدِّلَ اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ» (رواه البخاری و مسلم)

آیامی ترسد کسیکه پیش از امام از سجود و رکوع بالا می آید. انکه خداوند سر او را به سر
خریدل نماید. اگر کسی عمل نمود و پیش از امام از رکوع و سجود بالا آمد اگر سر او تبدیل به سر خر نشود.
باز هم سر او در بی فکری و خشک مغزی و تپی بودن از عقل مانند سر خر بوده است.

لَا وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى غَدًا مَسْلَمًا
فَلْيَحَافِظْ عَلَى هَؤُلَاءِ الصَّلَاةِ حَيْثُ يَنَادِي بِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ تَشَرَّعَ لِنَبِيِّكُمْ
سُنَنَ الْهُدَى وَإِهْتَمَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى وَأَنْكُمْ لَوْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ كَمَا يُصَلِّي
هَذَا الْمُتَخَلِّفُ فِي بَيْتِهِ لَتَرَكْتُمْ سُنَّتَهُ نَبِيِّكُمْ وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّتَهُ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ وَلَقَدْ
رَأَيْتَنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلَّا مَنَافِقٌ مَعْلُومُ النِّفَاقِ وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتِي بِهِ هَادِي
بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتَّى يُقَامَ فِي الصَّبَفِ» او كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه دوست میدارد خدا را دیدار کند فردای قیامت در حالیکه مسلمان باشد یا
محافظت و مواظبت بر نمازهای فرض بنماید در جاهائیکه اذان گفته می شود. اذان در مسجد گفته
می شود باید برای نماز با جماعت در مسجد حاضر شود برای اینکه اگر در شانماند کسیکه پشت از
جماعت میدهد و به جماعتی نمی آید. در خانه نماز بخواند. در حقیقت راه پیغمبر صلی اللہ علیه وسلم
ترک کرده آید و خدای متعال برای پیغمبر راه راست را قرار داد. اگر راه پیغمبر را ترک کنید.

به گزافی نخواهد افتاد. و من بخاطر دارم که در عهد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچکس از نماز با جماعت پشت نمی داد مگر کسیکه منافق باشد ظاهراً و منافق - و در مواظبت بر نماز با جماعت مردم طوری کوشش داشتند که حتی شخصی که عاجز از راه رفتن بود و دو نفر زیر بغل او می گرفتند و او پاکشان می آمد تا در صف به نماز ایستد - وقتی که شخص از نماز فارغ شد موقع یاد خدا و دعای خیر است - وقتی که از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده شد چه موقعی دعا بهتر به اجابت میرسد فرمود:

((جَوْفَ اللَّيْلِ وَ ذُبُرَ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ))

دعا در دل شب و بعد از نمازهای فرض بهترین موقع اجابت آن است - بعد از نماز فرض گفتن کلماتی وارد است (إِذَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ ذُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُ الْمَلِكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَ لَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ - او كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بعد از هر نماز میفرمود: لا اله الا الله وحده لا شریک له تا آخر می فرمود - و معنی آن چنین: نیست معبودی بحق جز خدای یکتا - شریکی برای او نیست - بهیچکس مالک او است - ستایشها همه برای او است و او بر همه چیز توانا است - خدایا منع کننده ای نیست برای آنچه تو عطا بفرمائی - و دهنده ای نیست برای آنچه تو منع فرمائی - و سودنده صاحب هستی را از عذاب تو هستیش - و رسول الله صلی الله علیه و سلم به معاذ فرمود (لَا أَوْصِيكَ يَا مَعَاذُ إِلَّا تَدْعُنِي عَنْ ذُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ إِنْ تَقُولُ: اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ وَ حَسَنِ عِبَادَتِكَ) (الحديث)

ترک نمازی بعد از هر نماز آنکه بگویی: خدایا مرا کوباک کن بر یاد کردن تو و سپاس گذارت
و بخوبی عبادتت کردن -

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ دُبْرَ كُلِّ
صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ إِلَّا الْمَوْتُ ۚ (رواه النسائي وصححه ابن حبان)

کسیکه آیه الکرسی را بعد از هر نماز از فرض بخواند او را مانع نمی شود از رفتن به
بهشت مگر نیاوردن مرگ. که چون بمیرد به بهشت رود.

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ
اللَّهَ ثَلَاثًا وَقَالَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكَتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۚ

عادت رسول الله بود که هرگاه از نماز فرض فارغ می شد سه بار میفرمود
اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ دُغْرٌ مِيفْرُود: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكَتَ يَا ذَا

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۚ • او کما قال علیه الصلاة والسلام

خدایا تو هستی که نام مبارکت سلام است و از تو است سلامتی از بلیای و
آفتها پر شد برکت تو ای صاحب شکر و بزرگواری.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَسَبَّحَ اللَّهَ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ
ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَحَمَدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ فَتَلَكَ تَسْعُ

وَتَسْعُونَ قَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - غَفِرَتْ خَطَايَاهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ ۚ

(رواه مسلم) رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: کسیکه بعد از هر نماز فرض سی و سه بار
گفت سبحان الله سی و سه بار گفت الحمد لله سی و سه بار گفت الله اکبر

و صدین بار گفت لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ آمزیده شود گناهاش و اگر چه مانند کف دریا باشد.

و وارد است ۳ بار قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۳ بار ﴿ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴾

۳ بار ﴿ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴾ بعد هر نماز - و دعای بعد نماز یا ابتداء کردن دعای حمد و ثناء خدا و روود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و پایان دادن دعای حمد خدا و صلوات و سلام بر پیغمبر و آل و اصحاب او -

نماز با جماعت برای این است که همه جماعت با هم عبادت کنند و از حال هم واقف شوند - و هم دیگر را دست گیری کنند و با هم همدست باشند -

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَيْسَ أَحَدٌ يَمُوتُ وَهُوَ مَفَارِقٌ

لِلْجَمَاعَةِ شَبْرًا إِلَّا مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً ۴ او کما قال علیه الصلاة والسلام

کسیکه از جماعت جدا شود و با جماعت همدست نباشد روزیکه می میرد بر جاهلیت می میرد نه بر اسلام: و ممکن است در جماعت افراد صالح تر باشند که عبادت و دعای شان مقبول تر باشد - و قتیکه با هم در عبادت باشند برکت آنها یکده صالح تر باشند بر همه عود می کند - چند لحظه در مسجد ماندن خودش غنیمتی بزرگ است و برای افرادی که بیشتر در بازار و محل کار هستند چند لحظه در مسجد او را نماز خواندن غنیمت گرفتن از زندگی است -

اشب که ۲۱ احتمال قوی شب قدر دارد از هر طاعتی که میسر شود غفلت نکنید و دعای شب قدر:

(اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تَحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي)

خُدایا تو گذشت فرماینده هستی گذشت رادوست داری. از گناهان ما بگذر.
بجوید گنا در این شب بزرگ مغفرت و رحمت شامل ما و همه امت محمد

گردان -

اَفْرِيدِيكَارًا بِمَا بَدَا بِهٖ اِحْسَانٌ وَفَضْلٌ خُودِ رِفْتَارِ فَرَمَا كِهٖ تُوَانَا نِيْ اَعْدَلٍ تُو وَعَقُوْبَتِ

تو نداریم -

بِسْمِ اللّٰهِ دَرِ اِيْنِ مَاهِ مَبَارَكِ سُرُوْرَانِ اُوْلِيْ الْاَمْرِ وَبِزُرْكَانِ دِيْنِ وَعُمُوْمِ مَسْلُوْمِيْنَ رَا
بِهٖ رَحْمَتِ شَادِكُنْ وَمَارَا اَزَا سَارَتِ هُوَا وِهُوسِ وَمَعَاصِيْ اَزَادِكُنْ بِنْدِ گَانِيْمِ اَكْرَمَارَا بِرَحْمَتِ
نِنُوْازِيْ بِكِبْجَارُوِيْ اُوْرِيْمِ وَچِهٖ سِيْ رَا بِنُوْانِيْمِ - فَرِيَادِرْسِ هِمِهٖ تُوْنِيْ وَبِنَخْشَايَشِ كِرِهْمِهٖ تُوْنِيْ -
اَزِ دِرِيَايِ رَحْمَتِ قَطْرَهٗ اِيْ مَارَا كَافِيْ اَسْتِ - اَمِنْ وَاْمَانَ وَسَلَامَتِيْ وَاِيْمَانَ وَنِيْكَ بِنَخْتِيْ
مَارَا بَرُوْا مِ بَدَارِ -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلَّى اللّٰهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۶۷ - باوه گساری - ماورگت اهان الکلی پست ترین بندگان است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی
سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِیْنَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ
عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی ..

قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمِیْسِرُ وَالْأَنْصَابُ
وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ
إِنَّمَا یُرِیدُ الشَّیْطَانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِی الْخَمْرِ
وَالْمِیْسِرِ وَیَصُدَّكُمْ عَنْ ذِکْرِ اللّٰهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ
مُنْتَهُونَ ﴾ (المائدة - ۹۱)

ای مرد میکه ایمان آورده اید - این است و غیر از این نیست که شراب و قمار و
تها و چوبیهای فال زنی - همه پلیدیهای است از زشتکاری شیطان - پس پرهیزید
از آن پلیدیها - و دوری بجوئید از کار شیطان تا رسعگار شوید - این را محقق بدانید

که شیطان میخواهد بوسیده شراب و قمار دشمنی میان شما اندازد و نفی و نفرت در بین تان ایجاد کند سبب شراب و قمار - و باز بدارد شمار از زیاد - خدا و از نماز و عبادت - پس باین تفصیل آیا پایان به این کار نمیدهد؟ و یا اینکه از ادامه آنها عقوبت خدای متعال بر خود روا می‌دارید - شراب و قمار پست‌ترین دشمنان آدمی هستند - و شراب و قمار و بت پرستی و عقیده به فال همه کارهای پلید و شیطانی است - و هر کدام جز اینکه آدمی را از خدا دور سازد و ایمان و شخصیت و وقت و اعتماد به نفس را از او بکشد - چیزی دیگر ندارد - شخص الکلی و باده‌گسار نه خانه میداند نه خانواده - نه فرزند را نمکساری دارد و نه زندگی را - میگسار شرافت را از دست میدهد - موازین اخلاقی را کنار می‌نهد - غیرت و حمیت از دست میدهد - به قمار و بت پرستی و هرزشتی تن میدهد - و این آب آتش زاکه دشمن تند رستی و مخالف ایمان - و تساه کننده زندگی است - به گلو میریزد - تجربه نشان داده است که الکلی مرد دین و ایمان نبوده است -

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود:

«لَا يَزِيءُ الزَّانِي حِينَ يَزِيءُ، وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقَ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ» (رواه البخاری)

زنا نمیکند زنا کار مگر اینکه در موقع زنا ایمان ندارد - و خمر نمی‌آشد شراب بخورد مگر اینکه موقع زحمقیدن شراب ایمان ندارد - و دزدی نمیکند دزد مگر اینکه در موقع دزدی ایمان ندارد -

ایمان برای مگوکاری و خیر اندیشی و طاعت و نزدیک شدن بخداست -
 کسیکه مشروب خورد بجای تواند بگوید که ایمان دارد -

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ خَرَجَ نُورُ الْإِيمَانِ مِنْ جَوْفِهِ» (رواه الطبرانی)

کسیکه شراب خورد - نور ایمان از دل او برون رفته است -

وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَمْ يَدْخُلِ الْخَمْرُ إِثْمًا مَاتَ لَقِيَ اللَّهَ كَعَابِدٍ وَثَنٌ ۝
أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه بر حال مداومت بر خمر بمیرد مانند بت پرستان است در روز قیامت
خدا تعالی که روز قیامت باشد -

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ» ۰ ۰۱ (رواه الطبرانی)

کسیکه ایمان بخدا و روز قیامت دارد دنیا شاهد خمر را و کسیکه ایمان بخدا
و روز قیامت دارد نمشنید بر سفره ای که خمر بر آن آشامیده شود -

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ» (رواه البخاری و مسلم و ابوداؤد و نسائی)
رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: - هر مست کننده ای حرام است

لَا وَهِيَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: عَنْ كُلِّ مُسْكِرٍ وَمُفْتِرٍ ۝
أو كما قال ۝

(رواه ابوداؤد) رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منع فرمود از هر مست کننده ای و از
هرستی آدرنده ای - مشروب از هر نوع باشد حرام است - و آنچه ایجاد
ستی و ریخت در اعصاب کند - مانند بنگ و تریاک و هر وین همه حرام
است -

ابوموسی اشعری رضی الله عنه گوید: لا مَا أَبَايَ شَرَبْتُ الْخَمْرَ أَوْ عَبَدْتُ

هَذِهِ السَّارِيَةَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۝
أو كما قال عليه الصلاة والسلام

برای من فرق نمیکند چه خمر بیاشامم و چه غیر خدا را عبادت کنم که شرک و مشروب

خواری و رگننگاری بهم نزد یکند. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا إِنَّ مَلَكًا مِنْ مَلُوكِ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَخَذَ رَجُلًا فَيَرَهُ بَيْنَ أَنْ يَشْرَبَ الْخَمْرَ أَوْ يَقْتُلَ
نَفْسًا أَوْ يَزِنِي أَوْ يَأْكُلَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ أَوْ يَقْتُلُوهُ فَأَخْتَارَ الْخَمْرَ وَإِنَّهُ لَمَّا شَرِبَ
الْخَمْرَ لَمْ يَمْسُحْ مِنْ شَيْءٍ أَرَادُوهُ مِنْهُ ۝۴۱ أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

(رواه الطبرانی بسند صحیح و صحاحکم وقال صحیح علی شرط مسلم)

یکی از ملوک بنی اسرائیل شخصی را گرفت و او را اختیار داد. تا میان پنج کاری را انتخاب کند: یا شراب بیاشد یا قتل نفس مرتکب شود. یا زنا نماید. یا گوشت خوک بخورد. یا خودش کشته شود. او آشامیدن شراب را برگزید. وقتی که از شراب خواری مست شد. هم قتل نفس را مرتکب شد و هم زنا کرد و هم گوشت خوک خورد و هر کاری که در حال مستی از او خواستند امتناع نکرد. بی جهت نیست که از قدیم شراب را **أُمُّ الْخَبَائِثِ** مادر سنگها و مایه زشتیها نامیده اند. وَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: مُدِمِّنُ الْخَمْرِ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَسْقِيَهُ مِنْ نَهْرِ الْخَبَائِلِ - قِيلَ وَمَا نَهْرُ الْخَبَائِلِ - قَالَ صَدِيدُ أَهْلِ النَّارِ ۝۴۱ أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: کسیکه مداومت بر خمر نمود. ثابت است بر خدای متعال که او را از نهر خیال بچشانند. و آب آشامیدنی او از نهر خیال بگرداند. گفته شد نهر خیال کدام است یا رسول اللہ. فرمود آب خونِ دوزخیان.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَحْدَيْشَرُّهُمَا فَلَا يَقْبَلُ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَا يَمُوتُ وَفِي مَثَانِتِهِ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا حُرِّمَتْ بِهَا عَلَيْهِ الْجَنَّةُ فَإِنَّ فِي أَرْبَعِينَ لَيْلَةً مَاتَ مَيِّتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ ۝۴۲ أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

کسیکه شراب آشامید تا چهل روز نماز او پذیرفته نشود. اگر در موقع مردنش در شامان

او چیزی از خمر باشد - بشت یسبب آن بر او حرام گردد - و اگر در آن جیل روز میرود، مردنش بر جایست کفر است نه بر اسلام -

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْخَمْرَ وَثَمْنَهَا وَحَرَّمَ الْمَيْتَةَ وَثَمْنَهَا وَحَرَّمَ الْخَنْزِيرَ وَثَمْنَهُ»
أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله فرمود که خدای عز و جل حرام فرموده است شراب را و قیمت آن را و حرام فرمود مردار و قیمت آن را و حرام فرمود خوک را و قیمت آن را - اسلام هر نوع استفاده را از خمر حرام فرمود - و هر نوع اقدامی در بدست آوردن خمر را تحریم نمود -

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي الْخَمْرِ عَشْرَةَ عَاصِرَهَا وَمُعْتَصِرَهَا وَشَارِبَهَا وَحَامِلَهَا وَالْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ وَسَاقِيَهَا وَبَائِعَهَا وَآكِلَ ثَمْنِهَا وَالْمَشْتَرِيَ لَهَا وَالْمَشْتَرَاةَ لَهَا»
أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم در باره خمر - ده کس را لعنت فرمود:

- ۱ - فشانده آن را
- ۲ - و کسیکه خواهش نشودن یعنی مشروب را نختن
- ۳ - و آشامنده شراب
- ۴ - و حامل آن
- ۵ - و کسیکه برای او عمل میشود
- ۶ - و ریزنده آن در ظرف
- ۷ - و فروشنده آن
- ۸ - و خورنده آن
- ۹ - و خریدار آن
- ۱۰ - و کسیکه برایش خرید می شود -

احادیث در نکویش شراب و عقوبتهای شدید که شریعت در دنیا و آخرت برای آن مقرر داشته است - بسیار است و کفایت برای اندرز - لعنتی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به شرابخوار نموده است - کافی است در درس عبرت - فرموده رسول الله صلی الله

علیه وآله وسلم که شرابخوار در حال مستی از بیخ نگی روگردان نیست - و خدای متعال آنرا
پلید و همکاری با شیطان شناسانید -

کسانیکه خدای متعال آنان را از این آلودگی دور داشته است لازم
است بشکرانه این نعمت بهیچگاه گردان سم خطرناک نگردند - و هر کسیکه از اغواء
شیاطین انس و جن سالم نمانده - و به پلیدی خمر آلوده گشته اند جای آن است
که از درس صبر در ماه مبارک رمضان این نتیجه بگیرند که خود را از ادامه آلودگی
به پلیدی خمر خود را نگهداری کنند -

خُدا اینا با ما ایمانی عطا فرما که در پایداری همانند کوه باشد و دلی عطا
فرما که بادوری از آلودگیها همانند آئینه پاک و مورد تجلی رحمت تو باشد و
زبانی ارزانی دارد که بیاد تو مشغول باشد و در راه تو خیر خواه و ناصح عموم باشد
و دستی که بخشنده و دست گیر فروماندگان باشد و سری که فکرش در راههای
بدست آوردن رضای تو باشد و پائی که در راه طاعت گام زند و در کار گره کشائی
مروان گام بردارد -

خُدا اینا آنچه عطا فرمائی توفیق را بان همراه دار و آنچه بستانی بر تر از آن
را بر جای دار -

بجز دردِ گارا سروان اولی الامر را توفیق طاعتت عنایت کن تا مهربان
سعادت باشند و بزرگان دین را موفق فرما تا راههای گمراهان و چراغ راه
نیکان باشند و همه مسلمین را از حلیه آمرزش به زیور قبول در گاهت آراسته دار
دست افتقار بدرگاه نبی نیازیت فرا داشته ایم مبادا تنی دست مان برگردانی -

و اگر سائلان از کرمت بر تو حقی دارند رو بدرگاهت به سوال آمده ایم - اگر پیران
 را نزد تو مقامی است پیران را شفیع آورده ایم و اگر خردسالان را نزد تو رحمتی است
 خردسالان را وسیله ای ساخته ایم دست از درگاه تو باز نداریم که جز درگاهت
 پناه ای نداریم و کرمت را نمی‌سزد که فروماندگان را برای آغاز ما خیر ساختی فرجام
 ما به نیک بختی بسازد.

رَبِّنا اتَّنا في الدِّنا حَسَنَةً و في الآخِرَةِ حَسَنَةً و قنا عَذابِ النَّارِ
 و صَلَّى اللهُ تَعالَى و سَلَّمَ عَلى سَيِّدنا مُحَمَّدٍ و آلِهِ و صَحْبِهِ
 و الصَّالِحِينَ سَبَّحانَ رَبِّكَ رَبِّ العِزَّةِ عَمَّا يَصِفونَ
 و سَلَامٌ عَلى المرسلينَ و الحمد لله رَبِّ العالمينَ

۴۸. قتل نفس - آمیختن نسب - یختن شرف دزدی ناموس همه در زنا کاری جمع شد است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ..

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ
الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَمًا يُضَاعَفُ
لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا ﴾ الفرقان - ۶۸-۶۹

و بندگان واقعی خدا - آن مردی هستند که همراه خدا هیچ فرد دیگری را عبادت
نمی کنند - در دعای خود همیشه رو بر گاه خدا دارند - در دعای خود فرد دیگری را همراه خدا نمی
آوردند که عبادت باید برای فدای یکتا باشد - و دعا و خواهش باید بسوی خدا و از خدا باشد -
و مردی که بیچگاه قتل نفس بر ناحق نکند و زنا ننماید - زیرا که شرک بیاورد و یا قتل
نفس نماید و یا زنا کند - عقوبتهای فراوان بسند عذاب و شکنجه او چند برابر شود در روز

قیامت - و در عذاب جاوید بخواری گرفتار گردد - و در زنا کاری شرک و قتل نفس جمع گشته
 زنا نوعی از شرک آورده است - زیرا مومن کسی است که فرمان خدا بر خواهش نفس و پدر و
 مادر و فرزند بر همه مقدم بدارد -

زنا قتل نفس است زیرا کسیکه تن به زنا کاری داد - خود را کشته است - زیرا انگهداری
 خود از دست داده است - ایمان خود را پامال کرده است - در برابر شہوت زانوزده است -
 شخصیت خود را از کف داده است - و آنوقت زمینہ برای بی عفتی بستگان و فرزندان
 خود آماده ساخته است - و چه بسیار نوزادان بجرام که بدون هیچ گناهی قربانی میشوند و
 قتل نفس طفلی معصوم به ذمت زنا کاری چسبید -

در حقیقت بیشتر مصیبت‌ها و اکثر آفت‌ها و فتنه‌ها از راه زنا کاری پیش می‌آید -
 و آلودگی به بیماری‌های خانمان بر اندازد و معلوم است که موفقیت در کارها مستلزم خاطری
 آسوده و فکری راحت است - کسیکه به زنا کاری فکر خود را آشفته ساخت - و بابتہ کاری
 وجدان خود را مغذیب نمود - کجای تواند در زندگی موفق گردد و در هر محل که باشد این نتیجہ را
 بچشم خود میتواند ببیند که توانگران و مستفدان و آنہا یکہ شرف و اعتماد و آبروی دارند
 ہمہ از طبقہ‌ای ہستند کہ مقید بر پاکدامنی و درستکاری ہستند تہ کاران اگر وقتی چند
 روزی بظاہر سر و صورتی بیابند - دست آفرز و مال و شکست شان جہتی است -

((روی البخاری و مسلم و الامام احمد و الترمذی و النسائی عن عبد الله بن مسعود رضی

الله عنه قال : سألت رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم أي الذنوب أعظم ؟ قال أن يجعل
 الله نداءً و هو خلقك - قلت إن ذلك لعظيم - قلت ثم أي ؟ قال أن تقتل ولدك مخافة

أن يطعم معك - قلت ثم أي ؟ قال أن تزاني حليلة جارك ۴۴ أو كما قال عليه الصلاة والسلام

ابن مسعود گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدیم: چه گناهی بزرگترین گناه است؟ فرمود آنکه برای خدای متعال که تو را آفرید شریک آوری. گفتم بچقیقت شرک بخدا آوردن گناهی بس بزرگ است. دیگر چه گناهی. فرمود آنکه بکشی فرزندت را از ترس اینکه مصرفش لازمست گردد. گفتم دیگر چه گناهی. فرمود زناکردن با زن همسایه. خداوند تو را آفرید و نعمت های بی کران به تو ارزانی داشت آیا شایسته است که او را بدستی پروری تا دعای خیر او شامل حالت گردد. یا اینکه نطفه را در راه حرام قرار دهی و از ترس ننگ و رسوائی و از بیم مصرف و انفاق بر او بکشتن او پردازی.

همسایه برای همسایگی و همسوستی و همبستی است تا هر کدام غمخوار یکدیگر و مددکار همدیگر باشند یا اینکه خیانت به حریم همسایه شود و راه خیانت و نادرستی کشیده گردد و دست آخر مایه بدفرجایی و ننگ و رسوائی گردد.

در حقیقت بیج معیشتی بدتر از زناکاری نیست. اگر کسی بدھکار دیگری باشد. اگر از ادب بدھکاری عاجز ماند ممکن است از طلب کار حلال بودی بخواهد اگر کسی را ناسزا گفته باشد میتواند از وی معذرت بخواهد. و طلب آمرزش نماید حتی در قتل ممکن است اطرافیان مقتول را راضی کردن. اما آیا ممکن است کسیکه با زنی زنا نمود از شوهر و یا پدر و یا برادر او طلب حلال بوزی نماید. در زناکاری راه بیرون آمدن از ورطه آن مسدود است و آنگاه زنی را از طهارت عصمت برون کشیدن و به لوث زنا آلوده ساختن و یک عمر او را بدنام و ننگین ساختن چگونه و بیکه راهی میتوان داشت خود را از آن گناه بزرگ پاک ساخت. ننگی که به بستگان زن زنا شده میرسد قتل است که در نوزادان حرام پیش می آید زناکار از کدام طریق می تواند آن را بچران کند و دست آخر اجزاء من جنس العسل و سیه روی خود زناکار

در اهل و بستگانش بر چه آبی شسته میشود - در حقیقت آدمی به هر معیشتی آلوده شود بهتر از زنا کاری است - هر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

((مَنْ ذَنِيَ أَوْ شَرِبَ الْخَمَّ تَرَجَّ مِنْهُ الْإِيمَانُ كَمَا يَخْلَعُ الْإِنْسَانُ

الْقَمِيصَ مِنْ رَأْسِهِ))
او کما قال علیه الصلاة والسلام

کسیکه زنا کرد یا خمر آشامید ایمان از او کنده شود همانطور که شخص جبامه را از سر برون آورد -

((وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ ذَنْبٍ بَعْدَ الشِّرْكِ أَكْثَمَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ نُطْفَةٍ وَضَعَهَا رَجُلٌ فِي رَحِمِ امْرَأَةٍ لَمْ يَلُحْ لَهَا))
او کما قال علیه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هیچ گناهی بعد از شرک بزرگتر از این نیست که شخص نطفه خود را در بچه دانی قرار دهد که برای او حلال نیست -

و در حدیث است از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم:

((إِنَّ مَنْ ذَنِيَ بِأَمْرَةٍ مُزَوَّجَةٍ كَانَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهَا نِصْفُ عَذَابِ

هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي الْقَبْرِ))
او کما قال علیه الصلاة والسلام

کسیکه زنا با زن شوهر دار نمود بر آن زن و مرد نیمی از عذاب این امت است - و کسیکه از ناپاکی اهل خود بقیین داشته باشد و خاموش بماند و جلوگیری نکند خداوند بهشت را بر او حرام فرمود - در حدیث است:

((إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ أَنَّكَ حَرَامٌ عَلَى الدَّيُّوثِ وَ هُوَ الَّذِي يَعْلَمُ الْفَاحِشَةَ فِي أَهْلِهَا وَيَسْكُتُ وَلَا يَغَارُ))
او کما قال علیه الصلاة والسلام

محقق است که خدای تعالی بر در بهشت نوشت که بهشت حرام است بر دیوث که

عمل پدرا در همسر خود به بنید و غیرت نیاورد و جلوتیبه و سکوت کند.

وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «لَا يَحِلُّ دَمَ امْرَأَةٍ مُسَلِّمَةٍ مَغْمُودًا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَإِنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ إِلَهِي إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: زِنًا بَعْدَ إِحْصَانٍ فَإِنَّهُ يُرْجَمُ.»

أو كما قال عليه الصلاة والسلام رواه ابو داود والنسائي - اکوئیت

روا میشود خون مسلمانی که گواهی میدهد بر اینکه نیست معبودی بحق جز خدای یکتا و آنکه محمد پیغمبر بحق خداست. مگر به یکی از سه کار. زنا که بعد از احصان باشد که سزای او سنگسار کردن است.

در بین عقوبتها هیچ عقوبتی به شدت عقوبت زنا مقرر نگردیده است. زیرا سنگسار کردن و کشتن به سنگ سخت ترین عقوبت است.

وعن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «كُلُّ عَيْنٍ بِأَكْيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنٌ غَضِبَتْ عَنْ مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ وَعَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَيْنٌ خَرَجَتْ مِنْهَا مِثْلُ رَأْسِ الذُّبَابِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ.»

أو كما قال عليه الصلاة والسلام

همه چشمها گر یانند روز قیامت مگر

چشمی که از نظر به حرام حفظ شده باشد

چشمی که در راه خدا بیداری کشیده است - و

چشمی که از ترس خدا اشک ریزان گردیده است.

جریر بن عبد الله رضی الله عنه گوید از رسول الله پرسیدم که نظری که ناگاه بر حرام افتد

فرمود: اصْرَفَ بَصْرَكَ - (رواه مسلم) چشم خود را از حرام نگمدارد - و فرمود:

«لَا آيَاتُكُمْ وَالْخُلُوةَ بِالنِّسَاءِ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا خَلَا رَجُلٌ بِأَمْرَأَةٍ

إِلَّا دَخَلَ الشَّيْطَانُ بَيْنَهُمَا ۖ أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

شماره پیر میزید هم از خلوت نمودن با زن نامحرم - زیرا قسم بخدا نیکه روح من در دست
اوست هر مردی که با زنی نامحرم خلوت گرفت شیطان برای فساد در میان شان آید -

در شریعت حفظ نظر و دست و چشم و پا حفظ همه از حرام لازم است - زیرا سر و دست
چشم و گوش و پا همه نعمتهای هستند که شایسته شکرشان چنین است که در راه خیر بکار روند -

خدا اینا در این ماه مبارک و در این شب قدر رحمتی شامل حال ما گردان که شوق ما را
بر طاعتت بيفزاید - و از آنچه مایه خشم تومی گردد باز دارد -

پرووردگارا بما بصیرتی ده که عاقبت اندیشی بکار بریم و در دل ما ترسی از عاقبت
قرار ده که ما را از هر بدی باز دارد -

افزیدگارا برای ادامه طاعتت از تو مددی جویم و برای دوری از معاصی از
قدرت تو کمک میخواهم تا راه راستگاران و اعمال ما اعمال پذیرفتگان و فرجام ما فرجام
نیک بختان باشد -

خدا ایام سروران اولی الامر ما را معونت فرما تا در خیر و صلاح اسلام گام بردارند و بزرگان این
ما را معونت فرما تا احکام دین را بر مردمان برسانند و همه مسلمین را معونت فرما تا در دین خود استوار و پایدار
باشند - بجا رخدا اینا در این شب بزرگ آمرزشت شامل همه مسلمین گردان و باران رحمتی نازل فرما تا خاطر ما
شاد شود و دلها از غم بی آبی آزاد شود و دلهای ما را مطهر گردان تا قابل تحلی انوارت باشد -

اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ - وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى
وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ

عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۶۹- ترس از خدا سرآمد حکمتهاست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ - وَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ
سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى « وَخَافُونَ
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ » - ۱۷۵ - آل عمران

خدای تعالی فرمود: از من ترسیده نه از غیر من اگر باشید ایمان آوران. در آیه نهمین
ترس از خدا تعالی را شرط ایمان داری قرارداد- زیرا وقتی ایمان به ثبوت میرسد که همراه با ترس
از خدای متعال باشد و گمان نمی رود که مومن از ترس خدا تعالی خالی بماند- ترس از خدای
متعال همیشه به حسب معرفت و خداشناسی است. و هر کس خداشناسیش بیشتر باشد ترس
از خدای متعال در دل او بیشتر خواهد بود-

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «أَنَا أَعْلَمُكُمْ بِاللَّهِ وَأَشَدُّكُمْ لَهُ خَشْيَةً»

من از همه تان و انا ترسم به خداشناسی و از همه تان شدة ترس من بیشتر است. و معلوم است
که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بیش از همه کس از خدای ترسید زیرا از همه و انا ترسید شناسایی
خدا تعالی یزد- و در حقیقت ایمان برای ترس از خداست - زیرا ترس از خدای متعال
دلیل هر کار خیری است.

فصیل بن عیاض رحمۃ اللہ گوید: مَنْ خَافَ اللّٰهَ تَعَالٰی دَلَّهٗ الخَوْفُ عَلٰی کُلِّ خَيْرٍ۔

کسیکه از خدا بترسد ترس از خدا او را رهنمون بر هر کار خیری میگرداند - همین یک دستور ترس از خدای تعالی، اگر منتشر میگشت - معاصی بسیار نمیشد و بشر از همه مصائبی که با آنها دستگیر بیان است رهایی می یافت - علم با همه ارزش و تقاضی که در اسلام دارد اگر همراه با ترس از حق تعالی نباشد - سودی نمی بخشد - پیشرفت علوم و صنایع اگر همراه با ترس از خدای متعال نگردد - نتیجه اش بجای منافع - مصائب خواهد بود:

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «رَأْسُ الْحِكْمَةِ خِيفَةُ اللّٰهِ تَعَالٰی» ۴۴ او کما قال ۴۴

سرآمد حکمتها ترس از خدای متعال است. صنعتگری که از خدا بترسد - هیچگاه در صنعت خود غش نمی نماید -

کاسبی که از خدا بترسد هیچگاه در کار خود خیانت نمی کند رنگ را کم نمی کند - جنس معیوب را بجای جنس سالم تحویل نمیدهد -

مزدوری که از خدا بترسد کوشش میکند کار خود را با اخلاص همراه دارد و وقت را بهیچوجه تلف نمی کند -

پدری که از خدا بترسد فرزندان خود را درست تربیت می کند و فرزندان را ضائع نمی سازد -

مادری که از خدا بترسد نسبت به همسر و فرزند وفادار و مهربان می ماند -

آموزگاری که از خدا بترسد میکوشد از نزدیک ترین راه شاگردان خود را دانا و فمیده بار آورد -

کسانیکه سر رشته دارند موقعیکه خدا ترس باشند میکوشند برای راحت مردم و

آبادی قدمای موثر بردارند.

عالم وقتی که از خدا ترسد میکوشد تا بر علم خود عمل نماید.

مُخْلِصَةٌ: ترس از خدا تعالی کیمیائی است که هر وجودی نیازمند آن است. و عجیب

اینکه هر کس از خدا ترسد سعادت و نیک بختی به او نزدیکتر است. و بخود گفته نشده است:

(مَنْ خَافَ مِنَ اللَّهِ خَافَ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ)

کسیکه از خدا ترسد همه چیز از او ترسد. و کسیکه از خدا ترسد باید از همه

چیز ترسد. زیرا انگبانی و رعایتِ خدای متعال از مروی است که ایمان صحیح داشته و از

خدا ترسند.

قال الله تعالى ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾

خداوند دفاع فرماید از مردمیکه ایمان آورده و خدا ترس باشند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: قال الله عز وجل: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي

لَا أَجْمَعُ عَلَى عَبْدِي خَوْفِينَ وَلَا أَجْمَعُ لَهُ آمَنِينَ. فَإِنْ آمَنِي فِي الدُّنْيَا أَخَفَّتْهُ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ وَإِنْ خَافَنِي فِي الدُّنْيَا أَمَّنْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱) او کما قال عليه الصلاة والسلام

گفت رسول الله صلی الله علیه و سلم که خدای عز و جل فرمود: قسم به شکوه

و بزرگواریم که دو ترس بر بنده ام جمع نکنم و دو ایمنی بر بنده ام فراهم نیاید

اگر بنده ام از من ترسد در دنیا. روز قیامت او را ترسانم

و اگر در دنیا از من ترسید روز قیامت او را ایمنی دهم

کسیکه در دنیا از خدا ترسید. بر فرمان او میرود و از نافرمانی خدا دوری می جویند اگر

در روز قیامت به پاداش فرمانبری خدا آسوده خاطر خواهد بود. و کسیکه در دنیا از خدا ترسید

و سر بر نافرمانی خدا نهاد. در روز قیامت بر کفیر بگردانیش بر خود بلرزد و آسایش نیابد.

حقیقت این است که هر کس در دنیا خدا ترس نباشد زندگیش بخواری باشد. فرجام او بر بدبختی باشد. از سعید بن جبیر رضی الله عنه پرسیده شد که ترس از خدا چگونه است وی گفت:

« هِيَ أَنْ تَخْشَى اللَّهَ حَتَّى تَحُولَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَعْصِيَةِ »

ترس از خدای متعال چنان است که تو را از نافرمانی خدا باز دارد.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه گوید: اِنَّ الْمُؤْمِنِ يَرَى ذُنُوبَهُ كَأَنَّهُ قَاعِدٌ تَحْتِ جَبَلٍ يَخَافُ أَنْ يَقَعَ عَلَيْهِ وَإِنَّ الْفَاجِرَ يَرَى ذُنُوبَهُ كَذَّبَابٍ مَرَّ عَلَى آذُنِهِ فَقَالَ بِهِ هَكَذَا أَيُّ ذَنْبِهِ بَيِّنٌ فَطَارَ »

شخصی با ایمان همیشه از گناه خود هراسناک است چنانکه کوهی بالای سر او باشد هر لحظه ترس آن دارد که بروی افتد. و شخص بی ایمان گناهان خود را بیچ می شمارد. چنانکه پشه بر بینی او نشیند و به دست خود او را براند.

وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لعقبة بن عامر رضي الله عنه لما سأله « مَا النَّجَاهُ؟ قَالَ أَمْلِكُ عَلَيْكَ لِسَانَكَ وَأَبْكُ عَلَى خَطِيئَتِكَ - » او كما قال عليه الصلاة والسلام

موقعیکه عقبه بن عامر از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم پرسید. نجات چگونه بدست می آید. فرمود: زبانت را نگهدار و از گناه خود ترس.

علی بن ابی طالب رضی الله عنه گوید: لَا تَخْشَى إِلَّا ذَنْبَكَ - مترس مگر از گناهت. زیرا آنچه از سختیها برای شخص پیش آید نتیجه گناه او است.

فضیل بن عیاض رحمه الله گوید: إِنْ لَمْ يَأْتِ لِعَصِي اللَّهِ تَعَالَى فَأَعْرِفُ ذَلِكَ فِي خَلْقِ أُمَّرَأَتِي وَدَابَّتِي، من هر گاه گناهی شاکم اثر آن را در بد خلقی زن و کسری حیوانم

مشاهده میکنیم - حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از ترس خدای متعال سر آمد انبیاء بود - بار خد
 زحمتی که در تبلیغ رسالت میکشد از گرسنگی رنگ به شکم می بست - در میدانهای جهاد سروروی
 مبارکش خون آلود میشد - عزیزترین یارانش در برابر نظرش شهید میشدند - باین همه رنج و تا
 این حد زحمت باز شب پیامی ایستاد و از ترس خدای متعال محاسنش از گریه تری شد -
 عبدالله بن مسعود رضی الله عنه گوید مثل امروز بخاطر دارم که رسول حکایت یکی از پیغمبران
 می فرمود سر و رویش خون آلود بود و میفرمود: **لَا تَبِا غَفِرَ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يُعْلَمُونَ** ۴۰
 خدایا بیامرز گروه مرا که نمی دانند، بچوقت کسی حضرت رسول الله را نالان از روزگار ندید - و ترس
 از خدای متعال و از خود گذشتگی در راه او از رسیدن ب فکر خود باز داشته بود -

ابوبکر صدیق رضی الله عنه وقتی که به نماز می ایستاد گریه چشمان او را از اختیارش می برد -
 در روی عمر الفاروق رضی الله عنه همیشه دو خط از آثار گریستنش در برابر خدا ظاهر بود - عثمان
 ذی الثورین شبها قرآن را در نماز ختم میکرد و از ترس خدا بخود می چسپید - علی بن ابی طالب
 رضی الله عنه شبها مانند مار گزیدگان از گریه در طاعت خدا بر خود می چسپید -

همین افراد که شب با در برابر خدای تعالی سر بسجود در طاعت خدا بجا می مالیدند
 روز که میشد از بانش ترین و خوشروترین مردم در روی مردم بودند - اما امروز نشتی معاصی از
 نظرهارفته است - و ترس از خدای عزوجل با ترسی که از پیشینان ما ثوراست - قابل
 مقایسه نیست -

خُذْ أَيُّهَا تَرَسُ از عظمتت همیشه ملازم حال ما بدار تا ترس تو ما را از بیدی باز دارد -
 و بر طاعتت و اخلاص در آن و آرد -

پس بگرد گارا تو از ما خشو شود شو که خشو دی ما بی رضای تو از زشتی ندارد -

افزیدگارا دل ما را به نور محبت روشن ساز تا ترس ما از هر چه محبت را سلب
مینماید برقرار باشد.

خدا ایما اگر رحمت مستحقان خاصی باشد ما سیه کاران چه کنیم و روی به که
آریم محقق که نه پناهی بغیر از ذات تو وجود دارد و نه بخشایشگری بغیر از تو امکان دارد.
افزیدگارا در این ماه مبارک همه ما را به نعمت قبول درگاهت شادبازد و به
حسن عاقبت در همه کار و اخلاص در همه حال وجود ما را آراسته ساز.

بَارِ الْهِنَّا سِرِّهِمْ وَأُولَى الْأَمْرِ مَارًا بِمَعُونَتِهِمْ فِي الْأَجْرَةِ حَسَنَةً وَفِي الْأَجْرَةِ حَسَنَةً وَفِي الْأَجْرَةِ حَسَنَةً وَفِي الْأَجْرَةِ حَسَنَةً
امت اسلام را بر محبت در ارجاع مجد و عظمت اسلام موفق بدار تا همه با هم به سعادت
دو جهان نائل شویم تو از ما خوشنود و ما را از تو راضی گردیم.

اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى
وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَصَلِّ عَلَى الصَّالِحِينَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

بشبه قد آداب آن - دعای آن - تعیین آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ط

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى
عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنزِيلُ الْمَلَكِ
وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾
خدای عزوجل فرمود: محقق است که ما قرآن را در شب قدر
نازل ساختیم آیا میتوانی بدانی که شب قدر را چگونه منزلتی است؟ شب قدر
از یکم تا ماه بیشتر فطنت دارد - در این شب قدر است که فرشتگان
و جبرئیل فرود آیند - به فرمان پروردگار در باره آنچه در آن سال تقدیر شده است
شب قدر همه اش سلامتی است تا دمیدن صبح - عاده ورود اشخاص نیک در
حصول پیش آمدهای مهم - در تاریخ بشر وقت گذاری می شود - قرآن که در حقیقت
آخر - بزرگترین حادثه تاریخی برای بشر است - شب نزول آن شب قدر
نامیده شد - تا مردم بشکرانه نعمتهائی که از بركت نزول قرآن فراهم
آمده است در این شب اعظیم به عبادت و سیاسگذاری ایستند -
معمولاً عمر آدمی بطور متوسط که عمر غالب نامیده می شود شصت و سه - و عمر طولانی

بطور متوسط هشتاد و سه سال است شب قدر از حیث منزلت
 و فضیلت برابر یک هزار ماه قرار گرفت که هشتاد و سه سال و چهار ماه باشد تا
 آدمی در یک شب قدر بتواند سابقه سعادت را برای هشتاد و سه سال عمر خود
 پایه گذاری نماید شبی که تمام جریان تقدیر در همه سال در آن شب تنظیم میگردد -
 شبی که از نزول فرشتگان و سلام کردن شان بر مؤمنان تا طلوع صبح -
 سلامتی از آفتاب است - آیاتش که اینهمه برتری و فضیلت دارد - شائسته نیست
 که برای بزرگداشت آن تا صبح به عبادت برخیزیم در غمسر آدمی چه شها
 و روز هائی است که بهوده تلف میگردد اگر در این شهای زندگی یک شب قدر
 را بعبادت بسر آوریم چه زین می بینیم کسانی که به حالات بشر پیش از نزول
 قرآن واقف نیستند نمی توانستند بدانند که قرآن چه تحلی در وضع بشر موجود
 آورد ضعفاء پامیال بودند ستم از حد گذشته بودت پرستی و عقیده به
 موهومات تمام موازین اخلاقی را نابود کرده بود حق فردی وجود خارجی نداشت
 کارها بر پایه عصیبت جاهلان می چرخید در چنین موقعی قرآن بفریاد بشر رسید
 حقوق بشر را محترم دانست رحم و شفقت را از لازمه انسانیت دانست
 اجراء حق را وظیفه قرار داد پرستش خدای بخیار او سیله نیک سختی دو جهان
 دانست پایه های ظلم و سب داد و استبداد فرو ریخت و قواعد انسانیت
 و بینداری بمعنی صحیح آن بی ریزی فرمود تا دین مبین اسلام مانند کوهی خلک
 ناپذیر در برابر همه متقا و منتهای بت پرستان استناد و پیروز شد و دین مبین
 مانند خورشیدی تاریکی ناپذیر جلوه گر شد چنین شبی که پایه حیات مجدد بشر شد

شایسته است اگر آدمی در آن سر را بر خاک بندگی در برابر عظمت آفریدگار نهد
 باید و از خدای خود مخلصانه بخواهد تا باقی عمر را بومی توفیق دهد در راهی
 که رضای او در آن است بستر است در این شب بعبادت نشستن در
 مسجد بجا است بیمان و مستمندان را دستگیری و دلدادن بجا
 است گذشته عمر را بخاطر آوردن و برای باقی عمر بایه از سعادت و نیکی حتی
 ریختن بجا است - وقتی که خدای عز و جل یک شب قدر را بر سر امر
 عمر تزیین داد هر کوششی که در بزرگداشت آن نمایم اندک است قال
 رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم «التمسوها فی العشر الاواخر من رمضان» .
 شب قدر را در ده روز آخر از ماه رمضان بجوئید گروه بزرگی از یاران پیغمبر
 صلی الله علیه و آله وسلم معتقدند که شب قدر شب بیت و هفتم ماه مبارک
 رمضان است -

(وكان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يعتكف في العشر
 الاواخر من رمضان ويقول تحروا ليلة القدر في العشر الاواخر من رمضان)
 (متفق عليه) - رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ده روز آخر از ماه رمضان
 اعتکاف در مسجد می نشست - و می فرمود - بکوشید برای جستن شب
 در شبهای دهگانه آخر رمضان -

وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاصْحَابُهُ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ
 الْأَخِيرَ شَدَّ مِئْزَرَهُ وَأَجْيَا لَيْلَهُ وَأَيَّقُظُ أَهْلَهُ (رواه البخاري وسلم)
 رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم موقعیکه ده روز آخر رمضان

فرامیرسید خود را از زمان دور میگرفت و شهرها را بعبادت زنده می داشت
و بستگان خود را برای عبادت بیدار می ساخت -

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مَنْ قَامَ لَيْلَتِي لِعَبِيدِي مُحْتَسِبًا لِلَّهِ

كَمْ يَمُتُ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ (۱) او کما قال عليه الصلاة والسلام

کیکه دو شب عید فطر و عید قربان بعبادت زنده داشت
در روزیکه دلها بمیرد دل او نخواهد مرد -

(اَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زَكَاةَ الْفِطْرِ طَهْرَةً

لِلصَّائِمِينَ مِنَ اللُّغْوِ وَالرَّفَثِ وَطُعْمَةً لِلْمَسَاكِينِ (۲) او کما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم زکاة فطر را فرض فرمود تا وسیله
پاکیزگی روزه داران گرفتار بیهوده باشد و برای مسکینان خوراک و سینه
راحتی باشد شریعت مسطره اسلام در هر مناسبتی پاک کردن از فردماندگان
و مستمندان مشروع ساخت و در این ماه مبارک زکاة فطر را برای همدستی و
مددکاری یکدیگر قرار داد تا در این ماه مبارک آنها نیکه نان و نوانی دارند سحارجان
را دریا بند و دلهای خسته دلان را شاد سازند شرط واجب شدن زکاة فطر:
آزادی و مسلمانی و یافتن زیاده از حاجت خود و بستگان در شب و روز
عید نداشته باشد زکاة فطر لازم اونیست کیکه قبل از غروب آفتاب
آخرین روز رمضان بمیرد - زکاة فطر اول لازم نیست - بچه که بعد از غروب آفتاب
آخرین روز رمضان بدنیا آید زکاة فطر اول لازم نیست - بچه نهانی که در شکم مادر
هستند زکاة فطر آنها لازم نیست - دلیل وجوب آن:

« فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَصْحَابُهُ وَسَلَّمَ زَكَاةَ الْفِطْرِ
 مِنْ رَمَضَانَ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ عَلَى كُلِّ حُرٍّ وَعَبْدٍ ذَكَرِ

أَوْ أَتَى مِنْ السُّلَيْمِيِّينَ » (أو كما قال عليه الصلاة والسلام)

فرض فرمود بر آزاد و برده و مرد و زن از مسلمان بر هر کدام یک صاع
 از خرما یا یک صاع از جو یا یک صاع از گندم - ابو سعید خدری رضی الله عنه گفت
 من زکاة فطر را میدهم همها نگونند که در عهد نبی صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم
 زکاة فطر میدادم یک صاع از گندم - و معتدرا خرج قوت غالب است
 هر جا که خوراک غالب مردم نان گندم است - زکاة فطر لازم است که از گندم
 باشد - مقدار آن سه گیلو است از هر یک نفر - وقت بیرون کردن زکاة
 فطر (از اول ماه رمضان بیرون کردن زکاة فطر جائز است و به دنبال انداختن
 زکاة فطر از روز عید حرام است - و بهتر است چند روز قبل از عید زکات فطر
 دادن - و مناسب است دو سه روز قبل از عید - تا فقر را بتوانند از آن برای عید
 خوراک تهیه کنند - و بجاست که آنها نیکه توانائی دارند مستمندان را کوکب
 مالی نیز بنمایند - تا بتوانند برای خود و فرزندان و بستگان شان لباسی برای
 عید آماده کنند - و در روز عید همگی با هم شاد و مسرور باشند مستحقین زکاة
 فطر همان مستحقین زکاة هستند از فقرا و سیکنتان و بدکاران و یتیمان -
 و در هکذا آن حد اقل به سه فقیر رسانیدن - ماه مبارک رمضان را غنیمت
 بشمارید و در این ماه از عادات پندیده و نگهداری زبان و اخلاق خوب و
 کارهای شایسته و مهر و محبت بستگان و زیر دستان و عهدستی در امور

اجتماعی و مددکاری یکدیگر پایه بانی قسرا و دهید که در یازده ماه دیگر عمر راه بهترین
 کار صرف کنید. آنگاه حقوقی در گردن دارند این ماه وقت آن است که حقوق
 یزدگان از گردن خود بیاورند بدهی خود را بپردازند و دشمنی را امر نفع سازند و دوستی و محبت
 را جانشین کدورت و ناراحتی سازند و تمت خود از هر نوع حقوق آدمیان بپا
 کنند. تا روز عید برای شان عهد واقعی باشد رحمت خدا و رضای
 او و خوشنودی خلق خدا بسیار آورده. خدا یا در این ماه مبارک. بیان ما را به نیکان
 بایختای و همه ما را به رحمت نیکیخت و سعادت مند فرمائی یا الهما اگر همه عمر را
 رخصیه طاعتت سازیم در عظمت ذره ای میفزاید و اگر همه غرق گناه باشیم از ملک
 تو چیزی ننگاهد. ای بی نیاز تو انا ما بدرگاهت با نیاز آمده ایم تا معونت
 شال حل ما گردد عنایتت همراه ما گردد تو فیتق و مددکاریت همراه و همگام
 ما گردد و پروردگارا پایان این ماه به رضای خود از ما بیایه شادمانی ما گردان. و فرجام کارهای
 ما حسن عاقبت و خاتمه خیر گردان آفریدگار سروران ادلی الامر ما در راه حق
 و عدالت مؤید فرما و بزرگان دین در راهنمایی براه راست موفق فرما و همه مسلمین را
 توفیق ده تا کتاب سنت پیرانع راه خود سازند و در دو جهان نیکیخت و کامرانی گردند.

اللَّهُمَّ وَبِنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ سُبْحَانَ

رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

۷۱ - هر کس در این دنیا دروشد اعمال خود

می بیند و می یابد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى

«رَأَى اللَّهُ كَيْفَ يُرْمَى بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرَ أَمَايَا نَفْسِهِمْ» (۱۱ - الرعد)

خداوند حال هیچ مومی را تغییر ندهد. تا اینکه خودشان حال خود را تغییر دهند.
کسانی که حال شان خوب باشد. خدای متعال حال شان را بد نمی سازد. مگر
موقعی که اسباب بد شدن حال خود را فراهم کنند. و مردمی که حال شان بد باشد
خدای متعال حال شان را خوب نسازد. مگر موقعی که خود را به اصلاح آورند عاده
در زندگی هر کس دروشده اعمال خود را می یابد. سنت وجود بر این است که
هر کس کشته خود را بد زود.

خدای متعال می فرماید: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ

وَأَهْلِهَا مُطَّحُونَ» (۱۱۷ - هود)

نمود عادت پروردگارت که مروی را بگناه شرک هلاک سازد. وقتیکه
 بفکر همدگر باشند و به صلاح همدگر قیام کنند دین مبین اسلام دستور داد که مسلمین
 مانند بنابر واحد بهم فشرده و غمخوار یکدیگر و نگهدار همدگر باشند. و افراد خیر را از
 تباہ کردن کار خوب خود و بدی پس از خوبی بر خذر داشت.

خدای متعال فرمود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَّضَتْ عَهْدَهُمْ بَعْدَ قُوَّةٍ
 أَنْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ اٰيْمَانَكُمْ دَخْلًا بَيْنَكُمْ»

باشید مانند زنی که چون غروب میشد هر چه در روز بافته بود از دم
 می پاشید و ریسمان میکرد. نباید سوگندهای تان و سیدۀ عشق در میان شما باشد
 یعنی در راه خیر و در کار خیر همیشه مداومت داشته باشید.

اگر کسی در ماه مبارک رمضان به نماز و روزه و طاعت قیام کند و
 بعد از ماه رمضان از آلودگی نیر صغیر و همانند همان زنی است که خدای متعال
 درباره او فرمود. بافته یکروز را به ساعتی بهم میریخت و ریسمان میکرد. اگر کسی
 بی جوانی را به طاعت گذراند و در پیری بسوی معصی گام بردارد مانند همان
 زنی است که آنچه زحمت بافتنش را کشیده بود در موقعیکه باید از آن بهره
 بگیرد ریسمان کرد و زحمت خود را بباد داد.

اگر کسی در ابتدا به امانت و درستی خود را معرفی کند و پس از آنکه شهرت
 بیاید خیانت را پیش آورد همان مثل زن فریونی را پیش آورده است که
 دسترنج خود را بباد میدهد. حسن عبادت و دلیل اخلاص در آن مداومت
 بر آن است. در بسیاری از شهرها افرادی که توانائی دارند برای بکار

گماشتن همشهریان خود می برنجی دارند. و آنان را در انجام کار شرکت نمیدهند. و در نتیجه افراد غریبه مصدر کارها قرار میگیرند.

افرادیکه ارحام خود را فراموش میکنند و حتی خویشی و قرابت را در نظر می گیرند و بر غریب بیش از خویشاوند اعتماد میکنند نتیجه زحمات اجداد خود را در وجود جماعتی سواد مند از دست میدهند و همانند همان زن سبک سری که قرآن از او نکویش نمود رفتار میکنند معروف است که در مکه زنی بود که از بامداد به رشتن پنبه و رسیان سخاق و آماده کردن آن برای بافتن تمهت می گماشت و موقعیکه نزدیک غروب میشد رشته ها آماده میشد و در چند لحظه همه آن رشته ها را پنبه میکرد. هیچکس را برات زندگی نداده اند و بیچ فردا آخرین سخقات زندگی را نمیدانند چه موقع خواهد بود چرب که از دست دادن عادات خیر و گرفتن عادات بد و سبک برای سوسو خاتم باشد این است که اسلام دستور داد در عمل خیر مداومت باشد و در غمخواری برادران اخلاص و رزیده شود افرادی در اجتماع ایستاده و نیرو مند شوند بود که بفکر افتادگان شان باشند و در طاعتها افرادی موفق هستند که مواظبت بر عبادت نمایند.

«وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُحِبُّ مِنَ الْأَعْمَالِ مَا ذَاؤُهُ عَلَيْهِ

صَاحِبُهُ» ۱۰۴۰ او کما قال علیه الصلاة والسلام

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم از بین کارها کاری را دوست میداشت که صاحبش بر آن مداومت نماید.

عبداللہ بن عمرو رضی اللہ عنہما گوید: «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وَسَلَّمَ يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَكُنْ مِثْلَ فُلَانٍ كَانَ يَقُومُ اللَّيْلَ فَتَرَكَ قِيَامَ اللَّيْلِ ۱۲ أو كما قال ﷺ
ای عبد الله مثل فلانی مباش که برخی از شب بعبادت می‌خواست و آن را

ترک کرد.

در اسلام همه افراد رسول هم‌دیگر هستند. همه باید به مدد هم‌دیگر برخیزند. یکدیگر را یاری کنند. نگذارند هیچک از افرادشان برفتد. کسانیکه این مسوولیت را ندانند شاید که نام خود را آدمی گذارند و باید چنین باشد که:

چه عضوی بدرد آورد روزگار
دیگر عضوهارماند قرار
تو که محنت دیگران بی‌عنی
نشاید که نامت نهند آدمی

بیش تر اجتماعهای که بفکر هم‌دیگر نمیشوند از افرادی تشکیل می‌یابند که موهوم پرستی ایمان‌شان را متزلزل ساخته است. خدای متعال برای وجود جهان نظامی مرتب قرار داد.

هیچگاه مردگان را رسول زندگان نساخت در سیرت بزرگان اسلام
هیچگاه دیده نشده است که کسی روی را از خدا بگرداند. و به مردگان روی آورد و در
زندگی عاقلان جهان کسی ندیده است که از اسباب حصول سعادت دست بردارد و
دنبال طلسم و فال و کتاب پوشالی مشکل‌کش بنشیند. شخص مسلمان سر بسجود می‌نهد
از خالق توانا که زندگی و مرگ همه در دست او است چاره می‌جوید فکر خود را بچهارمی اندازد
از نیروی خود و پشتکار خود بهره‌مند میگردد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَيْسَ مِمَّا سَنَّ تَطْيِيرًا أَوْ قَطِيرَةً أَوْ تَكْهِنًا
 أَوْ تَكْهِنَ لَهُ أَوْ سَحَّرَ أَوْ سَحِّرَ لَهُ وَمَنْ آتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنزِلَ
 عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ۞

أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: کسیکے تشاؤم نمود بہ کاری یا تشاؤم
 در کار او کردہ شد۔ نہ از ما مسلمانان است۔ تطییر و تشاؤم عبارت از این است کہ
 کسی بردگیری وارد شود ظرفنی بشکند مثلاً بگویند از قدم نحس او بود یا فرزندنی مانند برادرش
 را داغ کنند کہ قدم او نحس است و فرزند بعد او نمی ماند و کسیکے کھانت و پیشگوئی
 کرو یا برای او پیشگوئی کردند نہ از ما مسلمانان است۔

و کسیکے سحر و جادو بکار برد یا برای او سحر و جادو گری شد نہ از ما مسلمانان
 است۔

و کسیکے نزد پیشگو آمد و گفتہ او را تصدیق کرد پس محقق بدانکہ کفر آورده
 است بہ آنچه بر حضرت محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نازل شد و فرمود:

لَا مَنَ آتَى عَرَفًا أَوْ كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أُنزِلَ عَلَى

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ۞

أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکے آمد نزد کسیکے اعداد و اوزار محل ذر دیدہ شدہ بہ خواندن و نوشتن
 طلسم آگاہی می یابد و کسیکے آمد نزد کسیکے پیشگوئی میکند و او را تصدیق نمود پس در واقع
 بہ آنچه بر رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نازل شدہ است کفر آورده است۔

و روى البخارى و مسلم عن ابى هريرة رضى الله عنه رات رسول الله صلى الله

عليه وآله وسلم قال راجتنبوا السبع الموفيات قال يا رسول الله وما هن؟

قَالَ الشِّرْكَ بِاللَّهِ وَالتَّحْرُمُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ
مَالِ الْيَتِيمِ وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الرَّحِيفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِيَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ - م

أو كما قال ﷺ

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر چه سیزده هفت گناه هلاک
کننده گفتند یا رسول آن هفت گناه هلاک کننده کدامند؟ فرمود:

شُرک آوردن بخدا تعالی

سحر و جادوگری

کشتن بناحق

ربا خواری

خوردن مال یتیم

پشت از میدان جنگ جهاد

و دشنام دادن و نسبتهای ناروا به زنان پاکدامن.

و از همه جا بجز خبر که ایمان بخداي خود دارند

وَرَوَى النَّسَائِيُّ :

إِذَا مَنَ عَقْدَ عُقْدَةٍ ثُمَّ نَفَثَ فِيهَا فَقَدْ سَحَرُ وَمَنْ تَحَرَّفَ أَشْرَكَ وَمَنْ

تَعَلَّقَ بِشَيْءٍ يُؤَكِّلُ إِلَيْهِ - م

أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه گره در ریشانی زد و در آن دعید جادوگری کرده است و کسیکه سحر و
جادوگری نمود مشرک آورده است و کسیکه اعتقاد به چیزی نماید به آن و آگذاشته شود -
در این ماه مبارک جای آن است که از زیور طاعتها و از طیبیه اعمال شایسته و از در کارهای
یتیمان و از مساعدت عیالندان ثوابی کسب کنید و از تقسیم برادر است در راه خیر و

بر کار خیر و در غمخواری و اخلاص همه گیر اجتماع سعادت مندی بار آورید. تا روزیکه این ماه مبارک
پایان می پذیرد از نیک بختان پذیرفته درگاه حق تعالی باشید.

مخدایا دستهای افتقار را بدعا فراداشته ایم میدانیم که امیدواران رحمت را
نومید نفرمائی.

پرووردگارا سراسر گیتی را شاد از رحمت کردن از دریای رحمت چیزی کم ننماید و
حاجت همه ما را که بر آورده سازی از عظمت کم ننماید ما را به خواهش از کرمت و اداسستی و
بر زبان پهنی برت بمان فرمودی که شرم می آورم دستهای که بدعا برافرازند قسمی برگردانیم خواهش ما
خوشی و نیک بختی دنیا و آخرت است. وعده تو خلاف ندارد و کرم تو نومید کردن سالکان
را نمی شاید.

باید الهنا میاد ان شمت بر ما و اداری که توان آن را نذریم و مبادا که رحمت
از ما باز داری که عادت تو چنین نبوده است و بجز رحمت پناهی نداریم.
ا فربیدگارا سروران اولی الامر ما را در اجر ارحق و عدالت موفق فرما و بزرگان
دین و عموم مسلمین در این ماه مبارک به بخشایشت به آمرزشت برسان.

اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنِّي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلِّ اللَّهُ تَعَالَى وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ
سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ نَمَا يُصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ه

۷۲- کسیکه به پیری رسید اگر دست از زشتکاری نکشد - عذری برایش نمانده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَصَحْبِهِ وَصَالِحِيهِمْ وَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
 عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى . قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ أَوْلَمْ نَعْمَرْكُمْ
 مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ ﴾ - ۳۷ - فاطر

خدای متعال فرمود: آیا نرسانیدیم شمارا به سن و سالی که شخصیکه طالب
 یادآوری است در آن سن یادآوری می شود - و بشمار رسید پیری این آیه دلالت
 دارد که هر قدر بر عمر آدمی میافزاید - بهمان اندازه باید شخص بر اصلاح خود و افزودن
 کارهای شایسته بيفزاید - در اینکه چند سالی مقصود از معمر شدن -

علماء اقوال متعدد دارند:

بعضی گفته اند که شخص به سن بیچده سالگی رسید موقع آن است که برنامه زندگی
 سعادتبار در پیش گیرد و بعضی گفته اند چهل سالگی موقع آن است که شخص بفکر خود گردد -
 و این عباس و محققان گفته اند - سنی که در آن اتمام حجت است و کمال یادآوری سن

شصت سالگی است. و مقصود از نذیر در آن آیه - رسول الله صلی الله علیه و سلم می باشد
و بعضی گفته اند مقصود از نذیر همانا پیری است که باید وسیده برای از دیاد اعمال
شایسته باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذَا آغَذَرَ اللَّهُ إِلَىٰ أُمَّرِيٍّ آخَرَ أَجَلَهُ حَتَّىٰ بَلَغَ

سِتِّينَ سَنَةً - ۴۴ رواه البخاری

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند غذری باقی نگذاشته است
برای کسیکه پایان عمرش را بدنبال انداخت تا به شصت سالگی رسید. و قتیکه
عمر آدمی به سن شصت سالگی رسید موقع آن است که هر لحظه از عمر خود را
غنیمت شمارد. و دراز دیاد اعمال خیر بکوشد. اعمال خیر محصور در یکی و دو تانیت
هر کاریکه نفعی از آن به دیگری برسد کار خیر است. کومک و تشریک مساعی در
کارهای خیر اجتماعی درست تربیت کردن فرزندان و ادار کردن بستگان
طاعت خدا. فرزندان را خیر و نکو کار بار آوردن. کار پیدا کردن برای بیکاران
سعی در آبادی. کومک برای علاج بیماران. هر کدام از اینها کارهای خیر است
و هر کاری که نفعش بیشتر به اجتماع برسد ثواب آن بیشتر است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسِتُّونَ شُعْبَةً آغَاذَهَا اللَّهُ

إِلَّا اللَّهُ وَآذَانَهَا مِطَاطَةٌ الْإِدْنَىٰ عَنِ الطَّرِيقِ ۴۵

ایمان دارای هفتاد و چند شاخه است از همه بالاتر لا اله الا الله گفتن
آن و اعتماد بر آن و عمل کردن بموجب اخلاص بر آن و دوست داشتن اهل لا
اله الا الله و به کومک شان برخاستن و پائین ترین شاخه های ایمان دور

کردن اذیت از راه عبور مردم - سنگ و خار و خاشاک از راه عبور مردم
وور کردن -

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَنْ تَعَيَّنَ مَنَافِعًا أَوْ تَصْنَعَ لِأَخْرَقٍ»
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از جمله کارهایی که ثواب و فضل

فراوان دارد

مددکاری پیشه وران که اگر کسی کاری میدانند و وسائل آن ندارد و کمک او در
تمهیه آن وسائل و اگر کسی کاری نمیداند کار و پیشه ای بوی آموختن - زیرا در اسلام همه
افراد مسؤل همدیگر هستند - و اگر در بین مسلمین یکی از افرادشان ضایع شود همه مسؤل
آن خواهد بود - و هر کار به حساب نتیجه آن خواهد بود -
کوهی که مایه گدائی و خواهندگی شود گناه آن بیش از ثواب آن است - کمک
برای حفظ آبرو و زندگی شرافتمندانه باشد - کسیکه دست از کار کشید و خواهندگی را اختیار
کرد بناید به او کوهی شود - مگر مکی که مایه بر گشتن او به کار و بدست آوردن آبرو و حیثیت
خود باشد -

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در توالیم عالیّه خود یاران را طوری تربیت فرمود
که اگر چوبدستی از آنهایی افتاد به دیگری نمی گفت که چوبدست مرا بمن ده -
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است خود را نوید داد که هر گاه بر سنت عملی او
رفتار کنند به فقر نیفتند - و فرمود:

لَا أَبْتَدُوا وَأَمَّا بِيَتْرَكُكُمْ فَوَاللَّهِ مَا الْفَقْرَ أَخْشَى عَلَيْكُمْ وَلَكِنِّي أَخْشَى أَنْ
تَبْسُطَ الدُّنْيَا عَلَيْكُمْ كَمَا بَسِطَتْ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَتَنَافَسُوها كَمَا تَنَافَسُوها فَهَلَكُوكُمْ

كَمَا أَهْلَكْتُمُوهُم مَّتَّقُوا عَلَيَّ

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: خردم بگیرید و امیدوار باشید که مایه مسرت
توان فراهم آید. قسم بخدا من از فقر بر شما نمی ترسم می دانم تعالیم عالیه اسلام شمارا مردمی
غم خوار یکدیگر بار آورده است و لکن می ترسم که فراخی دنیا و ازدیاد مال بجای پیشدستی
در راههای خیر شمارا به هم چشمی در کارهای زائد و خرجهای بی مورد وادارد. همانطور که پیش از
شاهم ملت های این چنین کردند اگر بجای همدستی در کار خیر و پیشدستی بر یکدیگر در راههای غیریه
هم چشمی در کارهای زائد و بیهوده پروازید. شمارا به هلاکت رساند همانگونه که پیش از شما
مردم رایه هلاکت رساند. سعادت برای مردمی است که همه فکری یکدیگر باشند. نگذارند
پس یک از افرادشان بيفتند. برای ایجاد کار و بکار واداداشتن بیکار. تا آنجا که می توانند
بگویند.

و در این ماه مبارک رمضان برای زندگی خود پایه ای بریزند که همه اش سعادت
باشد. امشب که بیت و مهمت ماه مبارک رمضان است بجا است که تا آنجا که مقدور
است این شب غنیمت شمرده شود. آنها می که معمر هستند بیشتر باید از زندگی خود بهره
برگیرند.

«إِذَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ يَكْثُرُ أَنْ يَقُولَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ -

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي يَا تَوَلَّى الْقُرْآنَ ﴿﴾ أَوْ كَمَا قَالَ

موقعیکه سوره اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ - بر رسول الله نازل شد و از فتح مکه و
رو آوردن مردم گروه گروه بسوی اسلام پایان خدمت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
اعلام گردید. و به ایشان دستور داده شد که تسبیح و تحمید خدا بگویند و طلب مغفرت

نمائند۔ از آن پس رسول اللہ در رکوع و سجود و غیر آن دو بسیار میفرمود: **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَنَجِّدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي**۔ تنزیہ تومی گویم کہ بت پرستی را بر انداختی۔ اسلام را بر قوی ترین پایه استوار فرمودی۔

اُمّی پروردگار ما به ستایش تو مشغولم که نعمتها هم از تو است۔

خُذْ أَيْنَا برابر با مزدین مبین اسلام به پیروان خود دستور داد۔ آنچه خواهند از خدا بخواهند۔ و با بکار انداختن فکر و نیرو و کوشش خود بر خواسته های خود دست یابند۔ آنانیکه بیسواد و بی شان آنان را به پرستش مردگان و گور و گنبد و کمر و کنار و ادا دارد۔ در حقیقت بت پرستی را تازه کرده اند۔ و خدا را نشناخته اند۔ بهترین وسیله خدا شناسی مداومت بر یاد خداست۔

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «أَنَا مَعَ عَبْدِي مَا ذَكَرَنِي وَتَحَرَّكَتْ لِي شَفَاتَاهُ» أخرجه ابن ماجه وصححه ابن حبان وذكره البخاري تعليقا۔
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم گفت: خدا می فرماید: من همراه بنده ام، ہستم ما دایمیکه مرا یاد کند و لبهايش بياد من حرکت دهد۔

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ عَمَلًا أَجْحَلَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» أخرجه ابن أبي شيبة والطبراني بإسناد حسن۔
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: آدمی کاری نکرد که نجات دهنده تر باشد اورا از عذاب خدا مانند یاد خدا کردن که مداومت بر یاد خدا۔ مهمترین وسیله نجات از عذاب و بهترین راه نگهداری زبان است۔

ابن عباس رضی اللہ عنہما از رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم روایت نمود کہ رسول

اللهم مری را پند میداد و میفرمود:

« اِعْتَمِدْ مِمَّا قَبْلَ خَمْسٍ - شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ - وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ - وَفَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ - »

پنج چیز را غنیمت بشمار پیش از اینکه پنج چیز دیگر این پنج غنیمت را از تو بردارد. جوانی را غنیمت شمار پیش از رسیدن پیری.

تندرستی را غنیمت شمار پیش از رسیدن بیماری.

هستی را غنیمت شمار پیش از رسیدن تنگ دستی.

فراغت را غنیمت شمار پیش از رسیدن مشغولیت. و

زندگی را غنیمت شمار پیش از فرارسیدن مرگ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ كَالِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (۴۰)

آخرجه النسانی و صحیح ابن حبان و الحاکم. باقیات صالحات. لا اله الا الله سبحان الله. الله اكبر. الحمد لله. لا حول ولا قوت

الا بالله می باشد.

خدا ایما ما را عنایتی فرماتا هر لحظه از عمر غنیمت شماریم و زبان را بیاد تو مشغول

بداریم و از حالات مختلف زندگی رضای تو بدست آوریم.

خدا ایما ما را از جمله کسانی قرار ده که دارای عمر طولانی و اعمال شایسته و

استند و توفیقی با ارزانی دار که کامیابی در هر کار بهره ما باشد و حسن عاقبت در همه کار

فرجام کارهای ما باشد.

پیکر و ردگار ما را از شرک و بت پرستی دوردار و از کبر و ریا و خود پرستی محفوظ
دار تا اخلاص ملازم اعمال ما باشد.

افزیدگار ما را سروران اولی الامر ما را حامی و نگهبان باش تا دین اسلام را حامی
شوند. و بزرگان دین و همه مسلمان را موفق بدار تا مسیر راه حق و سعادت باشند.

اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ
النَّارِ. وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ مُتَّجَانِ
رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ هـ

۷۳- رؤیتِ هلال

تا چه حد و تاثير دارد - اختلافِ فقهاء - آنچه علماء
حقیقت گفتند -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَصَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَسَلَّمَ «الْفِطْرُ يَوْمٌ يُفْطِرُ النَّاسُ وَالْأَفْطَى يَوْمٌ يُصَيِّحُ النَّاسُ»

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: روز عید فطر روزی است که مردم
بعد از روزه داری افطار کنند - و روز عید قربان روزی است که مردم در آن
حیواناتی حلال گوشت را قربانی کنند -

برای ثبوت عید دُوراه وجود دارد:

یکم اینکه ماه یکشنبه دیده شود - نزد ما شافعیها وقتی که دو نفر گواه معتبر عدل
به دیدن ماه یکشنبه گواهی دهند - عید فطر به ثبوت رسد -
دوم اینکه ماه رمضان سی روز تکمیل شود -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «صَوْمُ الرُّؤْيَةِ وَأَفْطَرُ الرُّؤْيَةِ فَإِنَّ نِعْمَ عَلَيْنَا»

فَأَكَلُوا مِنَ الْعِدَّةِ مَا تَلَا فِيهِ ﴿٤﴾

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: روزه بگیرید وقتی که ماه یکشنبه
رمضان را دیدید. اگر هوا ابری بود و ماه یکشنبه را ندیدید ماه شعبان را سی روز
تکمیل کنید و افطار نمانید هر گاه ماه یکشنبه شب عید را دیدید. اگر ماه یکشنبه
شوال را در شب سی ام رمضان ندیدید پس ماه رمضان را سی روز تکمیل کنید.
وقتی که ماه یکشنبه رمضان و یا ماه یکشنبه شوال در محلی دیده شد حکم آن فقط تا
بیست و چهار فرسخ عملی است. و این معتدله مذهب ماشافعیها است. و هر
گاه ماه یکشنبه در یکی از نقاط دنیا به ثبوت رسید حکم آن به تمام مسلمانان دنیا تعلق میگیرد
و این برابر مذهب حنفی و جنبلی است.

و هر گاه ماه مبارک یکشنبه در محلی دیده شد حکم آن تا محلی است که اختلاف
شان در مطالع بیش از یک ساعت و نیم نباشد که فاصله میان فجر و طلوع
آفتاب باشد. و این معتدله مذهب مالکی است. و معلوم است که هر محلی به رویت محلی
اعتماد کردن قوی ترین و صحیح ترین اقوال است.

کوشش برای دیدن ماه یکشنبه در هر ماه فرض کفایه است. زیرا برای
هر ماه احکامی تعلق دارد که منوط به ثبوت رویت آن ماه است.

کسیکه جنبی را فرض گرفته است تا وجه آن را در اول شوال پدید آورد. باید
اول شوال به ثبوت برسد تا طلب کار و بدهکار از موقع پرداخت و تحویل گرفتن
خود آگاه باشند. و به این طریق احکامی دیگر پیش می آید که همه نیاز به ثبوت ماه را

دارد.

کسی می تواند گواهی به رؤیت ماه یکشنبه بدهد که به دید چشم خود اطمینان داشته باشد و مردم به راستگویی او اعتماد داشته باشند. زیرا گواهی یک امری است که باید از روی نهایت احتیاط و یقین باشد.

وقتی که ماه یکشنبه به رؤیت ثابت شد و یا اینکه به گذشتن سی روز کامل از رمضان ماه شوال ثابت شد سنت است در مسجد و یا در راه و یا در بازار و یا در خانه خلاصه هر جا که باشد تکبیر بگوید. این تکبیر در شب عید فطر از بعد از غروب آفتاب است تا بستن نماز عید. لفظ تکبیر:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لِلَّهِ
 الْحَمْدُ اگر میفرزاید: اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ
 آصِيلاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا تَعْبُدُ إِلَّا آيَاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَحْدَهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. خوب
 است. اما در عید قربان این تکبیر از بعد از نماز صبح روز عرفه تا بعد از نماز عصر روز
 سیزدهم ذیحجه ادامه دارد. و لکن بعد از نمازها تکبیری که در همه جا گفتن است در
 خانه و مسجد و راه. همانا تکبیر در دو شب عید است تا نماز عید و بس.

در روز عید

بدن شستن و پاکیزگی کامل از چیدن ناخن و زدن موی و لباس پاک و بوی خوشی و گشاده دستی بر بستگان و خوشوقت ساختن یتیمان و در ماندگان و رفتن به نماز عید از راه صبح و برگشتن از راه دیگر. و هدیه را دیدار کردن و زیارة اموات و استقامت کردن کسانیکه کدورت داشته اند و خوشروئی و اظهار سرت کردن همه اینها مستحب است.

و خوردن چیزی پیش از رفتن برون از خانه سنت است .

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ! لَا يَخْرُجُ يَوْمَ الْفِطْرِ حَتَّى
يَأْكُلَ تَمْرَاتٍ ۴۲ (أخبره البخاری)

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روز عید فطر از خانه برون نمی رفت . مگر بعد
از اینکه چند دانه خرما تناول می فرمود . و در روایتی آن چند دانه تاک یعنی سه دانه
یا پنج دانه یا هفت دانه مثلاً می خورده اند . اما در عید قربان قبل از نماز چیزی نمی خورده اند .

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ ! لَا يَخْرُجُ يَوْمَ الْفِطْرِ حَتَّى يُطْعَمَ
وَلَا يُطْعَمُ يَوْمَ الْآضِحَى حَتَّى يُصَلِّيَ ۴۳ . (رواه احمد و الترمذی و صحیحه ابن حبان)

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روز عید فطر چیزی نمی خورد و اگر به نماز میرفت .
و در روز عید قربان اول به نماز میرفت و بعد که بر میگشت چیزی نمی خورد .

وَكَانَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ ! إِذَا كَانَ يَوْمَ الْعِيدِ خَالَفَ الطَّرِيقَ ۴۴ .

(أخبره البخاری) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز عید رفتن به نماز از راهی و برگشتن از راهی
دیگر قرار میداد تا در هر دو راه اگر کودکان را ببیند آنان را بنوازد .

لَاوَكَانَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ لَا يَصَلِّي قَبْلَ الْعِيدِ شَيْئًا فَإِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ

صَلَّى رَكَعَتَيْنِ ۴۵ . أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم موقعیکه به مصلى می آمد قبل از نماز عید
نماز سنت نمی خواند . و موقعیکه به خانه بر میگشت دو رکعت نماز می خواند .

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (صَلَّى

يَوْمَ الْعِيدِ رَكَعَتَيْنِ لَمْ يُصَلِّ قَبْلَهُمَا وَلَا بَعْدَهُمَا ، (أُضْرَجُهُ السَّبْعَةَ)
 رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم در مصلى نه قبل از نماز عید نماز سنت
 خواند و نه بعد از نماز عید. و معلوم است که موقع برگشتن بخانه دو رکعت نماز سنت
 خوانده اند. « وَقَالَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: التَّكْبِيرُ فِي
 الْفِطْرِ سَبْعُ مَرَّاتٍ فِي الْأُولَى وَخَمْسٌ فِي الْأُخْرَى وَالْقِرَاءَةُ بَعْدَهُمَا كَلِمَتَانِ »
 او کما قال علیه الصلاة والسلام (أُضْرَجُهُ ابوداود و الترمذی نقل عن البخاری تصحیح)

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: در نماز عید فطر هفت تکبیر است
 در رکعت اولی. و پنج تکبیر است در رکعت دومی و میان هر دو تکبیر مستحب
 است.

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» گفتن.

وَعَنْ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْعِيدِ مَا شَاءَ
 عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَقَوْلِهِ: از سنت پنجم است پیاده به مسجد رفتن. اگر
 تکبیرهای هفتگانه در رکعت اولی فراموش شد رجوع بسوی آن نمیخواهد و سجود
 سهوندارد. اگر تکبیرهای پنجگانه در رکعت دومی فراموش شد رجوع بسوی آن
 نمیخواهد و سجود سهوندارد. موقع این تکبیرها بعد از خواندن و جهت در رکعت اولی و
 قبل از گفتن اعوذ بالله است. در هر دو رکعت اگر شروع نمود به اعوذ بالله خواندن
 فاتحه موقع تکبیرها فوت شده است.

وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَقْرَأُ فِي الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى « قَدْ
 وَالْقُرْآنَ الْمَجِيدَ وَاقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ » . (أُضْرَجُهُ مُسَلِّمًا)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در نماز عید فطر و نماز عید قربان در رکعت اولی
سورہ ق - و در رکعت دومی سورہ اقتربت الساعۃ میخوانند. هر گاه این دو سورہ
خوانده شود و یا دو سورہ سبح اسم ربک الاعلی در رکعت اولی و سورہ هل اتاک
حدیث الغاشیہ در رکعت دوم هم بجاست. بعد از نماز عید فطر تکبیر سنت
نیست.

وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يُعَلِّمُهُمْ إِذَا خَرَجُوا إِلَى الْمَقَابِرِ
أَنْ يَقُولَ قَائِلُهُمْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا
إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَآحِقُونَ أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلِكُمْ الْعَافِيَةَ (رواه مسلم)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم به یاران می آموخت که هر گاه به زیارت مقابر
روند بگویند سلام خدا باد بر شما. ای کسانی که در این مقابر آرمیده اید از مؤمنان
و مسلمانان. و ما اگر خدا بخواهد محققا بشما میرسیم. از خدای خواهم برای ما و برای شما دوری
از بلاها و سختها.

سنت شدن زیارت مقابر برای این است که از زندگان نفعی به مردگان
برسد. فاتحه ای بخوانند دعای خیری نمایند و برای زندگان هم درس عبرتی باشد که
قدر زندگی را بدانند. عمر گرانها را بیهوده تلف نه کنند. زیرا هر لحظه عمر بیش از دنیا
ارزش دارد.

اکنون ماه مبارک رمضان نزدیک به اتمام است خوشحال بحال مردمی که
مقدم این ماه را گرامی داشتند. روزۀ خود را بدرستی گرفتند زبان خود را در تلاوت
کلام اللہ و یاد خدا و استغفار و درود بر پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بجا گرفتند.

و از اعمال خیر و تشریک مساعی در راه خیر و صلّه ارحام و احسان به فروماندگان و
ایتمام تا آنجا که مقدورشان بود انجام دادند. تا روزی که این ماه مبارک پایان می پذیرد
گواهی صادق بر اعمال خیرشان باشد.

خُدایا ماه مبارک رمضان برای ما ماه انجام طاعت و عمل خیر قرار ده تا روز
عید با خوشوقتی قبول طاعت روز سور و سرور ما باشد.

خُدایا تو را هر شب آزاد شدگانی از آتش است ما را از آتش آزاد ساز
و دار کرامت و خانه آسایش و سرای جاویدان را جای ما قرار ده.

پرووردگارا طاعت وقتی برای ما فراهم باشد که توفیق تو همراه ما باشد
ما را از نعمت توفیق موید فرما و توفیق طاعتت را همراه حسن خاتمه قرار ده تا در دنیا
سعادت مند و مسرور و در آخرت نیک بخت و مقبول درگاهت باشیم.

افریدگارا سروران اولی الامر ما را توفیق فرما تا مهران خیر و سعادت
باشند و بزرگان دین را توفیق ده تا راهنمایان رستگاری باشند و عموم مسلمین را توفیق
ده تا همه از فرمانبریت در دو جهان شاد کام باشند.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۷۱۴. کسیکه از برادرِ مسلمانش دفاع کند

نگذارد حق او پایمال شود

خدا پشیمان اوست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ..

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (المؤمنون - ۳)

خدای متعال مومنان را ستود که از گفتارِ بی‌هوده روگردان شوند. دین
بین اسلام دستور داده است که شخص مسلمان از شنیدن دروغ و غیبت و
خبر چینی روگردان شود. و هرگاه بشنود که نسبت به یکی از برادرانش غیبت و
یا خبر چینی میشود غیبت کننده را از غیبت منع نماید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ رَدَّ
اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۲ (رواه الترمذی وقال حدیث حسن)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: کسیکه دفاع از شرف برادرش نمود و نگذاشت کسی پشت سر او از او بد بگوید خدای تعالی آتش را از روی او دور روز قیامت منع فرماید.

پشت سر دیگری سخن گفتن در شریعت حرام است مگر در صورتیکه دارای یکی از اسباب ششگانه باشد.

یکم تظلم — که مظلوم از ظالم خود نزد قاضی و یا دیگری تظلم مینماید تا حق او احقاقک گردد که درست است گفتن اینکه فلان بمن ظلم کرده است تا قاضی و یا دیگری ظلم را از او مرفع سازد.

دوم برگرداندن بدکار براه راست که به حاکم گوید فلان بد رفتار است تا جلو بد رفتاری او گرفته شود.

سوم طلب فتوی که زنی و یا مردی از شوی و یا همسری خود نزد بزرگی شکایت برند و یا طلب فتوی کنند که درست گفتن اینکه همسر نامشروع است آیا حق نفقه دارد و در این حال هم ادب این است که نامی از کسی برده نشود. و گفته شود: اگر زنی نافرمانی شوهر نمود آیا چه حقی دارد؟ یا زنی پرسد اگر مردی نفقه به همسر باید چه کار کند؟

چهارم نصیحت مسیلمین و پرهیز دادن نشان که اگر کسی از برادرش پرسید آیا دختر بنجاح فلان بیاورم یا نه. یا با او معامله بنمایم یا نه. یا میخواهم با فلان شریک شوم آیا صلاح است که در اینگونه مسائل بحکم نصیحت دینی ضرورت دارد حال آن شخص را باز گفتن.

پنجم کسیکه در فسق و فجور خود شرم و حیائی ندارد و فسق خود را آشکار
 مینماید. باز گفتن عملی که دار و غیبت نیست اما عملی که ندارد نسبت به او دادن
 جایز نیست.

ششم آنچه در معرفی اشخاص باشد، مثلاً کسیکه معروف است به
 کر که گفته شود فلانی که کراست. یا لال است. هر گاه به این صفت معروف
 باشد و بدون آن شناخته نشود اما اگر بدون آن صفت شناخته شود نیارود
 آن صفت بتر است. و این در صورتی است که قصد عیب جوئی نداشته باشد
 زیرا عیب جوئی مسلمان حرام است.

مردی اجازه خواست تا به حضور رسول الله آید. «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ: إِذْ نَوَّالِدُ بَيْتِ إِخْوَانِ الْعَشِيرَةِ»
 او کما قال علیه الصلاة والسلام

اجازه بدصدید به او بیاید چه بد مردی است او. زیرا تا مبرده اهل فساد
 و نادارستی بود. و دو نفر از منافقان نسبت به رسول الله اذیت میکردند. و فرمان
 رسول الله را پیروی نمی کردند و با مردم خوب نبودند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در باره شان فرمود: «مَا أَظُنُّ فُلَانًا

فُلَانًا لِيَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنَافِقِينَ يَعْرِفَانِ مِنِّي دِينِنَا شَيْئًا»
 او کما قال ﷺ

فرمود در باره آن دو منافق که گمان نمیکنم از دین ما چیزی دانسته
 باشند.

زنی بخدمت رسول الله آمد و عرض کرد فلان فلان مرا خواستگاری

کرده اند. رسول الله در باره یکی از آن دو فرمود که فقیر است و چیزی ندارد.

و در باره دیگری فرمود که عها از دوش او منی افتد یعنی زنان را زیاد میزند. زن اسامه بشو
 لفظ حدیث (قلت انك ابا الجهم ومعاوية خطباني فقال رسول الله صلى الله عليه وآله
 وسلم اما معاوية فصعلوك لا مال له واما ابو الجهم فلا يضع العصا عن عاتقه
 انكحي اسامة ع) متفق عليه

معاویه فقیر است مالی ندارد که نفقه ات بدهد. ابو جهم بسیار بزنی میزند.
 زن اسامه بشو. اسامه دست پرورده پیغمبر و پسر آزاد شده او است.

زنی بخد مت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت یا رسول الله شوهر
 من مردی نجس است و آنچه کفایت من و فرزندانم بکنند نسیدهد مگر آنچه بدون اطلاع
 او بگیرم.

(قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خذني ما يكفيك وكذلك بالمعروف ع)

أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود بگیر از مال شوهرت آنچه کفایت تو و فرزندان
 باشد بخوبی یعنی بدون اینکه در صد و تلف کردن مال شوهر برائی و یا اینکه برای خود
 جمع نمائی.

(لا وعن ابن عباس رضي الله عنهما ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَرَّ بِقَبْرَيْنِ فَقَالَ إِنَّهُمَا
 يُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ بَلَى إِنَّهُ كَبِيرٌ أَمَا أَحَدُهُمَا فَكَانَ يَمِشُّ بِاللَّيْمَةِ وَ أَمَا
 الْآخَرُ فَكَانَ لَا يَسْتَبْرِئُ مِنْ بَوْلِهِ ع) متفق عليه.

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از دو قبر که در راه بودند عبور فرمود ایستاد و
 فرمود که صاحبان این دو قبر در عذاب هستند. سبب عذاب این دو کار بسیار سنگینی

نبوده است بعد فرمود اما عقوبت آن دو کار سنگین است.

یکی از آن دو همیشه خبرچینی میکرد و

دومی از بول احتیاط نمیکرد.

اولی را خبرچینی اش بباد داد. و دومی را بی احتیاطی در نجاسات مایه بدش
گروید. برای احتیاط از خبرچینی - خودداری از نقل اقوال دیگران لازم است.

قال الله تعالى ﴿وَلَا تَقْرَأُوا عَلَىٰ آلِهِمْ وَالْعَدَاوَاتِ﴾

همدیگر را در گنه کاری و تعدی کوکام نکنید زیرا خبرچین و شنونده آن
در گنه کاری و تعدی همدیگر را کوکام می کنند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ﴿لَا يَبْلَغُنِي أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِي عَنْ أَحَدٍ شَيْئًا

فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَخْرَجَ إِلَيْكُمْ وَأَنَا سَلِيمٌ الصَّدْرِ﴾ أو كما قال عليه الصلاة والسلام ...

هیچک از یاران من نباید از دیگری خبری بمن برساند که مایه نگرانی
از او گردد. زیرا من دوست میدارم وقتی که بیرون می آیم بسوی شما سینه ام
نسبت به همه تان سلامت باشد.

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده در غیبت یکدیگر و خبرچینی همدیگر
را مسرود کرد و هر فرد باید این حکمت را نسبت به بستگان و دوستان و آشنایان
رعایت نماید و حاضر نشود نسبت به یکدیگر بد می بشنود. تا همیشه نسبت به همه
مهربان و غم خوار و خیر خواه باشند.

لا اذ قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وَلَعَنُ الْمُؤْمِنِ كَقَتْلِهِ﴾ (متفق علیه)

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود لعنت کردن به مؤمن و بدگفتن و

نفرین به او حکم قتل او را دارد - در گناه برابر قتل او است زیرا بابد گوئی پشت سر استخاص -
 شخصیت آنها پایمال می شود - بدینی به آنها پیش می آید - اعتماد از آنها سلب می گردد -
 و در نتیجه چنان است که به قتل او اقدام شده باشد.

ابن بزره رضی الله عنه گوید در موقعیکه زنی بر شتری سوار بود و بر آن شتر بار
 بعضی از مردم بود آن زن پنجه بر او دید و راه کوه تنگ بود آن زن برای اینکه شترش
 به جلو نرود شتر را لعنت کرد -

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «لَا تَضْحَكُوا بِمَا بَدَأَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ»
 شتری که بر او نفرین شده است نباید باها باشد - شخص مسلمان باید همیشه
 زبانش پاک و بیاورد خدا باشد - دینش از کینه و بدخواهی پاک باشد - و گمان او
 درباره همه مردم گمان خوب باشد -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «إِذَا قَالَ الرَّجُلُ هَذَا النَّاسُ
 فَهُوَ أَهْلُ كُفْرِهِمْ» . أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسیکه گفت مردم هلاک شدند خودش از
 همه مردم هلاک تر است -

بعضی از علماء در معنی این حدیث گفته اند هر کس بقصد خود پسندی بگوید - مردم
 هلاک شوند و قصدش این باشد که خودش از همه بهتر است - او از همه هلاک تر خواهد بود -
 اما اگر کسی از جنت افسوس خوردن که چرا در دین خود به سستی گراییده و مخالفت می کنند
 بگویند از این باب نیست -

اکنون ماه مبارک رمضان نزدیک به اتمام است - آنانی که قدر این ماه را

دانستند. و وقت خود را غنیمت شمردند. این ماه گواهی صادق بر کارهای شایسته آنها است و آنانیکه اطاعت شکم و هواپرستی مانع از آن شد که خدا را طاعت کنند. این ماه گواهی صادق است بر بدبختی شان. عمر همه این چنین میگذرد. و در پایان کار عمر برای هر دو صنف گذشته است از گذشته لذتی باقی نمانده است. اما آنانیکه در پایان عمر به گذشته خودی نگزند کارهای شایسته، نام نیک، محبت خلق، رضای خالق می یابند. چنین مردمی هیچ گمانی میسازند و از عمر گذشته خود نگران نمیشوند. زیرا اثره اعمال خود بحشمت می بینند. و ایمان شان برای شان چراغی پرتوان فگن است و همانطور که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود قبل از اینکه از این جهان بروند. جای خود را از آن جهان می بینند. خوبی آنها بعدشان به نفع فرزندان و بستگانشان هم خود بود.

اما آنها که در پایان عمر به گذشته خودی نگزند و بجز تباهی و فساد و وسیه کاری چیز دیگری نمی بینند همه عمر بر باد رفته برای شان حسرتی وصف ناپذیری شود. کارهای بد، بدنامی، خشم خدا، نفرت مردم همه برای شان جمع شده و قبل از رسیدن به سرای دیگر، دوزخی در اطراف خود مشاهده می کنند.

خوشحال مردمی که در این زندگی جزینگی نکارند. و جز خیر و خوبی نمیدیشند. گفتار و کردار و فکر خود را براه صواب آورند. و دل و زبان و اندیشه همه در راه رضای خدا بکار برند.

پیکر و درد گارا در این ماه هر کدام از ما گنه گار باشد او را پنجشای و هر کدام از ما بیمار باشد او را بیسوی عطا فرمای و هر یک از ما بدصحر گار باشد وفای بدی او بیشتر فرمای و هر کدام محروم بوده رحمت نصیبش فرمای و هر یک از

ماید کار باشد او را به نکوکاری هدایت فرمای خوب ما را وسیله بخشایش بدان
ما قرار ده. و همه ما بخشیده شدگان آمرزشت قرار ده تا فرجام نیک در این و
در هر ماه شامل حال همه ما باشد و پایان زندگی همگی بر حصول رضا و قبول درگاه تو
باشد.

بِسْمِ اللَّهِ كَمَا هُمْ هِمَّةٌ أَمِيدُ عَطَايَ جَمَانٍ دَارِنْدُ وَمَا بِهِ أَمِيدُ رَحْمَتِ
دست بدعا بر افراشته ایم. عادت تو نبوده است که امیدواران را تویی دست
برگردانی.

افزید گارا سروران اولی الامر ما را معونت فرما تا در اجرا حق و عدالت
موفق باشند و بزرگان دین و عموم مسلمین بر رحمت دلت و کن تا همه سپاسگوی
ذات پر عظمت باشند.

اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى اللَّهُ
تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

۷۵ - یکتاپرستی، اعتماد بر خدا در همه حال

آنچه نوشته آدمی است همان پیش آید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى .

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴾
(آل عمران - ۵)

خدای متعال فرماید

محقق است که خدای تعالی چیزی بر او پنهان نمی ماند نه در زمین و نه در آسمان

خدایی که در همه جا با آدمی است. و هیچ چیز بر او پنهان نمی ماند. شایسته است که شخص
مسلمان همیشه خدا را بخاطر داشته باشد و از فرمان او عدل نکند. خدای متعال آنچه را
که در وجود آن نفی موجود باشد. آن را روا دانست و آنچه را که زیانمند باشد حرام
ساخت. آنچه مقرر داشت همه برای نفع بندگان است و آنچه را که منع فرمود از اینراه
منع فرمود که به زیان بندگان است.

امشب که آخرین شبهای رمضان و یا شب عید فطری باشد و چنانکه
دانستید احیاء شب عید سنت می باشد. احیاء همه شب عید به تلاوت کلام

اللّه صلوات و سلام بر رسول اللّه کردن کارهای خیر می باشد. اگر امکان احیای همه شب عید نباشد. اقلّ ساعتی را در طاعت بگذرانند که از جمله احیاء کنندگان این شب بشمار آید.

عبد اللّه بن عباس رضی اللّه عنّه گوید: روزی پشت سر رسول صلی اللّه علیه و آله و سلم برشته‌ری سوار بودم رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم بمن فرمود:

يَا غلامُ إِنِّي أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ: أَحْفَظْهُ اللهُ يَحْفَظْكَ أَحْفَظْهُ اللهُ تَجِدْهُ تَجَاهَكَ إِذَا سَأَلْتَ فَأَسْأَلَ اللهُ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَأَسْتَعِنُ بِاللَّهِ وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللهُ لَكَ وَإِنْ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ لَا يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللهُ عَلَيْكَ رُفِعَتْ الْأَقْلَامُ وَجَفَّتِ الصُّحُفُ رواه الترمذی وقال حديث حسن

ابن عباس میگوید رسول اللّه فرمود به من: ای جوان چند کلمه به تومی آموزم: خدایانگهدار تا خدا تو را نگهدارد. یعنی فرمانبر خدا باش تا خدا خواهشهای تو را به اجابت رساند.

خدایانگهدار که می یابی خدای تو برویت - یعنی اگر خدایانگهدار هستی و نافرمانی او نمودی - همیشه خدای تو بروی تو است. برای نگهداری تو و انجام خواهشهای تو آماده است. اگر خواهش داری از خدا بخواه و اگر کمک میخواهی از خدا کمک بجوی. برای اینکه هر چیز در دست او است، کسی دیگر توانایی نگهداری خود ندارد. چه رسد به نگهداری دیگران. و یقین بدان که اگر همه ائمتهای روی زمین جمع شوند - تا نفعی به تو رسانند - نتوانند نفعی به تو رسانند. مگر نفعی که خدای متعال برای تو تقدیر کرده است.

کرده باشد. ولیقین بدان که اگر همه اmentهای روی زمین جمع شوند تا ضرری به تو رسانند نتوانند ضرری به تو رسانند. مگر ضرری که خدای متعال برای تو تقدیر کرده باشد. قلمها برداشته شد و نامه هاشک شد. یعنی آنچه تقدیر یوده شده است چیزی در آن زیاد و کم نمیشود.

میخواهی که خدا خلاف تو نکند خلاف خدا نکن.

میخواهی که حاجتهایت را بر آورده سازد همه فرمانهای خدا را اطاعت کن. و در روایت غیر ترمذی:

«لَا تَعْرِفُ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفُكَ فِي الشَّدَّةِ وَاعْلَمْ أَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبِكَ وَمَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَآيَةَ الْفَرَجِ مَعَ الْكُرْبِ وَآيَةَ الْعُسْرِ سِيرًا» (۱) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

در حال خوشی خدا را بشناس تا در حال ناخوشی خدا تو را شناسد. ولیقین بدان که آنچه بر تو رسد ممکن نبود که به تو رسد و آنچه به تو رسید ممکن نبود که تو نرسد ولیقین بدان که پیروزی همراه شکست است و فرج و گشایش کارها همراه سختی است.

و محقق است که همراه عسرت و بینوائی تو انگری می آید. همین یک حدیث اگر شخص بدستی بر آن رفتار کند. دستور العمل نیک بختی دنیا و آخرت است. کسیکه تا این حد ایمانش قوی بود که در همه کار رویش بخدا باشد. و آنچه بخواد از خدا خواهد. آنچه به او رسد از خدا دانست. آنچه برایش فراهم نشد دانست. اراده خدا تعالی نبوده است. فرمانبری خدا نمود و خلاف خدا نکرد. در برابر

خواسته های خود پشتکار و شکیبائی بکار برد.

از سختی نه هراسید. از تنگی دستی نومیانید و در همکاری خدا را در نظر گرفت. و از او مدد و جست و دانست که پیروزی بعد از صبر و گشایش و ظفر بعد از سختی و توانگری بعد از بینوائی می آید. چنین کسی حسد کسی نمی برد با کسی عداوت و دشمنی نمیکند. در کارهای خیر پیشقدمی دارد. و از معاصی روگردان است. آنچه میخواهی از راه آن و با مدد جستن از خدا میجوید. چنین کسی در دنیا سعادتمند و در آخرت نیک بخت. و نزد خالق متعال مقرب و نزد خلق خدا محبوب خواهد بود.

اسلام دین علم و عمل است. مسلمان را به کار و خدمت برای دنیا و آخرت و امیدارد. از آرزوهای تنبلمان که بدون عمل میخواهند مطالب فراهم شود نیکویش مینماید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ بِمَا بَعَدَ الْمَوْتَ.

كَوَالْعَابِجِزِ مَنْ أَتْبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا وَتَمَتَّنِي عَلَى اللَّهِ الْأَمَانِي، ،

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: هموشیار و عاقل کسی است که حساب کار خود نماید. و برای پس از مرگ خود کاری نماید فکر خود را بکار بندد نه تنها برای خود در دنیا بلکه برای دنیای خود و آخرت خود کار کند و نتواند کسی است که بیکاری را پیشه کرد و به امید آرزوهای بی پایه نشست و گمان کرد که تنها آرزو او را نزد خدا مقرب سازد.

عاقل کسی است که برای دنیا و آخرت خود بکوشد و زندگی را غنیمت شمارد. از خشم گرفتن پرهیزد. و وارد شده است در حدیث

أَنَّ رَجُلًا قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي. قَالَ لَا تَغْضَبْ. (أخرجه البخاري)
مردی بجهت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عرض کرد مرا سفارش ده. فرمود
خشمگین مشو. چند بار تکرار خواهش میکرد و رسول میفرمود:

لَا تَغْضَبْ؛ خشم بگیر. شخص عاقل از حسد می پرهیزد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَمُوهُ؟ إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدَ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ
الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ ۴۴ (أخرجه ابوداود)

شمارا پرهیز میدهم از حسد. زیرا حسد حسنت و خوبهای شمارا از بین
ببرد. همانگونه که آتش نیزم را بسوزاند. شخص پوشیار از ظلم و نجل پرهیزد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَمُوهُ؟ اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَ اتَّقُوا الشَّحَّ فَإِنَّهُ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ ۴۵

أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

بترسید از ظلم و شتم زیرا ظلم مایه تاریکیها و بدبختیهاست در روز قیامت
شخص عاقبت اندیش از ریا پرهیزد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنْ أَخُوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ الشَّرْكَ
الْأَصْغَرَ: الرِّيَاءَ ۴۶

أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: ترسناک ترین چیزیکه از آن بر شما
می ترسم شرک کوچک یعنی ریائی باشد. شخص سعادت مند از خصلتهای
نفاق پرهیزد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ
وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُتْمِنَ خَانَ ۴۷ (متفق عليه)

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: نشانه منافق سه چیز است:

۱. دروغگویی

۲. خلاف وعده و

۳. خیانت در امانت

کسیکه طالب نیک نخبی است از ناسزا گفتن و کشمکش با مسلمانان

می پرهیزد-

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم؟ سبابُ المسلم فسوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ (متفق عليه)

ناسزا گفتن به مسلمانان مایه فاسق شدن است و کشمکش کردن و آزر دادن مسلمانان مایه کفر آوردن است. هر شخص سلامت دین و دنیا نخواهد از سخت گیری به زیر دستان پرهیزد-

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: اللهم من وني من أمر أمّتي شيئاً فشقّ

عليهم فاشقّ عليه. (متفق عليه)

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: خدایا کسیکه کاری از کارهای منتم را

گرفت و در آن کار براتم سخت گرفت تو بر او سخت بگیر. کسیکه نخواهد عرض و شرفش محفوظ ماند از غیبت و بهتان بد دیگران زدن پرهیزد-

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَإِنْ لَمْ

يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ يَمَسُّهُ ۝۵۵ او کما قال عليه الصلاة والسلام

اگر در برادرت باشد آنچه را که میگوئی غیبتش کرده ای و اگر آنچه به او

نسبت میدهی در او نباشد افترا و بهتان به او زده ای.

شخص با ایمان سینه خود را از حد و بنفش و بدخواهی حفظ کند تا جای تقوی و ترس خدا باشد.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «التَّقْوَى هَاهُنَا وَيَشِيرُ إِلَيَّ صَدْرِي» أخرجه مسلم

رسول الله فرمود: تقوی و خداشناسی اینجا است و اشاره به سینه اش

فرمود. و معلوم است هرگاه سینه پاک باشد. زبان پاک و عمل پاک تر خواهد بود. شخص مسلمان نسبت به مردگان بد نگوید.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «لَا تَسْبُوا الْأَمْوَاتِ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَيَّ مَا قَدَّمُوا»

رسول الله فرمود: بد به مردگان مگوئید زیرا که رسیده اند به آنچه از پیش فرستاد

اند و معروف است. اگر یاری شطرتوانی شد باز خاطر مباش. اگر مغفرت

و آمرزش گذشتگان بخوتی سنگینی بار آمان مباش. کسیکه خدا اراده خیر به

او داشته باشد او را با حیا رفرماید.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ الْإِيمَانِ» . (متفق عليه)

حیا از ایمان است. و مقصود از حیا خلقی است که انسان را از رذیلتها

باز دارد. و کسیکه خدا در باره اش اراده خیر داشته باشد او را به حلیه خوش خلقی

آراسته دارد.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «مَا مِنْ شَيْءٍ فِي الْمِيزَانِ أَثْقَلُ مِنْ

حُسْنِ الْخَلْقِ» ۴۴ او کما قال عليه الصلاة والسلام

نیست چیزی که در ترازوی حسنات آدمی سنگین تر از خوش خلقی باشد.

خوش خلقی از صفات پیمبران است. و معلوم است که خوش خلقی کسی است که نافرمانی

خدا نکند و اراده خدا به خیر و باره کسی است که در دین خود دانا باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ ۝

کسیکه خدا به او اراده خیر دارد او را دانا در دین میسازد.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى « وَتَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ »

ای مومنان! همگی رجوع بدرگاه خدا نمائید تا راستگاران گردید. (النور- ۳۱)

ای آنانیکه در این ماه مبارک همه خیر و طاعت و خوبی از شما صادر شد.

رجوع بدرگاه خدا تعالی کنید که طاعت تان بجزایه قبول آراسته دارد و درآینده

با توفیق و کامیابی بیشتر همراه تان فرماید. و ای آنانیکه در این ماه مبارک از غفلت

زدگی و نادانی از حقوق این ماه برون نیامدید. رجوع بدرگاه خدا کنید تا خدا شمارا

درآینده توفیق دهد تا بتوانید خود را اصلاح کنید. و در طاعت حق تعالی بکوشید.

لَسْتَ تَغْفِرُ اللَّهُ بَاطِنًا وَظَاهِرًا أَهْتَابًا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۝

خدا ایایا پایان کارهای ماهم بر رضا و خوشنودیت قرار ده تا در فرجام

کار تو خوش شود باشی و ما راستگار.

'افزیدگارا امید ما بر رحمت تو است از رحمت ما در دنیا و آخرت در طاعت

موفق بدار.

بمورد گارا اولی الامر را در راه اجرا حق و عدالت موفق بدار و بزرگان دین و

عموم مسلمین را توفیق ده تا از حسن عاقبت در کارها و شادمانی در دنیا و آخرت و نیکبختی

نیک فرجامی بهره ور گردند. وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ سَبَّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

۷۶- قصد از خطبه ارشاد و راه‌نمایی است و نتیجه آن اخلاص برای پروردگار متعال است

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ آيَاتِهِ الْمُتَوَافِرَةِ وَاشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْمُنْعَمُ بِالنِّعَمِ الْمُتَظَاهِرَةِ وَاشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا
رَسُولَ اللَّهِ الْمُبَشِّرُ مَنْ أَطَاعَهُ بِسَعَادَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ مَا أَخْلَصَ
لِلَّهِ الْمُخْلِصُونَ وَمَا حَصَلَ مِنْ تَحَرُّكِ أَوْ سُكُونٍ .

قصد اساسی از خطبه ارشاد و عباد و راه‌نمایی است اولین موضوعی که سر آغاز
مطالب کتابی آسمانی است اصلاح نیت و اخلاص عبادت برای پروردگار
جهانیان است .

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي
الْأَرْضِ وَلَا فِسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ (الفصل - ۸۳)

آنست سرای جاویدان اخروی (اختصاص به مردمی دارد که نیت خیر و اخلاص
دارند) و قصد برتری و تکبر و یافساد در زمین در دل نیاورند و عاقبت خیر بهره

پرهیزگاران است -

روى البخارى وسلم: عن ائمة المؤمنين اى حفص عمر بن اسخطاب رضى الله عنه:

« قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصَيِّبُهَا أَوْ لِامْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ »

در بیان تفسیر آن حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله و صحبه وسلم روشن گردید

است که صحت و درستی کردارها و بطلان و نادرستی رفتارها همه از نوا یا مقاصد قلبی اشخاص بر چشمه میگیرد و هر قدر دلی خوش نیت تر و به نور ایمان روشن تر باشد اعمال به همان اندازه شایسته تر و خوبتر خواهد بود و هر اندازه که دلی بد قصد تر و به ظلمات یداندیشی تیره تر به همان حساب اعمال ناشایسته تر و بدتر خواهد بود -

آنانیکه در صد دستند در درگاه خدای تعالی مقامی بیابند باید مقاصد دلی خود را اصلاح کنند و آنانیکه میخواهند از کردار پسندیده و جاوید ماندن نام نیک خود بهره ور گردند باید نیتیه های خود را بر پایه خیر اندیشی استوار گردانند و افرادی که میخواهند سعادت دوجهان بیابند باید نیتیه قلبی خود را اصلاح کنند -

و کسانیکه به آخرت ایمان دارند و میخواهند به عاقبت خیر از جهان بروند باید صلاح دل خود را بدست آورند هر کسی به حساب نیتیه و قصد خود ثواب و عقاب دارد -

آنانیکه از هجرت و اعمال خود رضای خدا و پیغمبرش را منظور میدارند تنها خدا تعالی و پیغمبرش میدانند که چه ثوابی دارد و آنانیکه هجرت و اعمال شان برای

دنیای و زمان دنیا باشد و چون همی آنان همین بس که پاداش نیتشان همان خواسته کومه نظران
آنهاست و چه ب که از دنیا و زمان تمتعی ناگرفته راه آخرت در پیش گیرند و آنگاه است که
میدانند تا چه حد نقد عمر را بیا داده اند.

برای ترجمه مقاصد بدل و نشان آشکار است آنچه بر زبان میاید و آنچه بر
صورت آدمی نمایان میگردد.

روى البخارى ومسلم عن النعمان بن بشير رضى الله عنهما قال : سمعت رسول الله

صلى الله عليه وآله وسلم يقول : لا إله إلا الله في الجسد مضمقة إذا صلحت صلح

الجسد كله وإذا فسدت فسد الجسد كله ألا وهي القلب او كما قال

درین بیان معجز نشان نبوی مقرر گردیده است که صلاح و فساد تمام بدن
آدمی و پاکی و ناپاکی همه رفتار آدمی در صلاح و پاکی و یا فساد و ناپاکی قلب آدمی نهفته
است.

آنانیکه میخواهند خود را بصلاح آزند و از ضمیری آسوده و علمی شایسته و زندگی
سعادت مندانه و کامیابی و کامرانی بهره مند شوند از دل خود مراقبت میکنند شب
و قتی که به بستر خواب میروند در دل شان کینه و غش نسبت به هیچ مسلمانی نیست و باندا که
از خواب برخیزند سپاس و طاعت خدا را بجا آورند و یقین می دانند که شکر نعمت از
قدرت آدمی بیرون است و این رحمت خداست تعالی هست که به اندک سپاسی از بندگان
خوشنود میگردد و در آغاز روز برنامه کار خود را در خیر اندیشی میخوانند و در بین خانواده
و خارج از خانه طاعت خدا و خدمت بخلق را میجویند و همانگونه که در جهان پهنادر
همه کائنات بفرمان حق در گردشند آدمی هم از کائنات دگر عقب نماند و بقول

سعدی علیه الرحمة :

آبر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
تا توانی بکف آری و به غفلت نخوری
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

اگر این را باور دارید تقسیم بگیرید که دست از غفلت بردارید و قلب خود را
به طاعت حق تعالی آراسته دارید که التقوی همنا - پرهنر گاری در دل است و سعادت
و شقاوت در قصدها و نیتهای دل است و سعادت من کسیکه پرده غفلت از جلو
دیده برداشت و تخم نیکی کاشت و در راه خیر گام برداشت .

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدِّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۷۷- مال و زندگی نباید مایه غفلت از

یاد خدا باشد مهر و رحمت خدا را از یاد مبر-

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى .

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾

[النساء ۳]

خدای متعال فرماید:

محققاً نماز بر مردم با ایمان فرضی وقت دار است که نمیتوان آن را از وقت
خودش بتأخیر انداخت.

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ

عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (المنافقون- ۹)

خدای متعال فرمود:

ای مردم میکه ایمان آورده اید نباید مالها و نباید فرزندان تان - شمار از نمازهای
پنجگانه باز دارد و کسیکه چنین نماید و مال سبب غفلت او از نماز فرض گردد - و یا فرزند
مایه غفلت او از نمازهای فرض گردد - آن کسان که از نماز بوسیله مال و یا فرزند غفلت
می افتند همان کسان هستند که زیان کارانند

چهره زیبای بالاتراز این میتواند باشد که کسی چهل و نادمیش بر این پایه باشد که نماز فرض که وسیله دوستی با خدای متعال است از دست بدهد. بخاطر مال دنیا که همراهی آن تنها تا صندوق میباشد. و یا به خاطر فرزندی و بستگانی که همراهی شان فقط تالاب گور است و نماز که باعث رضای پروردگار و روشنائی قبر و نیک ختی زندگی کامیابی در دنیا است از دست میدهند.

رَوَى مُسْلِمٌ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَأَلَّهُ وَسَلَّمَ: مَثَلُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ عَذِبٍ عَلَى بَابٍ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا يُبْقِي ذَلِكَ مِنَ الدَّنَسِ، أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

مثال نمازهای پنجگانه در پاکیزه ساختن نمازگذار و رد شدن ساختن ضمیر او همانند جوی آب روان و شیرین است که بر درخانه یکی از شما باشد و روزی پنج بار در آن بدن بشوید.

آیا سیکه روز و شبی پنج بار در آب شیرین و روان بدن بشوید چرکی بر بدن او میماند سیکه روزی پنج بار نماز فرض را به جامی آورد و در حال سجود و سفره دل خود را جلوه خدای خود میگشاید و از خدای تو انانده میگردد و در دنیا و آخرت با او راسر بلند و کامیاب سازد. چنین کسی بجا گردگرفتی و اندوه صفای وقت او را تیره میسازد. و چگونه تیرگی کینه و حسد آئینه دل او را تاریک میسازد. نمازگذار در نماز به نیروی معنوی و ایمان واقعی میرسد. این است که هیچگاه بار ذلت بدوش نخواهد کشید. و هیچوقت سرباز اجتماع نخواهد شد و گرد زشتیها نخواهد گشت. اگر شما نخواهید فرزندان تان مردان در سگارد و رباره خود تان بفرمان و نگو کار و برای اجتماع مردانی با ایمان و سر بلند باشند. آنان را به

نماز و ادا کنید. ولی نماز موقعی نماز است که انسان در حال نماز رومی را بسوی خدا آورد و حضور
را کامل بسازد و در نماز خود باتنی پاکیزه و ولی حاضر و اعضائی با خشوع در برابر خدا ایستد.
بهترین نمونه نماز:

نمازی است که حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم میخوانده اند و به امت
خود هم همان گونه نماز را دستور داده اند.

قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ و صحبه وسلم: صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصَلِّي
نماز بخوانید آنچنان که دیدید من نماز میخوانم.

وروی سلم فی صحیحہ عن امیر المؤمنین عثمان رضی اللہ عنہ قال: قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ
وآلہ وسلم: «مَا مِنْ أَمْرٍ مُسْلِمٍ يَحْضُرُهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وَضُوءَهَا
وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَأْتِ كَبِيرَةً
وَذَلِكَ الذَّهْرُ كُلُّهُ»
او كما قال عليه الصلاة والسلام

هر شخص مسلمانی که در وقت نماز فرض ثلوب زد و وضوی خود را و به نماز ایستد و بخوبی
انجام دهد نماز را خشوع و خضوع را بکار آورد و نیاز مندی خود را در برابر خدای متعال آشکار
سازد نماز او کفاره گناهان او گردد. مادامیکه گناه کبیره ننماید. و این کفاره شدن نماز
برای گناهان او همیشه است. و روى الابام احمد عن ابى ذر رضى الله عنه: ان النبي صلى

الله عليه وآله وسلم خرج زمن الشتاء والورق يتهافت فأخذ بغصبتين
من شجرة قال فجعل ذلك يتهافت قال فقال يا أباذر فقلت لبيلك يا رسول
الله فقال إن العبد المسلم ليصلي الصلاة يريد بها وجه الله تتهافت
عنه ذنوبه كما تتهافت هذا الورق عن تلك الشجرة ﴿
او كما قال عليه الصلاة والسلام

ابو ذر گوید حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در موقع زمستان بیرون آمدند. در موقعی که برگ درختان خشک شده و میرخیخت و دو شاخه از درختی گرفتند (و تکان دادند) برگها شروع به ریختن کردند. حضرت رسول الله رو بمن فرمودند ای ابا ذر گفتیم لبتیک یا رسول الله فرمود در حقیقت شخص مسلمان هرگاه به نماز ایستد و قصدش از نماز خوشنودی خدا تعالی باشد گناهان او چنان ریزد که برگهای این درخت ریختند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (العنکبوت - ۴۵)
 محققا نماز جلوگیری مینماید از زشتیها و منکرات -

نمازی که از زشتی با و ناپسایمانها باز میدارد -

نمازی که کفاره گناهان میگردد.

نمازی که نمازگذار را بدرگاه خدا میرساند تا در نماز باخدای خود راز و نیاز کند -

نمازی که در آن نمازگذار ازخدای توانا برای نیکبختی چاره میجوید -

و نمازی که عبودیت و بندگی انسان را در برابرخدای متعال مدلل میدارد - تا شخصی

موقعی که سربسجود میکند و آنچه میخواهد از خدا بخواهد و آنچه از نااطیبات دارد رفع آن را از

خدا خواهد و در رسیدن به آرزوهای خیر و خوشی ازخدای توانا مدد بگیرد -

چقدر بیچاره اند مردمی که چنین نمازی را ترک گویند و دوستی خود را باخدای خود قطع

نمایند -

چه کسی هست که همیشه پایدار باشد - چه کسی هست که همیشه برای چاره سازی آماده باشد
 چه کسی است که بدی بندگان را بپوشاند و در همه حال مهربان ترین مهربانان باشد غیر ازخدای
 تعالی - مگر این است که پدر هرگاه از فرزند نگران شود فرزند را از نزد خود براند مگر نه این است که

مادر وقت خشم خردی از فرزند بگرداند مگر نه این است که خویش هر گاه ناراضی باشد مانند
 بیگانگان شود. مگر نه این است که برادر از کومک عاجز ماند و به این ترتیب هر فردی ممکن
 است انسان را ترک گویند بجز خدا.

و چه شیرین گفته است سعدی علیه الرحمة:

اگر بر پدر جنگ جوید کسی	پدر بی گمان خشم گیرد بسی
و گر خویش راضی نباشد ز خویش	چو بیگانگانش براندز پیش
و گر بنده چایک نباشد بکار	غزیش ندارد و خداوند کار
و گر بر رفیقان نباشی شفیق	بفرستگ بگیرد از تو رفیق
و گر ترک خدمت کنی لشکری	شود شاه لشکرش از وی بری
ولیکن خداوند بالا و پست	بوصیان در رزق کس نیست

خدای توانا که از همه مهربانتر و از همه فریادرس تر - زندگی بخشد و روزی رساند
 و بادوستیش به نیک بختی رساند - انصاف نیست که شخص مسلمان نماز را که نشانه
 دوستی با خدای متعال است از دست دهد، همین نماز در حقیقت برای دنیای آدمی
 پیش از آخرت اولازم است زیرا گذشت و پایداری در برابرش راند و پیروزی بردشوار میا
 به آدمی می آموزد -

فقد روی عنه عليه الصلاة والسلام : عَنِ الْإِسْلَامِ وَقَوَاعِدُ الدِّينِ ثَلَاثٌ عَلَيْهِنَّ
 أُسِّسَ الْإِسْلَامُ مَنْ تَرَكَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ فَهُوَ بِهَا كَافِرٌ حَلَالُ الدَّمِ - شَهَادَةُ
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالصَّلَاةُ الْمَكْتُوبَةُ وَصَوْمُ رَمَضَانَ (أو كما قال عليه الصلاة والسلام)

دستگیره های اسلام و پایه های دین بین اسلام سه است. بر این سه پایه دین اسلام پایه گذاری گردیده است. کسیکه یکی از این سه را ترک گوید با ترک کردن یکی از این سه کافر خون روا میگردود.

یکم کلمه توحید که اقرار به **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** باشد.

دوم: نماز فرض.

سوم: روزه رمضان.

و روى الامام احمد والترمذى والنسائى وابنا ماجه وحبان و اسحاقم عن بريدة رضى الله عنه عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «العهد الذى بيننا وبينكم الصلاة وامن تركها فقد كفر» او كما قال عليه الصلاة والسلام

حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرماید: پیمانی که میان ما و مردم برای مسلمانان و خدا شناسی بسته شده است نماز است. کسیکه نماز را ترک نمود پیمان را شکسته و کفر آورده است.

و روى مسلم و ابو داود و الترمذى و ابن ماجه باسنادهم عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «الْبَيْنُ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» (الحديث) رساننده شخصی به کفر ترک نماز است. کسیکه نماز نخواند خود را به کفر رسانیده است.

و روى الترمذى: «كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَرُونَ شَيْئًا مِنَ الْأَعْمَالِ تَرَكَهُ كُفْرًا غَيْرَ الصَّلَاةِ» او كما قال عليه الصلاة والسلام اصحاب رسول الله: یاران پیغمبر معتقد بودند که ترک هیچیک از اعمال به کفر نمی رساند مگر ترک نماز که تارك الصلاة کافر است.

وروی البخاری فی تاریخہ: عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: مَنْ لَمْ يُصَلِّ فَهُوَ كَافِرٌ ۝
 کسیکه نماز نخواند کافر است. آنانیکه در نماز خود قصور کرده اند بخود آیند و از روگروانی
 از خدای عزوجل که مایه بختی در دنیا و آخرت است دست بردارند و با چند رکعت نماز فرض که
 نیک بختی در دنیا و آخرت در آن است خدای خود را خوشنود سازند که بیچ عبادتی مانند ادا نماز
 فرض بوقت آن نخواهد بود.

فَعَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعْجِيلُ الصَّلَاةِ لِأَوَّلِ وَقْتِهَا ۝

محبوب ترین کارها نزد خدای عزوجل شتابیدن است بسوی نماز که نماز در اول
 وقت انجام گیرد. خدای متعال همگی را توفیق دهد تا از نماز گذاران واقعی باشیم.

نُحَدِّثُكُمْ لِمَا دَرَجَتْهُ قَدْرَتُ تَوَاسُتِ دِلْمَايَ مَا رَابِرْدِيْنَ خُوْدِيَا پَايَا رِبَارِ - پُرُورِ دِگَارِ اِبَا
 توفیق ده تا نماز را برابر رضای تو بجا آوریم.

اَفْرِيدِ گَارَا اَز زَبَانِ نِيْمِيْتِ بَار سِيْدِه اَسْتِ كِه نَمَازِ گِذَارَانِ جِسْنِ خَاتْمِه اَز جِهَانِ
 میروند. و عنایتی عطا فرماتا بر نماز خود مواظب شویم. و با حسن خاتمه و نیک نامی از جهان
 برویم.

بَارِ اللّٰهَا اَنَّا نَسْخَرُ رَا بَه كَلِمَةً تُوْحِيْدُ نُوْمِدِه اِيْمِ مَعُوْنِي فَرَمَاتَا پَايَا نِ سَخْنِ مَا اَز دُنْيَا كَلِمَةً تُوْحِيْدِ
 لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بَاشِدْ.

پَرُوْرِدِ گَارَا مَا اَز دُوَسْتَمَانِ خُوْدِ بَر شَمَارِ و دِلْمَايَ مَا رَا بِنُوْرِ مَحَبَّتِ
 روشن فرما.

نُحَدِّثُكُمْ لِمَا دَرَجَتْهُ قَدْرَتُ تَوَاسُتِ دِلْمَايَ مَا رَابِرْدِيْنَ خُوْدِيَا پَايَا رِبَارِ - پُرُورِ دِگَارِ اِبَا
 با هم متحد باشیم.

خُدایا سروران اولی الامر مارا مدکار شو تا همیشه مجری حق و عدالت
باشند.

افزیدگارا تا آفتاب و ماه در گردش است درود و سلام بشمار
به روان حضرت محمد مصطفی و آل و اصحاب و اتباع او نشانما.

وَصَلِّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبِّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۷۸- لُقْمَةُ حَلَالٌ بِأَيِّ قَبُولِ أَعْمَالٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَالصَّالِحِينَ. وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿إِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ حَسِيبًا﴾ (الإسراء: ۱۰)

از خودت ابتدا کن که کفایت است در حساب گیری بر خودت وجود خودت
در هر کار از خودت ابتدا کن. اگر قصد خیر داشته باشی. بکوش تا اول خودت را بر کار خیر
و اداری نهائی. اگر قصدت جلوگیری از بدی باشد اول خودت را از بدی بازدار. اگر
بخواهی خوبی نهائی اول خوبی خودت مقدم بدار. زیرا هر فردی بپایه خود شخص نمی رسد و اولین
شخصیکه آدمی در برابر خدای متعال از آن پرسیده میشود نفس آدمی و خود شخص است.
اگر فردی برای اصلاح خود کوشش میکرد خود را به کارهای خیر و اداری می نمود و خود را از راههای
شر باز میداشت. اجتماع خوبی اصلاح میشد.

اگر شخص پدر ناصح داشته باشد مسؤل پدر خود نیست. اگر شخص فرزند
ناصح داشته باشد مسؤلیت درباره فرزند بعد از مسؤلیت از خود است اما بهر حال
انسان از طرف خود در هر امر مسؤلیت دارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبَدِ مِنْ بَيْنِ
يَدَيِ اللَّهِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيْمَ أَفْنَاهُ وَعَنْ جَسَدِهِ فِيْمَ أُبْيَلَاهُ
وَعَنْ عَمَلِهِ فِيْمَ عَمِلَ بِهِ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيْمَ أَنْفَقَهُ).

أو كما قال عليه الصلاة والسلام

پای هیچ بنده ای از جلو خدای تعالی از جای خود حرکت نمیکنند تا از چهار چیز
پرسیده شود هر شخص مسؤل عمر خود خواهد بود از او پرسیده میشود که عمر خود را در چه
راهی بسر آورده است. عمر آدمی گیرانقدرترین سرمایه ای است که در اختیارش قرار داده
شده است.

هر لحظه که میگذرد و در زندگی افرادی سعادتمند و نیک بخت هستند که هیچ
لحظه از عمر خود را بیهوده نمیگذرانند و پرسیده میشود که جسد خود را در چه کارهای فرسوده
ساخته است.

آدمی در دنیا آنچه که بدست بیاورد در برابر قسمتی از عمر او است که از دست
میدهد و در برابر قسمتی از نیروی جسمی است که از بین میرود. آیا با اینحال شایسته است که
شخص مسلمان عمر خود را که هیچ قیمتی نمیتوان جبران کرد بیهوده از دست دهد. و هر بنده
پرسیده میشود که دانشی که داشت در چه راهی به آن عمل نمود.

دانش و علم دارای شاخه های گوناگون است. و هر کسی از علم خود مسؤلیت دارد
زیرا هر علمی میتواند در راه خیر بکار انداخت و منفع خود و اجتماع از آن بهره گرفت. و هر
بنده ای پرسیده میشود که مال را از چه راهی بدست آورد و در چه راهی مصرف نمود. مال
از اسباب سعادت اجتماعی است که هر کار خیر را میتوان به آن انجام داد اما در راه خیر مالی
بکار میرود که از راه مشروع بدست آمده باشد و وقتی که مادر بدست آوردن مال احتیاط
نکردیم و از حلال و حرام چشم زدیم همین مال حرام باعث میشود که از طاعت خدای
توانا باز بمانیم همین مال حرام سبب میشود که فرزندان ناخلف پیدا آیند. در اسلام هیچ
چیز مانند خوراک حلال اهمیت ندارد.

حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرماید: **إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ**

الرُّسُلِينَ.

فَقَالَ تَعَالَى «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا» (المؤمنون - ۵۱)
وَقَالَ تَعَالَى «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ»
(ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ
وَمَطْعَةٌ حَرَامٌ وَمَلْبَسَةٌ حَرَامٌ وَعِذِّي بِالْحَرَامِ فَإِنِّي يَسْتَجَابُ لِدَلِكِ)

حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: **خدا ہی تعالیٰ بہ مومنان ہمان دستوری فرمود کہ پیغمبران را بہ آن امر فرمود: بہ پیغمبران امر نمود: بخورید از حلال و بکنید کارہای شایستہ را ویہ مومنان امر فرمود: بخورید از حلال آنچه روزی تان نمودیم تا بتوانید شکر و سپاس خدا تعالیٰ را بجا آورید آنگاہ فرمود کہ ہر گاہ خوراک حلال نباشد دُعایہ اجابت نرسد۔ و فرمود شخصی کہ سفرش طولانی شدہ است۔ رنج سفر و مشقت غربت و گرد آلودہ بودن روی و پراگندہ بودن موی دل اورا متوجہ بسوی خدا ساختہ است۔ دستہا را بالای برد و میگوید پروردگارا۔ پروردگارا اما خوراک او حرام است آشامیدنی او حرام است لباس او حرام است و در حرام بزرگ شدہ است چگونہ دعای چنین کسی بہ اجابت نرسد۔**

واین موضوع محقق است کہ مال ہر گاہ از حلال بدست آید اثر آن در دعای اثر آن در تندرستی۔ و اثر آن در فرزند و اثر آن در توفیق ہر کار ہمی خیر مشاہد و محسوس میگردد و در راضہا و معابر آثاری است کہ از مردم کم مایہ بجا مانده است۔ افرادی کہ از تخم فروشی آب انبار ساختہ اند۔ اشخاصی کہ از مزدہای ناچیز آثار خیر بیا دگار گذاشتہ اند۔

در حالیکه امروز حتی حقوقی که دین اسلام آن را واجب ساخته است هم پرداخت
نمیگردد. در اسلام دو چیز سرمایه بدبختی است.

یکم ترسیدن از خدا.

دوم آرزوهای نامحدود و غفلت از عاقبت -
کسیکه از خدای متعال ترسید غفلت و ناویده گرفتن عاقبت نتیجه محسوس
آن است کسیکه وقت را برای آخرت خود منتقم ندانست و در راههای که بنبغ عموم
است قدم برداشت سرانجام او بدفرجامی و عاقبت نه بخیر است.
خدای متعال عموم آدمیان را به یک موضوع سفارش داد برای اینکه در همین
یک سفارش نیک بختی دنیا و آخرت است.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ
وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ﴾ (النساء - ۱۱۲)

خدای متعال فرماید: و هر آینه به تحقیق که ما سفارش دادیم به مردمی که پیش از شما
بودند و سفارش دادیم بشما که از خدا بترسید. زیرا ترس از خدای تعالی انسان را با ایمان
بار میآورد و ترس از خداست که آدمی را بطاعات و امیدارد و ترس از خدا تعالی است
که شخص را از زشتیها باز میدارد و وقتی که به سیرت بزرگان ادیان توجه شود - همه از منبع ترس
از خدا تعالی سرچشمه میگردد.

پیشوایان بزرگ اسلام که جان و مال را در راه خدا نثار کردند همه از همین باعث
ترس از خدا تعالی به بلندترین مقام رسیدند و ترس از خدای توانا باعث شد که هر لحظه
غیبت شمارند. و همه عمر در راه خیر و در کار خیر گام بردارند. اگر بخوابید که در طاعتها موفق

شودید از همین ترس از خدای متعال ایمان خود را تقویت کنید اگر نخواهید فرزندان نماند و بستگان تان بفرمان و نکوکار باشند آنان را بر ترس از خدای تعالی تربیت کنید تمام ادیان جهان بر این متفق اند که آخرتی است و پس از مرگ بازگشت بدرگاه خدای تعالی و ثواب و عقاب وجود دارد. با ایحال اگر هر فرد در کار خود خدای متعال را بخاطر آورد وضع اجتماعی ما غیر از این خواهد شد. ترس از خدا باعث اخلاص در کار میگردد و مایه غنیمت شمردن وقت میشود. در حدیث است که هر روز صبح که آدمی بیدار میشود همان روز به او میگوید که من خلقی جدید هستم و با غروب آفتاب پایان رسم و بار دیگر بوجود نیایم مرا غنیمت شمار که در زندگی بجز امروز در دسترس نیست.

بسیارند افرادی که به فردا رسیده اند. در همین امروز رضای خدا را بدست آر تا در شب انتهای عمر دارای روزی دشتان باشی زیرا راه نجات در خدا ترسی و غنیمت شمردن عمر است که آدمی زبان خود را به اختیار خود داشته باشد. و مهمترین اسباب ناراحتی خود گناهمان خود بداند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ: «لِعَقْبَةِ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

لَمَّا سَأَلَهُ مَا الْجَنَّةَ: قَالَ أَمَلْتُ عَلَيْكَ لِسَانَكَ وَأَبْكَ عَلَى خَطِيئَتِكَ»

موقعی که عقبه بن عامر عرض کرد یا رسول الله راه نجات چگونه بدست آید فرمود:

مالک زبان خود باش و برگشتکاری خود گریه کن که هیچ چیز مایه گناهکار نمی شود مگر زبانی که در اختیار نباشد و هیچ چیز بالاستحقاق مایه گریستن نیست. مگر گناهکاری و در حقیقت مهمترین نشانه ترس از خدای متعال به اختیار گرفتن زبان است.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِمَعَاذِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لَمَّا سَأَلَهُ: «؟ وَهَلْ نَحْنُ

مُواخِذُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ!؟ تَكَلَّمْتَ أُمَّكَ يَا مَعَاذَ وَهَلْ يَكُتِبُ النَّاسُ عَلَى
وَجُوهِهِمْ أَوْ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ ۚ

۴ او كما قال عليه الصلاة والسلام

موقعیکه حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بہ معاذ فرمود بکوش تا زبانت

از اختیارت برون نرود۔ معاذ با تعجب پرسید: آیا مادر برابر گفتار مان مواخذہ میشود

آیا بر زبان ما هم حساب و بازپرسی و مواخذہ هست!؟ فرمود: مادرت برداشت نبشند ای معاذ

آیا مردم را بدوزخ می اندازد بر روی شان. یا بر بینی های شان. بجز دروشده گفتار شان

همین زبان است که ہر موقع از اختیار برون شد صاحب زبان را بہ آتش میکشد و در حدیث

است کہ ہر روز صبح ہمہ بدن آدمی رو زبان میکندند کہ از خدا تبرس و ما را بہ محنت مینداز

کہ اگر تو مستقیم و راست شدی ما ہمہ شویم۔

خُذْ أَيْدِيَنَا بِاتِّفَاقٍ وَدَعْ أَرْبَابَنَا بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَمَّا كَانَتْ

أُولَى الْأَمْرِ مَارًا بِنِجَاتِنَا مَحْفُوظًا وَمُوَيْدًا فَمَا تَأْتَا لِيَمَّ قُرْآنَ الرَّانِثَارِ

وَسُنَّتِ مَطْرَةَ نَعِيمٍ رَا حَيَا كُنْتَد۔

اِفْرِيدِ كَارَا دَلْمَاي مَارَا زِنْفِضِ وَحَمْدِ دُورِبَارِ وَزَبَانِ مَارَا زِنْعِيْتِ وَدُرُوعِ دُورِبَارِ

وَاعْمَالِ مَارَا زِرْيَارِ وَنُومِ وَمَحْفُوظَاتِنَا۔

خُذْ أَيْدِيَنَا ظَاهِرًا وَبَاطِنًا مَارَا بِهَاتِبَاعِ بَرَكَزِيْدِهْ اسْتِ خَاتِمِ الْاَنْبِيَا رَا رَا سْتِهْ

وَار۔

بِرَّ وَرَدِّ كَارَا هَمَانْ كُونَهْ كِهْ اَعَاذَ مَارَا بِنُورِ اسْلَامِ رُوشَنِ رَا خْتِمِ عَاقِبَتِ

مَارَا بَرَايْمَانِ دَرِخْشَانِ فَرْمَا۔ دَرِ بَرَابَرِ هَمِهْ نَعْمَتَايْتِ سِپَاَسِ تُو كُوْنِيْمِ وَدَرِ هَمِهْ كَارَرِ ضَايِ
تُو جُوْنِيْمِ۔

س

سُبَّارِهَا بَارَانَ رَحْمَتِي نَازِلِ فَمَا كَمْ غَمٍّ أَزْدَلِمَا بَرْدَارِ دَرُودِ وَخَشَاكَ سَالِي رَابِطِ
نَمَیْدِ - وَدَلِمَا رَابِیُ طَاعَتِ یَكْشَانِدِ
اَیُّ چَرِّ خَانَدِ دِلْمَا دَلِمَا یَا رَابِیُ نَخُودِ پَا یَا رِبْدَارِ -

وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِ نَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبَّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۷۹- حج حکمت‌های فراوان دارد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقَلِّ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ أَصْطَفَى
 قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ
 سَبِيلًا﴾ (آل عمران - ۹۷)

و بر مردم واجب است برای خدا به حج خانه او رفتن بر کسیکه توانائی رفتن
 حج داشته باشد کسیکه توانائی رفتن حج را داشته باشد حج بر او فرض خواهد بود -
 توانائی رفتن به حج - بی یافتن مصرف رفتن و بازگشتن زیاده از مصرف بستگان و
 زیاده از پدشما است.

کسیکه بدھکار باشد بدون اجازه طلبکار به سفر رفتن او حرام است
 هرگاه بهمی او موقعش رسیده است و خواهد قبل از پرداخت آن بسفر برود -
 حج مانند نماز و روزه از ارکان دین مبین اسلام است -

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ
 الزَّكَاةِ وَحَجِّ الْبَيْتِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ» (رواه البخاری و مسلم)

پایه گذاری دین اسلام بر پنج رکن است -

۱- گواهی دادن و اعتراف نمودن به اینکه نیست معبودی بحق جز

خدای یکتا و گواهی و اعتراف به اینکه حضرت محمد فرستاده برحق خداست.

۲- برپاداشتن نماز-

۳- دادن زکاة

۴- حج خانه خدا و

۵- روزه رمضان

اسلام که بر این پنج رکن پایه گذاری شده است. برای این است که شخص مسلمان با اعتراف به توحید و یکتا پرستی. تکلیف خود را در زندگی روشن میسازد. فرمان خدا را گردن می نهد. اعتماد خود را بر خدای یکتا قرار میدهد در عبادت خود اخلاص می ورزد. هر کوبک و مومنتی که بخواهد از خدا میخواهد و بهیچگاه بیچاری و گردن کجی برای مخلوقین مثل خود نمی نماید. و شخص مسلمان با اعتراف به پیغمبری حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم در امور دینی خود را بچهار ختیار پیغمبر میگذارد و در مسائلی که مسلم شد فرموده پیغمبر است مخالفت نمی نماید زیرا میدانند اگر کسی بگوید ایمان به پیغمبر دارم آنگاه بعضی از فرموده های پیغمبر را بپذیرد و بعضی از فرمایشات پیغمبر را نپذیرد چنین کسی در حقیقت ایمان ندارد زیرا ایمان داشتن به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و مخالفت نمودن با پیغمبر صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم با هیچ منطقی موافقت ندارد و خصوصاً که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم فرموده است :

دَلَّيْكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِمْ أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

ایمان نمی آورد یکی از شما مگر موقعی که دخواه او تابع قرآن باشد که

من بخاطر آن فرستاده شدم.

شخص مسلمان با اعتراف و گواهی دادن به رسالت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم تکلیف خود را روشن میسازد و پیروی پیغمبر را وجه مهمت خود را قرار می دهد. و با اقامه و برپا داشتن نماز شخص مسلمان مهم ترین دستور دینی را که محکم ساختن ارتباط بندگی در برابر پروردگار متعال است اجراء می نماید در نماز است که شخص مسلمان نیک بختی دنیا و آخرت خود را از خدا می خواهد و به همه صالحان که به حقوق خداوندی و حقوق اجتماعی و فائزده اند درود می فرستد و شخص مسلمان از راه زکات که وسیله استحکام بنیه اجتماع است ارتباط افراد را از طریق مواسات تقویت مینماید و با انجام حج و روزه رمضان دین خود را انجام میدهد

در اعتراف به بیکتائی خدا و رسالت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم دل و زبان شرکت دارند و در نماز اعضا بدن به اظهار بندگی و عبادت سر بسجده میگذرانند و در زکات حقوق مالی است و در روزه ذهن و دامن و دل و زبان از مخالفت و مفطرات دوری میجویند. اما حج هم عبادت مالی است زیرا در این راه مال انفاق میشود هم عبادت بدنی است زیرا تمام بدن در طواف و سعی و توقف عرفات شرکت دارند. دل و زبان کَلْبَتَاک گویان از سر اخلاص رو بدرگاه خدا میآورند حج تنها عبادتی است که بدن و مال در آن شرکت دارند خدای متعال مورد حج مسلمان را خانه قرار داد که اولین عبادتگاه خدا بر روی زمین است این خانه در جای قرار دارد که نه گردشگاههای است که شخص بخاطر گردشش به آنجا رود و از دشت و چمن و باغ بستان در آنجا خبری نیست. بلکه در آنجا مهبوطی است که جبرئیل برای

نیکن سختی بشر بر حضرت محمد مصطفیٰ نازل مینمود در آنجا قبله گاه مسلمان است که در هر نقطه از جهان که باشند باید موقع نماز رو بسوی آن نمایند و در آنجا اجتماع مسلمانان است که برای اعتقاد اسلام یا یکدیگر مشورت نمایند و یا همدیگر همکاری نمایند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وصحبه وسلم: **«لَا يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ فَرَعُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ الْحَجَّ فَحُجُّوا. مَنْ حَجَّ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْذُفْ وَلَمْ يَفْسُقْ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيْتُومٍ وَكَذَلِكَ أُمَّةٌ وَالْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ»**

او کما قال علیه الصلاة والسلام

ای مردم محقق است که خدای متعال حج را بر شما فرض فرمود. پس بر حج بروید و بدانید کسیکه حج را بخاطر خدا بجا آورد. و گرفتار خود را از پیوده حفظ نمود. و گردار خود را از فسق و نادستی حفظ نمود. از گناهان خود برون آید چنانکه در روزی که از مادر زاد. و عمره تا عمره دیگر کفاره میان شان هستند. و حجی که قبول در گاه خدا باشد پاداشی بغیر از بهشت نتواند پاداشش آن گردد.

رووی ابو نعیم عن عبداللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ. **«عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا جَاءَ حَاجًّا يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ فَقَدْ عَفَّرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَشَفَّعَ فِي مَنْ دَعَا لَهُ»**

او کما قال علیه الصلاة والسلام

کسیکه حج نمود و قصد او از حج بدست آوردن رضای خدا تعالی بود. پس محقق بداند که خداوند آمرزیده است گناهای گذشته و آینده او. زیرا حجی که برای خدا باشد از گناه جلوگیری نماید. و شفاعت او در باره کس نیکه برای شان دعا نماید پذیرفته است اما حج باید برای همه بدن باشد.

زبان را به راستی دادارد.

دل را به درستی و ایمان صیقل دهد.

دستها را که به حجر الاسود رسیده اند از گناه بازدارد.

پارا که از سعی میان هفتاد مرده تربیت گرفتند اند از رفتن بسوی معاصی

بازدارد.

رومی الامام احمد عن جابر بن عبد الله رضی اللہ عنہما عن رسول اللہ صلی اللہ

علیہ وسلم: مَنْ قَضَى فُسْكَهٗ وَسَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدَا عِفْرَلَهُ مَا قَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ

وَمَا تَأَخَّرَهُ ۝ اَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

کسیکه حج و عمره خود را به انجام رسانید و مسلمان از دست و زبان او سلا مت شدند. آمرزیده شود و آنان گزشتہ و آئندہ او.

کسانیکه توفیق حج را یافتند. باید قبل از سفر اعمال حج را بپرسند و بخاطر بپارند. و بده خود را بپردازند. اگر در محل بستگان دارند نفقه آنان را تهیه مینند. اگر پدر و یا مادر و یا یکی از خویشان و یا یکی از برادران را آزرده اند. حلال بودی در رضایت آنان بخواهند. در مسافرت برای حفظ صحت و نگهداری تن درستی خود بکوشند. در سفر حج از دروغ و غیبت و مجادله با همراهمان و اوقات تلخی بپرهیزند. و بکوشند که سفر حج شرافتمندانه و آمرزش بار باشد. و در حدیث است که کس مصرفی که نمایند خداوند ضمانت فرموده است.

۱. کسیکه مصرف حج نماید هر مقدار مصرف او باشد جبران آن

با خدا است.

۲. کسیکه برای پاکدامنی خود از دواج نماید مهر فیکه نماید جبران آن با خدا است. و قصد از مصرف نکاح - محض و جھیز عروسی است نه

مصارف بهوده.

۳. و کسیکه برای پیشرفت دین خدا - مصرف نماید جبران آن با خدا است.

اما کسیکه با داشتن توانائی از رفتن حج خودداری نمود و حج ناکرده مرو. نزد بعضی از پیشوایان دین رفتن او نه بر اسلام است.

روی الترمذی و البیهقی عن رضی الشدعه: «مَنْ مَلَكَ زَادَ أَوْرَاحِلَةَ تُبَلِّغُهُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ وَ لَمْ يَحِجَّ فَلَا عَلَيْهِ أَنْ يَمُوتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.» ۴

کسیکه دارائیش بقدر گوشه و سواری که او را بخانه خدا برساند میرسد و به حج زلفت پس برای او تفاوت ندارد. چه یهودی باشد در موقع مردن و چه نصرانی.

هر شخص عاده اشخاصی را بخانه خود دعوت میکند که آنان را دوست میدارد. و خدای توانا افرادی از بندگانش را بسوی خانه خود دعوت میکند و توفیق حج به آنان میدهد که آنان را دوست میدارد. و از اعلام مقبول شدن حج این است که حج کننده بعد از حج بهتر و خوشتر از قبل از رفتن به حج گردد. هر یک از عبادات برای بندگی و رستگاری است. و افرادی میتوانند از عبادات خود بهترین ثواب دریافت دارند. که

زبان را به راستی و عمل را به راستی زیور دهند - و از راستگویی و راستکاری به
رستگاری رسند -

خدا ای ما را از راستی و راستگویی سعادتی نصیب فرما که پایش رستگاری
باشد -

پیکر و دگارا به عقلی ارزانی دار که قیمت واقعی اشیا را دریا بیم و رضای
تو که مایه زندگی پر آسایش و جاودان است بر مخالفت های که نتیجه اش تباهی عمر و
سیه روزی و در ماندگی است ترجیح دهیم -

افزیندگارا دل های ما را بنور ایمان روشن گردان تا مانند دو ستانت بفرمان
تو آیم و زبان ما را به راستی استوار و مستقیم بدار تا از ثنایت نیک بختی دو جهان
بدست آوریم -

پیکر و دگارا به ما توفیق ده تا کردار خود را بر میزان شریعت قرار دهیم و از کردار
های نادر و امارادور بدار تا به کارهای شایسته رضای تو بدست آوریم -

سارا الهما ما را در انجام ارکان دین موفق گردان و اعمال ما را به اخلاص معطر
گردان و به قبول آراسته دار تا دیده دل های ما متوجه درگاه تو گردد و نتیجه گفتار و کردار ما خوشنودی
تو ببار آورد -

خدا ای ما در این جهان از پیروی پیغمبرت ما را دلشاد کن و در روز رستاخیز به مدد کارت

ما را یاد کن و فرجام ما را بر عاقبت خیر قرار ده - و اولی الامر ما را به توفیق طاعتت مؤید بدار و جهان
اسلام را سر بسوز حمایت مصون بدار تا اُمت خیر الانام همه از توفیق و معونتت بسعادت

رسند - و صلی الله وسلم علی سیدنا محمد و آله و صحبه و اجمعین سبحان ربك رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد
للله رب العالمین

۸۰- در زبان می خوارگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَي عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى .

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

خدای متعال میفرماید: ای مردیکه ایمان آورده اید اینست و غیر از این نیست که: شراب و قمار و بتها و چوبهای فال همه پلیدیهای شیطان است از کارهای شیطان که برای نافرمانی خدا به تحریک شیطان انجام میگردد. از آنها دوری جوئید تا رستگار شوید. اجتنبوا امر است از پروردگار به دوری بستن مانند اقیما الصلاة که امر است از پروردگار در بیساختن نماز.

موقعیکه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم به پیغمبری مبعوث شد. درین طوائف شد هیچ ملتی به اندازه عرب اعتیاد به مشروب نداشت. خدای متعال برای پی ریزی تخریم شراب ابتداء آیه ۲۱۹ از سوره البقره:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ (البقرة - ۲۱۹)

که از تومی پرستند در باره مشروب و قمار - بگو در این دو گناه بسیار بزرگ است و منفعتهای برای مردم در آنها گناه و زیان و ضرر آن خیلی بیش از منفعت آن است. بانزول این آیه افراد بصیر و قوی ایمان از لب زدن به مشروب خودداری کردند - زیرا دانستند که هیچ عاقل کاری را که ضررش از نفعش بیشتر است انجام نمیدهد. کدام تاجر حاضر میشود جنسی بخرد که ضرر آن بیش از نفع آن باشد اما چون افرادی هستند که در کارهای خود نفع و ضرر بخاطر نمی آورند - و هر جا اختیار در دست خودشان باشد از کار مفیدی پرهیزند - در آیه ۴۲ از سوره نساء :

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ ﴾ (النساء - ۴۳)

ای مردمیکه ایمان آورده اید نزدیک به نماز مشوید در حال مستی تا اینکه بدانید چه میگویید.

در این آیه استعمال مشروب در موقع نماز تحریم شد و به جمله حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ تا اینکه بدانید چه میگویید خردمندان را متوجه ساخت که هر چیزی که آشامیدن آن مایه از دست رفتن اختیار در گرفتار است - شایسته عاقلان نیست و بانزول این آیه عده ای دیگر از این آلودگی دست کشیدند. و از آشامیدن آنچه مایه محروم شدن از راز و نیاز پروردگارا است دوری جستند. اما باز هم افرادی بودند که شدت عادت فقط در موقع نماز آنان را منع کرد. در این موقع آن قسمت از مسلمانان که به مفهوم قرآن و اشارات

آن بصیرت داشتند - پیوسته روی بدرگاه خدای متعال می‌آوردند و میگفتند:

اللَّهُمَّ بَيْنَ لَنَا فِي الْخَمْرِ بَيِّنَاتٌ شَافِيَةٌ خَدَايَا دَرَبَارَةَ مَشْرُوبٍ يَكْفُرَانِ
 روشنی نازل فرما تا این برای عقل و مایهٔ هلاکِ شخص بیمبارة ریش‌کن گردد - زیرا
 چشم خود میدیدند که چگونه افرادی در حال بدستی - تمام اسرار خود را بازگو میکردند
 و پردهٔ سترو آبرو را از کار خود برمیداشتند - در آن موقع خدای متعال به فریاد
 بندگانش رسید و بانزول آیات ۹۱، ۹۲، ۹۳ از سورهٔ مائده تحریم قطعی و
 مؤبد خمر و مشروبات را اعلام و فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ
 مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ
 أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ
 عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (المائدة - ۹۱)
 ﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا﴾ (المائدة - ۹۲)

ای مردمیکه ایمان آورده اید محقق است که مشروب و قمار و بتها و
 چوبهای فال - همه پلیدیهائی هستند از کارهای شیطانی که شایستهٔ مردم با
 ایمان نیست -

پس درمی‌جوئید از آنها تارنگار شوید - محقق است که شیطان
 میخواهد بوسیلهٔ مشروب و قمار - دشمنی و کینه در میان تان اندازد و شمار از
 یاد خدا محروم سازد - و از نماز باز دارد - پس آیا خودداری میکنید یا اینکه می‌خواهید
 تنها از آتش رفتن در دوزخ به عقوبت آن برسید - برای خودداری از این آلودگیها -

و برای رسیدن به رستگاری فرمان خدا را گردن نهند - و فرمان پیغمبر خدا را بیکار
بنندید - و بهر چیزید از خشم خدا با نزول این آیه که تحریم قطعی و موبد مشروب را میسریند
تمام یاران پیغمبر صلی الله علیه و سلم و همه مومنان که بعداً ایمان آوردند از
لب زدن به مشروب خودداری کردند - و از روز تحریم آن تا کنون که قریب یک هزار و
چهار صد سال است -

پنج شخص با ایمانی به چنین بلای خانمان بر انداز نزدیک نیگردد - چیزیکه
اختیار گفتار و کردار از انسان بردارد - و آدمی را از همه مشخصات عقل عاری سازد
و بهین رایه عریبه آلاید و دامن را از کثافات و آلودگیها ننگین سازد - غیرت را نابود سازد
انسانیت را از بین ببرد - بدن را برای سئل و دهمها بیماری خطرناک آماده سازد
کجا شخص عاقل به چنین کثافتی نزدیک میگردد -

تمام علماء اسلام از عهد حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم تا کنون
بر حرام بودن مشروب اتفاق دارند - تمام عقلا در دنیا بر بدی مشروب هم زبانند -
پزشکان و نادرسا سر جهان بر نکوهش میگساری یکزبانند - و آنچه هر فرد
میتواند شخصاً بیازماید - اینکه هر نوع الکحل با نزدیک کردن کبرتی به آن قابل
اشتعال است و نمی توان تصور نمود که شخص با ایمان بتواند الکحل شود مشروب
عاده با قمار همراه است - با اعمال شنیعه همگام است و در حال سستی شخص
میتوان هر بلا بر سر او آورد - و هر کس داستان میگساران و زشتیهای
گفتار و کردارشان بشنود - میداند که میگساران از حلیه عقل و ایمان و ندرستی
و شرافت دست شسته اند -

روى البخارى و ابوداؤد والنسائى - قال رسول الله صلى الله عليه وسلم:
 (كلُّ مسكٍ حرامٌ مِمَّ هَرَمْت كُنْتَه اى حرام است - و روى الامام احمد و
 ابوعلى عنه صلى الله عليه وآله وسلم قال: «أَلَا فَكُلُّ مُسْكٍ خَمْرٌ وَكُلُّ خَمْرٍ حَرَامٌ»
 آگاه باشید که هرست کننده اى خمر است و هر نوع از خمر حرام است - و
 روى ابوداؤد و عنه عليه السلام نهى عن كلِّ مسكٍ و مَفْتَرٍ پيغمبر صلى الله عليه
 وآله وسلم؛ منع فرمود از هرست کننده اى و از هر چه باعث فتور و سستی در اعضا
 باشد مانند تریاک -

و اخرج البخارى و مسلم عن ابى هريرة رضى الله عنه؛ قال رسول الله صلى الله
 عليه وسلم: «لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرِبُ الخَمْرَ حِينَ
 يَشْرِبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ» أو كما قال عليه
 الصلاة والسلام
 زنا نمی کند زنا کار مگر اینکه در موقع زنا ایمان ندارد - و خمر و مشروب را
 نمی آشامد شرابجواری مگر اینکه در موقع شرابجواری ایمان ندارد - و دزدی نمیکند
 دزد مگر اینکه در موقع دزدی ایمان ندارد -

و روى الطبرانى: قال عليه السلام: «مَنْ شَرِبَ الخَمْرَ خَرَجَ نُورُ
 الإِيمَانِ مِنْ جَوْفِهِ» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه مشروب الکلی را آشامد نور ایمان از دل او بیرون رود -
 و روى الامام احمد بسند صحيح: (وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ شَرِبَ الخَمْرَ مَاتَ لِقَى اللَّهِ كَعَابِدٍ ذُو شَنْ»
 مشروب خوار گردد اومت بر آن نمود و مرد - مانند بت پرست در برابر خدا
أو كما قال عليه
 الصلاة والسلام

خواهد بود. بت پرست بر بت پرستی مداومت نموده. و شرابخوار بر مشروب خجورس.

وروی ابن حبان فی صحیحہ: وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وَسَلَّمَ: «مُدَّ مِنْ الْخَمْرِ إِنْ مَاتَ لَقِيَ اللَّهَ كَعَايِدٍ وَتَنَ» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه به مداومت بر خمر از دنیا رفت خدا تعالی را ملاقات نماید. در برابر
خدای متعال مانند بت پرست خواهد بود.

وروی الطبرانی بسند صحیح عن ابن عباس رضی اللہ عنہما: «إِنَّ اللَّهَ

حَرَّمَ الْخَمْرَ مِثْلِي أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ
وَقَالُوا حَرَّمَ الْخَمْرُ وَجَعَلْتُ عَدْلًا لِلشَّرْكِ»

موقعیکه مشروب حرام شد یا ران پیغمبر همدگیر را دیدند و گفتند خمر حرام
شده و همتای شرک گردیده است.

وروی النسائی عن ابی موسی الأشعری رضی اللہ عنہ انه کان: یقول ما

أَبَايَ شَرِبْتُ الْخَمْرَ أَوْ عَبَدْتُ هَذِهِ السَّارِيَةَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

ابو موسی از یاران پیغمبر میگفت که برای من تفاوت نمیکند. خمر یا شامم
یا غیر از خدا را بپرستم. زیرا شرک بخدا و شرابخواری در گناه یکسانند.

وروی ابوداؤد عن علی الصلوٰة والسلام «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْخَمْرَ

وَمِنْهَا وَحَرَّمَ الْمَيْتَةَ وَمِنْهَا وَحَرَّمَ الْخَنزِيرَ وَمِنْهَا» أو كما قال عليه الصلاة والسلام

این محقق است که خدای تعالی حرام فرمود خمر را و حرام فرمود قیمت آنرا
و حرام فرمود مردار و حرام فرمود قیمت آنرا. و حرام فرمود خوک را و حرام فرمود
قیمت آنرا.

وروی ابن ماجه و الترمذی : لعن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 في الخمر عشرة : غاصيرها و معتصمها و شاربها و حامكها و الممولة اليه و ساقها
 و بايعها و اكل ثمنها و المشتري لها و المشتراة له .

حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم در باره خمر و مشروبات
 الکلی ده کس را لعنت فرمود :

۱- فشارنده یعنی سازنده آن را .

۲- خواهان ساختن آن .

۳- آشامنده آن .

۴- کسیکه حامی آن نماید .

۵- کسیکه برای او حمل کند .

۶- کسیکه آن را در پیاله نماید .

۷- فروشنده آن .

۸- کسیکه قیمت آن را میخورد .

۹- خریدار آن . و

۱۰- کسیکه برای او خرید میشود .

همه آنها مورد لعنت پیغمبر خدا هستند . و روی الطبرانی : قال عليه

الصلاة والسلام : (رضمن حديث) « و مذم من الخمر حتى على الله ان يسقيه من

فهر الخبال - قيل و ما كفر الخبال يا رسول الله - قال صديق اهل النار »

از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله وسلم روایت است که : هر شخص مداد

برخمر نمودن حق است بر خدای متعال که از نهر خیال او را بیا شامند. گفتند یا رسول الله
کفرِ خیال کدام است؟ فرمود آب خونِ دوزخیان.

کسانیکه سعادت و تندرستی و شرافت و ایمان خود را خواهند بیچگاه
لب به مشروب نخواهند زد. و کسانیکه فریب ابلیس خورده و آب آتش زارا
به حلق ریخته اند بچا است که بخود آیند و از این کردار زشت توبه کنند و از عواقب
تلخ و از عاقبت نه بخیر آلودگان درس عبرت گیرند. که بهترین گفتار کلام الله است
و مهربان ترین ناصحان خدای متعال است. و پر شفقت ترین پدران حضرت رسول
است و بهترین راه راه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است.

خُدا یا به عقلی ده که نعمت را سپاس گوئیم. و به ما توفیقی ده که
پیوسته بفرمان تو باشیم و بر ما عنایتی کن که از آنچه عقل را زائل کند پرهیزیم.

پس دوردار گارا امید ما بدرگاه تو است ما را مدد کن تا هر طور رضای
تو باشد رفتار کنیم و از آنچه خشم تو بر انگیزد دوری جوئیم.

آفرید گارا دلهای ما را برای هدایت کن که سرور بندگانت
آن را گزیده است و ما را برای برسان که پایان آن بهشت و راهنمای
آن حضرت محمد مصطفی باشد.

آفرید گارا به عجز تو معتز نفیم و به گناه خود اقرار داریم و میدانیم که بخیر از

تو در دو جهان فریادرسی نیست -

خُدا یا ما را به عقوبتت گرفتار مفرما - و دشمن ما و خودت از گرفتاری
ما شاد و مفرما -

بَارِ الْهَيَا بِرِكْمَةٍ تَوْحِيدٍ بَدْنِيَا آدَمِهِ اَيْمٍ وَبِهِ اِفْتِيَارُ امْتِ سُرُورِ
مَخْلُوقَاتِ شَرِّ فَيَابِ گشته ايم پايان ما را بخير بگردان -

اَيُّ مَهْرَبَانِ تَحِيْنٍ مَهْرَبَانَانِ تَشْنُ لَبَانِيْمِ كِه بِاَمِيْدِ دِرَايِي حِمْمَتِ
رُو بَدِرْ گَاهِ امْتِ آوَرْدِه ايم اَز نَزْوَلِ حِمْمَتِ بَرِ اَمْنَتِ نَه وَبِرِ طِفْلَانِ مَعْصُومِ حَمِّمِ آه
كِه نَمِي شَايِدِ بَه گَنَاهِ مَا طِفْلَانِ وَ چَا نُوْرَانِ وَ دَرِ خَمْتَانِ مَحْرُومِ مَا نَمْنَه اَوْلِي الْاَمْرِ مَا رَا
بِرِ طَرِيْقِ اسْتِقَامَتِ مَسْتَقِيْمِ بَدَارِ وَ هَمِّه مَا رَا آمَرِ زَيْدِ گَانِ بَخْشَايِشْتِ سَا زِ تَا دَلَسَايِ
مَا اَز تَارِيخِ هَايِ مَعَا هِي بِرِ مَعْدِ وَ بِه رُو شَنَايِي طَاعَاتِ بَدِ خَشْدِ -

وَصَلَّى اللّٰهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَ الصَّالِحِيْنَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصْفُوْنَ
وَسَلَامٌ عَلَي الْمُرْسَلِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ

۸۱- در فضیلت نگوکاری به پدر و مادر

پدر و مادر چگونه حقی دارند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ. وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى .

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِأَنفُسِكُمْ إِحْسَانًا. (النساء-۴۶)

و بندگی نماید خدای یکتا را و برای او شریکی قرار ندهید و خوبی نماید به پدر و مادر به نگوکاری در باره ایشان.

لَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: يُرِيدُ الْبَرَّ بِمَا مَعَ اللَّطْفِ وَلِئِنِ الْجَانِبِ فَلَا يُغْلِظُ لَهُمَا فِي الْجَوَابِ وَلَا يُجِدُّ النَّظَرَ عَلَيْهِمَا ، وَلَا يَرْفَعُ صَوْتَهُ عَلَيْهِمَا بَلْ يَكُونُ بَيْنَ يَدَيْهِمَا مِثْلُ الْعَبْدِ بَيْنَ يَدَيْ سَيِّدِهِ تَذَلُّلاً لَّهُمَا أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

عبدالله بن عباس در تفسیر این آیه میگوید اراده پروردگار این است که نسبت به پدر و مادر نگوکاری شود با مهربانی و فرمانبری تا در جواب پدر و مادر دشتی بکار نبرد و در نظر به پدر و مادر خیره نتگردد. و آواز خود را در حضور پدر و مادر بلند نماید. بلکه شایسته چنین است که فرزند در حضور پدر و مادر مانند برده در حضور

آغایش باشد از همت اظهار تواضع و افتادگی در برابر پدر و مادر.

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تَنْهَزْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (البقره - ۲۳ - ۲۴)

و فرمان داد پروردگارت - انکه بندگی نکنی مگر او را - و پدر و مادر تو را کاری
کنی - اگر یکی از پدر و مادر و یا هر دو نزدیک تو به پیری رسیدند پس کوچکترین کلمه دلخراش
به آنان مگوی - مگر که آف از دست شما به ستوه آدم - و با آنان درشتی نکن و بگو به
آنان گفتار بزرگوانه را - و بزرگوار برای پدر و مادر پرافتادگی از روی مهر و رحمت به
ایشان (و همین مهربانی با ایشان کافی نیست تا اینکه بسپاس خوبییای پدر و مادر)
رو بخدا آوری و از خدای توانا بخوابی تا ایشان را مورد رحمت قرار دهد - زیرا در وقتی بر
تو رحمت آوردند که کودکی در سختی ناتوانی بودی -

وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِتِيَ الْمَصِيرَ﴾ (لقمان - ۱۴)

شکر من بجا آر و از پدر و مادرت تشکر کن - بسوی من است بازگشت تو -
خدای توانا شکر خود را همراه شکر از پدر و مادر قرار داد که هر شخص شکر پدر و مادر بجا
نیآورد و اگر شکر خدای بجا آورد نتیجه ندهد -

عبداللہ بن عباس گوید: سه کار همراه سه کار دیگر در سه آیه نازل گردید

۱- ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ (المائدہ - ۹۲)

۲- ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ (النساء - ۷۷)

۲- ﴿أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾ (القمان - ۱۴)

اطاعت خدا همراه با اطاعت از پیغمبر است و نماز همراه زکات و سپاسگذاری
خدا همراه با سپاسگذاری پدر و مادری باشد. رَوَى الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ: «أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ؟» قَالَ: «الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَقَتِهَا قُلْتُ ثُمَّ أَيُّ؟»
قَالَ: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ قُلْتُ ثُمَّ أَيُّ؟» قَالَ: «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (الحديث)

عبدالله بن مسعود رضی اللہ عنہ میگوید از رسول اللہ پرسیدم کدامیک از عملها
محبوب تر است نزد خدا. فرمود نماز در وقت آن - گفتم در چه عملی نزد خدا محبوب ترین
عملها است؛ فرمود نگو کارے یا پدر و مادر - پرسیدم در چه کاری - فرمود کوشش
برای پیشرفت دین خدا که دین بین اسلام باشد. در این حدیث شریف نکوکاری به
پدر و مادر از جهاد فی سبیل اللہ بزرگتر و پُر ثواب تر دانسته است.

و روى ابو يعقوب الطبراني باسنادهما: «أَنَّ رَجُلًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ إِنِّي أَشْتَمِي الْجِهَادَ وَلَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ. قَالَ هَلْ بَقِيَ مِنْ
وَالِدَيْكَ أَحَدٌ قَالَ أَيْ قَالَ قَاتِلٌ لِلَّهِ فِي بَرِّهَا فَإِذَا فَعَلْتَ فَانْتَحَاجَّ وَمُعْتَمِرٌ وَمُجَاهِدٌ»

مردی بخدایت رسول شرفیاب شد. و عرض کرد که یا رسول اللہ من دلم میخواهم
جهاد کنم و نمیتوانم - رسول اللہ فرمود آیا از پدر و مادرت کسی باقی است. گفت مادرم زنده
است. رسول اللہ فرمود: جهاد تو در راه خدا به نکوکاری در حق مادرت میباشد که
هرگاه در حق مادرت نکوکاری نمودی حج و عمره و جهاد هر سه را انجام داده ای.

و روى البخارى وسلم: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

«وَرَوَى أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ عَنْ مَالِكِ بْنِ رَبِيعَةَ السَّاعِدِيِّ قَالَ بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي سَلَمَةَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: هَلْ بَقِيَ مِنْ بَرِّ أَبِي شَيْءٌ أَبْرَهُمَا بِهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا؟ فَقَالَ نَعَمْ الصَّلَاةُ عَلَيْهِمَا وَالْإِسْتِغْفَارُ لَهُمَا وَإِنْفَاذُ عَهْدِهِمَا مِنْ بَعْدِهِمَا وَصَلَاةُ الرَّحِمِ الَّتِي لَا تَقُصِلُ إِلَّا بِهِمَا وَإِكْرَامُ صَدِيقَيْهِمَا»
 او كما قال عليه الصلاة والسلام

مالک بن ربیعہ ساعدی میگوید: موقعیکه ما خدمت رسول اللہ نشسته بودیم یکی از مردان بنی سلمه آمد. وگفت یا رسول اللہ آیا باقی مانده است از نیکوکاری به پدر و مادرم. کاری که به انجام آن بعد از وفات شان هم در حق شان خوبی کرده باشم. فرمود رسول اللہ که بلی. دعا کردن برای پدر و مادر و طلب آمرزش برای آن دو و انجام دادن آنچه شمارا به آن سفارش نموده است. و نیکوکاری به خویشان پدر و مادر که در حقیقت خویشاوندان از برکت پدر و مادر است که خوشی با آنان حاصل گردید و گرامی داشتن دوستان پدر و مادر. کسانیکه دوست میدارند فرزندان شان صاحب و شایسته گردند و بفرمان شان باشند باید خودشان بفرمان پدر و مادر باشند در حدیث است.

((بَرُّوْا آبَاءَكُمْ تَبَرَّكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ))

نسبت به پدر و مادر و ارحام شان نیکوکار باشند و هر گناهی ممکن است عقوبت آن به آخرت بخشد مگر عقوبت عقوق و نافرمانی پدر و مادر که در همین زندگی دنیا فراهم گردد.

فَعَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: كُلُّ الذَّنُوبِ يُؤَخِّرُ اللَّهَ مِنْهَا مَا شَاءَ إِلَى يَوْمِ

وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ أُمَّكَ .

قَالَ ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ أُمَّكَ . قَالَ ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ أَبُوكَ .

مردی بخدمت رسول الله آمد وگفت یا رسول الله چه شخصی مستحق تر است به حسن صحبت و خوشرفتاری و شیرین سخنی من با او - فرمود مادر مستحق ترین شخصی است که حسن صحبت و خوشرفتاری و شیرین زبانی را از تو رسا دارد - آن مرد گفت دگر چه کسی فرمود مادرت - گفت دگر چه شخصی؟ فرمود مادرت - بار چهارم فرمود پدرت - و معلوم است که مادران از بارداری و شیر دادن و به آغوش گرفتن و تربیت و به زبان آوردن کودک - چندین برابر پدر حق بر فرزندان دارند و نمیتوان بالاتر از این تصور کرد که خداوند سپاسگزاری خود را در سپاسگزاری پدر و مادر دانسته - و رسول الله فرموده است

﴿رَضِيَ اللَّهُ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ وَسَخَطَهُ اللَّهُ فِي سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ﴾

خوشنودی خدا در خوشنودی پدر و مادر است و خشم خدا در خشم پدر و

مادر نهفته است -

دین مبین اسلام در همه موارد فرمانبری پدر و مادر را واجب دانسته است -

مگر در یک مورد و آن در صورتی است که پدر و مادر از فرزند خود بخواهند که شرک آورد و کافر گردد -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ

فَلَا تَطِعْهُمَا﴾ (العنكبوت - ۸)

و اگر پدر و مادر کوشش نمودند تا تو را وادارند که برای من شرک یا اورمی

رپس در این مسأله) فرمان پدر و مادر را مپبر -

الْقِيَامَةِ إِلَّا الْعُقُوقَ الْوَالِدِينَ فَإِنَّ اللَّهَ يُعَجِّلُ لَصَاحِبِهِ فِي الْحَيَاةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ»

ہر ایک ازگناہان ممکن است کہ خدایے تو انا عقوبت آزا بہ روز قیامت
بمیدازد۔ مگر عقوبت نافرمانی پدر و مادر کہ در ہین زندگی قبل از مرگ بہ شخص میرسد۔
مردی بہ خدمت رسول اللہ آمد و از پدر خود شکایت نمود کہ مال اور انفاق
می کند۔ حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم پدرش را احضار فرمود۔ پدر نامبروہ
موقعیکہ میآمد در دل خود اشعاری گلہ مانند دست کرد بدین مضمون کہ در ہنگام
خرودی و ناتوانی بر تو انفاق کردم و ہمہ ناراحتیہا را بجان خریدم۔ اکنون کہ بہ پیری
رسیدہ ام و تنها امید من بعد از خدای یکتا تو ہستی۔ چنین بی مہری را در پیش
گرفتہ ای۔

ولی این اشعار را بر زبان نیاورد۔ موقعیکہ بہ خدمت رسول اللہ شرفیاب
شد حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: اول آن ابیاتی کہ در دل
خود ساختہ ای بخوان۔

پدر گفت: «أَشْتَمِدُ أَنْكَ رَسُولُ اللَّهِ» زیرا غیر خدا هیچ کس ندانستہ است کہ
من در خاطر خود ابیاتی گلہ از پسر م ساختہ ام۔ وقتی کہ آن ابیات را خواند حضرت
رسول اللہ روی بہ پسر او نمود و فرمود:

«أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَبِيكَ» تو و ہر چہ داری ملکِ پدرت میباشید۔
خُدایا ما را فرزندانی نکو کار بگردان تا از حقوق والدین بخوبی برآئیم۔
خُدایا ما را پدرانی مہربان و دانا بگردان تا فرزندانی صالح و خدا شناس
بہ اجتماع بسپاریم۔

پیکر و در گارا روان پیغمبرت را به درود و سلام شاد کن که ما را بشا همراه
هدایت رهبری نمود و آل و اصحابش را خوشنود گردان که بهترین نمونه اسلام و
شایسته ترین مربیان بودند.

افرید گارا به ما توفیق ده تا همیشه دعای خیر نثار والدین خود کنیم و ما را توفیق
ده تا از بزرگداشت شان فرو گذار نکنیم.

پیکر و در گارا دلماهی ما را بر دین خود استوار بدار و چرخش دلماهی ما بر طاعت
بگردان و فرجام ما بر سعادت و پایان ما بخیر بگردان نه تو را از عذاب ما بهره ای است
و نه ما را بر عذاب تو طاقتی همان به که رحمت و آمرزشت در همه حال شامل ما باشد.

وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۸۲- در فضیلت امر بمعروف و نهی از منکر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَمَتِّیْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی
سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِیْنَ وَقَوْلُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَّلَامٌ
عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی ..

قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی ﴿ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِیَاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ﴾ . (التوبة - (۷)

مؤمنان از مردان و زنان با ایمان بعضی یاری دهنده و دوستان بعضی
دیگرند. همدیگر را بخوبی وادارکنند. و یکدیگر را از زشتی باز دارند. امام محمد غزالی
میگوید-

این آیه بهامی فماند که هر شخصی امر بمعروف و نهی از منکر را ترک نمود از مؤمنان
بحساب نیاید. یکی از دانشمندان میگوید:

جدائی میان مؤمنان و منافقان همین امر بمعروف و نهی از منکر است.
در حقیقت دین بین اسلام در بین دو کلمه امر بمعروف و نهی از منکر - مختصر میشود امر
بمعروف واداشتن خوبی. شامل همه خوبها است وقتی که شخص در فکر
اصلاح خودش و زبان را به راستی عادت داد. دامن را از آلودگی دور داشت
عبادت خدای خود را بجا آورد. در معامله درستکار شد. نسبت به مسر خود و همربان

گشت - نسبت به فرزندان خود عم خوارى و نصاح پدران نمود - پدر و مادر را گرامى داشت - اولى الامر را محترم دانست - خود را در حقيقت نجوبى و اداشته و امر بمعروف و در حق خود اجرا نموده است -

كسيكه فرزندان را از معاصى بر حذر داشت و به آنان فرمانيد كه از جوانى به دستكارى و راستى بار آمدن چه نتايجى دارد - آنان را امر بمعروف نموده است - امر بمعروف و واداشتن نجوبى كار آسانى است و هر فرد ميتواند نسبت به خود و بستگان و آشنايان با زبان خوب و با دلى پاك و استمداد از خدا تعالى آن را اجراء نمايد - طاعت هم بچوانان زمينه است - زيرا در جوانى رو بخدا آوردن و براى او سر بسجود گذاشتن و كاميابى زندگى را از او خواستن - لذتى ديگر دارد -

حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم مي فرمايد : «سَبْعَةٌ يَظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ» اذيت تا اينكه مي فرمايد : «وَشَابُّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ» هفت كسند كه خدا آنان را در سايه خود آورد - روزى كه بجز سايه او سايه اى ديگر نباشد - از آن جمله : جوانى كه در عبادت خدا بزرگ شده باشد - شامه گلى نام ابو شجاع را شنيده ايد ابو شجاع نام كى از دانشمندان اسلام است كه كتاب كو علكى بهمين نام از او بياوگار مانده است - اما كتون شايد هزارها كتاب مانند آن تاليف گرديده - ولى طوله نميشد كه هر كتاب ديگرى در اين زمينه فراموش ميگردد اما كتاب او اكنون هزار سال است در تمام دنيا مورد تدريس است اين مرد نامور موفقى كه سن او به نود سالگى رسيده بود از او پرسيدند كه چگونه تمام قواى خود را با آن همه كار و مشغلت تا اين سن نگه داشته اى در حاليكه مرد مى در

سن هفتاد سالگی شکسته و علیل میگردند. وی در جواب گفت:
"در خردی خدا را ننگداشتیم. در بزرگی خدا ما را حفظ کرد"

اگر جوانان بخواهند عمری طولانی باصحت و شادکامی بسر آرند. باید پایۀ
جوانی را بر طاعت خدا قرار دهند.

امر معروف و نهی از منکر نشانه ایمان قوی و علامت قلبی روشن از
نور خداست.

روی مسلم^۱ فی صحیح عن ابی سعید الخدری رضی اللہ عنہ قال: (سَمِعْتُ رَسُولَ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ
لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِإِيمَانٍ) **بوسعید خدری میگوید:** از رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم شنیدم که
میفرمود: کسیکه از شما منکری را دید آن را بدست تغییر دهد اگر نتوانست به زبان
خود آن را تغییر دهد. اگر آن را نتوانست به دل انکار کند که این ضعیف ترین ایمان
است. تغییر منکر بدست خود و وظیفه حکام است. و تغییر منکر به زبان و وظیفه علماء
است. و تغییر منکر به دل و انکار آن و وظیفه عوام الناس است.

اگر هر فردی جلوه خود بگیرد و کارزشتی را انجام ندهد خود را به امر معروف و ادا داشته
است. اگر کسی زن و فرزند خود را به درستی و راستی و ادا در نسبت به بستگان خود
امر معروف و نهی از منکر نموده است. اگر شخصی دوستان خود را به خوبی و ادا آمان
را امر معروف نموده است. و در حقیقت اگر هر فرد بفکر خود و بستگان خود می شود
و همدیگر را بخوبی و امید داشتند. امور همه رو بصلاح می رفت.

از حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت است

(لَا تَزَالُ لَاءِ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَنْفَعُ مَنْ قَالَهَا وَتَرُدُّ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَالتَّعْذِيبَ مَا لَمْ يَسْتَخْفُوا بِهَا. قَالُوا وَمَا الِاسْتِخْفَافُ بِهَا قَالَ يَظْهَرُ الْعَمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ فَلَا يَنْكُرُ وَلَا يَخْتَارُ)

همیشه کلمه لا اله الا الله برای گوینده آن نافع و سودمند. ما دامیکه این کلمه را بخوارشمارد. گفتند یا رسول الله خوارداشتن لا اله الا الله چگونه است فرمود: اینک عمل به معاصی ظاهر شود. نه انکار شود و نه تغییر داده شود. اعتراف به لا اله الا الله مقتضی است که مومنان برای واداشتن همدیگر بخوبی و بازداشتن یکدیگر از بدی. باهم همکاری کنند. امر بمعروف و نهی از منکر هرگاه از روی نصیحت و اخلاص باشد و بازبان شیرین و همراه با منطق و استدلال باشد. نتیجه خوب خواهد داد. از حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم روایت است :

«لَا يَهْتَابُ النَّاسُ مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ قَبْلَ أَنْ تَدْعُوا اللَّهَ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَكُمْ - وَقَبْلَ أَنْ تَسْتَغْفِرُوهُ فَلَا يَغْفِرَ لَكُمْ - إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْنِي عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يَدْفَعُ رِزْقًا وَلَا يَقْرَبُ أَجَلًا وَالْأَخْبَارُ مِنَ الْيَهُودِ وَالرُّهْبَانِ مِنَ النَّصَارَى لَمَّا تَرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْنِي عَنِ الْمُنْكَرِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِ أَنْبِيَائِهِمْ ثُمَّ عَمَّوُا بِالْبَلَاءِ».

ای مردم باهمدیگر را بخوبی وادارید. و یکدیگر را از زشتیها بازدارید پیش از آنکه دعایماناید و دعای تان به اجابت نرسد. و پیش از آنکه آمرزش و مغفرت نخواهید و آمرزیده نشوید این را محقق بدانید که واداشتن

بخوبی و باز داشتن از بدی نه روزی را منع نماید. و نه مرگ را نزدیک سازد. دانشمندان یهود و نصاری موقئکه و داشتن بخوبی و جلوگیری از بدی را ترک نمودند. خدا آنان را لعنت نمود بر زبان پیغمبران شان. پس از آن بلای عام آنانرا گرفت و از حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت است:

لَا إِنَّ الرَّجُلَ يَتَعَلَّقُ بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ لَا يَعْرِفُهُ فَيَقُولُ لَهُ مَا لَكَ إِلَيَّ وَمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ مَعْرِفَةٌ. فَيَقُولُ كُنْتُ تَرَانِي عَلَى الْخَطَا وَالْمُنْكَرِ وَلَا تَنْهَانِي.»

روز قیامت شخص می بیند که دیگری به گردن او آویخته است. در حالیکه با او آشنائی ندارد. از او می پرسد از من چه میخواهی. در حالیکه میان من و تو هیچگونه شناسائی نیست. میگوید تو مرا بر راههای خطا و زشتی میدیدی و مرا از آن منع نمی نمودی. زیرا در اسلام همه مسلمین مسئول همدیگرند. و مهمترین پایه های اجتماعی دین مبین اسلام اخلاص نسبت همدیگر است که از مهمترین ارکان امر بمعروف و نهی از منکر است.

روی مسلم عن ابی هریره رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: «لَا تَخَاسَدُوا. وَلَا تَنَابَحْتُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ وَكُفُّوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَكْذِبُ بِهِ وَلَا يَحْقِرُهُ التَّقْوَى هَاهُنَا وَيَشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - بِحَبِّ أَمْرِي مِنْ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ إِخَاهُ الْمُسْلِمَ - كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ.»

حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم میفرماید :

خسده ہم دیگر مبرید .

ساختگی و سازش به زیان یکدیگر نہ کنید .

بغض ہم دیگر در دل راه نہ صید .

پشت بیکدیگر نہ کنید .

در خرید و فروش و معاملات بر دست یکدیگر مزنید .

گلی بندگان خدا و برادران ہم دیگر باشید .

مسلمان برادر مسلمان است . نباید نسبت به برادر مسلمان ستم نماید . نباید دست

از یاری برادر مسلمان باز دارد . نباید برادر مسلمان را خوار شمارد .

پرہیزگاری در اینجا است و اشارہ بہ سینہ خود تہہ بار فرمود . [یعنی

پرہیزگاری در دل است و مرد پرہیزگار برادر مسلمان را مانند جان شیرین عزیز و محترم

شمارد . نشانہ نکوکاری شخص محترم داشتن برادر مسلمان است] و کفایت است در پستی

و بد شخص اینکه برادر مسلمان را خوار دارد . ہمہ آنچه تعلق بہ مسلمان دارد بر برادر مسلمانش حرام

است . خون مسلمان حرام است . مال مسلمان حرام است . شرف مسلمان محترم است .

چگونہ شخص مسلمان میتواند برادر خود را خوار بدارد و راحت بنشیند ، آیا بچشم خود ندیدہ

اید اگر پدری فرزند خود سال خود را در انظار ہمسالانش خفت دید . از رنگ زردی

فرزند . جگر پدر خون شود . آیا رنگ زردی مسلمان و خوار شدنش کمتر از بخش خورد سالان

است . ہمانطور کہ شریعت مطہرہ اسلام خون مسلمان حرام است . خوار ساختن مسلمان حرام

است . اجتماعی میتواند سر بلند و معزز باشد کہ افراد آن نگذارند ہیچیک از افرادشان

به ذلت رسد شخصی که می بیند برادرش دست از یارش کشیده و او را خوار داشته است. آیا نه این است که در دل خود از قدر ندانی برادران رو بخدا می آورد و میگوید -

خُذْ أَيُّهَا مَرَادِيَابُ كَمَا بَرَسُو نَظْرِي أَفْكَنَّمْ بِحُزْرٍ حَمَّتْ غَمَّ كَسَارِي نَمِي بِنَجْمِ - اجتماع
در مساجد بخاطر آن مقرر گردیده است که هم بستگی افراد را بجا آورد و هر فرد برادر خود را
از صمیم قلب دوست بدارد و همه نسبت بهم دعای خیر کنند -

خُذْ أَيُّهَا مَرَادِيَابُ تَوْفِيقِي دَهْ كَمَا دَرَامُ مَعْرُوفٍ وَنَمِي مَسْكَرُ مَوْفِقٍ كَرِيمٍ - و دلهای ما را
از نور ایمان روشن بدار تا همه دوستی و تعاون در تقوی را پیشه کنیم -

بَارِئِهَا أَمِيدًا بَدْرُكَاهِ تَوَاسْتِ مَا رَامَ دَكْنَ تَاهِرُ طُورِ رَضَايِ تُو بَاشِدِ رَفْتَارِ
کنیم - و تا از آنچه خشم تو برانگیزد دوری جویم -

بِحِرِّ وَرَدِ كَارَا أَمَّا بَرَسْتِ مِطْرَةَ مِصْطَفَى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي فَرَا - و به ما توفیق
طاقت عطا کن و هر طاعتی را که عطا فرمودی بجز بجز قبول آراسته دار -

اِحَى بِخَشَائِشِكُمْ هُرَيَّانُ اُولَى الْاَمْرَارِ اَبْنَشْرُ تَعَالِيمِ قُرْآنِ وَ سُنَّتِ مُحَمَّدِي مَوْفِقِ
گردان - بارالها آمرزشش و رحمت شامل حال ما گردان - ای مهربانترین مهربانان کارهای
خود را همه به تو وا گذاشته ایم آنچه خیر دُو جهان ما باشد در آن فراهم گردان تا ما سعادتمند
تو خوشنود و اسلام در غرت روز افزون گردد -

رَضَى اللهُ وَ سَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ الصَّالِحِينَ سُبْحَانَ رَبِّكَ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ -

۸۳- در نگهداری یتیم —

سرپرستی یتیم چگونه ثوابی دارد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
صَحْبِهِ وَصَلِّ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ صَافَى
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ
إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ

وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ﴾ النساء آیه ۳۶

خدای متعال فرماید: خدای یکتا را بندگی کنید و شریک به او میادید
و به پدر و مادر نیکوکاری کنید و به خویشاوندان خوبی ننمایید. و درباره یتیمان
احسان کنید. و مسکینان و افتادگان را مددکاری کنید. و همسایه که خویشاوند
است از احسان و خوبی به او غفلت ننما. و همسایه که دور است از نظر دور مدار
زیرا حق همسایگی به خویش نبودن ضایع نشود. و دوستی که هم پهلو یعنی همسر است.
از نیکوکاری و احسان به او غفلت ننمایندگی خدا در عبادت است.

نماز و روزه و زکاة و حج و کلمه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ همه عبادت

است - در عبادت بندگی کردن است - نماز موقعی نماز است که نماز گذار در همه ارکان نماز برای خود دعا نماید - قیام و قعود و رکوع و سجود و تشهد همه محل دعا است - و بهترین مورد دعا موقعی است که نماز گذار سز سجده نهاده باشد - نمازی که از او تا به آخر آن دعا و اظهار بندگی است - با نمازی که طوطی و ار چند کلمه از فاتحه و سوره خوانده پایان داده میشود خیلی فرق دارد - در اسلام عبادت و استعانت همراه است - وقتی که میگوئیم « اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَرَايَاكَ نَسْتَعِينُ » تو را بندگی می کنیم و از تو کمک میجوئیم - غیر از تو را بندگی ننمائیم و از غیر تو کمک نجوئیم - وقتیکه نماز گذار در نماز خود معنی بندگی که خلاصه اش در دعا و خواهش از خداست ندانست آرزو آوردن بدرگاه خدای متعال باز میماند - از اعتماد بر پروردگار مهربان محروم می ماند - از مددخواستن از آفریدگار که مهربانترین مهربانان است دور میشود این است که در حدیث است -

((لَيْسَ بِالرَّجُلِ مِنْ صَلَاتِهِ إِلَّا مَا عَقَلَ مِنْهَا)) او کما قال علیه الصلاة والسلام

شخصی از نماز خود بقدر حضور قلب خود و در آوردن خود بدرگاه خدا ثواب دارد آنانیکه عقیده به کنار و کهور میکنند و یا روزها را نخس و سعد ساخته اند از رانها میمانند دین مبین اسلام به دور افتاده اند و شریک نیارودن بخدا تعالی - در اخلاص نمودن برای خدا است - اخلاص کیمیائی است که هر عمل کوچکی از راه خیر را بزرگ بینماید - اگر شخصی عمر خود را برای خود بداند و اخلاص برای خود داشته باشد - کارهای مینماید از نکوکاری و احسان که هم در دنیا و هم در آخری نتیجه خوب بدست آورد - و بیچ سرمایه ای برای آدمی در این دنیا بهتر از عمر نیست - در آیه که تلاوت شد - بعد از بندگی خدا

اخلاص برای او قرار داد - زیرا هر عبادتی بدون اخلاص نتیجہ کہ مقصود است نمیدهد و
 مهمترین معنی اخلاص در اسلام برای ب فکر ہمدگیر بودن و دست زدن زیر بار یکدیگر است
 و در اینراہ ابتدا پدر و مادر را یاد فرمود کہ حیات ہر فرزند ریحین احسان آنان است - و
 احسان بہ خویش اوندان مقرر داشت کہ ارتباط ہر جماعتی بوسیلہ آن است و آنانی کہ
 خویشان و ارحام خود را فراموش می کنند طوطی ہم نمیگذرد کہ اسم شان تا بود
 میشود و از صفحہ روزگار فراموش میشوند۔

فَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالتَّلَامُ لِأَسْرَعِ الْخَيْرِ تَوَابًا لِلْبُرِّ وَصَلَّةُ الرَّحِمِ وَ
 أَسْرَعُ الشَّرِّ عُقُوبَةَ الْبَغْيِ وَ قَطْعَةُ الرَّحِمِ ۔

شتابندہ ترین کارها در بدنت آمدن ثواب و نتیجہ آن در این دنیا - نکوکار
 و امان بہ خویشان است و شتابندہ ترین کارها در گرفتاری بہ عقوبت آن در زمین دنیا
 ظلم و قطع ارحام است و بعد از خویش اوندان یتیمان ہستند کہ ہر اجتماعی مسؤل
 تربیت آنها است۔ و در دین مبین اسلام دستور ہای موکدہ برای سرپرستی و دلداری
 و تربیت آنان میباشد۔

رَوَى الطَّبْرَانِيُّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَا
 يُعَذِّبُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ رَحِمَ الْيَتِيمَ وَالْأَنْ لَكَ فِي الْكَلَامِ وَرَحِمَ يَتِيمًا
 وَضَعْفَةً وَ لَمْ يَتَّطَأْ عَلَى جَارِهِ بِفَضْلِ مَا آتَاهُ اللَّهُ)۔

قسم بہ آن خدای کہ مرا بحق پیغمبری برگزید۔ خداوند معذب نمی سازد در روز
 قیامت کسی را کہ بر یتیم رحم آورد۔ و با او بہ زبان خوش سخن گوید۔ و بر یتیمی و ناتوانی او رحم
 آورد۔ و ہر گاہ شخصی دارای برتری خود را بہ رُخ ہمسایہ نکشد یکی از پیشینیان گوید در

ابتداء کار متکبر بودم۔ روزی یتیمی را دیدم بروی رسم آوردم و مانند فرزند او را گرامی داشتم و بیش از فرزند او را اکرام نمودم۔ آن شب بخواب دیدم کہ فرشتگان غدا برادر برگرفته اند تا مرا بہ آتش بربند ناگاہ دیدم کہ همان یتیم آمد و گفت : اورا رہا کنید تا من دربارہ اورا ہمیش از خدا بخواہم آمان نپذیرفتند۔ در این اثنا آوازی فرشتگان راند کہ اورا رہا کنید کہ اورا بہ همان یتیم بخشیدہ ایم۔ از آن روز در اکرام یتیمان کوشیدم در آیہ بالا بعد از یتیمان مسکینان و افتادگان را یاد فرمود تا آناسیکہ تہوا از کومک بہ افتادگان خدای خود را خوشنود سازند۔

خدای تو اناتوانگری و بینوائی را برای تروج امور عبادت قرار داده است تا ہمہستی پیش آید و ہم بستگی بہار آورد۔ در صفحہ نماز کہ فقیر و غنی و شریف و حقیر برابر ہم میایستند و در برابر خدا ہمراہ ہم بہ عبادت میایستند۔ بخاطر این است کہ ہر فرد مسؤلیت خود را در برابر اجتماع خود بداند در ماندگان را در یابد پس از آن ہمسایگان را بر شمرد و ہمسایہ را چہ دور و چہ نزدیک ذبح دانست۔ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ ہمسایہ نزدیک و ہمسایہ دور کہ ہر دو دارای حق ہمسایگی ہستند بہترین معرف ہر شخص ہمسایگان او ہستند۔

رَوَى الْبَيْهَقِيُّ : رَأَى رَجُلًا قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ حَسَنٍ إِذَا عَمِلْتُ بِهِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَقَالَ كُنْ مُحْسِنًا . فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ أَعْلَمُ أَنِّي مُحْسِنٌ ؟ قَالَ سَلْ جِيرَانَكَ فَإِنْ قَالُوا إِنَّكَ مُحْسِنٌ فَأَنْتَ مُحْسِنٌ وَإِنْ قَالُوا إِنَّكَ مُسِيءٌ فَأَنْتَ مُسِيءٌ ﴿

أو كما قال عليه الصلاة والسلام

مردی بخدمت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آمد و عرض کرد یا رسول اللہ مرا

راهنمایی نماز بر کاری که چون آنرا انجام دهم بهشت روم.

حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: نگو کار باش که نگو کاری تو را به بهشت رساند. آن مرد گفت یا رسول الله چگونه میتوانم بدانم که نگو کار هستم. حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: از همسایگانت پرس اگر همسایگانت گفتند نگو کار هستی نگو کار خواهی بود. و اگر همسایگانت گفتند بدکار هستی. پس باید بدکاری خود را محقق بدانی از این حدیث دانسته میشود که همسایگان هستند که رضایت آنها و عدم رضایت آنها دلیل بر نگو کاری و بدکاری شخص است.

و روى البخارى و مسلم عن عبد الله بن عمرو عاثة رضی الله عنهما قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: (مَا زَالَ جَبْرِيْلُ يُوسِّئُنِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورِثُنِي) حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرماید جبریل همیشه مرا سفارشش میداد در خصوص همسایه بجائی که گمان کردم وحی بر میراث بردن همسایه میآورد.

و روى الامام احمد و البخارى: (وَاللّٰهُ لَا يُؤْمِنُ وَاللّٰهُ لَا يُؤْمِنُ وَاللّٰهُ لَا يُؤْمِنُ

الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَاقِيَّتِهِ) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

قسم بخدا ایمان نمی آورد کسیکه همسایه اش از شر او ایمن نیست. در این حدیث صحیح نشانه ایمان داری شخص ایمنی همسایه از اذیت و آزار او است.

و روى البخارى بائنا و عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قال: (لَكُمْ مِنْ جَارٍ مَعْلُوقٍ بِجَارِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - يَقُولُ يَا رَبِّ هَذَا أَعْلَقَ بِنَابِيهِ دُونِي فَمَنْعَ مَعْرُوفَةَ عَنِّي) -

حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم فرماید: چه بسیار همسایگان که در روز

قیامت بگردن همسایگان خود آویزند و بگویند: پروردگارا این خانه اش بروی من بست و خوبیش را از من منع نمود. و در آیه که تلاوت شد و صاحب باجنب یعنی نسبت به مسخر خود خوب باشید و همسر خود را گرامی شمارید. و احسان و نیکوکاری را از او شروع کنید. و در حدیث است که حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: **وَإِنَّمَا بِمَنْ تَعُولُ**۔ رواه البخاری

در خوبی و انفاق از کسانی آغاز کن که در زیر نفقه و سرپرستی تو هستند. دین مبین اسلام در احترام همسر. همه نوع دستورهای موکد صادر فرموده است. و علماء در شرح فرمایشات نبوی گفته اند که هر قدر شخص به همسر خود بیشتر احترام قائل شود به همان حساب فرزندان در اجتماع موفق و سرفراز خواهند شد. و هر اندازه که شخص نسبت به همسر خود بی احترامی نماید به همان حساب فرزندان در اجتماع خوار و ذلیل میگردند. و معلوم است که واجب هر شخص مسلمان است که زن و فرزند و بستگان را به واجبات دینی و ادا نماید و بدتر از هر گناهی. بد رفتاری با همسر و زیر دستان است. حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرماید: **كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَقْوَت**۔ رواه ابوداؤد۔

کفایت است در گناه کاری شخص اینکه کسانی را که در زیر نفقه او هستند ضائع سازد. و در حدیث صحیح است که حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: **خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ**. بهترین شما کسی است که بهترین شما در حق همسر و بستگانش باشد. **وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْثُرَ خَيْرُهُ فِي بَيْتِهِ فَلْيَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِمْ**۔

کسیکه بخواد خانه اش پر خیر شود موقع داخل شدن بنامه اش بر اهل خانه سلام

منساید
خدا اینا بما توفیقی ده تا به آداب شریعت آراسته گردیم. و بما توفیقی فرماتا
همه نسبت بهمدیگر همسایگان نگو کار باشیم.

افزیدگارا دلماهای ما از رحمت و مهر سرشار کن تا سگینان و افتادگان
خود را فراموش نکنیم.

بَارِئِهَا مَا مَوْقِفٌ بَدَارٌ تَابِرَ اِي اِي تَامِ مَسْلِيْنِ سِرِّ پَسْتَانِي مَخْلَصِ وَ غَمَّوَارِ بَاشِيْمِ
خدا اینا بهمه ما موعنی فرماتا در طاعت موفق و در زندگی سرفراز و در فرجام
بعاقبت خیر و در آخرت نائل بر رضای تو باشیم.

بَارِئِهَا اَمِيْدْ گَاهِ مَادِرْ گَاهِ تُو اسْتِ وَ چَارَه سَا زَا مَدِ دِ كَارِي تُو اسْتِ . اَو لِي
الامر و سردران ما در اجراء تعالیم عالیہ اسلام موفق بدار و ما مسلمانان را در هر دو جهان
نیک نجات گردان.

خدا اینا آمرزشت شامل حال ما کن تا همیشه از آمرزشت از محبوبان درگاہت

باشیم.

وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَيَّ سَيِّدِي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَ الطَّاهِرِينَ سُبْحَانَ
رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

رَبِّ الْعَالَمِينَ

بخش پنجم از کتاب موسوم به

طُرُقُ السَّعَادَةِ وَالسَّادُ

فِي إِصْلَاحِ الْمَجْمَعِ بِالْوَعظِ وَالْإِرشَادِ

۸۴- در شب عید و احیاء آن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی
سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِیْنَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ
عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی .

قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی «وَالْفَجْرِ وَلِیَالِ عَشْرِ»

قسم بپاداد و شبهای ده گانه . قصد از شبهای ده گانه . ده شب
اول ماه ذی حجه است زیرا در این ده شب است که مسلمانان از اقطار و اکناف
جهان برای عبادت پروردگار و زیارت قبله میروند کارهای خود را کنار میگذارند .
و از زیور و زینت های دنیا چشم می پوشند . با دو لنگ که یکی بپا و دیگری
بردوش می نهند با سر و پای برهنه . ابراز بندگی میکنند . در آن صحرائی پهنادر
عرفات که شباهت به صحراء محشر دارد .

عموم مسیلمین به تملیل و تسبیح و یاد خدا و راز و نیاز با او مشغولند . اگر در صنفهای
نماز از حیث لباس و وضع میان فقیر و غنی و شریف و حقیر تفاوتی باشد . در
عرفات همه آن تفاوتها برداشته میشود . برای یک هدف و در یک زمین
و برای خدای واحد الاحد . عبادت و بندگی را بجای آورند . اقوام مختلف طبقات
گونگون . همه هم زبان لَبَّیْكَ میگویند و بخاطر میآورند که در روز محشر با هم همه
فرق جمع گردیده و بحساب خود میروند و مسلمانان نشانه های وحدت را عملاً

مشاهده می کنند که برای مسلمانان خدایکی و قبله یکی و پیغمبر - و هدف در همه اعمال یکی است - زیرا در همه کار باید رضای خدا جست.

شخص مسلمان که چشم خود می بیند - باید سرسپردگی و بندگی را برای خدای یکتا قرار دهد - هیچگاه غیر از خدای واحد الاحد - دیگری را عبادت نمیکند زیرا غیر از خدا -

هر کس که باشد محکوم ببرگ است - و تنها خدا است که حتی لا یَمُوتُ میباشد در این نه روز اول ذی حجه - کس نیکه بتواند روزه بگیرد - روزه رفتن سنت است .

وروی ابوداود : أَنَّ صَاحِبَ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : كَانَ يَصُومُ تِسْعَ ذِي الْحِجَّةِ .

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود نه روز اول ذی حجه را روزه میگرفتند - از بین این نه روز اول ذی حجه در روز عرفه دارای فضیلتی بیشتر است - و اخرج مسلم عن ابی قتاده رضی الله عنه - عَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

إِنَّ صِيَامَ يَوْمِ عَرَفَةَ يُكَفِّرُ ذُنُوبَ سِتِّينَ سَنَةٍ مَا ضَيِّقَ وَسِنَّةٍ آتِيَةٍ
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: روزه داری روز عرفه کفاره گناهان دوسالی است - سال پیش و سال بعد -

اگر کسی به روز قیامت ایمان صحیح داشته باشد و بداند که در عالم آخری همیشه نتیجه کردارهای این جهان بدست میآید و بداند که گرانها ترین سرمایه عمر آدمی است هیچگاه از انجام طاعت در وقتهای با فضیلت غفلت نمی نماید -

اگر بخاطر بیاورید سال گذشته را - آیا لذتسا و در دلمی آن چیزی باقی مانده است - چیزی باقی نمانده است - مگر حساب و عقاب آن وقتی که در دنیا میباید حساب کرد دوام ندارد - و هیچ سختی و شدتی هم پایدار نمی ماند - و هنوز چشم بهم زده سالی به آخر میرسد - چه بهتر که از این سالهای عمر توشه ای بگیریم - در حقیقت بهترین توشه - ترس از خدای متعال است و لازمه ترس از خدا نکوکاری و آراستگی به فضائل اخلاق است -

و قتیکه در دین مبین اسلام دستور روزه میدهد - مقصود از آن عادت گرفتن بر ضبط نفس است که شخص مسلمان از لذت و آزار دیگران بپرهیزد - از این شبهای این ده روز سه شب فضیلت بیشتر دارد - و آن سه شب هشتم و نهم و دهم ذی حجه است - در شب نهم که فردای آن عرفة است - خیلی بجا است که شخص مسلمان در هر جا که باشد با حاضران عرفات همکاری نماید یعنی بعد از ظهر تا غروب را بیاد خدا و کاری که رضای خدا بیار آورد انجام دهد -

روی ابن عساکر عن معاذ رضی اللہ عنہ ؛ عَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 دَمَنْ أَحْيَا اللَّيَالِي الْأَرْبَعَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ - لَيْلَةُ التَّرْوِيَةِ وَ لَيْلَةُ عَرَفَةَ
 وَ لَيْلَةُ النَّخْرِ وَ لَيْلَةُ الْفِطْرِ) . أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

احیاء شبهای چهارگانه وسیله ثابت شدن بهشت برای احیاء کننده است -

شب هشتم ذی حجه و شب عرفة و شب عید قربان و شب عید فطر -
 و اخرج ابن ماجه عن ابی امامة رضی اللہ عنہ ؛ عَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

مَنْ أَحْيَا لَيْلَتِي الْعِيدِ مُحْتَسِبًا لِلَّهِ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ ﴿٥﴾

کسیکه دو شب عید به عبادت زنده داشت - خالص برای خدا تعالی - روزی که دلها می‌میرد دل او نمیرد - از بعد از نماز صبح روز عرفة - بعد هر نمازی تکبیر گفتن سنت است -

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ
وَلِلَّهِ الْحَمْدُ و این تکبیر از بعد از نماز صبح روز عرفة تا بعد از نماز

عصر روز سیزدهم امتداد دارد - در روز عرفة - خود شناسی و فکر به گذشته و آینده و نتیجه گرفتن از راهی که برای نکوکاری و نیک بختی باید پیش گرفت - و شناسائی خدا تعالی بطوریکه شخص مسلمان خدا را بر نفس و مال و عزیزان مقدم شمارد - در عرفة گذشته چه افرادی حاضر بودند که به صفحه اعمال شان خاتمه داده شد - اکنون در دل انبوهی از خاک بسرمی‌برند در چنان حالتی چه کسی به غم گساری حاضر است از چه کسی مددکاری ساخته است - جز خدا و دیگر اعمال خیری که خود شخص کرده باشد در روز عید - آداب مخصوص است - بدن شستن و نظافت کامل در نظر گرفتن - تن را بآب شستن و دل را با نور ایمان روشن ساختن و موقع بیرون آمدن از خانه بزبان آوردن که!

خدا ایا به امید رضای تو است که برای عبادتت آماده میشویم -
بگو و در گارا بما توفیق ده تا نعم عبادتت بنمائیم و حمد گردا دوست
بداریم - و همه در حق هم خیر خواه و مهربان گردیم - از غروب آفتاب شب عید
بترن و در همان تکبیر گفتن است و این تکبیر میماند تا نماز عید بعد از نماز عید و

هر نماز دیگری تکبیر گفتن سنت است تا بعد از نماز عصر روز سیزدهم.

معنی تکبیر:

خدا بزرگتر است از اینکه نگو کاران را خوار سازد.

خدا بزرگتر است از اینکه ریاکاران را نشناسد.

خدا بزرگتر است از اینکه اعمال خیر بندگان را ضایع سازد. و در

حدیث صحیح است که خدای عزوجل فرماید:

إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أَوْ قِيَمَاتُكُمْ فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ شَرًّا
فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. . . أو كما قال عليه الصلاة والسلام

خدای متعال فرماید: ای بندگان من چه در دنیا و چه در آخرت همه اعمال

خودتان است که می یابید هر چه از خوب و بد می بینید جزای کردار خودتان است.

اگر خوبی دیدید - ستایش خدای را بجا آورید که توفیق نگو کاری یافته اید. و اگر بد

دیدید خود را سرزنش کنید تا جلو خود بگیرید.

عید برای کسانی عید است که در روز عید بینوایان را بخاطر می آورند

افتادگان را بنظری آورند.

یتیمان را به لباس نوی و نخوش می سازند. و بیوگان و دربانان را

یاری و مددکاری میکند.

در این عید قربانی سنت است. قوزج وقتی که یکسال کامل داشته

باشد. بزرگاو وقتی که دو ساله باشند. و شتر موقعیکه پنج ساله شود در

قربانی کفایت می کند و وقت قربانی روز عید و سه روز بعد آن است.

در دین بین اسلام رحم و شفقت نسبت به همه چیز پسندیده است. جفقه
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرماید:

إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ وَإِذَا
ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ وَلْيَحِذْ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ وَلْيُرِحْ ذَبِيحَتَهُ. الحديث

خدای متعال خوبی را بر همه چیز نوشت. پس هرگاه کشتید کشتن را بخوبی
انجام دهید و هرگاه حیوانی را ذبح کردید ذبح و کار و دادن را بخوبی انجام دهید.
حیوان را قبل از ذبح آب و خوراک دهید. خواباندن حیوان به مهر و خوبی باشد
رو به قبله باشد. جلوه حیوان چاقو تیز نماید. و راحت حیوان را در نظر بگیرید. و
موقع ذبح بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ - اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَإِلَيْكَ فَتَقَبَّلْهَا مِنِّي.

خدایا این قربانی از نعمت های است که به اعطا فرمودی. و ما هم در راه
تو آن را قربانی نمودیم. پس پذیر از من. تا با حلیه قبول آراسته شود.
در روز عید بجا است که هر شخص نسبت بخانواده خود تا آنجا که مقدور دارد
گشاده دستی نماید. و زن و فرزند را در این روز بزرگ از مهر و محبت و احسان
دشاد سازد.

آنها یکی که توانائی قربانی دارند از قربانی نمودن غفلت نورزند که این
خود سنت موکده است.

کسانی که مقدورند بقرض کردن و قربانی نمودن لازم نیست. در رفتن
از راهی و آمدن از راه دیگر و فقرا را مدد کردن خود حکمتی دیگر است. زیارت

خویشاوندان وصله ارحام در روز عید موکد تر میگردد. زیارت اموات و خواندن
 قرآن و دادن صدقه و نثار روح آنان کردن در آن روز بزرگ پسندیده است.
 و هر کس باید بداند که نسبت به او همان میشود که او نسبت ب دیگران نموده است.
 کسیکه دست از خویشاوندان کشید و اموات خود را فاتحه و صدقه ای نرساند.
 بعد از خودش هم فاتحه و صدقه ای به او نخواهند رساند. وَأَخْرَجَ الْبُخَارِيُّ
 وَالْبَيْهَقِيُّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا السَّخَاءُ شَجَرَةٌ مِنْ
 أَشْجَارِ الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّيَاتٌ فِي الدُّنْيَا فَمَنْ يَأْخُذُ بِغُصْنٍ قَادَهُ هَذَا
 الْغُصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْبِخْلُ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ النَّارِ. أَغْصَانُهَا مُتَدَلِّيَاتٌ
 إِلَى الدُّنْيَا. فَمَنْ يَأْخُذُ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا قَادَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى النَّارِ.

سخاوت و کرم و ختی است از درختان بهشت که شاخه های آن در دنیا
 فرود آمده اند. هر کس بگیرد شاخه ای از آن شاخه ها را او را به بهشت رساند. و بخل
 و گرفته دستی و ختی است از درختان دوزخ که شاخه های آن در این دنیا فرود
 آمده اند و هر کس که شاخه ای از آن شاخه ها را بگیرد او را به دوزخ رساند.
 اما سخاوت نه در بریز و پیاش و بی تدبیری است بلکه سخاوت در دستگیری
 بینوایان - دغوش یتیمان - سرپرستی بیوگان - کارهای عام المنفعه نمودن
 است. و معلوم است که توفیق بر کارهای خیر و بزرگ نصیب کسانی است که
 از سخاوت بهره ور باشند.

خدا اینا به یتیمانی و توانائیت ایمان داریم و به امید رحمت بدرگاهت
 رو آورده ایم نه طاعتی شایسته داریم که در وجود خود غرور بیایم و نه از

پایان کار اطلاعی داریم که از مکر و غدا بت ایمن متبشینم - ترس از عقوبتت
 سرمای ما را فر گرفته است - دامید آرزشت و لهامی مارا امیدوار ساخته است -
 اعتماد ما بر مهر و رحمت تو است که از خردی ما بر آن پرورش داده ای - و وسیله
 ما احسان تو است که ما را به آن عادت داده ای - اگر برانی از درگنت رو نگردانیم
 و اگر بخوانی با نهایت شرمساری سر در برابر عظمت بر خاک نهیم -
 بخورد گارا از این مشت خاک چه کاری ساخته آید - و بجز از مددگاریت چه
 چاره ای فراهم گردد -

ای چاره ساز توانا اولی الامر و سروران ما را صلاح اعمال ده تا مجری
 فرمان تو باشند و عموم ملت اسلام را توفیق ده تا رضای تو بدست آورند -
 ای کار ساز مهربان عادت تو نبوده است که بندگان را خواری - و
 ای افریدگار تعالی شایسته عظمت تو چنان است که در دو جهان ما را
 شاد کام و نیک بخت فرمائی -

وَصَلَّى اللّٰهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
 وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
 وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۸۵- بهترین پیشه‌ها بازرگانی است که بخوبی

انجام گیرد. و وسیله تولید کاری برای

بیکاران باشد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی
سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِیْنَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَّلَامٌ
عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی ..

اَخْرَجَ الْاِیْمَامُ اَحْمَدُ وَالطَّبْرَانِیُّ عَنْ اَبِی بَرَدَةَ بَنِ نِیَارٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ
اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ: اَفْضَلُ الْكَسْبِ بَیْعُ مَبْرُوْرٍ وَعَمَلُ
الرَّجُلِ بَیْدِهِ

حضرت رسول الله فرماید: بهترین پیشه‌ها خرید و فروخت و داد و ستدی
است که بخوبی انجام گیرد و برابر دستور شرع باشد و بهترین کارها کار کردن شخص است
که بدست خود زندگی خود را تأمین نماید در هیچیک از ادیان. به اندازه اسلام تشویق
و ترغیب در پیشه و کسب و تولید کار نموده است. در دین مبین اسلام کسب و کار را بهترین

پیشینه ها دانسته است و خستگی از کار را باعث آمرزیدگی دانسته است.

روى الطبرانى عن عبد الله بن عباس رضى الله عنهما عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
مَنْ أَمْسَى كَأَلَا مِنْ عَمَلٍ يَدِيهِ أَمْسَى مَخْضُورًا لَهُ

کسیکه در اول شب از کار روزانه خود خسته باشد. اول شب برای او
مایه آمرزیدگی است. کسیکه شب و اگر در حالیکه از کارهای خود خسته است آمرزیده
گردیده است. دین مبین اسلام از بهترین کارها - کونک به کارکنان و تولید کار
برای بیکاران دانست. و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در بیان کارهای
پسندیده را فرمود: أَنْ تُعِينَ صَانِعًا أَوْ تَصْنَعَ لآخرق آنکه کمک سنانی
صنعتگری را یا کار بیاموزی بیکاره ای را. و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود: أَبْغَضُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ حَيْفَةً بِاللَّيْلِ وَبَطَالَ بِالنَّهَارِ - مبغوض ترین بندگان
نزد خدای متعال بنده ای است که شب مانند لاش افتاده باشد و روزها بیکار
باشد.

بیکارگی بدترین دروهای اجتماعی است. و هر فرد مسلمان باید بداند که در
دین مبین اسلام بیکارگی تحریم شده است. و هر فرد باید در برابر اجتماع دارای
کاری سودمند باشد. به تجربه ثابت شده است که بیشتر معاشی و مصائب
از ناحیه افراد بیکاره به اجتماع میرسد. برای اینکه اگر وقت در کارهای خیر بکار
برده نشد. در کارهای شر بکار برده میشود. اگر انسان به مجموع کائنات بنگرد.
هیچ موجودی را بیکار نخواهد دید. خورشید و ماه و ستارگان و ابرو باد و گیاهان و
جانوران همه کاری را که بعهده آنهاست انجام میدهند.

آنها نیکه با بی‌کارگی می‌خواهند نان خورند. در حقیقت افسرده‌ترین و سرفکننده‌ترین افراد اجتماع خواهند بود اما کار هم هر کاری از کارهای اجتماعی باید برابر دستور شرع باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّانِعَ الْمُتَّقِنَ لَصَنَعَتِهِ. (الحديث)

محقق است که خدا صناعت پیشه‌ای را دوست میدارد که صنوعات خود را محکم و خوب انجام دهد. در صنایع به محکم کاری و اخلاص و راستی. و در پیشه‌ها و در عموم کارها راستی و امانت و اخلاص را شرط اساسی موفقیت دانست و بهترین مسلمانان را افرادی دانست که دنیا و آخرت داشته باشند.

روى ابن عساکر عن أنس رضی اللہ عنہ قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم: لیسَ بِخَيْرِكُمْ مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ حَتَّى يَصِيبَ مِنْهَا جَمِيعًا

قَالَ الدُّنْيَا بِلَاغٍ إِلَى الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ عَلَى النَّاسِ - (الحديث)

حضرت رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرماید: نه از بهترین شماست کسیکه دنیا می‌خورد و باخاطر آخرتش ترک گوید و نه کسیکه آخرتش را باخاطر دنیایش ترک نماید. بلکه بهترین شما کسی است که از دنیا و آخرت بهره‌ور باشد. زیرا دنیا قوشه‌ای بسوی آخرت است. و هیچ‌گاه سر با مردم نباشید بلکه با داشتن کسب و کاری زندگی شرافتمندانه‌ای را برای خود تأمین کنید. و از این بالاتر: پیشه‌وران راستگو و با امانت و مسلمان را هم‌ترتبه شهیدان دانست.

روى ابن ماجه و الحاکم عن ابن عمر رضی اللہ عنہما عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم:

التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ الْمُسْلِمُ مَعَ الشَّهْدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (الحدیث)

بزرگانان و پیشه‌وران مسلمان و باامانت و راستگو همراه شهیدان هستند
در روز قیامت -

وروی البیهقی عن معاذ بنی الدعنه - عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم :
إِنَّ أَطْيَبَ الْكَسْبِ كَسْبُ التَّجَارِ الَّذِينَ إِذَا حَدَّثُوا لَمْ يَكْذِبُوا وَإِذَا أَوْتِنُوا لَمْ
يَخُونُوا وَإِذَا وَعَدُوا لَمْ يَخْلِفُوا وَإِذَا اشْتَرَوْا لَمْ يَدْمُوا وَإِذَا بَاعُوا لَمْ
يُطْرُقُوا وَإِذَا كَانَ عَلَيْهِمْ لَمْ يَمْظَلُوا وَإِذَا كَانَ لَهُمْ لَمْ يَعْسُرُوا .

پاکیزه‌ترین درآمد ها - درآمد بزرگانان و پیشه‌ورانی است که در خبر دادن
از جنس دروغ نگویند - و در سخن خود راستگو باشند - و هرگاه این دانسته
شدند خیانت نکنند - و هرگاه وعده دادند خلاف وعده نکنند - اگر شخصی گفتند
فرومای کار تو می‌آیم خلاف نکنند - اگر گفتند فردا لباس شما آماده است به پس
فردا نیندازند - اگر گفتند فردا درو پنجره آماده است - امروز و فردا نکنند که عمل به
وعد برای کاسبان نشانه ایمان داری است - و هرگاه چیزی خریدند به نگویش و
بدگویی از آن نپردازند - و در فروش زیاد از حد تجدید نکنند - و هرگاه بدی داشته
باشند بد ادانی نکنند و هرگاه طلب داشته باشند بدصکاران توان را نقشازند
لازمه هرکاسب کاری اخلاص و راستی است - اگر جنسی را فروختند که معیوب است
عیب آن را بگویند -

روى ابن ماجه - عنه عليه الصلاة والسلام : مَنْ بَاعَ عَيْبًا لَمْ يُبَيِّنْهُ

لَمْ يَزَلْ فِي مَقْتِ اللَّهِ وَلَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَلْعَنُهُ. (الحدیث)

کیا جنس معیوبی را فروخت و عیب آن بیان نکرد همیشه در شتم خدا بصری برد
و فرشتگان او را لعنت کنند۔

روزی حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم عبور میفرمود نظرش بر خرواری از
گندم افتاد۔ دست را به ته آن نمود دید که مرطوب است فرمود این چند نوع معامله
است۔ گفت یا رسول اللہ۔ باران به آن رسیده و نناک گشته است فرمود چرا مرطوب
آن را در بالا قرار نیدی تا مردم آن را ببینند۔ آنگاه فرمود: مَنْ عَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا
کیکه نسبت به ما مسلمانان غش نمود نه از ما مسلمانان است۔

حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم قسم را در معاملات تحریم فرمود:
رَوَى مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِيَّاكُمْ وَكَثْرَةَ الْحَلْفِ
فِي الْبَيْعِ فَإِنَّهُ يُنْفِقُ ثُمَّ يَمْحَقُ

حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: شمارا پرہیز کنید ہم از بسیاری
قسم خوردن زیرا قسم ممکن است جلب اعتماد خریدار نماید و کالار اراج
دهد۔ اما برکت را از آن خواهد برد و آن را ناپود خواهد کرد۔ و خریدار را از خریدی
که بقصد تلف کردن مال مردم بجزد نموده و فرمود:

وَأَيْتَارُجُلٍ اشْتَرَى مِنْ رَجُلٍ بَيْعًا. فَتَوَى أَنْ لَا يُعْطِيَهُ مِنْ ثَمَنِهِ شَيْئًا مَاتَ
يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ حَائِنٌ وَالْحَائِنُ فِي النَّارِ .

ہر شخصی کہ جنسی را از دیگری خرید نماید بقصد اینکه قیمتش را نپردازد و یا
اینکہ قسمتی از قیمت آن را ندهد۔ روزی کہ می میرد بحال خیانت خواهد مرد۔ و
خیانت کار در دوزخ است۔ و کم کردن کیل و وزن بعنوان مایہ فحطی و فشار

زندگی و حصول ستمگری یاد شده است.

رومی ابن ماجه و اسحاق کم عن ابن عمر رضی اللہ عنہما أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ خَمْسٌ خَصَالٌ إِذَا أَبْتَلَيْتُمْ بِهِنَّ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ تُدْبِرَكُوهُنَّ لَمْ تَظْهَرِ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ فَيَعْلَنُوا بِهَا إِلَّا فَنَشَا فِيهِمْ الظَّاعُونَ وَالْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ مَضَتْ فِي أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضُوا وَلَا يَنْقُصُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَشَدَّةِ الْمَوْتِ

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: ای مسلمانان پنج خصلت است که هرگاه به آنها دچار شدید و پناه به خدایم برم از رسیدن آنها. هرگاه عمل فاحشه و کارهای زشت در مردمی آشکار شد. بیماریها و دردهای گوناگون در آنان آشکار گردد. دردها و بیماریهایی که در گذشته گان نشان نبوده است.

و هرگاه مردمی کیل و وزن را کم نمودند عقوبت شان سالهای خشک و بی برکت و سختی مصارف و ستم دیدگی است.

کم کردن وزن خشک سالی و فشار زندگی و ستم دیدگی و انواع مصائب را بسیار آید و روند.

از دانشمندان بسیار روایت شده است که آنیکه به کم کردن وزن عادت بگیرند از گفتن لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ در موقع مرگ محروم میماند. مالک بن دینار گوید نزدیکی از همسایگان رفتم در حالیکه مرگ بپایین او آمده و در احتضار بود. در صد تلقین لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ به وی برآمدم. اما او میگفت که دو کوه از آتش

در جلوم قرار داده اند تا بر آن دو بالا روم.

مالک گوید از عمل او پرسیدم گفتند دو سنگ داشته است. در خرید سنگ کامل بکاری برده است و در فروش سنگ ناقص بکاری برده است تا از حق مردم کم نماید و انستم که حقوق مردم بصورت کوههای آتش قرار گرفته است تا عقوبت کم وزنی را به آتش گرفتن جبران نماید. چقدر بیچاره خواهند بود که کسانی که وزن را کم نمایند و دنیا و آخرت خود را تباه نمایند و در روز مرگ هم از لای الله الا الله گفتن محروم مانند کسب و کار حلال را به کم وزنی حرام سازند. بدانند که اندک بهترین را صهارا که خوردن از دست کار خود میباشد به کم وزنی از بدترین کارها ساخته اند.

روى الامام احمد و البخارى عن المقداد رضى الله عنه قال - قَالَ عَلَيْهِ

لِصَّلَاةٍ وَالسَّلَام: مَا أَكَلَ أَحَدَكُمْ طَعَامًا خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلٍ يَدِيهِ.

نخوردن است کسی خوراکی را که بهتر از دست رنج خودش باشد.

موقعیکه کار مشروع و همراه با راستی و اخلاص و امانت داری باشد.

خُذْ أَيْنَا بِمَا تَوْفِيقَ دِه تَادِرْ بَمِهْ كَارِ رِضَايِ تَوْجُو كِمِ وَ مَارَا مَدْفِرَا تَا تَا سْتَوْشِرْ نِعْمِيَّتِ

را بکار بندیم.

بِجُورِ دِ گَارَا مَارَا مَعُونَتِ فِرَا تَا كَسْبِ خُودِ رَا بِهْ اِمَانَتِ وَ رِاسْتِي آرَا سْتِهْ

داریم. و پیشه و کار خود را در راه مشروع بکار بریم. و به زیورِ اخلاص و درستى آراسته

سازیم

بِجَارِ اِهْنَا مَارَا اَزْ كِسْبِهَائِي تَارَا وَ اَدْوَرِ بَدَارِ - وَ اَزْ نَارِ اسْتِي وَ نَادِرِ اسْتِي حِفْظِ

فرما- دلہای ما را از نور ایمان روشن یساز و از صحت بلند و دور اندیشی برخوردار فرما-
دار فرما-

ای خدای مهربان ما را دنیائی ده که زندگی در آن همراه با سربندی باشد
و از روزهای گریبانهای عمر تو مشه ای برای آخرت اندوخته آید-

بجز درد گارا خورد و بزرگ ما را از ہمتی و راستی و ہمدستی بہرہ و گردان
و زندگی ما را از امانت و درستکاری پراز آسایش و شادمانی گردان-

افزید گاگا در ہمہ کار بہا عاقبت خیر عطا کن و در دم واپسین شادمانی
نیک فرجای عنایت بدار-

بیا الہا بہا ہمتی عطا کن کہ سعادت دنیا و آخرت بہا آورد- و عملی ارزانی
دار کہ رضای تو بہمراہ آورد- و عملی عنایت کن کہ شناسائی و دوستیت بہا
آورد-

ای بی نیاز دادگر از توانگری دسر افزای ما بہرہ و رساز و ای کار
ساز مہربان و دو جان را بانیک نخبی بہا ارزانی دار- اولی الامر و سروران ما را بر طاعت
موفق بدار- و عموم ملت اسلام را بہ شریعت محمدی پایدار بدار- کتاب مبین را آورد سر سہر جهان
منطقہ از سنت مطہرہ را از فتنہ تائیدت مؤید نما و ما را از رہبری قرآن و حدیث
بہرہ و رساز- و از پیروی کتاب سنت کامیاب گردان-

وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبَّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۸۶- درزناکاری- شرک بجز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَّلَامٌ عَلَي عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى .

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿

محقق است که مرد میکه دوست میدارند. فاحشه و عمل های زشت در میان مؤمنان بسیار شود. آنانند که لعنت شده اند در دنیا و آخرت و آنانند که برای شان عذابی بس بزرگ و هولناک است و خداوند خودش حقیقت حال میداند و شما نمیدانید
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُؤَبَقَاتِ قَالَ

يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ

(الشُّرْكَ بِاللَّهِ وَالسَّحْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَالتَّوَلَّى يَوْمَ النُّحُفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْعَافِلَاتِ).

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: دوری بجوئید از هفت گناه .

پناک کننده - گفتند یا رسول الله آن هفت گناه که امتد - فرمود:

۱- شرک آوردن بخدا تعالی -

۲- سحر و جادوگری -

۳- کشتن بناحق -

۴- رباخواری

۵- خوردن مال یتیم -

۶- پشت دادن در جهاد - و

۷- دشنام دادن به زنان پاکدامن با ایمان که از همه جایی خبرند -

دشنام دادن وصحبت همتا و اپشت سر زنان پاکدامن از گناه هلاک

کننده است - وقتی که سخن ناروا شد - باید عقل و منطق بکار برده شود و از

انتشار و پراگندن هر خبری ناروا باید پرهیز کرد چه بسا کسی که دست شان به دامن

زمانی نرسد و میکوشند تا راه بدنام کردن آنان - مقاصد پلید خود را عملی سازند -

دفاع از ناموس مسلمانان و جلوگیری از انتشار خبرهای ناروا برای حفظ آبروی مسلمین از

مؤکدترین واجبات است - در هر اجتماعی دو امر مایه سعادت اجتماع است :

شرم و حیا در زنان که آنان را از موارد تممت دور بدارد -

دوم غیرت مردان که بستگان خود را حفظ کنند و نگذارند وسائل آبرو

ریزی فراهم آید -

بیشتر داستانهای غم انگیز برای مردمی است که حفظ بستگان خود نمیکند - هرگاه

خانواده‌های به پاکی معروف باشند افراد خدا شناس و غیرتمند باید مانع اقرا و سفیه

شوند تا هر چه بر زبان شان آمد بدون تحقیق پراگنده نکنند و از ابتدار با برابر از نصیحت و

غنخواری از پیش آمد بی ناگوار جلوگیری کنند - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى :

« لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ » (النساء: ۵۸)

خدا دوست نمیدارد گفتار زشت را بلند و آشکارا صحبت کردن. مگر کسیکه ظلم با او شده که در دادخواهی میتواند از ظلم بنالد و بدبیمای او را بشمارد. اما صحبت ناروا پیش کردن بدون تحقیق در حقیقت برای انتشار فحشاء و زشتیهاست که مایه لعنت و نفرین در دنیا و آخرت است.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى « وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا » (الاسراء: ۳۴)

خداوند تعالی فرماید: نزدیک مشوید به زنا کاری زیرا زنا زشت ترین کارها و پزیرین راههاست.

فرمود: نزدیک مشوید به زنا کاری تا هر شخص از کارهای که انسان را به زنا نزدیک میسازد دوری جوید کلمات زشت و حرفهای پوچ و سخنان بهوده امی را که نزدیک کننده به زنا باشد تحریم فرمود زنا زشت ترین کارها دانست زیرا از بین تمام معاصی معصیتی که جبران ناپذیر باشد زناست.

اگر شخص مالی را به زور گرفته باشد میتواند آن را به صاحبش پس دهد و یا اگر تلف شده باشد عوض آن پس دهد. اگر شخص به دیگری ناسزا گفته باشد. میتواند با حلال بودی خواستن و رضای او جبران نمودن. حتی اگر کسی شرک آورده باشد میتواند به اسلام آوردن از عقوبات شرک رهایی یابد. اما زنا که بصحیح وجه جبران پذیر نیست. زنا کار ایمان خود را بر باد میدهد و با عمل زشت خود عفت و پاکدامنی افرادی را نابود میسازد و بار تکاب فحشاء سعادت خانوادگی را از بین می برد و با ایجاد فرزندان حرام

نسب افراد تغیری یابد. و کسانیکه حقی در میراث ندارند به میراث میرسند. و کسیکه مستحق میراث هستند از میراث محروم میشوند.

با تناسل فرزند حرام و نباله معصیت ادامه می یابد. زنا کار از صبر و محبت به همسر دست میکشد و برای همسر و فرزندان خود مقدمات فساد را تهیه مینماید. و شوم معاصی دست آخر زنا کار را گرفتار میسازد نه از راه حلال بود و خواستن امکان جبران آن است نه از طریق اقرار تلافی آن امکان می پذیرد.

بیماریهای گوناگون

بد بختهای پی در پی

از دست دادن شرافت

و گرفتاری دنیا و آخرت

همه نتیجه لحظه ای لذت زودگذر از راه حرام است. شرک و قتل نفس

همراه زنا کاری است.

شخصیکه نیروی ایمان در وجود او قوی باشد کجا ممکن است به زشت ترین کارها که عمل زنا است تن در دهد. در عمل زنا - شریک برای خدا ساختن است. زیرا زنا کار خلاف خدا مینماید. و هوای نفس را خدای خود میسازد و از آن پیروی مینماید. در عمل زنا قتل نفس میباشد. آلودن خود بمعاصی و از دست دادن ایمان و مستوجب شدن عذاب آتش و از دست دادن رضای خدا در حقیقت قتل نفس خود میباشد. آلودن دیگری بمعاصی و از بین بردن شرف و عفت او قتل نفس او میباشد. اگر فرزند حرام بوجود آید و از بین برده شد قتل نفس طفلی دیگر محقق

میگردد. بهم ریختن نسب خود و بدگیری چسپاندن فرزند حرام قتل نفس دیگری است. و به این ترتیب شوم این معصیت همیشه میماند و ناراحتیهای فراوان و فقر و بیماری و نابودی ایمان و خیانت به نفس و اجتماع و همسر و فرزندان - بدبختیهای را به بار آورد که از شمار بیرون است. زیرا خدای متعال شهوت نکاح را برای پاکدامنی و ایجاد نسل و بوجود آوردن فرزندان سر بلند و نکو کار قرار داد. یا پس از مرگ شخص - اعمال خیر فرزندان باشد صدقه جاریه روان شخص را شاد سازد. نه اینکه لذت لحظه ای مایه فرزند حرام و اختلاط انساب و لعنت های پی در پی برای شخص باشد.

بهترین راهها را خدای متعال در زنا شونی و نکاح قرار داد. تا زعفت و پاکدامنی و ایجاد خانوادگی پراز مهر و محبت و بوجود آمدن فرزندان خدا شناس - هر لحظه نفع شخص چندین برابر گردد که اندکی بصیرت داشته باشد. و عاقبت زنا کاران را بخاطر آورد. و گرفتاریها و بدبختیهای که پیوسته نصیب آنچنان اشخاص است بیاد آورد هیچگاه گرد زنا نخواهد گشت. گفتیم زنا و قتل نفس و شرک بخدا همیشه همراهند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ
الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ
لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَيَّأًا (الفرقان - ۶۸-۶۹)

خداوند متعال از بین بندگانش - مردمی را می ستاید که هیچگاه همراه خدای
متعال خدای دیگری نخوانند بلکه دعا و خواهش شان از خدای متعال باشد و پس و امر
پروردگار را گردن نهند و هوای نفس هرگاه در راه حرام باشد اطاعت نکنند

و از بهای نفس خود خدای دیگری نازند -

زیرا محقق است اگر کسی در همه راه فرمانبر حق تعالی باشد - خدای متعال هم
همه دعاها را بپذیرد - خداوند مومی را به بندگی می پذیرد که غیر از خدای کیتا خدای دیگری
نداشته باشند - و قتل نفس بناحق مرتکب نشوند - و زنا نکنند -

زیرا زنا از طریق اطاعت هومی و خلاف خدا تعالی پیش آید و این خود
نوعی شرک است - و زنا قتل نفس است زیرا کسیکه بخاطر لحظه ای عمل زنا - خود را
بخشم خدا و عذاب آتش دچار ساخت خود را قتل نفس کرده است و کسیکه زنا نمود
و یا قتل نفس مرتکب شد و یا شرک بجدا آورد به عقوبتهای فراوان برسد -

حسرتِ تباہی عمر -

حسرتِ از دست رفتن ایمان -

حسرتِ خیانتِ نفس -

حسرتِ افتادن در خشم خدا تعالی -

آتش هائی است که مزید بر آتش دوزخ خواهد بود - و رسوائی این دنیا و فضیحت آن
جهان کافی است که درس عبرتی باشد -

و روی البخاری و مسلم و الامام احمد و الترمذی و النسائی عن عبد الله بن مسعود

رضی الله عنه قال : سألت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : أي الذنب
أعظم ؟ قال أن تجعل لله نداً وهو خلقك ؛ قلت إن ذلك لعظيم قلت
ثم أي قال أن تقتل ولدك مخافة أن يطعم معك - قلت ثم أي قال
أن تزني في حليلة جارك -

عبداللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ گوید از رسول اللہ پر سیدم بزرگترین گناہان کدامند؟ فرمود آنکہ برای خدا شرک آوری در حالیکہ او تورا آفرید گفتیم در حقیقت شرک بجزا گناہ بسیار بزرگ است۔ گفتیم دیگر چه گناہی بزرگترین گناہ است۔ فرمود زنا کردن بہ زن ہم سایہ۔

ہمانطور کہ در آیہ قرآن کہ یاد شد شرک و قتل و زنا ہمراہ بود۔ در این حدیث ہم شرک و قتل و زنا ہمراہ یاد شد کہ زنا کاری از طرفی مانند شرک بجزا است۔ و از طرف دیگر قتل نفس میباشد۔

در وی ابوداؤد و الترمذی عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم: لَا يَزْنِي

الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يُسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يُسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ۔

حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرماید: زنا کار زنا نمی کند مگر این کہ در حال زنا ایمان ندارد۔ و دزد در حال دزدی ایمان ندارد۔ و شراب خوار در حال شرابخواری ایمان ندارد۔

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ. الْمَقِيمُ عَلَى الزَّانَا كَعَابِدِ وَثْنٍ۔

کسی کہ بہ زنا کاری ادامہ دهد مانند بت پرست خواهد بود۔

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: مَا مِنْ ذَنْبٍ بَعْدَ الشِّرْكِ أَكْثَمَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ نُطْقَةٍ وَضَعَهَا رَجُلٌ فِي رَجْمٍ لَا يَجِلُّ لَهُ۔

نیست گناہی بعد از شرک بجزا کہ بزرگتر باشد نزد خدای تعالی از لطفہ ای کہ شخص در رحمی نهد کہ برای او حلال نیست۔

زناکاری بعد از شرک بزرگترین گناهان است. زیرا شخص نطقه خود را در رحم و بچه دانی
قرار میدهد که برای او روانیت. و روی احکام

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: (مَنْ زَنَى أَوْ شَبَّ الْخَمَ نَزِعَ مِنْهُ الْإِيمَانُ كَمَا
يَخْلَعُ الْإِنْسَانُ الْقَمِيصَ مِنْ رَأْسِهِ)

کسیکه زنا نمود یا شراب خورد کنده شده است از او ایمان همانطور
که شخص جامه را از سر بیرون میآورد.

وَوَرَدَ أَيْضًا: إِنَّ مَنْ يَزْنِي بِامْرَأَةٍ مِنْ وَجْهَةٍ كَانَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهَا نَصْفُ
عَذَابِ هَذِهِ الْأُمَّةِ لِي الْقَبْرِ.

محقق است هرگاه شخصی یا زن شوهر دار زنا نمود بر آن زن و مرد زنا کار بر
اندازه نصف عذاب همه امت در قبر معذب گردند.

کسانیکه از فضل خدای متعال از زنا محفوظ مانده اند بشکرانه این توفیق
هرگز گرد زنا کاری نگردند. و آنانیکه ضعف ایمان و خداناترسی سبب شده است که
خود را آلوده کنند. بخود آیند و جلو خود بگیرند. پیش از آنکه بدبختی های هولناک
او را در بگیرد. افرادی که در پیری دچار انواع بیماری میگردند. افرادی که به عاقبت
در بخیری از دنیا میروند. آنانیکه در سن کمولت و وقت استراحت دچار ناراحتی ها
میشوند همه افرادی هستند که جوانی خود را بمعاصی آلوده کرده اند. و خلاصه هیچ سرمایه
ای مانند ترس از خدا و خودداری از معاصی نیست. آنانی که عاقبت بخیر نخواهند
و آنانیکه زندگی مشرفتمندان می جویند. و افرادی که مانکنند در دنیا و آخرت رستگار
باشند از خدا ترسند و خود را به آلودگیها و شوم پایان ناپذیر زنا کاری آلوده نازند.

خداوند بسمه ما توفیق دهد که قدر عافیت بدانیم و نعمت الهی خداوندی را در راه طاعتش
بکار بریم.

خدا یا دستهای مسکنت بدرگاه تو فراداشته ایم و دل‌های خود را به
مهر تو روشن ساخته ایم تا عصمت و عفت را با ارزانی فرمائی و از نکوکاری و
مارا از بندگان فرمانبر و مطیع بشمار آری.

پیکر در گداز طاعت موثقی فراهم میاید که معونت تو مددگار ما باشد و پاکدانی
و رستگاری وقتی محقق شود که عنایت تو شامل حال باشد.

افزید گداز ما را بنفس اماره پیروز با ز تاهمواره فرمان تو را گردن نهیم
و ابلیس را بر ماتل طی قرار ده مباد که در دم واپسین دشمن شاد گردد.

بیا الهنا سروران اولی الامر ما را توفیق ده تا مجری تعالیم قرآن باشند.
ای خدای مهربان در دو جهان ما را رستگار و نیک بخت فرما که ما را
توانائی بر عذاب نیست از خردی ما را به لطف و رحمت پرورش داده ای عاقبت
ما را هم به مهر و رحمت بخیر بگردان که فضلت بشمار و احسانت بیکران است.

وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۸۴- فضیلت درود بر پیغمبر و آل و اصحاب او

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ..

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب - ۵۶)

محققاً خدا و فرشتگانش درود میفرستند بر پیغمبر بزرگ اسلام - ای آنانیکه ایمان آورده اید صلوات و سلام را نثار پیغمبر بنمائید - و درود و سلام بر او فرستید -

در میان تمام پیغمبرانی که برای بشر آمده اند - هیچ پیغمبری به اندازه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم رنج و محنت را تحمل نشده اند - در شیر خواری پدر را از دست داد و پستی را تحمل گردید - در کودکی مادر را از دست داد و با زهم از مهر و شفقت مادری دور شد - در بهشت سالکی جد خود را عبدالمطلب که مانند پدر او را سرپرستی میکرد هم از دست داد - و با اینکه به کفالت ابوطالب در آمد - باز هم مجبور شد از راه چوپانی معاش خود را تأمین نماید - موقمیکه در بیت و پنج سالگی

بود و با خدیجه از وواج که چند سالی از ازدواج گذشته بود که با مبعوث شدن به پیغمبری تمام دنیا بر علیه او قیام کرد. و هر روز از زحمات و مشکلاتی که برای خود او و اهل بیت و یارانش روی میداد کوه را از جای میکند اما باز هم نمی توانست بجند و در شفقت را از ازلبان مقدّس حضرت رسول الله دور سازد.

ده سال مبارزه با همه گروه کفر و پراگندگی بسیاری از یارانش سوی بعثت همسر و فادارش خدیجه و عموی مهربانش ابوطالب را از دست داد. زیرا سه سال محاصره کافران که حضرت رسول الله و همراهانش مجبور به تغذیه از برگ درختان نمود. قوای آنان را به تحلیل برد. و بعد از بیرون آمدن از محاصره که در شعب ابی طالب بود. بسیاری از همراهانش زندگی را یارده و گفتند. محاصره حضرت رسول الله و یارانش سه سال نتوانست ایمان پیغمبر که معلوم. نتوانست ایمان یاران پیغمبر راست نماید و معلوم است که خلفا در اشدین در همه این رتبه شریک پیغمبر بودند. حضرت رسول و بلال به طائف رفتند. تا تقیف را بسوی اسلام دعوت کنند. هیچگونه استقبالی از پیغمبر نمودند که معلوم. خرد سالان را گفتند تا رسول سنگ اندازی کنند و با اینکه بلال رضی الله عنه خود را در جلو پیغمبر میگرفت تا سنگها به او آید. و به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نرسد.

اما باز هم پس پای پیغمبر صلی الله علیه و سلم خون آلود شد با آن حال در موقع مراجعت از طائف. با حال خستگی و گرسنگی و پاهای خون آلود. رو بسوی خدا نمود و گفت:

اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ عَلَيَّ غَاظِبًا فَلَسْتُ أَبَائِي - خدایا اگر تو بر من خشمگین نباشی

از رنج و محنت خود پروا ندارم. سیزده سال در مکه مکرّمه همه کافران از دشمنی با او یسح فروگذار نکردند. اما او بازم از دعای خیر به ایشان فروگذاری نفرمود. و هرگاه از حکمت دعای خیر برای آنها از ایشان پرسیده میشد میفرمود:

”من امیدوارم که خدای متعال فرزندان شان را به هدایت برساند“

موقع هجرت حضرت رسول اللہ - برای آوردن سر او و ابی بکر صدیق - جانزه معین شد.

در مدینه منوره در ظرف ده سال هشتاد بار شکرش فرمود و آتی نیاورد
در روز بدر که از کمی یاران خود و بسیاری گروه کفر بیناک بود و هر لحظه رو بخدا
میاورد و میگفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي تَهْلِكُ هَذِهِ الْعِصَابَةَ فَلَنْ تَعْبُدَ بَعْدَ الْيَوْمِ -

اگر این گروه اندک که با من همراهند نابود شوند بعد از این کسی تو را
عبادت نخواهد نمود - و موقع پیروزشدن در بدر -

هنوز بدینه عودت نفرموده بود که مرگ یکی از فرزندانش بر وی ابلاغ
شد - و همین طور پر سختی پس از سختی و رنجها تحمل میگشت و هیچگاه شکایت حال
یا ناله و فغان از ایشان شنیده نشد -

وقتی که فرزندان رایگی از پس دیگری از دست داد - خود را به فرزندان
فاطمه سرگرم نمود که باز هم از طریق وحی مشکاتی که آنان با آن روبرو خواهند شد به
وی ابلاغ گشت - و سال هشتم که فتح مکه دید و پیروزی درخشان اسلام را داشت
بیماری آنحضرت شروع شد و در آن موقع از فشار درد ما دست به سر میگرفت و

میفرمود و اگر بانه چنین عظمتی با این همه خدمت از ترس خدای متعال بر خود میلزید. و در
پیشگاه پروردگار متعال از شرمساری خود سخن میراند. و آیه. از سوره

﴿ قُلْ إِنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴾ (الأنعام - ۱۵)

بلگو که من اگر نافرمانی پروردگارم نمایم می ترسم از عذاب روزی بس بزرگ.
این است که خدای متعال درباره او فرمود:

﴿ وَأَنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ ﴾ القلم - ۴

و محققاً تو یار رسول الله و ارامی اخلاقی بس بزرگ هستی.

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ
وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا - لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَسَعْدَيْكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ
أَخْرَجَ الْبَيْهَقِيُّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ
الصَّلَاةَ عَلَيَّ كَقَرَارَةِ لَيْلٍ وَزَكَاةٍ فَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: درود فرستید بر من.

زیرا درود فرستادن تان بر من وسیله ای است برای کفاره شدن و مایه
پاکیزگی است. پس کسیکه یکبار بر من درود فرستد. خداوند ده بار او درود
فرستد.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: ثَلَاثَةٌ تَحْتِ ظِلِّ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَجَلَّ
يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: قِيلَ مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ مَنْ فَرَّجَ عَنِّ مَكْرُوبٍ

مِنْ أُمَّتِي وَمَنْ أَحْيَا سُنَّتِي وَمَنْ أَكْثَرَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ).

سه شخص هستند که در سایه پروردگار باشند - روزی که بجز سایه او سایه دیگری نباشد - گفته شد یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ فرمود:
کسی که گشایش در کار محنت رسیده ای از اتمم نماید -
کسی که سنت مرا احیا کند -
و کسی که بسیار درود بر من فرستد -

رسیدن به فریاد محنت زدگان و احیاء سنت پیغمبر و تشویق برای پایداری بر آن - و درود بسیار فرستادن برخاتم پیغمبران - کارهای است که شخص را در سایه خدا آرد - و از بیمهای هولناک روز قیامت آسودگی بخشد - و در نزدی از ابی بن کعب رضی الله عنه روایت میکند:

فَقُلْتُ اجْعَلْ لَكَ صَلَاتِي كُلَّهَا قَالَ إِذَا تَكْفَّرَ هَمَّكَ وَيُغْفِرَ لَكَ ذَنْبَكَ
گفتم همه درودهایم را نثار تو کنم یا رسول الله - فرمود: آنگاه خاطر
آسوده خواهد شد و گناهت آمرزیده -

و روی ابن ابی عاصم أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَنَّ بَخْلَ النَّاسِ؟ قَالُوا بَلَى
یا رسول الله قال مَنْ ذَكَرْتُ عَنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ قَدْ لَكَ أَبْخَلُ النَّاسِ
آیا خبر ندادم شمارا به بخیل ترین مردم گفتند بله یا رسول الله - فرمود کسی که نام من
نزد او یاد شد و درود بر من نفرستاد - پس او بخیل ترین مردم است اگر هر مسلمان
زبان خود را به یاد خدا و درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم مشغول میداشت بسیار
از گفتارهای حسد آمیز و غیبت برداشته میشد - در روزگاری که غیبت کردن و

حسد مانند آب خوردن شده است و مهمترین وسیله تیرگی قلب گردیده است.
چا دارد که اشخاص موفق دلهای خود را به برکت صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
روشن کند. و تیرگی های ناشی از حسد و غیبت را از دل برون کنند و خود را آماده
پیروی از سنت مطهره محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم نمایند.

یکی از صاحبان پیشین میگوید عادت کرده بودم که درود بسیار ثار رسول
الله بنمایم. و مخصوصاً هر شب قبل از خواب زبان را به درود و سلام بر پیغمبر مشغول
میداشتم. شبی چشمم را خواب گرفت. و دیدم که حضرت رسول الله صلی الله علیه
و آله و سلم بر من وارد شد با ورود ایشان خانه پر نور شد حضرت فرمود دهن
را که درود بسیار بر من میفرستد بیا ورتا بهوسم از این فرموده ایشان مرا شرمساری
دست داد. سر را بریز افکنم حضرت رخسار مرا بوسید از خواب بیدار شدم
دیدم خانه از بوی خوش ایشان معطر است و مدتی اثر بوسه حضرت دلبو خوشی آن
بر صورت من باقی بود.

خُدائی متعالی، گلی مان را التوفیق دهد تا زبان را بیاد او و برد درود پیغمبر او
مشغول بداریم و دلها را از اخلاص برای خدا روشن سازیم. و نقد عمر را از آنچه مایه
خشم خدا میگردد محفوظ داریم.

خدا اینا یاد خودت و درود و سلام بر پیغمبرت و ثنا برد ستانت و درود
زبان ما باز. تا زبان را به حمد و ثنا و درود و سلام مشغول بداریم.
بجز در دگازا اگر ما را به عدل محاسبه فرمائی. رهائی نتوانیم و اگر بفضل و
رحمت بر ما منت گذاری همه سلامت شویم.

بَارِئَاتِنَا مِنْ ذُرِّيَةِ رَحْمَتِ قَطْرَةِ آيِ بَرَاءِ دَلَمَائِ مَابِيفْشَانِ - وَازْ نُورِ مَحَبَّتِ
قُلُوبِ مَارَا رُوشَنِ گِرْدَانِ .

اَفْرِيدْ گَارَا پِیرومی سَنَتِ مَطَرُهُ مُحَمَّدِ مِصْطَفٰی طَرِیْقَةُ مَآگِرْدَانِ کِه بَرِاینِ طَرِیْقَةُ بَدَنِیَا
آمَدِیمْ وَآرْزُو دَارِیمْ بَرِ اِیْمَنِ طَرِیْقَةُ پَایِدَارِ بِنَاغِیمْ -

اَیْ کَرْدَرْدِ گَارَقَوَانَا تَا وَجُودِ کَانَاتِ از جُودِ تُو بَیْرَه وَرَاسْتِ - وَتَا دُو جِهَانِ
از فَرْمَانِ تُو دَرِ چَرِخِشِ اسْتِ - هَر لِحْظُهُ بِشِمارِ هَمَه کَانَاتِ دَر دُو سَلَامِ نِشَارِ بِنَغِیْرُو
اَلِ وَاصِحِ لَبْسِ بَدَارِ - وَاز رِضَایِ اُو تَحْقِیقِ شِفَا عَشْتِشْ بَر مَآ فَرَاغِمْ اَر تَا دَر دُو جِهَانِ
نِیکِ نَجْتِ بَاشِیمْ -

اَیْ خُذَائِ مَهْرَبَانِ سِرورَانِ اُولِیِ الْاَمْرِ مَارَا مَوْفِقِ گِرْدَانِ تَا نَاشِرِ دُجْرَبَا اِحْکَامِ
وَکِتَابِ وَسَنَتِ بَاشِندْ - وَبِاعْنَا یَتِیِ فَر مَآ تَا دَرِ هَمَه حَالِ از رِضَایِ تُو بَیْرَه دَر بَاشِیمْ .
وَدَر اَجْرَارِ فَرْمَانِ تُو بَکُوشِیمْ - وَهَالِ عَمْرَا دَر خُوشِ شُودِیِ تُو بَکُوشِیمْ -

وَصَلَّى اللّٰهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبَّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلٰی الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۸۸- توبه

اما چگونه باید باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ يَحْفَظُ عِبَادَهُ
بِرَحْمَتِهِ السَّابِقَةِ وَيَذْفَعُ الْبَلَاءِ وَالْمِحْنَ بِعِنَايَتِهِ السَّابِقَةِ وَأَشْهَدُ أَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يَحْفَظَ أُمَّتَهُ مِنَ الْفِتَنِ إِذْ عَجَزُوا
بِضَعْفِهِمْ فَكَانَتْ حِمَايَتُهُ الرَّادِعَةَ - اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا
مُحَمَّدٍ كُلَّمَا ذَكَرَكَ وَذَكَرَهُ الذَّاكِرُونَ وَكُلَّمَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِكَ وَ
ذَكَرَهُ الْغَافِلُونَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ أَمَا بَعْدُ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى
﴿ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾

(النور - ۳۱)

خدای عزوجل فرمود ای مومنان هرگلی توبه کنید و رجوع کنید بدرگاه خدای
متعال تارستگار شوید. دانشمندان گفته اند توبه واجب است از هر گناه اگر گناه میان
بنده و خدای متعال باشد. و همچگونه تعلق به حقوق بندگان نداشته باشد.
شرط وارد.

یکی اینکه خود را از گنهکاری حفظ نماید و بیشتر آن گناه را نکند.

۲- آنکه از گردن گناه پشیمان شود -
 سوم اینکه تصمیم بگیرد که هیچگاه بسوی آن گناه برنگردد -
 و هرگاه در یکی از آن سه شرط خلل آمد - آن توبه صحیح نیست - و هرگاه گناه
 تعلق به حق آدمی داشته باشد چهار شرط -
 یکم نگهداری خود از تکرار آن گناه -

دوم پشیمانی

سوم عزم بر اینکه بیشتر بسوی آن گناه نرود -

چهارم بیرون آمدن از حق صاحب آن -

اگر مال کسی در دست او باشد به صاحبش برگرداند و اگر پشت کسی بدگفته باشد
 یا ناسزا و دشنام به کسی داده باشد از او طلب عفو و گذشت نماید - هرگاه از بعضی از
 گناهان خود توبه نمود توبه او از آن گناهان صحیح است و باقی گناهان در گردن او است -
 آیات قرآن و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم همه صراحت دارد که توبه واجب
 است - قال الله تعالی:

﴿وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ﴾ (هود - ۳)

طلب آمرزش نماید از پروردگارتان و رجوع به درگاه او نماید

وَقَالَ تَعَالَى ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾ (التحریم - ۸)

ای مردمیکه ایمان آورده اید توبه نماید توبه نصوح و رجوع نماید پرگاه خدا
 متعال - توبه نصوح آن است که شخص مسلمان از هر گناه توبه نماید و توبه خود را حفظ نماید و
 دوباره بسوی معاصی عثرت نکند -

يقول رسول الله صلى الله عليه وسلم: وَاللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ
إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً. (رواه البخاری)

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: قسم بخدا که من بحقیقت طلب
آمرزش مینمایم از خدا و رجوع میکنم بدرگاه او هر روزی بیش از هفتاد بار. و در حدیث
است: إِنَّ اللَّهَ يَسْبُطُ يَدَهُ بِالْفَخَّارِ لِيَتُوبَ مَسِيءُ اللَّيْلِ. وَيَسْبُطُ يَدَهُ بِاللَّيْلِ
لِيَتُوبَ مَسِيءُ النَّهَارِ. الحديث - (رواه مسلم)

خدای متعال دست آمرزش را به روز میگذشاید تا بدکاران شب توبه کند و رو
بدرگاهش آورند و به شب دست بخشایش را میگذشاید تا بدکاران روز توبه کند و رو
بدرگاهش آورند.

ای مردم شما چشم خودی بینند که بی آبی و خشکالی تا چه حد بر شما سخت
گرفته است آیا هیچ بفرخوریشان و یتیمان و ضعفا و بیماران و ستمندان هستید. چشم
خودی بینند که زلزله بطرز هولناکی اعلام خطر نموده است. آیا باز هم میخواهید غفلت
را کنار نگذارید. شهری که هیچگاه سابقه میخوارگی نداشته است. اکنون ماهیانه یکصد
هزار تومان صرف مشروب میشود جوآنان که باید مایه افتخار اجتماع باشند. امروز مایه
ننگ در سوئی هستند. عال بدبختی جوآنان پدران و مادرانی هستند که فرزند وزن فرزند
را در خانه خود جای میدهند. و مصارف شان را می پردازند. در نتیجه دستمز و فرزندان شان
که مصرفی شروع ندارد. در برابر مصرف میشود. مادران بیسواد بجای ایجاد مسئولیت در
فرزندان و جدا کردن شان تا تحمل مصارف زن و فرزند. آنان را به هوش آوردند. و
آنچه بدست می آورند در نطقه همسر و فرزندان بکار برند. آنان را در خانه خود جای میدهند

و مصارف شان را بر پدر بدبخت تحمیل میکند و در نتیجه مستی جوان بدبخت را بسوی انحراف می کشاند. پدرانی که پسران منحرف و الکلی را در خانه جای میدهند مسئول گناهان آنان در برابر خدای متعال هستند. چرا باعث بدبختی فرزندان خود میشوید. چرا در فرزندان خود ایجاب مسئولیت نمیکنید. چرا فرزندان خدا ناشناس و منحرف را در خانه خود جای میدهند. موقعیکه پای تان بر لب گور است چرا ب فکر چاره نمی افشید. نه از خردی فرزندان درصد میشوید که آنان را دیندار بار آورید. و نه در موقع تحصیل کوشش میکنید که افرادی باسواد باشند نه موقعیکه فرزندان دارایی زن و فرزند شدند. آنان را وادار میکنید که احسان مسئولیت نکنند. آیا مگر تصمیم گرفته اید که خود را خسر دنیا و الآخرة کنید. آیا عزم نموده اید که دشمن فرزندان خود باشید و آنان را بدبخت کنید. اتفاق برستمندان و ضعیفا کنار گذاشته اید. اگر مصرف ما میان میتیمی از شما خواسته شد برگ خود را نمی میشوید. و به کمک یتیم حاضر نمیشوید اگر خویشاوندان از فشار فقر و بیماری تلف شوند پروائی ندارید اما باشد که اتفاق بر فرزندان غول مانند در راه مشروب و قمار کنید. حواس شما چه شده است. ایمان شما کجاست.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» آل عمران - ۱۰۴

باید باشند از شما مردمی که دعوت کنند بسوی خوبی و باز دارند از بدی و آنانند که رستگاران هستند.

وَقَالَ تَعَالَى «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» آل عمران - ۱۱۰

شما بهترین امتی هستید که برون آورده شدند بر مردم. و ادا میکنید به خوبی. و
 جلوگیری کنسید از بدی. سبب برتری این امت در امر معروف و نهی از منکر است
 هرگاه شما امر معروف و نهی از منکر را از دست دادید. شرأمت هستید بهترین امت.
 گم امر معروف و نهی از منکر چه صعوبتی دارد. جلو خود را بگیرید. فرزندان را بخوبی یار آورید
 اگر هر کس خود و بستگان را به خوبی و امید داشت و خود و بستگان را از بدی باز میداشت،
 امر معروف و نهی از منکر به بهترین وجهی انجام میگرفت.

وَقَالَ تَعَالَى ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
 وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ التوبة - ۷۱

مردان با ایمان و زنان با ایمان. همدیگر را در امر معروف و نهی از منکر.
 مددکاری کنند مردان و زنان با ایمان دوستان و مددکاران همدیگرند. میکوشند
 تا خوبی انتشار یابد. سعی میکنند تا بدی و فساد ریش کن گردد. خداوند تعالی
 یهودیان را لعنت فرمود موقعیکه دست از امر معروف و نهی منکر باز داشتند و
 فرمود:

﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ المائدة - ۷۹
 جلو همدیگر را نمی گرفتند از زشتکاری. چه بد کرداری بودند که داشتند و بر خود
 لعنت و نفرین خدا روا داشتند.

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 قَالَ مِمَّنْ نَبِيَّ قَبْلِي بَعَثَهُ اللَّهُ فِي أُمَّتِهِ إِلَّا كَانَ لَهُ مِنْ أُمَّتِهِ حَوَارِيُونَ
 وَأَصْحَابٌ يَأْخُذُونَ بِسُنَّتِهِ وَيَقْتَدُونَ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِنَّهَا تَخْلَفُ مِنْ بَعْدِهِمْ

خَلُوفٌ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ وَيَفْعَلُونَ مَا لَا يُؤْمَرُونَ فَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِيَدِهِ
 فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِلِسَانِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَمَنْ جَاهَدَهُمْ بِقَلْبِهِ
 فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَكَيْفَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ حَبَّةَ خَرْدَلٍ - رواه مسلم

عبداللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ گوید رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: ہر پیغمبری کہ
 پیش از من بوده است - خواص و یارانِ داشته است کہ سنت اورا بگیرند - و فرمان او
 را گردن نهند - اما بہ مرور زمان بعدشان ناخلفهای می آمدند کہ می گفتند آنچه را کہ نمی کردند
 و میکردند آنچه را کہ بہ آن امر نمی شدند گفتہ شان با کردارشان مخالف بود و کردارشان
 با شریعت شان ناموافق بود نہ گفتار ارزشی داشت نہ کردارشان ارزشی می یافت چنین
 ناخلفهایی در ہر امتی کہ باشند ننگ اجتماعند - کسیکہ بہ دست خود با آنان جہاد کند
 مؤمن است - و کسیکہ با زبان خود با آنان جہاد کند مؤمن است و کسیکہ با دل خود با
 آنان جہاد کند مؤمن است و نیست بعد از جہاد بہ قلب بہ قدر خردل دانہ ای از
 ایمان -

وَعَنْ حُذَيْفَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَالَّذِي
 لَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لِيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْتَ
 يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ ثُمَّ تَدْعُونَهُ فَلَإِنَّ حَتَّىٰ لَكُمْ . رواه الترمذی

حذیفہ رضی اللہ عنہ گوید: رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: قسم بہ
 آن خدای کہ روح من در دست او است یاید امر بمعروف کنید و از منکر
 جلو گیری کنید یا اینکه اگر امر بمعروف و نہی از منکر نکردید نزدیک میشود کہ خدا

عقابی سخت بر شما فرستد. و آنگاه دعا کنید و دعایتان به اجابت نرسد. آنانیکه حقوق فقراء در گردنشان است حقوق فقرا بپزدازند.

و هرگاه نپزداختند نتیجه اش انحراف فرزندان و بیماری بستگان و نیامدن باران و حوادث ناگوار است.

پولمائی که در راه مشروب و قمار و فحشاء صرف می شود همه پولهای ناپاکی است که شرکت یتیمان و خویشاوندان و فقیران در آن است. پدرائی که از میسوادی مصرف فرزندان ناخلف میدهند شریک معاصی آنان هستند. مادران بدبختی که انحراف فرزندان خودی بنیند و آنان را ملک می کنند قبر خودی کنند. و ریشخود بیرون می آورند.

ای مسلمانان کمی بهوش آید و به عاقبت خود بیندیشید. و جلو خود و بستگان تان بگیرید. و راضی مشوید که بجام گسختگی مایه بدبختی عمومی گردد. رو آوردن بخدا برای دنیا یتیمان و آخرت تان سودمند است. افراد دیندار و خدا شناس مورد اعتماد و مایه افتخار خواهند بود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ

فَإِنَّ آتُوبَ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ ۝) أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

وقتی که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم میفرماید: من روزی صد بار طلب مغفرت از خدا مینمایم و توبه میکنم. هر یک از ما باید اعمال خود را بخاطر داشته باشیم. و توبه را فراموش نکنیم. و محقق بدانیم که به ما نیرسد مگر ذر و مثقال کردارهای ما. چقدر فقیران بیمار و علیل موجودند. چقدر یتیمان بی سرپرست وجود

دارند. چقدر خویشاوندان ناتوان دارید. مگر چه کسی باید بفکر آنان باشد.
بیماریهای روز افزون. آشفستگی. بلاهاختک سالی. این همه مولود اعمال خودتان
هستند.

خودتان را اصلاح کنید.

فرزندان را نصیحت کنید.

هر کدام سخن تان نشنیدند آنان را از خود برانید. تا شریک معاصی آنها نشوید
مال را تا آنجا که خدا تعالی دستور داده است به مصارف آن برسانید تا انواع بلاها
صحت تان را نابود نکند. تا پیش آمدن اموال تان را از زمین نبرد.

کس نیکه سنگ وزن کم می کند. کس نیکه تمبر را بقیمت بیشتر از قیمتش
می فروشد. کس نیکه فرزندان را ناخلف می کند تا در زشتیها بکوشند.
کس نیکه مایه ضایع شدن فقر استند. همه عاصی خواهند بود که تناراه شان
توبه و انابت است و بیرون آمدن از حقوق مردم.

خدا اینا با نیاز کامل رو بدرگاهت آورده ایم و با پشیمانی و انابت رو
بدرگاهت آمده ایم. نه غرور طاعت داریم زیرا طاعتی نداریم افتقار بر پای ما گرفته
است و توبه از گناهان زبان حال ما گشته است اگر برانی جز بدرگاهت پناه می ندریم
بجز در دگارا ما را به احسان و فضیلت بخشای که تاب و توانی نداریم و ما را به
آزادمان مان معاقب مفرمای که طاقت آن نداریم تو ما را دستور دادی به امیداری
رحمت و ما بر امید رحمت آمده ایم تو فرمودی که توبه کنید و ما از صمیم قلب توبه نموده
ایم.

بِمَوَدِّكَ اَتَمُّنْ اَنْ عَقُوبَتُكَ تُوَسِّرُ اِيَّايَ مَارَا بَلْرُزَهْ دَرِ اَدْرَدَهْ اَسْتِ -
 اِيَّيْ چَا رَهْ سَا زِ گَرَهْ اَزْ كَارِ فَرْوَسْتَهْ مَابْگَشَايِ -
 اِيَّيْ دَانَايِ رَا زِ بَهْ پَرْدَهْ پُوشِيْتِ كِهْ مَارَا سُوَا مَفْرَايِ -
 بِيَا رِهْنَا اَزْ مَشْتِي خَاكِ چِهْ اَيِدْ اَكْرُ تُو رُوِيْ فَرْوَا نِهْ گَا نْ رَا نْگِيْرِيْ بِيْجَا رُوِيْمِ بَهْ كِهْ
 رُوِيْ اُوْرُوِيْمِ -

بِمَوَدِّكَ اَتَمُّنْ مَارَا اَزْ بِلَايَا وَ مَخْتِهَابَا نَجَاتِ دِهْ وَ مَارَا اَزْ مَصِيْبَتِ هَا وَ فِتْنَهْ هَا رِهْمَانِيْ
 نَجَشْ - تُوَسِّلْ مَارَحْمَتِ بِيْكَرَا نْ تُوَا سْتِ - وَ پِيَا هِ مَادَاتِ پَرْعَزْمَتِ تُوَا سْتِ بَهْ رُوْحِ
 رَسُوْلِ بَرَحَقِيْ وَا لِّ وَا صْحَابِ اَمْسِ كِهْ بِيْشِ اَزْ اِيْنِ بَرَا سَخْتِ نْگِيْرِيْ وَ دَرِ رَحْمَتِ بَرَا بْگَشَانِيْ
 وَ تُوْبَهْ مَابْپَزِيْرِيْ وَ مَارَا بَهْ طَاعِنَتِ مُوْفِقِ فَرْمَانِيْ - وَ اُوْلِيْ اَلْمَرْمَارِ اَتُوْفِيْقِ عَطَا فَرْمَانِيْ وَ خَرْدُو
 بَزْرُگِ مَارَا مَوْرُوْعِنَايَتِ تَقْرَارُوِيْ -

اِيَّيْ چَا رَهْ سَا زِ بِيْجَا رَا گَا نْ وَ اَيَّيْ هِهْرَبَا نْ تَرِيْنِ مِهْرَسَا اَنْ
 وَ صَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَيَّ سَيِّدِ نَامِحْمَدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
 وَالصَّالِحِيْنَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصْفُوْنَ
 وَسَلَامٌ عَلَيَّ الْمُرْسَلِيْنَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ

۸۹- خبر چینی و دوروی چگونه

عقوبتانی وارو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَإِهْبُ الْمَنْحِ وَالْعَطَايَا وَأَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ إِلَى كَافَّةِ
النَّاسِ وَجَمِيعِ الْبَرَايَا - اللَّهُمَّ فَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ
وآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ - أَمَا بَعْدُ عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى وَأَطِيعُوهُ.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَلَا تَطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِئِيمٍ﴾

(القلم ۱۰-۱۱)

پیرومی منها از کسیکه بسیار سوگند یاد کند. و بسیار عیب جوئی نماید و
بسیار خبر چینی پیشه سازد. در بین تمام امراض اجتماعی هیچ عملی پست تر و منفورتر
از خبر چینی نیست.

صفائی میان دوستان با خبر چینی از بین برود. و محرم و محبت پدری با
خبر چینی سست شود. و برادران از راه خبر چینی از یکدیگر متنفر شوند. و همسران
بوسیده خبر چینی بر جدائی افتند. و اجتماعهای متین و محکم که با خبر چینی از هم

بپاشد و ضعیف گردد. دین مبین اسلام تمام و خیر چین را پست ترین مردم معرفی نموده است. رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود:

﴿ تَجِدُونَ شَرَّ النَّاسِ ذَا الْوَجْهَيْنِ - الَّذِي يَأْتِي هَوًّا بِوَجْهِ وَهَوًّا بِوَجْهِ ۝ ﴾ (رواه البخاری و مسلم)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود می یا بید پست ترین مردم. کسی را که دارای دو رو است. نزد اینان به روئی میآید و نزد اینان به روی دیگر چنین افراد دو روی در هر اجتماعی که باشند مایه بدبختی هستند و یقین است که خودشان هم بدبخت میگردند. ﴿رَوَى الطَّبْرَانِيُّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: ذُو الْوَجْهَيْنِ فِي الدُّنْيَا يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ وَجْهَانٍ مِنْ نَارٍ﴾.

شخص دو رو که با هر مردمی به روئی ظاهر میشود. در قیامت دو رو از آتش دارد. اگر شخص دو روی و خیر چین در این دنیا بوسید خیر چینی. آتش جدائی میان مردم افکند در قیامت دو رو از آتش دارد. جسد او از آتش میسوزد. و روح او در آتش بد کردار آتش میگیرد. رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم با همه محبتی که نسبت بهم امت خود دارند از مردم حسود و خیر چین و قال زن بیزاری هست و بری شدند. ﴿وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنِّي ذُو حَسَدٍ وَلَا نَمِيمَةٌ وَلَا كَهَانَةٌ وَلَا أَنَامِيَةٌ﴾ (رواه الطبرانی)

نازمن است صاحب حسد و خیر چین و پیشگویی و نمن از ایشانم. ﴿وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ بِإِلَّا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامًا﴾ (رواه البخاری و مسلم)

بهشت نخواهد رفت خبر چنین - آنانی که خبر چنینی پیشه کنند و دو بهم زنی و ایجاد وحشت
 میان بندگان خدا و طیفه کنند میرسانند که پدر دارند نیستند.
 عبداللہ بن المبارک از علماء بلند نام میگوید شخصی که خبر چنینی نماید دلالت میدهد که
 زنازاده است و حلال زاده نیست.

آورده اند که برده ای در دست دلال داده بودند تا بفروشدش - دلال میگفت
 این برده ای است که عیب دیگر ندارد مگر اینکه تمام است و خبر چنینی میکند.
 شخصی با خود گفت خبر چنینی چندان تمام نیست و آن برده را خرید چند روزی نگذشته
 بود که آن برده بعبادت دیرینه اش به خبر چنینی پرداخت و به همسر آن مرد گفت که شوهرت در صد و
 زناشویی با زنی دیگر است. و یہ وی گفت چندتا رموز از حلق او بیاد تو را جادوی کنم و
 نتواند بهم جابر تو بگیرد - زن بدبخت وی را تصدیق کرد - خبر چنین که دید آن زن افسون وی را
 پذیرفته است - بنزد شوهر او آمد و گفت همسرت در صد و کشتن تو است و برای اینکار تمنی
 آماده کرده است. تو خودت را بخواب بزنی تا تحقیقت این امر دریابی مرد نگون بخت تم غافل
 از خبر چنینی او - این گفتار را تصدیق کرد. و شب موقعیکه خود را بخواب زده بود وزن او برای
 ستردن مومی از زیر حلق او تیغ بدست بطرف او می آمد با ششم از جای خود برخاست وزن را
 کشت و خویشان زن با خبر شده او را کشتند و در نتیجه بلایی عظیم میان خویشان زن
 شوی در گرفت و همه اثر همان خبر چنینی بود -

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود:

«خِيَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ إِذَا رُؤُوا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَشَرَّارُ أُمَّتِي الْمَشَاوُونَ

بِالنَّمِيَةِ الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحْيَةِ الْبَاغُونَ لِلْبُرَاءِ الْعَيْبِ» (رواه الامام أحمد)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود:

برگزیدگان اتمم کسانی هستند که هرگاه دیده شوند خدایا دشود. برگزیدگان امت من افرادی هستند که دیدن آنها و بیاد آوردن خدا تعالی همراه باشد و پست ترین افراد امت من خبر چینیان هستند که جدائی میان دوستان اندازند. و برای مردم بی عیب عیب تراشی کنند.

امام محمد غزالی گوید:

دو زبان کسی است که میان دو دشمن رفت و آمد کند. و با هر کدام چنانکه میل او است گفتگو نماید و کمتر کسی است که میان افراد متخاصم رفت و آمد داشته باشد و از لاف و دو روی و دو زبانی به دور بماند.

در حالیکه رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود:

(مَنْ كَانَ ذَا لِسَانَيْنِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ لِسَانَيْنِ مِنْ نَارٍ). (رواه الطبرانی)

کسیکه دو زبان داشته باشد. خدای متعال دو زبان از آتش برای او قرار دهد در روز قیامت.

دور رَوَى ابْنُ حَبَّانٍ فِي صَحِيحِهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ: قَالَُوا بَلَى. قَالَ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّ إِفْسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ؟

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: آیا شما را خبر ندادم به کاری که بهتر از روزه و نماز و صدقه باشد گفتند بلی یا رسول اللہ. فرمود اصلاح ذات البین و اصلاح آوردن مردم. و آشتی دادن دشمنان و اصلاح کردن خود و دیگران. زیرا فساد بین مردم

همانا ترا شنیده دین است - نماز و روزه و صدقه همه برای همبستگی مردم است - در نماز
 با جماعت همه حاضر میشوند تا همدست شوند - هر یک را دوست بدارند - در روزه ترس
 از خدا تعالی نبر و میگرد - تا در منافی هم کسی خلاف خدا نکند - و در غیاب برادر او را نیازارد
 و حقوق کسی پانمال کرده نشود - در صدقه بدست آوردن دلمای فقر است و تأمین زندگانی
 برای عموم است تا وسیله ای برای محبت همه دیگر - منتحای اهمیت را دارد - شرط
 محبت ایمان محبت همه دیگر است -

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: لَا تَوَمِّنُوا حَتَّى تَحَابُّوا ایمان نذارید
 مگر موقعیکه همه یک را دوست بدارید - و فرمود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ
 مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: ایمان نمی آورد هر یک از شما
 مگر موقعیکه دوست بدارد برای برادرش - آنچه را که دوست میدارد برای خودش که
 نشانه ایمان داری - دوستی برادر مسلمان است - کسیکه خبر چنین نمود کجا میتواند بگوید
 که ایمان دارد - برای اینکه رسول الله صلی الله علیه و سلم از خبر چنین بری شده است -

۹. نماز باید چگونه باشد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ..

قال الله تعالى ﴿ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴾ (طه - ۱۴)

نماز را برابر پا بدر برای یاد من . نماز موقتی نماز است که برای خدا و در یاد خدا باشد
یاد خدا به نماز حاصل میگردد . مردی که از نماز رو بگردانند از یاد خدا رو گردان شده اند .
کس آنیکه نماز را ترک کند از دین مبین اسلام بیرون کرده اند . هیچ راهی برای سعادت
اجتماعی شخص مانند نماز نیست . نماز است که هرگاه از روی حقیقت باشد . در بامی سعادت
راه روی نماز گذاران میگذاید . نماز گذار وقتی که معنی نماز دانست هیچ گاه دروغ نمیگوید .
خیانت نمی کند از زشتیهای پرهیزد . اما نماز هم باید بر طبق دستور شریعت باشد .

أَخْرَجَ الطَّبْرَانِيُّ وَابْنُ خَرَمَةَ وَجَبَّانُ فِي صَحِيحَيْهِمَا: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَأَى رَجُلًا لَا يُتَمُّ رُكُوعَهُ وَيَتَقَرُّ فِي سُجُودِهِ وَهُوَ يُصَلِّي
فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوْ مَاتَ هَذَا عَلَى حَالِهِ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّةِ

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ» . أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم مردی را دید که نماز میخواند . اما نه رکوع را کامل
میکند و سجود کردنش مانند متقار پرنده بزمن کوبیدن است . در سجود آرام نمیگیرد و فرمود

این شخص اگر در این حالت بمیرد نه بر دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم مرده است .

وَرَوَى الْإِسْمَاعِيلُ أَحْمَدُ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ : « لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى عَبْدٍ لَا يَقِيمُ صَلَاتَهُ

مِنْ سُجُودِهِ وَرُكُوعِهِ » . أو كما قال عليه الصلاة والسلام

خداوند نظر رحمت نفرماید بر کسیکه رکوع و سجود را کامل نگذارد .

«عَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ : مَنْ صَلَّىهَا لِغَيْرِ وَقْتِهَا وَلَمْ

يُسَبِّحْ وَضُوءَهَا وَلَمْ يُتِمَّ لَهَا خُشُوعَهَا وَلَا رُكُوعَهَا وَلَا سُجُودَهَا . خَرَجَتْ

وَهِيَ سَوْدَاءُ مُظْلَمَةٌ - تَقُولُ صَبَّحَكَ اللَّهُ كَمَا صَبَّعْتَنِي . حَتَّى إِذَا كَانَتْ

حَيْثُ شَاءَ اللَّهُ لُفَّتْ كَمَا يُلْفَتُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ - ثُمَّ ضَرَبَ بِهَا وَجْهَهُ »

کسیکه نماز خواند . آمانه در وقت آن . وضوئی آن را کامل نکرده و خشوع

و حضور قلب را فراهم نساخته . رکوع و سجود را کامل نموده است . موقعیکه از نماز فارغ

میشود . نماز او بصورتی تاریک و سیاه است که میگوید خداوند تو را ضائع کند . همانگونه

که مر ضائع ساختی . چنین نمازی در درگاه خدا مقبول نگردد . و بر روی صاحبش زده شود .

وَرَوَى مُسْلِمٌ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ : « يَا فُلَانُ

أَلَا تَحْسِنُ صَلَاتَكَ أَلَا يَنْظُرُ الْمُصَلِّي إِذَا صَلَّى كَيْفَ يُصَلِّي فَإِنَّمَا يُصَلِّي لِنَفْسِهِ »

ای فلان چرا نماز خود را نیکو نمی سازی . مگر نماز گذار معنی اندیشد در موقع نماز که نمازش

چگونه است . نماز گذار باید بداند که برای خود نماز بخواند . هر چه بهتر باشد بیشتر به نفع دنیا

و آخرت اداست .

وَرَوَى الدَّيْلَمِيُّ وَحَسَنَةُ الْحَافِظُ ابْنُ حَجَرَ : « أَذْكَرُ الْمَوْتِ فِي صَلَاتِكَ

فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا ذَكَرَ فِي صَلَاتِهِ - لِحَرَّتِي أَنْ يُحْسِنَ صَلَاتَهُ - وَصَلَّ صَلَاةً

رَجُلٍ لَا يَظُنُّ أَنَّهُ يَصَلِّيُ صَلَاةً غَيْرَهَا» . أو كما قال عليه الصلاة والسلام

مرگ را بخاطر آورد در نماز. زیرا موقعیکه شخص در نماز خود بیاد مرگ می افتد شایسته است که نماز خود را نیکو سازد. و همیشه نماز را چنان بخواند که گمان میکند آخرین نمازی است که در اختیار توست.

وَرَوَى أَبُو دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الشَّخِيرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ لَبَّرَ آيَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّيُ وَفِي صَدْرِهِ أَزِيزٌ كَأَزِيزِ الْمَرْجَلِ مِنَ الْبُكَاءِ

عبداللہ می گوید: دیدم رسول اللہ را که نماز میخواند و از گریستن در صدر او جوشیدنی بود مانند جوشیدن دیگر. نماز باید بارز و نیاز و اظهار افتقار و پشیمانی از عمل های نابکار همراه باشد تا دل را صیقل دهد. روح را نشاط بخشد. بدن را نیرو افزاید. از خدای متعال مدد گیرد. به راه راست کشیده شود.

همین نماز دارای شروط - و ارکان - و ابغاض - و سنن - و مکروهات و مبطلاتی است که اکنون فهرست و اراجم میشوندگان محترم میگذرانیم.

شروط نماز

پوشانیدن عورت - در مرد از ناف تا زانو و زن همه بدن را غیر از رو و دو کف دست. و ساتر عورت طوری باشد که رنگ پوست از زیر آن دیده نشود و رو بقبله نماز خواندن.

و دانائی به دخول وقت.

و دانستن چگونگی نماز خواندن که فرض و سنت را از هم تمیز بدهد. برای حاجی

هرگاه عقیده کند که همه افعال و اقوال نماز فرض است مانعی ندارد.

و پاک بودن بدن و لباس و جای نماز خواندن.
و وضوی کامل.

فرضهای نماز

۱. نیت: و مقصود از آن بدست آوردن رضای خداست. مانند نماز فرض صبح

میخوانم شکر تعالی و همراه ساختن نیت با اول الله اکبر نماز بستن.

۲. **الله اکبر** نماز بستن. کسیکه نماز با جماعت می بندد. باید الله اکبر نماز

بستن او بعد از الله اکبر نماز بستن امام باشد. الله اکبر نماز بستن و هر یک از ارکان
قولی نماز مانند فاتحه و تشهد باید بطوری باشد که خود شخص بشنود.

۳. ایستادن در نماز فرض برای کسیکه بتواند. اما کسیکه بیمار باشد نماز را به

نشستن بخواند. و به نشستن نتواند به پایا و به پشت. و خلاصه تا وقتی که شخص عقل و شعور دارد
نماز لازم است.

۴. خواندن سوره فاتحه. اما کسیکه در رکوع به امام برسد فاتحه آن رکعت

لازم او نیست. کسیکه در آخر رکعت رسید و فاتحه را شروع کرد. و نیمه فاتحه خوانده بود
که امام به رکوع رفت. به رکوع برود. و فاتحه را تکمیل نکند. و بهتر است کسیکه در آخر رکعت
به امام میرسد. فقط فاتحه بخواند که تا موقع رکوع امام فاتحه را تمام کند. درست خواندن فاتحه
و فهم معنی آن از مهمترین مقاصد نماز است. و فاتحه در همه رکعتها بر هر نماز گذار چه امام و
چه مأموم و چه تنها لازم است.

۵. رکوع رفتن بطوریکه دو کف دست به دو زانو برسد.

۶. آرام گرفتن در رکوع (و طول دادن آن. وسیله حضور قلب می باشد)

۷- اعتدال و بالا آمدن از رکوع و راست ایستادن -

۸- به سجود رفتن و نهادن دو کف دست و پیشانی و دوزانو و انگشتان

دو پا بر زمین -

۹- آرام گرفتن در آن - سجود محل توبه و انابت است - و جای دعا و اظهار

عبادت است -

۱۰- نشستن میان دو سجود -

۱۱- آرام گرفتن در آن - و گفتن **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ** در رکوع سنت است و

اقل آن سه بار است و گفتن **سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ** موقع آمدن به اعتدال **رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ** گفتن در موقع راست ایستادن بعد رکوع - اقل سنت هفتی است و گفتن **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ** در سجود سنت است - و اقل آن سه بار است - را اما چه بسیارند افرادی که در رکوع و سجود هفتی یکبار هم بدستی نمیکنند - **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ** و در واقع نمازی که نماز باشد نمی خوانند - اینست که اثر نماز که نشانی قلبی

دسایش روحی و اعتماد بر خدای توانا - و آشکاره نفس را بدست نمی آورند

۱۲- نشستن برای تشهد - **التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ - سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ**

اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ - سَلَامٌ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ - أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - اقل تحیات واجب

است -

۱۳- نشستن برای تشهد و صلوات - و سلام اولی نماز -

۱۴- **السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ - همین نماز که اولین رابطه بین بستگان**

و خدا است - و در دین مسین اسلام رکن اساسی دین معرفی شده است - همین نماز را - هم کسانی هستند که میگویند مسلمانند و نماز نمی خوانند - مادرانی هستند که از کودکی فرزند را وادار به نماز نمیکنند - وقتیکه بدون نماز بار آمد و بی دینی لازمه او شد - از ناخلفی و نافرمانی او رنج می برند و گلاویه و شکایت براه می اندازند - عجیب تر اینکه کسانی هستند که ادعای سواد و معلومات دارند اما نماز بلد نیستند - چنین سواد می که سائتی بسوی دین نباشد چه ارزش دارد - همسری که بنام مسلمان است اما نماز نمی خواند با غیر مسلمان چه تفاوتی دارد و اما بعضی نماز -

۱- تشهد اول و

۲- درود بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم در آن - و

۳- درود بر آل پیغمبر در تشهد اخیر و

۴- قنوت در رکعت آخری نماز صبح بعد از رکوع و در وقت در نیمه دوم

رمضان در رکعت آخری آن بعد از رکوع و

۵- درود فرستادن بر پیغمبر و آل او بعد از قنوت - هر یک از این بعضی

را که ترک نماید به سجود سهو حبران میشود - و سجود سهو بعد از تشهد اخیر و قبل از سلام نماز است در سجود سهو مانند سجود نماز گفتن **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَبِحَمْدِهِ** سه بار کافی است یک نیت

اولی را بخواند تا اینکه راست ایستاد - نباید برای تشهد برگردد زیرا اگر راست ایستاد و برگشت نمازش باطل خواهد شد اگر قنوت را در اعتدال اخیر صبح بخواند و سر را بجهه گذارد نباید برای قنوت برگردد - زیرا اگر در سجود بود و برای قنوت برگشت نمازش باطل خواهد شد - یکیکه همراه امام نماز میخواند اگر در بعضی نماز سهو کرد - سجود سهو لازم او نیست -

زیرا امام متحل آن خواهد بود - اما قنوت بهترین دعائی است که در بامداد شخص نمازگذار در برابر خدا تعالی بخواند - اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ - خدایا مرا به راه راست برسان در جمله کسانیکه به راه راست رساندی - وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ - و مرا عافیت و تندرستی عطا کن در جمله کسانیکه ایشان را عافیت بخشودی - و عافیت در بدن تندرستی است و عافیت در دین دوری از گناهان است - و عافیت در مال نگهداری آنها از آفات است - و عافیت در وابستگی تندرستی شان و نگهداری شان میباشد - وَتَوَلَّيْنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ - و کارهای مرا بخودت و اگذار در جمله کسانیکه کارهای شان بخودت و اگذاشتی تا من در زندگیم با اعتماد بر تو شاد کام و نیک بخت باشم - وَبَارِكْ لِي فِي مَا آعْطَيْتَ - و برکت بینداز در آنچه بمن عطا فرمودی تا اگر فرزند باشد با برکت تو همراه باشد - و اگر همسر باشد از برکت تو برخوردار گردد - و اگر مال و زندگی باشد ببرکت تو مایه خوشی و سعادت باشد - وَفِي شَرِّ مَا قَضَيْتَ - و مرا نگهدار از شر آنچه در قضا و قدر بفرمان تو رفته است - نمازگذاران در بامداد هر روز در همه کار خود از خدای خود میگیرند - اما این مدد گرفتنها همه نتیجه نماز واقعی است - آنها نیکه علاقمند هستند عاقبت شان بخیر باشد - و آنها نیکه دوست میدارند فرزندان شان بفرمان شان باشند - و مردی که طالبند سعادت خانوادگی داشته باشند از نماز فرض غفلت نکنند - و معلوم است که نماز هر گاه با جماعت باشد - از سهو و اشتباه بدور است - در نماز تنهایی حتی ممکن است شخص نداند چند رکعت و چگونه نماز خوانده است - اما در نماز با جماعت دوری از اشتباه حتمی است - نماز با جماعت هم باید صفوف آن منظم

و راست و چپ آن یک حساب باشد. و در دین بین اسلام
زیبائی و نظم از محققان است. راست بودن صنف و دو طرف آن یکسان
بودن وحدت و یگانگی در تمام شئون این دین مبین ظاهر است.

و در نماز پیروی همه از امام واحد. خود یک دنیا معنویت را بهمراه
دارد. آنانیکه در صد روزی سعادتمند باشند. بستگان خود را به نماز
و ادا رکشند.

خدای متعال فرمود: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا

لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه - ۱۳۲)

بستگانت را بنماز و ادا رکن. و بر نماز شکیبا باش. ما از تو روزی
نخواهیم. ما خود روزی خواهیم داد. و بهترین روزی پرهنرگاری است. زیرا عاقبت
خیر برای پرهنرگاران است.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ حَافِظٌ عَلَيْهِنَّ

عَاشَ بِخَيْرٍ وَمَاتَ بِخَيْرٍ. او کما قال علیه الصلاة والسلام

کسیکه بر نماز مواظبت کند زندگیش به خوشی و مرگش به راحت عاقبتش به خیر
خواهد بود.

زنانیکه نماز گذار هستند اثر آن نماز بر فرزندان شان هم ظاهر میگردد و در
اسلام همسریکه از یهود یا نصاری باشد بر همسریکه مسلمان باشد اما نماز خواند برتری دارد
زیرا همسریکه یهودی باشد نمکن است به دین شوهر آید. و همسر بی نماز بجز بدبختی
نخورد و شوهرش و فرزندانش حال دیگری ندارد.

خدا اینا بما توفیق ده تا دیده دل مان بسوی درگاه تو باشد۔ و شعوری
عطا کن که ما را به نماز و طاعت وادارد۔

پروردگارا ما را بعمونتت مؤید فرما تا روشنی چشم ما در نماز باشد۔ و آرایش
خاطر ما در راز و نیاز نماز و طاعت تو باشد۔

افزید گارا در دنیا و آخرت ما را از خوشنودیت بهره مند فرما۔ و در هر دو
جهان نیک بختی و کامیابی نصیب ما گردان۔

خدا اینا سروران اولی الامر ما را مددکار باش تا بحری تعالیم عالیہ اسلام باشد
و بزرگان دین را عمونت فرما۔ تا رهنمای سعادت باشند۔

خدا اینا دلهای ما را به رحمت شادکن و باد صفت بارانی سود مند ما را از بندگی
آزاد کن۔

بَارِئِهَا مَغْفِرَتٍ شَامِلٍ هُمَّهٖ مَا كَرَدَانِ تَا دِر طَاعَتِ تَوْفِيقِ كَرُوْمِیْمِ۔

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ

وَالصَّالِحِينَ سَبَّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۹۱ - نشانه‌های منافق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
صَاحِبُ الدِّينِ الْقَوِيمِ وَالْخَلْقِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ . أَمَّا بَعْدُ : فَقَدْ
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا
فَقَدْ احْتَلَوْا بِهِمْ تَنَاوًا وَإِثْمًا مُبِينًا ﴾ (الاحزاب - ۵۸)

خدای متعال فرماید:

اناینگه می آزارند مردان و زنان با ایمان را - بدون آنکه تقصیری داشته باشند
محقق است که بتان و گناه آشکاری مرتکب گشته اند - آزرده مومنان به آنچه
مایه ناراحتی شان باشد کسیکه دروغ را بهی نسبت دهد مومنان را آزرده است
کسیکه گفتار بیهوده بتراشد و به مومنان نسبت دهد مومنان را آزرده است -
کسیکه از او مشورتی شد و خلاف حقیقت را گفت مایه آزرده مومنان شده
است - کسیکه جنس معیوبی فروخت و عیب آن را آشکار نکرد مومنان را آزرده
است - کسیکه جنسی را به بیشتر از قیمت آن بفروشد مایه آزار مومنان فراهم است

است. کسیکه خیانت به امانت نماید مایه آزار مؤمنان گردیده است. کسیکه مردم را به هم زد و مایه تیرگی و کدورت برادران شد. مؤمنان را آزرده است. کسیکه غش نمود مایه آزرده مؤمنان گردیده است. کسیکه زنی را با شوهرش بد نمود مایه آزار مؤمنان گردیده است. کسیکه فرزندی را تحریک کرد تا خلاف پدر و مادر نماید مؤمنان را آزار داده است. کسیکه سنگ و وزن کم نمود از مال مردم و زدیده است و مؤمنان را آزرده است. کسیکه در گزندن پا چوبه عذر بکار برد. مایه آزرده مؤمنان گشته است. کسیکه گول و حیل به کار برد و حق کسی ضائع کرد مؤمنان را آزرده است.

خلاصه آنچه در آن ناراحتی مسلمان باشد مایه آزرده مؤمنان و احتمال بتان و گناه آشکار و خشم خدا و لعنت ملائکه است.

و رَوَى ابْنُ مَاجَهَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ بَاعَ عَيْبًا لَمْ يَبَيْتَهُ لَمْ يَزَلْ فِي مَقْتِ اللَّهِ وَلَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَلْعَنُهُ» أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

کسیکه جنس معیوبی را فروخت و عیب آن را نگفت در خشم همیشه خدای عزوجل و در لعنت دائمی فرشتگان خدا قرار گرفته است. فروش جنس معیوب و هر نوع غش کردن در حقوق مردم بهین حکم دارد.

و رَوَى الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ عَنْ ابْنِ سَعْدٍ وَابْنِ عُمَرَ وَأَنْسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «لِكُلِّ غَادِرٍ لِيَوْمٍ الْقِيَامَةِ يُقَالُ هَذِهِ غَدْرَةُ فَلَانٍ» أَوْ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: هر غدر کننده ای - هر فریب

دهنده ای چرم رسوائی دارد و روز قیامت. و گفته میشود این عذر فلانی است که او را به این بدبختی رسانید. آنها نیکه باطنی نادرست دارند و تظاهر به بدستی میکند آنها نیکه فریب و گول را بکار می برند. آنها نیکه عذر و خیانت می کنند و حقیقت پرچمی برای رسوائی خود و روز قیامت متحمل شده اند. عذر و خیانت هیچگاه با ایمان جمع نمیشود. غریب و گول نشانه نفاق و بی ایمانی است.

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مَنْافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خِصْلَةٌ مِنْهُنَّ - كَانَ فِيهِ خِصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّىٰ يَدْعُمَهَا إِذَا أَوْتَمَنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا عَاهَدَ عَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ».

(متفق علیه) رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: چهار خصلتند که هر کس همه چهار خصلت در او جمع باشد منافق خالص است و کسیکه در او یکی از آن خصلتها باشد یک خصلت از نفاق در او است تا آنکه خصلت نامبرده را ترک گوید. چهار نشانه نفاق عبارتند از اینکه منافق هرگاه این شناخته شود خیانت کند.

و هرگاه سخن گوید دروغ گوید

و هرگاه عهد نماید و پیمانی ببندد عذر کند

و هرگاه نزاع و دعوا کند از حدود شرع بدر رود:

خیانت در امانت مایه آزردن مومنان و سلب اعتماد و اطمینان است

در و غلوئی علامت عدم ایمان و ناراحتی وجدان است. عذر و فریب - پایه تزلزل عقاید و نشانه بارز منافقی است. نفق و فجور و دعوی ناحق و دزد و نشانده

نفاق و صفت فساق است. کسی میتواند از حلیه ایمان بهره ور باشد که
از صفات نفاق بدور باشد.

قال عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا»

کسیکه نسبت به ما مسلمانان غش نموده از ما مسلمانان است.

(رو فی رِوَايَةِ لِمُسْلِمٍ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى صُبْرَةٍ

طَعَامٍ فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهَا فَتَالَتْ أَصَابِعُهُ بِلَلًا - فَقَالَ مَا هَذَا يَا صَاحِبَ

الطَّعَامِ؟ قَالَ أَصَابَتْهُ السَّمَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ أَفَلَا جَعَلْتَهُ فَوْقَ الطَّعَامِ

حَتَّى يَرَاهُ النَّاسُ؟ مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم عبور فرمود بر خرواری از گندم. و
دست خود را به ته آن نمود. به انگشتان اشان رطوبت رسید. فرمود این
رطوبت از کجا است ای صاحب گندم. گفت باران به این گندم رسیده
است. فرمود چرا رطوب آن را بالای کار قرار ندادی تا مردم آن را به
بینند. کسیکه غش نسبت به ما مسلمانان روا داشت نه از ما مسلمانان
است. در اسلام هر نوع زیان رسانیدن به مردم را حرام فرمود. مردم
آزاری را از بدترین گناهان قرار داد. با هم ساختن و زیان به مردم رسانیدن
حرام است.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «لَا تَنَاجَشُوا» (منقوله عليه)

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: با هم دیگر در زیان
رسانیدن ساختگی نکنید زیرا همین ساختگی در زیان رسانیدن موجد

بزرگترین بیماریهای اجتماعی است. امروزه که بیمارستانها پر از بیمار است. غم و اندوه تمام چهره‌ها را گرفتار است. صفا و دقا از بین رفته است. سختی معیشت فقرا را متأصل ساخته. همه نتیجه همین بیماریهای اجتماعی است. هر مردمی که تنها فکر و عقل‌شان در راه ماده پرستی بکار افتاد و برای حصول ماده از حلال و حرام چشم پوشیدند. ماده‌هایی از بیماری و ناآرامی و سوز عاقبت و بدفرجایی بسوی‌شان سرازیر میگردد.

يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ خَصَابِلِ إِذَا ابْتَلَيْتُمْ بِهِنَّ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ تُدْرِكُوهُنَّ لَمْ تَنْظُرِي الْفَاحِشَةَ فِي قَوْمٍ قَطُّ فَيَعْلَنُوا بِهَا إِلَّا فَشَا فِيهِمُ الظَّاعُونَ وَالْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ مَضَتْ فِي أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضُوا وَلَا يَنْقُصُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِّينَ وَشَدَّةِ الْمُؤَنَةِ وَجَوْرِ السُّلْطَانِ عَلَيْهِمْ وَلَمْ يَمْنَعُوا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ إِلَّا مَنَعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ وَلَوْلَا الْبِهَائِمُ لَمْ يُطَيَّرُوا وَلَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَّا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَذَابًا مِنْ غَيْرِهِمْ فَأَخَذُوا بَعْضَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَكَمْ يَحْكُمُ أُمَّتَهُمْ بِغَيْرِ كِتَابِ اللَّهِ وَتَخَيَّرُوا فِيمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ بَالَهُمْ بَيْنَهُمْ ۝) او كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: ای گروه مسلمانان! پنج خصلتند که هرگاه به آن پنج خصلت دچار شدید، سعادت اجتماعی را از دست خواهید داد. و پناه می‌برم بخدا از اینکه به آن پنج خصلت برسید. هرگاه فحشاء در مردمی انتشار یافت و آشکار شد. بیماریهای میان‌شان ظاهر و بسیار شود که درگذشتگان‌شان سابقه نداشته است. فحشاء و بیماریها و گرفتاریها و بدبختیها نتیجه‌های مسلمی

است که قابل انکار نیست و هرگاه به نقصان کسب و کم کردن وزن و چارشدند خشکسالی
 و مصارف کمتر شکن و چور و تعدی لازمه آنهاست. فحطی و بی برکتی و خشکسالی و
 سنگینی مصارف مسأله است که بحیثیم دیده میشود. و همه از زیان رسانیدن
 و کم وزنی و خیانت بهمدیگر است. مسلمان موظف است که مسلمان را مانند
 جان شیرین دوست بدارد. وقتی که دوست نداشته باشی او و ماده پرستی بجائی
 رسید که از حق او هم کم شود. معلوم است پایه ایمان چنان مردمی به کجا رسیده است
 درهای رحمت را خودشان بر خود می بندند. و مهر و رأفت پروردگار را به قیاسی
 چند از حقوق مردم از دست میدهند. مردمیکه به فکر بنیویان شان نشدند.
 مستمندان خود را ضائع ساختند. زکاة که حق مسلم فقرا است نپرداختند. کجا
 میتوانند منتظر رحمت باشند اگر رحمت بیابند. باز هم از برکت آن محروم
 خواهند بود. با امتناع از زکاة باران رحمت بند می آید و قطرات باران به خاطر
 جانوران بی زبانی است که در گناه بنی آدم شرکتی ندارند اگر باران بیارند باز هم
 باران رحمت برود که همانی بار دو سنگدلی دلماد تاریخی ضما اثر محوشدنی آن
 است

شکن پیمان خدا و رسول مایه چیرگی دشمنان است. عمد خدا و
 رسول بر این اُمت پیروی کتاب و سنت است. عمد خدا و رسول انجام
 عبادات و رعایت فقر و نکوئی در معاملات و اخلاص در تمام شئون اجتماعی
 است و مردمیکه عمد خدا و رسول را نقض کنند از معونت و مددگاری خدا و
 پیغمبرش دور خواهند بود.

کتاب خدا قرآن را نهی نیک بختی است - وقتی که نه به احکام آن عمل شد و نه آن تلاوت کردند - خداوند نیر و قدرشان را در میان شان و به زیان شان بکار اندازد - در قرآن است :

﴿ وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴾ (الفرقان - ۳۰)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم رو بخدا آورد که خدا یا گروه من قرآن را ترک گفته اند - قرآن دستور میدهد که سلین گره کشی کار همدیگر و کار ساز یکدیگر باشند مانند برادران یکدل و جان به کوب همدیگر قیام کنند بفرموده همدیگر باشند - هیچکس به ناراحتی و زیان دیگری راضی نشود -

امام محمد غزالی گوید:

” شخصی گاوی داشت که شیر آن را می فروخت و همواره آب را با شیر مخلوط میکرد و می فروخت - سیلی آمد و گاوی را برد و فرزندانش به وی گفتند همان آبمانیکه به شیری آمیختیم به صورت سیلی آمد و گاوی را برد -“

مالک بن دینار گوید :

” بر مردی که در بستر مرگ بود وارد شدم و دیدم زیاده بی تابی میکند از وی علت بی تابی را جویا شدم - گفت دو کوه از آتش در برابر من قرار گرفته است - که بمن تکلیف می شود بر آن دو کوه آتش بالا روم - و قتیکه از حال وی پرسیدم با خبر شدم که وی در وزن کردن از حقوق مردم می کاسته است -“

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کافی راکہ غش بہ کار بہرند و یا باعث ناراحتی یکدیگر بشوند۔ از مسلمانان بشمار نیاورد۔

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «مَنْ خَبَبَ زَوْجَةَ امْرِيءٍ أَوْ مَمْلُوكَةً فَلَيْسَ مِنَّا» ••• أو كما قال عليه الصلاة والسلام

کسیکه بایه فساد زن شخصی شود یا برده او را فاسد سازد۔ و سبب شود کہ زنی در روی شوهرش ترش روی کنی کند۔ با پیشکار او بد اخلاق شود۔ از ما مسلمانان نیست۔ اسلام دستور داد کہ در بین افرادش روح گذشت بزرگواری بوجود آید۔ خوشخونی و مهربانی پیشیه همگی گردد۔

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا سَمِحًا إِذَا بَاعَ

وَإِذَا اشْتَرَى» ••• أو كما قال عليه الصلاة والسلام

خداوند رحمت کند بنده ای را کہ گذشت داشته باشد در فروش و

در خرید و در مطالبه۔ و بقول سعدی در این معنی:

خدا را بر آن بنده بخشایش است

کہ خلق از وجودش در آسایش است

و آسایش عموم موقعی صورت میگیرد کہ افراد سودجو بفکر راحت خود و

برادران مسلمان باشند۔ و سودجویی را کنار بگذارند و نباید نادیده گرفت کہ یاد

آورده را یاد برد و مال بدست آمده از بیراه به بیراهه رود۔

آنها یک معنی زندگی میدانند و کسانیکه می خواهند خوشی زندگی بدست

آرند باید در دل و زبان و کردار و فکر خود خیر خواه مردم باشند۔ حضرت رسول

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَمُوهُ :

«لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» .

ایمان یعنی آوردن یکی از شما اگر موقعی دوست بدارد برای برادرش آنچه را برای خود دوست میدارد. وقتی انسان میتواند به ایمان خود اعتماد داشته باشد که قلباً بهیچبر برای مردم نخواهد و هر موقع خیرخواهی در دلماسمکن شد و هر فرد نسبت به دیگران دعای خیر کرد و قصد خیر نمود و حرف خیر زد. آن موقع است که اسلام واقعی انتشار می یابد و سعادت همگانی برقرار میگردد.

حَدَّاینا بادی پر نیاز بدرگاہت آمده ایم تا دلہای ما را از نور ایمان روشن سازی و ما را موفق فرمائی تا دستورہای راہنہای نیک بختی رسول بر حقیقت را کار بندیم۔

پروہ دکارا آنچه مایہ دوری از درگاہ تو گردد و آنچه محرومیت از رحمت باشد از دلہای ما دور بدار۔ تناول و زبان ما بیادت و بفرمانت باشند

افزیدہ دکارا درہای رحمت را بر ما بگشای و ما را نسبت بہمدیگر رؤف و مہربان بفرمای و از کردار و گفتار آنچه مایہ رضایت باشد نصیب ما بفرمای تا نیک بختی و آسائش دو جہان بدست آوریم۔

پادالہنا سروران اولی الامر ما را موید فرما۔ تا بحری تعالیم عالیہ قرآن باشند و بزرگان دین را معونت فرما تا ما را ہنہای خیر گردند و ہمہ ما را بہ رحمت بخش تا ہمہ از سعادت و مقبولان درگاہت گردیم۔

وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۹۲ - مالِ یتیم خوردن — عقوبتهای آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى ..

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا
يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ (النساء - ۱۰)

محقق است که مردی که میخورد مال یتیمان را به ظلم میخورد پسرشکهایشان
آتش - و بزودی به آتش رسند.

دین مبین اسلام در حفظ حقوق یتیمان - منتهای تاکید بر کار برد - و در
خوردن و ضایع کردن حقوق یتیمان - سخت ترین عقوبت را مقرر داشت ، و
خوردن مال یتیم و شرک بخدا تعالی و قتل بناحق همراه داشت .

وَرَوَى الْبَخَارِيُّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

«اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا هُنَّ؟ قَالَ الشِّرْكَُ بِاللَّهِ
وَالسَّحَرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ مَالِ
الْيَتِيمِ وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الزَّحْفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلَاتِ» .

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر چیز که از هفت گناه هلاک کننده
گفتند یا رسول الله آن هفت گناه هلاک کننده کدامند؟ فرمود:

۱- شرک آوردن بخدا.

۲- سحر و جادو .

۳- کشتن بناحق

۴- رباخواری

۵- خوردن مال یتیم

۶- پشت دادن از میدان و

۷- دشنام دادن و ناسزا گفتن به زنان پاک دامن و باایمان که از زنیها

بی خبرند -

شرک آوردن به خدا شاخه های گوناگون دارد - کسیکه اخلاص در عبادت
را از دست میدهد - به نوعی از شرک آلوده شده است - نیت در نماز بخاطر این است
که نماز گذار قصد نماید - به نماز خود بدست آوردن رضای خدا تعالی - نیت که در همه
عبادات ضرورت دارد - همه برای قصد خالص نمودن عبادت برای خدای یکتا است
نیت که برای آن در شریعت مطهره اسلام منتقایی اهمیت قابل شده اند - بخاطر این
است که دل مؤمن همیشه و در همه حال رضای خدای متعال را وجهه همت خود قرار دهد -

و قلب سلیم و دل با ایمان و ضمیر روشن بهره کسانی است که همیشه روی دل شان بسوی خدای متعال بوده باشد و خدای عزوجل که فرمود:

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (الشعراء - ۸۸ - ۸۹)

روزی که فایده نبخشد. نه مال و نه فرزندان. مگر کسیکه آتشش به درگاه خدا در آن روز با قلب سلیم و دلی متوجه بسوی خدا باشد که چنین کسی دل داشته است و عملش بکار آمده است.

و سحر و جادو شعبه‌های متنوع دارد. نوشتن طلسم با و گره زدن بر سیماها و به پیشینه کردن مار و شعبده و فریفتن ساده لوحان که تان بی سوادی مردم خوردن است. همه سحر و جادو محسوب است. تشویق مردم به سوی مرده پرستی و دعوت به سوی عقیده به درختان و آنچه مایه گمراهی و گرفتن راه ضلالت باشد همه جزو سحر و جادو و شعبده است که جزو جالان بی ایمان هیچ عاقلی به چنین کارهایی نپردازد.

کشتن بناحق که بگذرد که بزرگترین معاصی است کسیکه به ذلت دادن مسکین پردازد. کسیکه فرزندان را بیسواد ببار آورد. کسیکه وابستگان را ترسو و جیون سازد همه در قتل نفس شرکت کرده اند.

کسیکه مال یتیمی را پایمال نماید و یا مال یتیم قبل از رشد او در اختیارش گذارد تا مال خود را پایمال نماید. خود را از رحمت خدای متعال محروم ساخته اند.

عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ارْبَعُ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَدَّ خِلَافَهُمُ الْجَنَّةَ وَلَا يَدَّ يَقْمَهُنَّ نَعِيمًا: مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَآكِلُ الرِّبَا وَآكِلُ مَالِ الْيَتِيمِ بَعِيْرَ حَقِّ وَالْعَاقُّ لَوَالِدَيْهِ»

۴۴ • او کما قال عليه الصلاة والسلام

چهارکسند که ثابت است بر خدای تعالی: آنکه آنان را به بهشت نبرد و
نچشانند آنان را از خوشیهای بهشت.

۱. کسیکه مداومت بر بخوارگی نماید.

۲. رباخوار

۳. کسیکه مال یتیمی را بناحق خورد. و

۴. کسیکه نافرمانی پدر و مادر نماید.

مال یتیم را یا مال کردن. بی ریزی ضائع کردن حقوق اولاد خود است.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَلْيَحْضَنْ الَّذِينَ لَوْ تَرَ كُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا

عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ﴾ (النساء - ۹)

باید ترسند بر فرزندان خود. و ضائع نکنند حقوق یتیمان را. مردمی که اگر
بعد از خود فرزندان خردسال باقی گذارند بر آنها ترسند. اگر خواهند فرزندان خردسالشان
بعد از خودشان ضائع نشوند از خدا ترسند. و حقوق یتیمان و خردسالان را ضائع نه
کنند. در حدیث است:

«ثَلَاثَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ». (الحدیث)

۳ کس هستند که دعا میکنند و دعای شان به اجابت نرسد.

۱. کسیکه زن بد خلق در خانه دارد و به اصلاح او نمی پردازد.

۲. و کسیکه مال خود را به دیگری می سپارد و گواه و مدرک نمیگیرد.

۳. و کسیکه مال خود را به مردم سفیه میدهد.

و وقتی که ضائع کردن مال خود بی عقوبت نیست. معلوم است که ضائع کردن مال ایتام

تا چه عقوبت دارد. و به‌نظور که در ضائع کردن یتیم عقوبت‌های شدید است -
 در احسان و خوبی به ایتام فضل و ثواب بشمار است -

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا»

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: من و کسیکه سرپرستی یتیم کند در
 بهشت همراه یتیم - این چنین که انگشت شهادت و میانه همراهند -

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «مَنْ عَالَ ثَلَاثَةَ مَنْ أَيْتَامٍ كَانَ كَمَنْ قَامَ لَيْلَهُ
 وَصَامَ تَمَارَهُ وَغَدَا أَوْ رَاحَ نَشَاهِرًا سَيِّفُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَنتُ أَنَا وَهُوَ فِي
 الْجَنَّةِ إِخْوَانًا» - او کما قال علیه الصلاة والسلام (رواه ابن ماجه)

کسیکه سرپرستی نماید یتیم را و آمان را نگهداری و تربیت نماید تا به رشت
 رسند. در فضیلت و ثواب به پایه کسی است که همه عمر روز را به روزه داری و شب
 را به عبادت گذراند. و هر صبح و عصر در جواد باشد. کسیکه یتیم را به رشد رساند
 من داود در بهشت - برادر و ارباب هم همراهم -

وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ قَبَضَ يَتِيمًا مِنْ بَيْنِ
 مُسْلِمِينَ إِلَى طَعَامِهِ وَشَرَابِهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ الْبَتَّةَ إِلَّا أَنْ يَعْمَلَ ذَنْبًا لَا يُغْفَرُ لَهُ» -
 (رواه اترندی) کسیکه یتیمی را که از پدر و مادر مسلمان باشد به نزد خود آورد و از خوراک و
 آب و نگهداریش بهره ور سازد. یقین است که خدا تعالی او را به بهشت برود. مگر در
 صورتیکه گناهی ناخجودنی کرده باشد.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «خَيْرُ بَيْتٍ فِي الْمُسْلِمِينَ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ
 يُحْسِنُ إِلَيْهِ وَشَرُّ بَيْتٍ فِي الْمُسْلِمِينَ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يُسَاءُ إِلَيْهِ» (رواه ابن ماجه)

بہترین خانہ درخانہ ہای مسلمانان۔ خانہ ای است کہ در آن یتیمی باشد و نسبت بہ یتیم خوبی شود و بدترین خانہ درخانہ ہای مسلمانان خانہ ای است کہ در آن یتیمی باشد و نسبت بہ آن یتیم بدی شود۔

خوبی نسبت بہ یتیم در سرپرستی و نگہداری و تربیت دادن و باسواد ساختن او است و بدی بہ نسبت یتیم۔ عدم مراقبت از او و بی تربیت و بیسواد یا آوردن او است۔

وقال عليه السلام انا اول من يفتح له باب الجنة الا اتى اري امرأة تبادوني

فأقول مالك ومن انت؟ فتقول - انا امرأة قعدت على ايتامى - رواه ابو يعلى

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: من نخستین کسی ہستم کہ در بہشت برای او گشودہ میگردد۔ جز اینکه می بینم زنی میخواد ہدیر من سبقت بگیرد۔ میگویم حالت چگونہ است و چہ کسی ہستی۔ میگوید من زنی ہستم کہ دارای ایتام بودم و بر ایتام خود صبر نمودم و آنان را تربیت کردم۔

و در حدیث صحیحہ است کہ در بہشت خانہ ای است کہ خانہ شادمانی نام دارد و آن خانہ برای کسی است کہ ایتام مسلمین را دلشاد سازد۔

و روی الطبرانی عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم - وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ

لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - مَنْ رَحِمَ الْيَتِيمَ وَالْأَنْلَانَ فِي الْكَلَامِ وَرَحِمَ نِسْمَهُ وَضَعَفَهُ

وَلَمْ يَنْتَظِرْ عَلَى جَارِهِ بِفَضْلِ مَا آتَاهُ اللَّهُ (ع) أو كما قال عليه الصلاة والسلام

قسم بہ آن خدای کہ مراجعت بہ پیغمبری برگزید۔ خداوند غناات ندهد روز قیامت بہ کسیکہ بر یتیمی رحم آورد۔ و ناتوانی او را مورد مهر و شفقت قرار

داد و به مهربانی با او سخن گفت. و نسبت به همسایگان خوشتر رفتار بود و بر همسایگان
فخر نفروخت.

وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ مَسَحَ عَلَيَّ رَأْسَ يَتِيمٍ لَمْ يَمْسَحْ إِلَّا
لِلَّهِ كَأَنَّهُ فِي كُلِّ شَعْرَةٍ مَرَّتْ يَدُهُ عَلَيْهَا حَسَنَاتٌ. (رواه الامام احمد)

کسیکه برای خدا و آرزوی مهر و شفقت دست بر سر یتیمی کشید. به شمار
هر مومنی که دست او بر آن بگذرد حنات دارد.

بعضی از پیشینان گوید در آغاز کار. مردی متکبر بودم روزی یتیمی را
دیدم و او را مانند فرزند و بلکه بیشتر گرامی داشتم. بخواب دیدم که فرشتگان غدا
مرا گرفتند تا به دوزخ برند. در این موقع همان یتیم رسید و از بردن من مانع شد و
گفت او را رها کنید. تا در پاره او شفاعت کنم. فرشتگان پذیرفتند. اما
ندانی رسید که او را رها کنید که او را به یتیم بخشیده ایم. از آن روز در احسان به
ایتام مبالغه نمودم.

آنها تیکه میخواستند فرزندان خردسال شان بعدشان بخوار نشوند و کسانی که دوست
میدانند خدا تعالی نگهدار فرزندان شان باشد از مهر و مساعدت ایتام فروگذار
نکنند.

و سعدی در بوستان می آورد که شخصی از پایی یتیمی خاری برون آورده بود
صدر خجندی از دانشمندان نامور او را بخواب دید که در روضه های بهشت می چسبد
و می گوید از صمان خار برون آوردن از پایی یتیم بود که مرا به چنین منزلتی رسانید
آنها یک شب زنده دارند و ایمان قوی دارند نظر یتیمان فرزندان خود را

مخنی نوازند - و خاطر بیجان را نمی شکستند - کسیکه شبی از ارحام خود دارد مسولیت او
در برابر آن یتیم به چند برابر میشود - و چه خوش گفت سعدی:

آلاتا نگرید که عش غظیم

بگریده می چون بگرید یتیم

کسیکه از گریه او عش غظیم به لرزه می آید شایسته است که هر فردی متمکن
در مساعدش و خوشوقتش بکوشد - دل شکستگان را دریا بید و در چند روز
زندگی رضای خالق و نام نیک بدست آورید - و سعادت کسیکه نصاح
سعادتبار را همنامی نیک بختی و جهان را یعنی فرمان رسول الله را به گوش دل بشنود
و به کار بندد - چه بسیار افرادی که رفتند و مال شان نه پدر و خودشان ^{بوسیله}
فرزندشان و چه بسیار افرادی که گوی سعادت را بودند و در زندگی نیکوکاری و شاد
کردن فرامانگان پیشه کردند -

خُدا یا ما را توفیق ده تا در همه کار پیر و رسول برحق تو باشیم -

خُدا یا ما را موفق فرما تا همیشه و در همه کار رضای تو جوئیم -

بجز در کار نیک بختی و آسایش و جهان از تو خواهیم و شریک مساعی در
سعادت همگانی از فضل تو جوئیم -

ای چو در کار همگان اعتماد ما بر فضل تو است و التماس ما از دریای رحمت

تو است -

افزیدگارا و استغاثی که به صدق نیاز برافراشته ایم نوید مگردانیم و دلنهای
پرامیدی که متوجه درگاهت ساخته ایم - پریشان مفرمای -

اَحَى جُهَيَانَ تَمْرِينَ مُهْرِيَانَانَ اِگر روى مانگيرى به كه روى آوريم و اِگر در سختى
 فرياد رس مانگر دى چه فرياد رسى بدست آوريم خسته دلان را به رحمت درياب
 و فروماندگان به معونتت مدد فرما. و دلما را از غبار غم و اندوه رهاى ده. و
 تشنگان را از رحمت بگردانت سيراب ساز. اولى الامر ما را در راه حق و عدالت
 كامياب گردان و بزرگان را به معونتت مويديكن. همه سر بندگى در برابر تو بر خاک
 مايم و به شرمسارى خود اعتراف داريم. وقت آن است كه نظر عنايتى به ما فرمايى
 و بدان را به نيكان به بخشى و نيكان را به رحمت و عفو تو به بخشى.

رَبَّنَا اِنْتَا فِي السَّمَاءِ نِيَّاسَةٌ وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَصَلَّى
 اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ سُبْحَانَ
 رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلٰى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ

۹۳ - رعایت حقوق خوشیاوندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَأَشْهَدُ أَنْ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَحْسَبُ الرَّقِيبُ وَأَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا
رَسُولَ اللَّهِ الْخَلِيلُ الْحَبِيبُ - اللَّهُمَّ فَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَبْدِكَ
وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَالتَّابِعِينَ. أَمَا بَعْدُ
فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ
أَنْ يُوصَلَ﴾ (الرعدة ۹۱)

و مردیکه می پویندند کسانی را که خدای متعال امر فرمود به پیوستن شان
وقال الله تعالى:

وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ - تبرسید از خدای
یکتا که سوال تان بوسیله او است - میگویند بخاطر خدا کار مرا انجام ده . و تبرسید
از حق ارحام که میگویند به احترام خویشاوندی و قرابت من اینکار را از تو میخواهم
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

فَلْيَصِلْ رَحْمَةً . (رواه البخاری و مسلم)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسیکه ایمان بخدا و روز قیامت دارد
باید احسان به ارحام خود نماید -

نکو کاری به خویش و ندان نشانه ایمان داری است - کسیکه ارحام خود را قطع کرد - و از خویش و ندان خود برید - نه ایمان بخدا تعالی دارد - و نه ایمان به روز قیامت یکی از یاران پیغمبر گوید - بخدمت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آدمم و گفتم:

یا رسول الله ای الاعمال احب الی الله قال الایمان بالله - قلت یا رسول الله ثم مه - قال ثم صلة الرحم - قلت یا رسول الله ای الاعمال افض الی الله تعالی : قال الشرك بالله - قلت یا رسول الله ثم مه - قال ثم قطیعة الرحم - (رواه ابو یعلیٰ)

گفتم یا رسول اللہ کدام یک از کارها محبوب تر است در درگاه خدای متعال - فرمود ایمان آوردن بخدا تعالی - گفتم دگر چه عملی فرمود: دگر صله ارحام - گفتم یا رسول اللہ چه عملی مبنغوض ترین کارها نزد خدا تعالی است - فرمود شرک آوردن به خدای تعالی گفتم دگر چه کاری مبنغوض ترین کارها نزد خدا تعالی است - فرمود: قطع ارحام و بی مری با خویش و ندان - در این حدیث شریف بعد از شرک قطع ارحام را مبنغوض ترین کار دانست و بعد از ایمان - نکو کاری در حق خویش و ندان بهترین کارها دانست - و روی ابن ماجه:

عن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: أسرع الخیر ذوا بالشر و صلة الرحم و أسرع الشر عقوبة النبی و قطیعة الرحم -

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: از بین کارهای خیر - ثواب و پاداش نکو کاری و احسان به خویش و ندان - زود تر به آدمی میرسد - و از بین کارهای شر - ظلم و بی مری با خویش و ندان - عقوبتش زود تر به آدمی میرسد -

وردی الطبرانی و ابن حبان عن ابی ذر رضی الله عنه قال أوصانی خلیلی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بحضال من الخیر لی ان قال وأوصانی بحب المساکین و

الذّٰثُمَّنْهَمِ وَأَوْصَانِي أَنْ أَصِلَ رَحْمِي وَإِنْ أَدْبُرْتُ وَأَوْصَانِي أَنْ لَا أَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً
لِأَسْمٍ - وَأَوْصَانِي أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ وَلَوْ عَلَى نَفْسِي وَإِنْ كَانَ مَرًّا وَأَوْصَانِي أَنْ أَكْتُومَنَ لِأَهْلِ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَاتَّقُوا كُنُوزَ الْجَنَّةِ -

ابوذر گوید رسول الله مرا به خصلتهائی از کار خیر سفارش داد - تا اینکه فرمود -
فقرار را دوست بدار و خود را از ایشان دور مدار و به آنان نزدیک شو و مراد استور
داد تا حق بگویم - و در حق گوئی از ملامت ملامت کننده نترسم و اگر چه شنیدن حرف
حق بر من تلخ باشد حرف حق بشنوم و مراد استور داد تا مرا حرام خود را بپسوزم - و اگر
بر من پشت کنند و به من سفارش فرمود که همیشه بسیار بگویم لِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَاللَّهِ
زیرا این کلمه از گنجینه های بهشت است - کلمه لِأَهْلِ الْجَنَّةِ وَاللَّهِ بیدین معنی است که
نه دوری از معاصی میسر است مگر به یاری خدا و نه پایداری بر طاعت مقدور است
مگر به کمک و معونت خدا - مرا نیاز بدرگاه خداست - چه در خوبی - زیرا پایداری بر خوبی
از فضل خداست و نیاز منم در دوری از بدی به یاری خدا - زیرا دور ماندن از بدی - از
لطف خداست - کلمه که همیشه انسان را متوجه استمداد از خدا نماید گنجینه ای از گنجینه های بهشت
است - و روی الطبرانی و احیای کلمه:

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ حَاسَبَهُ اللَّهُ حِسَابًا
كَيْبَرًا قَالُوا وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: تَعْطِي مَنْ حَرَمَكَ وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَتَغْفِرُ عَمَّنْ
ظَلَمَكَ - فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ تَدْخُلُ الْجَنَّةَ -

سه خصلتند هر که این سه خصلت در او جمع باشد خداوند بر او آسان گیرد
گفتند آن سه خصلت کدامند یا رسول الله؟ فرمود کسی که تو را از احسان خود محروم

ساخت. توبه به او احسان کنی. و خویشی که از تو برید توبه او پیونددی. اگر کسی نافرمانی
 بر توستم کرد از او گذشت نمانی. و قتیکه این سه خصلت را انجام دادی ارحام و خویشاوندان
 را پیوسته به احسان شاد ساختی هر چند که خویشان با تو خوبی نکنند. و با مردم به نیکوکاری
 رفتار کردی هر چند که از ایشان کسانی تو را آزر دهند. و گذشت داشتی و بدوستان را به
 خوبی و گذشت درمان کردی. شاکسته بشت خواهی بود. بقول سعدی:

بدی را بدی سهل باشد جزا

اگر روی احسن الی من آسا

خوبی دوستان در نظر گرفتن و بدی شان را به گذشت مقابله کردن. داشتن

قدر دوستی است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: لَيْسَ الْوَأَصِلُ بِالْمُكَاْفِي ذَلِكِنَّ الْوَأَصِلُ

الَّذِي إِذَا قَطَعَتْ رَحِمَتُهُ وَصَامَعَا. (رواه البخاری)

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: احسان کننده به ارحام کسی نیست که در مقابل

خوبی، خوبی ننماید. بلکه احسان کننده به ارحام کسی است که اگر خویشاوندان خوبی خود را از

او قطع کنند او خوبی به ارحام کند. خوبی به خویشاوندان و وظیفه ای است که دین و وجدان

و جو امر روی و انسانیت به آن حکم میکند. کسیکه از ارحام خود ببرد. در همین دنیا هم شوم

قطع ارحام بروی ظاهر خواهد گردید. چه قدر افراد که در چند روز ثروت و هستی، خویشان

را از یاد بردند. و در وقت عمرت و تنگدستی حتی رحمت خدا تعالی هم از ایشان قطع گردید.

افرادی هستند که بفکر ارحام خود نمی افتند و خویشاوندان خود را در حال بیچارگی و ناتوانی

می بینند و آنان را دستگیری و معونت نمی کنند و طولی نمیگذرد که هستی شان

بباد میرود. و بر سر فرزندان شان می آید. آنچه درباره خویشاوندان خود روا داشته
 کس نیکه آسایش زندگی میخواهند. و مردی که طول و عمر و برکت زندگانی میخواهند و
 افرادی که رضای خدای متعال طالبند. همه بدانند که راز اینها در معنویت و مساعدت به
 ارحام نفقه است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبْتَطَلَ فِي رِزْقِهِ وَ
 يُنْتَأَى فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِدْ رَحِمَتَهُ. (رواه سلم)

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: کسیکه دوست میدارد برکت و فراخی روزی
 و کسیکه میدارد طول عمر و درازی زندگیش. پس احسان به ارحام خود نماید. احسان و
 شاد ساختن ارحام. اثر معجز آساز دارد. بفرخ خویشاوندان بودن. و خویشان را یاری
 و مددگاری کردن نیک بختی و دو جهان به همراه دارد. همه تلاش مردم در افزودن ثروت
 است و همین افزودن ثروت به معنی برکت و فراخی روزی بر اثر صلّه ارحام تعبیر شده است.
 همه مردم طالب درازی عمر هستند و طول عمر و برکت آن در احسان
 به اقارب و صلّه خویشاوندان نفقه است. مصارفی بیهوده و بیجا که دامنگیر شما
 میشود بر اثر قطع ارحام است و در حقیقت بفرخ خویشان و ارحام و اقارب بودن
 بفرخ خود بودن است. زیرا اثر خوشوقتی و شادمانی آنان. بر خود شخص و فرزندانش ظاهر
 میگردد. و دعای خیر و رضای شان. مایه رضای خدا تعالی میگردد.

وروى عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: انّ الصّدقة
 و صلّة الرّحم يزيده الله جهماني لحم و يرفع بهما ميّة السوء و يذم
 ههما المكاره و المحذور.

صدقه وصله ارحام اند که خدای تعالی بوسیله آن عمر را می افزاینده و مردون
بدر دفع میفرمایند و ناخوشی و ترس را رفع میفرمایند.
یکی از دانشمندان گوید که آیه از سوره رعد:

﴿يَجْعَلُ اللَّهُ مَائِشَاءً وَيَمُنِّتُ﴾ (الرعد ۳۹)

در خصوص اثر صله ارحام است که قطع کنندگان ارحام را. خدای متعال
از صفحه روزگار نابود سازد و احسان کننده گان به خویشان را در صفحات ایام پایدار
فرماید. گفته اند وقتی به داود گفته شد که فلان پس از شش روز خواهد مرد. داود علیه السلام
دید که نه فقط شش روز گذشت بلکه سال به آخر رسید و آن فلان زنده بود. داود سبب
پرسید. به وی اعلام شد که بر اثر احسان به ارحام بیست سال بر عمر او افزوده گشت.
خدا اینها با توفیق ده تا در عمل برابر دستور مقدس تو رفتار کنیم. و بما بصیرتی ده که
حق خویشان را بجا آریم و از رضای خویشان رهنمای تو بدست آوریم.
پروژه گارا و در دلهای ما نور ایمان را تقویت ده و در عملهای ما توفیق طاعتت
عنایت کن و در گفتار ما راستی و یاد خودت برقرار بدار.

بیا اینها سروران اولی الامر ما را در اجرا تعالیم عالییه اسلام موفق گردان و بزرگان
دین را به معاونت موفق گردان و به همه ما خوشنودی و آمرزش عطا کن. بار الهام دستهای
نیاز بدرگاه تو فراداشته ایم امید ما را محقق بساز.

وصلی الله تعالی وسلّم علی سیدنا محمد و آلِهِ وصحبِهِ و الصّالحین سبحان ربّك ربّ
العزّة عمّا یصفون وسلّم علی المرسلین و الحمد لله ربّ العالمین.

۹۴. فضیلت نماز باجماعت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَائِبَةِ لِلْمُتَّقِينَ. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ. اللَّهُمَّ فَصِّلْ وَسَلِّمْ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى. آمَنَّا بِكَ فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:-

﴿ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ﴾ (التوبة ۱۸)

محقق این است که مساجد را کسانی آباد کنند که ایمان به خدا و روز قیامت

دارند. قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: إذا رايتم الرجل يعتاد المساجد

فاشهدوا له بالإيمان. قال الله عز وجل لا تعمر مساجد الله من آمن بالله و

اليوم الآخر) (آیه ۱۸-توبه) رواه الترمذی وقال حديث حسن -

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: هر گاه دیدید کسی مواظبت بر نماز باجماعت

در مساجد دارد. گواهی به ایمان داری او بدهید. زیرا خدای عز و جل فرمود کسانی نماز

را به عبادت آباد کنند که ایمان به خدا و روز قیامت دارند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: من غدا إلى المسجد أذراح أعده الله له

في الجنة نزلًا كلما غدا أذراح - متفق عليه

با هر باری که شخص به مسجد برای عبادت میرود - خدای متعال مایه گرمی داشت او
 فراهم فرماید - لذت عبادت موقتی فراهم می آید که شخص عبادت را با جماعت بخواند -
 زیرا فضیلت و ثواب چندین برابر میگردد - از برکت صالحان استفاده می برد - از سهو
 و اشتباه در نماز این می ماند و نشستن به انتظار عبادت هم فضیلتی جداگانه است -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لا يزال احدكم في صلاة مادامت

الصلوة تجسه لا يمنعه ان يتقلب الى اهله الا الصلوة - متفق عليه

رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود: تا موقعیکه شخص در مسجد به انتظار نماز با جماعت
 نشسته است ثواب عبادت او جاری است چنانکه در موقع اشتغال به عبادت -
 زیرا انتظار نماز شخص را از برگشتن به محل کار و خانه خود باز داشته است -

وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: الملائكة تصلي على احدكم مادام

في مصلاه الذي صلى فيه ما لم يحدث تقول اللهم اغفر له اللهم ارحمه - رواه البخاري

فرشتگان درود فرستند بر هر یک از شما تا موقعیکه در نماز خود بعد از نماز
 نشسته باشد - و بگویند خدایا او را بیا مرز و خدایا او را رحمت کن -

در انتظار نماز با جماعت قبل از نماز ثواب همانند اشتغال به نماز است و در
 موقعیکه بعد از نماز به تعقیبات مشغول است یا زخم در طاعت و مورد دعای فرشتگان
 است - و در چند روز زندگی که بیشتر آن به غفلت میگذرد لحظاتی که در مساجد به قصد نماز
 با جماعت میگذرد جبرانی است برای غفلتها - آنانیکه تاریکی مانع از آمدن شان به مسجد
 نمی گردد - و آنانیکه دل بسته به مساجد و عبادتند فضیلتی بیشتر دارند -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: بشر المشائين في الظلم الى المساجد

بِالنُّورِ التَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (رواه ابوداود و لثمغزی)

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: مژده دهید آمانیکه در تاریکی یہ مساجد میروند بہ روشنائی کامل در روز قیامت. در اوقات تاریکی مانند اوقات نماز عشاء و صبح. اگر با چراغ باشد ہم فضیلت آن فراوان است و همین اجر را دارد. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ» (رواه مسلم)

کسیکه نماز عشاء با جماعت بخواند چنان است که نیمی از شب را بہ عبادت گذارند. و کسیکه نماز صبح با جماعت بخواند چنان است که ہمہ شب را بہ عبادت گذارند باشد. کسیکه نماز عشاء با جماعت بخواند چنان است که نیمی از شب بہ عبادت گذارند باشد و کسیکه نماز عشاء و نماز صبح ہر دو را با جماعت بخواند چنان است کہ ہمہ شب بہ عبادت گذارند. آنها نیکه رضای خدا میجویند در اوقات غفلت مردم بیشتر بیا دعا پردازند و آمانیکه نفاق بردہای شان چیرہ باشد. در اوقات غفلت. غفلت آنان بیشتر است.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: لَيْسَ صَلَاةٌ أَثْقَلُ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ - وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا. (متفق علیہ)

نیست نمازی کہ سنگین تر باشد بر منافقان از نماز صبح و نماز عشاء با جماعت و اگر میدانستند کہ در این دو نماز چقدر فضیلت و ثواب است. حتی اگر مثل کودکان بر دست و زانو رفتن بود. ہم از این دو نماز باز نمی مانند. نماز عشاء پایان عبادت روز است و آغاز راحت. چقدر بجا است کہ شخص پایان کار ملی خود را بر عبادت خدای متعال قرار دهد با جماعت و صبح آغاز روز است و موقع شروع کار و فعالیت چقدر

مناسب است که شخص مسلمان آغاز روز و وجود را در عبادت با جماعت قرار دهد۔

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «مَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ فَاَنْظُرْ يَا ابْنَ آدَمَ لَا يَطْلُبَنَّكَ اللَّهُ فِي ذِمَّتِهِ بِشَيْءٍ» (رواه مسلم)

کسیکه نماز صبح را بخواند او در ذمت خدای متعال است بنگر تا خدای عز و جل درباره کسیکه در ذمت او است. از تو مطالبه ننماید۔ نمازگذار رو بخدای آورد۔ و از خدای متعال نگرنداری و مددگاری خود می جوید۔ کسیکه نمازگذاران را بیازارد کسانى را آزرده است که در ذمت خداوند متعال هستند۔ قال رسول الله

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ حَبِطَ عَمَلُهُ»

کسیکه نماز عصر ترک کرد اعمالش نابود شد است۔ نماز عصر که صلاه وسطی و میانه نمازهای روز و شب است در مراتب آن و ادای آن با جماعت فضیلتهای فراوان است۔

وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ شِمٌّ مَضَى إِلَى بَيْتِ مَنْ بِيُوتِ اللَّهُ لِيَقْضِيَ فَرِيضَةً مَنْ فَرَّائِضِ اللَّهِ كَانَتْ خَطْوَاتُهُ إِحْدَاهَا تَحُطُّ خَطِيئَةً وَالْآخَرَى تَرْفَعُ دَرَجَةً»۔ (رواه مسلم)

کسیکه وضو گرفت در خانه اش و آمد بر یکی از مساجد تا یکی از نمازهای فرض را بخواند۔ گام برداشتن او۔ یک گام گناهانش را اندازد۔ و گام دیگر درجه او را بالا ببرد۔

وَعَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ لَا أَعْلَمُ أَحَدًا أَلْعَدَّ مِنَ الْمَسْجِدِ مِنْهُ وَكَانَتْ لَا تَحُطُّهُ صَلَاةٌ فَقِيلَ لَهُ لَوْ اشْتَرَيْتَ حِمَارًا تُرْكِيهِ فِي الظَّمَاءِ وَفِي الرِّمَاءِ - قَالَ مَا يَسْتُرُنِي أَنْ مَنِّتَنِي إِلَى جَنْبِ الْمَسْجِدِ - إِنِّي أُرِيدُ أَنْ

يَكْتُبُ لِي مَشَايَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَرَجُوعِي إِذَا رَجَعْتُ إِلَى أَهْلِي . فَقَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : قَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَكَ ذَلِكَ كُلَّهُ . رواه مسلم

ابی بن کعب رضی اللہ عنہ گوید: یکی از یاران پیغمبر از انصار مدینه دورترین شخص
بود از مسجد پیغمبر. و پنج نمازی از او فوت نمیشد. کسی به او گفت: اگر سواری برای خود
می خریدی تا دورگرا و تاریکی بر آن به مسجدی آمدی. وی گفت دوست تیدارم که مثل
من پہلوی مسجد باشد. میخواهم رفتن و آمدنم به مسجد برای من نوشته شود.

رسول اللہ فرمود: خداوند همه آن ثوابهای رفت و آمد به مسجد را برای تو جمع کرده است.

وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَخَّرَ
كَيْلَةَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَى شَطْرِ اللَّيْلِ - ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْنَا بَعْدَ مَا صَلَّى
النَّاسُ وَرَقَدُوا - وَلَمْ تَزَلْ الْوَأْفِي صَلَاةٍ مُنْذَ انْتَضَرْتُمُوهَا . (رواه البخاری)

انس رضی اللہ عنہ گوید شبی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نماز عشاء را
تا نیمه شب تاخیر فرمود بعد از اینکه از نماز عشاء فارغ شدند. روپا فرمودند: مردم
نماز خوانند و خفتند و شهادت همه این مدت که انتظار نمازی کشیدید. در نماز بوده اید. چه
ساعتها که آدمی به انتظارهای پیوده میگذراند. و عمر گر نمایم ببا دیدهد. اگر انتظار
آدمی در عبادت و طاعت باشد نه عمر پیوده تلف میگردد. و نه از ثواب محروم
میماند نماز با جماعت اگر لحظاتی انتظار داشته باشد آن لحظه با هم ثواب دارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ أَفْضَلُ
مِنْ صَلَاةِ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعَشْرِينَ دَرَجَةً.» (متفق عليه)

نماز با جماعت بهتر است از نماز به تنهایی به بیست و هفت درجه.

یکی از بزرگان وقتی یکی از نمازهای باجماعت از او فوت شد - وی آن نماز را بیت و هفت بار خواند - اما یکی از دانشمندان به وی گفت - نماز را بیت و هفت بار تکرار نمودی - اما برکت آیین گفتن ملائکه که همراه آیین گفتن امام است چگونه بدست می آوری - در سیرت هر یک از بزرگان دین دیده نشده است که حتی یک نماز باجماعت را بدون عذر ترک گویند - وقتی که به نماز باجماعت عادت شد معنی نماز باجماعت که هم بهنگی و هم گیر راه و کردن و هم دوستی باشد نباید فراموش کرد -

خُذَايَا دَسْتِ دَعَا بَدْرِ گَاهِ پَرِ عِظَمَتِ فَرَادِ شْتَهْ اَيْمِ و دَلْمَارَا از سَرِ صَدَقِ و اِخْلَاصِ بَه نِيَا زَوَادِ شْتَهْ اَيْمِ تَارِحَمَتِ بَمَا از زَانِي فَرْمَانِي و عَقُوبَتِ سَفِيْمَهَانَ مَابَه گَرَفْتَارِي هَم گَانِ نَفْرَمَانِي -

بِرُوَرْدِ گَا رَا از تُو بَجْرِ اِحْسَانِ وَ فِضْلِ بِيَا و نَدَارِيْمِ وَا ز كَرَمِ وَ نَجْشَالِي شْتِ - چِشْمِ دَا شْتِ هَم مَه گُونَه نِيَكِ بَخْتِي دَارِيْمِ -

بِرُوَرْدِ گَا رَا اگر بَجْوَانِي وَا اگر بَرَانِي بَغِيْر از دَر گَمْتِ - پَنَاهِي نَدَارِيْمِ رَحْمَتِ تُو وَا سَعِ اسْتِ وَ نَجْشَالِي شْتِ تُو بِي شَارِ اسْتِ - و دَرِيَايِ رَحْمَتِ بِي كِرَانِ - سِرْوَرَانِ اَوَّلِي الْاَمْرَ مَارَا بَه مَعُوْنَتِ وَ تَايِيْدَتِ مَدَدِ فَرْمَايِ وَ بَزْرگانِ دِيْنِ وَ عَمُوْمِ مَسْلِيْنِ رَا مَوْفُقِ فَرْمَايِ وَ مَه مَارَا بَه اَمْرِ زَشْتِ دِلْشَاد كُنِ وَ مَه گِي رَا از بِنْدِ غَمِ هَامِي هَر دُو جِهَانِ اَزَاد كُنِ - تَانِيَكِ بَخْتِي وَ اَسَايِشِ دُو جِهَانِ بَدَسْتِ اَوْرِيْمِ -

رَبَّنَا اَتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ
 وَ صَلَّى اللهُ تَعَالَى وَ سَلَّمَ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ
 وَ الصَّالِحِيْنَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ
 وَ سَلَامٌ عَلٰى الْمُرْسَلِيْنَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ .

۹۵. ده روزی حجّه - فضیلت روز عرفه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَالصَّالِحِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ
عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى .

﴿ وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴾

خدای متعال به یاد او و شبهای دهگانه از اول ماه ذیحجه تا صبح عید -
قسم یاد فرمود - و برای مردم عاقل بزرگی این ایام را گوشزد نمود - تا آنانیکه بحساب
عمر خود مراجعه ای دارند ،
در روزهای آخر سال به عبادت خدا تعالی بپردازند و غفلت ماههای
گذشته را به رجوع بدرگاه خدا - در روزهای انگشت شمار اول ماه ذیحجه جبران کنند
شبها به طاعت خدای توانا بپردازند - و روزها به روزه داری و کارهای خیر و
خدمت نخلق اشتغال ورزند -

أَخْرَجَ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «مِمَّنْ
أَيَّامٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْ يُتَعَبَّدَ لَهُ فِيهَا مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ يَعْدُلُ صِيَامُ كُلِّ

يَوْمٍ مِّنْهَا بِصِيَامِ سَنَةٍ وَقِيَامِ كُلِّ لَيْلَةٍ مِّنْهَا بَقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ».

نیست روزهایی که عبادت در آن محبوب تر باشد نزد خدای متعال.
از عبادت در روزهای دهگانه ذی حجه - روزه داری هر روز آن برابر است -
باروزه داری سالی در ثواب و فضیلت و شب زنده داری به طاعت خدای تعالی
برابر است هر شب آن با شب لیلۃ القدر در اجر و حسنات -

کسانی که در شب های دهگانه بر نماز باجماعت مواظبت کنند. ثواب
احیای آن شبها را دارند - علامت طاعت های مورد قبول آن است که روز به روز
به طاعت بیشتر - و عبادت خالص تر بشوند - زیرا در عبادات همیشه مداومت علامت
قبول آن است - چنانکه در حدیث صحیح است -

« أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ » محبوب ترین عملهای خیر نزد خدای
متعال با دوام ترین آنها است اگر چه اندک باشد.

وَرَوَى أَبُو دَاوُدَ: أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «كَانَ يَصُومُ تَسْعَ ذِي الْحِجَّةِ»
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم - نه روز اول ذی الحجه را روزه می گرفتند - روز
نهم ذی الحجه که روز عرفه نام دارد - حجاج بیت الحرام به راز و نیاز و عبادت
در منی و عرفات مشغولند - روز عرفه فضیلت بیشتر دارد - و آنانی که مشغول اعمال حج
نیستند و توانایی روزه داری دارند - سنت است روز عرفه را روزه بگیرند - و
بعد از ظهر روز عرفه - بیاد خدا و طاعت او و کارهای خیر و شاد کردن خسته دلان
پروازند -

وَرَوَى مُسْلِمٌ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عن صوم یوم عرفه؟ قال یکفر السنة الماضية والسنة الباقية ۴۰ -

از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم پرسیده شد در خصوص روز عرفه که فضیلت آن تا چه پایه است فرمود روزه داری روز عرفه. کفاره است برای سال گذشته و آینه سه روزی که تواند کفاره دو سال باشد. سایسته است که انسان در احیاء آن بکوشد.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم خیر الدعاء دعاء یوم عرفه و أفضل ما قلت انا و النبیون من قبلی - لا اله الا الله و حده لا شریک له - ۴۰

بهترین دعا - دعای روز عرفه است (و معلوم است که بیشترین دعای پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بوده است: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ -
پروردگارا بده ما را در دنیا خوشی و در آخرت خوشی و نگهدار ما را از عذاب آتش) و فرمود بهترین سخنی که من و پیغمبران پیش از من گفته ایم لا اله الا الله و حده لا شریک له. زیرا همین کلمه طیبیه است و همین کلمه توحید است. و هر کس که آخرین سخن او از دنیا کلمه لا اله الا الله باشد به بهشت رود - چنانکه در حدیث است:

((مَنْ كَانَ آخِرَ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ)) -

در روز عرفه یاد خدا و کار خیر و شاد کردن غمزدگان. ثواب مضاعف دارد - و سنت است از بعد نماز صبح روز عرفه تا بعد از نماز عصر روز سیزدهم ذیحجه - بعد هر نماز تکبیر گفتن چه نماز فرض باشد و چه سنت - و کلمه تکبیر:

الله أكبر الله أكبر الله أكبر لا اله الا الله و الله أكبر الله أكبر و
الله الحمد لله أكبر كبريا و الحمد لله كثير أوسبحان الله بكرة و أصيلا

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. وَلَا تَعْبُدُ إِلَّا إِلَٰهَهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ. صَدَقَ وَعْدُهُ. وَنَصَرَ عَبْدَهُ. وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

وسنت است شب عید را به طاعت خدا - بسر آوردن - در حدیث است :
 «مَنْ أَحْيَا لَيْلَتِي الْعِيدِ لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ» کسیکه دو
 شب عید فطر و قربان به طاعت زنده دارد - دل او نمیرد - روزیکه دلهای دیگر بمیرند -
 و در اینکه آیا همه شب باید به عبادت بسر آوری - چنانکه بهتر آن است و یا اینکه بیشتر شب
 عید به طاعت گذرانند که اینهم قوی است معتمد و گفته شده است که یک ساعت از
 شب عید به طاعت گذرانند مایه حصول ثواب احیاء شب عید است. و معلوم است
 که مواظبت بر نماز مغرب و عشاء و صبح روز عید با جماعت از اسباب حصول آن ثواب
 است - و در صبح عید قبل از اینکه چیزی خورده شود سنت است برای نماز عید رفتن - و
 رفتن از راهی دیگر گشتن از راه دیگر و گشاده دستی بر بستگان در روز عید و زیارت
 ارحام - و احسان به خویشاوندان و کومک فقرا و ایتام و مستمندان از اتم مهمات
 است و بدن شستن و نظافت و پاکیزگی و اصلاح موی و چین ناخن و بوی خوشی و بپاش
 پاک و نو اگر داشته باشد - شستن در روز عید بعنوان غرای میت - از بدعت های ناپسندیده است که مایه ناراحتی اموات خواهد بود -

اما در این عید یکی از سنتهای موکده قربانی است . وقت قربانی از بعد از عید
 قربان است تا غروب آفتاب روز سیزدهم - و نزد بعضی علماء - وقت قربانی
 فقط روز عید است و نزد بعضی علماء - وقت قربانی روز عید قربان است و دوروز بعد

آن رستن قربانی - درگوسفند و گاو - دوسال کامل - و در شتر پنج ساله است
و سنت است از هر شخص گوسفندی قربانی کردن -

هرگاه شخص گوسفندی را از خود و اهل بیت خود قربانی نماید جایز است و ثواب
آن به همه میرسد - کسیکه از اول ذبیح قصد قربانی داشته باشد - نگر فتن از موسی
و تاخن تا قربانی نماید - سنت است - در این ده روز اگر چیزی دیده شد که خاطر را بخورد
مشغول میدارد -

مستحب است گفتن اللَّهُمَّ لَا عَيْشَ إِلَّا عَيْشُ الْآخِرَةِ -

زندگانی در حقیقت زندگی اخروی است - بعضی از علماء گفته اند که در عید
قربان اگر ذبح گوسفند نتوانست ذبح مرغی هم مستحب است - تا روز عید قربان -
از کشته شده دستی بر خوانواده و فقیران محروم نماند - روز عید در واقع برای کسانی عید
است که تا آنجا که مقدر دارند - نسبت به همسایگان و مستمندان و ایتام و ارحام
خود - دست گیری و کمک نمایند قرار دادن روزهای عید و عرفه - برای بیاد آوردن
ضعفا است -

آنها سیکه عقل و شعور دارند باید با خود بیندیشند آدمی برهنه و ناتوان بدینا
می آید و تنی دست و بینوا از جهان میرود و این زندگی زود گذر و نپوی - مزرعه و
کشتزار اخروی او است نیک بخت مردی که خدا را فراموش نکردند - و بدستوز
پیغمبر خدا رفتار نمودند -

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُضَعِّي
بِكَبْشَيْنِ أَقْرَبَيْنِ وَيُكَبِّرُ وَيَضَعُ رِجْلَهُ عَلَى صِفَاحِهِمَا وَفِي لَفْظٍ

ذَجَّهْمَا بِيَدِهِ وَفِي لَفْظِهِ سَمِينَيْنِ وَلاِبْنِ عَوَانَةَ فِي صَرِيحِهِ ثَمِينَيْنِ - وَفِي لَفْظِهِ مُسَلِّمٌ وَيَقُولُونَ : بِسْمِ اللّٰهِ اللّٰهُ اَكْبَرُ ۴۴. أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم دو قوچ فریبہ وگراںبہارا قربانی میفرمود و بدست مبارک خود ذبح آنها مینمود و میفرمود :

بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ - وروی مسلمہ انّہ صلّی اللّٰہ علیہ وآلہ وسلم ﴿ اَمْرًا بِكَبْشٍ اَقْرَبَ يَطَأُ فِي سَوَادٍ وَيَنْظُرُ فِي سَوَادٍ - فَاِنِّي بِهِ لِيُضَحِّيَ بِهِ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ هَلْ جِئْتِ الْمُدْيَةَ ثُمَّ قَالَ اشْحَذِي بِهَا بَجْرٍ فَفَعَلْتَ ثُمَّ اخَذَهَا وَاخَذَهُ فَاَضْحَعَهُ ثُمَّ ذَبَحَهُ ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنْ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَمِنْ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ فَضَحَ بِهِ ۴۵. أو كما قال عليه الصلاة والسلام

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود تا قوچی کہ یاها و سگم و اطراف چشمش سیاه باشد بیاورد موقعیکہ آن را آوردند بہ ہمسر خود گفت چاقو بیاورد و آن را تیز کن - آنگاہ چاقو و قوچ گرفت و قوچ را ذبح و فرمود : بسم اللہ - خدایا این قربانی را بپذیر از محمد و آل محمد و امت محمد - آنگاہ قربانی بہ این تفصیل کہ گفت شد بہتر است - وگرنہ ہر زنگ کہ باشد کفایت میکند - و گفتن بسم اللہ و اللہ اکبر - اللّٰهُمَّ مِنْكَ وَاِلَيْكَ فَتَقَبَّلْهَا مِنِّي -

چنانکہ گفتیم سنت است - رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود : کسیکہ توانائی داشت و قربانی نمود بہ مصدای مانیاید - زیرا وظیفہ ہر مسلمان پیروی از رسول اللہ است -

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «أَرْبَعٌ لَا تَجُوزُ فِي الضَّحَايَا -
 الْعَوْرَاءُ الْبَيْنُ عَوْرَهَا وَالْمَرِيضَةُ الْبَيْنُ مَرَضُهَا - وَالْعَرَجَاءُ الْبَيْنُ ضَلَعُهَا - وَ
 الْكَبِيرَةُ الَّتِي لَا تُنْفِقُ» . رواه الامام احمد والاربعه وصححه الترمذی وابن حبان .

چهار عیب اند که اگر در قربانی باشد پذیرفته نشود - کوری یا یک چشمی
 که در حیوان موثر باشد و حیوانی که بیمار باشد و بیماریش آشکار باشد -
 و لنگ که حیوان را از چرخا و هم‌راهی کله حیوانات باز دارد - و حیوان بزرگسال
 که مغزش رفته باشد -

و عن علي رضي الله عنه قال أمرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم: « أَنْ
 نَسْتَشْرِفَ الْعَيْنَ وَالْأَذْنَ وَلَا نُضْحِيَّ بَعُورَاءَ وَلَا مُقَابَلَةً وَلَا مُدَابِرَةً وَلَا خِرَاءَ
 وَلَا ثَمَاءً » . رواه احمد - والاربعه وصححه الترمذی وابن حبان و الساجم .

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود که موقع خریدن و بدست آوردن
 قربانی چشم و گوش آن و در نظر بگیریم و قربانی نتائیم به حیوانی که گوش آن شکافنده
 یا سوراخ باشد - و همچنین حیوانی که دندانهای پیش آن افتاده است قربانی
 نمیکنیم

اخذ اینا رومی و لهای ما متوجه در گاه تو است . و دستهای نیاز ما بسوی
 تو افراشته است . عادت تو نبوده است که سائلان را محروم سازی -

بجز درد گارا با بصیرتی ده تا همیشه در برابر فرمان تو رضی و خوشنود باشیم
 و پیمانوفیقی که بر طاعت استوار و موفق گردیم -

افریدگارا ما را از شر و رو آفات تو جهان دور بدار و زندگی سعادتبار بما

ارزانی دار- تا پیوسته به رضای تو سرافراز باشیم-

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اولی الامر ما ربه عنایتت موید فرما- تا در تائید دین مسین
اسلام موفق گردند و دانشمندان را معنوی کن تا پیروی رسول اللہ در همه حال
نصیب شان باشد و مردم را به شاهراه دستورهای شریعت رهنمون شوند-
و به همه مسین عنایتی ابراز بدار- که در دینداری پابرجا و مستقیم باشند و آموزش و
رحمت شامل حال همه ما گردان تا زندگان و مردگان مسین نیک نخت و آسوده باشند-

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۹۶. شرک بزرگترین گناه - پند لقمان به پسرش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ جَمِيدٌ فَجِيدٌ - أَمَا بَعْدُ : اتَّقُوا اللَّهَ تَعَالَى وَأَطِيعُوهُ -
رَوَى الْبُخَارِيُّ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ لَمَّا نَزَلَ قَوْلُ اللَّهِ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى : (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ
الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) - شَقَّ ذَلِكَ عَلَى أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَالُوا أَيُّنَا لَمْ يَلْبَسْ إِيمَانَهُ بِظُلْمٍ ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ : إِنَّهُ لَيْسَ بِذَلِكَ إِلَّا تَسْمَعُونَ لِقَوْلِ لُقْمَانَ : يَا بَنِيَّ
لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ .

عبد اللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ گوید موقعیکہ این آیه نازل شد اللذین آمنوا
ولم یلبسوا ایمانهم بظلم۔ الذی بعمومی کہ ایمان آوردند و نیامیختند ایمان خود
را بظلم۔ دشوار آمد بر یاران پیغمبر و گفستند چه کی از ما ایمانش بظلم نیامیخته است
رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: مقصود از این آیه آنچنان نیست کہ شما گمان
کرده اید۔ آیاتی شنوید گفتار لقمان را، امی پسر عزیزم، برای خدا شرک بپا

میاور زیرا شرک آوردن بخدا - گناهی بس عظیم است - در باره لقمان اختلاف است و معتقد این است که مردی حکیم و دانشمند بوده است - در قرآن کلام الله راجع به لقمان و پند و اندرزهایی که به فرزند خود داده است - آیاتی آمده است

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ جَمِيدٌ﴾ ۱۲ - لقمان

لقمان را حکمت آموختیم تا شکر و سپاس خدا بجای آورد - زیرا کسیکه خدا را شکر گذارد - فایده شکر گذاری بخودش بر میگردد و کسیکه کفر آورد و نعمت خداوندی را کفران نمود - پس محقق است که زیان آن بخودش میرسد - و حقیقت این است که خدای متعال بی نیاز است - حاجتی به سپاس کسی ندارد و کائنات همه ستایشگر خدا است و در واقع مدار دینداری در سپاس گذاری خدای عزوجل میباشد.

کسیکه نعمتهای خدا را کفران نمود - بخدای توانا نام کفر می آورد - و در حدیث

است :

«الْإِيمَانُ نِصْفَانِ - نِصْفٌ صَبْرٌ وَ نِصْفٌ شُكْرٌ»

ایمان دو نیم است - نیمی در شکیبایی و نیم دیگر در سپاس گذاری است - روح دینداری توحید و خدا را به یکتائی پذیرفتن است و نتیجه آن سپاسگذاری و ستای خدایست و ستایش او - و بهره و ثمره آن اخلاص در همه کار برای اجل و علا است -

«وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ

الشِّرْكُ لظَلَمٌ عَظِيمٌ ﴿ لقمان - ۱۳ ﴾

موقعی که لقمان پسر خود را پند می‌داد - و معلوم است که پدر تا چه اندازه خیر خواه
فرزند است . و بخصوص پدری که دانشمند باشد معلوم است تا چه اندازه چکیده
تجارب و معلومات خود را - بصورت پند و موعظه گوشزد و جگر گوشه خود مینماید .

ای پسر عزیزم - هیچگاه برای خدا شریکی میاور خوبیا را نادیده گرفتن -
شاید محل عفو و اغماض باشد - اما خوبیبانی که خدای متعال مینماید - گذشته از
نادیده گرفتن آن - بغیر خدا نسبت دادن - ستمی بس بزرگ است - خدا را در برابر هر
نعمتی شکری است - شکر زبان ، شکر دست ، شکر پا ، شکر چشم ، شکر
تندرستی ، شکر علم ، شکر توانگری ، شکر ایمان و غیر اینها -

شکر خدا شناسی در نماز و طاعت او - و شکر علم در نصیحت و راه نمایی بخیر
و شکر توانگری تو وضع و انفاق و شکر ایمان و صبر و شکیبایی و شکر تندرستی
دور بی از گناهان و معاصی است .

﴿ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ

مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴾ (لقمان - ۱۷)

ای پسر عزیزم - نماز را برپا مدار و بخوبی و ادب و از زشتی باز دار و شکیبا
باش - زیرا محقق است که نماز و دلالت بر خیر و جلوگیری از شر - و صبر شکیبایی از
کارهای ذیقیمتی است که باید بر آن عزم داشت .

﴿ وَلَا تَصْغُرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْسُقْ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلًّا

مُخْتَالًا فَخُورًا ﴾ ۱۸ - لقمان

تکبیر را پیش ساز - و رُو از مردم مگردان - بلکه رُویت به مهر و محبت بسوی
 مردم قرار ده - و راه مَرُوبه افتخار تکبیر - زیرا خدا که تو را آفرید - از تکبیر منع فرمود و
 آفریدگار دوست ندارد و گردنکشان و متکبران را -

ز خاک آفریدت خداوند پاک
 پس افتادگی کن پس همچو خاک

۱۹- لقمان

«وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»
 در راه و روش خود میانه باش نه چندان شتاب که سر یازدن را بار آورده -
 و نه چندان سستی که عقب ماندگی را بجا آورد - نه خیره سری که گمراهی را بار آورد
 نه بی عرضه ای که ضایع شدن را بار آورد - بلکه میانه روی در راه و روش - و در گفتار
 و کردار و آهسته بردار آواز را - نه بینی که بلندترین آواز و زشت ترین صدای بصدای
 الاغ است آواز و صدا و گفتار و سخن برای ادای مطالب و تقسیم حقایق است که
 خَيْرَ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا - و هر گاه به نص قرآن - خرد و بزرگ اعمال را سزا و
 جزا است -

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «فَمَنْ يَعْلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ
 شَرًّا يَرَهُ» (الزلزلة - ۷-۸)

کسیکه هموزن مورچه ای خوبی کند پاداش آن را خواهد دید و کسیکه
 هموزن مورچه ای بدی کند کیفر آن را خواهد دید - خانه ای که گذرگاه است و
 باید از آن رخت برست - عاقل در آن کسی است که تقوی و خداشناسی را پیشه
 کرد و خیر و خوبی را وظیفه دانست - و برای روز دیدار پروردگار خوشنودی او را مایه خود

قرارداد و برای پرورش رسول الله پاستخی تمییه دید. مردی به علی کرم الله وجهه گفت:
دنیا را برای ما تعریف کن. فرمود:

لَا وَمَا أَصِفُ لَكَ مِنْ دَارٍ مِنْ صَحَّ فِيهَا سَقِيمٌ وَمَنْ آمَنَ فِيهَا نَدِمَ. وَمَنْ
انْتَقَرَ حَزَنًا. وَمَنْ اسْتَعْنَى أَفْتِنًا فِي حَلَالِهَا حِسَابًا. وَفِي سَوَاحِلِهَا عِقَابٌ ﴿١﴾
چگونه خانه ای را برایت توصیف کنم کسیکه تندرست بود در آن به بیماری
رسید و کسیکه امین بود به پشیمانی کشید و کسیکه دست تنگ شد به اندوه
رسید و کسیکه توانگر شد به مختما آزموده شد. در حلال آن حساب است
و در حرام آن عقاب.

و از حکمتی که منسوب به لقمان است دنیا دریائی عمیق است که خلائق
بسیاری در آن غرق شدند. اگر نجات خواهی. کشتی خود را در آن تقوی و پرهیزگاری
قرار ده که بار آن ایمان. و بادبان آن اعتماد بر خدا باشد. کسیکه از دل خود پند
گیرد از خدای خود نگهبان و حافظ بنید. کسیکه انصاف دادنه حق خود ضائع کرد
و نه حق مردم پایمال نمود. خداوند غرتش را بیفزاید.
ابو الحسن شاذلی رحمه الله گوید. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را بنحواب
دیدم. فرمود:

ای علی (شاذلی) طَهَّرْتُيَاكَ مِنَ الدَّنَسِ. نَحَطَّ بِمَدِّ اللَّهِ فِي كُلِّ نَفْسٍ
قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا ثِيَابِي. قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ خَلَعَ عَلَيْكَ خَمْسَ خَلَعٍ -
خَلَعَةَ الْحُبَّةِ وَخَلَعَةَ الْمَعْرِفَةِ وَخَلَعَةَ التَّوْحِيدِ وَخَلَعَةَ الْإِيمَانِ وَخَلَعَةَ
الْإِسْلَامِ وَخَلَعَةَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهُ هَانَ عَلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ وَمَنْ عَرَفَ

دارد و گویند اَعَالِمُ مَنْ اَرْتَفَعَ الْحِجَابُ عَنْ عَيْنِي قَلْبِهِ و انام کسی است که پرده از دیدگان دلش برداشته شده باشد. حقیقت را بگوید و حق را بر بیند و بیابد و او گوید:

اَفْرَدَ اللهُ يُفْرِدُكَ - وَوَحِدَ اللهُ يُوَحِّدُكَ - وَاخْضَعَ لِرَبِّكَ وَوَحَّدَهُ تَخَضَّعَ
لَكَ الرَّقَابُ وَالزُّيْمُ فَرَّغَ بِاسْمِهِ تَفْتَحُ لَكَ الْاَبْوَابَ - وَعَلَيْكَ بِمَحَبَّةِ اللهِ تَعَالَى وَحُبَّةِ
رَسُولِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - تُكْفَى اَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ -

خدا را مقصود بدان در همه کار - تا تو را فرزانه زمانه سازد - و توحید
خدای متعال در پیش گیر تا تو را یگانه روزگار گرداند - فرمانبری خدای یکتا کن تا
گردنها برای تو بفرمان آید و همیشه ملازم در خدای تو انا باش - تا همه درها بر تو گشوده
گردد - اگر محبت خدای تو انا و محبت رسول الله بدست آوری و بر فرمانشان
رفتار کن - نگرانی دنیا و آخرت از تو برخیزد - و نیک بختی دنیا و آخرت
بتو رسد -

خدا اینا به ما توفیقی ده که دل و زبان مایکی باشد - و به ما عنایتی کن که
اعتماد ما همیشه بر تو باشد - از نور محبت پر تویی در دل ما روشن کن تا همه چیز و همه
کس را دوست بداریم - و گفتار و کردار ما همه در راه خیر باشد - و دل و زبان ما بیاد
تو مشغول باشد -

بجز درد گارا ما را معونتی فرما تا همه دیگر را در راه نیک بختی دنیا و آخرت
مددگار شویم - دل را از آلودگی شرک و هوا و کینه و بدخواهی بشویم - و به نور ایمانیت
روشن گردانیم و زبان را از دروغ و نفاق و بدزبانی ننگداریم و به کوبک بندگاری

بشما بیم - و یکدیگر را غم گسار و مددگار گردیم -
افزیدگارا سعی و تلاش مانی توفیق تو از زشی نیارد - ما را توفیق ده تا در همه کار
کامیاب گردیم -

بیا یا الهنا سرورانِ اولی الامر ما را موفق گردان تا مجری تعالیم قرآن باشند و
و انشندان را توفیق ده تا در تبلیغ دین داری شاد کام باشند - و به عموم مسلمین عنایتی ده
تا همه گیرا دوست بدارند و یکدیگر را مددگار گردند -
خدا ایما ما را از فضل خود شاد کن که طاقت عدل تو نداریم و ما را به رحمت
آباد کن که تاب ویرانی معصیت نداریم -

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
وَصَلِّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبِّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

۹۷. قبل از دیدن روز جزا بفکر روز جزا باشید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَسَلَامٌ عَلٰی عِبَادِهِ الَّذِیْنَ اصْطَفٰی .

﴿ وَلَوْ تَرٰی اِذْ وُقِفُوْا عَلٰی رَبِّهِمْ قَالَ اَلَيْسَ هٰذَا بِالْحَقِّ قَالُوْا
بَلٰی وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ - قَدْ خَسِرَ

الَّذِیْنَ كَذَّبُوْا بِالْحَقِّ وَرَبِّهِمْ حَتّٰی اِذَا جَاءَ قَضَاؤُ السَّاعَةِ بَغْتَةً قَالُوْا
يٰۤاَحْسَرْتُنَا عَلٰی مَا فَرَطْنَا فِيْهَا وَهُمْ يَحْمِلُوْنَ اَوْزَارَهُمْ عَلٰی ظُهُوْرِهِمْ

الْاَسْءَاءَ مَا يَزُرُوْنَ وَمَا الْحَيٰۤاةُ الدُّنْيَا اِلَّا لَعِبٌ وَّلَهْوٌ وَّ

لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِیْنَ يَتَّقُوْنَ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿ ۳۱ - ۳۲ - الانعام

خدا تعالی فرماید: و اگر به بینی موقعی که بندگان حاضر کرده می شوند نزد پروردگارشان
برای حساب اعمالشان - پروردگار فرماید آیا این حاضر شدن تان برای حساب حق
حق است - گفتند بلبه قسم به پروردگارمان که این حاضر شدن برای حساب حق
است و یقین - پروردگار فرماید پس بچشید عذاب را در جزای رفتاری که داشتید -
حقا که زیان کار شدند -

مردمیکه تکذیب نمودند دیدار پروردگار را تا وقتی که قیامت بناگاه پیا شد.
در آن موقع گفتند ای افسوس بر آنمه تفریط و کوتاه کاری ما در دنیا. در آن روز مردم
گناهان خود را بدوش کشند چه بد بود گناهانی که میکردند.

زندگی دنیوی همه اش بازی و مشغولیت است. و خانه اخروی بهتر است.
برای مردمیکه پرهنیزگاری کنند. آیا عقل ندارند که حقیقت واقع را دریابند و به دنیا
فریفته نشوند.

دنیا همه اش خواب است و خیال. به سالهایی که از عمرتان گذشته است
بنگرید. تنها خاطره ای از آن در ذهن تان مانده است. نه از خوشیهایی گذشته
لذتی باقی است و نه از تلخی های گذشته اثری باقی است. اما حساب همه آنها در
دفتر اعمال آدمی ثبت است. روزی که قیامت نام دارد و همه بندگان برای حساب
خود در برابر پروردگار حاضر شوند. و در برابر سؤال پروردگار تعالی که آیا این روز بحشتم
خود نمی بینید به حقیقت آن اعتراف ندارید.

همه یکر زبان میگویند قسم به پروردگار ما که این حقیقت قابل انکار نیست
جواب پروردگار این است که جزای کردارتان را بچشید. در آن روز مردمی که
پرهنیزگارند به خانه خود رسیده اند و برتری آخرت را بر دنیا بحشتم عقل در دنیا
دیده اند و بحشتم جان در آنجای بینند.

در حدیث است که شخص مؤمن به خانه اش در بهشت شناسا تر است
از خانه اش در دنیا. و مردم پدر قنار که ایمان شان به آخرت فقط زبانی است و
یقین همراه دارد و نه به عمل خیر و اداری نماید. راهی جز افسوس عمر بر باد رفته و جزای

بر باد دهنده و جبر حسرت و دروغ بهره دیگر ندارند.

خدا تعالی در وجود هر شخص استعداد خیر و شر نهاد و در نهاد هر فردی نیروئی برای توجیه بسوی خیر قرار داد. و به همین اکتفا نکرده کتاب آسمانی را برای بندگان نازل فرمود و به فرستادن پیغمبر مردم را برای بکار گرفتن نیروی توجیه بسوی خیر مردم را کویک فرمود. تا اگر کسی خود را هلاک سازد بروی اتمام حجت شده باشد.

﴿لِيَمْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِ بَيِّنَةٍ وَيَحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنِ ابْتِغَاءِ﴾ (الأنفال - ۴۲)

بهترین نعمتی که خدا به بندگانش ارزانی فرمود نعمت ترس از خدا است. کسیکه از خدای ترس همیشه رویش به خیر است. و در دنیا هم بر او ترسی نیست. شهادت خطبه شنیدید که سلف صالح از این امت با داشتن ایمان قوی و با سعی و کوشش در راه خیر و با تلاش و سعی خستگی ناپذیر برای سعادت خود و مردم و با قدرشناسی از وقت. و گرامی داشتن عمر و با پیگیری طاعت و دوری از معاصی باز هم همانند بید از عذاب خدا بر خود می لرزیدند و این همان تعبیری است که رسول الله در بیان ترس مومن و منافق می فرماید که مومن معصیت خود را همانند کوهی می بیند که هر آن ممکن است بروی افتد و او را نابود سازد و منافق معاصی را همانند پشه ای داند که بر بینی او نشاند و پرواز کند.

بیشتر محنتها مولود همین معصیتهاست و مردم در رسیدن عقوبت بر سه گونه اند. مرد میکه عقوبت آنها محول به آخرت شده است و در دنیا عقوبتی نمی بینند و این قسم را بیشتر طبقه کفار تشکیل دهند. دوم مرد میکه در برابر هر معصیتی

عقوبتی ببینند. و سوم مردی که عقوبتهای آنان جمع شود و عقوبتهای جمع شده
بیکبار مغز او را بکوبند. و این سه در خصوص عقوبتهای فردی است.

اما در عقوبتهای اجتماعی هر مردی که بفکر یکدیگر نباشند و به پایمال شدن
حقوق همدگر تن در دهند عقوبت آنها سر بعتر است و هر مردی که بیشتر بفکر همدگر
باشند. و سعادت اجتماعی را بر منافع شخصی ترجیح دهند. خیلی دیر تر به عقوبت رسند
رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم فرمود:

عاقل کسی است که همیشه حساب خود را داشته باشد و برای بعد از مرگ خود
عمل نماید و از آخرت خود غافل نماند. و دنیای خود را به بیچ به یاد نهد. و نادان
کسی است که فکری برای آخرت خود ندارد. هوای نفس را قبله خود سازد و با
آرزوهای بی ارزش و فرومایه خود را بخوش کند.

وَصَلَّى اللهُ تَعَالَى وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
سَبَّتْ يَعْدِيَّةٍ جَمْعَهُ وَتَعْقِيَّاتِ نَزَا فَرَامُوشِ نَفَر مَائِدِ.

۹۸- جوانب ضعف و قوت خود بخاطر آورید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»

در زمین نشانه‌هایی از قدرت خداست برای مردمی که یقین دارند. دو قطعه مجاور از زمین یکی پر استعداد و دیگری بی استعداد است. یکی دارای آب شیرین و دیگری دارای آب شور - یکی لاله زار است و دیگری شوره زار است یکی هر تنگی را یکصد تخم پس میدهد. و دیگری هیچ زراعتی را قابل نیست.

اینهمه اختلاف در دو قطعه زمین مجاور دلالت بر قدرت خدای متعال دارد که اینهمه اختلاف در اقسام زمین قرار داد تا هر قسمتی بجاری اختصاص یابد. در زمینها نشانه‌هایی از قدرت خداست. و در وجود خودتان آدمیان نشانه‌هایی از قدرت آفریدگار است. در میان هیچکدام از افراد کائنات زنده همانند تفاوتی که میان بنی آدم است وجود ندارد در بین آدمیان کسانی هستند که در صفت فرشتگانند. و کسانی هستند که ابلیس هم به آنها نمی‌رسد. و همین آدمی گاهی بجدی توانائی دارد که در آسمانها پرواز می‌یابد در دل دریاها به غوص می‌پردازد.

زمینهای بی آب و علف را به باغهای سرسبز و خرم تبدیل می‌سازد. کوهها را می‌شکافد. جوهارا از محار لیش میگرداند. در همه آنچه به وی احاطه کرده است فرمانروائی میکند و از ناحیه‌ای دیگر بجدی ضعیف است که پشه‌ای او را می‌آزارد.

خاری اورا بیماری سازد و سہ ماہ اور از پائی در میآورد۔ خاطرہ ای جانگداز اورا بہ سرحد مرگ میرساند۔ و موسسہ نافر جام اورا از خواب و راحت باز میدارد۔

ہمین آدمی کہ در سرشت او تقاض عجیب است۔ خداوند وجود او را یکی از دلائل قدرت خود قرار داده است۔ تا آنکہ از خرد پیرہ و راست جوانب ضعف و قوت را ہر دو بخاطر آورد۔ نہ از قدرت خود مغرور شود۔ و نہ از ضعف خود باعث خواری خود گردد۔ ہمین آدمی وقتی راہ یاب سعادت است کہ خود را از دو بیماری غرور و خواری برہاند اما غرور در افراوی است کہ غیر خود را خوار شمارند۔ و در آنچه علم شان نرسد بہ داوری نشیند و کاری کہ کارشان نیست در آن دخالت کنند و خود را از گوش دادن بہ پند و نصیحت بالاتر دانند۔ نہ سخن کسی بشنوند۔ نہ بزرگتری دیگری را قبول کنند۔ نہ گرامی داشت دانشندان را بپذیرند۔ در نظر اشخاص مغرور و خودخواہ۔ مردم ہمہ یا بہ حماقت یاد شوند یا بہ جہل منتصف گردند۔ یا بہ نفہی موصوف گردند۔

اگر مردی بہ چنین بیماری دچار شوند نصیحت کسی در آمان سودند و مصیبتہا بسوی آہنار و آورد و بسوی ذلت روان گردند۔ و اما بیماری خواری و زہونی کہ ہر کسی بہ آن دچار شدہ اعصاب او کوفتہ۔ ارادہ اش از دست رفتہ۔ آرزویش برباد شدہ۔ اعتماد بنفس را از دست دادہ نہ بہ خود و نہ بر کسی اعتماد نکند۔

دین مبین اسلام ہر دو نوع بیماری را درمان فرمود۔ برای رفع غرور بیا یاد آور

شد کہ ما ہمیشہ بخاطر بیاوریم کہ قدرت خدا بالای قدرت ما است۔ و آنچه داریم

نعمت و فضل خدا است۔ خدا تعالی فرمود ﴿وَمَا يَكُم مِّنْ نِّعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ﴾ النحلہ۔ ۵۳

آنچہ داشتہ باشید از نعمت مال و جاہ و فضل و علم ہمہ از خدا است

که موجب شکر است نه مقتضی غرور. و فرمود: «وَمَا أَوْتَيْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا»
 (اسلام - ۷۵) به شما داده نشد از علم و دانش مگر اندکی. آنچه دارید اندک است
 و همین اندک هم همیشه پایدار نمی ماند. و برای دفع خواری فرمود: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ
 أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» شما مسلمانان سترین گروهی هستید که در جهان برای راهنمایی مردم
 آماده اید و فرمود: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»
 سست مشوید و اندوهگین نگردید و شما بالا ترو پیروزتر هستید اگر باشید
 ایمان داران. رسول الله فرمود: «صیچیک از شما نباید خود را خوار شمارد. و فرمود
 نباید جزو افراد دنباله رو باشید. کسیکه بگوید اگر مردم خوب بودند خوب خواهیم بود
 و اگر مردم بد بودند بد خواهیم بود. بلکه شناسائی هر یک برای خود بطوری باشد
 که اگر مردم خوب باشند خوب باشد و اگر مردمی بد بودند او بدی نکند.»
 خدای متعال فرمود: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا

شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (البقرة ۱۴۳)

ماگردانیدیم شما مسلمانان را گروهی برگزیده و میانه رو تا شما به نیکوکاری و
 خوش رفتاری تمان. گواهان بر سایر مردم باشید. خوبان کسانی باشند که راه شما گرفته باشند
 و بدان مردمی که راه اسلام را ترک نموده و طریق کفر پسندیده باشند
 شما مسلمانان گواهانی هستید که خدای توانا شمارا گواهان عدل قرار داد. تا سایر
 ملتها نجات و یا هلاکت شان بر حسب گواهی شما باشد.
 خدای متعال به همگی توفیق طعشش عنایت فرماید و از دو بیماری غرور و خواری برهانند.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

۹۹- کسیکه خدایه او اراده خیر دارد او را

در دین دانا میگرداند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى .

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطِيعُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ» ۵۶-۵۸- الذاریات

خدای متعال فرمود نیا فریدم جن و انس را مگر برای عبادت من. نه قصد یافتن روزی از آنان هستم و نه می خواهم مرا طعام کنند. زیرا محقق این است که خدای تعالی او است بسیار روزی رسان.

دارنده قدرت فراوان. خدای تعالی جن و انس را برای طاعت خود آفرید. تا در راه طاعتش گام بردارند. و برای سعادت دوجان خود از عبادت خدای یکتا مدد بگیرند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُصَقِّهِ فِي الدِّينِ» کسیکه خدای تعالی اراده خیر به او دارد او را در دین دانا گرداند. دین بین

اسلام شاهراه سعادت را به جهانیان نشان داد - و برای آسایش ضمیر آدمی و عاقبت
بخیر او سعادت دو جهانی او قواعدی غلط ناپذیر مقرر داشت تا حاکم بر مقدرات آدمی
دین او باشد - و خرد و بزرگ اعمال خود را برابر آن میزان کند و به روح خود اهمیتی
بدهد که در پرورش صحیح آن در دنیا احساس نیک بختی و آرامش نماید -

زمانی که مادر آن زندگی می‌نمائیم جهان بطوری بسرعت پیش میرود - و
بحدی دگرگونی بهمراه دارد و به نوعی میان قدیم و جدید فاصله می‌اندازد که فاصله
قرن‌ها در گذشته به ساعتها تبدیل گشته است - هر یک از ما می‌تواند فاصله سی
سال قبل را بخاطر بیاورد و در پیشرفتی که در امور مادی در جهان امروز پیش آمده
است با هم مقایسه نماید خواهد دید که به قیاس درست نمی‌آید - اگر گامی فراتر نهد
و میان جسم و روح درسی سال قبل و امروز مقایسه‌ای برقرار سازد باز فاصله
بیشتری خواهد دید - در این سی سال که یک قرن به حساب است به حدی در آموزادی
پیشرفت حاصل شده است که تسخیر دریا و بفرمان آوردن فضا و برداشتن بُعد
مسافت و ایجاد وسائل راحت جسم مافوق تصور بشری فراهم ساخته است - آمار
برابر این همه - پیشرفت بشر از لحاظ معنوی به عقب رفته است - روحها معذب
خاطر با نا آسوده و مثل این است که آدمی چیزی را گم کرده است و همین چیزی که
آدمی آن را گم کرده است ایمان قوی به عالم اخروی است که هیچ چیز نمی‌تواند جایی
گزین آن گردد -

ما چشم خود می‌بینیم که اگر آدمی یک دست خود را از دست دهد و یک پای
خود را و یا از بینائی محروم گردد و یا از شنوائی باز هم می‌تواند بوسیله باقی اعضاء خود

زنده بماند. اما اگر روح خود را از دست داد و بدون همه اعضا مردن نفعی نخواهد داشت.

ایمان در وجود آدمی همانند روح او است که نشا و امیدواری و حیات و کار آمدی را به آدمی می بخشد. در دنیای امروز همه زحمات بخاطر برابری در شکم است و همه برای برابری با هم در شکم منتهای سعی و کوشش را دارند. تمام فکر غربی از همه ابتکارات و اختراعات و اقتصادیات از حد و شکم و شهوت میگذرد. برای اینکه با نیروی ایمان به آخرت مجتنب نیست و اسلام برای این است که مردم در روح با هم برابر شوند نه در شکم. وقتی روحها با هم برابر می شوند که هدف همه طاعت خدا و قصد همه در همه کار رضای خدا باشد در آن موقع است که نه دشمنی میماند نه ناراحتی نه تنم میماند نه خیانتی. و اینکه در فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله و صحبه وسلم:

«مَنْ يُرِ اللَّهُ تَبَهُ بِخَيْرٍ أَيْفَقَهُ فِي الدِّينِ» کسیکه خدا به او اراده خیر فرمود او را در

دین دانا گرداند بدین معنی است که شخص دانا در دین روح و جسم را منظور دارد و روح جاوید را فدای جسم فانی نخواهد ساخت. و از پرورش و نیروی جسم پاکی روح در نظر خواهد گرفت.

و از پیشرفت در دنیا سعادت عقبی را تأمین خواهد کرد. ایمان وسیله آسایش روح و نیرو مندی جسم است. ایمان خود را در دنیای پر آشوب کنونی حفظ و تقویت کنید. و فرزندان

بستگان خود را به نیروی ایمان بخدا و روز قیامت آراسته سازید و در هر حال نگذارید جهان مادی امروز خلقی در ایمان تان پدید آرد که سرمایه آدمی عمر او است و پایداری و آسایش عمر آدمی در

ایمان او است. قال الله تعالی: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الَّذِينَ فَلَا تَمُوتُونَ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ ۱۱ النِّبَةِ

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و الصالحین سبحان ربک رب العزّة عما یصفون و سلام علی المسلمین و الحمد لله رب العالمین

۱۰۰ - همان گونه که پاک به جهان آمدید کوشش کنید که پاک از جهان بروید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ - قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ:
﴿وَنَفْسٌ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ
خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ - ۱۰ - الشمس

قسم به جانها و خدائی که آنها را راست کرد و در دل آنان نهاد تمیز و ادن
نابجاری و پرهنزگاری و شناختن خوبی از بدی. قسم به خدائی که جانها را راست کرد
که رستگار شد. کسیکه خود را پاکیزه نمود. خود را از بد رفتاری و بد اخلاقی دور داشت
و نوید شد آنکه او خود را آلوده کرد. تربیت صحیح مایه رستگاری است و بی تربیتی پایه نومیدی
و نابجاری است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ﴿كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ
فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ﴾.

هر فرزندی که پا بعرصه وجود گذارد بر سرشت پاک بدنیا آید. و آماده برای طاعت
حق تعالی قدم به جهان نهد. و این پدر و مادر او هستند که او را به کفر رسانند و به یهودیت

و نصرا نیت و محبوسیت او را پیوند دهند - خدای متعال بقاء بشر را در زاد و ولد قرار داد -
و فرزند شایسته را از بهترین نعمتهای نام برد که موقع انقطاع اعمال بکار آیند -

قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ : إِذَا مَاتَ الْمَرْءُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ

إِحْدَى ثَلَاثٍ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ (رواه مسلم)

هر شخص مسلمان بهنگام مرگ اعمال او قطع شود مگر در صورتی که دارای یکی از این
سه عمل باشد دارای صدقه جاریه باشد و یا دارای علم نافع که مردم از آن علم بهره
گرفته باشند و ثواب آن به او رسد - و یا اینکه دارای فرزندی صالح باشد که او را
دعای خیر کند -

در این حدیث صحیح فرزند صالح را از اسباب بقاء عمل آدمی دانست که کارهای خیر
او مایه ثواب پدر و مادر گردد - و دعای خیر او از اسباب شاد شدن روح پدر و مادر
باشد - فرزندان همه بیکسان بدنیا آیند همه دارای چشم و گوش و اعضاء
و همه دارای عقل و هوش هستند - و این پدران و مادرانند که با تربیت صحیح فرزندان خود
را صالح کنند و یا با دست کشیدن از تربیت او او را طالح کنند - بقول سعدی:

هر که در خردیش ادب نکند
در بزرگی فلاح از او بخواست

چوب تر را چنانکه خواهی بیخ
نشود خشک جز به آتش راست

در تربیت فرزند آنچه اثرش برای همیشه میماند - تربیت دینی است که فرزند بر
عقیده درست با آید و این عقیده درست به تکرار در ذهن کودک برقرار میماند - عادت

دادن کودک بر یاد خدا و ابتداء کردن هر کار بنام خدا و شمرن نعمت های خدا و روزی
و خاطر کودک نقشی قنای پذیر می بندد.

احترام گذاشتن به کودک بطوریکه از کودکی احساس به شخصیت خود نماید
باعث میشود استعداد خود را به کار آورد و فردی سودمند ببار آید. پرورش روح
دلاوری و ادب باعث می شود فرزند با ادب و زنده ببار آید و در برابر مشکلات
زندگی نراسد. تقویت روح همبستگی و تعاون و محبت خیر و خوبی باعث میگرد که
کودک خود را فردی از اجتماع بداند و سعادت خود در راحت مردم و نیک بختی خود
در خدمت نخلی شناسد. دورداشتن کودک از رفقا بد مایه سلامت جسم و جان او و
پایه پیشرفت او در راه خیر خواهد بود. کودکان را از حرکات زننده دورداشتن و
کلمات ناپسند و حضور آنها بر زبان نیاوردن و آنان را بر شرم و حیاء تشویق کردن از
اسباب سلامت و دوری آنان از فساد است.

آنانیکه فرزندان خود را از رفقا بد دور نمایند و فرزندان خود را بدست خود
می گسند.

و آنانیکه دعوی و مرام در نظر فرزندان خود در خانه به راه می اندازند فساد
اخلاق فرزندان خود را پایه گذاری میکنند. فیلم های زننده در نظر کودکان گذاردن از اسباب
بی حیائی و سقوط اخلاقی کودک است. خدا تعالی هر نعمتی که به بندگان عطا میفرماید
بنندگان را از شکر آن نعمت خواهد پرسید.

بزرگترین نعمتی که خدا تعالی به بندگان میدهد وجود فرزندان است و آنانیکه
تربیت فرزندان را تا دیده میگیرند و از تنگین شدن آنها باک نمیدارند افرادی سقوط نموده و

در شمار مردگان عاقبت نه بخیزند.

شما مسلمانان که از امت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بشمارید چرا نمی خواهید
فرزندان تان از این اُمت باشند. افرادی از این امت هستند که دستورهایی
دینی اسلام را گردن نهند و برای سعادت خود و فرزندان و بستگان خود کوشش
نمایند و آنها نیکه دست از تربیت بستگان خود میکشند عاقبتی تلخ و روزی سیاه
و فرجامی سنگین در انتظار دارند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُهُ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا - قَالَ كَذَلِكَ
أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسَيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى ﴾ (طه - ۱۲۴ - ۱۲۶)
خدای متعال دل‌های ما را به نور ایمان روشن سازد تا از تربیت صحیح
فرزندان و بستگان خود فروگذار نکنیم.

وَصَلَّى اللَّهُ تَعَالَى وَسَلَّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ
وَالصَّالِحِينَ سَبَّحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

فهرست مطالب

شماره صفحه	شماره وعظ	عنوان
۱		مقدمه
۳	۱	آغاز رمضان
۱۲	۲	روزه در تمام ادیان آسانی بوده است
۲۰	۳	روزی واجب و جمل تنظیم شده است - در طلب روزی نکوئی بکار برید
۲۸	۴	مردم آزاری از گناهان کبیره است - مؤمنان را میا زارید
۳۶	۵	نماز گذاری و تمیم نوازی و مساعدت مستمندان با هم همراهند
۴۴	۶	در حقوق مسلمانان نسبت بحد دیگر
۵۴	۷	خوشنودی خدا در خوشنودی پدر و مادر است
۶۴	۸	علم نافع بهترین نعمتها است
۷۳	۹	تعاون و هم بستگی در کارهای مهمتین دستورهای اسلام است
۸۲	۱۰	بنده با ایمان در سجود خود را به خدا نزدیک می سازد
۹۱	۱۱	استقامت پایه سعادت مندی است
۹۷	۱۲	غیبت و پشت سر گوئی از گناهان کبیره است
۱۰۵	۱۳	داومت بر یاد خدا عادت مردم با ایمان است
۱۱۳	۱۴	مسلمانان همه با هم برآوردند - باید مثل جان شیرین همدگر را دوست بدانند
۱۲۲	۱۵	نماز با جماعت نشانه ایمان داری است - نماز روح دینداری است
۱۳۱	۱۶	مؤمنان بر خشن پوشی عادت دارند - طلا و بر شیم بز نان و آب میگذارد

عنوان	شماره وعظ	شماره صفحه
بخش بدترین درد اجتماعی است .. بخش دایان با هم جمع نمی شوند	۱۷	۱۴۰
از خشم و غضب نار و ابرو میزاید که خشم مهمترین سلاح شیطان برای ...	۱۸	۱۴۸
بخش دوم		
از خوردن مال یتیم بپرزیدید که مال یتیم به نار و اخوردن آتش است	۱۹	۱۵۹
ایران و عمل صالح با هم همراهند - هیچ عملی بدون ایمان در آخرت ارزشی ندارد -	۲۰	۱۶۸
سعادت خلق در عدالت و امانت است	۲۱	۱۷۷
نگذارید دشمنی در میان شما رخند کند - میان شما صیمن اصلاح کنید -	۲۲	۱۸۶
احوال قیامت از نظر دور ندارید	۲۳	۱۹۵
توانگر باید در راه خدا اتفاق کند - جز از جنس عمل است	۲۴	۲۰۴
شیر خواری را یادداشت کنید - به افراد خانواده بگوئید تا نکاح محارم پیش نیاید	۲۵	۲۱۳
اسلام تربیت و سرپرستی زن و فرزند به عهده شوهر قرار داده است	۲۶	۲۲۲
شب تدر را احیا کنید	۲۷	۲۳۱
ان اسراف و تبذیر بپرزیدید - نکاح که از طاعات است بر پایه معافی نباشید -	۲۸	۲۴۱
سعادت و جهان در بساری یاد خدا است	۲۹	۲۵۰
عاقبت خیر و فرجام نیک برای پرهیزگاران است	۳۰	۲۵۹
سائش رسول الله - مدح او همان است که پروردگار در باره او فرمود	۳۱	۲۶۸

شماره صفحه	شماره دعو	عنوان
۲۷۵	۳۲	سیرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم سر مشق امتنان او است
۲۸۴	۳۳	ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ - قیام او بود به واجب اسلام کہ اسلام در پرده مخاطره ترین دوراننش به سر بلندی پیروز شد
۲۹۶	۳۴	فادوق رضی اللہ عنہ - اسلام او عزت بود - هجرت او پیروزی بود - امامت او رحمت بود -
۳۰۸	۳۵	ذی النورین رضی اللہ عنہ - دصشہامی او در راه خدا خوشنودی رسول اللہ از او -
۳۱۹	۳۶	رضای رضی اللہ عنہ - مشاہد او - فضائل او - دریای علوم او رضای خدا و پیغمبر از او -
۳۳۰	۳۷	الزہراء رضی اللہ عنہا - برترین زنان دنیا - عظمت مقام او - فضائل بی شمار او
۳۴۰	۳۸	امام حسن مجتبیٰ - مختصری از سیرت ایشان - مقام بزرگ ایشان -
۳۴۷	۳۹	امام حسین سید الشہداء - مختصری از سیرت ایشان - مقام ایشان
۳۵۱	۴۰	آل بیت نبوت - وجوب محبت شان - لزوم پیروی شان - درود بر ایشان -
۳۶۱	۴۱	پاران پیغمبر - صفات ایشان - لزوم پیروی ایشان -
۳۷۱	۴۲	در روزہ چقدر حکمت نمنفتم است
۳۷۹	۴۳	لحظات عمر را غنیمت شمارید
۳۸۸	۴۴	دصبر و حوصلہ چه سعادتہا است و در نابکاری چه بد بختیہا
۳۹۸	۴۵	بخش سوم بادہ گساری شالودہ بد بختی او خسارت دنیا و آخرت است

عنوان	شماره وعظ	شماره صفحه
مال باید وسیله سپاسگذاری باشد نه سبب غفلت از یاد خدا	۴۶	۴۰۷
در آغاز رمضان چگونه باید نیت کرد - موقع دیدن هلال چه باید گفت - اثر نیت در اعمال -	۴۷	۴۱۸
روزه که فرض شده است در ماه رمضان سر اسرار حکمت است - فرما ببرد دستور شریعت باشید که سعادت تان در آن است -	۴۸	۴۲۴
نگهداری زبان و هر عضوی - آدمی در برابر آن مسئولیت دارد که هر اعضاء باید به نیکوکاری و طاعت خدا داداشت چه موقع می توان به ایمان داری اعتماد داشت موقعی که برای برادر همان خواهی که برای خودت	۴۹	۴۲۹
فقد خیر و خیر خواهی مردم - دعای خیر ب مردم - نیکوکاری ب مردم -	۵۰	۴۳۴
دروغ و غیبت و خیر چینی و بد خواهی ثواب روزه را باطل میکند -	۵۱	۴۴۰
منت گذاری در احسان - ریا کاری - ثواب احسان را باطل کند	۵۲	۴۴۵
برای رفتن به مسجد باید پاکی بدن و لباس و دهن و بوی خوش رعایت کرد -	۵۳	۴۵۱
موقع رفتن به بستر - موقع بیدار شدن - موقع برون رفتن از خانه و آمدن به خانه چه باید گفت	۵۴	۴۵۷
تکبر مایه بدبختی است - نشانه نابودی است - تواضع مایه عزت و سرفرازی است -	۵۵	۴۶۳
	۵۶	۴۶۹

عنوان	شماره وعظ	شماره صفحه
پدر و مادر - فضل شان بر فرزند - ثواب خوشنود کردن شان	۵۷	۴۷۶
یا گفتار خیر یا خاموشی - که حرف بد ناکفتش اولی است	۵۸	۴۸۲
اعتکاف - مواقع آن - ثواب آن - پایه های اسلام	۵۹	۴۸۹
فرزندان - حقوقی که برگردن پدر و مادر دارند - تربیت شان - آماده کردن شان برای مستقبل -	۶۰	۴۹۶
پایمال کردن حقوق مردم - عقوبت آن - بدفرجامی آن -	۶۱	۵۰۲
فصحت را غنیمت شمارید - وقت را بیسوده تلف مکنید - جوانی و تندرستی را در کارهای نیکو بکار برید -	۶۲	۵۰۸
و ضور نه تنها برای شستن رو و دست و سرو پا است بلکه باید شستن چشم و گوش و دل همراه داشته باشد -	۶۳	۵۱۹
بخش چهارم		۵۲۷
کسیکه پرستیز از شبهه نکر و در حرام افتد - فضائل پرستیزگاری -	۶۴	۵۲۷
دلی که از قرآن بی بهره باشد مانند محروم است -	۶۵	۵۳۵
نماز اگر بدستی خوانده شود نیک سختی دو جهان بهمه دارد -	۶۶	۵۴۳
پاده گاری - مادر گناهان - الکلی پست ترین بندگان است -	۶۷	۵۵۱
قتل نفس - آیمختن نسب - رختین شرف - دزدی ناموسا همه در زنا کاری جمع شده است -	۶۸	۵۵۸
ترس از خدا سر آمد حکمتها است -	۶۹	۵۶۴
شب قدر - آداب آن - دعای آن - تعیین آن -	۷۰	۵۷۰
هر کس در این دنیا در و شده اعمال خود می بندد می یابد -	۷۱	۵۷۶

شماره صفحه	شماره دعوا	عنوان
۵۸۳	۷۲	کسیکه به پیری رسید اگر دست از زشتکاری نکشد عذری برایش نمانده است.
۵۹۰	۷۳	رویت هلال تا چه حدود تأثیر دارد. اختلاف فقهار آنچه علمای بهنیت گفته اند.
۵۹۷	۷۴	کسیکه از برادر مسلمانش دفاع کند. نگذارد حق او پایمال شود. خدا پشتیبان او است.
۶۰۵	۷۵	یکتا پرستی. اعتماد بر خدا در همه حال. آنچه نوشته آدمی است همان پیش آید.
۶۱۳	۷۶	قصد از خطبه ارشاد و راهبانی است و نتیجه آن از اخلاص برای پروردگار متعال است.
۶۱۷	۷۷	مال و زندگی نباید مایه غفلت از یاد خدا باشد. مهر و رحمت خدا را زیاد بپر.
۶۲۵	۷۸	لقمه حلال مایه قبول اعمال است.
۶۳۲	۷۹	حج حکمت های فراوان دارد.
۶۳۹	۸۰	در زیان می خواری
۶۴۸	۸۱	در فضیلت نکوکاری به پدر و مادر. پدر و مادر چگونه حقی دارند.
۶۵۵	۸۲	در فضیلت امر بمعروف و نهی از منکر
۶۶۲	۸۳	در نگهداری یتیم سرپرستی یتیم چگونه ثوابی دارد.
۶۶۹		بخش مجسم

عنوان	شماره وعظ	شماره صفحه
در شب عید و احیای آن	۸۴	۶۷۰
بترین پیشه با بازارگانی است که به خوبی انجام گیرد و وسیله تولید کار برای بیکاران باشد.	۸۵	۶۷۸
در زنا کاری شرک بجا است.	۸۶	۶۸۶
فضیلت درود بر پیغمبر و آل و اصحاب او.	۸۷	۶۹۵
توبه آما چگونه باید باشد.	۸۸	۷۰۲
خبر هینچی و دوزخی چگونه عقوبتهائی دارد.	۸۹	۷۱۱
نماز باید چگونه باشد.	۹۰	۷۱۶
نشانه های منافق.	۹۱	۷۲۵
مال یتیم خوردن - عقوبتهای آن.	۹۲	۷۳۴
رعایت حقوق خویشاوندان.	۹۳	۷۴۳
فضیلت نماز با جماعت.	۹۴	۷۴۹
ده روز ذی حجه - فضیلت روز عرفه.	۹۵	۷۵۵
شرک بزرگترین گناه است.	۹۶	۷۶۳
قبل از دیدن روز جزاء بفرموده روز جزاء باشید	۹۷	۷۷۱
جوانب صنف و قوت خود بخاطر آورید.	۹۸	۷۷۵
کسیکه خدا به او اراده خیر دارد او را در دین دانا میگرداند.	۹۹	۷۷۸
همان گونه که پاک به جهان آمده آید کوشش کنید پاک از جهان بروید.	۱۰۰	۷۸۱
فهرست مطالب		
ماخذ کتاب		
فهرست اعلام		

ماخذ کتاب

تفسیر علامہ شہاب الدین آلوسی
تفسیر علامہ قاضی بیضاوی
تفسیر جلالین صحیح بخاری
صحیح مسلم سنن ابی داؤد
سنن ترمذی سنن نسائی
سنن ابن ماجہ بلوغ المرام
ریاض الصالحین الاذکار
الجماع الصغیر وشرح آن الفیض القدر
کتب فقہ نذیب شافعی زواج ابن حجر
مشکاۃ المصابیح ارشاد العباد علیہا
مسند امام احمد اسد الغابہ ابن الاثیر
تہذیب الاسماء نووی
قاموس علامہ فیروز آبادی وغیرہا

*

فہرست اعلام

ابوموسی اشعری	ابن مسعود	آدم
ابونصیر	ابن النجار	آمنہ
ابونعیم	ابو امامہ	ابان بن عثمان
ابویعلیٰ	ابوبکر الصدیق	ابا الجہم
ابی امامہ	ابوتراب	ابراہیم
ابی دھاب بن عزیز	ابوجعفر محمد بن علی	ابرمہ
ابی ایوب الانصاری	ابوالحسن	ابن ابی الدنیا
ابی بردہ بن نیاز	ابوالحسن بکری	ابن ابی شیبہ
ابی برزہ	ابوالحسن شاذلی	ابن بشکوال
ابی بکرہ	ابوداؤد	ابن حبان
ابی جبل	ابو الدرود	ابن حجر
ابی الدرود	ابو ذر	ابن خزیمہ
ابی ذر	ابوسعید الخدزی	ابن السنی
ابی سعید	ابوشجاع	ابن صصری
ابی العاص بن الریح	ابو شریح خزاعی	ابن عباس
ابی قتادہ	ابوطالب	ابن عدی
ابی لؤلؤہ مجوسی	ابوعبیدہ بن الجراح	ابن عساکر
ابی مسعود الانصاری	ابوعلیٰ سینا	ابن عمر
ابی مسعود البدری	ابوموسیٰ	ابن ماجہ

ابن موسی الاشعری
ابن نصیر
ابن صهریره
ابن بن کعب
اردی
اسامه
اسود عتسی
اشعث بن قیس
الاصهبانی
امامه
امام احمد
امام اعظم
امام البحرین
امام شافعی
امام مالک
اتم حکیم
اتم کلبه
اتم کلثوم
اتم کلثوم کبری
انش
انش بن مالک
اوسط بن عمرو

بخاری
براد
برادر بن عازب
برک بن عبداللہ بنی
بریدہ
بزار
بشیر بن سعد
بلال
بہیقی
ترندی
جابر
جابر بن عبداللہ انصاری
جامی
جبریل
جریر
جریر بن عبداللہ
جعفر
جلال الدین دوانی
جویریہ
حاکم
حذیفہ
حذیفہ بن الیمان

حسن بصری
حسن بن علی بن ابی طالب
حسین
حسین بن علی
حفصہ
حکیم بن جبلة غافقی
حلیمہ سعیدیہ
خارجہ
خالد بن الولید
خدیحہ
خضر
خطیب
قیام
خیزران
دارقطنی
داور
دلمی
ذہبی
ذی النورین
رقیہ
روح الدین
زبیر

عبد اللہ بن جعفر
عبد اللہ بن الزبیر
عبد اللہ بن سبا
عبد اللہ بن الشخیر
عبد اللہ بن عباس
عبد اللہ بن عمر
عبد اللہ بن عمرو بن العاص
عبد اللہ بن المبارک
عبد اللہ بن مسعود
عبد الرحمن سمرة
عبد الرحمن بن طحمة مرادی
عبد مناف
عبد المطلب
عینق
عثمان
عقان
عقبة بن اکارث
عقبة بن عامر
عقیق
علقمة
علی بن ابی طالب
عمار

سلمی
سیلمان
سنان بن حارثہ
سودہ
سحل بن سعد
سید جمال الدین افغانی
شاہ نعمت اللہ ولی
شفاء
الشیخان
صدیق
صحب
طاب
طبرانی
طلحہ
طلحہ
عائشہ
عبادۃ بن الصامت
عباس بن عبد المطلب
عبد اللہ
عبد اللہ بن ابی اوفی
عبد اللہ بن اریقظ
عبد اللہ بن ام کثوم

زہرا
زید
زید بن ارقم
زید بن حارثہ
زید بن خالد الجنبی
زید بن زین العابدین
زینب
زینب بنت جحش
زینب کبری
زین العابدین
سائب
سجاء
سعد
سعد بن ابی وقاص
سعد بن عبادہ
سعد بن مالک
سعدی
سعید بن زید بن الخطاب
سعید بن المسیب
سفیان بن عبد اللہ
سفیان بن عیینہ
سلمان الفارسی

علی رشادلی

عمر الخطاب

عمر بن علی بن حسین

عمر بن بکیر تیمی

عمر بن اکارث

عمر و عاص

عون بن عبداللہ

فاروق

فاطمہ بنت اسد

فاطمہ بنت الخطاب

فاطمہ الزہرا

فضالہ بن عبید

فضیل بن عیاض

قربی

قیس بن ابی حازم

کعب بن عجرہ

لوط

مالک بن ربیعہ ساعدی

مالک بن دینار

محمد

محمد الباقر

محمد بن ادریس شافعی

محمد بن الحنفیہ

محمد بن علی بن ابی طالب

محمد بن منصور سمعانی

محمد غزالی

مرتضیٰ

مرداس بن ابی عمرو

مرقہ بن کعب

مسلم

میلتمہ الکذاب

مطلب

معاذ

معاذ بن انس

معاویہ

معاویہ بن جندب

معقل بن یسار

مغیرہ بن شعبہ

موسیٰ

موفق

سیمونہ

سنانی

نعمان بن بشیر انفاری

النمیری

نوح

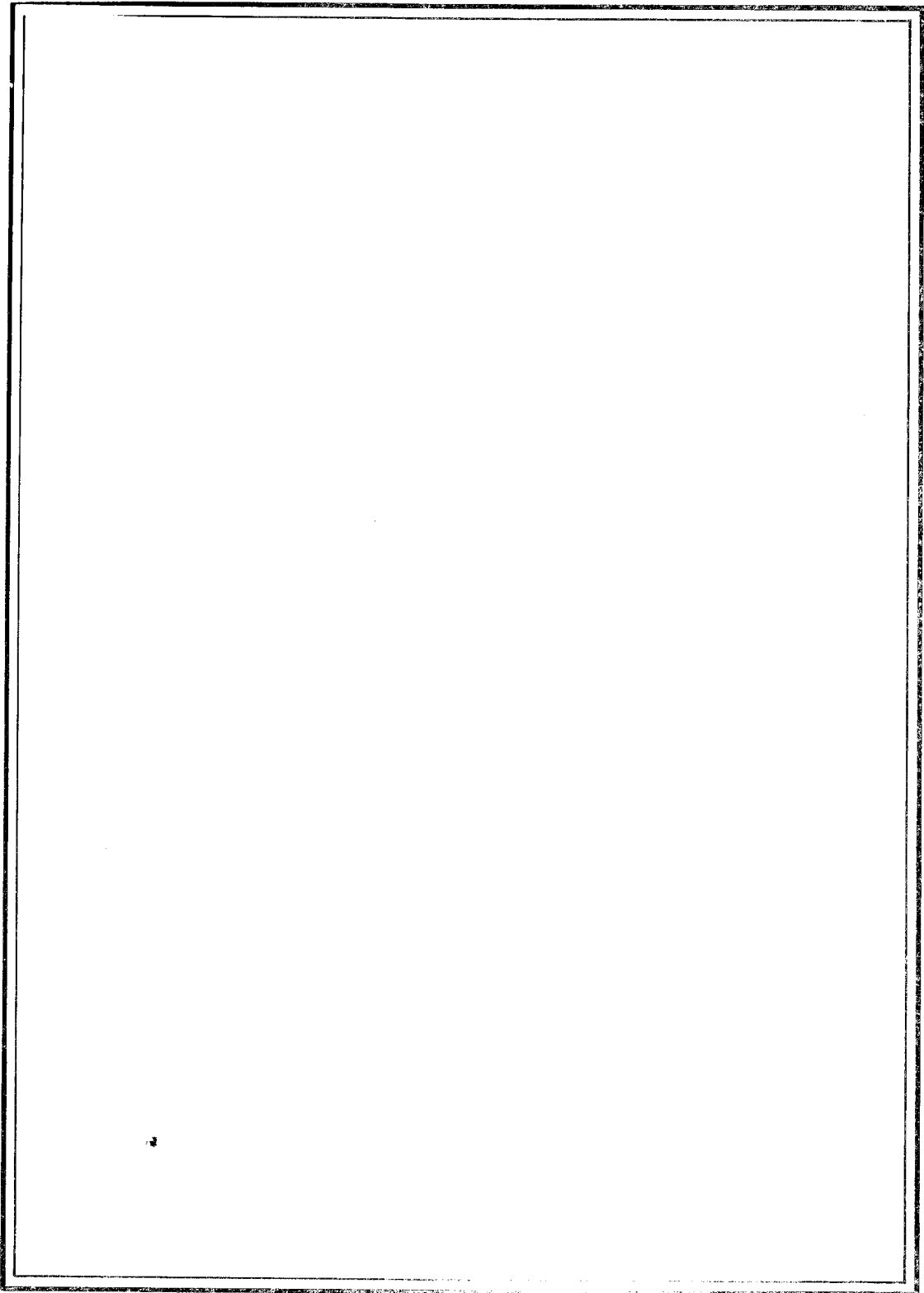
نوفل

ہاشم

یحییٰ بن ابی کثیر

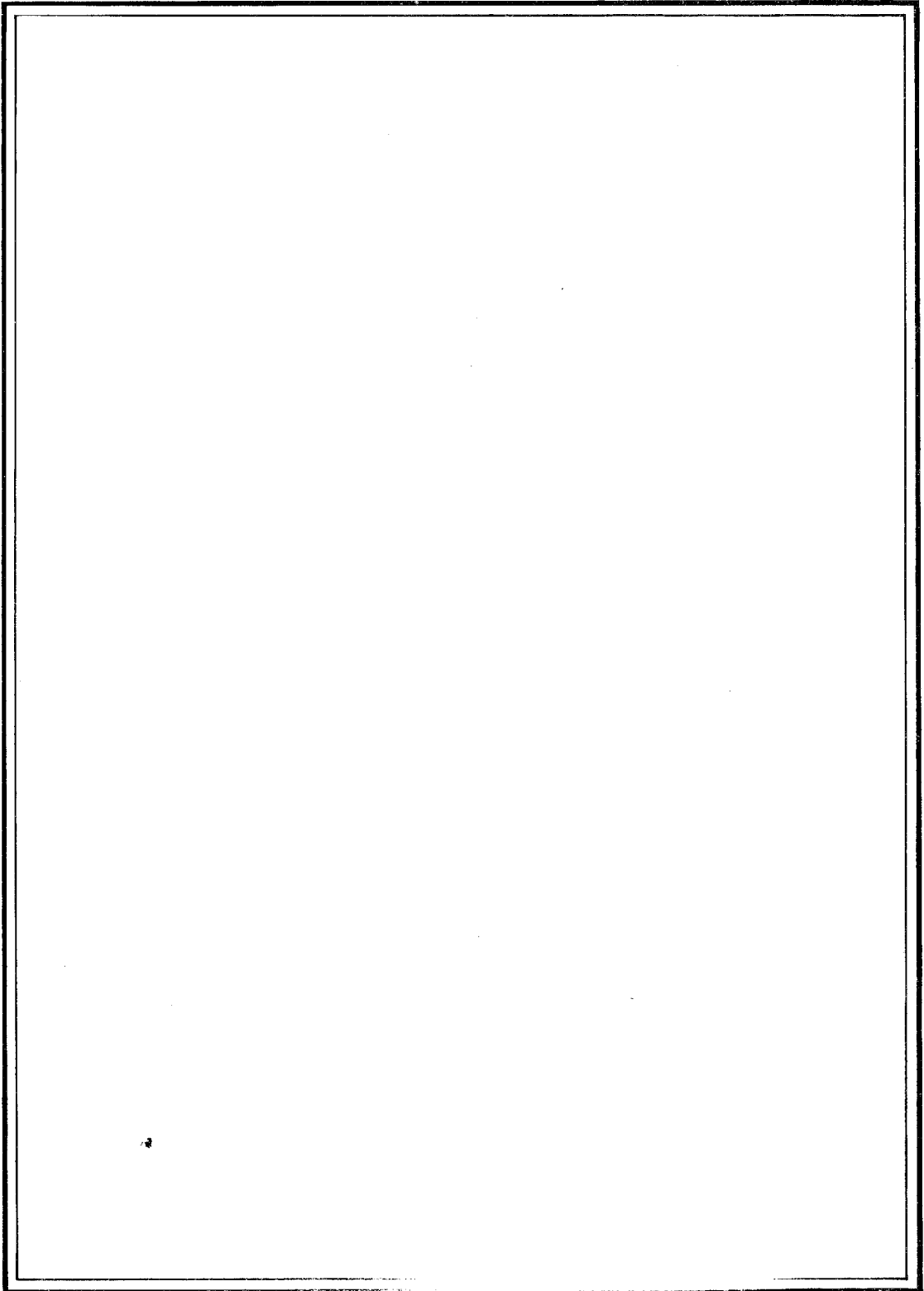
یسر

*



رقم الإيداع بدار الكتب القطرية

١٩٨٨/٤٥ م



مطابع الدوحة الحديثة

